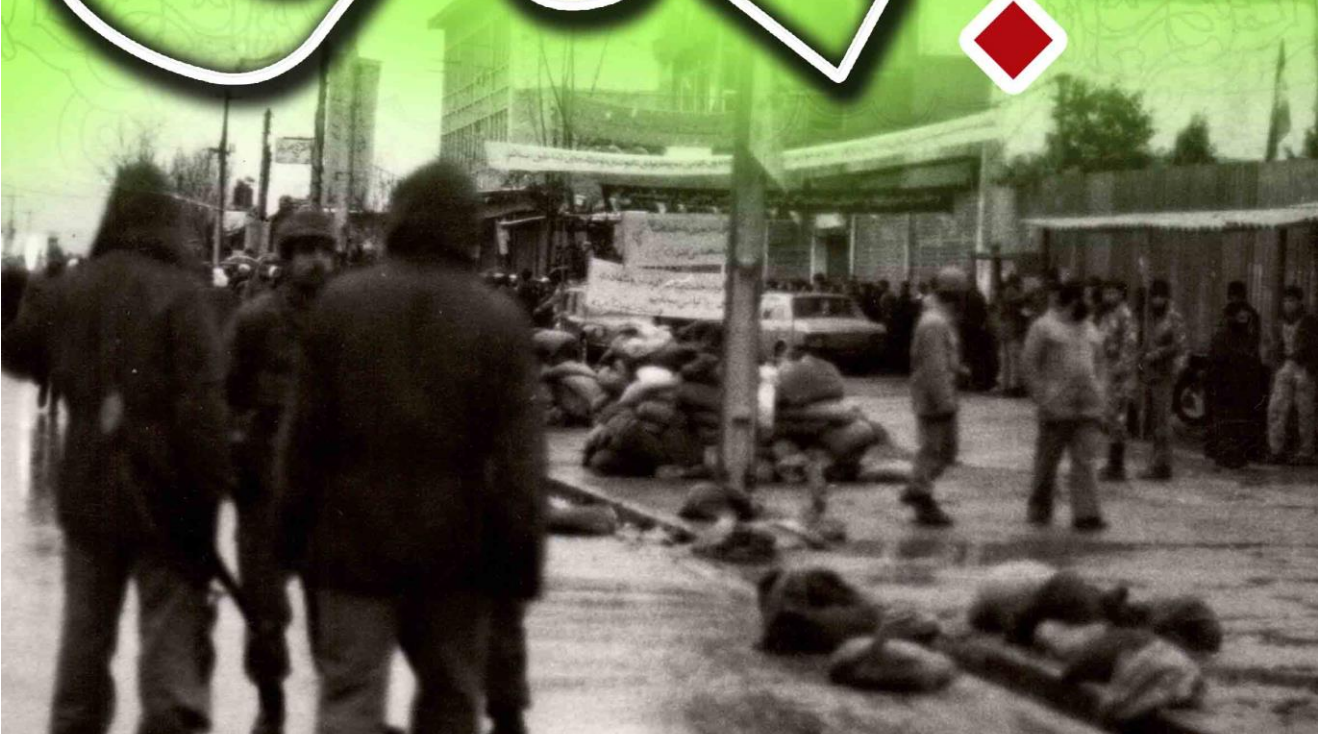


مجموعه مقالات اولین همایش ملی

حماسه

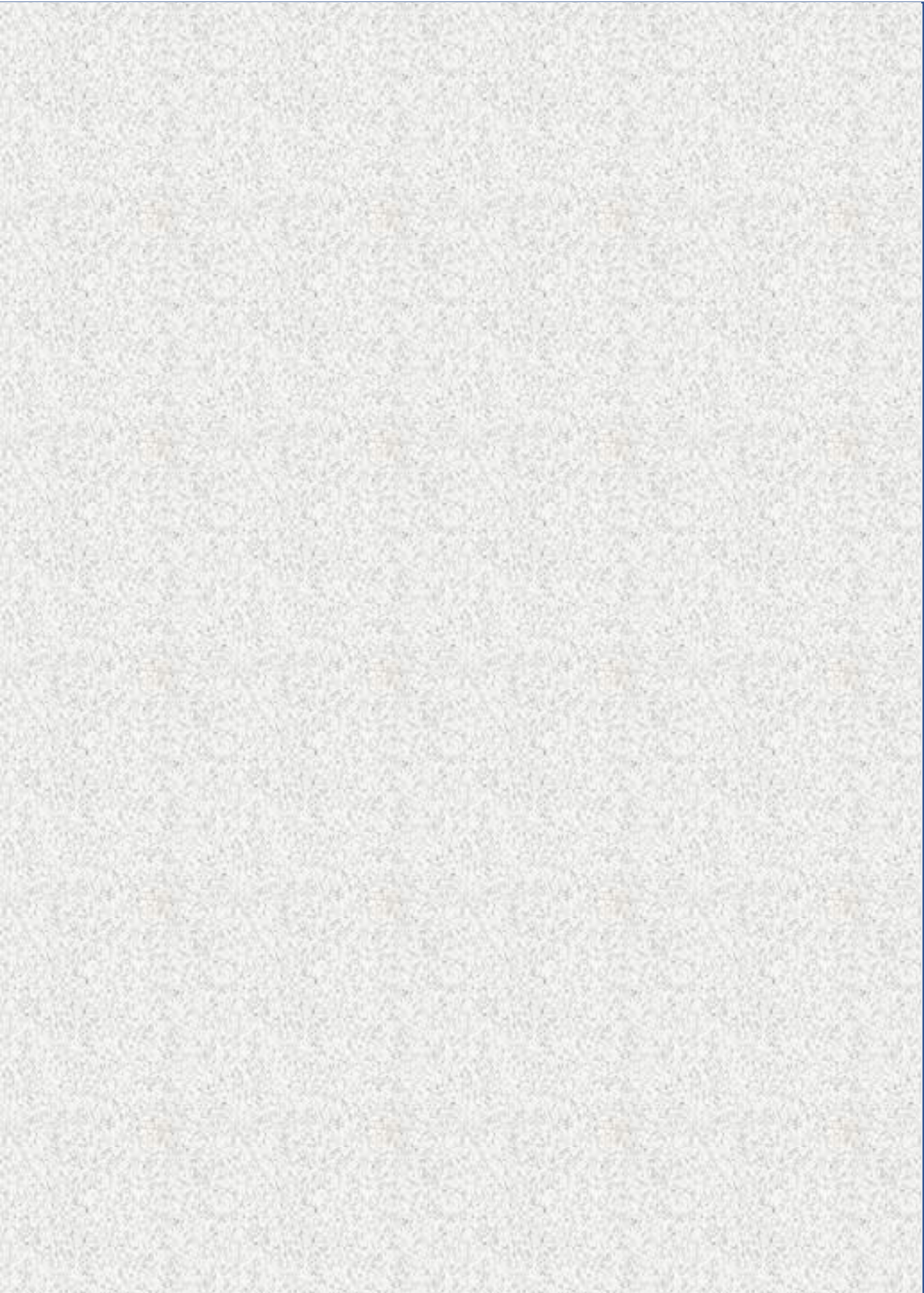
آمل

# سپهر





**به نام خداوند جان و خرد**





مجموعه مقالات

همایش ملی

حماسه شش بهمن آمل

۲ بهمن ۱۴۰۲

## رئیس شورای سیاست گذاری:

دکتر سید محمود حسینی پور

## شورای سیاست گذاری:

دکتر عبدالحسین کلانتری، دکتر سید محمود حسینی پور، دکتر حشمت‌اله علی‌نژاد، دکتر مرتضی علویان، دکتر جمال قاسمی، دکتر ابوالحسن شاکری، دکتر محمد تهرانی‌مقدم، دکتر مهدی بادپا، جناب آقای علی‌اکبر محمدپور، جناب آقای علی امانی، جناب آقای مسعود فرزانه

## دبیر همایش:

دکتر حشمت‌اله علی‌نژاد

## دبیر علمی همایش:

دکتر مرتضی علویان

## دبیر اجرایی همایش:

دکتر محمد رادمرد

## شورای علمی همایش (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر رضا اختیاری؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر یعقوب توکلی؛ استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم، دکتر علی‌اکبر جعفری؛ استاد دانشگاه مازندران، دکتر جواد حقیگو؛ دانشیار دانشگاه تهران، دکتر رضا خراسانی؛ استادیار دانشگاه شهید بهشتی، دکتر حسن خدادی؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر محمدباقر خرمشاد؛ استاد دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر غلامرضا خواجه‌سروی؛ استاد دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر جلیل دارا؛ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دکتر محمد رادمرد؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر حسین رفیع؛ دانشیار دانشگاه مازندران، دکتر مجتبی زارعی؛ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دکتر غلامعلی سلیمانی؛ استادیار دانشگاه تهران، دکتر سیدحسن شجاعی دیوکلائی؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر رضا شجری؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر مختار صالحی؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر شهروز شریعتی؛ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دکتر امامعلی شعبانی؛ دانشیار دانشگاه مازندران، دکتر غلامرضا ضابط‌پور؛ استادیار دانشگاه نوشیروانی بابل، دکتر رحمت عباس‌تبار؛ دانشیار دانشگاه مازندران، دکتر محسن عباس‌زاده؛ استادیار دانشگاه مازندران، دکتر مرتضی علویان؛ دانشیار دانشگاه مازندران، دکتر عباس عمادی؛ استادیار دانشگاه تربیت مدرس، دکتر محمدرحیم عیوضی؛ استاد دانشگاه شاهد، دکتر موسی

فقیه حقانی؛ استادیار و رئیس پژوهشکده تاریخ معاصر، دکتر محمدتقی قزلسفلی؛ دانشیار دانشگاه مازندران، دکتر منصور میراحمدی؛ استاد دانشگاه شهید بهشتی، دکتر حمیدرضا منیری؛ استادیار دانشگاه مازندران

مسئول دبیرخانه همایش:

محمدامین منفرد

مسئول پشتیبانی:

سیدمحسن حسینیان

مسئول هماهنگی:

سعید وردی

نشانی دبیرخانه همایش: مازندران، بابلسر، بلوار شهید ذوالفقاری، بلوار دانشگاه، پردیس

دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کد پستی: ۴۷۴۱۶-۱۳۵۳۴

۰۱۱۳۵۳۰۲۱۴۰

شماره تماس:

<https://umz.ac.ir>

نشانی الکترونیکی دانشگاه:

[/ https://6bahman.conf.umz.ac.ir](https://6bahman.conf.umz.ac.ir)

نشانی الکترونیکی پایگاه

مجازی همایش:

[6bahman.amol@umz.ac.ir](mailto:6bahman.amol@umz.ac.ir)

ایمیل:

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به دانشگاه مازندران است



## مقدمه

انقلاب اسلامی رویدادی منحصر به فرد بود که نظریات انقلاب را درنوردید. در واقع این انقلاب زمینه‌ساز به چالش کشیده شدن نسل‌های سه‌گانه نظریات انقلاب و بستری برای بسط نظریه‌های نسل چهارم انقلاب شد. به جرات می‌توان مدعی شد عامل «مذهب» مهمترین موجه تمایز این انقلاب با انقلابات پیشین شرقی و غربی بوده است. نگاهی دقیق به انقلاب اسلامی به خوبی بیانگر آن است که رهبری، ایدئولوژی و سازماندهی انقلاب چگونه در چارچوب مذهب تحقق پیدا کرد.

نیروهای چپ و ملی کمتر چنین تصویری از حضور نیروهای مذهبی در جریان انقلاب و فردای آن را داشتند. واکنش گروه‌هایی چون اتحادیه کمونیست‌های ایران را نیز در همین راستا باید تحلیل کرد. آنها انتظار داشتند، علیرغم آنکه نقش مهمی در جریان انقلاب نداشتند، در طراحی و استقرار نظام تازه تاسیس حضوری فعال داشته باشند. از این رو دست به سلاح بردند تا انقلاب را به نفع خود تغییر مسیر دهند. آنچه در ششم بهمن ۱۳۶۰ در آمل روی داد بیانگر واقعیتهایی تلخ برای این گروه بود. چرا که در این روز میزان همبستگی بدنه اجتماعی انقلاب و نظام تازه تاسیس بار دیگر خود را بازنمایی کرد.

در این چارچوب، مجموعه مقالاتی که در این همایش گرد هم آمده‌اند؛ تلاش دارند تا ضمن نقد و بررسی رویکرد جریان چپ و به‌طور خاص اتحادیه کمونیست‌های ایران، به واکاوی چرایی و چگونگی مقاومت مردم مازندران و آمل در مقابل نیروهای مائویست بپردازد. امید است که مجموعه همایش‌هایی از این دست بتواند به ترسیم واقعیت‌های این رویداد مهم یاری رساند. از این رو ضمن تشکر از همه پژوهشگرانی که در این امر خطیر و مهم ما را یاری کردند، امیدواریم بتوان با برگزاری همایش‌هایی از این دست، بیش از پیش همراهی جامعه مازندران با انقلاب اسلامی را به تصویر کشید.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از مجموعه عواملی که در برگزاری این همایش ما را یاری کردند نیز تشکر نمایم. معاون محترم سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری مازندران، جناب آقای دکتر قاسم عزیز زاده گرجی، ریاست محترم دانشگاه مازندران، جناب آقای دکتر حشمت‌اله علی نژاد، معاون محترم پژوهشی، جناب آقای دکتر جمال قاسمی، فرمانداران محترم بابلسر و آمل، تمامی دست‌اندرکاران همایش در سطح دانشکده حقوق و علوم سیاسی، همکاران دو معاونت فرهنگی و اجتماعی و پژوهش و فناوری دانشگاه مازندران که در برگزاری این همایش کمک‌های بی‌شائبه‌ای داشته‌اند. همچنین جا دارد از ستاد بزرگداشت حماسه شش بهمن آمل که برگزاری این همایش بدون حضور آنان ممکن نبود نیز تشکر کنم.

مرتضی علویان

دبیر علمی همایش





## فهرست مقالات

۱. واکاوی بازتاب واقعه آمل بر اساس نظام الگوهای نمادین ..... ۱
۲. مسخ در ایدئولوژی و انتحار عمل‌گرایانه: تحلیلی از ناکامی چپ رادیکال در ایران بعد از انقلاب ..... ۱۷
۳. مائوئیسم و جنبش‌های چپ در ایران؛ با تأکید بر اتحادیه کمونیست‌های ایران ..... ۳۳
۴. نقض شیوه‌نامه‌های درمانی و حقوق بشر در جریان حماسه آمل ..... ۵۳
۵. پایان اتحادیه کمونیست‌های ایران در حماسه مردمی ۶ بهمن آمل ..... ۷۵
۶. ماهیت‌شناسی واقعه تاریخی ششم بهمن شهر آمل ..... ۹۷
۷. نظریه و عمل مائوئیستی در شورش مسلحانه اتحادیه کمونیست‌های ایران ..... ۱۱۵
۸. نقش سردار حشمت‌الله طاهری در عملیات شیم‌کوه (حماسه‌ی آمل) ..... ۱۲۹
۹. ناسازگاری مردم آمل با دولت پهلوی ..... ۱۵۱
۱۰. بررسی بسیج مردم آمل در مواجهه با اتحادیه کمونیست‌های ایران ..... ۱۷۷
۱۱. بررسی مقایسه‌ای غائله آمل و حوادث گنبد کاووس ..... ۱۸۷
۱۲. نقش حاج‌محمد رنجبر در یوم‌الله ۱۸ آبان ۱۳۶۰ آمل (حماسه اول) ..... ۲۰۵
۱۳. نقش عملیات نظامی جنگل شیم‌کوه پایانی بر مبارزه کمونیست‌ها (حماسه‌ی آمل) ..... ۲۲۵
۱۴. نقش مردم‌سالاری دینی در واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل ..... ۲۴۵
۱۵. عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل ..... ۲۵۷
۱۶. نگرش تاریخی اتحادیه کمونیست‌های ایران از حادثه ششم بهمن آمل ..... ۲۷۱
۱۷. زمینه‌های سیاسی شورش مسلحانه کمونیست‌ها در آمل ..... ۲۸۹
۱۸. جایگاه واقعه حماسه آمل در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ..... ۳۰۹
۱۹. بررسی مقایسه‌ای واقعه سیاهکل و حماسه ششم بهمن آمل (اهداف و پیامدها) ..... ۳۲۷
۲۰. بررسی نقش تروریسم در فقه سیاسی شیعه با تأکید بر واقعه حماسه مردم آمل ..... ۳۴۷
۲۱. نقد مقاله: «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱» ..... ۳۶۷
۲۲. ارزیابی حماسه ملی مردم آمل و بررسی تلاش منافقین در سنوات مختلف ..... ۳۷۹
۲۳. جنبش‌های مردمی و انقلاب‌های مردمی؛ با تمرکز بر جنبش مردمی آمل در بهمن ۱۳۶۰ ..... ۳۹۹
۲۴. نقد و نظری بر پرنده‌ای نوپرواز در جنگل آمل؛ نگاهی به عملیات ایزدایی کمونیست‌ها (جنگل رزکه- حماسه آمل) ..... ۴۱۷
۲۵. رویکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران در قبال جریان مذهبی ..... ۴۳۷
۲۶. اتحادیه کمونیست‌های ایران و واقعه ششم بهمن؛ از نظریه سه جهان تا ترسه جبهه ..... ۴۵۹
۲۷. پراکسیس سیاسی و عدالت؛ شهر آمل و اتحادیه کمونیست‌های ایران در حماسه ۶ بهمن ..... ۴۷۹

۲۸. مقایسه همانندی‌ها و ناهمانندی‌های روش مبارزه مسلحانه سربداران و مجاهدین علیه جمهوری اسلامی ..... ۴۹۹
۲۹. نقش مردم مازندران در پیروزی انقلاب اسلامی (با تاکید بر شهر آمل) ..... ۵۱۳
۳۰. تبیین نقش نهاد جهادسازندگی در حماسه‌ی آمل ..... ۵۲۷
۳۱. «راه گم کردگان جنگل و گسست از نهضت معنا گرایی انقلاب ۱۳۵۷» به بهانه رویداد ۶ بهمن ۱۳۶۰ شهر آمل ..... ۵۴۷

## واکاوی بازتاب واقعه آمل بر اساس نظام الگوهای نمادین

علی آذری مقدم<sup>۱</sup>

علی جمعه پور<sup>۲</sup>

### چکیده

کشف چگونگی کنش اجتماعی از جمله مهمترین دغدغه های علوم اجتماعی مدرن محسوب می شود. در این میان برخی از نظریه پردازان علوم اجتماعی بر شناخت معنا و بازتاب آن بر کنش افراد و گروه ها تاکید می کنند. آنها معتقداند کنش ها نه تنها در خلاء رخ نمی دهد بلکه کنش ها نتیجه انباشت معنایی است که در بستر وقایع تاریخی قوام یافته است و در سال های پس از آن به حقیقت غالب کنش افراد بدل شده است. بدین سان این مقاله این سوال را مطرح می کند که بازتاب حماسه آمل در سال های بعد از واقعه چگونه بر کنش اجتماعی اثر گذار بوده است؟ پژوهش حاضر در پاسخ با استفاده از نظریه الگوهای نمادین کیلفورد گیرتز این فرضیه را مطرح می کند که برساخت معنایی نظیر ایثار، شهادت، انقلابی گری، ولایتمداری و ... در واقعه آمل باعث بازتاب این نمادها در سال های بعد از واقعه و معنا بخشی به کنش افراد و گروه های شهر آمل برای مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی ایران شده است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده ها بر اساس روش کتابخانه ای خواهد بود.

**کلید واژه:** حماسه آمل، نظام الگوهای نمادین، معنا، شهادت، انقلابی گری، ایثار،

کیلفورد گیرتز

---

<sup>۱</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه

طباطبایی. [AliAzarimoghadam@yahoo.com](mailto:AliAzarimoghadam@yahoo.com)

<sup>۲</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران [a.jomehpour75@gmail.com](mailto:a.jomehpour75@gmail.com)

## مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، حادثه آمل را می‌توان یکی از رویدادهای بسیار مهم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. در بهمن ۱۳۶۰ اتحادیه کونیست‌های ایران تلاش کردند تا شهر آمل را به تسخیر خود درآورند. آنها که در بحبوحه جنگ تحمیلی احساس می‌کردند دست برتری نسبت به نیروهای انقلاب برخوردار هستند، تلاش کردند با تسخیر شهر آمل بستر مناسبی برای فتح تهران و در نتیجه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم سازند. منتها تصور اتحادیه کمونیست‌های ایران از یاری رساندن مردم شهر آمل به آنها نتیجه را به کل دچار تغییرات اساسی کرد. به دین صورت که در کمال شگفتی و به شکل ناباوارانه‌ای از مردم شهر آمل نه تنها حتی یک نفر به «قیام فوری» نپیوست، بلکه همچون سیل خروشان گروهک اتحادیه‌ی کمونیست‌ها را از شهر بیرون ریختند (رهگذر، ۱۳۸۵: ۹۴). در نهایت نقشه تسخیر شهر آمل پس از مدت کوتاهی درگیری با نیروهای انقلابی و عدم همراهی مردم با این گروه ناکام ماند. در همین جهت باید در نظر داشت که درک پدیده‌های اجتماعی و سیاسی همچون واقعه آمل مستلزم شناخت هرچه بیشتر کنش اجتماعی است. کنش اجتماعی در اصطلاح دربرگیرنده گزینش‌های ارادی افراد و گروه‌ها برای محقق ساختن اهداف مورد نظرشان است. در این معنا، کنش اجتماعی باید برای آن‌هایی که درگیر آن هستند معنادار باشد (استونز، ۱۳۸۳: ۱۵۴). از این رو اگرچه واقعه آمل پس از نقش تاثیرگذار مردم و نیروهای انقلاب خاتمه یافت. اما پس از واقعه آمل، کنش اجتماعی مردم آمل به صورت پرشورتری در حمایت از ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و ضدیت هرچه بیشتر با عناصر ضدانقلاب بازتاب یافت. در همین راستا این پژوهش تلاش دارد تا بررسی واقعه آمل به درک معنادار از کنش مردم آمل در حمایت از انقلاب و ارزش‌های آن پس از واقعه آمل بپردازد. از این رو این مقاله این سوال را مطرح می‌کند که بازتاب حماسه آمل در سال‌های بعد از واقعه چگونه بر کنش اجتماعی اثر گذار بوده است؟ پژوهش حاضر در پاسخ با استفاده از نظریه الگوهای نمادین کیلفورد گیرتز این فرضیه را مطرح می‌کند که بر ساخت معناهایی نظیر ایشار، شهادت، انقلابی‌گری، ولایتمداری و ... در واقعه آمل باعث بازتاب این نمادها در سال‌های بعد از واقعه و معنا بخشی به کنش افراد و گروه‌های شهر آمل برای مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی ایران شده است. روش



پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها بر اساس روش کتابخانه‌ای خواهد بود.

### پیشینه پژوهش

رهگذر، سیمین (۱۳۹۰) در کتاب خود تحت عنوان؛ شهر هزار سنگر، روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل را شرح می‌دهد و سعی دارد ماجرای حمله به شهر آمل توسط گروهک «اتحادیه کمونسیت ایران» که با خیال باطل به دنبال همراه ساختن مردم بودند را بیان کند که در عمل با سد مستحکم و دیوار بلند اندیشه و عمل انقلابی مردم آمل رو برو شدند و شکست خوردند پرداخته است.

کردی، علی (۱۳۸۶) در کتاب خود تحت عنوان؛ اسناد اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران در واقعه‌ی آمل با استفاده از اعترافات اعضای اتحادیه در خلال بازجویی‌ها، اسناد دادستانی و سایر مدارک واقعه آمل را مورد بررسی قرار داده است.

علی اکبری سامانی، وجیهه (۱۳۸۷) در کتابی تحت عنوان؛ عروس آسمان، به زندگی‌نامه و خاطرات شهید طاهره هاشمی از مدت دوران تحصیل و علاقمندی به امور فرهنگی و اجتماعی شهرستان تا شهادت شهید در ششم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ در حالی که فقط چهارده سال سن داشت و در تحرک‌های تروریستی گروهک‌های ضد انقلاب در آمل، به شهادت رسید می‌پردازد.

شعبانی، محمدرضا (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان؛ مقاومت مردمی در حماسه‌ی آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰) به بررسی حمله و تزه‌های اتحادیه کمونیست ایران و عکس‌العمل نیروهای نظامی و امنیتی نظام و نیروهای مردمی با این حرکت پرداخته است. محور بحث را روایت یکی از شاهدان و نیروهای مؤثر در سرکوب قیام قرار داده و در کنار آن انبوهی از منابع موجود درباره‌ی واقعه را بررسی کرده است. همچنین با برخی از شاهدان واقعه نیز مصاحبه کرده و به شرح واقعه و مقاومت مردمی پرداخته است.

عزیزی، امین (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان؛ از شورش تا واکنش (واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر) با استفاده از روش کتابخانه‌ای، منابع آرشیوی و میدانی برای غنای هرچه بیشتر به بررسی چگونگی این رخداد پرداخته است و از شروع این رخداد تا شکست شورش را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نبوی، زهرا (۱۳۶۴) در کتاب خود تحت عنوان؛ یک روایت معتبر درباره حماسه ۶ بهمن مردم آمل به بررسی حماسه مردم آمل در بهمن ماه ۱۳۶۰ به ارائه توضیحات

درباره اتحادیه کمونیست‌ها قبل و پس از انقلاب اسلامی ایران، نقش این گروه در جنگ‌های مسلحانه و رویدادهای مربوط به حماسه مردم آمل در برابر منافقان می‌پردازد. همچنین با بررسی اختلاف‌نظرها بین گروه‌های سیاسی مختلف قبل انقلاب و ادامه این اختلافات بعد از انقلاب اسلامی به چگونگی شکل‌گیری و حمله اتحادیه کمونیست‌ها به آمل پرداخته است.

شریعت جو، منیره (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان؛ حماسه مردم آمل در برابر اتحادیه کمونیست‌های داخلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی واقعه آمل و درگیری‌های صورت گرفته و اتحادیه کمونیست‌های ایران از نحوه تشکیل تا سلسه حوادثی که موجب رویارویی این اتحادیه با انقلاب اسلامی می‌شود می‌پردازد. بررسی‌های صورت گرفته در مقالات و کتب به چاپ رسیده از واقعه آمل نشان می‌دهد تا اکنون بازتاب واقعه آمل در چهارچوب الگوهای نمادین کیلفورد گیرتز مورد بررسی قرار نگرفته است.

#### چهارچوب نظری: نظام الگوهای نمادین

بدون تردید یکی از مهمترین تلاش‌های انسان از عصر ماقبل خرد تا مدرنیته، تلاش برای یافتن معنا بوده است. معنایی که انسان را قادر سازد نه تنها تعریفی از خود نهاد و دیگر نهاد ارائه دهد بلکه به واسطه نظام معنایی، کنش خود را همسو با چهارچوبی از مفاهیم و هدف‌ها به ورطه نمایش بگذارد. به عبارتی دقیق‌تر هدف از شناخت معنا این بوده است که دربابیم کنش صورت گرفته تحت تاثیر چه معنایی صورت پذیرفته است. لذا متفکرانی بسیاری در پی آن برآمدن تا دریابند که معنا چگونه با کنش انسانی ارتباط برقرار می‌کند. متفکرانی همچون پارسونز تحت تاثیر ساختار معتقدند، رفتار انسانی تحت منشأهای بیرونی نهادینه می‌شود تا نظامی از حقیقت و معنا، مستقل از ذهن، مهم‌ترین عاملی باشند که رفتار انسانی را هدایت می‌کنند. منتها متفکران فرهنگی برای درک هرچه بیشتر چگونگی برساخته شدن کنش انسانی معتقد بودند که باید تلاش‌ها به سوی فهم عمیق‌تری از نظام‌های فرهنگی هدایت شود.

کیلفورد گیرتز از مهم‌ترین شارحان بزرگ تفسیر فرهنگی، تلاش کرد کنش انسانی را به‌گونه‌ای دیگر و فارغ از ادبیاتی همچون ساختار و سیستم که مهم‌ترین کلیدواژه‌های پارسونز محسوب می‌شوند ارائه دهد. وی در کتاب خود «تفسیر فرهنگ‌ها» بیان می‌کند منظور من از مفهوم فرهنگی «مبتنی بر الگوهایی از معانی متجسم در نمادها

می‌کند که به گونه‌ای تاریخی انتقال می‌یابد» (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۱۵). بدین سان به اعتقاد وی کنش انسان هیچ‌گاه به‌خودی‌خود اتفاق نمی‌افتد بلکه وجود نمادهای حقیقت‌سازی که کنش را به درون حلقه‌هایی از معنا کشانده و آن‌ها را به واقعیت بدل ساخته، از مهمترین عوامل توضیح‌دهنده کنش هستند. به بیانی دیگر گیرتز بیان می‌کند، از درون تعاملات اجتماعی است که نمادهایی خلق می‌شوند تا نشانگر حقایقی باشند که کنش تحت تأثیر آن‌ها رخ می‌دهد. درواقع می‌توان نظام تفکری گیرتز را در خصوص کنش انسانی این‌گونه فهمید که نمادها منبع کنش انسانی است. از آنچه گفته شد می‌توان به‌خوبی دریافت که در نظام بینشی گیرتز درک درست از نمادها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گیرتز در تعریف از مفهوم نماد معتقد است آنها دلالت، ارتباط‌گیری و نیز ذخایر عقلی ما به شمار می‌روند (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۱۶). یا به عبارتی نماد به چیزی اطلاق می‌گردد که به سیاقی غیر مستقیم و استعاره‌ای چیزی را بیان می‌کند که نمی‌توان آن را به گونه‌ای مستقیم و تحت‌اللفظی اظهار کرد (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۱۸).

به‌طور کلی وی نمادها را در دودسته در نظر می‌گیرد: نخست «نمادهایی برای چیزی بودن» و دوم «نمادهایی از چیزی بودن». نمادهایی از چیزی از یک‌چیز عینی از قبل موجود نسخه‌برداری می‌کند و «نمادهایی برای چیزی» مقدم بر آن چیز است و می‌تواند بدون آن نیز وجود داشته باشد. «الگویی برای چیزی به ما نشان می‌دهد که یک‌چیز چگونه باید باشد و الگویی از چیزی به ما می‌گوید که یک‌چیز چگونه هست (شامجمدی، پاسالاری بهجانی، ۱۳۹۴: ۵۳). گیرتز در بحث خود از نماد این‌گونه ادامه می‌دهد که نمادها را باید با رویکرد تجربی فهمید، نمادها یک امر حسی هستند. آن‌ها چیزی هستند که برخلاف ساختار در همه‌جا از قابلیت روئیت شدن برخوردارند. در واقع همین درک تجربی از نماد مهمترین نگرانی گیرتز از درک تفسیری ساختار برکنش انسانی را برطرف کرد. گیرتز همیشه نگران عدم درک مشترک و ملموسی از تأثیر ساختار برکنش انسانی بود؛ اما به ضمن وی برخلاف ساختار ما می‌توانیم در هرکجا و در هرزمانی از تأثیر نظام‌های نمادین درک تجربی پیدا کرده و به آن‌ها دسترسی داشته باشیم (Alexander: 2008: 162). ازاین‌رو پرواضح است نمادهایی که از قابلیت روئیت و تجربه را دارا هستند، می‌توانند به‌جای چیز دیگری بنشینند و آن را به گونه‌ای دیگر بازنمود یا بیان کنند و یا می‌توانند به‌عنوان نوعی نمودار یا راهنمای آنچه باید انجام گیرد، عمل کنند. اساساً ریشه انسان‌شناسی فرهنگی به این برمی‌گردد که نمادها نخستین تولید انسان و نیز نخستین ابزار برای کنش انسان‌اند.

نمادها به مثابه بلوک‌های ساختمان، دین، زبان، فرهنگ و به‌طور کلی تولید اجتماعی تصور می‌شوند و به تعبیر گیرتز و بسیاری انسان‌شناسان آمریکایی دیگر، واسطه ارتباط ما با جهان هستند. گیرتز می‌افزاید که نمادها افزون بر فهم خاصی از جهان جهت‌گیری در برابر آن را نیز شکل می‌دهند. در واقع به باور گیرتز، نمادها به‌منزله الگویی از واقعیت و الگویی برای واقعیت هستند (ریشیدوش و یوسفی نژاد، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

یکی از مهمترین نظام‌های فرهنگی مورد نظر گیرتز موضوع دین است. به زعم گیرتز دین عبارت از نظامی از نمادها که حالت و انگیزه‌های نیرومند، فراگیر و بلندمدت را در انسان پدید می‌آورد و مفاهیمی را صورت بندی می‌کند که وجودی عام دارد (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۱۷). گیرتز معتقد است نماد های مقدس کارویژه مهمی دارد و آن پیوند و ترکیب روحیات مردم است. از کیفیت زندگیشان گرفته تا سبک اخلاقی و جهان بینی آنها درباره سامان زندگی و عملکرد شیوه‌های مذهبی (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۱۶) همگی جزئی از این ترکیب محسوب می‌شود. منتها تاثیر نمادهای مذهبی و دینی به اعتقاد گیرتز در اینجا پایان نمی‌پذیرد. آنچه وی مد نظر دارد عامل انگیزه‌ها و حالات است. نمادهای مذهبی با تحت تاثیر قرار دادن انگیزه‌ها و حالات، کنش انسانی را متحول می‌کنند. وی در این خصوص می‌گوید «وقتی می‌گوییم فردی مذهبی است، یعنی او با مذهب برانگیخته می‌شود» (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۲۵). گیرتز نظر خود را درباره دین و نظام نمادهای مذهبی ادامه می‌دهد و معتقد است که جهان برای انسان‌ها مملو از ابهامات است. برای مثال این پرسش که عدالت در جهان چگونه باید باشد و آیا کنش‌ها از بار معنایی برخوردار هستند و... از این رو ممکن است تردید درباره جهان و زندگی انسان در این جهان این گونه باشد که هیچ سامان درستی ندارد، یعنی نه هیچ قاعده‌ای تجربی دارد و نه هیچ گونه نظامی عاطفی و انسجامی اخلاقی. منتها پاسخ دین صورت‌بندی از یک سامان جهانی به وسیله نمادهاست که بتوانند به این ابهام‌ها، معماها و تناقض‌ها پاسخ دهد (گیرتز، ۱۳۹۹: ۱۴۱). به عبارتی مذهب‌یون جهان را مملو از معنا پیدا می‌کنند و دلیل آن نمادهای دینی است که چنین معناهایی را بر ساخته و قوام می‌دهند. به عبارتی دین نظامی کلی و استعلایی از هستی عرضه می‌کند و این نظم در واقع حاصل تلاشی عقلانی برای تفسیر و قابل فهم کردند دنیا به شما می‌رود (کرمی پور، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

حال براساس آنچه گفته شد و دغه دغه پژوهش حاضر به واکاوی واقعه آمل براساس الگوهای نمادین می‌پردازیم.

## انقلاب اسلامی و مردم آمل

انقلاب اسلامی ایران، موجی از دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در پهنای کشور به راه انداخت. در این بین، شهر آمل به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی حمایت از انقلاب و پرورش ارزش‌های انقلابی، نقش به سزایی ایفا کرد. مطابق اسناد و مدارک ساواک، در بین شهرهای کشور «شهر آمل» در دوران مبارزات مردمی از شهرت بیشتری برخوردار بوده است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۵۹). نقش این شهر در حمایت از نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی همگام با سایر شهرهای بزرگ کشور چشمگیر و برجسته بوده است به طوری که با لیبیک به مرجعیت دینی و سیاسی امام خمینی (ره) از همان روزهای آغازین نهضت، همگام و همراه با علما و روحانیون بزرگ این شهر در عرصه مبارزه با رژیم پهلوی بوده اند و در قیام خونین ۱۵ خرداد به حمایت از امام خمینی (ره) و نهضت ایشان تاثیرگذار ظاهر شده اند. به طوری که در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی شهر آمل اولین شهری بود که از یک حکومت مردمی برای اداره شهر برخوردار شد (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۹۷-۲۹۸). در واقع تفسیر صحیح از کنش مردم آمل در همبستگی و همراهی روحانیون مبارز و امام خمینی حین مبارزات با رژیم شاه را باید در پیشینه تاریخ مذهبی شهر آمل و همان طور که گیرتز خاطر نشان می‌کند در مفاهیم دینی و معنا مذهبی جست. به عبارتی بر ساخته مفاهیم دینی و قوام یابی نمادهای مذهبی باعث چنین همبستگی میان مردم شهر آمل و رهبر انقلاب شده است. بدین سان ارزش‌های اسلامی و نمادهای مذهبی به صورت چشمگیری در بین مردم آمل در حین مبارزه با رژیم شاه سامان یافت.

در جریان انقلاب اسلامی، مردم آمل با الهام از معارف اسلامی و تحت لوای روحانیت مبارز، به صحنه آمدند و در دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی، قدم‌های استواری برداشتند. شهر آمل، که به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک و همچنین فرهنگ غنی و مذهبی‌اش شناخته شده است، به سرعت به یکی از مراکز عمده فعالیت‌های انقلابی تبدیل شد و نقشی کلیدی در فرآیند انقلاب ایفا کرد. به عنوان مثال در برهه زمانی مخالفت آیت الله خمینی با تصویب نامه انجمن‌های ایالاتی و ولایتی بر که بر سرزبان‌ها افتاده بود مردم شهر آمل با وجود مشقت مسافرت و مشکلات جاده و مسافت طولانی و عقب ماندگی وسایل حمل و نقل و کمبود خودرو به خاطر ارادت خاص خود به امام تعداد زیادی از مردم استان مازندران و این شهر به قم رفتند و ضمن ملاقات با امام خمینی مقداری وجوهات شرعیه نیز جهت مصارف حوزه‌های



علمیه و تبلیغات مذهبی و پیشبرد مبارزه علیه حکومت پهلوی به او پرداخت کردند. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۳۰۳)

بازرترین نشانه‌های ارزش‌های انقلابی که طی مبارزات مردم آمل با رژیم شاه برساخته شد، مفهوم شهادت است. این نماد در بطن جامعه‌ی آمل به مثابه نمادی از بی‌باکی، ایستادگی و فداکاری عمیق و پایدار جا گرفته است. در همین راستا، رشادت‌ها و دلاورمردی‌های فرزندان آمل در طول مبارزات انقلابی و پس از آن، به میراثی فرهنگی بدل شد که به نمونه‌ای برای جوانان در جستجوی هویت انقلابی تبدیل شده است. فداکاری‌ها و ایثارگری‌های کسانی که برای دفاع از انقلاب جان خود را فدا کردند، اکنون به عنوان پارامترهای اصیل برای تشخیص راه درست از نادرست در نزد مردم آمل مورد تکریم قرار گرفته و به الهام‌بخش اعمال و افکار آنان تبدیل شده است. از آنجایی که مردم آمل مفتخر به نقشی هستند که در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند، تعلیم و تربیت نسل‌های جدید در مسیری صورت می‌پذیرد که اعتقادات دینی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. این تعلیم و تربیت به‌طور خاص بر احترام متقابل، برادری، اتحاد و ایستادگی در برابر مصائب، با تکیه بر رهنمودهای دینی و فرهنگی متمرکز است. در نهایت، واقعیت این است که آمل به عنوان یکی از شهرهای سمبلیک در انقلاب اسلامی ایران، مجموعه‌ای از ارزش‌های عمیق و انقلابی را در خود جا داده است. از رشادت‌ها و مقاومت‌های آنان در گذشته گرفته تا تاکید بر اخلاقیات و ارزش‌های اسلامی در حال حاضر، همه به خلق فضایی برای پرورش جامعه‌ای متعهد و آگاه کمک کرده است. این ارزش‌ها برای مردم آمل به عنوان الهام‌بخش و میراثی پایدار و هدایت‌کننده درازمدت باقی مانده است. چنانچه نمادهای قوام یافته با انقلاب اسلامی همیشه هدایت‌گر کنش آنها در مسیر آینده بوده است.

### واقعه آمل و الگو نظام نمادین

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و با پدیدار شدن اولین برخوردها میان خط مشی فکری امام خمینی(ره) و بنی صدر در سال ۱۳۶۰ یکی از گروه‌هایی که احساس کرد می‌تواند از این اختلاف به‌رمند گردد، اتحادیه کونیست‌های ایران بود. اتحادیه کمونیست که همچون بسیاری از عناصر ضد انقلاب تصور می‌کرد در اختلاف صورت گرفته، مردم طرفدار بنی‌صدر هستند و ۹۰ درصد مردم او را می‌خواهند. به طرفداری از بنی‌صدر و مخالفت با امام پرداختند(اسکی، ۱۳۹۲: ۵۲). با گذشت زمان و

در نهایت برکناری بنی‌صدر توسط امام خمینی(ره) از فرماندهی کل قوا، اتحادیه کمونیست‌های ایران از این واقعه به عنوان نقطه عطفی برای مخالفت با نظام جمهوری اسلامی استفاده کرد. در نهایت در بهمن ۱۳۶۰ اتحادیه کمونیست‌ها تصمیم گرفت مخالفت‌های خود به گونه‌ای دیگر نشان دهد. لذا با طرح «انقلاب فوری» دست به اقدام مسلحانه به منظور تسخیر شهر آمل زد. درگیری میان نیروهای انقلاب با کمونیست‌ها چندان به درازا نکشید. به طور کلی پس از گذشت حدوداً دو روز با مقاومت نظامیان و کمک مردم که بدون همکاری طاقت فرسای آنان امکان پذیر نبود عملیات اتحادیه کمونیست منجر به شکست گردید. فردای آن روز نیروهای مردمی از روستاهای اطراف به شهر آمل سرازیر شدند و کار کمک رسانی، سنگ‌سازی، امداد رسانی و حمل مجروحان را مردم بر عهده گرفتند و زیباترین جلوه‌های تعهد مردمی نسبت به اسلام و انقلاب را به نمایش گذاشتند(علی اکبری سامانی، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۰). آنچه رخداد یادآور ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ بود(اسکی، ۱۳۹۲: ۶۶). درست به مانند زمانی که انقلاب اسلامی با نقش پرشور مردمی در صحنه‌های نبرد علیه رژیم به پیروزی رسیده بود. از این رو می‌توان آن را بازتاب دهنده‌ی ارزش‌ها و اصول جمهوری اسلامی در میان مردم آمل تفسیر کرد. به بیانی دیگر همان ارزش‌ها و نمادهای به مانند فداکاری و شهادت که عامل همبستگی مردم شهر آمل در مبارزه با رژیم شاه شده بود. در واقعه آمل بار دیگر نمایان‌گر کنش مردم آمل در مبارزه با کمونیست‌ها بود. در همین راستا و مطابق تحقیقات میدانی انجام شده، بیشترین میزان اثر گذاری در خلق حماسه آمل مربوط به نقش اعتقادات مذهبی مردم بوده است(خانی، ۱۳۹۲: ۳۲۱). بدین سان نمادهای دینی به مانند شهادت در پنداشت مردم آمل نه فقط به معنای از دست دادن زندگی، بلکه به معنای فداکاری و از خودگذشتگی در راه باورهای دینی می‌باشد. چنانکه آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «هرگاه سخن از جهاداکبر است، مردم آمل فداکارانه به صحنه می‌آیند»(خانی، ۱۳۹۲: ۳۲۰).

نماد شهادت، عنصری محوری در مجموعه‌ای از الگوهای نمادین محسوب می‌شود، که از طریق آنها افراد جامعه معنایی عمیق‌تر برای زندگی روزمره خود یافته‌اند. شهادت در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، به عنوان بالاترین نوع فداکاری شناخته شده است. به همین ترتیب، ارزش‌های اسلامی که پایه‌های اخلاقی، خانواده، اجتماع و سیاست در ایران پس از انقلاب را تشکیل داده‌اند، در شهر آمل، نمودی عینی و تجربی یافته‌اند. این ارزش‌ها شامل عدالت، برابری، محبت، فداکاری، و خودسازی هستند و در همه عرصه‌های زندگی مردم منعکس می‌شوند. نمادهای

مذهبی و شعایر اسلامی نیز بخش مهمی از مراسم عمومی و خصوصی در این شهر به شمار می‌روند.

این نمادها و ارزش‌ها به عنوان بستری برای تفسیر واقعیت‌های اجتماعی و تعیین کننده مسیر فرهنگی و اجتماعی جامعه عمل کرده‌اند و زمینه‌ساز تحولات عمیق‌تر در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی شده‌اند. وقایعی نظیر حادثه آمل، که در طی آن مردم شهر با مقاومتی جانانه در برابر نیروهای ضد انقلابی ایستادگی کردند، نمونه‌ای از چگونگی شکل‌گیری و تقویت الگوهای نمادین در شهر آمل است. این رویداد به یک منبع الهام‌بخش برای داستان‌سرایی‌های محلی و بین‌نسلی تبدیل شده و در نتیجه، ساختار نمادینی که شهادت و ارزش‌های اسلامی را پاس می‌دارد، تقویت شده است. واقعه‌ی آمل به مثابه یک اسطوره نوین، به جایگاهی در بین افسانه‌های قهرمانی ملی رسیده و نقشی محوری در شکل‌گیری هویت فرهنگی آمل ایفا می‌کند. این واقعه در تاریخ ایران به عنوان نمادی از ایستادگی و مقاومت در برابر سختی‌ها نقش خود را ایفا کرده است. این حادثه به یک نمونه ماندگار بدل شده که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و قدرت تعیین‌کنندگی کنش اجتماعی و سیاسی را داراست.

قدرت الگوهای نمادین را در تعیین‌کنندگی کنش سیاسی را می‌تواند در این سخن آیت‌الله خامنه‌ای به خوبی مشاهده کرد. ایشان در ای خصوص بیان کردند: «این سنگرها، سنگرهای درون خیابان‌ها نیست. این سنگر دل‌هاست. هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است.» نیروهای بومی روستاها و شهرهای اطراف آمل نیز با ایجاد سنگر در شهر دوشادوش عناصر انقلابی و ضدشورش علیه شورشیان جنگیدند و نیروهای مهاجم را شکست داده و تارومار و از شهر بیرون کردند و غائله آنان ظرف کمتر از چند ساعت به دست مردم ساقط شد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۵).

حضرت آیه ... جوادی آملی در توصیفی دیگر از نماد فداکاری مردم شهر آمل یک زن باردار را یاد می‌کند که با قدرت و تعصب، کیسه‌های شن را بر دوش می‌کشید تا سنگرهای دفاعی بسازد. حتی مردان فداکار این مرز و بوم که توان حمل کیسه شن را نداشتند ناچار بودند این کیسه شن را در بستر خیابان بگذارند و سینه خیز با سر، این کیسه را از لب جاده به آن لب جاده ببرند که این خود نشان دهنده روحیه از خودگذشتگی مردم شهر آمل است (مجموعه سخنرانیهای اولین سمینار علمی حماسه اسلامی مردم آمل، (۱۳۶۵)).

### بازتاب نمادی واقعه آمل

فهم نظام معنایی از پیچیدگی بسیاری برخوردار است. بر این اساس که نظام معنایی تنها زمانی که بی رقیب مانده است کنش را هدایت نمی‌کند، در واقع نظام معنایی درست آن جایی که در تقابل با نظام معنایی دیگر قرار می‌گیرد برای حفظ و استمرار خود تلاش می‌کند تا صورت بندی‌های معنایی خود را حفظ کرده و کنش‌ها را هدایت کند. از این رو می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر بازتاب نظام معنایی واقعه آمل و انقلاب اسلامی نقش بسزایی در کنش مردم شهر آمل داشته است. چرا که هم زمان با ناآرامی‌ها در کشور کنش مردم آمل به مانند واقعه آمل همسو با نظام معنایی اسلام و انقلاب بوده است. به عنوان مثال در اغتشاشات اخیر، مردم شهر آمل کمترین میزان شرکت را ثبت کرده اند. مردم آمل با شرکت در اجتماع فاطمی روز ۱۷ شهریور ضمن اعلام حمایت خود از آرمان و ارزش‌های انقلاب اسلامی، بی‌حرمتی اغتشاشگران به حجاب و مقدسات اسلامی را به شدت محکوم کردند (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱). این مسئله به خوبی نشان دهنده بازتاب همان الگوهای نمادینی است که با انقلاب اسلامی و واقعه آمل بر ساخته شد. به عبارتی کنش امروز مردم آمل در واقع بازتاب همان نظام معنایی است.

فهم کنش مردم شهر آمل در عدم همراهی عناصر ضد انقلاب و چگونگی پیوستگی تا به امروز را تنها باید تحت تاثیر نظامی از نمادهای معناساز به مانند شهادت، ایثار و عدالت تفسیر کرد. به عبارتی بهتر بازتاب نمادهای واقعه آمل باعث انسجام بیشتر میان تمام اقشار جامعه آمل شده است. آیت‌الله سید احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران در سخنرانی خود بر این موضوع صحنه می‌گذارد. او معتقد است «ایران ۴۰ سال گذشته کلکسیون از انواع توطئه‌ها بود و مردم آمل در خنثی کردن فتنه امسال از شهرهای شاخص و انقلابی بودند» (خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶). بدین سان ارزش‌هایی مانند وحدت و همبستگی، که بازتاب آموزه‌های انقلاب اسلامی و واقعه آمل است، به عنوان رکن اساسی در مرکز تعاملات اجتماعی شهر آمل قرار گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت که مردم آمل نه تنها از ناهنجاری‌های اجتماعی پرهیز می‌کنند، بلکه به دنبال راه‌حل‌هایی هستند که در چارچوب مسالمت‌آمیز و با توجه به ارزش‌های مذهبی و ملی شکل گیرد. به عبارتی این انتخاب و عدم مشارکت در اغتشاشات، نمایانگر ادراک عمیق‌تر جامعه از آرمان‌های حقیقت‌ساز انقلاب اسلامی است و همچنان بیانگر احترام به خون شهادتی است که در راه حفظ این سرزمین و سنت‌های آن جان خود را فدا کرده‌اند.

بازتاب نمادهای به ارث رسیده از انقلاب اسلامی و واقعه آمل در کنش‌های مردم این شهر، قابل مشاهده و لمس تجربی است. به عنوان نمونه، خروش بی‌نظیر اقشار مختلف امت حزب الله و شهیدپرور دیار علویان «شهر هزار سنگر» آمل در محکومیت اغتشاشات و آشوبگران و لیبیک عاشقانه به ولایت فقیه، شامگاه شنبه ۳ دی ماه، پاسخ مردم این شهرستان به حوادث اخیر بود که به صورت خودش و مردمی از سوی هیات‌های مذهبی و اقشار مختلف جوانان این خطه برنامه ریزی و اجرایی شد. جمعیت بیش از پنج هزار نفری شهروندان آمل در راهپیمایی خانوادگی با عنوان «فریاد هزار سنگر» بار دیگر به دفاع از نظام اسلامی و کیان و ارکان آن پرداختند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۱)

تجربه معنایی نمادهایی چون ایثار، مقاومت و شهادت را می‌توان در جشن‌ها، مراسم دینی و فعالیت‌های اجتماعی شهر آمل رویت کرد. برای مثال، گرامیداشت شهدا در آمل، تنها محدود به بزرگداشت‌های رسمی نبوده، بلکه در اشکال گوناگون فرهنگی و هنری مانند شعر، نقاشی، نمایش و داستان نیز بازتاب دارد. چنین پاس‌داشت‌هایی موجب شده تا خاطرات و ارزش‌هایی که ایشان را به یکدیگر، به انقلاب و به جمهوری اسلامی پیوند زده‌اند، همیشه تازه و زنده بمانند. در عمل نیز، شاهد هستیم که مردم آمل با شرکت در انتخابات مختلف و فعالیت‌های اجتماعی، این ارزش‌ها را به نمایش می‌گذارند. آنان ترجیح می‌دهند توسط قوانین و نظام قانونی وظایف و حقوق خود را پیگیری کنند و در مسیر پیشبرد و حفاظت از ارزش‌های جامعه قدم بردارند. به طوری که راهپیمایی ۲۲ بهمن در آمل به مناسبت ۴۴ سالگی انقلاب اسلامی باشکوه تر همیشه برگزار گردید؛ قشرهای مختلف مردم شهرستان آمل، پیر و جوان، مرد و زن، مسئول و غیرمسئول در مسیرهای راهپیمایی ۲۲ بهمن در این شهر حضور پرشور دارند و جلوه‌های زیبایی از همدلی، اتحاد و همراهی با آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشتند. مرد و زن، پیر و جوان از تمام اقشار صنفی به ویژه دانش آموزان امروز در راهپیمایی مشارکت کرده و بار دیگر به آرمان‌های انقلاب لیبیک گفتند (ایسنا، ۱۴۰۱).

بازتاب حادثه آمل به صورت الگوهای معناساز نقطه عطفی در آگاهی جمعی افراد جامعه امروز آمل نسبت به نقش محوری ایثار و شهادت در پیشبرد اهداف ملی و مذهبی داشته است. چرا که فرهنگ شهادت و ایثار و پیامدهای آن موجب اقتدار و سربلندی ملی و دینی می‌شود و از قویترین و بهترین مکانیزم‌ها در این راستا است. از این رو همان گونه که فروزان و همکارانش در تحقیقات خود درباره نقش شهادت در



مقابله با تهاجم فرهنگی بر این مسئله صحنه می‌گذارند و بیان می‌کنند «باید توجه داشت که اگر فرهنگ ایثار و شهادت به معنای واقعی در جامعه پیاده شود، نسل جوان هویت واقعی خود را شناخته و متوجه خواهند شد که آزادی و امنیت خود را مرهون خون شهدا هستند، در آن صورت جوانان بهترین حافظان خون شهدا می‌شوند پس ما در مقابله با آنچه امروزه به عنوان تهاجم فرهنگی یا جنگ نرم نامیده می‌شود، نیازمند یک فرهنگ غنی و عمیق هستیم که موجب کرامت انسان‌ها شود و آن‌ها را از سقوط حفظ نماید» (فروزان، سعید منش، ۱۳۸۹: ۱۸۶). در همین راستا در شهر آمل یادمان‌های مرتبط با شهدا و موزه‌هایی که به تاریخ انقلاب اسلامی اختصاص داده شده‌اند، نقاط تمرکزی برای تقابل با فرهنگ غربی و زنده نگه‌داشتن فرهنگ شهادت هستند که قصه‌ها و روایت‌های درباره شجاعت و فداکاری را به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند و نسق نمادین مرتبط با این حوادث را در ذهن مردم زنده نگه می‌دارند. توجه به سنت‌ها و مناسک اسلامی، به ویژه در مناسبت‌هایی مانند محرم و صفر، که بر فداکاری و شهادت تاکید دارند. و این‌ها نمونه‌ای هستند از اهمیت و جایگاه برجسته الگوهای نمادین فرهنگ اسلامی. به گزارش خبرگزاری تسنیم، فرمانده سپاه ناحیه آمل در جلسه شورای اداری شهرستان با بیان اینکه تاکنون آمل هفت شهید در راه مدافع حرم آل الله نثار کرده است، اظهار داشت: این شهرستان بیشترین رزمنده و شهدای مدافع حرم را در استان داشته است. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶). این رویدادها بستری برای پرورش همدلی و وحدت اجتماعی فراهم آورده است و در عین حال، فضایی برای یادآوری و تفکر درباره ارزش‌های برتر اخلاقی و دینی ایجاد می‌کنند. در مجموع، حادثه آمل و وقایع مشابه، نقشی کلیدی در شکل‌گیری این الگوهای نمادین ایفا کرده و به تقویت ارزش‌های اسلامی و انقلابی در جامعه کمک کرده‌اند. هویت اجتماعی مردم آمل با این الگوها در هم تنیده شده است و این موضوع بیانگر نقش عمیقی است که فرهنگ و اعتقادات در رشد و توسعه جوامع دارند. از طریق بازخوانی دائمی و به کارگیری این نمادها در زندگی روزمره، مردم آمل به ارزش‌ها و هویت مشترک خود پایبند مانده و این موضوع را نه فقط به عنوان بخشی از تاریخ خود، بلکه به عنوان بخشی از هویت زنده‌ی فرهنگی و اجتماعی خود قدر دانسته‌اند.

در انتها باید گفت که نمادهایی که در طول واقعه آمل شکل گرفته‌اند، نه تنها به عنوان یک یادآور تاریخی باقی مانده‌اند، بلکه به عنوان یک فرهنگ زنده در تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌های اجتماعی مردم این شهر نیز تأثیرگذار بوده‌اند. تکرار این نمادها، چه در مراسم دینی و چه در درس‌های آموزشی، به نسل‌های جدید کمک

کرده تا ارزش‌هایی مانند صلح‌طلبی، انسجام و فداکاری را در درون خود پیروانند و با اعتقاد به این ارزش‌ها، در برابر تنش‌ها و آزمایش‌های زندگی ایستادگی کنند. این پایبندی به نمادها و ارزش‌ها، نشان دهنده تداوم فرهنگی و اجتماعی که از گذشته‌های دور ریشه‌دار است و امروزه به عنوان بخشی از دانش معنوی و هویتی مردم آمل با آن‌ها عجین شده است.

### نتیجه‌گیری

این مقاله تلاش کرد تا نشان دهد چرا با گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی، مردم شهر آمل کنش سیاسی و اجتماعی مشابهی را از خود بروز داده اند. این پژوهش با استفاده از مدل نظری الگو نظام نمادین، کنش مردم آمل را متاثر از نمادهایی می‌داند که با انقلاب اسلامی و حماسه آمل برساخته شده است. مردم آمل تحت تاثیر الگوهای نظیر ایثار و شهادت در حماسه آمل گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران را ناکام گذاشت و هیچ فردی از مردم آمل با آنها همراهی نکرد. در سال‌های اخیر این موضوع ادامه داشته است به گونه‌ای که پس از آغاز اغتشاشات مردم شهر آمل متاثر از بازتاب الگوهای نمادین بازهم گروه‌های معاند و آنهایی که تلاش داشتند نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار دهند، همراهی نکردند. از این رو بازتاب نمادهای مذهبی و معنای برساخته شده از آن همواره راهنمای کنش مردم آمل در سال‌های اخیر بوده است.

### فهرست منابع

- استونز، راب(۱۳۸۳)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه؛ مهرداد میردامادی، تهران، مرکز، چاپ سوم
- اسکی، مصطفی راعی(۱۳۹۲)، حماسه ۶ بهمن آمل، تهران، نشر انتخاب، چاپ اول.
- باشگاه خبرنگاران جوان، ایران کلکسیون از انواع توطئه‌های دشمنان، برگرفته شده: Bzni r/r30760
- خانی، مهدی(۱۳۹۲)، جبه سوم مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل، تهران، انتشارات سپاه، چاپ اول.
- خیرگزاری تسنیم، پیکر هشتمین شهید مدافع حرم آمل هفته آینده به زادگاهش می‌آید، برگرفته شده: Bzni r/p41684
- خیرگزاری جمهوری اسلامی(۱۴۰۱) راهپیمایی پنج هزار نفری آملی ها در دفاع از نظام اسلامی، برگرفته شده: Bzni r/nr9139
- خیرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، مردم مازندران بار دیگر به جمهوری اسلامی "آری" گفتند، استان مازندران، برگرفته شده: Bzni r/f47059
- خیرگزاری صدا و سیما(۱۴۰۱) اجتماع عزاداران فاطمی در شهر هزار سنگر آمل، برگرفته شده: Bzni r/t48613
- رشیدوش، وحید؛ یوسفی نژاد، حسن(۱۴۰۰)، تفسیر فرهنگ از دیدگاه کلیفورد گیرتز با تأکید بر مکتب نمادگرایی، ماهنامه آفاق علوم انسانی، ۵(۵۰): ۱۰۱-۱۲۰.
- رهگذر، سیمین(۱۳۸۵)، شهر هزار سنگر، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- شامجمدی، رستم، پاسالاری بهجانی، فاطمه. (۱۳۹۴). مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کارکرد آنها). پژوهشنامه ادیان، ۹(۲) ۱۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۴: ۴۹-۷۲.
- شعبانی، ناصر(۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ اول.
- عزیزی، امین (۱۳۹۳)، از شورش تا واکنش، واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر، فصلنامه مطالعات تاریخی، تابستان و پاییز ۹۳
- عزیزی، امین(۱۳۹۶)، آمل در نهضت و انقلاب اسلامی، فصلنامه پانزده خرداد ۵۴ (۲۹۷ تا ۳۱۹)

- علی اکبری سامانی، وجیهه (۱۳۸۷)، عروس آسمان؛ زندگی و خاطرات شهید طاهره هاشمی، تهران، نشر شاهد. چاپ اول.
- فروزان، الهی و سعید منش، نصرت الله (۱۳۸۹)، آثار و پیامدهای فرهنگی ایثار و شهادت در مقابله تهاجم فرهنگی، همایش ملی ایثار و شهادت و توسعه کشور، دانشگاه رازی.
- کرمی پور، الله کرم (۱۳۹۰)، روش و رویکرد کلیفورد گیرتز درباره دین و فرهنگ. فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۷ (۲۴): ۱۵۳-۱۷۶.
- گیرتز، کلیفورد. (۱۳۹۹). تفسیر فرهنگ ها، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث، چاپ اول.
- مجموعه مقالات و سخنرانیهای اولین سمینار علمی، حماسه اسلامی مردم آمل، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین(ع) ۱۳۶۵، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک- دانشکده علوم پایه.

Alexander, J. C. (2008). Clifford Geertz and the strong program: The human sciences and cultural sociology. *Cultural sociology*, 2(2), 157-168

## مسخ در ایدئولوژی و انتحار عمل‌گرایانه: تحلیلی از ناکامی چپ رادیکال در ایران بعد از انقلاب

نیما اسدی<sup>۱</sup>

محسن عباس‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده:

ششم بهمن یادآور مقاومت مردمی و حاکی از این واقعیت است که چنانچه کنش سیاسی پایگاهی در جامعه نداشته باشد محکوم به شکست است. از آنجا که مردم در کانون انقلاب اسلامی ایران بودند می‌توان نقش علایق فرهنگی مذهبی اکثریت را در عمل انقلابی‌شان و حکومت برآمده از انقلاب جدی دانست. این واقعیت از نظر برخی گروه‌های سیاسی وقت دور ماند؛ از جمله گروه‌های مارکسیستی که به‌دلیل فقدان تحلیل مناسب و درک واقعی از جامعه، خطاهای استراتژیکی مرتکب شدند. نمونه بارز آن، گروه مائوئیستی «اتحادیه کمونیست‌های ایران» بود که پس از حوادث خرداد ۱۳۶۰، با یک چرخش در مواضع، اعلام کرد که کودتا رخ داده و حکومت تمام ویژگی‌های مرفقی خود را از دست داده است. بنابراین، در قالب عملیات «سربداران جنگل» به عملیات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی با هدف تسری آن از آمل به دیگر شهرها اقدام کرد. پرسش این است که چگونه می‌توان نسبتی میان جهان‌بینی ایدئولوژیک اتحادیه کمونیست‌ها و نافرجامی عملیات سربداران جنگل برقرار کرد؟ فرضیه این مقاله بر این است که اتحادیه کمونیست‌ها بر مبنای نوعی رمانتیسیسم انقلابی برآمده از ایدئولوژی، اراده به عمل را عنصر تعیین‌کننده در تحول انقلابی مدنظرشان در نظر می‌گرفتند و از ناهمخوانی‌های بافت اجتماعی با پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک خود غافل شدند. مقاله حاضر درصدد است که این فرضیه را در بستر جنبش‌های چپ ایران مورد بررسی قرار دهد تا تأکیدی بر این باشد که پراکسیس سیاسی بدون توجه به مطالبات اکثریت مردم و غفلت از بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه چه پیامدهای خسارت‌باری به همراه خواهد داشت. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.

### کلید واژگان:

مارکسیست‌های ایرانی، چپ رادیکال، ایدئولوژی، رمانتیسیسم، انقلاب اسلامی، اتحادیه کمونیست‌های ایران، آمل.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران ([nimaasadiiii65@gmail.com](mailto:nimaasadiiii65@gmail.com))

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) ([m.abbaszadeh@umz.ac.ir](mailto:m.abbaszadeh@umz.ac.ir))

## ۱. مقدمه

چپ مارکسیستی ایرانی، به عنوان واژه‌ای کلی خطاب به جریان‌های متنوع داخلی متأثر از الگوهای سوسیال دموکراسی روسی و قفقازی، مارکسیسم اروپایی، مارکسیسم - لنینیسم و مائوئیسم، نقش مشخصی در بستر تاریخی مبارزاتی ایرانیان از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایفا کرد و البته خطاهای استراتژیک جبران‌ناپذیری مرتکب شد که نه فقط به بهای نابودی بخش قابل توجهی از نیروهای جوان، تحصیل کرده و آرمان‌گرای کشورمان رخ داد بلکه هزینه بسیاری را تحمیل نمود. بنابراین ضرورت دارد که در جزئیات تاریخ جنبش کمونیستی در ایران تحقیق و تفحص صورت گیرد تا زوایای بیشتری از دلایل ناکامی چپ در ایران آشکار شود.

یکی از این فرازهای تاریخی که می‌توان آن را آخرین میخ بر تابوت چپ رادیکال تلقی کرد، واقعه ششم بهمن آمل بود. پس از حوادث خرداد ۱۳۶۰ «گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران» که از نظر ایدئولوژیک خود را مائوئیست معرفی می‌کرد، با یک چرخش در مواضع اعلام کرد که کودتا رخ داده و حکومت تمام ویژگی‌های مترقی خود را از دست داده است. بنابراین به تدارک اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی پرداخت؛ از جمله طرح حمله به آمل که با هدف تسری آن به دیگر شهرها و جرقه قیامی جدید صورت گرفت. این گروه از اواخر شهریور ۱۳۶۰ جمعیتی در حدود ۱۸۰ نفر از اعضا را از سراسر کشور به جنگل آمل فراخوانده و در پایگاهی در حوالی «منگل دره» در ۲۰ کیلومتری شهر آمل به طور مخفیانه مستقر شدند. آنان قصد حمله غافلگیرانه به شهر در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ را داشتند اما به علت درگیری‌های متعددی که در مقاطع زمانی مختلف بین آنان و نیروهای نظامی به وقوع پیوست عملیات‌شان به تعویق افتاد. در نتیجه حدود ۸۰ نفر از اعضا که وعده پیروزی را شکست خورده می‌دیدند، از گروه جدا گشتند. از سوی دیگر، نیروهای انقلابی از این تحرکات اطلاع یافتند. ساعت ۲۳:۴۵ دوشنبه، پنجم بهمن ۱۳۶۰، اعضای ۱۱۰ نفره اتحادیه کمونیست‌های ایران با حضور سه زن در تیم پزشکی گروه، با نام «سربداران جنگل» در پوشش لباس‌های نظامی تحت عنوان عملیات «اسب تروا»، به شهر حمله کردند و نهایتاً با شکست مواجه شدند. (رهگذر، ۱۳۸۵)

از جایی که امروز می‌نگریم، واژه‌ای جز انتحار برآیند این عملیات نیست؛ گروهی که با عدم تحلیل مناسب، تدارکات کم، بدون پشتیبان رها در جنگل‌های سرد هیرکانی بی آب و غذای کافی و گاهماً وعده‌های غذایی که با یک خرما پر می‌شد تمنای فتح شهر را می‌کشیدند؛ پرسش این است که چگونه می‌توان نسبتی میان جهان‌بینی

ایدئولوژیک اتحادیه کمونیست‌ها و عملیات ناکام سربرداران جنگل برقرار کرد؟ فرضیه این مقاله بر این است که اتحادیه کمونیست‌ها بر مبنای نوعی رمانتیسیم انقلابی برآمده از ایدئولوژی، اراده به عمل را عنصر تعیین‌کننده در تحول انقلابی مدنظرشان در نظر می‌گرفتند و از ناهمخوانی‌های بافت اجتماعی با پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک خود غافل شدند. به تعبیری، اراده‌گرایانه قصد داشتند تا فقدان‌ها را با قدرت «عمل» چاره کنند. هدف، عمل بود؛ عمل به توصیه‌های ایدئولوژیک به وسیله اسلحه که خرج آن با زرادخانه رمانتیسیم پر شده بود؛ به وسیله طرد عقل و هم‌آغوشی با شور صرف. مقاله حاضر درصدد است که فضای سیاسی انقلابی مازندران در آن دوران را، با نگاه ویژه به شهرستان آمل و همچنین روند شکل‌گیری اتحادیه کمونیست‌ها و فعالیتهای آنان در سالهای ابتدایی انقلاب اسلامی تا زمان واقعه ششم بهمن را در بستر جنبش‌های چپ ایران مورد بررسی قرار دهد. هدف این است که تأکیدی بر این باشد که پراکسیس سیاسی بدون حضور اکثریت مردم و بدون در نظر گرفتن عمق مطالبات آنها و بافت جامعه چه پیامدهای خسارت باری خواهد داشت.

## ۲. چارچوب نظری: ایدئولوژی و عمل

مایکل فریدن<sup>۱</sup> در *دائرةالمعارف فلسفه راتلج* در تعریفی نسبتاً ساده، ایدئولوژی را چنین توصیف میکند: «ایدئولوژی مجموعه‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه از افکار، باورها و نگرش‌هاست که برداشت‌ها و سوءبرداشت‌های ما را از جهان سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد. ایدئولوژی بر روی قضاوت‌ها، رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها تأثیر می‌گذارد.» (فریدن، ۱۹۹۸) بنابراین، ایدئولوژی، مجموعه‌ای سامان‌مند از باورها و اندیشه‌های ایستای سیاسی و اجتماعی است که در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آنها مؤثر است.

در تعریفی دیگر چنین آمده است: «ایدئولوژی، نظامی از مفاهیم است که به گزاره‌های معین، که به منزله حقایق تغییرناپذیر پذیرفته می‌شوند، منتج می‌شود. به همین دلیل ایدئولوژی تاحدی نظامی بسته به حساب می‌آید که فرض‌های بنیادی‌اش نیازمند اعتقاد و ایمان است. ایدئولوژی سیاسی به پیدایش تعهد و اطاعت در پیروان می‌انجامد، دارای کارویژه‌های تبلیغاتی است، از اصول فکری اولیه‌ای برمی‌خیزد و

<sup>۱</sup> Michael Freeden

باید به مثابه مجموعه‌ای از حقایق مطلق و دگرگونی‌ناپذیر پذیرفته شود». (بشیریه، ۱۳۸۶).

بنابراین، ایدئولوژی نوعی طرز فکر است و آنکه گوش به آن سپرد توانایی گوش سپردن به چیز دیگری را از دست می‌دهد. مخاطبان ایدئولوژی‌ها نمی‌توانند سخن دیگری را بپذیرند چراکه خود را خیر مطلق می‌دانند و باقی را از قافله شر. در نتیجه، ایدئولوژی، انسداد فکری به بار می‌آورد و آن را نهادینه می‌کند. در این مدار، عقلانیت خاموش می‌گردد چرا که در قاموس ایدئولوژی تحرک عقلی، جابجایی افکار و در نهایت راه‌حل عقلانی پذیرفته نیست بلکه عمل به عنوان رانه‌ی مهم زیستی، که نشان‌دهنده دارا بودن علایم زیستی موجود است، به تنها شرط ابراز موجودیت بدل می‌شود؛ موجودیتی توأم با اطاعت، چراکه واکنش عقلی مغفول می‌ماند.

### ۳. ظهور چپ‌گرایی در ایران

علیرغم برداشت‌های متفاوت از چپ‌گرایی، به‌طور معمول می‌توان آن را جهت‌گیری-ایی حاوی مشخصه‌های ذیل دانست: مساوات‌طلبی با تأکید بر تفسیر رادیکال از عدالت به معنای توزیع تساوی‌محورانه ارزش‌ها، حمایت از طبقه کارگر در مقام سمبل محرومیت در بین توده‌ها و تأکید بر سازماندهی مبارزاتی آنها، خصومت با سلسله-مراتب به منزله انعکاس عملی فقدان عدالت در حیات اجتماعی، حمایت از ملی‌شدن صنایع به عنوان تلاشی عملی برای ایجاد مساوات و اجرای عدالت اقتصادی در حیات جمعی و سیاسی، مخالفت با سیاست دفاعی یا خارجی ناسیونالیستی به‌دلیل عدم هماهنگی با نگرش جهان‌شمولی دیدگاه‌های مساوات‌طلبانه و نفی نظام طبقاتی در لایه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. (مطهرنیا، ۱۳۸۷)

چپ در ایران چگونه پدیدار شد؟ خسرو شاکری، در مقاله‌ی «چپ، زاده مناسبات مدنی» از ویژه‌نامه فصلنامه *تاریخ انقلابی* با عنوان *چپ در ایران*، جنبش چپ ایران را زاده تکامل تدریجی جامعه از نظام اقتصاد سنتی به سوی مناسبات نوین سرمایه‌داری می‌داند. گسترش عقاید و نظریات سوسیالیستی در روسیه تزاری بی‌گمان در پیدایش و نضج افکار چپ در ایران تأثیری تعیین‌کننده داشت. با الهام از این افکار، اولین نظریات چپ مقارن با نهضت مشروطه در تبریز، در قالب "فرقه اجتماعیون عامیون"، شکل گرفت که از الگوی احزاب سوسیال دموکرات پیروی می‌کرد. این گروه‌های کوچک را ارمنیان و ایرانیانی تشکیل دادند که پس از مهاجرت برای کار در صنایع نفت باکو، یا پیوندهای خود را با میهن حفظ کرده و یا به ایران برگشته بودند. برخی



از آنها با عضویت در جمعیت همت (کارگران مسلمان شمال ارس) تجربه مبارزاتی اندوخته بودند. مبارزان چپ به دنبال دگرگونی مناسبات کهنه و ظالمانه و بهبود شرایط کارگران در ایران بودند. آنها در دفاع از مشروطه در مبارزه با دربار قاجار و نیروهای صاحب امتیاز فعال بودند و به ویژه در دوران "استبداد صغیر" در تقویت مقاومت تبریز و تعمیق اهداف جنبش نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

از نخستین سال‌های رواج اندیشه چپ، این جنبش در برابر پریشی بنیادی قرار گرفت که سراسر سرگذشت آن کمابیش در پاسخ به این پرسش گذشت: در جامعه‌ای پیشاصنعتی که حجم و وزن طبقه کارگر اندک است و طبقات و لایه‌های اجتماعی بزرگتری حضور دارند، نیروی چپ تا کجا قادر است سیاست مستقل کارگری را پیش ببرد و تا چه حد ناگزیر است خواسته‌های خود را از راه همکاری و اتحاد با سایر نیروهای اجتماعی دنبال کند؟ پژوهش‌های این پرسش را می‌توان در نخستین اسناد جنبش کارگری از سال ۱۹۰۸ مشاهده کرد. مبارزان ایرانی در این باره طی نامه‌هایی به کائوتسکی و پلخانوف، از برترین رهبران جنبش کمونیستی آن زمان، نظر خواسته‌اند. مسئله دیگری که به تبع همین پرسش مطرح می‌شود، نحوه برقراری تعادل میان اهداف ملی جنبش مبارزاتی در داخل با آماج جنبش کمونیستی در سطح بین‌المللی بود. (شاکری، ۱۳۸۹)

این پرسش‌ها زمانی به نحوی جدی‌تر مطرح شد که در سال ۱۳۲۰ حزب توده به عنوان یک سازمان مستحکم از نظر ساختار حزبی در ایران شکل گرفت. نگاه حزب معطوف به شوروی بود تا جایی که اگر منافع ایران در تضاد با منافع ایدئولوژیک حزب، و بدتر از آن، در تعارض با منافع شوروی بود، واکنش نشان می‌داد. حزب توده یکی از معدود یا شاید تنها نمونه ارگانیک و سازمان یافته کار تشکیلاتی سیاسی در ایران بود، با این حال نسل بعدی چپ‌گرایان عصر پهلوی دوم آن زمان فعالیت‌های حزب توده را به جهت رهایی آنی و فوری ستمدیدگان ناکافی می‌دانست و به ایجاد سازمان‌های جدید روی آورد.

#### ۴. رادیکالیسم علیه استبداد، مذهب مختار زمانه

در پی کودتای ۱۳۳۲ و فروپاشی مردمی‌ترین دولتی که تا آن زمان در ایران شکل گرفته بود، یاسی سپهر سیاسی ایران را فرا گرفت و به جامعه منتقل شد. این واقعه آثار جانبی بدی بر روان سیاسی مردم ایران نهاد و دیکتاتوری محمدرضا پهلوی نیز آن را به حد اعلا رسانده بود. در این اثنا، سرخوردگی از هرگونه تغییرات اصلاح‌طلبانه

و دموکراتیک ظاهر شد و بستری را برای رشد و نمو رادیکالیسم سیاسی را فراهم آورد. البته این تندروی فقط مختص چپ‌گرایان مارکسیست نبود بلکه در اسلام-گرایان، به طور مثال فداییان اسلام، نیز نمود داشت. نقی حمیدیان از بنیانگذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق که در واقعه سیاهکل نیز حضور داشت، تحلیلی از اوضاع سیاسی اجتماعی متعاقب سرکوب خونین شورش ۱۵ خرداد ۴۲ ارائه می‌دهد که نگرش مخالفان و منتقدان جدی رژیم را خلاصه کرد:

(۱) در دهه چهل شمسی، کشور در شرایط گذار پرشتاب از یک جامعه عمدتاً سنتی و مذهبی به جامعه مدرن قرار گرفت. پروسه جایگزینی فرهنگ دیرینه ملت با یک رشته عوامل و عناصر فرهنگی جدید و غریب، به صورت یک‌طرفه و با فشار از بالا و بدون مشارکت و عاملیت مردم، تعادل دیرینه روبنای اجتماعی و فرهنگی جامعه را بر هم می‌زد. شاه ابتکار اصلاحات ارضی و سایر تغییرات را به دست گرفت و توانست قدرت فردی خود را بر کشور حاکم کند و مهم‌ترین رقیب سیاسی خود یعنی جبهه ملی را خانه نشین کند؛ شرایط احیاء فعالیت حزب توده را که پس از کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرکوب و متلاشی شده بود بیش از پیش مسدود نماید؛ جنبش و اعتراضات روحانیون سنتی و بازاریان نزدیک به این طیف را سرکوب و به حاشیه براند؛ و اختناق و نظام سیاسی- پلیسی گسترده بر کشور حاکم نماید.

(۲) هرچه که شرایط اختناق گسترده و عمیق‌تر می‌شد، گرایش‌های رومانتیک انقلابی و روحیات و ادبیات شورشگری در صفوف مختلف مبارزان نسل جوان گسترش می‌یافت. نسل جوان انقلابی و پرشور به این نتیجه می‌رسید که دیگر دوره مبارزات مسالمت‌آمیز سیاسی نظیر اعتصاب، تجمع اعتراضی، بیانیه، تظاهرات، انتقادات قلمی، سخنرانی و نظائر اینها گذشته است. دیگر با رژیم نمیتوان جز با زبان زور و مبارزه مسلحانه سخن گفت. وسوسه تعرض به رژیم و یافتن راه جدیدی برای ساقط کردن آن در میان بخش گسترده‌ای از نیروهای جوان با گرایش‌های مختلف فکری و فلسفی و اجتماعی (چه مذهبی و چه غیر مذهبی) تشدید می‌شد.

(۳) پیروزی انقلاب چین، تجربه انقلاب کوبا (گرچه در ابتدا با تردید به آن نگاه میشد ولی کتاب جانبدارانه جنگ شکر در کوبا نوشته ژان پل سارتر توجه‌ها را به آن دیار جلب کرده بود)، انقلاب الجزایر، جنگ‌های آزادیبخش در کشورهای مستعمراتی، جنگ ویتنام، جنبش مسلحانه فلسطین و گسترش مبارزات چریکی در کشورهای آمریکای لاتین و ... روحیه و امید به موفقیت را در نسل جوان بارور می‌ساخت. امید به فروپاشی نظام سرمایه داری آن هم در چشم‌اندازی نه چندان دور، در میان جوانان

انقلابی تشدید می‌شد. خسرو روزبه در آخرین دفاعیات خود در دادگاه نظامی، عبارتی را بیان کرد که وصف حال روحیات نسل جوان سالهای بعد است: "ممکن است من زنده نمانم و استقرار سوسیالیسم را در ایران با چشم خود نبینم، ولی علم دارم که به زودی اوضاع تغییر خواهد کرد و اصول سرمایه‌داری منکوب خواهد شد."! از نظر تئوری لنینیستی، امپریالیسم جهانی دوره مرگ تدریجی خود را میگذراند و سوسیالیسم پهنه وسیعی از جهان را در سیطره خود داشت. انشعاب حزب کمونیست چین و حمله سیاسی - تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی و علیه امپریالیسم و تبلیغ پیرامون انقلاب فرهنگی چین که امیدهای تازه‌ای برای پیروزی قریب الوقوع انقلابات نوید می‌داد نیز بر روحیه و اندیشه نسل جوان کشورمان تأثیر زیادی نهاد. در این میان ضدیت با فرهنگ غربی در بخش نیروهای سنتی - مذهبی عمق بیشتری یافت.

(۴) در این دهه تمایلات افراطی ایدئولوژیکی در میان طیف گسترده مخالفان رژیم، هم در صفوف جوانان مذهبی تحت تأثیر علی شریعتی و مجاهدین خلق و هم در میان محافل و گروه‌های کوچک مارکسیستی شیوع یافت. بدین‌سان، گرایش‌های مختلف عدالت‌خواهانه ضد امپریالیستی با تشدید تمایلات استقلال‌طلبانه، بازگشت به گذشته (گذشته‌های دور تا نزدیک در صفوف نیروهای سنتی مذهبی) و اتکاء به خود و جذب گرایش‌های مبارزاتی معاصر در میان بخش گسترده‌ای از مخالفان انقلابی چپ، بیش از پیش گسترش یافت.

(۵) نسل جوان انقلابی از تجربه شکست حزب توده به شدت سرخورده شده بود و رهبران حزب را که در خارج و شوروی به سر می‌بردند، فاقد خصائل و درک انقلابی از تئوری‌های مارکسیستی می‌دانستند. به خاطر دنباله روی حزب توده از سیاستهای داخلی و جهانی اتحاد شوروی و پذیرش نظریات همزیستی مسالمت آمیز اقتصادی با غرب، آمریکا و رژیم شاه، و نیز به خاطر عدم حضور حزب توده در کشور، به کلی از آن سرخورده و نومید بودند. در عین حال نسل جوان از تجربه مبارزات سیاسی رفرمیستی و از لیبرالیسم سیاسی نسل پیشین فاصله گرفت چراکه در شرایط عدم وجود حداقل آزادی سیاسی لازم که جریان‌های مختلف بتوانند زندگی دموکراتیک سیاسی - حزبی و تعامل با یکدیگر را تمرین و تجربه کنند و به اهمیت مقولات حقوق بشری و حقوق شهروندی واقف گردند، به‌طور جدی محروم بود.

(۶) جنبش‌های اجتماعی کارگری و سایر گروه‌های اجتماعی، کم دامنه و محدود بود. در چنین شرایطی جریان‌های مختلف سیاسی - انقلابی تقریباً بدون هیچ تعامل سیاسی با توده‌های مردم رشد می‌کردند و به آماده‌سازی برنامه‌های سیاسی -

مبارزاتی خود می‌پرداختند. صرفاً بخش‌های مذهبی - سنتی می‌توانستند به واسطه امکانات مذهبی با حرکات پراکنده توده‌های سنتی پایگاه اجتماعی خود کم و بیش تعامل مستقیم داشته باشند.

(۷) در روند تحولات ساختاری دهه چهل، نیروهای اقشار میانه جدید به شمول دانشجویان، روشنفکران، معلمان و استادان، حقوقدانان و هنرمندان و فرهنگیان و مانند آنان، از نظر کمی رشد چشمگیری داشته‌اند. علی‌رغم تحولات جاری اقتصادی و اجتماعی در کشور، اقشار میانه جدید از هرگونه امکان تشکل آزاد سیاسی و حتی بیان آزادانه اعتراض و انتقاد به روندهای جاری کشور محروم شده بودند. این اقشار با خلاء سیاسی روبه‌رو بودند و به نیرویی نیاز داشتند که بتواند این خلاء را پر کند. (حمیدیان، ۱۳۸۹)

سال‌های پایانی دهه ۱۳۴۰ اتفاق تازه‌ای می‌افتد، نسل تازه و جوانی پا به میدان مبارزه می‌نهد. روشنفکران این نسل تازه (که یا مثل احمدزاده‌ها فرزندان فعالین جبهه ملی و یا مثل جزنی فرزندان اعضای حزب توده هستند) برآنند که نسل گذشته بر خطا بوده، به قدر کافی رادیکال نبوده و نیروی چپ‌گرای آن هم گوش به فرمان اتحاد شوروی بوده است. این نسل جدید از مبارزان، به دنبال تقریر گفتمان تازه‌ای برای مبارزه آزادی‌بخش در ایران است. الهام‌بخش فکری آنها، جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و ضد استعماری در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا بود و می‌خواست از قطب‌های دوگانه شرق و غرب در بحبوحه جنگ سرد مستقل بماند. این جنبش‌ها (از کوبا تا الجزایر، از فلسطین تا اروگوئه) در مبارزات‌شان از رویارویی نظامی و استفاده از نبرد چریک شهری و جنبش‌های مسلحانه استفاده می‌کردند. قهرمان‌های این نسل فرانس فانون، قوام نکرومه، ارنستو چه گوارا و جمیله بو پاشا بودند. آنها بیش از آن که توجهی به احزاب کمونیست داشته باشد، سازمان توپاماروها در اروگوئه، مونتروس در آرژانتین و میر در شیلی را مدل مبارزاتی خود می‌دیدند.

از شاخص‌ترین گروه‌های این نسل تازه از مبارزان، سازمان فداییان (بهمن ۱۳۴۹) بود که در غیاب سازمان‌های سیاسی جاافتاده، نمایندگی جوان‌های پرشور سوسیالیست این نسل را به عهده می‌گیرد. این جریان نسبت به جریان‌های قدیمی‌تر کمونیستی ایران (و سرآمد آنان، حزب توده) دارای صورت‌بندی بسیار عملگرایانه‌تری بود و بستر جنبش‌های چپ در ایران را با شور انقلابی رمانتیک، جهان‌سوم‌گرایی و مبارزات چریکی آغشته کرد. حادثه سیاهکل برجسته‌ترین نمود این نوع کنش است. مع-الوصف، آنها به ایدئولوژی کمونیستی خود تعهد داشتند و اکثر تحلیل‌های‌شان بدون

در نظر گرفتن لایه‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر نقش مذهب به عنوان یک مولفه بسیار مهم در ایران آن زمان بود.

## ۵. شورش ناکام سربداران جنگل: مقاومت واقعیت در برابر منطق ایدئولوژی

واقعه ششم بهمن آمل، در بحبوحه تغییرات بنیادین در ایران، توسط گروهی صورت گرفت که دارای ایدئولوژی چپ رادیکال بود. «اتحادیه کمونیستها» پیش از انقلاب ۱۳۵۷ از ادغام سازمان انقلابیون کمونیست (سازمانی مائوئیست در خارج از کشور) و «گروه پویا» (که بعضی از اعضایش برای آموزش جنگ چریکی به فلسطین رفته بودند) تشکیل شد. نشریه «حقیقت» ارگان این سازمان بود و در بین جوانان تحصیلکرده در آمریکا و سایر کشورهای غربی به ویژه فعالان در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی نفوذ قابل توجهی داشت. (ذبیح، ۱۳۶۴)

### ۵-۱) تحلیل اتحادیه کمونیست‌ها از وضعیت جامعه ایرانی

رهبری اتحادیه، بر اساس ایدئولوژی مارکسیستی، عناصر اساسی ساختار اجتماعی ایران را به نحوی ذهن‌گرایانه و انتزاعی به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌کرد: (۱) خرده-بورژوازی سنتی، که اکثریت مردم ایران را در بر می‌گیرد. (۲) بورژوازی ملی و لیبرال که در حاکمیت سیاسی، نقش واسطه بین قشر اول و دوم را بر عهده داشت. (۳) جناح‌های باقیمانده از رژیم گذشته که شامل افراد رده پایین حکومت و ارتش می‌شود. (احمدی حاجیکلایی، ۱۳۸۷) در ابتدای انقلاب، اتحادیه کمونیست‌ها عموماً آمریکا را فوری‌ترین خطر برای انقلاب و حاکمیت ملی ایران می‌دید و از جناح مکتبی در مقابل لیبرال‌ها حمایت می‌کرد. اما در تحلیل وقایع خرداد ۱۳۶۰ بر این باور بودند که حکومت تمام ویژگی‌های مترقی خود را از دست داده است. در اینجا مترقی یعنی انقلابی، ضد امپریالیست، عدالت‌محور (اعم از عدالت توزیعی و عدالت سیاسی) و باقی مولفه‌های مارکسیستی.

تحلیل آنها از این جهت قابل نقد است که در آن زمان سامان‌بخشی به مفاهیم و عناصر نظام‌بخش جامعه از طریق گفتمان اسلام سیاسی و شبکه‌های مذهبی صورت پذیرفته و در حال قوام‌یافتن بود. این غفلت تحلیلی، ناشی از حضور پررنگ یأس تاریخی است (یاسی که حاصل سرخوردگی طولانی مدت جریان‌های چپ از برخورد با حاکمیت‌های مستقر بود و باعث گسست آنها از واقعیات اجتماعی جامعه‌ای شد که در آن زیست می‌کردند. تحلیل‌های آنها به شدت غرق در دریای انقلاب چپ‌گرا و

دگرگونی‌های بنیادین بود و علیرغم هم‌حضوری با گروه‌های مختلف سیاسی وقت، نظری به ایدئولوژی و بدنه اجتماعی آنان نمی‌کرد. به منظور آشنایی بیشتر با فضای ذهنی اعضای اتحادیه کمونیست‌ها، و به تبع آن تحلیل‌شان از جامعه ایران وقت، اشاره به فقره‌ای از کتاب «پرنده نوپرواز»<sup>۱</sup> راهگشا است: «سال ۶۰ یک سال تاریخی بود، سال پر جذب و پر شور، سال بی‌باکی، سال آرمان‌های بلند و سال خاطرات شکوهمند! در تابستان داغ آن سال، در گوشه و کنار کشور و در کوچه و پس‌کوچه‌های هر شهر بوی باروت به مشام می‌رسید. انقلابیون آن دوره سرشار از روحیه فداکاری، از خودگذشتگی و خدمت به خلق بودند. مست بوی باروت بودند، صدای گلوله برای‌شان خوش‌ترین نغمه بود، عشقی که با خطر عجین نبود برای‌شان پشیزی ارزش نداشت. خلاصه، سال ۶۰، سال تفنگ و سال سرفرازی و سربلندی بود.» (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳) عشق، شور، خطر، اسلحه؛ این واژگان ترجمان رمانتیک‌ترین انقلابی گروهی است که بوی باروت را تقدیس می‌کردند و به ظاهر مدافع خلق اما در عمل، مسخ ایدئولوژی بودند.

#### ۵-۲) عملیات سربداران جنگل

در خردادماه سال ۱۳۶۰ و همزمان با عزل بنی‌صدر و درگیری شدید اپوزیسیون و نیروهای مکتبی جمهوری اسلامی، اتحادیه به رهبری سیامک زعیم به این باور رسید که جمهوری اسلامی با به اجرا گذاشتن یک کودتا خواستار یکدست نمودن و تصفیه درونی حکومت و سرکوب چپ‌هاست و باید علیه آن به فعالیت زیر زمینی و عملیات مسلحانه روی آورد. (بهرروز، ۱۳۸۰) این گروه از اواخر شهریور ۱۳۶۰ جمعیتی در حدود ۱۸۰ نفر از اعضا را از سراسر کشور به جنگل آمل فراخوانده و در پایگاهی در حوالی «منگل دره» در ۲۰ کیلومتری آمل به طور مخفیانه مستقر شدند. بعد از حمله به شهر و درگیری‌ای که حدود دو روز به طول انجامید، سرانجام با مقاومت نظامیان و مردم عملیات به شکست انجامید.

دلیل انتخاب آمل به نقل از پرسش شونده در کتاب «پرنده نوپرواز» اینچنین توصیف شده است: «دلایل مختلفی برای این انتخاب موجود بود. مردم شهر آمل از سابقه مبارزاتی بالائی برخوردار بودند. سابقه برقراری حکومت مردمی در دوران شاه را داشتند و در مبارزات علیه جمهوری اسلامی در دوره ۵۷ - ۶۰ فعال بودند. به‌علاوه،

<sup>۱</sup> کتابی که در سال ۱۳۸۳ توسط بازماندگان اتحادیه کمونیست‌ها در آلمان توسط حزب کمونیست ایران به چاپ رسید و حاصل گفتگوی نگارنده آن با یکی از رفقای خود است که ادعا شده در جنگل حضور داشت.

سازمان در آن شهر دارای یک تشکیلات اولیه و پایه مشخص بود که حدوداً شامل چند ده نفر می شد. رفقای ما در آن شهر از سابقه مبارزاتی و نفوذ معینی برخوردار بودند و در جریان حکومت مردمی در آمل در سال ۵۷ نقش و شرکت فعال داشتند. برخی از رهبران آن حکومت مردمی (مانند حشمت اسدی پور) اعضای اتحادیه بودند. البته مسائل کلی تر هم در این انتخاب طرح بود. آمل نزدیک به تهران بود، گذرگاه چند استان مهم کشور بود و به خاطر کنار جنگل قرار گرفتن از موقعیت سوق الجیشی مناسبی برخوردار بود» (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳)

آمل از شهرهای سیاسی آن زمان بود. از نظر تاریخی و جامعه‌شناختی بخاطر عمر بالای شهرنشینی و وجود طبقه متوسط شهری قدیمی و ریشه‌دار، سطح دغدغه‌مندی نسبت به مسایل اجتماعی در آن بالا بود. از این رو جوانان آن نسل که در فضای تغییرات بنیادین در کشور خود را موظف به ایفای نقش می‌دیدند دارای جهت‌گیری سیاسی شدند. برطبق تحقیقات میدانی و شفاهی نگارنده، نوع صف‌بندی گروه‌ها به نسبت گرایش‌های سیاسی‌شان را بدین صورت می‌توان توصیف نمود: اکثر افراد بسیجی و سپاهی و دغدغه‌مندان پرحرارت جمهوری اسلامی از میان بدنه انقلابی و مسلمان روستاهای اطراف آمل بودند. آنان به شدت از سویه اسلامی حرکت‌های ضد پهلوی حمایت می‌کردند و بعد از پیروزی انقلاب نیز این روند را با شدت بیشتر ادامه دادند. در طرف مقابل، اکثریت جوانان و کنش‌گران سیاسی به نوعی غیراسلام‌گرا در طبقات متوسط شهری آمل ریشه داشتند. (هرچند، قطعیتی در این بخش‌بندی نیست). از این رو، اتحادیه کمونیست‌ها به این تحلیل رسیده بود که پایگاه سیاسی‌اش در شهر «آمل» قرار دارد. تعارضی تئوریکی که اینجا نمایان می‌شود این است که اتحادیه، دلخوش به پشتیبانی نیروهای طبقه متوسط شهری، داعیه قیام دهقانی مائویستی و پرولتری مارکسیستی داشت غافل از اینکه دهقانان و حتی کارگران آملی عمدتاً دل در گرو اسلام سیاسی داشتند.

در ادامه ذکر فقره‌ای از کتاب «پرنده نوپرواز» خالی از لطف نیست؛ فقره‌ای که نشان‌دهنده نحوه‌ی مواجهه این گروه مسلح با رخداد مورد نظر و فقدان تحلیل بخاطر اولویت عمل است. در پاسخ به این پرسش که «یعنی قرار بود بروید آن عملیات را انجام دهید و به جنگل برگردید؟»، مخاطب چنین پاسخ می‌دهد: «نه برگشتن یا برنگشتن ما منوط بود به نتایج عملی در صحنه نظامی و مشخصاً چگونگی برخورد مردم و میزان پیوستن‌شان به صفوف ما. اینکه پس از آزاد سازی شهر چگونه به پیشروی ادامه دهیم چندان مورد بحث قرار نگرفته بود. ایده‌هایی بود که به سمت

شهرهای دیگر پیشروی کنیم و آنها را هم تصرف کنیم. اما آنچه که رویش حساب شده بود، تاثیر سیاسی آن بر سراسر کشور بود و نقشی که این قیام در برانگیختن مردم در جاهای دیگر داشت. در هر صورت راه عقب‌نشینی هم گذاشته شده بود. از این زاویه است که می‌گویم عناصری از جنگ درازمدت‌تر هم در این طرح موجود بود.» (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳)

### ۶. مسخ در ایدئولوژی: تحلیلی از شکست چپ رادیکال

«مسخ‌شدگی» به تغییر شکل ظاهری انسان و، در بافت این نوشتار، به شکل ایدئولوژی مقبول خود درآمدن اشاره دارد. ایدئولوژی چپ رادیکال، جوان ایرانی وقت را از حالت منطقی خویش به درآورده بود، عقل سلیم را از او گرفته بود و به جای آن شور و شورش را جایگزین کرده بود. نتیجه، خسروانی برای چپ بود که به گواه تاریخ اثبات گردید. جوانان شورشی اتحادیه کمونیستها یا سربداران در زمستان ۱۳۶۰ عقل را به کناری نهاده و شور را برگزیدند تا به خیال خود بتوانند فریادی برای تغییر برآوردند اما از این نکته بدیهی غفلت کردند که خود در دل طوفان تغییرات قرار دارند. این فقدان درک شرایط زمانه، ترجمان قطع ارتباط با مختصات جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کردند؛ قطع ارتباطی که محصول غلبه‌ی جاذبه‌ی شور و ایمان ایدئولوژی بود. همانطور که نقی حمیدیان در تحلیل رادیکالیزه شدن فضای سیاسی دوران پهلوی دوم اشاره داشت، هرچه شرایط اختناق گسترده و عمیق می‌شد، گرایش‌های رومانتیسیسم انقلابی و روحیات و ادبیات شورشگری، در صفوف مختلف مبارزان نسل جوان گسترش می‌یافت.

رویکرد رومانتیک، تاریخ دیرینه‌ای دارد که کاربردش در ادبیات بیشتر بررسی شده است اما در سیاست نیز از بدو پیدایش تاثیر خویش را نهاده است. رمانتیسیسم همزمان با عصر روشنگری در دل جریان موسوم به طغیان و طوفان آلمانی به وجود آمد و یکی از ارکان جریان مخالفی شد که به اصطلاح «ضدروشنگری» نامیده می‌شود. کارل اشمیت نگرش رمانتیک را با ارجاع به سه اصل تعریف می‌کند: (۱) زیبایی-شناسی وجودی (انتولوژیک): جهان از حالات احساسی حاصل از تخیل احساسی تشکیل شده است. (۲) ریشخندگری: جهان واقعی هستی معمول به وسیله‌ی جهانی رویاپردازی شده، تعلیق و خصوصی‌سازی می‌شود. (۳) شاعرانه‌سازی: مناقشات مادی و عینی جهان واقعی به لحاظ زیبایی‌شناختی عبارت‌پردازی می‌شوند و به یک هماهنگی والای ارض‌کننده انتقال می‌یابند. (اشمیت، ۱۳۹۳)



به نظر می‌رسد تعبیر رمانتیسیسم انقلابی مناسب‌ترین صورت‌بندی از فعالیت چپ-های مارکسیست ایرانی مخصوصاً در هنگامه پیروزی انقلاب ۵۷ و در سالهای فعالیت سیاسی رسمی و نیمه رسمی بعد از انقلاب باشد. جوانان شورشی اتحادیه کمونیستها با همان سوبه‌های رمانتیک دست به عملی زدند که با محاسبات عقلانی پایان خوشی برای آن متصور نبود اما آنان بر طبق ایمان تقدیرمحور و رمانتیک اقدام به انجام عملی کردند که به انتحار شباهت داشت.

علت این امر، به تعبیر فروغ اسدپور، این بود که بیشتر روشنفکران چپ ایران قبلاً متأثر از هژمونی الگوهای کمونیسم روسی - چینی - کوبایی، در بند «از آن خود کردنِ تئوری و کاربست‌های بومی آن» نبودند. پس از سقوط الگوی سوسیالیسم روسی نیز چپ ایران عمدتاً (و تا حدی به دلیل ضربات متحمل شده) در سردرگمی و گیجی مفرطی به سر برده است. نزد «آوانگارد‌های» چپ، نظریه اغلب نیازی به ظرافت‌کاری تئوریک، نوآوری، بازبینی، تعمیق، و بسط و گسترش رادیکال نداشته است. این در حالی است که نویسندگان و پژوهشگران روس یا ملل دیگر (نظیر پتروشفسکی، هالیدی، کدی و ...) به بررسی وضعیت ساختاری و تاریخی ما می‌پرداختند اما روشنفکری ما اغلب پیش از شناخت جهان در بند «تغییر» آن بود؛ پیش از شناخت کافی سرمایه‌داری خواستار واژگون کردن آن بود. خواست عمومی نیروهای چپ، تغییر ساختارهایی بود که حتی مفهوم‌پردازی مناسب و شناخت کافی از چند و چون دقیق‌شان در دست نداشتند. خواست عمومی آنها در انداختن طرحی نو و ساخت تاریخی نو بود اما هنوز یک طرح درست از دشواره‌های مهم مدون نشده بود و تاریخ گذشته به خوبی تحلیل و تئوری‌پردازی نشده بود. بنابراین، به نظر می‌رسد که پدیده-ی روشنفکری چپ ایران خود بخشی از صورت مسئله است زیرا چنین می‌نماید که هنوز نتوانسته به انسجام نسبی تئوریک دست یابد و امکان بسیج نیرو در صفوف خود را افزایش دهد. پس آنچه در روشنفکری ایران و چپ بارز است، خصلت غیرتئوریک آن است. به رغم سوابق مبارزاتی چپ مبارز ایرانی، ضعف و فقر شدید نظری روشنفکری چپ ایران قابل چشم‌پوشی و توجیه نیست.<sup>۱</sup> (اسدپور، ۱۳۹۵)

در ایران، پیش از انقلاب عمده چپ‌گرایان کمابیش بر این عقیده بودند که با سرنگونی رژیم سلطنتی، آزادی سراسر کشور را فرا خواهد گرفت؛ یک حکومت ضدامپریالیستی

۱. البته این پدیده صرفاً مختص طیف چپ نیست (که عموماً گامی جلوتر بوده‌اند)، بلکه به‌طور کلی در فضای روشنفکری ایران (چپ و راست) فقر تحلیل، فقر تئوری و فقر کاربست خلاقانه‌ی تئوری حول «مسئله‌ی ایران» به طرز تکان‌دهنده مشهود است.

می‌تواند مسأله وابستگی و عقب‌ماندگی اقتصادی را حل کند؛ چپ شانس بزرگی دارد که اگر نه در ابتدای «قیام» بلکه در تداوم آن رهبری جبهه ضدامپریالیستی را بر عهده گیرد؛ توده‌های مردم با تعمیق انقلاب به نیروی ناپیگیر آن پشت خواهند کرد؛ نیروهای انقلابی در فضای باز سیاسی امکان تبلیغ نظرات خود را خواهند یافت و مردم با درک منافع طبقاتی خود رهبری نیروهای انقلابی چپ را خواهند پذیرفت. برای بسیاری، به جز هژمونی روحانیت در انقلاب، چند حادثه مهم موجب چنددستگی شد: حوادث کردستان و ترکمن صحرا، اشغال سفارت توسط دانشجویان خط امام؛ جنگ ایران و عراق؛ حوادث خونین ۱۳۶۰ و شکاف در میان نیروهای رادیکال. این حوادث باعث شد که بسیاری از نیروهای چپ کم‌کم دچار سرخوردگی شوند. «قیام» بهمن رادیکال‌تر شد و تمایلات ضدامپریالیستی انقلاب ایران به گوش همه جهانیان رسید. با وجود همه فداکاری‌های فعالان چپ، چرخش سریع مردم به سوی آنان به وقوع نپیوست. انقلاب که قرار بود حلال مشکلات باشد نتوانست مشکلات اقتصادی ایران را حل کند. نه فقط حزب قوی طبقه کارگر و زحمتکشان ایجاد نشد بلکه نیروهای چپ، به دلایل مختلف تضعیف شدند. در نتیجه، فاصله بین واقعیت و ایده‌آل هر روز بیشتر شد. (جاسکی، ۱۳۹۸)

چپ ایرانی از درک شکاف بین خود و مردم عاجز بود. آنچه که به عنوان پیشفرض در نظر می‌گرفت مبنی براینکه اکثریت مردم با آن همراهند بنا به اعتراف خودشان سرابی بیش نبود؛ یکی از نمونه‌های عینی آن واقعه ششم بهمن آمل بود که نشان از غیر واقعی بودن تحلیل گروه سرداران درخصوص همراهی مردم شهر با قیام انقلابی آنان داشت. ششم بهمن یک نماد است؛ از جهت ایجابی نماد مقاومت جامعه در مقابل نیروهایی که درک درستی از وضعیت عامه مردم و اوضاع کلی اجتماع خود ندارند و انتقال این پیام به بخشی از نیروهای سیاسی که اعمال انتحاری و کورکورانه نه تنها سودی برای ملک و ملت ندارد بلکه مخرب است. از جهت سلبی نیز نماد فروپاشیدن بخش مهمی از نیروهای سیاسی مطالبه‌گر و فعال در صحنه سیاسی ایران است که بهایی‌گزاران برای این فروپاشی داده‌اند.

## ۷. نتیجه‌گیری

هدف این نوشتار پرداختن به چرایی و چگونگی عمل جوانانی بود که با مسخ‌شدگی در ایدئولوژی مارکسیستی، خود را به ورطه نابودی کشاندند. پرسش این بود که چه می‌شود انسان عمل‌گورکورانه را بر خود واجب می‌داند و به خشونت مبادرت می‌ورزد.

پاسخ در رمانتیسیم انقلابی جوانان چپ‌گرای هنگامه انقلاب ۵۷ جسته شد؛ اکثریت آن فعالان با پیروی شورمندان از رانه‌های رمانتیک خود به کام مرگ کشیده شدند و صدماتی را بر جامعه و کشور وارد کردند .

فقدان تحلیل مناسب و درک واقعی از اجتماعی که در آن زندگی می‌کردند، پیروی محض از ایدئولوژی تا حد مسخ‌شدگی، دل بستن به عمل صرف در راه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی صرفنظر از میزان معقولیت و تحقق‌پذیری آن هدف از جمله دلایل عمده ناکامی چپ‌های رادیکال در ایران بوده است. مارکسیست‌های ایرانی همه چیز را از دریچه مبارزه طبقاتی می‌دیدند، حال آنکه در جامعه ایران وقت نه از بورژوازی خبری بود و نه از پرولتاریا و دهقانان متشکل با شمار بالا که بخواهند در جهت نیل به جامعه سوسیالیستی مقدرات ایجابی انقلاب چپ‌گرای خود را پی‌گیرند؛ آنچه که بود مردمی عموماً مسلمان و معترض به فساد و تبعیض سلطنت بودند که با گستره وسیع و عمیقی از شبکه‌سازی به محوریت ایدئولوژی شیعی به نحوی شتابان به سمت براندازی گام برمی‌داشتند.

واقعیه آمل مصداقی از انحطاط جریان‌های ایدئولوژیکی است که حضور در صحنه مبارزاتی را اولویت می‌دانند و در این راه، از معقولیت و امکان‌پذیری هدف پرسش نمی‌کنند. درک این واقعیت که اسلام سیاسی انقلاب ۵۷ را به پیروزی رسانید، کار چندان دشواری حتی در آن دوره نبوده است چرا که آنچه باعث پیروزی هر انقلابی می‌شود نهایتاً حضور توده‌ها در عمل نهایی انقلاب است. این حضور از طریق سازمان مذهب صورت پذیرفته بود و گروه‌های چپ نپذیرفتند که، علی‌رغم برخورداری از پایگاه اجتماعی، از نظر کمی و کیفی توانایی بسیج‌کنندگی میلیونی توده‌های مسلمان انقلابی را دارا نیستند. چنانکه در آمل نیز برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه‌شان مقاومت مردمی را در مقابل خود یافتند.

### فهرست منابع:

- احمدی حاجیکلایی، حمید (۱۳۸۷). *جریان‌شناسی چپ در ایران، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.*
- اسدپور، فروغ (۱۳۹۵). «فقر پراتیک تئوریک در چپ ایران (۲)»: <http://pdf.kaargaah.net> > 008\_Forough\_Pratique
- اشمیت، کارل (۱۳۹۳). *رمانتیسیم سیاسی، ترجمه سهیل صفاری، تهران: نگاه معاصر.*
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، ج ۱: مارکسیسم، تهران: نی.*
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰). *شورشیان آرمانخواه: ناکامی چپ در ایران، تهران: ققنوس.*
- جاسکی، رضا (۱۳۹۸). «"دوستان سابق" - گذار از چپ به راست»: <https://m.facebook.com/237617845704/posts/101629860428>
- حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳). *پرنده نوپرواز: گفتگو با یکی از رفقای شرکت‌کننده در مبارزه مسلحانه سربداران و قیام آمل، آلمان: حزب کمونیست ایران.*
- حمیدیان، نقی [مصاحبه] (۱۳۸۹). «به عبارت دیگر: گفتگو با نقی حمیدیان»: <https://www.bbc.com> > 2011/02
- ذبیح، سپهر (۱۳۶۴). *تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی.*
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵). *شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*
- شاکری، خسرو (۱۳۸۹). «چپ، زاده مناسبات مدنی»، در: علی امینی نجفی، «جستارهای تاریخی؛ چپ در ایران»: <https://www.bbc.com> > 2010/09
- فریدن، مایکل (۱۹۹۸). «ایدئولوژی»، *دایره‌المعارف فلسفه راتلج*: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۷). «چپ و راست: از واژگان تا واقعیت سیاسی»، *زمانه*، شماره ۷۸.

## مائوئیسم و جنبش های چپ در ایران؛ با تاکید بر اتحادیه کمونیست های ایران

مختار صالحی<sup>۱</sup>

امیرمحمد بانکیان تبریزی<sup>۲</sup>

### چکیده:

مائو به عنوان یکی از رهبران تاثیر گذار در تحولات سیاسی کشور چین و نظام بین الملل در قرن بیستم شناخته می شود. وی از طریق شیوه های مختلف سعی در ارائه مدلی متفاوت از حکومت داری مبتنی بر مبانی سوسیالیستی، با ماهیت چینی، داشت. در این زمینه می توان به رویکرد هایی همچون؛ راهبرد جنگ چریکی در کشورهای تحت استثمار با حمایت توده های دهقانی، مردود شمردن نظریه روس ها مبنی بر همزیستی مسالمت آمیز، تاکید بر انقلاب دائمی در سراسر جهان علیه پایگاه های کاپیتالیسم، تاکید بر کسب قدرت نظامی و اهمیت قائل شدن برای طبقه روستائیان اشاره کرد. این عقاید و رویکردها طرفدارانی در جهان پیدا کرد که خود را پیرو تفکر مائوئیسم می دانستند و از آن عقاید تاثیر می گرفتند. در ایران نیز گروه های مختلفی از جمله اتحادیه کمونیست های ایران از این عقاید تاثیر زیادی گرفتند و اقدامات عملی را هم بر مبنای این باور انجام دادند. سوال اصلی پژوهش این است که تفکرات مائو چه تاثیری بر پیدایی و اقدامات جنبش های چپ در ایران گذاشتند؟ در فرضیه: به نظر می رسد با توجه به شکل وقایع رخ داده در ایران و شروع آن ها از روستاها و مناطق دهقانی، بیشترین اثرپذیری جنبش های چپ در ایران از مائو و رویکرد مدنظر مائو بوده است. برای بررسی موضوع از چارچوب نظری انتقادی بهره گرفته میشود. روش طرح این پژوهش تحلیلی/ تاریخی است. هم چنین در این پژوهش اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و اینترنتی جمع آوری شده و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز کیفی است.

**واژه های کلیدی:** اندیشه های مائو، جنبش های چپ در ایران، جنگ های چریکی، مبارزات روستایی

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. [mo.salehi@umz.ac.ir](mailto:mo.salehi@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. [bangian02@umail.umz.ac.ir](mailto:bangian02@umail.umz.ac.ir)

**۱. مقدمه:**

مائو در زمره سیاستمدارانی است که از ابتدای تاسیس حزب کمونیست چین در سال ۱۹۲۱، به عنوان یکی از فعالان اصلی حزب شناخته می‌شود. اثر اندیشه مائو آن قدر عمیق بود که نمی‌توان چین را مورد بررسی قرار داد و از نقش مائو سخن به میان نیاورد. مائوئیسم یک ایدئولوژی سیاسی است که بر اساس آموزه‌های مائو تسه‌تونگ، رهبر انقلاب چین، شکل گرفته‌است. مائوئیسم از مارکسیسم-لنینیسم ریشه گرفته‌است، اما برخی از مفاهیم و ایده‌های جدید را نیز به آن اضافه کرده‌است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم مائوئیسم، مفهوم «جنگ خلق» است. مائو تسه‌تونگ معتقد بود که برای پیروزی انقلاب در کشورهای عقب‌افتاده، باید از جنگ چریکی استفاده کرد. او معتقد بود که در این کشورها، طبقه کارگر هنوز به اندازه کافی رشد نکرده‌است تا بتواند به تنهایی انقلاب را رهبری کند. بنابراین، باید از ائتلافی از طبقات مختلف، از جمله دهقانان، کارگران، و خرده‌بورژوازی برای رهبری انقلاب استفاده کرد. مائوئیسم همچنین بر اهمیت «انقلاب فرهنگی» تأکید می‌کرد. مائو تسه‌تونگ معتقد بود که برای حفظ انقلاب، باید به طور مداوم از آن در برابر انحرافات محافظت کرد. او معتقد بود که انقلاب فرهنگی باید به طور منظم برای تجدید روحیه انقلابی و مبارزه با عناصر ضدانقلابی انجام شود. مائوئیسم تأثیر قابل توجهی بر تحولات سیاسی جهان داشته‌است. این ایدئولوژی به ویژه در کشورهای جهان سوم الهام‌بخش جنبش‌های انقلابی بوده‌است.

مائوئیسم یک ایدئولوژی پیچیده و چندوجهی است که تأثیر قابل توجهی بر تحولات سیاسی جهان داشته‌است. این ایدئولوژی همچنان در کشورهای مختلف جهان پیروانی دارد و تأثیر خود را بر صحنه سیاسی جهان حفظ کرده‌است. در این پژوهش بعد از بررسی ابعاد تفکر مائو، به بررسی نقش این ایدئولوژی در ایران خواهیم پرداخت. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های چپ در ایران که خود را پیرو این مکتب فکری میدانستند، اتحادیه کمونیست‌های ایران خواند. فرضیه این پژوهش آن است که شیوه، ایده و عمل این گروه فکری نزدیکی و تناسب بسیار زیادی با آنچه در مفاهیم فکری مائو شاهد هستیم، دارد.

**۲. هدف، ضرورت و پیشینه پژوهش:**

امین عزیزی (۱۳۹۸). در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی» به مواضع عملی و فکری اتحادیه

کمونیستهای ایران می پردازد و مقاطع پیش از انقلاب اسلامی و بعد از آن را بررسی میکند. همچنین به گروه هایی که از اجتماع آن ها اتحادیه کمونیست ها ایجاد شد و بررسی تفکر و عمل هر یک می پردازد. همچنین به بررسی جبهه سوم که در واقع رویایی اتحادیه کمونیست های ایران با نظام جمهوری اسلامی ایران است پرداخته است.

علی اکبر جعفری (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «مبانی نظری مهاجمان جنگل و تسخیر منطقه ژئوپلیتیک آمل» به بخش هایی از مبانی نظری گروه اتحادیه کمونیست های ایران می پردازد. مواردی همچون: مارکسیسم، لنینیسم، مارکسیسم -لنینیسم، استالیسم و مائوئیسم در مقاله به بحث گذاشته میشود. همچنین این مقاله با برشمردن دلایل انتخاب شهر آمل توسط اتحادیه کمونیست های ایران، درک بهتری از میزان اثرپذیری این گروه از آموخته های مائو را نشان میدهد.

ون شو چی (۱۳۸۱). در کتابی با عنوان «مائو و مائوئیسم» به شرحی از زندگی و زمانه مائو و سپس اندیشه او می پردازد. در این خصوص به تفکرات مائو در موضوعات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می پردازد. ابتدا به توضیح زندگی مائو می پردازد، سپس به فلسفه اندیشه او می پردازد و بعد از آنکه ابعاد انقلاب چین را بررسی میکند، به کنکاش تفکرات مائو می پردازد و در نهایت نتیجه گیری در خصوص این شخصیت را انجام میدهد.

محمد بامداد (۱۳۶۳). در کتابی با عنوان «افسانه و حقیقت درباره مائو» اعتقاد دارد بعد از لنین، هیتلر و گاندی، مائو چهارمین تاریخ ساز قرن بیستم است. او در این کتاب از بدو تولد تا مرگ مائو و وضعیت چین پس از او را بررسی میکند. مواردی مثل انقلاب چین؛ نحوه شکل گیری تفکر مائو، چگونگی به قدرت رسیدن او، سالهای اوج قدرت او در چین و در نهایت مرگ وی. سیر تاریخی کتاب بسیار کمک میکند تا به مخاطب کمک کند ارتباطی بین چگونگی مفاهیم اندیشه او بسازد.

فرج الله میزانی (۱۳۹۴). در کتابی با عنوان «مائوئیسم و بازتاب آن در ایران» به عنوان یکی از اعضای حزب توده، به بررسی تاثیر اندیشه های مائو در ایران می پردازد. ویژگی بارز این کتاب آن است که نویسنده از تجربیات خود از درون وقایع این کتاب را نگارش کرده است. نویسنده به پیدایش اندیشه مائو در روند انقلاب چین می پردازد؛ در این خصوص بعد از بیان زندگی نامه مائو به بررسی اولین اثر مارکسیستی او می پردازد و سپس یکی از ابداعات مائو یعنی چینی کردن مارکسیست را بررسی می کند.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت این پژوهش لازم به ذکر است که مهم‌ترین نکته در بررسی موضوعات مرتبط با عنوان پژوهش حاضر، کم‌توجهی به بررسی همه‌جانبه آن است. به طوری که تعداد قابل توجهی کتاب و یا مقاله در این حوزه نگارش نشده است. حال آنکه مائو و اندیشه آن تاثیر بسیار زیادی بر عملکرد پیروان آن داشته است، که در این میان، ایران نیز به دلایل مختلف شامل این موضوع خواهد شد. لذا در این پژوهش بعد از بررسی ابعاد اندیشه مائو، به بازتاب آن در ایران خواهیم پرداخت و تلاش خواهد شد شکل‌گیری و اثرگذاری تفکر مائو، از منظر تاریخی بررسی گردد. هدف از انجام این پژوهش آن است که در خصوص بومی‌سازی عقاید سیاسی که بعد جهانی پیدا می‌کنند به این پرسش پاسخ دهد که اهمیت آن تا چه اندازه است؟ و اجرای بدون دخل و تصرف و مشابه یک عقیده و ایدئولوژی سیاسی یک کشور، در کشوری با فرهنگ سیاسی متفاوت می‌تواند ثمر بخش باشد یا خیر؟ برای بررسی موضوع فوق در ادامه به چارچوب نظری انتقادی که ریشه‌های آن با تفکر سوسیالیستی نیز مشابهت‌های زیادی دارد پرداخته می‌شود.

### ۳. چارچوب نظری: رویکرد انتقادی

مکتب فرانکفورت توسط ماکس هورکهایمر در دانشگاه فرانکفورت بنیان‌گذاری شد و باعث مطرح شدن چهره‌های برجسته‌ای همچون تئودور آدورنو، هربرت مارکوزه، والتر بنیامین در جهان گردیده است. گرایش کلی طرفداران این مکتب، مارکسیسم بود. مکتب انتقادی در برگرفته انتقاد از جامعه و نیز نظام‌های گوناگون معرفتی است و هدف نهایی آن افشای دقیق‌تر ماهیت جامعه است. نظریه انتقادی نیز محصول گروهی از نومارکسیست‌های آلمانی این مکتب است که از حالت نظریه مارکسیستی به ویژه از گرایش آن به جبرگرایی اقتصادی دل‌خوشی نداشتند. این نظریه از «مارکس» الهام گرفته و هدف اصلی آن نشان دادن روابط قدرت در چارچوب پدیده‌های فرهنگی است (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۶۵). در واقع بررسی چرایی وقوع یک پدیده در طول تاریخ و بحث و بررسی زوایای پنهان آن در رویکرد انتقادی از اهمیت زیادی برخوردار است.

رویکرد انتقادی در علوم سیاسی نیز، رویکردی است که بر نقد و بررسی مفاهیم و نظریه‌های علوم سیاسی تأکید دارد. این رویکرد بر این باور است که علوم سیاسی باید از دیدگاه‌های مختلف و با استفاده از روش‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد و ریشه در فلسفه انتقادی دارد. فلسفه انتقادی، رویکردی است که بر نقد و بررسی مفاهیم و



نظریه‌های موجود تأکید دارد. این رویکرد بر این باور است که مفاهیم و نظریه‌های موجود، ممکن است ناقص یا نادرست باشند و نیاز به نقد و بررسی دارند. این رویکرد، در دهه‌های اخیر، به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند مطالعات جنسیت، مطالعات قومیت، و مطالعات محیط زیست کاربرد گسترده‌ای دارد. برخی از ویژگی‌های اصلی رویکرد انتقادی در علوم سیاسی عبارتند از: تأکید بر نقد و بررسی مفاهیم و نظریه‌های علوم سیاسی، استفاده از دیدگاه‌های مختلف در بررسی مفاهیم و نظریه‌های علوم سیاسی، استفاده از روش‌های مختلف در بررسی مفاهیم و نظریه‌های علوم سیاسی (معینی، ۱۴۰۰: ۸۱).

رویکرد انتقادی، می‌تواند به درک بهتر مفاهیم و نظریه‌ها و همچنین به شناسایی و رفع مشکلات موجود در جامعه کمک کند. نظریه انتقادی، این فرضیه را مطرح می‌کند که هدف از شناختن جهان، دگرگون کردن آن است و از نقش سلطه‌گر علم و اقتصاد می‌گوید (معینی، ۱۴۰۰: ۷۷). رویکرد انتقادی، نسبت به ارتباط نظریه و عمل سیاسی بی تفاوت نیست و رویکردی را مناسب می‌داند که نیازی را رفع کند و یا دردی را کاهش دهد. از دیدگاه این نظریه، دانش، میانجی و عامل رسیدن به درک جدیدی از خواسته‌های فرد است. نظریه انتقادی با پرسش از منافع حاصل از دانش و دانش انتقادی در خدمت رهایی، به شدت از نارسایی و کافی نبودن پژوهش‌های تجربه‌گرایانه انتقاد می‌کند (معینی، ۱۴۰۰: ۸۲).

هدف نظریه انتقادی، بر خلاف نظریه‌های معطوف بر حل مشکل، نقد وضع موجود، جهت برقراری نظم مطلوب است و این نظریه یکی از رهیافت‌های فرائیبات‌گرا است که توسط اندیشمندانی چون مارکوزه، هابرماس، آدورنو گسترش توضیح داده شد و البته بیشتر در قالب یک فرائیبات‌گرایانه مطرح است (دهقانی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). نظریه انتقادی در سیاست خارجی به جای تأکید بر انسان اقتصادی بر انسان اجتماعی تأکید می‌کند. انسان اجتماعی، بازیگری ذره‌ای منفعت جو، خود پرست، محاسبه‌گر و هدف محور نیست؛ بلکه انسانی است که ساختارهای اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساخت هویت و نوع رفتار او دارد. در این رویکرد، انسان معلول و نتیجه محیط اجتماعی خود است و صرفاً بر مبنای عقلانیت و تنها برای منافع خود اقدام نمی‌کند (دهقانی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

نظریه فوق به این دلیل در بررسی موضوع فوق به کار گرفته شد که از منظر و دیدگاه این نظریه بهتر می‌توان مبانی فکری و رفتاری جنبش‌های چپ به خصوص جنبش‌های چپ شکل گرفته در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی را بطور تاریخی مورد

بررسی و تحلیل قرار داد. در واقع بین مفروضات انتقادی نهفته در تفکرات جنبش‌های چپ ایران با ریشه‌های رهایی بخشی در اندیشه‌های انتقادی همسویی وجود دارد.

#### ۴. اصول و بنیان اندیشه مائو:

"مائو تسه تونگ" دانشجوی جوانی که در سال ۱۹۱۹ برای اولین بار نامش بر سر زبان‌ها افتاد، در سال ۱۸۹۳ در "شائو شان" به دنیا آمد. پدر مائو یک نظامی بازنشسته چینی به نام "مائو - ین - شنگ" بود که مردی بسیار خشن و عصبانی بود. معلم مدرسه مائو نیز همانند پدرش خشن و عصبانی بود. در خاطرات مائو آمده که در ۱۰ سالگی برای اولین بار مقابل زور گویی معلم خود ایستادگی کرد. نحوه بیان این اتفاق در خاطرات مائو نشان می‌دهد که این رخداد به ظاهر ساده نقش زیادی در ساخت اندیشه او داشت، وی می‌گوید: «وقتی از مدرسه گریختم از ترس پدر و کتک‌های او جرات بازگشت به خانه را نداشتم، لذا راه شهر را در پیش گرفتم و بی هدف بطرف شهر میرفتم که سواره به دنبال من آمدند و مرا به خانه بردند. با کمال تعجب مشاهده کردم که رفتار پدرم نسبت به من ملایم‌تر شده و بجای کتک زبان به نصیحت گشوده است. روز بعد در مدرسه هم معلم رفتار بهتری داشت و نه فقط نسبت به من بلکه نسبت به دیگران هم خشونت کمتری نشان می‌داد. این نخستین درسی بود که از ثمره مقاومت گرفتم.» (بامداد، ۱۳۶۳: ۲۲).

نخستین کتاب سیاسی که مائو مطالعه کرد کتاب کلمات هشدار اثر چنگ کوآن - پینگ بود که در محتوای آن کتاب، آمده بود برای نجات چین باید آن را ثروتمند و قوی کرد. او در دوران دبیرستان روزنامه‌ها و مقالاتی را مطالعه می‌کرد که از دموکراسی حمایت می‌کردند و این نکته جالب زندگی او است که وی پیش از کمونیسم، از اندیشه غرب اثر پذیرفته بود. البته بعدها مائو این اندیشه‌ها را با قدرت نفی نمود. تاسیس انجمن نوین مردم در سال ۱۹۱۷، اولین اقدام عملی مائو در سطح جامعه بود که اعضای آن انجمن عموماً از هم‌کلاسی‌های وی در دبیرستان تشکیل شده بود. همچنین بسیاری از اعضای موسس حزب کمونیست چین از معلمان او بودند. در سال ۱۹۲۰ او آموخته‌های زیادی از انقلاب روسیه و کمونیست داشت و به طور کامل یک مارکسیست شده بود و مسئول سازماندهی مجمع جوانان سوسیالیست، حلقه اولیه حزب کمونیست چین، شد (شون چی، ۱۳۸۰: ۲۲).

حزب کمونیست چین از سال ۱۹۲۱ فعالیت خود را آغاز کرد و سه‌گرایش عمده داشت: گروه اول طرفداران ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم با اعتقاد به اولویت

پرولتاریای صنعتی، گروه دوم طرفداران جنبش دهقانی، با اعتقاد به اولویت پرولتاریای روستایی و گروه سوم که با سوسیالیست های فرانسه در ارتباط بودند. مائو رهبر فکری گروه دوم بود (امیر شکاری، ۱۳۷۹: ۵۹۰). مائو تسه تونگ، رهبر انقلاب چین و بنیانگذار جمهوری خلق چین، یکی از تأثیرگذارترین نظریه پردازان سیاسی قرن بیستم بود. اندیشه مائو، که به «مائوئیسم» معروف است، بر اساس نظریات مارکسیستی-لنینیستی بنا شده است، اما ویژگی های خاص خود را نیز دارد. اصول اندیشه مائو را می توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

#### ۴-۱ نظریه مبارزه طبقاتی:

مائو معتقد بود که جامعه بشری، در حال مبارزه بین طبقات اجتماعی است. طبقه کارگر، طبقه غالب جامعه است و طبقه سرمایه دار، طبقه استثمارگر جامعه است. مبارزه بین این دو طبقه، سرنوشت جامعه را تعیین می کند (تسه تونگ، ۱/۶۴: ۱۳۹۴). برخی تحلیل گران بر این باورند که طبقات اجتماعی ایران از جمله کشاورزان، کارگران، کارمندان، روشنفکران، طبقه متوسط مدرن و طبقه سنتی، کمترین برخورد را با یکدیگر دارند و آنان همواره خود را همسو با منافع دولت ها و یا در مقابل آنها توصیف کرده اند. چراکه دسترسی طبقات به منابع اقتصادی صرفا از رهگذر دولت ها امکان پذیر است. در واقع منظور از دولت ها، دولت هایی که قدرت را در اختیار دارند. دولت هایی که اقتدار و توانایی تجهیز، بسیج و توزیع دارند. مهدی نجف زاده در کتاب خود با نام «جابه جایی دو انقلاب» آورده است که: «با نگاهی به تاریخ ایران می توان گفت تا قبل از روی کار آمدن دولت رضاشاه هیچ کدام از دولت های ایرانی چنین ویژگی هایی نداشته اند. حتی دو دولت مقتدر شاه عباس و ناصرالدین شاه حداکثر به عنوان موازنه کننده طوایف قدرتمند عمل می کرده اند.» (غلامی، ۱۳۹۹: ۱).

#### ۴-۲ نظریه انقلاب:

مائو معتقد بود که مبارزه طبقاتی، تنها با انقلاب می تواند به پیروزی برسد. انقلاب، عبارت است از تغییر بنیادین در نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه. مائو معتقد بود که انقلاب، باید توسط مردم خودی انجام شود. مردم خودی، عبارتند از کارگران، دهقانان و سایر اقشار طبقه محروم جامعه. همچنین وی معتقد بود که انقلاب، باید از روستاها آغاز شود و سپس به شهرها گسترش یابد. این نظریه، به «رهبری روستایی بر شهری» معروف است. همچنین او معتقد بود برای یک انقلاب بزرگ باید یک حزب بزرگ داشت (شون جی ۱۳۸۱: ۷۵). در سال ۱۹۲۸ مائو گفت: خوش نشینان روستایی می توانند با ترکیبی از مطالعه و همکاری در انقلاب، به پیش

آهنگان انقلاب در چین تبدیل شوند. جمله فوق را می‌توان بنیان اساسی نیم قرن اندیشه وی دانست (باتاماور، ۱۳۸۷: ۶۰۶).

۳-۴ نظریه دولت و سیاست:

مائو معتقد بود که دولت، باید ابزاری در دست طبقه کارگر باشد. دولت، باید برای تحقق منافع طبقه کارگر عمل کند و اعتقاد داشت که سیاست، عبارت است از فعالیت آگاهانه طبقات اجتماعی برای تحقق منافع خود. اگر قرار باشد که یک اصل را درباره مهم‌ترین بخش اندیشه سیاسی مائو نام ببریم، آن «اصل مرکزیت دموکراتیک» خواهد بود. نظام سیاسی که حزب کمونیست و حکومت چین به کار گرفت، اصل مرکزیت دموکراتیک لنینیستی بود. مائو درباره نظام حزبی، اعتقاد داشت: «برای رهبری یک انقلاب بزرگ، لازم است که حزبی بزرگ و کادرهای عالی فراوان حزبی داشت؛ و برای این که حزب خود را قدرتمند کنیم، باید متکی بر اعمال اصل مرکزیت دموکراتیک در حزب باشیم تا اشتیاق به فعالیت را در تمامی اعضای حزب برانگیزد» (شون جی، ۱۳۸۱: ۷۵).

۴-۴ نظریه فرهنگی و آموزش:

مائو معتقد بود که فرهنگ، باید در خدمت انقلاب باشد. فرهنگ، باید برای آگاهی بخشی و تربیت طبقه کارگر عمل کند و آموزش، باید رایگان و همگانی باشد. آموزش، باید برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه کمونیستی عمل کند. همچنین دیدگاه مائو در خصوص هنر را می‌توانیم در پاسخ چهار پرسش زیر فهم کنیم:

پرسش اول: «هنر و ادبیات برای چه کسانی است؟» پاسخ قاطع مائو این است که هنر و ادبیات برای اقشار وسیع مردم است، از جمله: کارگران، دهقانان و سربازان. پرسش دوم: «چگونه هنر و ادبیات میتوانند به توده‌ها خدمت کنند؟» پاسخ مائو به این سوال شامل دو عنصر اعتلاء و مردمی کردن هنر و ادبیات بود. توده‌ها به دلیل آنکه سالها درگیر جنگ بودند، بی سواد و باقی مانده بودند. به همین دلیل، مردمی کردن هنر و ادبیات برای توده‌ها جنبه اساسی و حتمی داشت و به محض اینکه روند مردمی کردن تحقق یافت؛ طبیعتاً زمینه اعتلای هنر و ادبیات نیز فراهم می‌یابد. هنر و ادبیات باید برای لذت برد کارگران، دهقانان و سربازان خلق شده باشد نه آنکه صرفاً یک طبقه برگزیده از آن استفاده کنند (شون جی، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

پرسش سوم: چگونگی رابطه‌ی بین آثار هنری و ادبی حزب کمونیست چین با تمامی فعالیت حزب است. از دیدگاه مانو، هنر و ادبیات اصولاً متعلق به یک طبقه خاص، پرولتاریا، بوده و خط سیاسی مشخصی را دنبال میکنند. به اعتقاد او اگر چه هنر

و ادبیات فرمان بردار سیاست هستند، اما در عین حال تأثیر بسزایی در سیاست دارند. پرسش چهارم: «آیا افشاگری کنیم یا تحسین کنیم و آیا لبه روشن را بنویسم یا لبه تاریک را؟» مائو باور داشت که وظیفه اصلی هنرمندان انقلابی، افشاگری درباره تمامی نیروهای تاریک زیانبار برای توده های مردم و تحسین از تمامی تلاش های انقلابی مردم است. به طور خلاصه سیاست مائو درباره هنر و ادبیات را میتوان در دو اصل خلاصه کرد: نخست، هنر و ادبیات باید در خدمت توده های وسیع مردم باشند، یعنی کارگران، دهقانان و سربازان و دوم، هنر و ادبیات فرمان بردار سیاست هستند یعنی سیاست طبقاتی (شون جی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). نوع نگاه مائو به چگونگی تلفیق آن با اقشار مختلف مردم در ادامه بر اندیشه دیگر جنبش ها به خصوص در ایران نیز تاثیرات خود را بر جای گذاشت.

#### ۴-۵ نظریه اقتصادی:

مائو معتقد بود، سیاست اساس و بنیان تمامی فعالیت های اقتصادی است و در واقع باید اقتصاد در خدمت سیاست باشد و به اعتقاد او هدف سیاسی انقلاب چین، برپایی انقلاب سوسیالیستی و ساخت سوسیالیستی جامعه و نیز حمایت از انقلاب جهانی پرولتاریایی در خارج از چین است. سیاست اقتصادی حتما باید با این هدف سیاسی همسو و هماهنگ باشد. توسعه اقتصاد ملی باید به طریقی برنامه ریزی شده و مناسب و از راه برنامه ریزی دولتی و هدایت آن توسط دولت نظام اقتصادی متمرکز یا مرکزی صورت گیرد. این روش اقتصادی را باید به عنوان مشخصه سوسیالیسم در نظر بگیریم که در آن مفهوم؛ بهترین هدف اقتصادی، خدمت به پرولتاریا است (شون جی، ۱۳۸۱: ۹۷).

در نهایت می توان اینگونه مطرح کرد که، آنچه مائو و کمونیستهای چین به نوع روش های انقلاب کمونیستی اضافه کردند؛ دو مورد بود: نخست، انتقال مرکز مبارزه از شهرها به روستاها و دوم، تمرکز از کارگران شهری به دهقانان. فعالیت انقلابی در چین به شکل جنگ چریکی درآمد که مائو آن را تا پیروزی نهایی در ۱۹۴۹ هدایت کرد. در سیاست داخلی؛ هدف مائو اندیشه او دگرگون کردن جامعه سنتی چین بود که مهم ترین برون داد این هدف، اصلاح زمین داری و جمعی کردن کشاورزی و انقلاب فرهنگی بود. مائو معتقد به روابط تنگاتنگ و نزدیک بین سیاست و موضوعات نظامی بود و اوج این تفکر را در جمله او می توان مشاهده کرد که گفت: «قدرت در لوله تفنگ است». او جهان را به سه اردوگاه امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و جهان

سوم اعتقاد داشت و خود را آلترناتیو و سلاح انقلابی مردم استعمار زده در مقابل دو ابر قدرت می دانست (جعفری، ۱۳۹۱: ۶۸).

##### ۵. شکل‌گیری جنبش‌های چپ در ایران با تاکید بر اتحادیه کمونیست‌ها:

سابقه فعالیت جنبش چپ در ایران، به طور ویژه اتحادیه کمونیست‌های ایران، به قبل از پیروزی انقلاب برمبگردد؛ انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است و می‌تواند معیار مناسبی برای بررسی عملکرد و افکار گروه‌های سیاسی باشد. جنبش‌های چپ پیش از انقلاب هم سو با گروه‌های اسلامی به مخالفت و مبارزه با حکومت پهلوی پرداختند؛ اما پس از پیروزی انقلاب با جریان حاکم بر کشور به اختلافات جدی برخورد کردند که ماحصل آن، این بود که گروه‌هایی مانند اتحادیه کمونیست‌های ایران به جنگ مسلحانه روی آوردند. در این بخش از پژوهش به بررسی تاریخ جنبش‌های چپ در ایران خواهیم پرداخت:

###### ۵-۱. پیش از انقلاب اسلامی:

پس از سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ کشور به سمت یک فضای باز سیاسی پیش رفت و سه‌گرایش عمده در عرصه سیاسی-اجتماعی ایران ایجاد شد: گرایش ملی، گرایش چپ (مارکسیستی) و گرایش اسلامی. جریان چپ در ایران متأثر از گروه ۵۳ نفر به رهبری تقی‌ارانی بود که از اواسط سلطنت رضاشاه فعالیت خود را آغاز کرد. این گروه که حلقه‌ای از روشنفکران مارکسیست بودند، حزب توده را در مهر ۱۳۲۰ تأسیس کردند. این فضای باز سیاسی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تداوم داشت. اما بعد از آن پهلوی دوم با اتخاذ روش‌های مختلف مانع سیاست‌ورزی گروه‌های منتقد شد و حزب توده نیز از این موضوع در امان نماند و عمده‌اعضای آن به خارج کشور و عموماً اروپای شرقی رفتند. این مهاجرت زمینه‌شکل‌گیری تشکل‌های دانشجویی چپ در خارج از کشور را فراهم کرد (عزیزی، ۱۳۹۸: ۹۳). البته سابقه گرایش چپ و سوسیالیستی در ایران به دوران مشروطه باز می‌گردد. نخستین سوسیالیست‌های ایران را باید کارگران ایرانی دانست که در اوایل قاجار به قفقاز مهاجرت کردند. این گروه بعد از آنکه در جریان انقلاب ۱۹۰۵ روسیه مبارزات اجتماعی را از نزدیک تجربه کردند گروه‌ها و جمعیت‌های مختلفی را ایجاد کردند، از جمله: جمعیت همت و حزب عدالت (مقصودی، ۱۳۹۴: ۱۹۹). بعد از جنگ جهانی دوم؛ موضوع جنگ توده‌ای، اهمیت فراوانی یافت و موجب غلبه مشی‌چریکی بر اذهان اکثریت مطلق مارکسیست‌لینیست‌ها در سایر کشورها شد.

یکی از سازمانهای کمونیستی در ایران اتحادیه کمونیستهای ایران بود که اکثر کادرهای آن عضو کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا بودند. این کنفدراسیون در سال ۱۳۳۷-۱۳۳۸ توسط عده ای از اعضای حزب توده در اروپا و آمریکا تشکیل شد. در کنفدراسیون چند پارچگی ایجاد شد و به هواداران مائو، چه گوارا، فیدل کاسترو تقسیم شدند، اما به طور کلی به تز سه جهانی چین (تقسیم جهان به جهان اول: ابر قدرت های آمریکا و شوروی، جهان دوم: اروپا و ژاپن، جهان سوم: باقی کشورها) اعتقاد داشتند (جعفری، ۱۳۹۱: ۶۹). همچنان که در بخش های قبلی پژوهش توضیح داده شد، تفکر مائو دارای چارچوب های مشخص و مخصوص به خود است. در این بخش بررسی خواهیم کرد که موارد فوق تا چه اندازه در رفتار اتحادیه کمونیست های ایران نمود داشته است. همانگونه که ذکر گردید، اکثر کادر اتحادیه کمونیست های ایران، عضو کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در آمریکا و اروپا بوده اند. سازمان انقلابیون کمونیست در سال ۱۳۴۸ در خارج از کشور تشکیل شد و توانست حدود ۶۰ دانشجو با اندیشه مارکسیسم را جمع کند. اعضای اولیه این سازمان سوابق مختلفی داشتند: از عضویت در جبهه ملی تا برخی از روشنفکران و مسلمانان سابق. این گروه در سال ۱۳۴۹ مائوئیست شدند و نشریه ای به نام کمونیست را منتشر کردند و به فعالیت در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی پرداختند (رفیع، ۱۳۹۱: ۷۸).

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم خارج، از گروه های مخالف شاه بودند که علیه آن فعالیت سیاسی فرهنگی میکردند، اما همان طور که گفته شد، در کنفدراسیون به خاطر وجود اندیشه ها و تفکرات مختلف، اختلاف و انشقاق ایجاد شد. یکی از گروه های جدا شده، در سال ۱۳۵۴ کنفدراسیون احیا را ایجاد کردند که بیشتر اعضای اتحادیه کمونیست های ایران سابقه عضویت در آن را داشتند. گروه دیگر گروه پویا بود که اکثر اعضای آن از محفل فلسطین بودند. در نهایت با پیوستن گروه فلسطین به رهبری حسین تاجمیر ریاحی، سازمان انقلابیون کمونیست، رسماً نام خود را به اتحادیه کمونیست های ایران تغییر داد (رفیع، ۱۳۹۱: ۷۸).

ایدئولوژی اتحادیه در ابتدا «مارکسیسم - لنینیسم» همراه با نظریات مائو بود و از چین به عنوان انقلاب جهانی و از مائو به عنوان رهبر زحمتکشان و کارگران دفاع می نمود. اما بعد مرگ مائو و تغییر در سیاست خارجی چین و ایجاد انحراف در رهبری حزب کمونیست چین، اتحادیه دیگر رسماً از مائو نام نمی برد اما عملاً مشی او را ادامه می داد. در حقیقت اتحادیه در مورد ایدئولوژی «مارکسیسم - لنینیسم» معتقد

بود که جامعه ایران که در نتیجه ی یک تب و تاب دموکراتیک، انقلابی علیه سلطنت بر پا کرد نیازمند یک مرجع ایدئولوژیکی دموکراتیک و متکی بر اندیشه‌های پیش روی این عصر است. این اندیشه و مرجع به نظر آنها، کمونیست‌ها و اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم و در ادامه اندیشه‌های دموکراتیک نوینی بود که بتواند سکان کشتی جامعه را در کشاکش‌های بحرانی داخلی و خارجی به دست گیرد و جلو ببرد (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۰).

اتحادیه کمونیست‌های ایران در خصوص بازتاب عقاید و افکار خود چندین نشریه به شرح زیر داشت: نشریه حقیقت: که تا شماره ۲۷ در خارج از ایران و سپس در داخل ایران منتشر می‌شد. نشریه فوق در ابتدا به صورت ماهانه و سپس در زمان جنگ ایران و عراق حتی هر هفته سه بار چاپ می‌شد. نشریه کمونیست: که صرفاً مبانی ایدئولوژی اتحادیه را منتشر می‌کرد. نشریه ایشچیلر: که در منطقه آذربایجان منتشر می‌شد. نفتگران جنوب: که در دو سال اول بعد از انقلاب منتشر می‌شد. نشریه جنوبی مشهد: که صرفاً خبری بود. نشریه پیشمرگه: که در زمان فعالیت اتحادیه در کردستان منتشر می‌شد (کردی، ۱۳۸۶: ۳۳).

مواضع اتحادیه پیش از انقلاب در کل عبارت بودن از اینکه: رژیم شاه وابسته به امپریالیسم جهانی است که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در قدرت ماند؛ آمریکا بزرگترین دشمن ایران است که باید در مقابل آن جنگ مسلحانه پیش گرفت؛ شوروی، سوسیال امپریالیست است و در عمل تفاوتی با آمریکا ندارد و بعد از مرگ استالین با رهبری خروشچف به انحراف رفته است؛ چین در زمان رهبری مائو به عنوان یک الگو و پایگاه انقلاب جهانی بود اما پس از مرگ او به انحراف کشیده شد؛ آلبانی یک کشور اصیل سوسیالیستی است و در نهایت، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ امام خمینی نقطه عطفی در مبارزات ملت ایران می‌باشد (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۲).

۲-۵. بعد از انقلاب اسلامی:

بعد از انقلاب اسلامی، اتحادیه ابتدا موضع ملایمی نسبت به انقلاب در پیش گرفت و حتی بعد از آغاز جنگ نیروهای خود را به جنگ فرستاد، اما هر چه به جلو آمد اختلافات بیشتری با انقلاب پیدا کرد، اوج این اختلافات بعد از عزل بنی صدر خود را نشان داد، جایی که اتحادیه گمان می‌کرد مردم به حمایت از بنی صدر قیام کنند اما چنین نشد. به همین خاطر اتحادیه کمونیست‌های مسلمان وارد فاز مسلحانه شد (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۳). برخی دیگر از گروه‌های چپ نیز به سرعت وارد فاز مسلحانه شدند و به این ترتیب کشور در چند ماه بعد از وقوع انقلاب اسلامی، دچار چالش‌های



ایجاد شده توسط این گروه ها در مناطق مختلف شد: اقدامات گروه های تجزیه طلب در کردستان، بحران زایی گروه های چپ در مناطق ترکمن نشین، تلاش هایی جهت ایجاد بحران در بلوچستان، ایجاد ناآرامی حزب خلق مسلمان در آذربایجان، اعلام جنگ گروه مجاهدین خلق و... بخشی از این بحران سازی ها بود ( فوزی، ۱۴۰۱: ۳۹).

از آنجا که اتحادیه کمونیستهای ایران سازمانی مائوئیستی بود، بر طبق الگوی مبارزاتی مائو به تئوری محاصره شهرها از طریق روستاها و مناطق غیر شهری اعتقاد داشت. در چنان شرایطی که نیروهای نظامی و انقلابی و بسیجی غالب شهرها مشغول دفع تجاوزات دشمن در جنگ بودند، مردم در قالب نهادهایی مثل بسیج مردمی و کمیته های انقلاب زمینه جنگ های چریکی موثر در شهرهای بزرگ ایران را کاهش دهند. لذا اتحادیه کمونیستهای ایران، که از قدرت نمایی در شهرهای بزرگ کشور می هراسید، شهر آمل را برای عملیات خود انتخاب کرد و با ارزیابی موقعیت های جغرافیایی، جنگل های آمل را برای جنگ های چریکی مناسب تشخیص داد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۰). آمل برای فعالیت آنها به دلیل فاصله قابل توجه از کوه های جنگلی تا دریا، دارای عمق عملیاتی بود و برای جنگ و گریز مناسب بود. همچنین برداشت اعضای ارشد اتحادیه آن بود که به دلیل موقعیت اجتماعی منطقه آمل و تعداد قابل توجه دهقانان، در صورت حمله به آن شهر با حمایت مردم از یک سو و سرکوبی نیروهای انقلابی از سوی دیگر مواجه خواهند شد و در نهایت با تصرف آمل و باقی شهر های مازندران مردم در سایر شهرها هم وارد عمل شده و یک انقلاب دهقانی را جلو خواهند برد. وجود جنگل در استان های شمالی به خصوص استان مازندران و نیز یادها و خاطره های تاریخی آغاز نهضت مسلحانه در جنگل، دلگرمی خوبی برای اعضای این اتحادیه بود. تصور اتحادیه این بود که نیروهای دولتی و نظامی در دو جبهه جنگ تحمیلی و کردستان درگیر هستند و لذا اعضا و هواداران با یک حرکت نظامی میتوانند شمال را تصرف نمایند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۰).

طبق اعترافات حسین تاجمیر ریاحی، از رهبران سربداران، یکی از تاکتیک های کمونیستها در آن زمان، سوء استفاده از وضعیت جنگی کشور بود. از سوی دیگر تاکتیکهای جنگ در جنگل تخصصی است و نیروهای ضدشورش به سختی و با تلفات زیاد در این میدان مواجه خواهند شد. مبدع این تز که به نام «جبهه سوم» لقب گرفت، حسین تاجمیر ریاحی بود. اتحادیه قصد داشت جبهه ای را در سرتاسر جنگل های شمال گسترش دهند و مرکزیت این جبهه شهرستان آمل بود. از آن جایی که

استراتژی مائو در چین با حرکت دهقانی و کارگری از روستاها و جنگلها و استقرار در یک نقطه امن و سپس گسترش منطقه امن تا آزادسازی روستاها آغاز گردید و به ثمر نشست، تجربه چین الگوی سازمانهای کمونیستی مائوئیستی بود. نظریات چه گوارا و مبارزات فیدل کاسترو در کوبا و اتخاذ شیوه جنگ و گریز و تحرک مطلق در درون جنگل و در نتیجه ضربه زدن به حکومت مرکزی نیز از دیگر الگوهای مبارزاتی این سازمانها بود (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

شاید بهتر باشد روایتی از چگونگی وقوع واقعه شش بهمن آمل را از زبان تعدادی از حاضران در آن حادثه بخوانیم، یکی از نیروهای نظامی حاضر در واقعه آمل در خاطراتش نوشت: «مردم در این درگیری غیرقابل تصور بودند، به طوری که در ساعات اولیه این نبرد دلاورانه، تمام سطح شهر را پوشش دادند و از خارج شهر با سرعت تمام، وانت وانت شن و ماسه به داخل شهر می‌آوردند. در حین درگیری شدید در حدود ساعت یازده بود که وانت‌هایی که کیسه‌ی شن حمل می‌کردند، از جاده رد شدند ما ابتدا ایست دادیم که آنها توجه نکردند. یک بار به یک وانت به منظور ترساندن آنها شلیک کردیم که فرار کردند. یکی دو بار هم وانت‌ها را گرفتیم و گونی آنها را خالی کردیم ولی تعداد وانت‌ها آنقدر زیاد بود که محافظان جاده، کاری نمی‌توانستند بکنند. جنگ و گریز مردم و نیروهای نظامی موجب کشته شدن و دستگیری عده‌ای از مهاجمان شد و در همان روز سه‌شنبه ششم بهمن ۱۳۶۰ دشمن تمام مواضع خود را از دست داد و در ساعت ۴ بعد از ظهر شروع به عقب نشینی کرد و در دو باغ حاشیه شهر موضع گرفت» (خبرگزاری ایسنا، ۶ بهمن ۱۳۹۹).

یکی دیگر از نیروهای حاضر در این اقدام در خاطره‌ای بیان کرد: «بعد از عقب نشینی، وارد یک باغ بزرگ شدیم. در همان موقع صدای الله‌اکبر و صدای جمعیت زیادی از درون باغ آمد. بچه‌ها فهمیدند که باغ در محاصره است و از هر طرف که خواهیم برویم به آنها بر می‌خوریم. در آنجا بچه‌ها تیراندازی هوایی کردند، چون امکان داشت همدیگر را بزنیم. افرادی که در برخی از محلات مانند رضوانیه مستقر بودند تا شاید مردم در روشنی روز به آنها بپیوندند، نا امیدانه به جنگل برگشتند. من تا ظهر در همان محله ماندم و با شدت گرفتن درگیری در پیرامون محله و تنگ‌شدن حلقه محاصره، جزو اولین گروهی بودم که به طرف جنگل برگشتیم. در واقع پس از یورش بی‌امان مردم و کشته شدن ۳۴ نفر از گروه سربداران، به‌ویژه کشته شدن کاک اسماعیل، مسوول کمیته نظامی اتحادیه، گروه به طرف جنگل عقب‌نشینی کرد» (خبرگزاری ایسنا، ۶ بهمن ۱۳۹۹).

۳-۵. رویکرد عملی و نظری اتحادیه کمونیست‌ها بعد از انقلاب (با تأکید بر واقعه ۶ بهمن آمل):

همچنان که در بخش قبل ذکر شد، اتحادیه ابتدا موضع ملایم و حتی در پاره‌ای موارد همدلانه نسبت به انقلاب اسلامی داشت اما به مرور بر مبنای آنچه "ارتجاع" نامید به مخالفت با نظام نوپا اسلامی پرداخت. برخی از دلایل اتحادیه برای این ادعا عبارت بود از: جریان دستگیری قطب زاده پس از سخنرانی در قم و طرفداری بنی صدر از او، مسأله گروگانهای سفارت آمریکا که اتحادیه با آزادی آنها مخالف بود، عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری و وقایع ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ (خلیل پور، ۱۳۶۶: ۱۸)

برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا توسط امام خمینی «ره» و تصویب طرح عدم کفایت سیاسی توسط مجلس شورای اسلامی و اتفاقات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ همگی تبدیل به نقطه عطفی از تنش میان جمهوری اسلامی و ضد انقلابیون داخلی شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۶). اتحادیه در راستای تسریع در به راه انداختن شورش مسلحانه و دعوت مردم به یک قیام و انقلاب علیه جمهوری اسلامی به مکان یابی و انتخاب نقطه مناسب جهت اجرای برنامه‌هایش پرداخت. قاعدتاً شهری مانند تهران که مرکز سیاسی کشور است و به طور مستقیم تأثیر می‌پذیرد می‌توانست بهترین گزینه باشد ولی ضمن ارزیابی به این نتیجه رسیدند که در تهران هیچ گونه شانس موفقیت ندارند. بدین ترتیب اتحادیه با ذهنیتی که از جنگ‌های چریکی و دهقانی داشت، جنگل و شهر آمل را برای قیام فوری مناسب یافت (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۱).

اساساً در دو سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهرهای شمالی کشور شاهد فعالیت زیاد کمونیست‌ها و چپی‌ها بود و گروه‌های مختلف به راحتی دست به تبلیغات سیاسی می‌زدند. البته شرایط مساعد برای فعالیت کمونیست‌ها بدون زمینه نبود. حزب توده ایران که پس از کناره‌گیری رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی «کم‌خطر» شکل گرفت، بعنوان اولین حزب مارکسیستی در ایران، ابتدا فعالیت خود را در شمال آغاز کرد و تنها در نواحی جنگلی و روستایی ساحل خزر بود که حزب مشکل‌چندانی برای فعالیت خود نداشت (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۳۴۷)

همسایگی استان‌های شمالی ایران با کشور شوروی سابق، بعنوان قطب اصلی کمونیسم جهانی یکی از دلایل اصلی فعالیت گروه‌های کمونیستی در استانهای شمالی بود و سرانجام الگوگیری از تجربه‌ی سیاهکل بعنوان یک مدل آرمانی و غرور آفرین برای چپی‌ها، همگی در فراهم آوردن بستر مناسب برای کمونیست‌ها در شهرهای

شمالی کشور می‌توانست دخیل باشد (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۳). اتحادیه پس از این تحلیل به این نتیجه رسیدند که مردم ناراضی هستند و از آنان بعنوان ناجی استقبال می‌کنند. با این ارزیابی اعضای ۱۱۰ نفره اتحادیه کمونیست که در میان آنها سه زن در تیم پزشکی وجود داشت، از جنگل راهی شهر آمل شدند. آنها پس از چند روز پیاده روی در هوای سرد بهمن ماه، چهارم بهمن وارد آمل شدند ولی به دلیل خستگی زیاد تصمیم گرفتند یک روز استراحت کنند، سپس حمله نمایند. اعضای اتحادیه کمونیست در خانه مادری سپرغمی «یل محمد» استراحت کرده و پس از سازماندهی نیروها در ۵ تیم که هر کدام ۲۰ نفر بودند تحت عنوان «گروه سرداران» حمله را آغاز کردند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۴۶)

چارت سازماندهی آنها بدین نحو بود: - تیم اول؛ به فرماندهی کاک محمد، مأمور حمله به سپاه؛ - تیم دوم؛ به فرماندهی حسین ریاحی، با هدف حمله به بسیج؛ - تیم سوم؛ به فرماندهی کاک اسماعیل، با هدف حمله به دادگاه انقلاب؛ - تیم چهارم؛ به فرماندهی مراد، با هدف بستن جاده هراز در مدخل شهر؛ - تیم پنجم؛ به فرماندهی کاک رشید، با هدف تصرف محله‌ی اسپه کلا و دعوت مردم به قیام (رهگذر، ۱۳۸۵: ۴۶). به این ترتیب اتحادیه کمونیست ها عملاً در واقعه ۶ بهمن آمل با اثر پذیری از اندیشه‌های چپ افراطی و به ویژه مائو دست به انتحار سیاسی زدند که نتیجه این انتحار یا به دست گرفتن قدرت بود و یا سرکوب کامل، اخراج از قدرت و فراموشی در اذهان مردم؛ واقعه ۶ بهمن نتیجه دوم را برای این گروه در پی داشت.

## ۶. نتیجه گیری

در این پژوهش، ابتدا اصول و مبانی اندیشه مائو مورد بررسی واقع شد و سپس با بررسی مصداقی رویکرد گروه‌های چپ در ایران، به ویژه اتحادیه کمونیست‌های ایران، ثابت گردید که بیشترین اثر پذیری آن‌ها از اندیشه مائو بوده است بطور مثال، راهبرد جنگ چریکی در کشورهای تحت استثمار با حمایت توده‌های دهقانی، مردود شمردن نظریه روس‌ها مبنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز، تاکید بر انقلاب دائمی در سراسر جهان علیه پایگاه‌های کاپیتالیسم، تاکید بر کسب قدرت نظامی و اهمیت قائل شدن برای طبقه روستائیان از جمله مبانی و راهبردهایی بود که مورد توجه جنبش‌های چپ در داخل کشور قرار گرفت. این عقاید و رویکردها طرفدارانی در جهان پیدا کرد که خود را پیرو تفکر مائوئیسم میدانستند و از آن عقاید تاثیر می‌گرفتند. در ایران نیز گروه‌های مختلفی از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران از این عقاید تاثیر زیادی

گرفتند و اقدامات عملی را هم بر مبنای این باور انجام دادند. اما در ادامه و با سپری شدن زمان حادثه فوق، اینگونه می توان تحلیل کرد که ماحصل عملکرد آن ها در ایران اصلا قابل توجه نبوده است. دلایل زیادی را می توانیم در این خصوص نام ببریم اما شاید مهم ترین آن، این باشد که مائوئیست های ایران فراموش کرده بودند که مائو خود اندیشه اش را هم راستا با مفاهیم مورد نظر و مورد قبول عامه مردم چین جلو برد و به نوعی بومی سازی کرده بود، اما هواداران اندیشه مائو در ایران تمایل داشتند تماما همان شیوه اجرا شده مائو در چین را در ایران پیاده کنند و همین موضوع باعث عدم توفیق آن ها در رسیدن به اهدافشان شد. شاید مهم ترین نتیجه ای که می شود از سرنوشت اتحادیه کمونیست های ایران گرفت آن است که اندیشه ها و ایدئولوژی های مختلف هر چند که در بستر کلی خود اصول یکسانی داشته باشند اما به نظر میرسد در مرحله اجرا نیاز به فاکتورها و مولفه هایی دارد که در هر جامعه منحصر به فرد است و قابلیت تعمیم به دیگر کشورها را ندارد.

## ۷. فهرست منابع:

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۸). ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی). ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی. انتشارات مرکز، چاپ سیزدهم.
- ابراهیمی و همکاران. (۱۳۸۷). مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی، نشریه پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره چهارم، صص ۸۶-۶۵.
- احمدی، حسین. (۱۳۸۴). سازمان مجاهدین خلق. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- امیرشکاری، امیر عباس (۱۳۷۹). سیر تحولات چین و اندیشه های مائو، نشریه تامین اجتماعی، شماره پنجم، صص ۲۵۴-۲۲۱.
- باتامور، تام. (۱۳۸۷). فرهنگ نامه اندیشه مارکسیستی، مترجم: اکبر معصوم بیگی، تهران، انتشارات بازتاب نگار، چاپ اول.
- بامداد، محمد. (۱۳۶۳). افسانه و حقیقت درباره مائو، بی جا، انتشارات هفته، چاپ اول.
- تسه تونگ، مائو. (۱۳۹۴). مجموعه آثار مائو جلد اول، مصحح: عزیزالله علیزاده، تهران، انتشارات فردوسی
- جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۱). مبانی نظری مهاجمان جنگل و تسخیر منطقه ژئوپلیتیک آمل، مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم، صص ۷۶-۵۹.
- خبرگزاری ایسنا، (۱۳۹۹). «بازخوانی نقش اتحادیه کمونیستهای ایران در غائله آمل ۱۳۶۰»، [isna.ir/xdHxDS](http://isna.ir/xdHxDS).
- خلیل پور، خلیل. (۱۳۶۶). اتحادیه کمونیست های ایران، بی جا، بی نا.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۷). نظریه انتقادی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی، نشریه پژوهشنامه دانش سیاسی، شماره دوم، صص ۱۶۱-۱۲۵.
- رفیع، حسین، اسفندیار، شهرام. (۱۳۹۱). بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل، مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم، صص ۹۳-۷۶.
- رهگذر، سیمین. (۱۳۸۵). شهر هزار سنگر، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۱۴. شون چی، ون. (۱۳۸۱). مائو و مائوئیسم، مترجم: محمد رفیعی، تهران، انتشارات خجسته، چاپ اول.

- عزیزی، امین. (۱۳۹۳). از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر، نشریه مطالعات تاریخی، شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۲۵۴-۲۳۵.
- عزیزی، امین. (۱۳۹۸). بررسی مواضع اتحادیه کمونیست های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نشریه مطالعات تاریخی، شماره ۶۶، صص ۱۰۹-۹۲.
- غلامی، احمدی. (۱۳۹۹). مبارزه طبقاتی آری یا نه؟، روزنامه شرق، شماره ۳۷۵۱.
- فوزی، یحیی. (۱۴۰۱). تحولات سیاسی - اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶-۱۳۵۷، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- کردی، علی. (۱۳۸۶). اسناد اتحادیه کمونیست های ایران در واقعه آمل، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- معینی علمداری، جهانگیر. (۱۴۰۰). روش شناسایی نظریه های جدید در سیاست (اثبات گرایی و فرا اثبات گرایی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- مقصودی، محبتی. (۱۳۹۴). تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران، انتشارات روزنه، چاپ هشتم.
- میزانی، فرج الله. (۱۳۹۴). مائوئیسم و بازتاب آن در ایران، تهران، انتشارات فردوس.





## نقض شیوه‌نامه‌های درمانی و حقوق بشر در جریان حماسه آمل

محمد رضا جعفری<sup>۱</sup>

مجتبی فرزانه<sup>۲</sup>

### چکیده:

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از وقایع مهم جهانی در تاریخ بشریت است. ظهور حکومت دینی مبتنی بر موازین اسلامی - مردمی، زنگ خطری برای نظام سلطه (جهانی) بود. از این رو دشمنان اسلام، توطئه گسترده‌ای را دامن زده و عده‌ای با مشی ضد دینی در شهرها و جنگل‌های شمال به‌ویژه آمل، اهداف شومی را دنبال کردند، تا بتوانند جرقه‌ای در شمال کشور در تقابل با نهال نوپای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰) رقم بزنند. شبیخون تفنگ‌چیان «اتحادیه کمونیست‌های ایران» نیز با پاسخ گسترده مردم هزارسنگر آمل (و محمودآباد) در دفاعی عمومی و جانانه به شکست تاریخی منجر شد. اما جنبه‌های مختلف این اقدام مسلحانه (و تروریستی) کمونیست‌ها، از نوع ضدبشری و غیرانسانی به مانند آزار و اذیت برخی رهگذران، قتل افراد غیرمسلح، ممانعت از امدادرسانی‌های اورژانسی، ایجاد استرس در بیماران و وقفه در ارائه خدمات بیمارستانی و همچنین در جریان درگیری جنگل، برای نسل جوان و آیندگان به صورت کامل و مدون تعریف نشده است. برعکس، مشارکت مردم از جمله کارکنان درمانی که در عمل، صحنه‌گردان وظایف دینی و انسانی خود بودند، تبیین آن برای ثبت در حافظه بشری، امری ضروری است و هدف از نگارش این مقاله، به منصفه ظهور رساندن بخشی از این واقعیات است تا مقدمه‌ای بر اقدامات بعدی حقوقی باشد که امیدواریم به آن پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** حماسه سال ۱۳۶۰ آمل، اتحادیه کمونیست‌ها، حقوق درمانی، حقوق

بشر، تروریست

<sup>۱</sup> جعفری، محمد رضا؛ کارشناس نظارت بر درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی مازندران

<sup>۲</sup> فرزانه، مجتبی؛ دانش‌آموخته‌ی حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی، وکیل دادگستری

**مقدمه:**

حماسه تاریخی مردم آمل، یک رویداد متعالی بوده از این‌رو نیاز به بررسی بیشتر و الگوسازی دارد و هم‌چنین پیام آن به جهانیان بسیار مهم است؛ هریک از ما و دشمنان با چه هدفی وارد صحنه شدیم، هرآنچه که بود یک بحث اندیشه و تفکر از جهان هستی است. بحث اندیشه و عمل است. چقدر عمل با اندیشه هم‌خوانی داشت، نیاز به بازخوانی دارد. این اغتشاشات، اقدامات تروریستی و درگیری‌های نظامی در ایران اسلامی علیه مردم بود. حماسه‌های مردم آمل و رزمندگان در سال‌های ۶۱-۱۳۶۰، جزیی از دفاع عمومی از امنیت و یک‌پارچگی کشور و حریم ارزش‌هاست.

حماسه تاریخی ششم بهمن سال ۱۳۶۰ مردم آمل، یک رویداد متعالی بوده از این‌رو نیاز به بررسی بیشتر و الگوسازی دارد و هم‌چنین پیام آن به جهانیان بسیار مهم است؛ دشمنان با چه هدفی وارد صحنه نبرد شدند، هرآنچه که بود یک بحث اندیشه و تفکر از جهان هستی است. مهم‌تر اندیشه و عمل است که چقدر عمل با اندیشه کمونیست‌ها هم‌خوانی داشت. درحالی‌که، نقش مردم در ششم بهمن ۱۳۶۰ (و قبل و بعد آن) جزیی از واقعه‌ی حماسی دفاع عمومی از امنیت و یک‌پارچگی کشور و حریم ارزش‌هاست.<sup>۱</sup>

پیشینه تحقیق و ضرورت بررسی: در رابطه با این وقایع و درگیری‌ها، سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ شهر و جنگل آمل، مطالب نسبتاً فراوان ولی متفرق به نگارش درآمده است. در عین اعلام ضرورت تدوین مجموعه‌ای از چگونگی رفتار و برخورد «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» با مسائل انسانی و حقوق بشری، مطالب جمع‌بندی شده و مستند که انتشار یافته باشد، در دسترس نیست و قطعاً این به مطالعه و بررسی‌های بیشتر در مجامع علمی و حقوقی در آینده نیاز دارد.

سوال اساسی این است که عملکرد اعضای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در رابطه با شعارها و بیانیه‌های خودشان، هم‌چنین رعایت قوانین بین‌المللی حقوق بشری و کنوانسیون‌های جهانی در این سال‌ها چگونه بود؟ همراه با بازخوانی خاطرات و یادداشت‌های افرادی که در آن روزها به گونه‌ای در صحنه درگیری یا مقابله با کمونیست‌های مسلح حضور داشتند، یا کار درمان و امداد بیماران را به عهده داشته و

<sup>۱</sup> توضیح این‌که؛ در تنفس فضای عطرآگین و روح‌بخش جمهوری اسلامی، کلیه‌ی عوامل جبهه‌ی کفر و نفاق تا اوائل سال ۱۳۶۰ در افکار خود و نشر آن هم آزاد بودند؛ اما هم‌سو با لیبرال‌ها و سایر گروهک‌های معاند به درگیری مسلحانه روی آوردند. از این‌رو نباید اجازه داد، جای شهید و جلا در آینده (با اشاره به سخن‌پراکنی برخی از آنان در خارج کشور) عوض شود.

نسبت به مداوای مجروحین اقدام می‌نمودند، عملکرد مسلحانه‌ی دشمن در برخورد با آنان و اسرا چه بود؟ مجروحان و کشته‌ها، چند نفر نظامی بودند و چند نفر غیر نظامی بودند؟ در این صورت مردم عادی به چه جرمی اسیر، شکنجه یا کشته شدند؟! در این بررسی سعی شد، گوشه‌ای از چگونگی نقض حقوق درمانی و (نقض) حقوق بشری کمونیست‌ها در جریان جنگل و مقاومت مردم آمل بررسی و تبیین شود. هم‌چنین می‌توان توجه و پایبندی نیروهای نظامی ج.ا.ا. را به این اصول، هر چند با نگاهی گذرا، داشته باشیم. فرض مسئله، عدم پایبندی گروهک یا گروهک‌های کمونیستی به قوانین جهانی بشردوستانه و حقوق بشری در جریان واقعه آمل و مربوط به شرایط جنگی است. جمع‌آوری و پردازش این اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی (کتابخانه‌ای و اسنادی) است.

در رابطه با ضرورت پیگیری از طریق مراجع قضایی کشور، این نوع بررسی‌ها از یک‌سو نوعی تصمیم‌سازی را فراهم می‌سازد، از سوی دیگر (در صورت تصمیم‌گیری و اقدام) می‌تواند نوعی روشن‌گری برای جهانیان و نسل‌های آتی باشد و این‌که بدانیم، در بین ۶۷ شهید حماسه‌ی آمل، اغلب ۴۱ تن شهدای روز ششم بهمن غیرنظامی بودند. همین‌طور از ۲۶ شهید جنگل آمل، تعدادی را با اعمال انواع شکنجه به شهادت رساندند که بخش زیادی از این دست گزارش‌ها از اقدامات غیر انسانی و جنایات گروهک محارب «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در «مرکز اسناد ستاد حماسه اسلامی آمل» موجود و مورد استفاده قرار گرفته است.

این تحقیق شش بخش دارد و شامل: ۱- تاریخچه و تعهدات قانونی (زمان جنگ)؛ ۲- نقض حقوق بشر در هجوم به آمل؛ ۳- جنایت کمونیست‌ها در آمل؛ ۴- سایر جنایات اتحادیه‌ی کمونیست‌ها؛ ۵- اعتراف به جنایات (و شکست)؛ و بخش ۶- مربوط به نتیجه‌گیری می‌باشد که در این رابطه از مجموعه‌ی عوامل ستاد مردمی حماسه‌ی اسلامی آمل صمیمانه تشکر می‌شود که، مطالعات مفصل و عمیق‌تر جهت ثبت جنایت جنگی آنان در تاریخ را پیگیرند؛ امید است این مهم به زودی به نتیجه برسد.

## تعاریف

- نیروهای نظامی: به نیروهای مسلح شامل انتظامی (کمیته‌ی انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندارمری) و پاسداران سپاه انقلاب اسلامی و نیروهای مقاومت مردمی مربوط می‌شود.

- «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران»: سازمان انقلابیون کمونیستی در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹ میلادی) با ماهیتی متفاوت، و عضویت تعدادی از اعضای جبهه ملی و عده‌ای از طرفداران احمد کسروی و برخی دیگر از نیروهای روشنفکری ایران در خارج از کشور تشکیل شد. گروهی از دانشجویان ایران عضو این سازمان (انقلابیون کمونیستی) از جمله فرزندان کارکنان شرکت صنعت نفت خوزستان (مقیم آمریکا)، در سال ۱۳۵۵ سازمان دهنده‌ی اصلی و پایه‌گذار «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» با مشی مائوئیستی بودند. در این مقاله عناوینی نظیر «مهاجمان» یا «عوامل مسلح» و «کمونیست‌ها» (بجز یک مورد از گروهک حرمتی‌پور) به محاربه‌ی اعضای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در شهرستان آمل اطلاق می‌شود (کردی، علی: صص ۲۵ تا ۳۳، ۱۳۸۶).<sup>۱</sup>

#### ۱- تاریخچه و تعهدات قانونی (زمان جنگ)

توسل به درگیری و جنگ یکی از جلوه‌های بارز توسل به زور است. فرهنگ اصطلاحات حقوق بین‌الملل توسل به زور را به دو صورت مضیق و موسع تعریف کرده است. «توسل به زور در مفهوم نخست، عبارت است از هرگونه عمل قهرآمیزی که نتوان آن را اقدامی نظامی قلمداد نمود. اما در مفهوم دوم، کلیه تدابیر و عملیات نظامی، از جمله جنگ را شامل می‌شود». جنگ یک پدیده آسیب‌شناسی اجتماعی و عامل تغییر شکل سیاسی است که می‌توان آن را از لحاظ تاریخی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، جامعه‌شناسی و غیره مورد مطالعه و بررسی جداگانه‌ی حقوقی و غیرحقوقی قرار داد (ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۶۵).

در بسیاری از قوانین مدون بین‌المللی از جمله چهار پیمان ژنو، ریشه حمایت از آحاد مردم فارغ از هرگونه قومیت، ملیت، نژاد و دین مشاهده می‌شود. در زمان جنگ تأکید شده است که باید حساب مردم عادی را از نظامیان درگیر در ستیزه‌جویی جدا کرده و به حمایت از آنان پرداخت. حمایت از افراد عادی و آسیب دیدگان ناشی از حملات نظامی، از دیرباز مورد توجه جدی بوده و هست. بر این اساس، برخی از کشورهای جهان درصدد آن برآمدند که قانونی را برای حمایت از مجروحین و آسیب دیدگان جنگ به تصویب برسانند تا ضمن آن از افراد عادی و (به ویژه) زنان و کودکان در برابر

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: سپاه منطقه سه: ۱، ۱۳۶۱؛ محمدی‌فر؛ مهدی: صص ۵۱ تا ۵۵، ۱۳۹۵؛ زندی، محمدعلی، ۱۳۹۳ (به ویژه).

خطرات (بسیار محتمل) جنگ حمایت شود. ابتدا در سال ۱۸۶۴ میلادی دوازده کشور جهان در نخستین کنفرانس حقوق بشری در ژنو دور هم جمع شدند و قوانینی را تصویب کردند که به سربازانی که در جنگ زخمی شدند، کمک‌های پزشکی ارائه کنند.

سپس در سال ۱۹۰۶ (م)، دومین کنفرانس در ژنو برگزار و نسبت به کمک رسانی و تشکیل جمعیت‌ها و نهادهای خیریه تأکید شد. در ادامه و در طی سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۴۹ (م) پایان جنگ‌های اول و دوم جهانی قوانین چهارگانه مرتبط با حقوق بشر و حمایت از آسیب دیدگان جنگ (به‌ویژه در رابطه با غیرنظامیان) کامل‌تر گردید. توافقات کنوانسیون ژنو همچنین موجب تشکیل سازمانی به نام صلیب سرخ جهانی شد که دعوای اقدامات بشردوستانه و حقوق بشری در سطح بین‌المللی دارد.

«به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند: «دسته اول جنایات جنگی مندرج در قسمت الف ماده ۸ که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو را جرم می‌شناسد؛ دسته دوم جنایات مندرج در قسمت ب بند ۲ ماده ۸ که سایر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی را جرم می‌داند؛ دسته سوم جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مندرج در قسمت ج ماده ۸ که نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو را جرم می‌شناسد؛ دسته چهارم جرایم مندرج در قسمت ه ماده ۸ که دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در چهارچوب تعیین شده در حقوق بین‌الملل را جرم انگاری کرده است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی فهرست جامعی از جنایات جنگی ارائه می‌دهد. بند ۱ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشعار می‌دارد، دیوان کیفری بین‌المللی نیز نسبت به جنایات جنگی بویژه وقتی این جنایات به عنوان بخشی از برنامه یا سیاست عمومی یا در چهارچوب ارتکاب گسترده واقع شده باشند، صلاحیت خواهد داشت». بخش مهمی از کنوانسیون ژنو راجع به افرادی است که درگیر جنگ نیستند می‌باشد:

ماده ۳- موافقتنامه راجع به ایجاد مناطق و نقاط بهداری و امن جهت کمک رسانی: «دولتی که یک منطقه بهداری و امن تاسیس می‌نماید، کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد که از ورود افراد یا حق وجود در آن را ندارند، جلوگیری شود»؛

ماده ۶- موافقتنامه راجع به ایجاد مناطق و نقاط بهداری و امن جهت کمک رسانی «... مناطقی که منحصرأ مخصوص زخم‌داران و بیماران و ممکن است به وسیله‌ی

صلیب سرخ (هلال سرخ شیر و خورشید) روی زمینه سفید نشان داده شود و شب‌ها نیز به وسیله روشنایی متناسبی نشان داده خواهد شد»؛

ماده ۱۱- موافقتنامه راجع به ایجاد مناطق و نقاط بهداری و امن جهت کمک رسانی: «مناطق بهداری و امن نباید در هیچ حالی مورد حمله قرار گیرد، بلکه باید در هر حال توسط دولت‌های متخاصم مورد حمایت و محترم شمرده شوند».

ماده ۱۷- قرارداد ژنو، راجع به حمایت از افراد در زمان جنگ آمده «دول متخاصم سعی خواهند کرد که بیماران و زخم‌داران و معلولین و پیران و زنان تازه‌زا را برای تخلیه از نواحی محاصره شده و همچنین برای عبور... و کارکنان و لوازم بهداری به مقصد آن نواحی قرارنامه‌های محلی بین خود منعقد سازند».

ماده ۲۳- قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد در زمان جنگ هم آمده «هر دولت متعهد به کلیه محمولات دارو و لوازم بهداری و... که منحصرًا برای نفوس کشوری دولت متعهد دیگر ولو دشمن فرستاده شود آزادی عبور اعطا خواهد کرد همچنین به هرگونه محمولات خواروبار ضروری و ملبوس و... آزادی عبور خواهد داد.

ماده ۵۶- قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد در زمان جنگ: «دولت اشغال‌کننده و در حدود کلیه وسایل خود موظف است با معاضدت مقامات ملی و محلی تاسیسات و خدمات طبی و بیمارستانی و سلامت و بهداشت عمومی را در اراضی اشغال شده منجمله با اتخاذ و اجرای تدابیر دفاعی و پیشگیری لازم جهت مبارزه با توسعه بیماری‌های واگیر و امراض ساریه تامین و نگهداری نماید. کارکنان بهداری از هر منطقه مجاز خواهند بود که وظایف خود را اجرا کنند. دولت اشغال‌کننده در موقع اتخاذ تدابیر سلامتی و بهداشتی و در موقع اجرای آنها مقتضیات معنوی و اخلاقی اهالی اراضی اشغال شده را مورد رعایت قرار دهد.

با این‌وصف متأسفانه، آرمان‌ها و همت بلند متفکران، دانشمندان حقوق و سازمان‌های جهانی بجایی نرسیده، در پیچ و خم عبارات و واژه‌های حقوقی- سیاسی معاهدات تصویب شده و نشده، مقاله‌نامه‌های پیشنهادی و توصیه‌نامه‌ها دفن یا کم‌رنگ شده است. «به این لحاظ، حقوق اگر در مفهوم ذاتی خود هنوز نتوانسته است تضمینات کافی برای پیشگیری از جنگ عرضه دارد، لاقبل توانسته است با رخنه کردن در صحنه‌های نبرد، از شدت وحشیگری در جنگ بکاهد» (ضیایی بیگدلی: ص ۴، ۱۳۸۰). همچنین اقدامات ارزشمند آزاداندیشان، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد (کشورها)، و همچنین اعتراضات رو به گسترش مردمی امیدوارکننده است.

## ۲-نقص حقوق بشر در هجوم به آمل

«اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» از گروهک‌های سیاسی بود که تا اواخر خرداد ۱۳۶۰ آزادانه در کشور فعالیت می‌کرد؛ می‌بایست به قوانین جمهوری اسلامی ایران که متکی به اکثریت (۹۸/۲ درصدی) آرای مردمی بوده، پایبند باشد. اما در آشکار و پنهان (نفاقی که داشتند) هدفش نابودی و تغییر نظام اسلامی، بر پایه یک حکومت کمونیستی متکی به آرمان‌های خلقی خاص خود بود. این گروهک سیاسی در هر حال می‌بایستی هم در برابر جمهوری اسلامی و هم کنوانسیون‌های بین‌المللی طرف مردم و قوانین باشد. موضوع طرفداری از خلق (توده‌ی مردم) در کتاب‌ها، نشریات و بیانیه‌ها و تبیین مواضع‌شان، اساس فعالیت و مبارزه با امپریالیسم جهانی و سلطه در موج می‌زند (حزب کمونیست: ف ۱، ۲ و ۳، ۱۳۸۳)، «اتحادیه کمونیست‌های ایران» و افراد تحت نفوذشان در آمل، چه در واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ و چه قبل و بعد آن، برخلاف طرفداری از خلق (توده مردم)، توسل به زورشان، جنگ و جنایت آنها محرز شد. لکن بخش از اقدامات علیه توده مردم و منافع آنها در چند دسته‌بندی مهم آورده می‌شود (گزارش افراد در مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی موجود است):

### ۲-۱) یورش نظامی و موانع ترددی برای مردم

از اقدامات عمومی و ضد انسانی، گروهک «اتحادیه کمونیست‌های ایران» ممانعت از تردد مردم عادی، همچنین بازرسی بدنی افراد عادی و ممانعت از تردد بعضی از افرادی که برای اخذ خدمات درمانی عازم بیمارستان بوده‌اند می‌باشد. در این رابطه در گزارش غلامرضا برزگر<sup>۱</sup> آمده است: در نیمه‌های شب پنجم بهمن فرزند بیمارش را به همراه همسرش با خودروی شخصی از محمودآباد به بیمارستان ۱۷ شهریور انتقال می‌داد که با ممانعت مهاجمان مسلح در مسیر رضوانیه آمل روبرو شد. علی‌رغم شرایط مشهود و توضیح وی مبنی بر انتقال فرزند بیمارش، اجازه تردد به بیمارستان به آنان داده نشد.

اصغری روایت کرد: «... اصلاً به پیر و جوان، زن و مرد، خرد و کلان رحم نمی‌کردند. در آن لحظات متوجه پسر سیزده ساله‌ای شدم که از وسط خیابان عبور می‌کرد، فریاد زدم به طرفش شلیک نکنید، ولی او نقش بر زمین شد».

عظیمی چنین روایت دارد که: نیمه‌های شب بود که از خانه برای یک کار امدادی بیرون آمد. او در برگشت از این کار امدادی، مدتی دستگیر و مورد خشم و رگبار

<sup>۱</sup> منبع: مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه اسلامی آمل

مسلول دشمن قرار گرفت و هم‌زمان به اتفاق فردی دیگر که او هم غیر مسلح بود، زخمی شدند.

غنیمی، سال سوم دبیرستان بود، همسایه‌ها آمدند و گفتند: از خانه بیرون نروید، جنگلی‌ها شما را می‌کشند، مقرر آنها نزدیک خانه‌ی شماست. در واقع محاصره و زندانی بودند. جلوی در حیاط مواد منفجره گذاشتند. پس از انفجار آن، در حیاط باز شد و تمام شیشه‌های منزل شکست. مدتی زیر زمین ماندم تا ظهر شد. کمونیست‌های محارب از جلوی منزل ما عقب نشستند، «آن وقت به جمع مردم پیوستم و معنای آزادی را با تمام وجود بار دیگر حس کردم» (خانی، مهدی: ص ۶۸، ۱۳۸۰).

ملکی روایت دارد: «پرسیدند، احمد قمی کیه؟! ... به دخترم گفتم برو، به احمد قمی بگو که بیرون نیاید. جنگلی‌ها {کمونیست‌ها} تو را می‌کشند. موقعی که داشتیم می‌آمدیم، دیدم قاسم غنیمی را دستگیر کردند و او را توی وان گذاشتند. با قاسم نوجوان کمی حرف زدیم. با تمهیداتی و جلب همکاری خانم‌های محله، این نوجوان را از دست کمونیست‌های محارب آزاد کردیم (خانی، مهدی: ص ۸۵ و ۸۶، ۱۳۸۰).

بنی‌سفار روایت کرد: «روبروی پل سوم (بلوار طالقانی) ... فردی مسلح جلویم را گرفت و با یک حرکت از روی موتورسیکلم پرت کرد؛ با صدایی شبیه فریاد گفت: کی هستی و کجا بودی؟ گفتم: من برای ساختمان‌سازی‌ام، نوبت حلب دارم، باید صبح زود حرکت کنم، تا در صف نوبت قرار بگیرم». با خشمی عجیب، سرم فریاد زد... گفتم «اگر تو پاسدار هستی! چرا با من این‌گونه رفتار می‌کنی؟!» مرا به داخل مغازه‌ای پرت کرد. در نرده‌ای آن را بست و تا ده صبح زندانی بودم. با دهنی پر از خون، بی‌رحمانه مرا می‌زدند، آن چنان با قنداق تفنگ به صورت و لب‌هایم کوبیدند که چهار تا از دندان‌هایم را از دست دادم، بعد با حضور مردم روانه خانه و کاشانه‌ام شدم (خانی، مهدی: ص ۲۵ تا ۲۶، ۱۳۸۰).

نصیری می‌گوید: ساعت سه بامداد {با سرو وضعی نامناسب و ساختگی بیرون آمدم}، «در خیابان به من گفتند، کی هستی؟! تعمداً جوابی ندادم. یکی از آنان گفت، مثل این که دیوانه است؛ جا جای صورتش خونی است! برگشتم، گفتم تو چه کار داری که من چه کاره‌ام؟! یکی گفت «بگذار، از دیوانه‌ها می‌توانیم بیشتر اطلاعات بگیریم». مرا صدا زدند، اعتنایی نکردم. از پشت یقه مرا گرفتند و گفتند: کجا می‌روی؟ گفتم می‌روم تا دور بزنم و بگردم. مطمئن شدند که فرد دیوانه‌ای هستم. اسلحه را به طرفم گرفتند که مرا بکشند. گفتم این اسباب بازی است! از کشتنم منصرف شدند و تا



ساعت هشت صبح مرا نگه داشتند. با حضور مردم در صحنه، از فرصت استفاده کردم و به سمت خیابان طالقانی گریختم (خانی، مهدی: ص ۹۱ تا ۹۲، ۱۳۸۰).<sup>۱</sup> کوهستانی روایت دارد: «خانمی عصا به دست (با یک سبده) به سمت ما آمد. در حین آمدن پیر زن، از درون باغ هاشمی (سپاه فعلی) تیراندازی دشمن شروع شد، فریاد زد: مادر مادرا نیا، نیا! همان جا بمان، دست‌تان درد نکند. او بدون هیچ ترس و وحشتی به سمت ما نزدیک شد. دیدم که در سبدهش یک قمقمه، چای، نان، پنیر و تخم‌مرغ است. وقتی می‌گفتم جلو نیا؛ در جواب گفت «من پیر هستم. شما همه جوان هستید، بگذار بزنند» (خانی، مهدی: ص ۷۷، ۱۳۸۰).

۲-۲) اسارت و تهدید نیروهای امدادی و درمانی:

یزدان پناه مسئول وقت بهداری سپاه اظهار داشت: «به علت نوع مسئولیت‌م و برای امداد رسانی به مجروحین و بیماران عازم بیمارستان هفده شهریور بودم که توسط مهاجمان مسلح دستگیر شدم. علی‌رغم اینکه بدون سلاح بودم، سمت و نوع فعالیت‌م را شرح دادم، کمونیست‌ها، من و جمعی از افراد غیر مسلح را به اسارت گرفته تا به قول خودشان اعدام انقلابی کنند. قصد داشتند ما را به جنگل ببرند و تا مقداری به سمت محله‌ی اسپه‌کلا (و باغ‌های جنوبی) آمل هم بردند... در موقعیت مناسب، توانستم از چنگ افراد مسلح فرار کنم؛ از آنجا بلافاصله خود را برای ادامه خدمت رسانی به درمانگاه سپاه رساندم» (خانی، مهدی: ص ۹۵ تا ۹۷، ۱۳۸۰).

همچنین بنا به اظهار یزدان پناه، نیروهای بهداری سپاه در روز ششم بهمن علاوه بر مجروحین نظامی و مردم عادی شهر، در چندین مورد نیز مجروحین کمونیست را با رحمت اسلامی (بدون هیچ برخورد غیرانسانی) تحت درمان قرار دادند. دیگر این‌که، افرادی نظیر دکتر غفاری و دکتر رضایی جراح و غیره در بهداری سپاه حاضر و برای اقدامات درمانی مجروحین اعلام آمادگی و اقدام نمودند.

۲-۳) ممانعت از کمک‌های درمانی و مردمی

روایت شکرکی: «برای آمدن به اداره برق با مشکلاتی جدی مواجه شدم، ولی بالاخره خودم را رساندم، یکی فریاد می‌زد، اینجا (سمت شمال بانک ملی مرکزی) دو زخمی توی پیاده‌رو افتادند. آن وقت دو نوجوان پانزده- شانزده ساله (با وجود رگبار دشمن به سوی ما) به کمک آمدند و آنها را از مرگ حتمی نجات دادیم» (خانی، مهدی: صص ۵۳ تا ۵۵، ۱۳۸۰).

<sup>۱</sup> ظریفی مطرح می‌کرد، اینجا کی آزاد بود و کی دیوانه؟

سیده طاهره هاشمی چهارده‌ساله و یکی از هم‌کلاسی‌هایش، ساعات اولیه‌ی صبح، هنگام بازگشت از مسیر مدرسه به خانه، به بهداری سپاه سر زدند تا به رزمنده‌ها خون اهداء کنند. بعد از یک ساعت انتظار، نوبت به آن‌ها رسید ولی به‌خاطر محدودیت سنی - زیر هجده سال - از آن‌ها خون نگرفتند.<sup>۱</sup> بعد از این که نتوانستند با اهدای خون، کمکی به رزمنده‌های اسلام بکنند، بیکار نشستند و به‌محله خودشان آمدند و شروع به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کردند. از جمله باند، پنبه، ملحفه تا دیگر وسایل مورد نیاز رزمنده‌ها؛ سیده تصمیم داشت، دوستش را به‌منزلش برساند تا مادرش را از نگرانی دریاورد، در مسیر هم از نانوائی برای رزمنده‌ها نان بخرد» تا این که خبر شهادتش را آوردند، خونی را که آن‌روز صبح، در صف انتظار اهدای خون، به‌دلیل سن کم از سیده طاهره قبول نکردند، بعدازظهر همان‌روز، خدای سبحان، بدون چون و چرا از او پذیرفت» راستی اینان به چه گناهی کشته شدند؟! (هاشمی، سیده‌منیره: ۴، ۱۴۰۱).

#### ۴-۲) ممانعت برای تردد ماشین‌های امدادی

حسن نیازی (کادر درمانی سپاه) آن روز بدون سلاح، در لباس نیروهای مردمی در صحنه حضور داشت، روایت کرد: به علت نیازهای درمانی شهر و مجروحین، انتقال بعضی از پزشکان از منزل به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها در حال تردد بودم. از کوچه‌های خلوت یا جاهایی که احتمال عدم حضور ضد انقلاب داشت استفاده کردم. در یکی از تردها با نیروهای کمونیست روبرو شدم و احتمال داشت که به اسارت گرفته شوم، اما با زیرکی از دست نیروهای مهاجم گریختم.

رودی، چنین گزارش داد که جهت عملیات امدادی نجات جان (مجروح) مجید قلیچ از آمبولانس استفاده کردیم. از کوچه ضلع شرقی سپاه وقت (فجر ۴) به سختی جسد نیمه‌جان او با وقفه زمانی از کوچه ضلع غربی سپاه (فجر ۶) به بیمارستان منتقل شد، اما به جهت نا امنی مسیر امدادی، در طول راه، جان به جان آفرین تسلیم کرد (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل).

#### ۵-۲) عدم پایبندی به قوانین مرتبط به مراکز درمانی

از دیگر اقدامات مغایر حقوق درمانی، ایجاد مزاحمت و ممانعت کمونیست‌ها بر روند کار درمان دو بیمارستان شهر بود. با حضور نیروهای مسلح تحت هر شرایط، انتقال

<sup>۱</sup> به نقل از سرهنگ پاسدار علی یزدان‌پناه مسئول وقت بهداری سپاه

<sup>۲</sup> برای مطالعه بیشتر زندگینامه‌ی سیده طاهره هاشمی شهیده شاخص کشوری رجوع شود به: خانی، مهدی؛ طاها ستاره شمالی، فصل ششم

مجروحین به بیمارستان‌های مذکور مذکور امکان‌پذیر نبود. ده‌ها روایت، از حسینی، یعقوبیان و میرنژاد و دیگران نشان می‌دهد که در حین درگیری شدید از چند طرف، زخمی‌های خیابان از داخل جوی آب سرد و لجن متعفن خود را به درب بسیج رساندند، به سختی مجروحین، خود را به داخل بسیج رساندند، نه دارویی بود و نه کسی که به امور پانسمان وارد باشد و نه وسیله‌ای برای جلوگیری از خون‌ریزی وجود داشت. فقط یک تکه پارچه گیر آوردیم و زخم‌ها را بستیم.

ماشالله خانی نیز روایتی دارد که، حضور گسترده مردم سبب شد که با موتورسیکلت، یک نیروی امدادگر را به داخل بسیج آوردم. در حالی که ساختمان بسیج در میان دو بیمارستان مرکز شهر بود. ایشان نیز زخمی می‌شود و وقتی به هوش می‌آید، خود را کنار تخت بیمارستانی روبروی زخمی‌های دیگر، از جمله برادرش مهدی در شهر نور می‌بیند (خانی، مهدی: ص ۴۵ تا ۴۶، ۱۳۸۰). بیمارستان دیگر شهر (هفده شهریور آمل) در کانون بحران قرار داشت. نیروهای مسلح (کمونیست) با اشغال این بیمارستان، برخوردهایی با کارکنان آن داشتند.

آقای پهلوان‌زاده (مدیر داخلی بیمارستان - حسب دیگر گزارش‌های موجود در مرکز اسناد) گفت: صبح روز ششم به قصد بیمارستان هفده شهریور حرکت کردم؛ اما به علت ایجاد موانع و درگیری‌ها مجبور به استفاده از راه‌های فرعی برای رسیدن به آن شدم. با چندتن از نیروهای مسلح دشمن که به طور غیرقانونی وارد بیمارستان شده بودند، برخورد لفظی داشتم. مهاجمین مسلح که تقریباً دور و بر بیمارستان را محاصره کرده بودند. چندین گلوله سلاح سبک و نیمه‌سنگین از جمله آرپی‌جی به دیوار ساختمان و داخل محوطه بیمارستان اصابت و یکی از همکاران درمانی در این تیراندازی‌ها، حین انجام وظیفه مجروح شد.<sup>۱</sup> این اقدام غیر انسانی، گاهاً کار امدادسانی و درمان را به علت نداشتن امنیت جانی با اخلال و مخاطره جدی روبرو نمود. نیروهای مهاجم در چند مورد دیگر نیز با ایجاد رعب و وحشت، مانع تردد کارکنان و افرادی که به بیمارستان مراجعه داشتند، شدند.

<sup>۱</sup> به نقل از کریمی: یک خبرنگار فرانسوی پس از ششم بهمن ۱۳۶۰ وارد آمل شد. آثار گلوله بر روی دیوار محوطه و ساختمان‌های بیمارستان ۱۷ شهریور وجود داشت. خبرنگار قصد فیلم‌برداری از این قسمت از شهر را داشت. یک پایش داخل ماشین و پای دیگر کف خیابان و میکروفن دستش بود. بی‌هیچ سوالی و جوابی، مردم دورش جمع شده و «علیه کمونیست‌ها» شعار می‌دادند. اما خبرنگار پشیمان شد، دوباره سوار ماشینش شد و رفت. معلوم شد، با کسی مصاحبه‌ای انجام نداد. بدون فیلم‌برداری و تهیه گزارش، شهر آمل را ترک کرد (خانی، مهدی: ص ۸۰ و ۸۱، ۱۳۸۰).

نامبرده افزود: «در روز ششم بهمن بسیاری از پرسنل درمانی ساکن شهر اعم از پزشک و پرستار که قصد داشتند به طور داوطلبانه در بیمارستان انجام وظیفه نمایند به طرف بیمارستان ۱۷ شهریور حرکت کردند اما محاصره بیمارستان و همچنین مانعت گروهک جنگلی موجب شد، عده زیادی از کادر درمانی موفق به حضور در بیمارستان نشوند. حتی کار نقل و انتقال بیماران با آمبولانس‌های دارای آرم هلال احمر و اورژانس هم به ندرت انجام و با قبول خطرات جانی همراه بود. تعداد زیادی از زخمی‌ها به بیمارستان شهرستان نور منتقل شدند.

حسب تماس محمود شاهنوریان قائم مقام فرماندهی سپاه و افسر کشیک آن شب با تنها داروخانه شبانه‌روزی شهر، مشخص شد که داروخانه تحت اشغال تروریست‌های کمونیست است.

اما آذرگشت می‌گوید! «یک مهاجم مسلح را اسیر گرفتیم، ناگهان مردم هجوم آوردند تا او را از دستم بگیرند و به حسابش برسند؛ بناچار رگبار هوایی خالی کردم و مردم متفرق شدند. چشم او را بسته و تحویل نیروهای کمیته دادیم» (خانی، مهدی: ص ۱۷ تا ۱۸، ۱۳۸۰). در گزارش مکتوب حاج محمد رنجبر، نصیری و دیگران نیز چنین مواردی را تایید و توضیح داده است.<sup>۱</sup>

### ۳- جنایت کمونیست‌ها در آمل

علاوه بر نقص حقوق بشردوستانه، جنایت این گروهک تروریستی در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ نیز بی‌شمار است. افراد زیادی از مردم عادی و غیر مسلح صرفاً به جرم بسیجی و حزب‌اللهی اسیر شدند. سپس اعدام وحشیانه و بدون محاکمه‌ی این اسرا بوده که از این دست گزارشات در مورد اغلب شهیدان (غیر نظامی) صادق است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> رجوع شود: مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه‌ی اسلامی آمل

<sup>۲</sup> شغل و نام ۴۱ شهید ششم بهمن سال ۱۳۶۰ از دانش‌آموزان: ۱- سقا علی‌زاده ۱۳ساله، ۲- سیده‌طاهره هاشمی ۱۴ساله، ۳- مجید قلیچ، ۴- خضرا... اکبرزاده، ۵- علی ابراهیمی، ۶- جعفر هندویی دیپلمه+ دانشجویان: ۷- احسان طاهری (جهادگر) و ۸- رستم بشکار؛ - کشاورزان: ۹- محمود بشمه، ۱۰- ناصر رسولی، ۱۱- خیرالله عباس‌زاده، ۱۲- امرالله سلطانی و ۱۳- محمدنی محمدی، سایر اقشار: ۱۴- صادق مهدوی معلم هیات قرآن، ۱۵- محمد دیوسالار تعمیرکار خودرو، ۱۶- رحیم عزیزی نشلی جوشکار، ۱۷- قربان بابکی گچ‌کار، ۱۸- نورمحمد عبدی‌نژاد خیاط، ۱۹- اکبر درزی فضلی قناد، ۲۰- پرویز بازدار حلب‌کوب، ۲۱- فرخ‌زاد زارع کارمند بانک، ۲۲- علی‌رضا رنجبر کارگر دخانیات، ۲۳- عبدالله قریشی از دادگستری، ۲۴- منوچهر قلی‌نژاد مصالح‌فروش، ۲۵- فضل‌الله سلیمانی مغازه‌دار، ۲۶- محمدعلی محمدی آملی مغازه‌دار (پاسدار افتخاری کمیته)، ۲۷- قاسم ولی‌پور کارگر، ۲۸- علی‌رضا قاسم‌نژاد کارگر، ۲۹- محمد گلچین کارگر چاه‌کن، ۳۰- رمضان‌علی رضانی کارگر، ۳۱- مصطفی اسماعیلی کارگر؛ بدین ترتیب از مجموع سی و یک شهید مردمی و ده شهید کادر نظامی انتظامی در مجموع آن روز چهل و یک تن شهید (یک نفر غیر مقیم آمل) شدند (ادامه دارد)

ظرف ده ساعت حمله به شهر (تا ظهر) چه جنایت‌ها که نکردند! از یک سو، گروهی با چنین خیال بلندپروازانه‌ای، اقدامی غیرمردمی و ضد انقلابی داشتند؟ لابد بعدها، نام و آثار قلمی خود را بگذارند «پرنده‌ی نو پرواز!»<sup>۱</sup>، با تناقضات گفتاری، مطالب اغراق‌آمیز و دروغ‌پردازی‌ها، سوء نیت‌ها و اقدامات حیرت‌آور از یک یا چند پناهنده به آلمان، چه کاشتند، چه درو کردند؟! این موارد، قابلیت اتهام و پیگرد تحت عنوان «جنایت جنگی» برابر قوانین جهانی دارد یا ندارد؟ البته به روایتی مهم‌تر این‌که، افکار عمومی (جهانیان و آیندگان) خود قضاوت می‌کنند:

نام و یاد نوجوانان آملی شامل سقا و خضرالله و مجید و علی و سیده طاهره‌ها... تا افراد میان‌سال نظیر گلچوب، عباس‌زاده و رضانی، زارعی و آملی‌ها با همت و غیرت دینی عالی که به خرج دادند، در تاریخ زنده است. فریادی بلند است که دانش‌آموز ۱۳ ساله‌ای (سقا علیزاده) را به خاک و خون کشیدند. خبر بعدی می‌رسد که دختر نوجوان امدادگر ۱۴ ساله (سیده طاهره هاشمی) را آماج مستقیم گلوله قرار دادند... چرا این‌گونه، به چه جرمی کشته شدند؟! این‌ها از مصادیق جنایات جنگی هست یا نیست؟!<sup>۲</sup>

صادق مهدوی و معلم قرآنی، نیمه‌های آن شب از هیات قرآن روستایش «خشک‌رود» از مسیر جاده‌ی چمستان نور باز می‌گشت، روانه‌ی سمت و سوی خانه و کاشانه خود، از وسیله نقلیه پیاده و وارد کوچه‌ی فجر ۷ می‌شود، او را غافلگیر می‌کنند، سر او را به میان کوپه‌ی شن ساختمانی برده و خفه‌اش کردند.<sup>۳</sup> بَایْ ذَنْبٍ قُتِلْتُ؟!<sup>۴</sup>

کسانی را که در آستانه‌ی دهه فجر پیروزی عظیم انقلاب اسلامی سال ۱۳۶۰، به کار مردمی، تبلیغی فرهنگی (دیوار نویسی) مشغول بودند، افراد مسلح با صدای دهشتناک و رگبار گلوله، چرا به رو به دیوار (چسباندند) و یا گذاشتن لوله‌ی تفنگ مهاجمی در دهان جعفر هندویی تا به خیال خود صدای الله‌اکبر او را خفه کنند؛ و مغز این انسان آزاده و شریف بر روی دیوار پاشید و رگبار دژخیمان سبب شهادت مظلومانه‌ی یاران دیگرش شد. منوچهر قلی‌نژاد مصالح‌فروش، مصطفی اسماعیلی کارگر، علی رنجبر

... شهدای نظامی و انتظامی از پاسداران کمیته انقلاب اسلامی ۳۲- غلام‌حسین هدایتی، ۳۳- حمیدرضا ایزدی، ۳۴- مرتضی فدایی، ۳۵- محمود افروش؛ - اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ۳۶- سید حبیب‌الله حسینی، ۳۷- همت‌الله متو، ۳۸- اسفندیار ذوالفقاری (قایمشهری)، ۳۹- رمضان شعبان‌زاده، ۴۰- حسین ملک‌شاهدخت، ۴۱- فتح‌الله اکبرزاده از شهدا بودند.

<sup>۱</sup> اشاره به نوشتار و انتشار نسخه‌ی الکترونیکی کتاب «پرنده نو پرواز»

<sup>۲</sup> به نقل از مینا حسینی، ذبیح شکری و ناصر شعبانی

<sup>۳</sup> به نقل از جلیل سرایدار و دیگران.

<sup>۴</sup> سوره مبارکه تکویر، آیه شریفه‌ی (۹).

کارگر شرکت و نورمحمد عبدی‌نژاد خیاط<sup>۱</sup> در جا به شهادت می‌رسند (هنوز دو تن از یاران دیوارنویسی در کسوت شاهدان و راویان صحنه، عطا ارایبی و محمد طالبی سال‌ها معلولیت را با خود به همراه دارند) این جنایت در رضوانیه، آن هم حوالی اورژانس و بیمارستان هفده شهریور اتفاق افتاد (خانی، مهدی: صص ۵۹ تا ۶۱، ۱۳۸۰).<sup>۲</sup>

در آن شبیخون، شهدای گرانقدر نیروهای غیرنظامی نظامی یازده تن، ولی نظامی فقط چهار تن بوده که در مجموع ۱۵ تن شهید شدند. نسبت تعداد شهدای مردمی از جمع شهدای آن شب، رقم نزدیک ۷۳ درصد است اما از (۴۱) شهدای هجوم دشمن به شهر آمل جمعا (۳۱) تن یعنی ۷۶ درصد از نیروهای مردمی بودند (مرکز اسناد حماسه‌ی اسلامی آمل، ویژه‌نامه‌ی ۱۴۰۱). از این‌رو، به نظر می‌رسد، کمترین اتهام کمونیست‌های مدعی افتخار حضور در وقایع آمل، کشتن افراد غیرنظامی به مصداق جنایت جنگی است.<sup>۳</sup> شهدای غیر نظامی حماسه‌ی اسلامی ششم بهمن مردم آمل، شغل و استضعاف‌شان در واقع فریادگر جنایت و رسوایی کمونیست‌های ضدخلقی است. با احتساب شهدای جریان چند درگیری جنگل آمل - ۲۶ شهید دیگر - جمع شهدای این وقایع اسفبار در حوزه جغرافیایی شهرستان هزار سنگر آمل ۶۷ تن (نزدیک به نیمی از شهدای جریان جنگل شمال کشور می‌باشد).

### سایر جنایات اتحادیه کمونیست‌ها

گفته شد کمونیست‌های محارب، تعدادی از مردم غیرمسلح را در شهر آمل دستگیر کرده، آنهایی را که در برابر امیال‌شان مخالفت یا اعتراض زبانی کرده بودند، به رگبار بستند، اما این همه‌ی ماجرا نبود. پس از عملیات بیست و دو آبان همان سال (۱۳۶۰) جنگل منگلم<sup>۴</sup> ضمن اعمال شکنجه‌های هولناک بر روی تعدادی مجروح (بجا مانده در جنگل) تیر خلاص زدند و حتی آتش زدن پاسدارانی نظیر شهید تورانی و راعی و غیره در گزارش برداران رهی و مهدی و غیره دیده می‌شود. به نقل از نیروهای اطلاعاتی، از سیزده شهید منگلم، برخی رزمندگان شهرهای هم‌جوار زخمی و

<sup>۱</sup> نقل از ارایبی و طالبی (و طاهری: کتاب چهل خاطره).

<sup>۲</sup> نقل از راویان صحنه‌ی غیرنظامیان - رجوع شود به: پرونده شهید

<sup>۳</sup> از جمله نویسندگان کتاب «پرندۀ نوپرواز»، پناهنده به غرب که موسس حزب کمونیست، لنینیست و مائوئیست ایران در آلمان هستند.

<sup>۴</sup> به تلفظ محلی «منگلم»، در نواحی جنگلی و پنج کیلومتری جنوب شهر امامزاده عبدالله (و بالاسر آبادی امامزاده عالیاکبایسلطان) قرار دارد.

غیرزخمی که از دیگران جامانده‌اند، دستگیر و با شکنجه به شهادت رسیدند. حتی از دو شهید این عملیات فقط جمجمه‌ی سر (بدون بدن) پاسداران کشف گردید و از برخی دیگر، فقط چند تکه استخوان از آن یا جسد سوزانده بدست آمد، به‌گونه‌ای خانواده شهدا در تشییع جنازه‌های عزیزان‌شان، در صحنه‌هایی سخت تأسف‌بار از دیدن جنازه‌ها محروم ماندند (خانی، مهدی: صص ۵۵ و ۱۶۵، ۱۳۹۴).<sup>۱</sup>

همین‌طور به نقل از حاج محمد رنجبر، کمونیست‌های مسلح، یک گروه از نیروهای گشت و تعقیب را که در روز سیزده خرداد ۱۳۶۱، از میان دره‌ی منگل عبور می‌نمودند را مورد حمله قرار دادند. در این درگیری چهار تن از رزمندگان زخمی شده که با تاریکی شب در منطقه مخفی شدند (و از دیگران جامانده‌اند)، با بازگشت آن شب دشمن به صحنه‌ی درگیری، منجر به شهادت سه تن از این نیروهای زخمی شد (فرار شبانه و نجات یک تن دیگر گزارش گردید). سه نفر از اسرا مورد شکنجه‌های فجیع از جمله سوزاندن با آتش سیگار قرار گرفته و در نهایت با تیر خلاص به شهادت رساندند که اوج قساوت انسانی و جنایت جنگی دشمن با اسرای زخمی است.

در گزارش نیروهای اطلاعات و عملیات مردمی آمده (نام‌شان محفوظ است) «پیکر سه شهید در کنار رودخانه با شکنجه فراوان و بریدن انگشتان یکی از شهدا و آثار سوختگی‌ها را دیدیم. پیکر شهید علی‌اکبر نعمتی از بقیه درداورتر بود، زبانش را بریده و چشم‌هایش را از حدقه در آورده و بدنش را با سیگار سوزانده بودند. فرمانده با چشمانی اشک‌بار کلاه خود را بر سر شهید نعمتی کشید و گفت نباید بچه‌ها این وضعیت را ببینند. از شواهد معلوم بود که سه زخمی به اسارت گرفته شده و پس از شکنجه فراوان از جمله بریدن انگشتان دست یکی از شهدا، آثار وسیع سوختگی موضعی روی بدن، با تیر خلاص به شهادت رسانده‌اند.

کوهی گفت: دشمن در زمان استحمام صحرائی خود بود که ما سریع حالت عقب‌نشینی گرفتیم. آنها که متوجه ما شدند، سنگر گرفته و بلافاصله درگیری شروع شد. ما پس از موضع گرفتن، شروع به تیراندازی کردیم. شدت تیراندازی زیاد از سوی آنها به دلیل تسلط مکانی و موقعیت بهتر بود. به‌گونه‌ای که با فرد مجاور خود قادر به

<sup>۱</sup> اقدام جنایت‌کارانه‌ی گروهک کمونیستی محارب و ضدخلقی حرمتی‌پور در به اسارت‌بردن و شهادت فجیع عالم بزرگوار گرگانی، حاج حبیب‌الله شریعتی‌فرد و فرزندش که با اعضای خانواده عازم تهران بودند، در جای خود قابل طرح است. این جنایت هولناک در پشت اتاقک نگهبانی مجتمع اردویی فرهنگی دانش‌آموزی شهید باهنر آمل اتفاق افتاد.

صحت نبودیم. نزدیک به دو ساعت تیراندازی پی در پی بین طرفین تا غروب ادامه داشت.<sup>۱</sup>

علی‌پور و دیگران نیز روایت دارند: به اتفاق یکی از کمونیست‌های توابع، مدت دو روز مشغول گرفتن اطلاعات از وی در اطراف منگل‌دره (مرتع چلیا) بودیم. هاشم اظهار ندامت و توبه می‌کرد، گفت: «سه نفر از زخمی‌ها را به نزدیک پناهگاه خود انتقال داده و چون زنده بودند، درصدد شکنجه آنها و سعی در تخلیه عقده‌های درونی خود بودیم؛ پس از شکنجه و شهادت آنها به سمت تهران رفتیم. نامبرده ادامه داد: برای عضویت ما، ابتدا آتشی مهیا می‌کردند و یک جلد کلام‌الله به دستت می‌دادند و با بی‌شرمی و وقاحت می‌گفتند: آن را در آتش بیندازید» (پایگاه اطلاع‌رسانی حماسه‌آمل، واقعه ۱۳ خرداد، ۱۳۹۴) که این خود خلاف آزادی انسان‌ها و مغایر حقوق بشر است.

کمونیست‌ها به طور جداگانه و در محدود آثار به جامانده خود اقرار داشتند که نه تنها در این اقدام به اصطلاح خلقی در شهرستان آمل موفق نبودند، بلکه در استراتژی به‌کار بسته شکست خوردند (حزب کمونیست: ف ۱، ۱۳۸۳). مهاجمان با شبیخون خود، عقده‌های روانی سال‌ها مبارزه سیاسی صرف سال‌های آرام‌شان در آمریکا (زمان مبارزه با رژیم شاهنشاهی پهلوی)، نفاق و مبارزه بی‌ثمر سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی را باز کردند. اینان چماق خود را سر که خالی کردند؟ سر زخمی‌ها (اسرای جنگی) و سر مردم، مردم بی‌سلاح! که آنها داعیه‌ی طرفداری و خلقی بودنش را داشتند! اتحادیه کمونیست‌های ایران که خود جایگاه مردمی و قانونی در یک جامعه انقلابی (با نظام سیاسی حاکم متکی به آرای مردم) نداشت، خواست با یک جرقه آمل را بگیرد و از آنجا، به تدریج شهرهای اطراف و شمال (و یک کشور) را آزاد کند (ناصر، شعبانی: ۷۷۷ تا ۸۰۶، ۱۳۹۴). چه کاشتند و چه درو کردند؟!

### اعتراف به جنایات (و شکست)

دشمن اعتراف صریح دارد و با این همه جنایت‌ناگزیر است بگوید، «شکست خوردیم». در این بین «ناصر تاجمیر ریاحی» از سرکردگان کمونسیت‌های ایران در پاسخ دادستان انقلاب که آیا صد درصد از نظر عملی و فکری (ایدئولوژی) به بن‌بست

<sup>۱</sup> ز همان ابتدای رسیدن رزمندگان به محل درگیری با صحنه‌ای مواجه شدند که کمونیست‌های زن و مرد در حال استحمام بودند. نیروها با توجه به دیدن این وضعیت با کمال جوانمردی و حیا به آنها مهلتی دادند تا به لحاظ وضعیت ظاهری، موقعیت بهتری پیدا کنند اما کمونیست‌ها با کمال ناجوانمردی به سمت سلاح‌های خود رفته و با همان شرایط به رزمندگان اسلام تیر اندازی نمودند.



رسیدید؟ بیان می‌دارد: روشن است که بله؛ در اعتراف "ضرغامی" نیز هست که انواع و اقسام توطئه‌ها را علیه جمهوری اسلامی به کار بردیم و «شکست خوردیم».

فرامرز طلوعی: «اتحادیه کمونیست‌ها جریانی بود که واقعاً به این انقلاب و به خصوص به مردم شهیدپرور آمل ضربه زد. {چهره‌ی نفاق را ترسیم می‌کند، ببینید} از اول ضد مردم بودیم و واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دادیم. ما می‌گفتیم جمهوری اسلامی را قبول داریم، ولی همان کاری را در کردستان می‌کردیم که حزب دموکرات می‌کرد و یا می‌گفتیم، رهبر انقلاب را قبول داریم. از این‌رو، اکثر بچه‌ها، بعد از {عملیات بزرگ نیروهای ج.ا.ا} در بیست و دو آبان ۱۳۶۰، از جنگل بریدند و رفتند و مرکزیت برای این که بچه‌ها را نگه دارد، دروغ می‌گفتند. (کردی، علی: بخش ۴، ۱۳۸۶).<sup>۱</sup>

رحیم ضرغامی گفت: «وقتی وارد جلسه دادگاه شدم، جلوی درب ورودی، کفش‌های لاستیکی و کهنه‌ای را دیدم که نشان‌دهنده‌ی مستضعف بودن صاحبان آن {بستگان شهدا} بود. پیش خودم فکر کردم، واقعا ما در مقابل چه افرادی ایستادیم. این جریان مرا تحت تاثیر قرار داد. ما راه‌مان باطل بوده». محمدحسین علی‌آبادی: الان جمهوری اسلامی در مقابل قدرت بزرگی ایستاده، هرکس با آن مخالفت کند اگر وابسته به آمریکا و سیا نباشد، لااقل بازخورده این امپریالیسم خواهد بود». ضیا عبدالمنافی گفت: «من در مقابل خانواده‌های شهدا حاضر نیستم هیچ دفاعی از خود بکنم، چون معتقدم خیلی حقیرانه است. بعضی از ما این قدر پست و نانجیب و غیر انسانی بودیم که هنوز خون این برادران {شهدا} خشک نشده. آنقدر آنجا وحشی‌گری شد که من عارم می‌آید. فکر می‌کنم، هیچ کس حتی اگر مسلمان نباشد، چنین کارهایی بکند. توجیه این وحشی‌گری‌ها هم غلط است. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم کارهای ما از کارهای سیا هم بالاتر است.

محمدرضا س. (آملی): «در شهر آمل، خودم دیدم که مردم آمل چه به روزمان آوردند. چه دروغ‌ها که نگفتیم و عملاً صد و هشتاد درجه برعکس نشان داده بودیم. در شب ششم بهمن ۱۳۶۰، از حدود چند هزار جمعیت محله‌ی رضوانیه بیش از چهل - پنجاه نفر را بیشتر ندیدم و این‌ها هم از ما حمایت نمی‌کردند. علت این که من از این جریان کمونیستی منزجر شدم، این حرکت مردم بود. در واقع اولین معلم من، همین مردم بودند که مردم با قیام خودشان توانستند به من درس بدهند. مردم هیچ حمایتی از ما نکردند». « (شعبانی، صص ۷۷۷ تا ۸۰۶، ۱۳۹۴).

<sup>۱</sup> به نقل از همین منبع: بیش از ۱۸۰۰ ساعت صحبت و تصویر ضبط شده از اعترافات و مصاحبه‌ها موجود است. دیگر این که «حزب کمونیست ایران» اطلاعات زیادی در کتاب پرنده نوپرداز چاپ آلمان (۱۳۸۳) ارائه کرده است.

حضرت امام خمینی بارها روی حماسه مقاومت مردم آمل سخنرانی داشتند: «در هر جا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پرو پاقرص خود معرفی می‌کردید و عده بسیاری را به فریب، به جنگ مردم و دولت فرستادید، چه جنایت‌ها که نکردید». در جای دیگر می‌فرمایند «منافقین همه قوای شان را جمع کردند و به آمل، آن حمله وحشیانه و غافل‌گیرانه را کردند، به امید این که مردم آمل با آن‌ها هم‌دست شوند. ما باید از آمل و مردم فداکار آن تشکر کنیم»<sup>۱</sup>.

### نتیجه‌گیری:

اعضای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در وقایع شهر و جنگل آمل هر چه توانستند، از نقص حقوق درمانی تا حقوق بشری، جنایات بی‌شماری را انجام دادند؛ رفتار و کردارشان، ضد شعار و بیانیه‌های بود که صادر کردند و خود را طرفدار خلق جا زده بودند. در واقع از سویی در عمل از مشی معروف «وسیله هدف را توجیه می‌کند» تبعیت کردند. از سوی دیگر مردم مسلمان شجاع و دشمن شناس با حضور در صحنه کوچه و خیابان ضمن پشتیبانی و کمک‌های امدادی و در برخی موارد اعتراض رویاروی، نقشه‌های ضد اسلامی آنان بر علیه مردم، امنیت و یکپارچگی کشور را با شکست مواجه کردند. در این‌گونه مواقع، عنوان اتهام و تعقیب «جنایت‌کار جنگی» برای مهاجمان مسلح می‌تواند درد و رنج‌های بجا مانده مردم منطقه و جامعه بشری را تسکین دهد تا برای همه ناهلان و ماجراجویان دور و بر اطراف خانواده بزرگ انسانی درس عبرتی برای تاریخ معاصر باشد.

متأسفانه توطئه‌ی این گروهک محارب در همراهی سایر عوامل داخلی استکبار جهانی غرب و شرق در جبهه‌ی شمالی به ویژه آمل در طول بیست ماهه ۶۱-۱۳۶۰ حضور در جنگل ادامه داشت. آنها به گونه‌ای صریح و غیرصریح در اعترافات پس از دستگیری (و در مواردی پناهندگی معدود افرادی به غرب)، بر این عملکرد ضدانسانی و ضد حقوق بشری خود (عدم موفقیت‌شان) صحه گذاشتند. ابعاد و نتایج مهم آن جنایت‌ها،

<sup>۱</sup> وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی حضرت امام؛ جای دیگر به نقل از سایت جامع امام خمینی (ره) - بخش فیلم نیز می‌فرمایند: «انسان چون خودش را خیلی دوست دارد، خیال می‌کند، هر کاری می‌کند خوب است و هر کاری که می‌کند برای خداست. لکن اگر خودش را عرضه کند به یک کسی که خدا را می‌شناسد، آن وقت بهش می‌فهماند که کارت برای خودت بوده، همه کارها برای خودت بوده؛ لکن اگر رسیدی به آنجایی که این خود را کنار بگذاری و کار بکنی، آن کار برای خود نیست. قهراً وقتی خود نباشد، نزاع هم نیست و دعوا هم نیست».

شکست افکار کمونیستی و لیبرالی در تحولات جهانی، هم‌چنین ایجاد «جبهه مقاومت» در بین سایر ملل بود.

به یقین عمق این جنایت‌ها به مطالعه و تحلیل بیشتری در مجامع علمی، سیاسی و قضایی داخل (و خارج کشور) نیاز دارد. لیکن نقش قوه قضائیه در تشکیل پرونده و ستاندن کامل حقوق پایمال شده (کل مظلومین) هنوز به قوت خود باقی است. از این رو، انتظار می‌رود مقامات جمهوری اسلامی ایران با کمک ستادهای مردمی جهت تبیین این فجایع بشری، کنترل و پیگرد قانونی شیپورهای رسانه‌ای و تبلیغاتی غرب بیش از پیش فعال شده و با کشاندن افراد ضدانقلاب از جمله چند عضو اتحادیه کمونیست‌های ایران (پناهنده به غرب از جمله آلمان) به مراجع قضایی و بین‌المللی، رسالت خود را کامل کنند.

### فهرست منابع:

- امام خمینی (قدس سره-۱۳۶۹)، آخرین پیام- وصیت نامه سیاسی الهی، سازمان حج و زیارت و امور خیریه، تهران، نگار
- پایگاه اطلاع رسانی حماسه آمل، «واقعه ۱۳ خرداد ۱۳۶۱» گزارش رنجبر، علی‌پور و غیره (اردیبهشت ۱۳۹۴)، قسمت اول تا هشتم،
- پرتال علوم انسانی، «نگرشی اجمالی به حقوق جنگ» ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۵)، به نقل از نشریه حقوقی بین‌المللی، شماره ۶
- سایت جامع امام خمینی (ره-۱۳۵۹)؛ «انسان چون خودش را دوست دارد- سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی (کمال مطلق خواهی انسان)»
- سایت پژوه (پژوهشکده باقرالعلوم (ع)- مقالات علوم انسانی و اسلامی)، زندی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «دانش نامه پژوه- اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران»،
- حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳)، پرنده نوپرواز- فصل دوم: جمهوری فدرال آلمان
- خانی، مهدی (۱۳۸۰)، چهل خاطره، صص ۳۷ تا ۴۲، ۴۵ تا ۴۶، ۵۹ تا ۶۱، ۸۹ تا ۹۰، ۹۹ تا ۱۰۰ و غیره، تهران، فرهنگ و دانش
- خانی، مهدی (۱۳۹۲)؛ طاه‌ها ستاره شمالی، مروری بر زندگی شهید سیده طاهره هاشمی، فصل ششم، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا
- خانی، مهدی (۱۳۹۴)، شهدای جنگل- دفتر اول درگیری‌های جنگل آمل ۶۱-۱۳۶۰، صص ۵۵ و ۱۶۵؛ تهران، مجتمع فرهنگی نشر عاشورا
- زندی، محمد علی، «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران»، سایت پژوه (بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی) پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۱۳۹۳؛
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)، صص ۷۷۷ تا ۸۰۶، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)، حقوق جنگ، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، صفحه ۴
- کردی، علی (۱۳۹۱)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، (معرفی بخش اول و چهارم)
- کنوانسیون ژنو، (۱۹۴۹ م)، بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوگشی
- کنوانسیون ژنو، (۱۹۴۹ م)، حمایت افراد کشوری در زمان جنگ

- کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹ م)، بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران، و غریقان نیروهای مسلح در دریا
- کنوانسیون ژنو (پیوست ۱۹۴۹ م)، موافقتنامه راجع به ایجاد مناطق و نقاط بهداری و امن جهت کمک رسانی
- محمدی‌فر؛ مهدی (۱۳۹۵)، جبهه‌ی شمالی (ساختار و تشکیلات گروهک اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران)، صص ۵۱ تا ۵۵ ساری، سرو سرخ،
- مرکز اسناد حماسه مردمی آمل (گزارش‌ها و پرونده‌ی شهدا- صوتی و متنی و فیلم و عکس):
- + پرونده شهدای ششم بهمن ۱۳۶۰ و درگیری‌های جنگل آمل؛ گزارش شمیم‌کوه/ پایان عملیات جنگل آمل (۱۴۰۲)؛
- + حماسه‌ی اسلامی مردم آمل / شکست تفکر کمونیستی؛ گزارش تحلیلی ویژه نامه «سال شصت؛ الگوی مقاومت- واکاوی حماسه... آمل (۱۴۰۱)؛
- + گزارش‌های سرهنگ پاسدار علی یزدان‌پناه، سرهنگ پاسدار حسن نیازی، غلامرضا برزگر محمودآبادی، خسرو پهلوان‌زاده، سرهنگ پاسدار علی رودی، عطایی ارایی و طالبی، مینا حسینی، رضانی، محمود شاهنوریان، محمد رنجبر، میرنژاد، محسنی مقدم و دیگران
- هاشمی، سیده منیره (۱۴۰۱)، عمه‌ام طاه‌ها، شهادت تا طهارت، خاطراتی از شهیده سیده طاهره هاشمی، آمل، وارث‌وا



## بایان اتحادیه کمونیست‌های ایران در حماسه مردمی ۶ بهمن آمل

علی‌اکبر جعفری<sup>۱</sup>

علیرضا گنجیان مقدم<sup>۲</sup>

### چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اتحادیه کمونیست‌های ایران با آمیزه‌ای از تفکرات مارکسیست لنینیست‌های چپ‌گرا؛ نظام جدید را متشکل از گروه‌هایی می‌دانستند که نمی‌توان در مقابل همه‌ی آن‌ها مشی یکسانی داشت. در ابتدا با جریان ملی‌گرا به علت نوع استراتژی‌شان مخالف بودند، ولی با رویکرد خط امام با توجه به شعارهای اعلامی که با بعضی از رویکردهای‌شان همپوشانی داشت همراهی کردند. در جریانات و حوادث رخ داده پس از پیروزی و تشکیل حزب جمهوری اسلامی، آنان در کنار سایر گروهک‌ها به مخالفت با امام و نیروهای شاخص انقلاب به‌خصوص بعد از خرداد ۱۳۶۰ و عزل بنی‌صدر پرداختند. زین پس شاهد آغاز فعالیت گسترده فاز نظامی و قیام مسلحانه با اهداف اعلامی: مقابله با انحراف، آگاه‌سازی مردم و دعوت به قیام بودیم. با این توصیف، هدف پاسخ بدین سوال است که علت انتخاب آمل از سوی اتحادیه برای قیام مسلحانه، بعد از کلان حوادث روی داده در سال اول دهه شصت چیست و نقش افشار مردمی در مقابله با این واقعه چه بود؟ در پاسخ می‌توان: نزدیکی به پایتخت، موقعیت جغرافیایی، همسایگی با شوروی، جذب کمک خارجی و حرکتی چریکی-خلقی اشاره کرد. اعضای اتحادیه در این انتخاب با غفلت نسبت به پیشینه عقیدتی-فرهنگی و باورهای دینی مردم که سابقه برپایی اولین حکومت شیعی جهان در تبرستان و آمل را داشتند و تمرکز صرف بر ظرفیت دهقانی، در مقابل آنان؛ مردم با سنگر سازی به مقابله با آنان پرداختند. شیوه طرح پژوهش توصیفی-تبیینی با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اینترنتی به‌دنبال پاسخ به سوال و اثبات فرضیه هستیم.

**واژگان کلیدی:** مبارزه مسلحانه، اتحادیه کمونیست‌ها، حمله به آمل، مقابله مردمی، دفاع و موقعیت جغرافیایی.

---

<sup>۱</sup>استاد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران-بابلسر A.jafari@umz.ac.ir

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران-بابلسر

[alirezaganjanmoghadam@gmail.com](mailto:alirezaganjanmoghadam@gmail.com)

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ و حضور احزاب گوناگونی که شاخص‌ترین آن‌ها: جمهوری اسلامی، ملی‌گرا و التقاطی چپ‌گرا مثل: پیکار خلق، حرمتی پور، اشرف دهقان، سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، اتحادیه کمونیست‌های ایران و غیره که به دنبال سهم‌خواهی از نظام بودند. با برگزاری رفراندوم تعیین نوع نظام سیاسی (شاهنشاهی یا جمهوری اسلامی) در فروردین سال ۱۳۵۸، که منجر به پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی با رای مردم گردید. پس از این واقعه، آمریکا و غرب که مهم‌ترین شریک راهبردی و یکی از دو ستون مهم پشتیبان منطقه‌ای از منافع ملی جهانی خود در غرب آسیا را از دست داد و از فعل و انفعالات سپهر سیاسی ایران، به خصوص بعد از واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تسخیر سفارت خانه خود در تهران که در ادبیات سیاسی مردمی به لانه جاسوسی شهرت دارد حذف گردید. در پی این حادثه، دولت موقت با رویکرد ملی‌گرایانه و مخالف عدم رودرویی مستقیم با غرب که چپ‌گرایان به علت این استراتژی آن‌ها مخالف آنان بودند، استعفا خود را اعلام نمود و بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد؛ که موردتأیید و حمایت حزب فدائیان خلق (منافقین) و چپ‌گرایان بود. ولی به دلیل برخی از رویکردهای او و طرفدارانش در خصوص نیروهای شاخص خط امام و حزب جمهوری اسلامی، نحوه مدیریت در جنگ و موضع‌گیری‌هایی که داشت؛ توسط مجلس شورای اسلامی در خردادماه سال ۱۳۶۰ عزل شد. پس از این واقعه بود که اتحادیه کمونیست‌های ایران و منافقین اعلام به شروع اتخاذ مبارزه‌ی مسلحانه با شعارهای اعلامی مقابله با انحراف و آگاه‌سازی مردم و دعوت به قیام علیه نظام به‌عنوان «جبه سوم» همزمان با میادین دفاع مقدس و اختلافات و فتنه‌انگیزی‌های داخلی استقلال طلبانه برخی مناطق نمودند. آن‌ها با این‌رویکرد، منطقه شمال ایران و شهر آمل را برای شروع و اعلام قیام مسلحانه به زعم همراهی و پشتیبانی مردم دهقان این مناطق، نزدیکی با پایتخت و جذب کمک همسایه شمالی (شوروی سابق) و از همه مهم‌تر، استعداد عامل ژئوپلیتیک منطقه و وجود دره‌هایی با شیب تند که از جنگل‌های انبوه و رودخانه پر آب هراز به‌عنوان دژی محکم جهت استتار و مقابله با نیروهای نظامی استفاده کنند، انتخاب کردند. با این توصیف، در این مجلد در پی آن هستیم که به واکاوی علل انتخاب آمل برای قیام مسلحانه دقیقاً بعد از کلان حوادث روی داده در سال اول دهه شصت پرداخته و به نقش اقشار مردمی و علل مقابله، در کنار ابعاد مواجهه نهادها و مردم با توجه به پیشینه‌ی فرهنگی-عقیدتی به شیوه طرح



پژوهش توصیفی-تبیینی با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اینترنتی پرداخته‌ایم. همچنین با هدف خارج‌سازی غائله جنگل و حادثه ۶ بهمن آمل از مهجوریت و فراموشی تاریخی از دل کلان رویدادهای آن زمان، رهاوردی مبسوط جهت بهره‌گیری سایر پژوهندگان فراهم سازیم.

### ۱. پیشینه پژوهش

سمیه بدخشان فرح آبادی (۱۳۹۴) کتاب تاریخ شفاهی «قنات تا قنوت» را به روایت قدرت الله سورکی آزاد از فرماندهان جبهه‌ی مقابله با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال تدوین نمود که نشر سرو سرخ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به سفارش اداره کل حفظ ارزش‌ها و نشر آثار مازندران به چاپ رسید. این اثر در ۳۶۹ صفحه و دوازده فصل به شیوه تاریخ نگاری شفاهی، به موضوعات عمده‌ی سال‌های پیش از مبارزات انقلاب، وقایع حین و تثبیت انقلاب، شروع جنگ و تحرک گروهک‌های ضد انقلاب و نقش استان مازندران در این حوادث با معرفی فرماندهان و شهدای شاخص پرداخت. تاکید اصلی نویسنده به نقش مردمی برای دفاع از ارزش‌های اسلامی ایران در این اثر، و بخش‌هایی به علت انتخاب شمال؛ جهت ضربه به نظام نوپا پرداخته است که بیان داشت: گروهک‌ها به این دلیل شمال ایران را به عنوان کانون جبهه سوم حمله مسلحانه برگزیدند تا همانند الگوهای چپ‌گرا در لائوس و کوبا، با ایجاد پایگاه‌هایی در جنگل جهت بهره از استتار طبیعی، در میان مردم عضوگیری کنند و با ایجاد تشکیلات بین توده‌های بومی با هدف عدم شناسایی به نظام ضربه بزنند و چنین جلوه دهند که نظام پایگاه مردمی خود را از دست داده است. سید محمد هاشمی (۱۳۹۰) به تحقیق و جمع‌آوری علی اصغر محمدعلی در کتاب «شمشادهای رشید» یادنامه شهدای ششم بهمن آمل که در نشر شاهد به حمایت سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهشی و ارتباطات فرهنگی و با همکاری و سفارش اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان مازندران به چاپ رسید. نویسنده در این اثر ۳۱۵ صفحه‌ای به شرح کوتاهی از تاریخچه شکل‌گیری جریان‌های چپ‌گرا و اتحادیه کمونیست‌های ایران از قبل از انقلاب، و رویکرد کلی آنان در بعد از انقلاب پرداخت. همچنین وقایع جنگل آمل و معرفی شهدای این حادثه به شیوه‌ی ادبی داستانی، شعر، خاطره، زندگی‌نامه و متون ادبی آنان پرداخت. احمد وسکره (۱۳۹۴) در کتاب «روایت شمشادها» مجموعه خاطرات فرماندهان و رزمندگان جبهه‌ی مقابله با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال که در نشر

سرو سرخ به چاپ رسید. نویسندگان در این اثر سعی نمود واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل و حوادث رخ داده در مقابل با گروهک اتحادیه کمونیست‌های ایران با قیامی تحت عنوان سرداران راه، براساس تجارب و خاطرات میدانی سی وهفت تن از رزمندگان، بسیجیان و فرماندهان حاضر در این واقعه در ۲۱۲ صفحه برای ثبت در تاریخ به رشته تحریر درآورد.

واضح است که کتب، مقالات و آثار زیادی درباره‌ی این واقعه وجود دارد؛ اما در این اثر تلاش کرده‌ایم که با نگاهی جامع و کلی در یک اثر میسوط، رویکرد و دلیل اتحادیه کمونیست‌های ایران برای انتخاب شمال و آمل بعد از کلان حوادث روی داده در سال اول دهه شصت و نقش اقشار مردمی و نهادهای انقلابی در پایان زیست سیاسی و اجتماعی آنان پرداخته و با طرح پژوهش تبیینی-توصیفی و روش تحقیق کتابخانه‌ای و اینترنتی، رهاوردی تازه برای بهره‌مندی دیگر پژوهندگان فراهم سازیم.

## ۲. معرفی اتحادیه کمونیست ایران

رویش‌های ابتدایی پدید آمدن گرایش‌ها و تفکرات سوسیالیستی و چپ‌گرا در ایران، به دوره مظفری، قاجاریه و به خصوص نهضت مشروطه خواهی باز می‌گردد. البته بنیان آبخوری فکری آنان به حزب کمونیست شوروی سابق و چین می‌رسد که در ردای حزب توده ایران در میان فوج روشنفکران و دانشگاهیان کشور از دهه ۱۳۲۰ بدین سو تجلی یافت. سبب این جریان، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که از جمع و درهم آمیختگی سازمان انقلابیون کمونیست و گروهی موسوم به پویا تشکیل شد؛ که میان دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و اروپا به خصوص کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای غربی نفوذ شگرفی داشت (ایسنا، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷). بسیاری از اعضای نخستین اتحادیه، از خانواده‌های کارمندان و مدیران متمدن شرکت ملی نفت خوزستان بودند که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، در پی وقوع شوک نفتی و بالا رفتن قیمت نفت خام و متعاقب آن افزایش درآمدهای نفتی شاه، فرزندان این کارکنان و مدیران با استفاده از فرصت افزایش درآمد دلاری ناشی از فروش نفت؛ توسط دولت محمدرضا شاه پهلوی با اعطای بورس تحصیلی به خارج از کشور، به خصوص دانشگاه‌های غربی و آمریکا به ویژه برکلی اعزام شدند. اما برخلاف پیش بینی‌های رژیم شاه، بسیاری از دانشجویان اعزامی تحت تاثیر افکار مارکسیستی قرار گرفتند و به تدریج در جریان‌های مارکسیستی استحاله پیدا کردند. این عامل خود منجر به شکل‌گیری تشکیلاتی موسوم به «کنفدراسیون» گردید که علیه رژیم سابق

شروع به فعالیت سیاسی و سپس مسلحانه کردند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۰۵). گروهک فوق (اتحادیه کمونیست‌های ایران) در تابستان سال ۱۳۵۵ و به پشتوانه سه گروهک دیگر (سازمان‌هایی ملقب به انقلابیون کمونیست، گروهک پویا و گروه زحمت) (خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) که هر سه آن‌ها در خارج از ایران پا گرفتند و پیرو همان محفل دانشجویی در خارج از کشور که دارای عقاید الحادی مارکسیستی بودند، و سازمان انقلابیون کمونیست را در سال ۱۳۴۸ شکل دادند تشکیل شد. در واقع از حلقه‌های ابتدایی تولد اتحادیه کمونیست‌های ایران، تنی چند از باقیمانندگان گروهک پویا و بازماندگان «گروه فلسطین» بودند که به علت شرایط اختناق‌آمیز دوران طاغوت به خارج از کشور گریخته و در برخی از کشورهای همسایه از جمله عراق و لبنان آموزش‌های چریکی و پارتیزانی دیدند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بی‌تا: ۱). مارکسیست‌لنیست‌های اتحادیه کمونیست‌های ایران در شکاف میان دو جبهه جهانی کمونیست چین و شوروی، به اندیشه‌های مائو و تز سه جهان او گرایش داشتند (ایسنا، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷) و هدف خود را برای آزادی طبقه پرولتاریا و کارگر زحمتکش می‌دانستند. از این رو نقطه توجه خود را علیه مبارزه با پهلوی به عنوان عامل غرب و امپریالیسم، که ملت ستم کشیده ایران را به انقیاد خود درآورده معطوف کردند. به همین خاطر با اندیشه‌های ضد امپریالیستی و آزادی‌خواهانه و استقلال طلبانه امام خمینی رحمت الله که با برخی از مواضع‌شان همپوشانی داشت در ابتدا همراهی کردند. آنان نظام جدید را متشکل از گروه‌های متفاوتی می‌دانستند که نمی‌توان در مقابل همه آن‌ها مشی یکسانی داشت. بعد از پیروزی نیز، اعضای اتحادیه به ایران مراجعت کردند و با سوءاستفاده از فضای باز سیاسی اجتماعی بی‌ضابطه‌ای که فراهم شده بود، به دنبال سهم خواهی از قدرت بودند و مدعایی را پیوسته اعلام می‌داشتند که نقش اساسی را در سرنگونی پهلوی عهده‌دار بودند. از این رو مواضع اتحادیه نسبت به انقلاب و امور سیاسی کشور، دو و چندگانه بود مانند: نظام برآمده از انقلاب و صندوق‌های رای مردمی را ارتجاعی می‌دانستند، اما از تسخیر لانه جاسوسی (سفارتخانه آمریکا) حمایت می‌کردند ولی از سیاست‌های اعلامی و اجرایی انقلاب به خصوص سیاست‌های فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها به شدت مخالفت می‌کردند یا طرفدار خودمختاری و شکل‌گیری کردستان مستقل و آزاد بودند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱، شماره: ۱۶۹۲۹). به همین خاطر با توجه به مواضع و اعمال گروه‌های چپ‌گرا، که خود را نماینده قشر کارگر و طبقه زحمتکش پرولتاریا می‌دانستند و اعلام می‌داشتند که می‌خواهند حق این ملت ستم

کشیده را از زورمندان بستانند، اما امام خمینی رحمت الله آن‌ها را کمونیست‌های آمریکایی می‌دانستند. چون این احزاب علی‌رغم اینکه در ظاهر اعتقاد به اصول و مبانی کمونیسم داشتند ولی در موضع‌گیری‌ها و عملکرد خویش در راستای تکمیل سیاست‌ها و پازل غرب حرکت می‌کردند «این‌ها کمونیست نیستند. این‌ها طرفدار سرمایه‌دارها و طرفدار قلدرها هستند، و می‌خواهند ما محتاج باشیم (امام خمینی رحمت الله، ۱۳۸۵، ۲۳-۲۱). در کشاکش سهم خواهی و فعالیت‌ها، بعد از استعفای دولت بازرگان در آبان سال ۱۳۵۸ پس از تسخیر سفارتخانه آمریکا و متعاقب آن پیروزی ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور، اعضای اتحادیه کمونیست ایران به خیل طرفداران او پیوستند. اما به دلیل رویکرد بنی‌صدر در قبال نیروهای شاخص و جریان‌های مهم انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، در خرداد سال ۱۳۶۰ توسط مجلس شورای اسلامی عزل شد و حکم برکناری او از سوی امام مورد تایید قرار گرفت؛ اتحادیه کمونیست‌های ایران متشکل از مارکسیست‌لنینیست‌های کنفدراسیون سابق به پیروی اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، به طرفداری از بنی‌صدر با اهداف اعلامی: نجات انقلاب از مسیر انحرافی و تکامل انقلاب از طریق انقلاب دوم (خانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۴۸) با غضب عنوان «سربداران» و به علت مشی و رویکردی که از انقلاب چین و مائو اخذ کرده بودند، که با یک حرکت دهقانی و کارگری از دل روستا بود، شمال ایران را به دلیل نزدیکی با پایتخت، وجود قشر دهقان و جذب کمک از همسایه شمالی (شوروی) در کنار استفاده از موانع فیزیکی طبیعی جهت قیام فوری علیه نظام نوپای انقلابی، با ایجاد جبهه سوم و راه‌اندازی موتور قیام با لوای مردمی (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۰۵) انتخاب کردند. این گروه‌های فعال در جنگل‌های شمال از شرق به غرب شامل: ۱. حزب رنجبران در گرگان با ایدئولوژی مائوئیستی به استعداد ۲۰ نفر و استقرار در توسکستان، ۲. مجاهدین خلق (منافقین) با ایدئولوژی به ظاهر اسلامی مستقر در بخش مرکزی مازندران ولی در غرب مازندران و شرق و غرب گیلان به خصوص رودسر و رامسر دارای پایگاه، مقر و فعالیت گسترده بودند، ۳. ارتش آزادی‌بخش خلق‌های ایران مستقر در مرکز استان مازندران و دارای ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و پیرو مشی و روش چگوارا در مبارزه بودند، ۴. گروه «اتحاد چپ» با ایدئولوژی مارکسیستی به استعداد ۲۰ نفر و مستقر در غرب گیلان، ۵. در نهایت گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران با ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و رویکرد مائوئیستی به استعداد ۳۰۰ نفر در بخش مرکزی مازندران به خصوص جنگل‌های آمل مستقر شدند (صادقی سنگدهی و

همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳). با توجه به گستردگی و تفاوت استراتژی گروه‌ها علی‌رغم قرابت تاکتیکی، در این مجلد فقط به اقدامات گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران خواهیم پرداخت.

### ۳. فضای سیاسی اجتماعی سال ۱۳۶۰

از زمان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مردمی اسلامی ایران، همواره تاریخ آن از میانه کارزارهای بس خطرناک گذر کرده است، و صفحات آن مشحون از پیچ‌ها و حوادثی است که روایتگر بزنگاه‌های حساس این رشد تاریخی است. دشمنان این کهن دیار، در هر بار هجوم خود به این نقطه از گیتی به علت ارزش‌مندی جغرافیایی و منابع خدادادی، لطمت و آسیب‌هایی را بدان وارد ساختند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز شاهد این تلاش‌ها در قالب کودتای نوژه، دمیدن برکوس جدایی طلبی‌ها و غیره بودیم. با تسخیر سفارتخانه آمریکا در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ و متعاقب آن استعفای دولت ملی‌گرای موقت بازرگان، سیر تحولات روند رو به تزایدی را دنبال نمود. بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد که حمایت منافقین (سازمان مجاهدین خلق) و پس‌از آن برخی از چپ‌گرایان از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران را به همراه داشت. اندکی بعد از شروع ریاست‌جمهوری بنی‌صدر به دلیل رویکردهای وی از جمله: تخلفات قانونی، عدم صلاحیت‌های اخلاقی و تقوایی، جدایی از خط امام و مردم، داشتن گرایشات فکری و عملی حمایت از چپ‌گرایان و معارضان، نداشتن بینش سیاسی صحیح در اداره امور کشور (پیام انقلاب، ۱۳۶۰، شماره ۲۰: صفحه ۱۸) و اختلاف با فرماندهان نظامی در اداره امور جنگ و عدم توانایی وی بر فرماندهی کل قوا؛ از سوی مجلس شورای اسلامی عدم کفایت سیاسی وی در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ با ۱۷۷ رای موافق و یک رای مخالف و ۱۷ رای ممتنع طرح و عزل شد (پورتال امام خمینی، ۱۳۹۱ کد خبر: ۳۰۴۵۶). از این‌رو سال ۱۳۶۰ را می‌توان بحرانی‌ترین سال انقلاب و هجوم همه‌جانبه و یکپارچه التقاطی‌های چپ و اجماع علیه انقلاب با توجه به تضادهای ایدئولوژیکی و شباهت‌های تاکتیکی دانست. هرچند پیش‌از این موارد، در سخنرانی معروف ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ بنی‌صدر در کسوت ریاست‌جمهوری، در دانشگاه تهران به مناسبت بزرگداشت مصدق؛ موجی از درگیری و زدوخوردهای خونین بین نیروهای انقلاب و گروه‌های سیاسی معارض یا معاند با انقلاب را به همراه داشت و موضع گروه‌های ضد انقلاب با صف‌آرایی در برابر جریان خط امام، قاطبه مردم حزب الله، مشی فکری عملی بنی‌صدر کاملاً آشکار شده بود

(شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۰۹). اگرچه تا قبل از خرداد ۱۳۶۰ در داخل کشور، شاهد توطئه‌های گوناگونی از جمله ترور و بمب‌گذاری‌های کور و هدفمند، قاتله جدایی طلب کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و غیره بودیم، اما بعد از خرداد ۱۳۶۰ تحركات‌های مسلحانه علنی تر شد و بر شدت آن افزوده گردید. از مهم‌ترین حرکت‌ها، ترور نافرجام آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابودر در ۶ تیر ۱۳۶۰، شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از اعضای حزب جمهوری در محل دفتر حزب و حادثه بمب‌گذاری دفتر نخست‌وزیری که تابستان داغی را از سوی چپ‌گرایان با رفتارهای ددمنشانه برای انقلاب اسلامی به همراه آوردند (پورغلامی، ۱۳۹۳: ۱). به دیگر معنی، عزل بنی صدر سبب نومیدی جریان ضد انقلاب و آغازی بر اقدامات مسلحانه همه جانبه و وسیع علیه نظام و مردم گردید. در این راستا بنی صدر که به کمک مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در محلی پنهان شده بود، در ۳۱ خرداد پیامی ارسال کرد مبنی بر: «برادران من، همسنگران! در سنگرهای خود بمانید. سنگرهای دشمن را تصرف کنید، هر آینده‌ای بدین کار وابسته است.» (خانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). اندکی بعد نیز در نامه‌ای خطاب به رجوی دستور تشکیل «شورای ملی مقاومت» و متحد شدن تمامی گروه‌های آزادی طلب و مترقی را داد. یکی از گروه‌هایی که در کنار سایرین به این فرمان پیوست، و رویای براندازی نظام نوپای ایران را با طرفداری از بنی‌صدر و هوادارانش دنبال نمود اتحادیه کمونیست‌های ایران بود. همانطور که پیش‌تر ذکر کردید علی‌رغم همراهی ابتدایی آنها با امام و انقلاب به‌خصوص بعد از تسخیر لانه جاسوسی، اما پس از عزل بنی‌صدر گروه‌های چپ به همراه اتحادیه کمونیست‌های ایران در چرخشی آشکار و نمایان ساختن نفاق و زاویه خود با بعد اسلامی انقلاب، و تاکید بر آموزه‌های اومانستی و تئوریک روشنگرانه خود، جمهوری اسلامی به شکل تام و نهادهای ارگان‌های وابسته آن را به طور خاص ارتجاعی و ضد خلقی دانستند (هاشمی و محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵). از این‌رو رسالت خود را قیام مسلحانه فوری توده‌ای با هدف مقابله با انحراف و آگاه‌سازی مردم برای دعوت به قیام و نجات کشور اعلام داشتند. آنان معتقد بودند با شروع فعالیت گسترده توده‌ای به شکل مسلحانه البته نه به شیوه ترورهای فردی که سایرین انجام می‌دادند جبهه سومی را برای درگیری با نظام نوپای انقلابی در کنار دو جبهه دیگر یعنی: جنگ تحمیلی که اکثر نیروهای انقلابی مانند سپاه، بسیج و ارتش را مشغول کرده بود، در کنار جبهه دوم و فتنه انگیزی‌های جدایی طلب و استقلال طلبانه‌ای چون: کردستان به شکل خاص، آذربایجان، ترکمن صحرا و غیره ضربه نهایی را وارد سازند. تاجمیر

ریاحی از فرماندهان و تئوریسین‌های اصلی الگوی جبهه سوم در این باره اشاره داشت: «ما می‌توانیم با ایجاد یک جبهه دیگر، که رژیم از جنگیدن در آن عاجز باشد آخرین ضربه را بزنیم و آن جبهه جنگل‌های شمال است.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۲). در ابتدا صحنه عملیاتی خود را علی‌رغم مرام کمونیستی متأثر از مائو شهر تهران برگزیده بودند، اما به دلیل تعداد به‌شدت کم نیروها برای مبارزات چریکی در شهری مانند تهران و عملیات‌های تامینی نیروهای نظامی برای رصد و کشف افرادی با رفتارهای مشکوک (کردی، ۱۳۸۶: ۱۱۳) و مضافاً تدبیر امام خمینی رحمت‌الله در خصوص تشکیل لشکر ۳۶ میلیونی جامعه اطلاعاتی و همکاری مردم (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۱۱) برای مقابله با رویکرد اعلامی «جبهه سوم» اتحادیه کمونیست‌های ایران، جهت ضربه به انقلاب و ناامن‌سازی فضای اجتماعی برای آماده‌سازی یک قیام مسلحانه توده‌ای و تصرف شهر به شهر برای سرنگونی حکومت مرکزی، رهبرانشان تصمیم به ترک تهران و انتقال میدان مبارزه و یارگیری بر اساس آموزه‌های کاذب کمونیستی از میان توده‌های مردمی گرفتند. هرچند که تصمیم به اجرای قانون «مالک و مستاجر» از سوی کمیته انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه مالکان موظف به افشای اعلام هویت مستاجران خود به نزدیک‌ترین نهاد انتظامی هستند، هویت بسیاری از خانه‌های تیمی را فاش کرد و نیروهای شبه‌نظامی نیز مجبور به ترک تهران شدند (ایسنا، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷). این استراتژی انتقال میدان مبارزه، متفاوت از نگاه منافقین که معتقد به شیوه جنگ و گریز خیابانی و متعاقب آن مجبور به گریز به مناطق دور بودند، اما کوچ اتحادیه کمونیست‌های ایران به سوی جنگل‌های شمال ایران و به‌خصوص انتخاب شهر آمل به‌عنوان شروعی بر ایجاد «اولین جرقه در هیزم خشک» (صادقی‌سنگدهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵) در کنار همه محدودیت‌ها در نفرات، اقدامات تامینی و اجرای طرح‌هایی چون مالک و مستاجر، به‌مشی کمونیستی متأثر از مائیسیم چین، یعنی استقرار در یک نقطه امن برای آزادسازی روستاها با یک حرکت توده‌ای دهقانی و نظریات و مبارزات رهبران کمونیست آمریکای لاتین (چگوارا و کاسترو) مبنی بر جنگ و گریز در عین ضربه به حکومت مرکزی برمی‌گردد (رهگذر، ۱۳۹۰: ۲۱-۱۴۰-۱۴۱). لذا با انتخاب شهر آمل به دلیل موقعیت‌های استراتژیکی دفاع طبیعی نزدیکی به پایتخت و شوروی، در کنار وجود ابوهی از مردم دهقان و بهره از ظرفیت جنگل آن را انتخاب کردند و مستقر شدند.

#### ۴. موقعیت و اهمیت جغرافیایی سیاسی آمل

چنانچه پیشتر اشاره داشتیم، بعد از عزل بنی‌صدر و نومییدی چپگرایان با توجه به انزجار از ماهیت اسلامی انقلاب ایران به علت اعتقادات مارکسیستی متأثر از مائو در چین و قیام و مبارزه مسلحانه توده‌ای دهقانی، در کنار ناکامی فعالیت‌های مسلحانه چریکی در تهران به علت اقدامات تامینی، تعداد اندک نیروها و اجرای قانون مالک و مستاجر از سوی کمیته انقلاب اسلامی؛ اتحادیه کمونیست‌های ایران را بر آن داشت که تغییر و انتقال موقعیت مکانی میدان مبارزه را دنبال کنند. فلذا اتحادیه با توجه بدین شرایط و پشتوانه فکری عملی به کمونیست مائوئیسم چین، شمال ایران را «خط استالینگراد» نامید، و با عملیات‌های چریکی در دو استان شمالی گیلان و مازندران (بنا بر تقسیمات جغرافیایی سال ۱۳۶۰) و به شکل خاص شهر آمل، انگاره قیام سراسری توده‌ای دهقانی علیه نظام اسلامی نوپا را دنبال کردند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۶). شمال ایران از جنوب به وسیله سلسله جبال البرز و از شمال به وسیله دریای کاسپین، در ناحیه میان بند با جنگل‌های انبوه و رودخانه‌های پرآب که محل حضور گالش سراها و چوپان منزل‌ها می‌باشد، در کنار جلگه وسیع دشت در ناحیه میانی به یک محیطی ایده‌آل همواره در طول تاریخ به صورت یک سنگرگاه طبیعی و غیرقابل نفوذ مطرح بود. لذا این توانمندی‌های جغرافیایی و محیطی جهت حضور گروهک‌ها، مورد شناسایی قرار گرفت. از این‌رو اتحادیه کمونیست‌های ایران با شناسایی این توانمندی‌ها و با توجه به آموزه‌های کمونیستی مائو و رهبران آمریکای لاتین، به تقلید از مائو که با آغاز یک جنگ چریکی و قرارگیری در محیطی امن و تجهیز توده‌های دهقان، انقلاب چین را به ثمر رساند آنان نیز در میان حضور گسترده خود در شمال، مهمترین اقدام را در سیاهکل و به خصوص آمل انجام دادند. فلذا بنابر آموزه‌های مائو به دنبال انجام عملیات چریکی و محاصره شهرها و مناطق غیرشهری از طریق روستا به وسیله حرکت دهقانی، و نزدیکی آمل به پایتخت و متصل کننده بودن شرق و غرب شمال ایران با این ارزیابی پس از ناکامی در شهرهای بزرگ، جنگل‌های آمل را برای عملیات چریکی و استقرار مناسب یافتند. لذا با این محاسبات گمان می‌کردند که با حمله و تصرف آمل پس از قطع خطوط ارتباطی و حضور اندک و پراکنده نیروهای انقلاب سریعاً می‌توانند بر آن مسلط شوند و با تشکیل یک سلسله زنجیر اتحاد گونه از سوی ملت دهقان منطقه، کل ایران را بسیج کرده و حکومت را ساقط کنند (نوپرواز، ۱۳۸۳: ۱۹). همچنین، در دل جنگل تقریباً هیچ نیروی نظامی، اطلاعاتی و امنیتی وجود نداشت، وجود گالش منزل‌ها برای استقرار و آب و غذا و میوه‌های جنگلی



مشکلات تامین خوراک و سرپناه اسکان موقت به علت وجود خانه‌های بیلاقی و عدم پیگیری اجرای قانون مالک و مستاجر برای برخورد و کنترل، و مشغول بودن عمده تمرکز در دو جبهه دیگر کردستان و دفاع مقدس نیروهای اتحادیه را بیشتر به سوی شمال و مرکزیت قرار دادن فرماندهی در آمل ترغیب کرد (خانی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۹). از این رو به لحاظ تاکتیکی و راهبردی، نهایت بهره را از جنگل جهت استتار و تامین اهداف و نیازهای زیستی گرفتند. از دیگر دلایل انتخاب آمل به عنوان مرکزیت کنش و حضور اتحادیه کمونیست می‌توان به: ۱- وجود درختان تنومند و بلند با شاخ‌وبرگ‌های فراوان و الوان مختلف. ۲- وجود راه‌های مال رو و توپوگرافی کوهستانی (دره‌ها و تپه‌های شبیه به هم که شناسایی را مشکل می‌ساخت). ۳- مرسوم بودن آمدورفت افراد غیر بومی به علت وجود رانندگان و کارگران معدن در کنار جاده بین‌المللی هراز. ۴- تامین آذوقه و خوراک از طریق قریه‌های همجوار. ۵- وجود شریان ارتباطی مهم هراز و نزدیکی به پایتخت. ۶- فراهم بودن میدان مانور جنگ و گریز به علت موقعیت جغرافیایی آمل و داشتن عمق زیاد راهبردی از ساحل تا کوهستان (هاشمی و محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۷). ۷- به علت نداشتن رسانه (راديو)، اتحادیه می‌توانست با حضور در جنگل‌های آمل که مشرف به جاده هراز بود، با اقداماتی مثل بستن مقطعی جاده و یا ایجاد راهبندان و پخش اطلاعیه ظهور و بروز خود را اعلام کند. ۸- اجیر کردن و تهدید نوامیس نیروهای بومی جهت کسب اطلاعات و کمک‌های محلی (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۳۹-۲۵۰). اتحادیه با این جمع‌بندی، باور به عدم شکست و مصونیت به وسیله جنگل را در ذهن خود نهادینه کرده بود در یک اقدام فوری برنامه «جرقه زدن قیام» از آمل و شمال (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بی‌تا: ۳) با هدف ضربه به نظام را اجرا نمود. پس استقرار چپگرایان به‌ویژه اتحادیه کمونیست‌های ایران بدون مطالعه میدانی و بررسی علمی نبود، بلکه با توجه به نکات فوق‌الذکر و اهمیت‌های جغرافیایی، نظامی، شریانی و تاریخی فرهنگی در کنار استعدادهای محیط طبیعی انجام عملیات تهاجمی (آفندی) و دفاعی (پدافندی) (شعبانی، ۱۳۹۴: ۴۴) را توأمان داشت. آنان اولین اقدام خود را در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۰ از ناحیه امامزاده عبدالله آمل اجرا کردند (نوپرواز، ۱۳۸۳: ۵۲) که با شکست و ترک جنگل از سوی تعدادی از شورشیان منجر شد.

### ۵. حضور و دفاع اقشار مردمی در کنار نهادهای انقلابی

اتحادیه کمونیست‌های ایران به‌عنوان نیروهای ضد نظام «جبهه سوم»، با توجه به عزل بنی‌صدر و موفقیت‌های عملیات‌های گوناگون میدانی نیروهای ایران در جبهه‌های جنگ و بیم از انجام عملیات‌های بعدی در کنار رسیدن فصل سرما و از بین رفتن استتار جنگل، برودت هوا و افزایش میزان نزولات آسمانی، مشکلاتی در تامین مایحتاج عمومی (خوراک)، اختلافات داخلی رهبران، افت روحیه اعضا و قرار داشتن در محاصره (نوپرواز، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۷) جنگ روانی علیه اتحادیه، استقرار نیروهای انقلابی بر ارتفاعات کلیدی و کنترل جاده‌های جنگلی و نگرانی از حملات غافل‌گیرانه (هاشمی و محمدعلی، ۱۳۹۰: ۱۹). همگی منجر شد برخلاف زمان از پیش تعیین شده، برنامه عملیات را جلو انداخته و از فروردین ۱۳۶۱ به ۶ بهمن ۱۳۶۰ تغییر دهند (آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ۸۲۹۵) و با انگاره‌های خیالی آموزه کمونیست متأثر از مائو گمان می‌کردند، این اقدام تعجیلی در اعلام قیام فوری با همراهی مردم آمل و سپس توده دهقان شمال و تشکیل یک سلسله زنجیر، کل کشور را فرا گیرد که نشان از محاسبات غلط آنان و تحلیل ضعیف مبتنی بر نگاه مادی‌گرایانه اتحادیه کمونیست و ارتزاق از شالوده‌های اومانستی دارد. همانند وعده‌ای که در قرآن کریم درباره قوم یهود در سوره حشر آمده است: «از جایی که خیال نمی‌کردند، خدای متعال به این‌ها ضربه را وارد کرد» (حشر، آیه ۲) که نشان از غلط شدن محاسبات دشمن در برابر جبهه حق به‌عنوان وعده الهی دارد. بنابر همین اشتباه محاسباتی اتحادیه کمونیست، اعضای اتحادیه در روز پنجم بهمن از مسیر هراز قصد عزیمت و حمله به آمل را جهت تسخیر سه نهاد مهم بسیج، فرمانداری و سپاه کردند. برای رعایت اصل غافلگیری و فریب نیروهای امنیتی و بسیج مردمی، با اجرای طرح و استراتژی پوشانیدن لباس نظامی بر نیروهای خود، سعی در نفوذ راحت و سریع به شهر و مراکز حساس و جلب همکاری مردم را نمودند که این شیوه مبارزاتی مطابق با ترفندهای چریک‌های یونان و رم باستان موسوم به طرح عملیات «اسب تروا» (خسروشاهی، ۱۳۹۸: ۶۹) می‌باشد. همین اشتباه دستگاه محاسباتی دشمن بناب بر آموزه‌های کمونیستی مائو و شروع قیام دهقانی از روستاها و مناطق غیرشهری برای سرنگونی رژیم، در کنار فشارهای وارده محیطی ذکر شده، اقدام تعجیلی برای اعلام قیام فوری دهقانی اتحادیه کمونیست‌های ایران علیه نظام به واکنش فوری مردمی در تقابل با آنان مبدل شد. خود سنت الهی را یادآوری می‌کند: «آنان مکر کردند و خدا هم مکر کرد و خداوند بهترین مکرکنندگان است.» (آل

عمران، ۵۴). البته اولین درگیری ناکام آنها در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ جهت برنامه و سیاست دکترین اعلام موجودیت نیز در چهارچوب همان اشتباه دستگاه محاسباتی منجر به یک شوک آماده‌باش به نیروهای انقلابی، بسیج مردمی و طوفان فکری میان مردم انقلابی و مومن آمل و شمال گردید. زمین پس نوعی صافبندی و افزایش هوشیاری مردم و مشارکت آنان در تامین امنیت و گشت‌های اطلاعاتی و عملیاتی را در کنار نیروهای نظامی (سپاه، بسیج، کمیته انقلاب اسلامی و ژاندارمری) به همراه داشت. درواقع اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران با توجه به اوضاع و نوظا بودن انقلاب و عدم شکل‌گیری یا شکل‌گیری ناقص ارکان‌های نظامی، امنیتی و نظارتی و وجود دو نقطه بحران فرسای دیگر (دفاع مقدس و کردستان) و باور به عدم همراهی مردم با نظام به علت وجود اقتناق خیالی در نزد دستگاه ادراکی‌شان، همگی از سطحی بودن تحلیل آن‌ها مبتنی بر نگاه ماتریالیستی بی‌دینی سرچشمه می‌گیرد. در کنار عدم توجه به سابقه دینی، عقیدتی و ایدئولوژیکی مردم شمال و به‌خصوص شهر آمل به‌عنوان «پایتخت اولین حکومت شیعی جهان» به رهبری حسن بن زید (داعی کبیر) از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) در سال ۲۵۰ هجری (دانشنامه جهان اسلام، [www.rch.ac.ir](http://www.rch.ac.ir)) و مامن گاهی امن برای بزرگان دین اسلام (سادات شیعی) آنان را به مسلخ و ورطه نابودی توسط یک واکنش تقابلی کاملاً مردمی کشاند. همین مهم بود که امام خمینی (ره) فرمودند: «من از شهرستان آمل و مردم فداکار آن تشکر می‌کنم. دیدید مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند.» (پایگاه خبری تحلیلی شلمچه، ۱۳۹۸: [www.raheshalamche.com](http://www.raheshalamche.com)). مجموعه نیروهای نظامی امنیتی که در آن برهه از زمان با توجه به درگیری در جبهه‌های دیگر و مشکلات در نفرت و تجهیزات، با همکاری و همراهی مردم در یک «امنیت درونزای مردم پایه» توانستند بر این بحران فائق آیند. چون با مطالعه دقیقی که اتحادیه کمونیست‌ها برای شروع و انتقال میدان مبارزه و قیام به جنگل‌های آمل کرد، مبارزه با آنان نیز مستلزم شناخت از جنگل و مانوس بودن با شرایط آن (آب و هوا، توپوگرافی، اقلیم و پوشش) می‌باشد.

۶. عظمت حادثه ششم بهمن مردم آمل در کلام امام خمینی (ره)، رهبر

### انقلاب و بزرگان

مردم آمل از سابقه مبارزاتی طولانی در دفاع از ارزش‌ها در طول تاریخ، از صدر اسلام و هجوم‌هایی که به ناحیه طبرستان گردید و تشکیل اولین حکومت شیعی به پایتختی

آمل و وجود قوم مرعشیان تا سوابق پرننگ مبارزاتی علیه رژیم شاه و پشتیبانی از نهضت امام رحمت‌الله برخوردار بودند. با این حال، حرکت مردمی و جوشش مردم پایه حماسه ششم بهمن به قدری درخشان بود که در وصیت‌نامه الهی سیاسی امام راحل و سخن بزرگان جای گرفت.

۱. امام خمینی (ره): «تمام آمل و آرزوهایشان شمال بود و معتقد بودند که شمال صد درصد با جمهوری اسلامی مخالفند. از طرف دیگر تمام نیروهایشان را از همه‌جا جمع کردند و به شهر آمل وحشیانه و غافل‌گیرانه حمله کردند، به امید آن که مردم هم با آن‌ها هستند، پس آمل را می‌شود فتح کرد و از آن جا شهرهای دیگر، ولی متوجه شدید که چه شد. مردم چونان با آنان به مبارزه پرداختند و توی دهن آنان زدند که نتوانستند حتی چند ساعت مقاومت کنند... دیدید مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند، حال شما قم و تهران چگونه می‌خواهید بیاید.» (صحیفه امام خمینی رحمت‌الله، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۳). بیان عظمت حرکت مردم آمل برای حضرت امام چنان اهمیت داشت که در وصیت‌نامه الهی سیاسی خویش نیز اشاره داشتند: «شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می‌دهید، مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگری آنان جان می‌سپارند، شما که مدعی طرفداری از خلق هستید برای خلق محروم در هر کجا که دستتان می‌رسیده چه جنایتی انجام دادید با اهالی شریف آمل چه جنایت‌ها که نکردید (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۱).

۲. مقام معظم رهبری در سخنانی، در خصوص وجه تسمیه عنوان هزارسنگر فرمودند: «این سنگرها، سنگرهای درون خیابان نیست. این سنگر دل‌هاست. هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است.» رهبر انقلاب درباره اهمیت زنده نگه‌داشتن این حماسه فرمودند: «قضیه ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیت‌نامه تاریخی خود هم مندرج کردند، یعنی فراموش نشود. حالا چرا فراموش نشود؟ برای اینکه حوادث تاریخی هم درس است، هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت در برهه‌های مختلف غالباً تکرار می‌شود... راه جمهوری اسلامی عوض نشده و دشمنان آن نیز عوض نشده‌اند. پس آنچه اتفاق افتاد برای امروز و آینده باید عبرت و درس باشد.» (پایگاه خبری جماران، ۱۳۹۹، کد خبر: ۱۴۹۳۳۸۴).

۳. مرحوم علامه حسن‌زاده آملی رحمت‌الله علیه، در پیام ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ خود به جهت تجلیل از حماسه مردم آمل فرمودند: «آفرین بر شمایمی که با سلاح ایمان در مقابل آنان قیام کردید، چنانکه به آنان مهلت ندادید که در دارالمومنین آمل نفسی تازه کنند. عده‌ای از آنان را به کیفرشان رسانده و عده‌ای را دستگیر و خلع سلاح

کردید، شما بی‌سلاح و آنان مسلح، شما در پناه خدای عزوجل و آنان در پناه جنگل.» (هراز نیوز، ۱۳۹۲، کد خبر: ۹۸۲۸۷).

۴. حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز در خصوص نقش مردم و حماسه ۶ بهمن اشاره داشتند: «پدران و مادران ما هزار سال است که یا علی یا حسین یا حسین گفتند در منطقه ما. ما با دیگران خیلی فرق داریم. شما قدم به قدم ببینید هر منطقه‌ای بالاخره یک امامزاده دارد، همان عرق تشیع و ولایت‌مداری در روز خطر به داد این مملکت رسید. جریان حمله جنگل گرچه شبیه برخی از نهضت‌هاست که بیش از ۱۰ الی ۱۲ ساعت طول نکشید؛ لکن از نظر زمینه، دراز دامن است (هراز نیوز، ۱۳۹۲، کد خبر: ۹۸ ۱۲۹۰). آنچه به‌عنوان دال مشترک در همه این پیام‌ها موجود است کلمه مردم می‌باشد، که اتحادیه کمونیست‌های ایران به طور خاص و جریان چپ‌گرا را به شکل عام در آمل دچار بن‌بست در راهبردها و تاکتیک‌ها بنابر تحلیل‌های غلط و نادیده گرفتن مردم به‌عنوان یکی از بنیان‌های اساسی نظام کرد.

#### ۷. ابعاد و اثرات حضور مردم در واقعه ۶ بهمن آمل

حماسه غرورآفرین دفاع مردمی آمل در واقعه ششم بهمن به قدری عظیم بود که امام راحل رحمت الله علیه در وصیت‌نامه الهی سیاسی خویش از آن به‌عنوان یک موهبت و به نیکی یاد کردند. این حماسه اگرچه از سوی مردم ولایت‌مدار استان مازندران و به خصوص شهر علامه پرور و مردم ولایی آمل شکل گرفت، اما برگی زرین بر تارک انقلاب اسلامی و سند وفاداری ملت به آرمان‌های خویش در تاریخ ثبت گردید و اثراتی را به همراه داشت:

۱. خط بطلان کشیدن بر مدعای چپ‌گرایان مبنی بر فاصله گرفتن توده مردم و مخالفت دهقان‌ها با انقلاب اسلامی و خط امام (حماسه آمل حرکتی عملی مبنی بر غلط بودن انگاره‌ها و دستگاه محاسباتی الحادی کمونیست مبنی بر وجود و ایجاد فاصله امت با امام و انقلاب).

۲. برملا شدن بن‌مایه و واقعیت گروه‌های چپ‌گرا به‌خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران و شکست تابوی شعار اعلامی‌شان مبنی بر آزادی خلق ستم کشیده و توده محروم، برای آحاد جامعه با اجرای برنامه‌های دیکته شده نفع‌رسان به غرب (آمریکا) به خصوص با طرفداری از قائله جدایی طلب (کردستان، سیستان و بلوچستان و غیره) و حمله به ایران یکپارچه واحد (شناسایی به‌عنوان کمونیست‌های آمریکایی).

۳. پایان زیست سیاسی و اجتماعی چپ‌گرایان به‌خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران در فضای اجتماعی سیاسی داخل کشور بعد از ششم بهمن آمل.
۴. تبدیل شدن ششم بهمن آمل و حضور مردمی برای دفاع و مراقبت از حوزه امنیت عمومی اجتماعی به‌عنوان الگو و سمبولی جهت خنثی‌سازی توطئه‌ها (بهره‌گیری از ظرفیت مردمی در حل معضلات اجتماعی).
۵. روشن‌سازی ضمیرهای درگیر در فضای مسموم تبلیغ پروپاگاندای آموزه‌های چپ و رفع فضای فتنه‌گون عقیدتی و اندیشه (حماسه ششم بهمن آمل، حرکتی بصیرت‌افزا).
۶. شکست راهبرد جبهه سوم چپ‌گرایان مارکسیست لنینیست و تمرکز قوای نظامی امنیتی در جبهه اول و دوم.
۷. انتقال پیام پشتیبانی مردمی از نظام نوپای انقلاب اسلامی بعد از کلان‌حوادث رخ داده سال ۱۳۶۰ و مخایره امید و نگاه به آینده‌های روشن به معاندین و معارضان (افزایش و تقویت مشروعیت ثانویه نظام و تقویت رابطه حکومت مردم).
۸. پیروزی قدرت معنویت و نفوذ ایمانی بر مبانی معرفتی اومانیستی و خداناباوری.
۹. به‌ظهور رسیدن اوج دفاع همه‌جانبه و عملی مردم از جمهوریت و اسلامیت نظام به‌عنوان الگوی بدیل حکمرانی و حمایت عینی در حکمرانی و امنیت داخلی و تحقق شعار نه شرقی و نه غربی در برابر دو بلوک جهانی (حماسه ششم بهمن مردم آمل چون طلوع خورشیدی در فضای غبارآلود، برای درهم چیدن اندیشه مدل حکمرانی کمونیستی و سکولاریستی در ایران).

#### ۸. پیشنهادات

به علت هجوم بی‌وقفه معاندان و بدخواهان به انقلاب، مردم ایران زمین و ضربه به امنیت روانی و اجتماعی، شاهد تهاجم بی‌وقفه در غالب جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و شیخون فرهنگی (بیانات مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)) که از سوی بلوک غرب برای استحاله و تحریف واقعیات و تجربیات درس‌آموز تاریخی در بینش و رفتار مردم، نخبگان و بعضاً مدیران و دولتمردان اتخاذ می‌شود و به‌مراتب خطر فزون‌تری از تهاجم نظامی دارد. همان چیزی که امام خمینی (ره) به‌درستی این میدان نبرد ادراکی شناختی را شناسایی کرد و انذار دادند: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم؛ آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است، استقلال و موجودیت هر

جامعه‌ای از استقلال فرهنگ نشئت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی و تغذیه وابسته، استقلال و آزادی در ابعاد دیگر با یکی از آن‌ها امکان‌پذیر باشد.» (صحیفه امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۲۵۲). فلذا بر اساس این تجارب ارزنده تاریخی و تلاش دشمن در جنگ هیبریدی و شناختی بر ذهن‌ها، افکار و دستگاه محاسباتی جامعه، لازم است تا اقداماتی برای شناساندن وقایع مهم زرین تاریخی همچون ششم بهمن آمل که امام خمینی (ره) در وصیتنامه خویش از آن به‌عنوان صف‌آرایی مردم مومن آمل در برابر دشمنان قسم‌خورده خدا به نیکی یاد کردند، داشته باشیم. نیاز است اقداماتی را برای شناساندن نقش مردم در دفاع از امنیت، حاکمیت و اسلامیت را در بزرگ واقعه ۶ بهمن آمل، جهت فراموش نشدن در صفحات تاریخ انجام دهیم شامل:

۱. ساخت فیلم سینمایی و سریال‌های ارزنده و فاخر با فیلمنامه‌های جذاب، قوی و پر محتوا در باب معرفی و نمایش حضور مردم در امداد رسانی و دفاع از ارزش‌ها در واقعه ۶ بهمن آمل.

۲. ایجاد سازوکاری در مدارس جهت اجرای نمایش و تئاتر با موضوع معرفی و شناساندن حماسه ششم بهمن آمل با مشارکت نسل جوان و نوجوان به هم نسل‌های خویش (بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت نسل جوان برای شناساندن وقایع ششم بهمن آمل).

۳. ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و بررسی در باب چگونگی و ریشه‌یابی علل شکل‌گیری واقعه ششم بهمن آمل (بحث و گفت‌وگو آزاد).

۴. ساخت انیمیشن و پویانمایی با قابلیت‌ها و جذابیت‌های صحنه‌سازی و بصری برای جذب و نمایش به کودکان و نونهالان جهت آشنایی با روند تکامل تاریخی و وقایع مهم انقلاب.

۵. ساخت و تولید پادکست‌های کوتاه از خاطرات فرماندهان و رزمندگان حاضر در واقعه جنگ آمل و ارائه به جامعه هدف (بهره از ظرفیت فضای مجازی در نشر).

۶. ایجاد سازوکاری جهت آشنایی نسل جوان به‌خصوص دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰ در قالب گردش‌های مناسبی به نواحی درگیر در حادثه آمل و روایت راویان حاضر در حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ با هدف آشنایی و مدد گرفتن از اثرگذاری محیطی جهت نهادینه کردن و معرفی عظمت و اهمیت این حادثه.

۷. ساخت و پخش مستندهای تاریخی مرتبط با این واقعه با بهره‌گیری از هنر و علم تولیدات تلویزیونی جهت جذاب نمودن و جذب مخاطب.

۸. تدریس ابعاد واقعه‌ی ششم بهمن آمل در نظام آموزش عالی و مقدماتی (حداقل به شکل بومی منطقه‌ای)، اما خارج از چارچوب کلاسیک تدریس و توجه به تدریس گفتگو محور و تولید آثار پژوهشی جمعی.

۹. آگاه‌سازی مردم درباره تاثیر نرم‌ها و هنجارهای معرفتی، تاریخی و اجدادی در مدیریت بزنگاه‌های مهم تاریخی، امور امنیتی همچون ششم بهمن آمل و رفع معضلات با کمک مردم (پیشینه علوی شیعی و فرهنگ همبستگی دفاع مردمی و مدد‌رسانی جمعی دیار علویان و آمل) و الگوسازی این مشارکت مردمی (با تاکید بر واقعه ششم بهمن آمل) جهت رفع ناملایمات و مشکلات اجتماعی اقتصادی با تشکیل اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌های علمی (الگوسازی حضور مردم آمل در واقعه ششم بهمن جهت رفع مشکلات و معضلات ملی با هدف آگاه‌سازی مردم جهت حضور در میدان، برای مشکلات امروزی جامعه به شکل جمعی).

### نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمت الله علیه با پشتیبانی آحاد جامعه مسلمان و مومن ایران در سال ۱۳۵۷، به‌عنوان مهم‌ترین رخداد قرن؛ گروه‌ها و احزاب که ناشی از فضای انقلابی حاکم و بستر بازی که فراهم گردیده بود شروع به سهم‌خواهی از نظام کردند. یکی از آن‌ها چپگرایان و به شکل ویژه اتحادیه کمونیست ایران با آموزه‌های مارکسیست لنینیست متاثر از مائوئیسم چین بود. آنان علی‌رغم اختلافات بنی‌انی عقیدتی با خط امام، اما به علت اینکه برخی از شعارها و اهداف اعلامی امام با بعضی از اهدافشان هم‌پوشانی داشت، همچون مبارزه با امپریالیسم و تسخیر لانه جاسوسی، همراهی کردند. ولی پس از عزل بنی‌صدر به امید سرنگونی نظام اسلامی، با اعلام به مبارزه مسلحانه منافقین و گروه رجوی همراهی کرده و پروژه «قیام فوری توده‌ای دهقانی» بنابر مشی و آموزه‌های کمونیستی مائو، که می‌دانگاه مبارزه را از روستا و مناطق غیرشهری با تجهیز توده دهقان می‌دانستند آغاز کردند. از این‌رو با شعارهای اعلامی مقابله با انحراف و آگاه‌سازی مردم و دعوت به قیام فوری، با شناسایی شمال ایران به علت داشتن جنگل‌های انبوه، جمعیت وسیع دهقانی، نزدیکی با شوروی، تهیه آسان آذوقه، استفاده از توپوگرافی دفاعی منطقه و رهایی از طرح‌های شناسایی و ضد چریکی نظام مانند: قانون مالک و مستاجر گشت ثارالله و غیره آمل را جهت استقرار انتخاب نمودند. کمونیست‌ها در محاسبات خود مبنی بر همان جاذبه‌های کاذب آموزه‌های غیر خدایی و اومانستی الحادی، بنابر وعده



الهی دچار خطا در دستگاه محاسباتی گردیدند که آن، غفلت از بصیرت علوی شیعی و اسلامی مردم طبرستان و آمل بود که «قیام فوری» دهقانی اتحادیه کمونیست‌ها علیه نظام به «واکنش فوری» مردم در تقابل با آنان به‌عنوان یک الگو و ستاره درخشان در سینه مردم ایران به خصوص مردم دلیر و ولایتمدار آمل تبدیل شد. با حضور مردم در کنار نیروهای نظامی امنیتی نه تنها به اهداف خود مبنی بر ایجاد جدایی و فاصله میان امت و امام نرسیدند، بلکه پیوند میان جامعه و دستگاه حکمرانی در حماسه ششم بهمن آمل، پیام پیروزی قدرت معنویت بر خداناباوری و تحقق عملی شعار نه شرقی و نه غربی به‌عنوان الگوی بدیل حکمرانی مردمی اسلامی را به جهان مخابره کرد و باعث افزایش مشروعیت ثانویه نظام در کنار تقویت رابطه مردم و حکومت گردید. همچنین حضور مردم آمل به زیست سیاسی اجتماعی چپ‌گرایان پایان داد و منجر به تمرکز قوا در جبهه اول و دوم شد. فلذا حماسه ششم بهمن مردم عزتمند آمل، همچون طلوع خورشیدی در فضای غبارآلود برای روشن‌سازی ضمیرهای دچار تردید شده در تبلیغات مسموم پروپاگاندای چپ گردید. همچنین برملا شدن و شکست تابوی واهی چپ‌گرایان مبنی بر آزادی خلق از استثمار که امام خمینی (ره) به‌درستی آنان را کمونیست‌های آمریکایی خواند گردید. جمیع موارد درباب عظمت حادثه ششم بهمن آمل که در پیام بزرگان و امامین انقلاب بر آن تاکید داشتند، نمود آن بر حول و محور دال مرکزی «مردم» و الگو گشتن این حماسه برای تمام تاریخ مبنی بر فائق آمدن بر مشکلات با حضور موثر مردم در تمام عرصه‌ها شد.

## فهرست منابع

-قرآن کریم.

-امام خمینی رحمت الله، سید روح الله (۱۳۵۸). سخنرانی در جمع اعضای جهاد سازندگی قم (توطئه گروه‌های چپ)، صحیفه امام خمینی رحمت الله، جلد ۹، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

-امام موسوی خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام رحمت الله، جلد ۱۲، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

-امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام رحمت الله، جلد ۱۶، نشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

-امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی رحمت الله، قابل دسترسی در پایگاه:

[www.khamenei.ir/ndata/news/9447680315.pdf](http://www.khamenei.ir/ndata/news/9447680315.pdf)

-امام موسوی خامنه‌ای، سید علی (بی تا). مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در خصوص: ناتوی فرهنگی، تهاجم فرهنگی و شبیه خون فرهنگی، دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت:

[http://Farsi.khamenei.ir/search\\_result?q=99101249116](http://Farsi.khamenei.ir/search_result?q=99101249116).

-اشمیت، ژوئل (۱۹۸۳). فرهنگ اساطیر یونان و رم، مترجم شهلا برادران خسروشاهی، سال ۱۳۹۸، انتشارات: فرهنگ معاصر.

-پورتال امام خمینی (ره) (۱۳۹۱). رئیس جمهوری با تنها یک رای؛ بازخوانی رای مجلس برای عدم کفایت سیاسی بنی صدر، تاریخ مطلب: ۳۱/۰۳/۱۳۹۱، کد خبر: ۳۰۴۵۶.

<http://www.imam-khomeini.ir/fa/k1/n2542>.

-پورغلامی، محمد (۱۳۹۳). روند شناسی ترورهای پس از انقلاب اسلامی؛ «ترور» برای مهار انقلاب، قابل دسترسی در سایت:

<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=26774>.

-پیام انقلاب (۱۳۶۰). مواردی که باعث عدم کفایت بنی صدر شد، ش ۲۰، ۳۶، تیر ۱۳۶۰، ۱۸.

-پایگاه خبری راه شلمچه (۱۳۹۸). بیانات امام خمینی (ره) در خصوص واقعه ششم بهمن بهمن آمل «دیدید مردم دلیر آمل چه به روزتان آوردند؟»، تارنمای خبر قابل دسترسی در پایگاه:

<http://www.raheshalamche.com>

-جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). جنگ و جنگل؛ ستاد برگزاری یادواره شهدای جنگل شمال، آمل.

-جماران نیوز (۱۳۹۹). حماسه مردم فداکار آمل، یادداشتی از عزت الله کاظمی فتیده، کد خبر: ۱۴۹۳۳۸۴.

[www.jamaran.news/search?id=1493384](http://www.jamaran.news/search?id=1493384).

-خانی، مهدی (۱۳۹۲). جبهه سوم: مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)، ناشر: معاونت روابط عمومی سپاه پاسداران (انقلاب اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره روابط عمومی و انتشارات).

- خبرگزاری دانشجوایان ایران «ایسنا» (۱۳۹۹). بازخوانی نقش اتحادیه کمونیست‌های ایران در قائله آمل ۱۳۶۰، کد خبر: ۹۹۱۱۰۵۰۳۴۴۷.

[www.isna.ir/news/99110503447](http://www.isna.ir/news/99110503447).

-دانشنامه جهان اسلام (بی تا). حسن بن زید بن محمد ملقب به دایی کبیر «بنیانگذار سلسله علویان طبرستان در سده سوم، از سادات حسنی» تارنمای خبر قابل دسترسی در پایگاه:

<http://rch.ac.ir/article/Details/12141>.

-رهگذر، سیمین (۱۳۹۰). شهر هزار سنگر آمل: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل، نشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

-روزنامه اطلاعات (۱۳۶۱). ۹ بهمن، شماره: ۱۶۹۲۹.

-شعبانی، ناصر (۱۳۹۴). مقاومت مردمی در حماسه مردم آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

-صادقی سنگدهی، سید محمد؛ ملکی، عبدالله؛ گرزین متاعی، ناصر؛ یونسی کوتنایی، نورالله؛ اکبری شلدره، فریدون و صحرایی رستمی، جواد (۱۳۹۳). چشم بیدار جنگل: چهارمین جشنواره خاطره نویسی دفاع مقدس با موضوع خاطرات رزمندگان مازندران در مقابله با عناصر ضد انقلاب جنگل (از پیروزی انقلاب تا آبان ۱۳۶۳)، به سفارش اداره کل حفظ آثار و نشر آثار و ارزش های دفاع مقدس مازندران، نشر: فاتحان، چاپ اول.

-کردی، علی (۱۳۸۶). اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

-محمدی‌فر، مهدی (۱۳۷۶). پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اطلاعات استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین.

-موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (بی تا). حماسه ۶ بهمن و نقش حماسه سازان آمل، لینک:

[www.parsi.ir/?id=q9icukzann](http://www.parsi.ir/?id=q9icukzann).

-نوپرواز، پرنده (۱۳۸۳). حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست مائوئیست)، کلن آلمان.

-هاشمی، سید محمد و محمدعلی، علی اصغر (۱۳۹۰). شمشادهای رشید (یادنامه شهید/ی ششم بهمن آمل)، نشر: شاهد.

-هراز نیوز (۱۳۹۲). سخنان حضرت علامه حسن زاده آملی در رابطه با حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰، کد خبر ۹۸۲۸۷.

[www.haraznews.ir/98287](http://www.haraznews.ir/98287).

-هراز نیوز (۱۳۹۲). سخنان آیت الله جوادی آملی (حفظهم الله) در مورد حماسه ۶ بهمن، کد خبر: ۹۸۲۹۰.

[www.haraznews.ir/98290](http://www.haraznews.ir/98290).

## ماهیت‌شناسی واقعه تاریخی ششم بهمن شهر آمل

جواد حفقو<sup>۱</sup>

### چکیده

پدیده‌های اجتماعی پس از وقوع عمدتاً با خوانش‌ها و تفسیرهای متفاوتی رو به رو می‌شوند. غیر از وجود این اختلاف‌ها در سطح چرایی و چگونگی، واقعیت آن است که در سطحی کلان-تر حتی درباره چستی برخی از رویدادهای اجتماعی هم اختلاف‌نظر به وجود می‌آید. واقعه رُخ‌داده در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ در شهر آمل را باید یکی از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب به شمار آورد که از قضا دقیقاً در سطح «چستی» با توصیف‌های مختلفی روایت شده است. این رخداد از همان آغاز به صورت‌های مختلفی روایت شد. نگاه غالب که عمدتاً توسط جمهوری اسلامی طرفداری شده این رخداد را یک حماسه مردمی می‌داند. در سوی دیگر اما مخالفین که طیف متنوعی از جریان‌های سیاسی مارکسیست، سلطنت-طلب، لیبرال و... را شامل می‌شود، بر این نظرند که این رویداد قیامی ملی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این پژوهش تلاش شده تا با بهره‌مندی از آموزه‌های هرمنوتیک (در کلیت آن) با تبیین دقیق دو واژه «حماسه» و «قیام» و در ادامه تطبیق این واژه‌ها به زمینه‌ها و متن رویداد به راستی‌آزمایی هر کدام از این نگرش‌ها بپردازیم. نظر به اینکه عمده پژوهش‌های موجود درباره متن رویداد با عینکی سیاسی صورت پذیرفته عمده تمرکز این پژوهش بر زمینه‌های رویداد مذکور است. به رغم سابقه فعالیت چپ‌ها در شمال ایران تدقیق در زمینه‌های رویداد روایت قیام‌گونه این رخداد را رد می‌کند. در سوی دیگر روایت حماسه‌گونه این حرکت به دلایل مختلف از اعتبار و روایی بیشتری برخوردار است. بر اساس یافته‌های پژوهش از متن رخداد که طبیعتاً دستخوش روایت‌های متکثر رسمی و غیررسمی شده، موضوعاتی چون «جایگاه نامساعد حرکت‌های چپ در میان مردم مازندران و آمل در آن بازه زمانی»، «درگیری تمام‌عیار کشور در جنگ تحمیلی»، «جایگاه مطلوب امام به عنوان رهبر جمهوری اسلامی در میان مردم استان مازندران و شهر آمل»، در زمینه رُخداد یاد شده امکان صحت روایت حماسه‌گونه از این رویداد را تقویت می‌کند.

### کلمات کلیدی:

ماهیت‌شناسی، واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل، انقلاب اسلامی، حماسه، قیام، هرمنوتیک

---

<sup>۱</sup>دانشیار گروه انقلاب و اندیشه سیاسی دانشگاه تهران jhaghgoo@ut.ac.i

## ۱. مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ خورشیدی به‌مانند تمام انقلاب‌های بزرگ عصر مدرن پیامدهای قابل توجهی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. البته باید توجه بشود که ادراک برخی از این پیامدها منفرداً در یکی از این سه سطح قابل حصول نیست. واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل را باید دقیقاً یکی از مصادیق این موضوع به شمار آورد. رُخدادی که مصداق بارز رویدادی سه‌سطحی بوده است. اگرچه این رویداد در جغرافیای ایران و در استان مازندران و شهر آمل به وقوع پیوست منتها به جهات مختلف و به ویژه از منظر سیاسی-ایدئولوژیک واقعه ششم بهمن آمل در سال ۱۳۶۰ دو بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی را هم با خود به همراه داشته است. البته ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ بسیاری از رویدادها غیر از سطح داخلی تحت تاثیر منازعات دو ابرقدرت و نیز قدرت‌های منطقه‌ای هم قرار می‌گرفتند.

از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ که بگذریم، واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران باعث شد بسیاری از پیامدهای برخاسته از انقلاب اسلامی با رنگ و بویی متفاوت رُخنمایی کند. چند ماه بعد از استعفای دولت موقت و پس از برگزاری رفراندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی در یازدهم و دوازدهم آذر ۱۳۵۸، بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد. سیاستمداری که به‌رغم برخی تفاوت‌ها با نیروهای چپ با این حال مورد حمایت مجاهدین خلق قرار گرفت. پس از عزل بنی‌صدر و اتفاقات خرداد سال ۱۳۶۰ فضای داخلی کشور وارد یک شرایط متفاوت و جدید شد. پس از این واقعه بود که اتحادیه کمونیست‌های ایران و مجاهدین خلق اعلام مبارزه مسلحانه علیه نظام به‌عنوان «جبهه سوم» کردند. رویدادی که همزمان با شرایط جنگی کشور و تجاوز عراق رنگ و بوی خاصی پیدا کرد و با تمرکز بر اختلافات و فتنه‌انگیزی‌های داخلی حرکت‌های گریز از مرکز زیادی را در نقاط مختلف کشور چند قومی و متکثر ایران ایجاد نمود. در همین راستا بود که شمال ایران و شهر آمل برای شروع قیام مسلحانه انتخاب شد و کارگردانان این حرکت با در نظر گرفتن عناصر مختلفی چون «احتمال بالای جذب کمک شوروی به عنوان همسایه شمالی ایران»، «نزدیک بودن این منطقه به پایتخت ایران و احتمال بالای تسری این حرکت به دیگر مناطق و ملت‌ه‌ب نمودن پایتخت»، «احتمال زیاد پشتیبانی مردم دهقان این مناطق از حرکت چپ‌ها» و نیز «استعداد عامل ژئوپلیتیک منطقه و وجود دره‌هایی با شیب تند که از جنگل‌های انبوه و

رودخانه پر آب هراز به‌عنوان دژی محکم جهت استتار و مقابله با نیروهای نظامی استفاده کنند»، این منطقه را برای آغاز حرکت مسلحانه خود انتخاب کردند. حرکتی که اخبار آن برای چند روز به تیتراژ روزنامه‌ها و رسانه‌های ایران و حتی جهان تبدیل شد و پس از پایان نیز درباره چپستی این رخداد روایت‌های مختلفی مطرح شد.

از همان آغاز این حرکت مسلحانه و نیز پس از اتمام آن طرف‌های درگیر روایت‌های خاص خود و بعضاً متعارضی درباره کلیت این رویداد مطرح نموده‌اند. برخی با روایتی حماسه‌گونه کلیت این رویداد را اتفاقی در تداوم انقلاب اسلامی و پالایش عناصر ضدانقلاب توسط مردم دانسته و با اشاره به اهداف و نیات ضدانقلابی چپ‌ها بر این نظرند که مردم منطقه در اقدامی حماسی در برابر این رحمت غیرمردمی ایستادند و نهایتاً بساط آن را هم برچیدند. در سوی دیگر اما روایت چپ‌ها و برخی دیگر از نیروهای اپوزوسیون جمهوری اسلامی با روایتی قیام‌گونه از کلیت این رویداد از ابتدا تا به انتها برآنند که این حرکت از آغاز تا به پایان قیامی مردمی بوده که توسط کلیت مردم آن منطقه و در راستای مبارزه با نظام سیاسی حاکم شکل گرفته و اساساً نمی‌توان آن را به یک جریان و نیروی خاص سیاسی فعال در فضای سیاسی آن روز جامعه ایران تقلیل داد. بر اساس همین روایت‌های متکثر متعارض هرکدام از طرف‌های درگیر در این منازعه محتوای خود را بر مبنای «حماسه» و «قیام» شکل داده‌اند. بر همین مبنا سؤال اصلی این پژوهش ناظر بر چپستی واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل متمرکز شده است:

**سؤال اصلی:** با توجه به روایت‌های متکثر صورت‌پذیرفته درباره نسبت وقایع بهمن سال ۱۳۶۰ آمل با نظام جمهوری اسلامی ایران، ماهیت این رویداد چه نوع حرکتی بوده است؟

نظر به اهمیت بررسی عالمانه رویدادهای تاریخی و فهم دقیق چپستی این رویدادها در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌مندی از آموزه‌های هرمنوتیک به فهم دقیق چپستی این رویداد پرداخته شود. نظر به اینکه ادراک هدف، قصد و نیت واقعی مردم از مشارکت در این رویداد در فهم چپستی این رویداد بسیار کارگشا است در این مقاله تلاش شده تا با تمرکز بر روی متن و به طور خاص زمینه‌های وقوع این رویداد به فهم بیناذهنی در اجتماع مردم آمل در آن بازه زمانی نزدیک شده و نهایتاً هویت این رویداد را به عنوان حرکتی ضد جمهوری اسلامی یا حرکتی همراه با جمهوری اسلامی ادراک نماییم. بدین منظور مدعای اولیه پژوهش بدین قرار است:

**مدعای اولیه:** بررسی متن و زمینه رویدادهای سال ۱۳۶۰ آمل عموماً و رُخدادهای پنجم و ششم بهمن همان سال این شهر حکایت از آن دارد که ماهیت این حرکت را باید اقدامی مردمی و در تداوم حرکت انقلابی مردم ایران به شمار آورد که توسط نیروهای دولتی و مردمی داوطلب و با هدف تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران به سرانجام رسید.

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی این بحث حکایت از آن دارد که منابع چندان متنوع و زیادی درباره این رویداد به رشته تحریر درنیامده است. با این حال برخی منابع به این موضوع پرداخته‌اند. البته واقعیت آن است که با توجه به زاویه دید کاملاً متفاوت حاکم بر این آثار باید هر دو نگاه اصلی درباره چیستی این رویداد مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه تلاش شده تا از همین منظر برخی از آثار پژوهشی موجود مورد بررسی قرار گیرد.

کتاب ۲۱۸ صفحه‌ای «اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل» تدوین علی کردی (۱۳۸۶)، یکی از این منابع است. این کتاب در چهار بخش نگاشته شده است. بخش اول کتاب که در سه فصل تنظیم شده وضعیت اتحادیه کمونیست‌ها از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی را واکاویده است. تمرکز بر روی خط مشی چریکی و نیز نشریات اتحادیه از جمله مباحث مطرح‌شده در این بخش از کتاب است. بخش دوم کتاب به دوران بعد از انقلاب اسلامی و فعالیت‌های اتحادیه کمونیست‌ها در این مقطع زمانی پرداخته است. بررسی شورای اول تا چهارم و نیز استقرار در جنگل و تسخیر شهر آمل در واقعه ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ و نیز بررسی ارتباط این اتحادیه با کشورهای خارجی از جمله موضوعات بررسی شده در این بخش از کتاب است. بخش سوم کتاب با عنوان «مواضع و محاکمه» به بررسی مواضع اتحادیه در قبال برخی از موضوعات سیاسی کشور نظیر مجلس خبرگان، دولت موقت، ریاست جمهوری بنی‌صدر و ...، پرداخته است. در این بخش نظرات فرید سریع‌القلم به صورت خاص درباره جمهوری اسلامی واکاویده شده است. بخش چهارم کتاب هم به انتشار اسناد و منابع پرداخته است. همانطور که پیداست این اثر به‌رغم اشاره به واقعه ششم بهمن آمل درباره چیستی این رویداد صحبتی به میان نیاورده و حماسه بودن آن را مفروض گرفته است. با این حال این کتاب یکی از منابع این پژوهش است.



«پرنده نو پرواز» که گفتگویی با یکی از شرکت‌کنندگان در مبارزه مسلحانه بهمن ۱۳۶۰ است و توسط حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۸۳ منتشر شده نیز دیگر اثری است که از زاویه‌های متفاوت به وقایع ششم بهمن سال ۱۳۶۰ پرداخته است. این کتاب که از دل گفتگو با یکی از مشارکت‌کنندگان در مبارزه مسلحانه آمل بیرون آمده با تاکید بر «قیام» بودن رویداد مطروحه از زاویه کمونیست‌ها به بازنمایی این رویداد پرداخته است. این کتاب ۳۵۲ صفحه‌ای که در سال ۱۳۸۳ و در آلمان منتشر شده در سه فصل مباحث خود را تنظیم نموده است. در فصل اول به آغاز نبرد و روایت آنچه در این چند روز اتفاق افتاد پرداخته شده است. فصل دوم کتاب اسناد و ضمائم تاریخی نظیر اعلامیه‌ها و مقالات تحلیلی اتحادیه کمونیست‌های ایران را مرور کرده است. بیانیه‌های سیاسی و اطلاعیه‌های نظامی سرداران در این فصل به صورت مبسوط منعکس شده است. فصل سوم به زندگینامه و تصاویر برخی افراد فعال در این مبارزه و نیز لیست اسامی جانب‌باختگان اتحادیه کمونیست اشاره شده است. البته در انتها آلبوم عکسی از افراد و رویدادهای این واقعه هم وجود دارد. این اثر هم این رویداد را به مثابه یک «قیام ملی» مفروض گرفته و درباره چستی آن بحثی به میان نیاورده است. بدیهی است که به فراخور بحث این اثر هم می‌تواند یکی از منابع این تحقیق باشد.

کتاب تاریخ شفاهی «قنات تا قنوت» سمیه بدخشان فرح آبادی (۱۳۹۴) روایت قدرت‌الله سورکی آزاد از فرماندهان جبهه مقابله با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال، کتاب «شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل» تالیف سیمین رهگذر (۱۳۸۵)، کتاب «شمشادهای رشید» یادنامه شهدای ششم بهمن آمل اثر سید محمد هاشمی (۱۳۹۰)، کتاب «مائوئیسم و بازتاب آن در ایران» نوشته فرج‌الله میزانی (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم (۱۳۹۱)، و مقالات «از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر» نوشته امین عزیز (۱۳۹۳)، «بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل» نوشته حسین رفیع (۱۳۹۱)، دیگر منابعی است که این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. واقعیت آن است در این منابع طرفین منازعه هرکدام با مفروض گرفتن «حماسه مردمی» و یا «قیام مردمی» به روایت خاص خود از کلیت رویداد پرداخته و هیچکدام از این آثار بر روی درستی یا نادرستی مفروض خود کنکاش و منازعه‌ای نداشته‌اند. موضوعی که مساله اصلی این نوشتار را تشکیل داده است.

### ۳. مبانی نظری

مبانی نظری هر پژوهش از دو بخش چارچوب مفهومی و چارچوب نظری تشکیل می‌شود. البته در یک معنای موسع چارچوب نظری و نظریه می‌تواند دربرگیرنده نوع روش‌شناسی پژوهش هم باشد. در این پژوهش هرمنوتیک هم به مثابه یک رهیافت نظری و هم به مثابه یکی از پارادایم‌های اصلی حاکم بر پژوهش‌های اجتماعی و هم به مثابه یک روش تحقیق کیفی<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ۳-۱. چارچوب مفهومی

در این مقاله با چند مفهوم اصلی سر و کار داریم. «واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل»، «حماسه» و «قیام» مفاهیم اصلی این پژوهش را تشکیل داده‌اند. در ادامه به بررسی مختصر هر کدام از این مفاهیم پرداخته شده و تعریف مختار نگارنده درباره این مفاهیم مطرح شده است.

#### ۳-۱-۱. واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل

اگرچه ادراک این واقعه تنها با تمرکز بر رویدادهای روز ششم بهمن حاصل نمی‌شود و فهم آن با تمرکز بر رویدادهای پیشین بهتر حاصل خواهد شد، اما این تاریخ به عنوان زمان ختم غائله از اهمیت زیادی برخوردار است. اصل این رویداد به درگیری و نبرد مسلحانه ده‌ها فرد مسلح مارکسیست که با نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» یا به تعبیری دیگر «سربداران» علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور برپاکردن یک انقلاب دیگر اشاره دارد. اتفاقی که در شهر و جنگل‌های اطراف آمل رخ داد. اگرچه درگیری‌های میان این گروه با نیروهای جمهوری اسلامی از مدتها قبل و به صورت پراکنده شروع شده بود منتها از روزهای پنجم و ششم بهمن ۱۳۶۰ این نبرد مسلحانه اوج گرفت. این نبرد طرف‌های مختلف مردمی و دولتی را با خود به همراه داشت و نهایتاً در ششم بهمن غائله ختم شد. به‌رغم اینکه ریشه‌های این رویداد به ماه‌ها قبل (شروه از هجدهم آبان ۱۳۶۰) بازمی‌گشت منتها مقصود اصلی در این پژوهش روزهای پنجم و ششم بهمن سال ۱۳۶۰ را در برمی‌گیرد.

#### ۳-۱-۲. حماسه

درباره واژه حماسه هم به مانند بسیاری دیگر از مفاهیم با تکثر تعارف مواجه‌ایم. حماسه در لغت به کسر ح در فرهنگ‌های فارسی مختلف نظیر دهخدا و خرد به «دلیری و رجز» معنا شده است. (سعیدی‌پور، ۱۳۶۰: ۲۴۸) در اصطلاح هم مقصود

<sup>۱</sup> Qualitative research methods

حرکتی است که از درون مردم آغاز شده و هدفش برچیدن بساط ظلم و ستم است. این مفهوم به عنوان یک معنای مقدس ناظر بر حرکتی است که حتما عناصر مردمی دارد و در تقابل با اقدامات یا اقدامات شورانه است.

۳-۱-۳. قیام

قیام در فرهنگ‌های فارسی مختلف نظیر دهخدا و خرد به «برپاخاستن و ایستادن» معنا شده است. (سعیدی‌پور، ۱۳۶۰: ۶۷۱) این واژه هم به مانند واژه حماسه معنای مقدس و مثبتی دارد. در قیام هم عنصر مردمی بخش اصلی حرکت است و تفاوتش با حماس و وجه مخالفی است که مردم با نیروی سیاسی حاکم دارند. به عبارت دیگر در قیام عمدتاً مقصود آن است که نیروهای مردمی در تقابل با نظام سیاسی به دنبال برقراری نظامی عادلانه‌تر هستند. برخی قیام را مقدمه انقلاب می‌دانند. همانطور که درباره قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ گفته شده است.

### ۳-۲. نظریه و روش‌شناسی

علم تاویل یا هرمنوتیک<sup>۱</sup> به دنبال کشف پیام‌ها و معانی یک متن در معنای عام است. پرواضح است که یک متن می‌تواند یک نوشته نظیر بیوگرافی شخصی یا فرمان یک پادشاه؛ یک اثر هنری نظیر یک تابلوی نقاشی یا فیلم سینمایی یا یک رمان؛ و یا هر رویداد یا پدیده‌ای باشد که بتواند، پیامی را از مبدا «الف» به مقصد «ب» برساند، باشد. از لحاظ روش‌شناسی<sup>۲</sup>، روش تاویل یا هرمنوتیک در برابر تجربه‌گرایی<sup>۳</sup>، مکانیک‌گرایی<sup>۴</sup>، طبیعت‌گرایی<sup>۵</sup> و به ویژه اثبات‌گرایی<sup>۶</sup> و حتی رفتارگرایی<sup>۷</sup> قرار دارد و در مقابل نظریه وحدت روش در علوم (طبیعی و انسانی) به تمایز روش در علوم معتقد است. (قنبری، ۱۳۷۷: ۱۸۵) بر اساس این آموزه نظری تفسیر امری اجتناب-ناپذیر برای درک معنا است. پل ریکور<sup>۸</sup> هرمنوتیک را فن تشریح و توضیح نمادها به خصوص نمادهایی که معنی صریحی دارند، می‌داند. (حریری، ۱۳۷۵: ۶؛ قنبری، ۱۳۷۷: ۱۸۴) ریکور در مقاله «رسالت هرمنوتیک» بر این نظر است که هرمنوتیک را

---

<sup>1</sup> Hermeneutics

<sup>2</sup> Methodology

<sup>3</sup> Empiricism

<sup>4</sup> Mechanicism

<sup>5</sup> Naturalism

<sup>6</sup> Positivism

<sup>7</sup> Behaviorism

<sup>8</sup> Paul Ricœur

باید نظریه «عمل فهم» در جریان روابطش با تفسیر متون به شمار آورد. (کوزنزهوی، ۱۳۷۷: ۹)

دیدن یک فیلم یا یک تابلوی نقاشی، خواندن یک رمان یا یک داستان کوتاه، یا شنیدن یک موسیقی یا یک متن سخنرانی غیر از فهمیدن و ادراک آن متن است. یکی از بهترین مصادیق ادبی در این رابطه این بیت از شعر سعدی شیرازی است:

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

برای بسیاری از افراد پیش می‌آید که در جمعی حاضر باشند سخنی را هم بشنود ولی آن را نفهمند. البته خود همین عدم ادراک قطعاً مراتبی دارد. با این حال در بالاترین مراحل تمرکز و دقت شنونده یا خواننده و بیننده باز هم ممکن است فهم حاصل نشود. اتفاقی که با عمل تفسیر و تاویل شاید بتواند تا حدودی (فقط تا حدودی) رخ دهد. فریدریش شلاپرماخر<sup>۱</sup> و ویلهلم دیلتای<sup>۲</sup> دو تن از اندیشمندان قرن نوزدهم که نامشان با هرمنوتیک پیوند خورده بر این نظر بودند که یک معنای غایی و یک فهم نهایی از متن وجود دارد و این وظیفه مفسر است که با شناخت آن متن و زمینه-هایش به «معنای غایی» دست یابد. دیلتای همچنین معتقد بود که برای فهم بهتر متن، باید به نیت مؤلف پی برد و دانست که او متن مورد نظر خود را به چه منظور و با چه هدفی آفریده است. (احمدی، ۱۴۰۰: ۵۳۵) پرواضح است که ایراد این دیدگاه این است که دستیابی به قصد و نیت مؤلف، به جهت بعد زمان و مکان، معمولاً میسر نخواهد شد.<sup>۳</sup>

ریشه لغوی هرمنوتیک به هرمس<sup>۴</sup> بازمی‌گردد. هرمس که وظیفه پیامرسانی دارد برای انسان‌ها نوعی آگاهی از پیرامونشان می‌سازد. وظیفه او برقراری پیوند میان دنیای

<sup>۱</sup> Friedrich Schleiermacher

<sup>۲</sup> Wilhelm Dilthey

<sup>۳</sup> زمانی که صحبت از «مرگ مولف» می‌شود این موضوع از پیچیدگی بیشتری هم برخوردار می‌شود. بنا به تعبیر رولان بارت نویسنده مقاله معروف "مرگ مولف" در سال ۱۹۶۷، اختصاص دادن یک نویسنده به یک نوشته و دادن یک تفسیر منفرد، مطابق و معادل با آن در واقع تحمیل محدودیت به آن نوشته است. به این ترتیب، خواننده باید نوشته را از خالق آن جدا در نظر بگیرد تا بتواند نوشته را از استبداد تفسیری (interpretive tyranny) آزاد سازد. موضوع بسیار مهمی که می‌تواند نگرش‌های تفسیری را با چالشی اساسی مواجه سازد. چالش‌هایی که البته در این پژوهش مورد نظر نیست.

<sup>۴</sup> Hermes

نهان و آشکار است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۰۸) در ادامه همین معنا از هرمنوتیک در قرن بیستم هایدگر و گادامر «فهم» را نوعی «وجود» برشمردند. هرمنوتیک با پذیرش تفاوت بنیادین دنیای طبیعی با دنیای اجتماعی، نقش مهم ارزش‌ها در فهم پدیده‌های اجتماعی، زمینه‌مندی پدیده‌های اجتماعی و به تبع متغیر بودن ادراک و نظایر آن توجه همزمان به کلیت متن (ظاهر و باطن) و نیز زمینه متن را یادآوری می‌کند. دایره هرمنوتیک یا حلقه تاویل یکی از موضوعات بسیار مهم در این رابطه است. بر اساس آموزه‌های هرمنوتیک شناخت کلیت یک پدیده بدون توجه به زمینه و مجموعه تمام عناصر موثر بر شکل‌دهی آن رویداد میسر نمی‌شود. از طرف دیگر فهم اجزا به صورت انفرادی نیز بدون توجه به کلیت آن قابل دسترس نخواهد بود. در این معنا فهم یک جمله در یک زمان زمانی حاصل می‌شود که کلیت زمان فهم شده باشد و در طرف مقابل فهم کلیت زمان هم در گروی فهم تک‌تک جملات آن زمان خواهد بود. البته باید توجه شود که علاوه بر دور هرمنوتیکی باید هر پدیده را در مجموعه وسیعی که با امتداد تاریخی آن مرتبط است، ادراک نمود. از این دیدگاه توالی پدیده مورد نظر به صورت پیوستار از گذشته تا زمان حال باید مدنظر قرار گیرد.

#### ۴. بررسی تحلیلی متن و زمینه رویداد

همانطور که اشاره شده هرمنوتیک با پذیرش تفاوت جهان طبیعی با جهان اجتماعی بر نقش بنیادین ارزش‌ها در فهم پدیده‌های اجتماعی و به تبع همین موضوع زمینه‌مندی پدیده‌های اجتماعی تاکید دارد. بر همین مبنا توجه همزمان بر متن و زمینه رویداد ششم بهمن آمل سال ۱۳۶۰ امری ضروری است. در این بخش از مقاله تلاش شده تا اولاً متن این واقعه مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه به زمینه‌های آن پرداخته شده است. همانطور که در بخش چارچوب مفهومی هم اشاره شد، متن این رویداد تحولات روزهای پنجم و ششم سال ۱۳۶۰ را در خود جای داده است.

#### ۴-۱. بررسی متن رویداد

واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل یکی از مهمترین رخدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در تحقق آن اتحادیه کمونیست‌ها نقش اصلی را ایفا نمودند. خاستگاه اصلی این اتحادیه در خارج از کشور و به ویژه ایالات متحده آمریکا بود و پس از طی یک دوره مبارزه سیاسی-فرهنگی بسیار محدود در سال ۱۳۵۵، از ادغام دو گروه «سازمان انقلابیون کمونیست» و گروه «پویا» تشکیل شد. دانشجویان

عضو اتحادیه کمونیست‌ها که در خارج از کشور مقیم بودند، غالباً خاستگاه طبقاتی ویژه‌ای داشتند و متعلق به طبقه مرفه ایران بودند. غرق شدن در توهّمات کمونیستی و دور شدن از شرایط عینی جامعه ایران، بر بی‌خبری آنها افزود؛ به گونه‌ای که در حرکت انقلابی و اسلامی ملت مسلمان ایران در سال ۱۳۵۷ دچار تردید و خواستار رهبری طبقه کارگر شدند. مارکسیست-لنینیست‌های اتحادیه کمونیست‌ها به تبعیت از شکاف جهانی در اردوگاه کمونیست، به جمهوری خلق چین و اندیشه‌های مائو تمایل پیدا کردند و از سمپات‌های تزه‌جهانی مائوتسه دون رهبر چین شدند. (کردی، ۱۳۸۶: ۱۱)

در همین جا باید اشاره شود که کادرهای اتحادیه کمونیست‌های ایران، عضو کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا بودند. این سازمان سیاسی یکی از نادرترین تشکیلات سیاسی ایران بود که شهرت جهانی داشت. این تشکیلات در سال ۱۳۳۷-۱۳۳۸ به وسیله عده‌ای از اعضای فراری حزب توده در اروپا و آمریکا تشکیل شد. (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۲۵) کنفدراسیون سمبل مبارزه با رژیم شاه بود و مهمترین منبع خبری و نیروی اعمال فشار بر حکومت شاه محسوب می‌شد. (شرکت، ۱۳۷۸: ۱۳)

با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از گذشت چند ماه از استقرار جمهوری اسلامی ایران تقابل نیروهای چپ با نظام سیاسی نوظهور اوج گرفت. با کناره‌گیری بنی‌صدر از ریاست جمهوری و رای مجلس به عدم کفایت او این تعارضات به اوج رسید. رویدادهای هجدهم آبان تا ششم بهمن ۱۳۶۰ در آمل را باید یکی از مصادیق اصلی این تعارضات به شمار آورد. اوج درگیری میان اتحادیه کمونیست‌ها با جمهوری اسلامی از پنجم بهمن ۱۳۶۰ آغاز شد.

ساعت ۲۳:۴۵ دوشنبه شب، مطابق با پنجم بهمن ماه ۱۳۶۰، اعضای ۱۱۰ نفره اتحادیه کمونیست‌های ایران با حضور سه زن در تیم پزشکی گروه، با نام «سربداران جنگل» در پوشش لباس‌های نظامی تحت عنوان عملیات «اسب تروا» با شلیک گلوله آرپی جی هفت در شهر آمل و ایجاد درگیری‌های پراکنده به این شهر حمله نموده و قصد تسخیر آن را داشتند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴) بر اساس ادعاهای مطرح‌شده در بسیاری از منابع موجود در این تهاجم آنان قصد حمله به مقر سپاه، بسیج، دادگاه انقلاب، بستن جاده هراز در مدخل شهر، تصرف محله اسپه کلا و دعوت مردم به قیام را داشتند (همان، ۴۶) که به فرماندهی قرارگاه ابوالفضل (علیه‌السلام) در چالوس و امداد از نیروهای سپاه و بسیج شهرهای بابلسر، محمودآباد، لاریجان و بابل با مقاومت

روبرو شد. (همان، ۵۷) آنطور که منابع رسمی گفته‌اند این درگیری که حدود دو روز به طول انجامید سرانجام با مقاومت نظامیان و مردم که بدون همکاری طاقت‌فرسای آنان امکان‌پذیر نبود منجر به شکست عملیات اتحادیه کمونیست‌ها گردید. مردم آمل و مناطق اطراف به محض اطلاع از حمله به شهر در سنگرسازی، تدارکات، امدادسانی، شناسایی دشمن و محل استقرار آنان و همکاری‌های اطلاعاتی به یاری نیروهای انقلابی شتافتند حتی مردمی که سلاح نداشتند با وسایلی همچون داس، تیرکمان، سنگ، تفنگ ساچمه‌ای و شکاری به مقابله با مهاجمان پرداختند اقشار مختلف مردم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان و حتی بچه‌های زیر ده سال که با کف دست شن آورده و گونی‌ها را به منظور سنگ‌سازی پر می‌نمودند نیز در این بحبوحه نبرد به چشم می‌خوردند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۵۸، ۶۳، ۷۱؛ کامران: ۱۳۷۴) و مردم روستاها و شهرهای دور و نزدیک به کمک مردم مقاوم شهر هزار سنگر آمل شتافتند. سرانجام عصر روز چهارشنبه هفتم بهمن ۱۳۶۰ نیروهای مهاجم عقب‌نشینی نموده و پاکسازی شهر آغاز گشت با فرار مهاجمان و باقی ماندن ۲۸ نفر از آنان در جنگل طی روزها و ماه‌های بعد درگیری‌هایی بین آن‌ها و نیروهای انقلابی رخ داد که مهم‌ترین آن‌ها در روز دوازدهم اسفند ماه بود که به منظور بردن اسلحه‌های مخفی شده به جنگل آمدند (رهگذر، ۱۳۸۵: ۷۷-۷۸) آنطور که منابع رسمی جمهوری اسلامی ادعا گفته‌اند این واقعه به شهادت چهل نفر در شهر، بیست نفر در درگیری‌های متفرقه و زخمی شدن نزدیک به دویست نفر از مردم عادی، نیروهای بسیج و نظامی منجر گردید. از نیروهای اتحادیه نیز شصت نفر کشته، زخمی و گروهی اسیر شدند. اعضای دستگیر شده در دادگاه انقلاب محاکمه گردیدند برخی به جرم محاربه، اعدام و عده‌ای به زندان محکوم گردیدند سایر اعضا هم در طول سال و سال‌های آتی شناسایی و دستگیر شدند. (همان، ۸۵-۸۳)

در کنار روایت بالا که از منابع رسمی جمهوری اسلامی ذکر شده در روایتی دیگر که از سوی چپ‌ها و از زبان برخی افراد فعال در این حرکت نقل شده روند امور با ادبیاتی متفاوت و با جایگزین نمودن خیر/شر نقل بالا مطرح شده است. در مقدمه کتاب «پرند نو پرداز» که بخش اصلی اش گفتگو با یکی از افراد مارکسیست حاضر در این رخداد بوده می‌خوانیم:

«پنجم بهمن ماه سال ۱۳۶۰: خبر رسید که شب هنگام در شهر آمل نبرد مسلحانه گسترده‌ای آغاز شده، بخش‌های مهمی از شهر آمل توسط قوای سربرداران آزاد شده است. هنوز هیچکس از چند و چون ماجرا خبری نداشت. هیجان انقلابی همه جا را

فرا گرفته بود. راه‌های ورود و خروج به آمل بسته بود. رژیم تا چند روز از پخش هر خبری در این مورد جلوگیری می‌کرد. هر کس تلاش می‌کرد بفهمد چه می‌گذرد. آمل یک شبانه روز شاهد درگیری‌های نظامی شدیدی بود. وصف بی‌باکی و قهرمانی سرداران بر زبانها جاری بود. بیم و امید همه را فرا گرفته بود. همه بی‌صبرانه منتظر نتیجه این نبرد دلاورانه بودند. سرانجام رژیم با تمرکز قوای بسیار، این قیام را به شکست کشاند. پس از آن به مدت یک هفته موضوع اصلی تمام روزنامه‌های کشور به وقایع آمل اختصاص داشت. اما هیچکس به اخبار رژیم باور نداشت. «حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳: ۱۳»

#### ۴-۲. بررسی زمینه رویداد

نظر به وجود دو روایت کاملاً متعارض درباره رویداد ششم بهمن آمل که البته می‌توان با پژوهش‌های دقیق‌تر سره را از ناسره تشخیص داد با این حال و بر مبنای منطق هرمنوتیک توجه به زمینه‌های این رویداد می‌تواند کمک شایانی به فهم تشخیص روایت صحیح نماید. بر همین اساس در ادامه و در قالب سه محور «بررسی وضعیت جایگاه حرکت‌های چپ در میان مردم ایران و آمل»، «شرایط جنگی کشور» و «بررسی وضعیت جایگاه انقلاب و شخص آیت الله خمینی در میان مردم استان مازندران و شهر آمل»، به واکاوی زمینه رویداد یاد شده پرداخته‌ایم.

#### ۴-۲-۱. وضعیت جایگاه حرکت‌های چپ در میان مردم ایران و آمل

درباره اقبال یا عدم اقبال مردم مسلمان ایران به حرکت‌های چپ و مارکسیستی در طول تاریخ معاصر ایران روایت‌های مختلفی مطرح شده است. با این حال روایت غالبی که از سوی بسیاری از اندیشمندان و مورخین هم به تأیید رسیده است ناظر بر عدم اقبال فراگیر این ایدئولوژی غیرتوحیدی توسط مردم موحد و مسلمان ایران بوده است. در این رابطه قرینه‌های متعددی وجود دارد. یکی از مهمترین قرینه‌ها آن است که هر مجموعه چپ‌گرایی که توسط مردم با اقبال نسبی هم رو به رو می‌شد نتیجه اقبال خود را در پیوند میان مارکسیسم و اسلام می‌دید. به عبارت دیگر به تجربه و با گذر زمان چپ‌ها به تنیده شدن دیانت و مذهب توحیدی اسلام در میان ایرانیان پی برده و برخی اوقات برای پیش بردن اهداف خود مجبور به برقراری این پیوند و ایجاد پالایش در آموزه‌ها و اصولی کمونیسم بودند. البته برخی از جریان‌های اصیل اسلامی و ملی متمایل به اندیشه‌های چپ هم وجود داشتند که بدون نگرش تاکتیکی به اسلام و از سر دغدغه‌های دینی و ملی این پیوند را برقرار می‌ساختند. این جریان‌ها در تلاش بودند تا با عاریت گرفتن روح انقلابی موجود در مارکسیسم عدالت و آزادی را به



عنوان کانون‌های اصلی شریعت اسلام محقق نمایند. فعالیت نهضت جنگل توسط میرزا کوچک خان جنگلی در شمال کشور و یا نهضت خدایپرستان سوسیالیست در شمال کشور به رهبری محمد نخب تنها دو نمونه از این ادعا است.

برای مثال سران نهضت جنگل پس از ورود به رشت، در ۱۸ رمضان ۱۳۳۸ اعلامیه‌ای به نام «جمعیت انقلاب سرخ ایران» صادر کردند که در آن ضمن اشاره به ورود نهضت با «استعانت اصول حقه سوسیالیستی برای نجات ایرانی» به مرحله انقلاب سرخ، اصول سلطنت را ملغا و حکومت موقت جمهوری را اعلام و بر حفظ شعائر اسلامی تأکید ورزیدند. (میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۳؛ یقیکیان، ۱۳۶۳: ۸۶-۷۷؛ گیلگ، ۱۳۷۱: ۲۷۵)

نهضت خدایپرستان سوسیالیست که متمایل به نوسازی و سوسیالیسم بود در تلاش بود تا با تلفیق نگرش اسلامی موردنظر رهبران آن با اندیشه‌های مدرن چپ و ملی‌گرایی همزمان اصلاحاتی در اسلام و مارکسیسم ایجاد نماید. محمد نخب و جلال‌الدین آشتیانی به عنوان دو چهره اصلی این جریان بر این نظر بودند که باید سوسیالیسم را از قید ماتریالیسم و خدایپرستی را از قید خرافات آزاد کرد. (تربتی سنجابی، ۱۳۷۵: ۲۲۱) زمان تشکیل این نهضت نیز پس از ایام ملت‌هب شهرپور ۱۳۲۰ بود. موسسین این نهضت بر عدالت و برابری (سوسیالیسم) و تمایلات قوی مذهبی و ملی تشکیل شد. برخی بر این نظرند آنها با پذیرش تمام اصول اسلامی به دنبال برقراری نوعی از حکومت اسلامی بوده‌اند. (نکوروح، ۱۳۷۷: ۲۳۴)

البته در همین جا باید اشاره شود که در مجموع اگرچه نفوذ جریان‌ات چپ به دلایل متعددی چون همجواری جغرافیایی یا محرومیت اجتماعی مردم در مناطق شمالی کشور از باقی مناطق کشور بیشتر بود با این حال قرینه‌های متعدد موجود حکایت از آن دارد که در همان مناطق شمالی و به طور خاص در مازندران این جریان‌ات به شدت در میان مردم دافعه داشتند. بر همین مبنا می‌توان ادعا کرد که در رویداد ششم بهمن آمل سال ۱۳۶۰ مردم بیش از آنکه حامی نیروهای چپ بوده باشند از نیروهای دولتی طرفداری کرده‌اند.

#### ۲-۲-۴. شرایط جنگی کشور

یکی دیگر از زمینه‌های بسیار مهم در فهم رویداد ششم بهمن آمل شرایط خاص جنگی کشور است. ابرمتغیری که تمام مناطق کشور و اقشار گوناگون مردم جامعه ایران را با خود درگیر کرده بود. جنگ عراق با ایران که کمتر از دو سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد حمایت اقشار مختلف مردم از آرمانهای انقلاب اسلامی و رهنمودهای امام خمینی را تشدید کرد. در این میان و بر اساس آمار موجود

استان مازندران و شهر آمل جایگاه ویژه‌ای داشته است. تنها به عنوان یک نمونه می‌توان به لشکر ۲۵ کربلای استان مازندران اشاره کرد که از قضا در همان میانه سال ۱۳۶۰ تاسیس می‌شود. غیر از این مورد نباید از تعداد بالای شهدای دفاع مقدس استان مازندران و شهر آمل غفلت شود. موضوعی که خود نشان از همراهی این استان و شهر با انقلاب اسلامی دارد. آنطور که برخی منابع رسمی نظیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ادعا کرده‌اند مازندرانی‌ها حضوری برجسته در جنگ تحمیلی هشت ساله داشتند. حدود ۱۶۸ هزار نفر از مازندران برای دفاع از وطن راهی مناطق جنگی شدند که ۱۰ هزار و ۴۰۰ رزمنده به شهادت رسیدند و ۳۴ هزار نفر نیز جانباز شدند. (ایرنا، ۱۴۰۰) وجود چنین زمینه‌ای حکایت از آن دارد که در رویداد ششم بهمن آمل احتمال همکاری و همراهی مردم این شهر با نیروهای کمونیست بیشتر از همراهی آنها با نیروهای دولتی جمهوری اسلامی نبوده است.

#### ۴-۲-۳. جایگاه انقلاب و شخص آیت‌الله خمینی در میان مردم شهر آمل

استان مازندران و شهر آمل در زمره استانهای فعال در نهضت انقلابی مردم ایران به شمار می‌آیند. آنطور که منابع تاریخی ادعا کرده‌اند مردم این استان در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی تبعیت قابل توجهی از رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی داشته‌اند. ادعایی که یکی از قرینه‌های آن در بخش قبل و تشکیل لشکر ۲۵ کربلای استان مازندران بدان اشاره شد. در این میان فعالیت‌های مردم شهر آمل چه در دوران قبل از انقلاب و چه در دوران بعد از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شهری که به دلیل حضور برخی از روحانیون با نفوذ در بین مردم، نقش مهمی در مبارزات دوران انقلاب اسلامی داشته است. این شهر در دروان بعد از اسلام از نوعی مرکزیت سیاسی و پیشینه تاریخی و مذهبی برخوردار بوده است. باید توجه شود که بعد از ورود اسلام به ایران اولین حکومت شیعی و علوی و بعدها سلسله سادات مرعشی در این شهر تأسیس گردید. به دلیل وجود حوزه علمیه پویا در این شهر همواره ارتباط تنگاتنگی بین مردم علوی و مذهبی این شهرستان با علما و روحانیون در طول دوران بعد از اسلام و تاریخ معاصر به چشم می‌خورد. با این سابقه بود که نقش این شهر در حمایت از انقلاب اسلامی چشمگیر و برجسته بوده است. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۹۸-۲۹۷)

در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ کلیه مغازه‌ها و بازارهای شهر آمل به عنوان اعتراض تعطیل شد و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هم درگیری شدیدی میان انقلابیون این شهر با نیروهای حکومتی در گرفت. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۳۱۸؛ فوران، ۱۳۹۲: ۵۶۶) مردم این

شهر در طول دوران انقلاب فعالیت‌ها و خدمات مؤثری به انقلاب اسلامی ایفا کردند؛ به طوری که در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی شهر آمل اولین شهری بود که از یک حکومت مردمی برای اداره شهر برخوردار شد. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۹۸-۲۹۷) اقدامی که بدون تردید نشان از وجود اقبال مردمی قابل توجه این شهر به انقلاب اسلامی و امام خمینی دارد. پرواضح است که انجام چنین اقداماتی از وجود ظرفیت‌های مادی و معنوی انقلابی مناسب حکایت دارد. ظرفیت‌هایی که باعث شده بود مردم این شهر در آن روزهای پرمخاطره حتی آمادگی جانفشانی برای آرمانهای انقلاب اسلامی را داشته باشند.

### ۵. نتیجه‌گیری

فهم و ادراک پدیده‌های اجتماعی کار چندان ساده‌ای نیست. این پیچیدگی زمانی که به پدیده‌های تاریخی اشاره دارد، افزون می‌شود. واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل را باید یکی از مصادیق این امر به شمار آورد. رویدادی که به دلایل گوناگون نقشی مهم در تاریخ معاصر و انقلاب ایران ایفا نموده است. این رویداد مهم از همان آغاز با روایت‌هایی متفاوت و متعارضی بازخوانی شد.

در یک روایت که عمدتاً توسط جمهوری اسلامی و به عنوان روایت رسمی مطرح می‌شود این رویداد به مثابه یک حماسه ملی و انقلابی نقل شده است. حماسه‌ای که بیش از هر چیز توسط نیروهای مردمی انقلابی و برای تقابل با نیروهای ضدانقلاب به وقوع پیوست. در روایت دوم که عمدتاً توسط نیروهای چپ و مارکسیست و نهادهایی چون حزب کمونیست ایران منتشر شده کلیت این رویداد به مثابه قیام و خیزشی مردمی برای تقابل با حکومت نوظهور جمهوری اسلامی ایران قلمداد شده است. بر اساس این روایت آغاز و تداوم این حرکت که از روزهای آبان ۱۳۶۰ خورشیدی اوج گرفت حرکتی تماماً مردمی بوده که نهایتاً در ششم بهمن ۱۳۶۰ توسط نیروهای رسمی دولت جمهوری اسلامی سرکوب شده است.

این دو روایت اصلی توسط جریان‌های سیاسی-اجتماعی دیگر تکرار شده است. بر همین مبنا در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از آموزه‌های هرمنوتیک به فهم چیرستی این رویداد تاریخی پرداخته شود. بر اساس یافته‌های این مقاله اگرچه در روایت متن رویداد هر کدام از منابع تلاش کرده‌اند تا پندارهای خود را توصیف نمایند و بر همین اساس امکان راستی‌آزمایی این روایت‌ها بر اساس متن رُخداد یادشده چندان وجود نداشت، اما توجه به زمینه‌های این رویداد احتمال صحت روایت اول را

تقویت کرد. برای تبیین این موضوع سه محور «وضعیت جایگاه حرکت‌های چپ در میان مردم ایران و آمل»، «شرایط جنگی کشور» و «جایگاه انقلاب و شخص آیت‌الله خمینی در میان مردم استان مازندران و شهر آمل»، مورد بررسی قرار گرفت و نتیجتاً شواهد موجود نشان داد که روایت حماسه‌گونه از این رویداد نسبت نزدیک‌تری با حقیقت ماجرا دارد. پرواضح است از آنجا که این نتیجه‌گیری بر اساس زمینه‌های رویداد مورد بحث به دست آمده نمی‌تواند قطعیت داشته باشد. از همین روی انتشار اسناد جدید و بی‌طرف از اصل رویداد می‌تواند به شفافیت بیشتر ماهیت این واقعه کمک نماید.

## منابع

- احمدی، بابک (۱۴۰۰)، *ساختار و تاویل متن*، تهران: نشر مرکز
- ایرنا (۱۴۰۰)، «مازندران در دفاع مقدس از نگاه آمار»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران: [irna.ir/xjG4Y4](http://irna.ir/xjG4Y4)
- تربیتی سنجابی، محمود (۱۳۷۵)، *قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران*، تهران: آسیا.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۱)، «مبانی نظری مهاجمان جنگل و تسخیر منطقه ژئوپلیتیک آمل»، *مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم*
- حریری، محمد (۱۳۷۵)، «هرمنوتیک انتقادی»، *روزنامه همشهری*، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۷۵، ص ۶.
- رفیع، حسین، اسفندیار، شهرام (۱۳۹۱)، «بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل»، *مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم*
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، *شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دایره المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- سعیدی پور، محمود (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی خرد*، تهران: انتشارات خرد.
- شرکت، حمید (۱۳۷۸)، *کنفدراسیون جهانی*، تهران: انتشارات عطایی.
- عزیزی، امین (۱۳۹۳)، «از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر»، *نشریه مطالعات تاریخی*، شماره ۴۵، صص ۲۵۴-۲۳۵.
- عزیزی، امین (۱۳۹۸)، «بررسی مواضع اتحادیه کمونیست های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی»، *نشریه مطالعات تاریخی*، شماره ۶۶، صص ۱۰۹-۹۲.
- عزیزی، امین (۱۳۹۶)، «آمل در نهضت و انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پانزده خرداد*، سال ۱۵، شماره ۵۴، صص ۲۹۷-۳۱۹
- فوران، جان (۱۳۹۲)، *مقاومت شکننده*، ترجمه تدین، تهران: رسا
- قنبری، آیت (۱۳۷۷)، «هرمنوتیک و انواع آن»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱، شماره ۲، صص ۲۰۷-۱۸۴.
- کوزنز هوی، دیوید (۱۳۷۱)، *حلقه انتقادی*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: گیل با همکاری انتشارات روشنگران

- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب جنگل*، ج ۱، رشت: گیلکان.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵)، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران: طرح نو.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۹)، *جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلیس در تهران*، گردآورنده و مترجم میرزا صالح، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- میزانی، فرج‌الله (۱۳۹۵)، *مائوئیسم و بازتاب آن در ایران*، تهران: فردوس.
- نکوروب، محمد (۱۳۷۷)، *نهضت خداپرستان سوسیالیست*، تهران: چاپخش.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ احزاب سیاسی در ایران*، شیراز: انتشارات نوید.
- یقیکیان، گریگور (۱۳۶۳)، *شوروی و جنبش جنگل*، ج ۱، به کوشش برزویه دهگان، تهران: اختران.

## نظریه و عمل مائوئیستی در شورش مسلحانه اتحادیه کمونیست‌های ایران

ابوالفضل درویش‌نیا<sup>۱</sup>

نجمه نوروزیان<sup>۲</sup>

محسن عباس‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

متعاقب انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جدید، گروه‌هایی با مغتنم شمردن فرصت اقدام به شورش کردند. از جمله شورش مسلحانه اتحادیه کمونیست‌های ایران در آمل معروف به سربداران جنگل که با الگوبرداری از انقلاب کمونیستی چین صورت گرفت. پرسش این است که چگونه می‌توان ناکامی این شورش را از منظر تطبیقی مورد تحلیل قرار داد؟ فرضیه پژوهش این است که ناکامی پیش‌گفته را می‌توان ناشی از تعمیم شتابزده نظریه و عمل مائوئیستی دانست. در اثبات این فرضیه، با اتکا به یک چارچوب تحلیل مقایسه‌ای - انتقادی، تاکید می‌شود که چون اتحادیه درحین مبارزه و پیروزی انقلاب در خارج از کشور سرگرم نظریه‌پردازی بودند، به ادراک دقیقی از شرایط جامعه ایران و ماهیت توده‌ای و مذهبی انقلاب دست نیافتند؛ بنابراین، به هنگام سهم‌خواهی، متاثر از برآورد اشتباه‌شان از ماهیت توده‌ها و نیروهای حاضر در رأس حکومت (به منزله ترکیبی از خرده‌بورژوازی سنتی و بورژوازی و بازماندگان رژیم قبلی)، تصور می‌کردند که، همانند تجربه چین، حکومت در مقابل یک قیام مائوئیستی با همراهی توده‌ها سرنگون خواهد شد. در این راستا، پژوهش حاضر در ابتدا به نظریه و عمل مائوئیستی، و سپس، به میزان تطبیق‌پذیری شورش سربداران جنگل با آن می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** نظریه انقلاب، جنبش رادیکال، مائوئیسم، نبرد مسلحانه، چین، ایران، سربداران جنگ

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران ([abolfazldarvishni@gmail.com](mailto:abolfazldarvishni@gmail.com))

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران ([najmenorouzian891@gmail.com](mailto:najmenorouzian891@gmail.com))

<sup>۳</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) ([m.abbaszadeh@umz.ac.ir](mailto:m.abbaszadeh@umz.ac.ir))

## ۱. مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام سیاسی جدید و به دنبال آن آغاز جنگ تحمیلی، اختلافات سیاسی و جناحی که در میان هیات حاکمه رخ داده بود، فرصتی در اختیار گروه‌ها و تشکیلاتی که خواستار سهمی در قدرت سیاسی بوده یا به نظام سیاسی با ماهیت اسلامی باور نداشتند قرار داد تا به مقابله با نظام سیاسی جدید پرداخته و در صورت امکان آن را سرنگون سازند. یکی از مهم‌ترین شورش‌های این دوران، شورش اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که سعی داشتند با الگوبرداری از انقلاب چین آن را در ایران پیاده کرده و همراهی توده مردم را در جهت مقابله با نظم جدید کسب کنند. این گروه حادثه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و عزل بنی‌صدر، این رویداد را کودتا خواند، از این جهت که بنی‌صدر رییس جمهور قانونی کشور بود. در نتیجه، حکومت را ارتجاعی خطاب کرده و به دنبال مقابله با آن بود. (احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۸۷: ۴۵۷).

در این راستا، اقدامات اتحادیه کمونیست‌ها با شتاب مفرطی همراه شد چراکه تصور می‌کردند بهترین زمان برای قیام توده‌ای فرارسیده و مردم صرفاً به جرقه‌ای برای روشن کردن یک قیام آتشین کمونیستی نیاز دارند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۸) در نهایت رهبران گروه برای عقب نماندن از «رفقا»ی خود در کسب اعتبار و امکان بهره‌برداری بیشتر از مواهب فردای پس از سقوط نظام نوپای اسلامی در ایران، با وجود اختلاف با سازمان مجاهدین، در نهایت همکاری کرده و طرح قیام فوری را تصویب می‌کنند. اما با برآورد نادرست از وجود عناصری همسو در هیات حاکمه، عدم ارتباط با توده و آگاهی از مطالبات آنان دست به عملیات مسلحانه‌ای با نام قیام سربداران جنگل زدند که با شکست مواجهه شد.

سوال پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان ناکامی این شورش را از منظر تطبیقی مورد تحلیل قرار داد؟ فرضیه این پژوهش این است که ناکامی شورش مسلحانه اتحادیه کمونیست‌ها را می‌توان ناشی از تعمیم شتابزده نظریه و عمل مائوئیستی دانست. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد انتقادی و در قالبی مقایسه‌ای به اثبات این فرضیه می‌پردازد. در این راستا، پژوهش حاضر در بخش اول به نظریه و عمل جنبش انقلابی مائوئیستی می‌پردازد و در بخش دوم، میزان تطبیق مبارزه مسلحانه اتحادیه کمونیست‌ها با تجربه چین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



## ۲. چارچوب نظری: نظریه و عمل مائوئیستی

مائو خود را یک مارکسیست-لنینیست می‌دانست از این جهت که تحلیل تضاد طبقاتی کارل مارکس و بخش‌هایی از نظریات لنین که در بردارنده نکاتی اعم از ضرورت وجود حزب و عمل انقلابی بود را می‌پذیرفت اما براساس تحلیلی که از شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی چین داشت درصدد اصلاحاتی در این نظریه برآمد تا بتواند آن را با شرایط چین منطبق و قابل استفاده سازد. از این رو، در واقع دست به چینی کردن مارکسیسم زد. (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

### ۲-۱) نظریه انقلاب مائو:

مائو معتقد بود کشورها باید طبق شرایط تاریخی و اجتماعی که دارند نظریه و مراحل انقلاب کمونیستی را برای خود طرح‌ریزی کنند. پس انقلاب صرفاً در کشورهای دارای نظام سرمایه‌داری رخ نداده بلکه در هر کشوری که به درجه‌ای از رشد و توسعه رسیده و دارای نوعی از نظام تولیدی باشد می‌تواند رخ دهد. از سوی دیگر، او به نقش آگاهی و اراده انسان در انقلاب تاکید می‌کرد و معتقد بود انسان‌های خودآگاه هر جامعه واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی خودشان را براساس ایدئولوژی و آرمان خود شکل خواهند داد. بنابراین، راه تحقق سوسیالیسم صرفاً رشد و توسعه اقتصادی و شرایط ساختاری نبوده بلکه آگاهی و اراده و در نتیجه فعالیت انقلابی انسان‌ها تعیین‌کننده است. در ادامه، وی در ادامه نوع چینش نیروهای انقلابی را مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر او، نیروهای انقلابی صرفاً طبقه کارگر نبوده بلکه طبقات استثمار شده دیگری نیز می‌توانند در زمره انقلابیون قرار گیرند و انقلاب کمونیستی را رقم بزنند؛ در هر جامعه‌ای باید طبقات رنج‌دیده را شناسایی کرد و با همان طبقات انقلاب را رقم زد. همچنین، انقلاب باید از توده‌ها سرچشمه گیرد، یعنی انقلابیون حرفه‌ای نمی‌توانند به تنهایی انقلاب کرده و موجب تداوم آن شوند. در این راستا، او به «خط توده‌ها» اشاره می‌کند، بدین معنا که آگاهی و خودانگیختگی از آن توده‌ها می‌باشد و رهبران نباید نظرات خود را بر آنها تحمیل کنند بلکه باید با آنها در ارتباط نزدیک و خواسته و اندیشه آنان را شناسایی کنند و در دستور کار تصمیم‌گیری خود قرار دهند. در صورت فاصله نیفتادن میان رهبران و توده‌هاست که رهبران می‌توانند از حمایت توده برخوردار شوند و انقلاب به پیروزی رسید. (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۵۴-۱۵۸).

### ۲-۲) راهبرد عمل انقلابی:

مائو برای پیشبرد انقلاب صرفاً طراحی نظریه را کافی ندانسته و به طراحی راهبرد عمل نیز پرداخت. در راهبرد وی تشکیل حزب کمونیست به منزله میدان عمل

نیروهای انقلابی ضروری است. در کنار آن، باید به آموزش نظامی و ایدئولوژیک اعضای حزب نیز توجه کرد. در این راستا، باید به ارتش انقلابی پرداخت و از آن جا که حزب به آرمان دهقانان متعهد است، پایگاه ارتش و حزب باید در روستاها باشد. در نتیجه، هیچ انفکاک‌کی بین رهبر سیاسی و نظامی نباید وجود داشته باشد و رهبر حزب علاوه بر اطلاع از اوضاع سیاسی داخلی و خارجی، باید از قوانین و فنون جنگی و نظامی نیز مطلع باشد. به منظور حفظ ارتباط نزدیک میان رهبران و توده‌ها نیز باید تعدادی نیرو درون توده‌ها حضور داشته و از تفکرات آنان آگاهی یافته و در اختیار مقامات بالاتر حزب قرار دهند تا مقامات پس از بررسی و مطالعه، شیوه عمل و تصمیم‌گیری خود را با خواست و نظرات توده تطبیق دهند.

همچنین، پس از بررسی و تصمیم‌گیری روش مقابله مشخص خواهد شد که هر کشور با بررسی شرایط زمانی، مکانی و ویژگی خاص خود نوعی از نبرد را انتخاب خواهد کرد. مائو نبرد نامنظم یا جنگ چریکی را انتخاب کرد. هدف این نوع از جنگ درگیر کردن مناطق روستایی و ایجاد پایگاه در روستاهاست تا بدین وسیله مناطق روستایی را آزاد کرده و پس از اینکه انقلابیون در مبارزه در مناطق روستایی تجربیات مبارزاتی کسب کردند، نوبت شهرها فرا برسد که آرام آرام به سمت آن پیشروی صورت می‌گیرد و در نهایت در آنجا رودررو با دشمن می‌جنگند. (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۵۹-۱۶۳)

### ۳. تجربه انقلاب مائوئیستی؛ انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ چین:

هان‌تینگتون در کتاب *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی* به توضیح دو سبک از انقلاب، یعنی انقلاب‌های شرقی و غربی، و شرایط وقوع هر یک می‌پردازد. مدل انقلاب شرقی با تحرک گروه جدید در صحنه سیاست شروع می‌شود و با ایجاد نهاد جدید در سیاست، نهادهای سیاسی نظم گذشته با خشونت از میان برداشته می‌شوند. این برخلاف انقلابات غربی است که در آن، ابتدا نهادهای سیاسی رژیم سیاسی گذشته از میان می‌رود و در مرحله بعد گروه‌های جدید وارد عرصه سیاسی شده و دست به تشکیل نهادهای جدید می‌زنند. در مدل انقلاب‌های شرقی، دوگانگی قدرت یک فرآیند طولانی خواهد بود؛ در زمانی که حکومت در مناطق جغرافیایی به فرمانروایی‌اش ادامه می‌دهد، انقلابیون نیز گستره اقتدار خود را گسترش می‌دهند. آغاز فرایند انقلاب در مدل شرقی، حملات دسته کوچکی از شورشیان در روستاها و اطراف مرکز است. در اینجا، انقلابیون در مناطقی دور از پایتخت، کنترل امور را به دست گرفته و با تبلیغات یا ارباب سعی می‌کنند که حمایت روستاییان را جلب کنند.

به تدریج از نقاط روستایی و پیرامونی به سمت مرکز حرکت کرده و در مرحله آخر، اشغال پایتخت صورت می‌گیرد. این نوع از انقلاب بیشتر در جوامعی رخ می‌دهد که تا حدی توسعه‌یافته شده باشند و طبقه متوسط در آن ظاهر شده باشد. در این شرایط است که انقلابیون شهرنشین می‌توانند از طریق انقلاب روستایی و تصرف روستاها و سپس شهرها زمینه دستیابی به قدرت سیاسی را برای خود ایجاد کنند. (هانگتینتون ۳۹۶: ۱۳۷۰-۳۹۸).

از بارزترین مصادیق الگوی انقلاب‌های شرقی هانگتینتون، شیوه‌ی نبرد مائو بود چراکه از کنترل روستا به روستا به شهر به شهر و سپس به ایالت و مابقی کشور کشیده می‌شد؛ در واقع از جزء به کل حرکت کرده تا در نهایت به مرکز حکومت رسید. در این مسیر، نیروی انسانی لازم را هم از بین دهقانانی که در اثر اصلاحات ارضی به حداقل رفاه رسیده بودند تامین می‌کرد.

چین کشوری با گستره جغرافیایی وسیع است که حکومت امپراتوری متمرکز یا دیوان‌سالار داشته و نظام تولیدی آن تا زمان انقلاب کمونیستی بر پایه کشاورزی و استثمار کشاورزان توسط زمینداران استوار بود. در قرن نوزدهم به دلیل حضور قدرت‌های استعمارگر که هر یک منافی در چین داشتند و از این رو، نقاط مختلف آن را در دست گرفتند، چین عملاً به یک کشور نیمه‌مستعمره تبدیل شده بود. پس از شکست در جنگ تریاک با انگلستان و سپس از ژاپن و اعطا امتیازات مهم، مشروعیت امپراتوری منچو زیر سوال رفت و نفوذ قدرت‌های غربی در این کشور افزایش یافت. در این شرایط بود که در ۱۹۰۴ جنبش مشروطه‌خواه شکل گرفت که خواهان از بین رفتن امپراتوری منچو و تشکیل یک حکومت جمهوری ملی‌گرا بود. این جنبش در نهایت به انقلاب شین ۱۹۱۱ و تاسیس جمهوری چین منجر شد و به دنبال آن حزب ملی کومین‌تانگ تشکیل شد. در ۱۹۲۱ حزب کمونیست تحت تاثیر کمینترن شکل گرفت و راهبرد لنین را الگوی خود قرارداد. پس از مرگ مؤسس کومین‌تانگ، حزب به دست راست‌گرایان ضد کمونیست افتاد که دست به تصفیه کمونیست‌ها زدند. با این حوادث، کمونیست‌ها از حزب ملی جدا شده و به جنوب چین رفتند. جنگ با ژاپن موجب تقویت کمونیست‌ها و ضعف دولت مرکزی شد. پس از آن جنگ داخلی آغاز شد که در این جنگ کمونیست‌ها شهر به شهر دولت را به عقب‌نشینی واداشتند. (پناهی ۱۳۹۷: ۱۵۴-۱۴۹)

چین پس از جنگ تریاک از حالت جامعه فئودالی به نیمه فئودالی در آمده بود. ورود کاپیتالیسم به چین در قرن نوزدهم و نفوذ آن در اقتصاد اجتماعی چین باعث

تضعیف اقتصاد طبیعی خودکفای چین شد و سرعت تبدیل ساختار اجتماعی فئودالی به سرمایه‌داری را افزایش داد. بنابراین، تضاد اولیه درون جامعه چینی اتفاق افتاد، یعنی تضاد میان فئودالیسم و مردم؛ و امپریالیست به عنوان دشمن اصلی معرفی شد که با نفوذ در جامعه چین و در میان زمینداران این تضاد را رقم زد. انقلاب چین دو هدف داشت: مقابله با نفوذ امپریالیسم خارجی در چین از طریق انقلاب ملی و از میان برداشتن طبقه مالک از طریق انقلاب دموکراتیک. این دو مرحله در چین بدین صورت روایت می‌شد که جنگ تریاک و انقلاب شین موجب روی کار آمدن نظم دموکراتیک و ضد فئودالی و امپریالیستی گردید و در قدم بعدی، انقلاب کمونیستی در جهت تداوم انقلاب قبلی برای رسیدن به جامعه سوسیالیستی رخ داد. (شون‌چی، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۵)

هرچند کارگران و دهقانان در انقلاب بورژوا دموکراتیک شرکت داشتند، پس از آن به خواسته‌های خود نرسیدند و طبقه متوسطی در چین شکل گرفت. در نتیجه‌ی ضدیت و برخورد میان حزب ملی کومین‌تانگ و کمونیست‌ها، کمونیست‌ها با برآورد سرخوردگی توده از عدم تحقق خواسته‌های خود بعد از انقلاب شین و حملات ژاپن، در راهپیمایی طولانی به شمال چین رفته و در نبرد با نیروی خارجی پیروز شدند و خود را برای مقابله با دولت مرکزی آماده کردند. مائو با استقرار پایگاه حزبی و ارتش حزبی در روستاها و اطلاع یافتن از خواست و نظرات روستاییان به تبلیغات و آموزش در جهت جذب روستاییان و آماده کردن آنها برای مقابله با دولت مرکزی پرداخت. از طرف دیگر، اقداماتی که کمونیست‌ها در روستا انجام دادند، نظیر اصلاحات ارضی، موجب جلب رضایت روستاییان شد. با تسخیر روستاها کم‌کم دامنه اقتدار خود را گسترش داده و به سوی شهرها حرکت کردند تا نهایتاً پایتخت را به تصرف درآورده و انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ را رقم زدند.

#### ۴. شورش مسلحانه اتحادیه کمونیست‌های ایران

با انقلاب سرخ ۱۹۱۷ روسیه ما شاهد اولین دولت کمونیست در تاریخ بشر بودیم، دولتی که از دو جنگ جهانی جان سالم بدر برده و در جنگ جهانی دوم نیمی از اروپا را به کنترل خود در آورده بود. این رخ‌داده‌ها تاثیر جدی هم بر روابط بین‌الملل نهاد و هم بر همسایه‌ی پهن‌اور جنوبی شوروی؛ اما رهبران اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران بیشتر تحت تاثیر تز سه جهان مائو بودند. مائو خود را ناجی واقعی کشورهای جهان سوم معرفی نموده و شوروی و ایالات متحده را دو امپریالیست جهان‌خوار خطاب

می‌کرد. بنابراین، طبیعی بود ملتی که همواره به دنبال نیروی سوم می‌گشت، با تفکر شخصی همراه شود که هم داعیه‌ی حمایت از دهقانان و طبقه‌ی ضعیف را داشته و هم در حافظه‌ی تاریخی ملت ایران اثر سویی از او موجود نباشد. (کردی، ۱۳۸۶: ۱۸)

#### ۴-۱) نظریه انقلاب و ماهیت جامعه ایران در نظر اتحادیه کمونیست‌ها:

اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران در حین مبارزه سایر نیروهای سیاسی اپوزیسیون با رژیم پهلوی، در خارج از ایران مشغول نظریه‌پردازی بوده و درک درستی از شرایط عینی کشور و ساختار اجتماعی نداشتند. لذا پس از ورود به ایران از ماهیت توده‌ای انقلاب غفلت کرده و به مقابله به آن پرداختند. تحلیل اتحادیه کمونیست‌های ایران از انقلاب اسلامی بدین صورت بود که چون در انقلاب طیفی از خرده‌سرمایه‌داری، سرمایه‌داری ملی، و عناصر وابسته به امپریالیسم حضور داشتند، پس یک انقلاب ضد امپریالیستی است هرچند امپریالیست‌ها سعی دارند جناح متمایل به آنان قدرت را در دست گیرد (کردی، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۴).

در خصوص دولت موقت، اتحادیه معتقد بود که هرچند دولت نمایندگی همه جریان‌ها را به عهده دارد اما در مواردی دارای عملکرد متفاوت و متضاد است و چون بازرگان را فردی لیبرال و متمایل به غرب می‌دانستند، نگران مناسبات کشور با امپریالیست‌ها بودند. در خصوص روحانیت نیز اتحادیه گمان می‌کرد همه طبقات در درون این جریان نماینده دارند؛ از عناصر رادیکال، آزادی‌خواه و لیبرال گرفته تا مرتجع و حتی عامل بیگانه. (کردی، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۴)

اتحادیه چون نسبت به یکدست بودن ترکیب افراد حاضر در راس نظام سیاسی شدیداً تردید داشت، با بسیاری از سیاست‌ها و اقدامات نظام سیاسی جدید مخالفت نموده و شروع به مقابله کرد. این گروه با جزم‌اندیشی و نگاه صرفاً طبقاتی به انقلاب نتوانست ماهیت توده‌محور انقلاب اسلامی را درک کند و صرفاً به دنبال اتحاد و خودآگاه کردن طبقه‌ی دهقان و کارگر بود. حال آنکه این خود آگاهی پیش از این توسط شبکه‌ی روحانیون در مجالس عزای اهل بیت (ع) و دیگر مجالس مذهبی صورت گرفته بود و این اقشار، مخصوصاً دهقانان، خود بخشی از جامعه‌ی حامی انقلاب اسلامی بودند. بنابراین، گروه مائوئیست توان بسیج‌گری این طبقه را نداشت؛ طبقه‌ای که این گروه خود را نماینده‌ی آن می‌دانست در حالی که حتی ابتدایات زندگی آن را هم تجربه نکرده بود و صرفاً با مطالعه‌ی آثار شرقی و غربی به دیدگاه خاصی رسیده بود که در جامعه‌ی ایران کاربرد نداشت. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۰)

در مجموع، از آنجا که در نظر آنها انقلاب با رهبری طبقه کارگر پیروز می‌شود، ماهیت توده‌ای و مذهبی انقلاب ایران را نادیده گرفتند. بنابراین، به هنگام سهم‌خواهی از قدرت، متاثر از برآورد اشتباه‌شان از نیروهای حاضر در رأس حکومت، جریان حاکم را ترکیبی از خرده‌بورژوازی سنتی و بورژوازی و بازمندگان رژیم قبلی ارزیابی می‌کردند که در مقابل یک قیام مائوئیستی سرنگون خواهد شد.

#### ۴-۲) عملیات سربداران جنگل به مثابه عمل مائوئیستی:

اتحادیه کمونیست‌ها از زوایای گوناگون آمل را برای انجام مبارزه مسلحانه بررسی و انتخاب کردند، در نواحی جنگلی آن مستقر شدند و به تمرین و آموزش پرداختند. دلایل انتخاب آمل عبارت بود از: وجود انبوهی از درختان که برای پوشش مناسب بود (همچون ویتنام)؛ وجود رودخانه‌ی هراز به عنوان مانع طبیعی در برابر تجهیزات سنگین و مکانیکی و همچنین منبعی برای نوشیدن آب سالم و تمیز نیروها؛ موقعیت استراتژیک شهر در منطقه‌ی شمال و استان مازندران به همراه نزدیکی قابل‌توجه به تهران که برای قیام بسیار مهم بود؛ جنگلی غنی که می‌توانست خوراک را تا حد زیادی تامین کند؛ بافت دهقانی و روستایی این شهر که قرار بود بدنه اجتماعی شورش از میان این طبقات بسیج شود. گروه با اضافه شدن اعضای کارآموده‌تر خود در نهایت تصمیم به شروع شورش مسلحانه گرفت، شورش‌ی که به یکی از کوتاه‌مدت‌ترین و اشتباه‌ترین اقدامات مسلحانه‌ی جنبش‌های کمونیستی در ایران بدل شد.

سبک این گروه چریکی با الگوبرداری از روش مبارزاتی مائو اتخاذ شده بود. در این شیوه، کنترل روستا و سپس شهرها و در نهایت تقسیمات بزرگ‌تر کشوری مبنای اقدامات است (امری که در چین و ویتنام و کوبا جواب مثبتی داده بود). این شیوه‌ی نبرد و استفاده از جنگل به عنوان پناهگاه، پایگاه و اردوگاه مبارزه، جذب نیرو، استراحت و تجدید قوای چریک‌ها یکبار در زمان پهلوی دوم در جنگل‌های سیاهکل امتحان شده بود؛ یعنی زمانی که گروهی از مبارزان کمونیست برای آزادی دوست اسیر شده‌ی خود اقدام کردند اما فایده نداشت و صرفاً خشم کامل شاه را برانگیخت. سربداران جنگل مجدداً با تصور ضعف نظام اسلامی (به دلیل درگیری در سه جبهه همزمان) آمل را برای اقدامی مشابه برگزیدند. (کردی، ۱۳۸۶: ۵۰)

با گذشت زمان، از پایان تابستان سال ۱۳۶۰، آنها حدود ۱۸۰ نفر را در جنگل‌های اطراف آمل جمع کردند و به سه پایگاه اصلی تقسیم شده و با فاصله‌ی اندکی از یکدیگر برای امکان حمایت از دیگر نیروها مستقر شدند؛ در پایگاه‌ها سه کار اصلی انجام می‌شد: امور شخصی، امور اجتماعی و پرداختن به آموزش نظامی و عملیاتی. در

ماه آبان بود که نیروی نظامی و امنیتی منطقه متوجه حضور آنها در جنگل و برنامه آنها برای اقدام علیه نظام شدند. لذا به مقر آنها حمله کردند که در نبرد ۱۸ آبان به شکست کمونیست‌ها انجامید. (کردی، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۸)

درگیری‌هایی تا پیش از رخداد اصلی ۶ بهمن اتفاق افتاد موجب شد این گروه به علت ترس از امکان لو رفتن و احتمال حمله پیش‌دستانه‌ی نیروهای نظامی چند بار تغییر مکان دهند. در نهایت در ۵ بهمن ۱۳۶۰ قرار به آغاز عملیات شد اما پس از چند ساعت پیاده‌روی در میان برف و گل‌ولای و عبور از رودخانه‌ی بزرگ و سرد هراز در نهایت به شهر رسیدند اما به علت خستگی مفرط توان ادامه نداشتند. پس در خانه‌ی یکی از نیروهای اصالتاً آملی تحت عنوان نیروهای مبارز ضدجنگلی برای فریب محافظین شهر شب را به استراحت پرداختند تا برای روز بزرگ آمادگی لازم کسب کنند. اهداف اصلی درگیری به انتخاب رهبران شورش شامل دادگاه انقلاب، پایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج بود. بنا به تحلیل رهبران شورش، اگر نهادهای انقلابی نظیر سپاه و بسیج توان عملیاتی خود را از دست داده باشند، مردم قطعاً از شورش استقبال خواهند کرد. با این تحلیل اشتباه بود که نهایتاً یک ربع مانده به نیمه شب ۶ بهمن نبرد با شلیک آرپیجی هفت به مقر بسیج آمل آغاز گشت و تا ساعت ۶ صبح ۶ بهمن ادامه یافت. در این ساعات درگیری، گروهی از سربداران جنگل اقدام به فراخوانی مردم برای همراهی با خود و آغاز قیام همگانی توده‌ای کردند (کردی، ۱۳۸۶: ۶۶) اما با دمیدن خورشید ۶ بهمن زمانی که اخبار این شورش در شهر و روستاهای اطراف پخش شد، شاهد اتحادی مردمی بودیم که علیه کمونیست‌ها بسیج شده بودند.

## ۵. ارزیابی تطبیقی

در قالب انقلاب سرخ چین شاهد یک شورش دهقانی خاص بودیم که در راستای آن، پیش از آغاز یک قیام همه‌شمول، مائو و حزب کمونیست اقدام به یک ایجاد ارتش واقعی از دهقان کردند و در سرتاسر کشور پهناور چین پایگاه‌ها و امکانات قابل قبولی تدارک دیدند؛ تا جایی که با اطمینان از دیگر پایگاه‌های خود راهپیمایی بزرگ را آغاز کردند و از بیش از ۱۲۰۰۰ کیلومتر از جنوب به شمال را با از دست دادن ۴/۵ از کل نیروهای خود طی کردند (ون شون چی، ۱۳۸۱: ۳۳). پس از برپایی یک مرکز فرماندهی واقعی توسط مائو، شاهد بودیم که اولویت اصلی او مقابله با هجوم نیروهای بیگانه ژاپنی‌ها بود نه سهم‌خواهی از قدرت یا تمرکز بر فتح باقی کشور؛ نبرد تا

سال ۱۹۴۵ و تسلیم ژاپن در جنگ جهانی دوم ادامه یافت. شیوه‌ی پیشنهادی مائو در این جنگ، نبرد چریکی، آهسته و پیوسته، برای کسب پیروزی در بلندمدت بود. در نهایت برای مصلحتی بزرگ‌تر، حزب حاکم چین (کومین‌تانگ) و کمونیست‌های تحت رهبری مائو در برابر متجاوزین متحد شدند. اما نبرد مائو و حزمش برای کنترل پایتخت و کل کشور پس از پیروزی بر بیگانه تا ۴ سال بعد ادامه یافت. در نهایت در ۱۹۴۹ دولت ملی چین ناچار به عقب‌نشینی به سوی جزیره‌ی تایوان شد و کنترل مابقی سرزمین اصلی چین در اختیار کمونیست‌ها قرار گرفت.

این در حالی است که در شورش مسلحانه اتحادیه کمونیست‌ها آمل هیچگونه پشتوانه واقعی، چه فکری و ایدئولوژیک و چه همراهی مردمی یا دیگر همفکران و گروه‌های مسلح، را شاهد نیستیم؛ رهبران اتحادیه حتی نمی‌دانستند محلات فقیر و اصطلاحاً جنوب شهر آمل کجاست. همچنین، برخلاف کنش میهن‌پرستانه نیروهای کمونیست در چین (اتحاد با ملی‌گرایان) به هنگام مقابله با دشمن خارجی، رهبران اتحادیه هجوم بیگانه را فرصتی مغتنم شمرده و در پی بهره‌برداری از فرصتِ درگیری نظام نوپای جمهوری اسلامی با دشمن خارجی و آشفتگی مرزها و پادگان‌ها در هنگام جنگ با عراق بودند. این گواه دیگری است بر سطحی بودن برداشت رهبران اتحادیه از اندیشه‌های مائو و انقلاب سرخ چین.

در انقلاب سرخ چین، شاهد شبکه‌سازی منسجم و قدرتمندی بودیم که در نهایت به موفقیت کامل رسید، شبکه‌ای که محصول سال‌ها زندگی کمونیست‌ها در فضای جامعه‌ی وقت چین و هزینه دادن بود. در حالی که در شورش سربداران جنگل صرفاً شاهد عجله در رسیدن به هدف بدون درک درست از جامعه ایران و نیازهای واقعی مردم بودیم، به همراه رهبرانی که در خیالات به نظریه‌پردازی مشغول بودند. همین امر در نهایت به شکست کامل برای این چریک‌های مائوئیست تبدیل شد. برداشت اشتباه آنها، هم از جامعه ایران و هم از تفکر مائو، ریشه در خواستگاه طبقاتی رهبران اتحادیه دارد. آنها افرادی از خانواده‌های عمدتاً ثروتمند و تحصیل کرده در دانشگاه‌های غرب بودند که ارتباطی با جامعه‌ی مذهبی ایران نداشتند و با تفکرات خاص نخبه-محور، خود را ناجی طبقه دهقان و کارگر ایرانی می‌پنداشتند که باید توده را به مبارزه فراخوانده و قدرت آن را به نمایش گذارند؛ آنگونه که در چین و ویتنام جواب داده بود. (کردی، ۱۳۸۶: ۱۸). آنها درک درستی از ماهیت انقلاب اسلامی نداشته و صرفاً با اعتقاد راسخ بدون ذره‌ای شک در خصوص همراهی دهقانان دست به شورش زدند؛ گویی مسخ ایده‌ی مبارزات چریکی گشته و به‌دنبال جرقه‌ای برای حرکت قطار انقلاب



توده‌ای بودند. اتحادیه کمونیست‌ها حضور فعال اقشار مختلف جامعه در انقلاب را به عمد یا به سهو نادیده گرفتند و تفاوت مهم وجود ساختار منسجم در چین و عدم وجود آن در ایران ندیدند.

بعلاوه، باورهای مذهبی و اعتقادی در بین جامعه ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشت، در حالی که برای مائو و رفقای چینی‌اش کمونیسم راه نجات از بحران و مبارزه با متجاوز بوده و تیری در جهت رهایی چین جلو می‌گرفت. (ون شون چی، ۱۳۶، ۱۳۸۸) اما در ایران، باور و اعتقاد مذهبی به قدری اثرگذار بود که زمینه‌ی مقاومت در برابر استبداد داخلی و وابستگی خارجی در قالب جنبش انقلابی را فراهم کرد و در هنگام دفاع مقدس نیز نیروی لازم برای بسیج مردمی را تدارک دید. در همین راستا، در یک شهر مهم و استراتژیک نیز مذهب محرک مقابله با چریک‌هایی با افکار ایدئولوژیک وارداتی شد تا از انقلاب خود محافظت کند. با این اوصاف، یکی از اشتباهات مهم سربرداران جنگل عدم توجه به نقش و جایگاه رهبر مذهبی ایران بود. رهبران اتحادیه این تفاوت مهم میان تجربه چین و ایران را نادیده گرفتند که در انقلاب کمونیستی چین، در هنگام عملیات نیروهای انقلابی، نیروی کاریزما (مائو) در سمت آنها قرار داشت و اما در قیام‌های کمونیستی، نیروی کاریزما (امام خمینی) در سمت مقابل.

## ۶. نتیجه‌گیری

دغدغه پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش بود که چگونه می‌توان ناکامی این شورش را از منظر تطبیقی مورد تحلیل قرار داد؟ فرضیه پژوهش این بود که ناکامی پیش‌گفته را می‌توان ناشی از تعمیم شتابزده نظریه و عمل مائوئیستی دانست، بدین معنا که چون اتحادیه در حین مبارزه و پیروزی انقلاب در خارج از کشور سرگرم نظریه‌پردازی بودند، به ادراک دقیقی از شرایط جامعه ایران و ماهیت توده‌ای و مذهبی انقلاب دست نیافتند. لذا کاربست الگوی مائوئیستی توسط آنها نتیجه‌ی معکوس به بار آورد. پژوهش حاضر تلاش داشت تا با بهره‌گیری از رویکرد انتقادی و در قالبی مقایسه‌ای به اثبات این فرضیه بپردازد.

رهبران اتحادیه کمونیست‌های ایران برخلاف مائو که بر ارتباط با توده‌ها برای آگاهی از خواسته‌ها و نظرات آنها در جهت تدوین خط‌مشی و تصمیمات تاکید می‌کرد، صرفاً روشنفکرانی بودند که بدون ارتباط با بدنه جامعه دست به تجزیه و تحلیل شرایط زده بودند. لذا برخلاف مائو که معتقد به نقش توده‌ها در پیشبرد انقلاب بود آنها نقش توده‌ها را نادیده گرفته و صرفاً بر توانایی تعداد اندکی چریک انقلابی حرفه‌ای برای

آغاز عملیات متمرکز شدند، با این تصور که در ادامه توده‌ها به آنها خواهند پیوست. مقاومت مردمی در آمل بطلان این تصور را اثبات کرد.

### فهرست منابع

- احمدی حاجیکلایی، حمید (۱۳۸۷). جریان‌شناسی چپ در ایران، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۱). شورشیان آرمانخواه: ناکامی چپ در ایران، ترجمه: مهدی پرتوی، تهران: ققنوس.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۷). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند، پیامدها، تهران: سمت.
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵). شهر هزار سنگر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شون چی، ون (۱۳۸۱). مائو و مائویسم، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: خجسته.
- کردی، علی (۱۳۸۶). اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علم.



## نقش سردار حشمت‌الله طاهری در عملیات شیم‌کوه (حماسه‌ی آمل)

فرزانه دهقانی (بوشهری)<sup>۱</sup>

### چکیده

حماسه بزرگ رزمندگان اسلام در شیم‌کوه آمل - دوازدهم اسفند ۱۳۶۱، در واقع پایانی بر تفکرات و اقدامات تجزیه‌طلبانه کمونیست‌های مستقر در جنگل‌های شمال کشور بود. این عملیات، سبب شکست کامل، تسریع در دستگیری عناصر بازنده و محکومیت اعضای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» شد. از این‌رو، دلاوری و جان‌فشانی‌های مردم و رزمندگان در (سطح جنگل) و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل، همچنین قبل و بعد آن؛ در تاریخ انقلاب اسلامی برای همیشه ماندگار خواهد بود. سوال اساسی این است که آیا نقش فرماندهان از جمله شهید جانباز حشمت‌الله طاهری از بُعد عقیدتی و ولایت‌پذیری، مدیریت و فرماندهی موفق، بکارگیری راهبردهای قوی عملیات نظامی به ویژه در شرایط منطقه‌ای سوق‌الجیشی، جنگ‌های پارتیزانی و ضدچریکی شیم‌کوه موثر بود یا خیر، چرایی آن مهم است؟ در این رابطه، بر اساس فرض مسئله می‌توان گفت: شخصیت و نقش حشمت‌الله طاهری، این سرباز شجاع و جان‌بر کف در عملیات شیم‌کوه نیز موثر و برجسته بود که در این مقاله با ذکر از موارد شخصیتی این فرمانده و عملکرد وی، موضوع به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نتایج آن در آینده برای نسل جوان مورد استفاده قرار گیرد.

**کلید واژگان:** حشمت‌الله طاهری، اتحادیه کمونیست‌های ایران، جنگل آمل، عملیات شیم‌کوه، حماسه آمل

---

<sup>۱</sup> دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه و نویسنده ادبیات دفاع مقدس

## مقدمه

از پگاه تاریخ زندگی بشر بر روی کره خاکی و از آن هنگام که دست قابیل به خون هابیل آلوده گشت، پایه دو جریان حق و باطل نهاده شد. هابیل که مظهر ایمان، صدق و اخلاص بود، اولین شهید تاریخ است. در نقطه مقابلش قابیل، که نفسی حریص و زیادی‌خواه داشت، حقد و حسد وجودش را ملامت از نفرت نموده بود و به ناحق دست خویش را به خون برادر آلود و اولین شقی تاریخ شد. بدین ترتیب این حادثه آغاز شکل‌گیری دو جریان حق و باطل در تاریخ شد.

انقلاب شکوهمند اسلامی بر سه پایه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی شکل گرفت که امواج توفنده آن گستره‌ی جهان را در نوردید. دشمنان اسلام، از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب، توطئه‌های فراوانی را تدارک دیده و به کار بستند تا جمهوری نوپای اسلامی را به زانو درآورده و شکست دهند. در این دوران استعداد‌های شگرفی از جای جای ایران اسلامی از قوه به فعل درآمدند. افسران رشیدی قد برافراشتند و حماسه‌ها خلق کرده و افتخارات خیره‌کننده‌ای برای این سرزمین کسب نمودند؛ تا از تمامیت ارضی کشور و کیان انقلاب و نظام و حریم اسلام ناب محمدی (ص) جانانه دفاع نمایند.

سال ۱۲۶۱ زادروز شهید رئیس‌علی، بزرگ مرد قیام جنوب است که با نیروهای مردمی، در بندر کوچک دلوار امپراطوری انگلیس را به زانو در آورد. از طرفی میرزا کوچک‌خان جنگلی، ستارخان و باقرخان هم به پا خواستند و در گوشه‌گوشه ایران به رهبری علمای اسلام در تاریخ این سرزمین حماسه‌هایی رقم زدند که مانا شدند. درست یکصد سال بعد در زمان رهبری حضرت امام خمینی «ره» در سال‌های ۶۱-۱۳۶۰، مردم مسلمان، دشمن‌شناس و غیور آمل به تأسی از نهضت خون‌بار حسینی در برابر گروهک‌های ملحد و محارب وابسته و خائن به اسلام و ملت، به تمام قد ایستادند و با توکل به خدا در این برهه از تاریخ نیز صلابت و ماندگاری خود را به اثبات رساندند. آنان هم‌چون رئیس‌علی دلواری، باشجاعت و پایمردی مقاومت کردند و نه تنها زیر بار سلطه نرفتند؛ بلکه در مقابله با بی‌قانونی و هرج و مرج‌های تجزیه‌طلبانه اتحادیه کمونیست‌های هم‌نوا با غرب و شرق، پایمردی کردند و آنان را در میان راه جبهه‌ی شمال واژگون نمودند.

سال‌های زیادی از حماسه مقاومت اسلامی مردم شریف آمل در طول سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۱ به ویژه ششم بهمن ماه سال شصت مردم آمل در خطه‌ی پهن‌اور و پراهمیت شمال کشور می‌گذرد. در پاسخ این که چرا و در چه مقاطعی حضرت امام

خمینی (ره)، چند مرتبه از شهر و مردم آمل، آن‌گونه تشکر کرده؛ می‌توان اذعان داشت، این حماسه زمانی که از سوی همه‌ی جریان‌های کفر و الحاد، افیون توده‌ها تلقی می‌شد و حضور گسترده مردم همیشه در صحنه‌ی آمل سبب تضعیف دشمنان و شکست معنی‌دار جبهه‌ای کفر و نفاق از تبار قابیلیان بود که تاریخ‌ساز شد. شهید حشمت‌الله طاهری از مصادیق بارز این توصیف است که در ادامه سعی داریم که ضمن معرفی او، نقش راهبردی و ویژگی‌های مدیریتی ایشان در اوج دوران جوانی را بیان کنیم و به شخصیت، حضور پرصلابت و تصمیم‌های راهبردی‌شان در زمان سخت، فداکاری‌هایشان در عملیات جنگل آمل بخصوص شیم‌کوه و ولایت‌مداری‌شان در ایفای وظیفه بپردازیم.

این نوشتار در چند بخش تدوین یافته: ۱. روش تحقیق و پیشینه؛ ۲. یافته‌های تحقیق در هفت قسمت دیگر شامل معرفی «اتحادیه کمونیست‌های ایران»، معرفی «شهید حشمت‌الله طاهری»، «حماسه‌ی شیم‌کوه آمل»، «مدیریت نظامی حشمت‌الله طاهری»، «اخلاق مدیریتی و فرماندهی او»، «جانبازی تا شهادت»، ۳. نتیجه‌گیری در بخش پایانی می‌باشد.

### ۱. روش تحقیق و پیشینه

در رابطه با ضرورت مطالعه باید گفت نایافته‌هایی از حاج محمد‌ها و حشمت‌الله‌ها و یدالله‌ها و شهیدان گرائیلی‌ها و محمدیان‌ها است که قدر این افراد و حتی حماسه‌ی شهر و جریان جنگل آمل و جبهه‌ی شمال کشور خوب شناخته نمی‌شود. تلاطمی در درون انسان‌های آگاه و دلسوز هست که باید قدر و عظمت این عزیزان را به نسل‌های بعد بشناسانیم. به نظر می‌رسد که در رابطه با حماسه آمل و جبهه‌ی شمالی<sup>۱</sup> در طول سال‌های اول انقلاب اسلامی، به جز شرح چند اتفاق ساده و نادر فردی یا جمعی پراکنده و ناکافی، کمتر به نقش فرماندهان، رزمندگان یا حتی مردم و نهادهای انقلابی به صورت مستقل و علمی پرداخته شده است.

در رابطه با جریان جنگل شمال و دلاورمردی آنها در عرصه شهر و روستا با حداقل ۵۵ درگیری مستقیم در رابطه با جنگل شمال مطالب قابل توجهی وجود ندارد. البته حداقل نُه مورد آن مربوط به جنگل آمل بر محور دو شبیخون گروهک‌های طیف

<sup>۱</sup> جبهه سوم هم پس از جبهه‌های جنگ مرزی و کردستان گفته می‌شود.

منافق، معاند و محارب در تاریخ ۱۸ آبان و ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ به شهر آمل است (شعبانی، محمد: ف ۲، ۱۳۹۴). این مقاله سعی دارد در رابطه با نقش بارز شخصیت فردی و اجتماعی، هم‌دلی، ایثار و تدابیر دوران سخت سردار حشمت‌الله طاهری به‌ویژه یکی از عملیات‌های مهم جنگل آمل (شیم‌کوه) در ۱۲ اسفند سال ۱۳۶۱ و خدمات این چهره پاک‌باخته بپردازد.

در بررسی پیشینه تحقیق، چهار منبع وجود داشت:

- منصوری لاریجانی کتابی را با عنوان "سردار خوبیها" که در خصوص شهید حشمت‌الله طاهری قلم زده و در آن به معرفی کامل شهید از زندگی نامه تا شهادت و فرماندهی شهید طاهری اشاره می‌کند (منصوری لاریجانی، اسماعیل: ۱۳۹۹).

- ولی نژاد در کتاب "نماز باور" که به روایت از اسماعیل سیاحی از فرماندهان جبهه مبارزه با جریان‌های ضدانقلاب در جنگل‌های شمال به رشته تحریر در آمده، در بخش‌هایی از این کتاب به ردپای اتحادیه کمونیست‌ها و حماسه ششم بهمن، و همچنین از دوران‌دیشی و خلاقیت و دلسوزی و توانایی حشمت‌الله طاهری نیز تبیین شده است (ولی نژاد، منور: ۱۳۹۶).

- صادقی مال امیری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود به طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان سپاه در دفاع مقدس پرداخته‌اند. حاصل این تحقیق، الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان سپاه در دفاع مقدس متشکل از ۵ بعد، ۱۸ مؤلفه و ۴۶ شاخص است که بر مبنای مبانی نظری تحقیق، دسته‌بندی و اولویت‌بندی گردیده است.

- ابعاد الگوی تصمیم‌گیری فرماندهان در دفاع مقدس به ترتیب اهمیت و سهم‌شان در سنجش این الگو عبارت‌اند از: ظرفیت و توان تصمیم‌گیری، فرآیند تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرنده، ماهیت تصمیم‌گیری و محیط آن که هر کدام دارای مؤلفه، شاخص مربوط به خود است. خودسیانی و همکاران در این تحقیق با عنوان «بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده از منظر فرماندهان عالی جنگ» به بررسی و تبیین نقش فرماندهی در دوران دفاع مقدس به‌منظور ارائه الگویی مناسب جهت هدایت صحنه جنگ در نبردهای احتمالی آینده می‌پردازند. محققان در این تحقیق به شاخص‌هایی دست یافتند که شامل قاطعیت در تصمیم‌گیری، ارتقای روحیه و انگیزه‌ی نیروها، ابتکار و خلاقیت، اخلاق فرماندهی، فراهم نمودن زمینه‌ی خودباوری، مشارکت دیگران در تصمیم‌گیری‌ها، ارائه‌ی نیرومند



و استوار و روحیه‌ی تزلزل‌ناپذیر و دوران‌دیش است (خودسیانی، مصطفی و دیگران: ۶۹ تا ۱۰۸، ۱۳۹۱).

در این مقاله، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی (اسنادی-کتابخانه‌ای) استفاده شده است. در تدوین این اثر از مطالعه کتب و مقالات، گزارش‌ها و اسناد ستاد مردمی حماسه‌ی اسلامی شهرستان هزار سنگر، به‌ویژه روایت جمعی رزمندگان شیم‌کوه (سال ۱۴۰۰- در دست تدوین) می‌باشد؛ مصاحبه‌ی نگارنده با خانواده معظم شهید و برخی هم‌زمان وی نیز استفاده مطلوب شده است. پژوهش حاضر از حیث هدف، ذیل تحقیقات توصیفی قرار می‌گیرد.

## ۲- یافته‌های تحقیق

### ۲-۱- اتحادیه کمونیست‌های ایران:

سازمان انقلابیون کمونیستی در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹ میلادی) با ماهیتی متفاوت که تعدادی از اعضای جبهه ملی و عده‌ای از طرفداران احمد کسروی و برخی دیگر از نیروهای روشنفکری ایران عضو آن بودند، در خارج از کشور تشکیل شد. گروهی از دانشجویان ایران عضو این سازمان، به‌ویژه جمعی از فرزندان کارکنان شرکت صنعت نفت در خوزستان، سازمان دهنده‌ی اصلی و پایه‌گذار اتحادیه کمونیست‌های ایران "در سال ۱۳۵۵ با مشی مائوئیستی بودند. اغلب آنان با بورسیه دوران پهلوی بودند و با پول ملت برای تحصیل عازم دانشگاه برکلی آمریکا شدند. پس از آن نیز در آمریکا اقامت گزیدند، اما با اوج گرفتن انقلاب اسلامی بنا به شرایطی مشکوک، تحریک پلیس آمریکا، به ایران بازگشتند.

این گروه کمونیستی در اواسط سال ۱۳۶۰ عمدتاً در چند استان به‌ویژه خوزستان، کردستان و تهران، فعالیت هدف‌مند داشتند. این گروهک با اغلب گروه‌های سیاسی ضد انقلاب در ارتباط بوده و در صدد ایجاد ائتلاف هشت گروه منافق، معارض و معاند انقلاب اسلامی برآمده، ولی در این کار موفق نبودند. اتحادیه کمونیست‌ها با رویکردی پر از نفاق و با تبلیغات گسترده، حضور برخی از اعضای خود را در مناطق جنگی جنوب و کردستان، در بوق و کرنا کردند و در مجموع می‌شود گفت رفتاری منافقانه با جمهوری اسلامی ایران داشتند. در غائله معروف جریان بنی‌صدر در چهارده

اسفندماه سال ۱۳۵۹ دانشگاه تهران حضور فعال داشتند. پس از عزل بنی‌صدر همانند سایر گروهک‌های ملحد و التقاطی دست به اسلحه بردند (کردی، ۱۳۹۴، ۱۵ تا ۲۵).<sup>۱</sup>

«اتحادیه کمونیست‌های ایران» طولانی‌ترین حضور در جنگل شمال - نزدیک دو سال - را در میان جریانهای سیاسی داشتند. قوی‌ترین و تشکیلاتی‌ترین گروه مستقر در جنگل مذکور - با تجمع و حضور کامل در شهرستان آمل - مربوط به این اتحادیه است.

سرانجام این گروهک معاند کمونیستی با ذهنیت و تمهیداتی فعالیت خود را با تدارک و حمل سلاح و آذوقه در جنگل آمل از شهریورماه سال ۱۳۶۰ آغاز شد و تا اواخر سال ۶۱ ادامه دادند. امکان تهیه و حمل آذوقه در جنگل در اوایل استقرار تا ۱۸ آبان ۱۳۶۰ و تردد آسان برای آنان فراهم باشد.

خونسردی و مدارای مقامات جمهوری اسلامی تا قبل دست بردن به اسلحه هم مزیت برعلت شد. اتحادیه کمونیست‌ها به زعم خود، همه‌گونه شرایط را برای طرح حمله گسترده اول با «راهبرد استقرار» به شهر آمل مهیا دید؛ اما به فضل الهی با وجود تغییر راهبرد، کید دشمن به خودشان برگشت. نه تنها در اوج آمادگی‌شان، بلکه در مجموع دو شبیخون هجده آبان با ۲۰۰ نیرو و ششم بهمن با ۱۰۰ نیروی مسلح از تحرکات اتحادیه کمونیست‌ها به شهر آمل (و ۸ درگیری دیگر در جنگل) نیز بهره‌ای نبردند. با از دست دادن دو - سوم اعضای خود در گرداب ششم بهمن (۱۳۶۰) آمل، در نهایت در ادامه‌ی سیر شکست‌های خود با حضور ۱۴ نیروی مسلح در عملیات جنگل شیم کوه (۱۲ اسفند ۱۳۶۱) طعم شکست نهایی را برای همیشه چشیدند (مجله شونا، ویژه نامه ۱۴۰۰).

## ۲-۲- معرفی حشمت‌الله طاهری

شهید حشمت‌الله طاهری را از نزدیک می‌بایستی شناخت تا همه‌ی خصلت‌های او را در محیط خانواده‌ای مقید، زندگی اجتماعی و رزم‌های ضدچریکی و نبرد علیه قابیلیان در جبهه‌های کفر و نفاق و در جمع‌های پاسداران سپاه (و کمیته‌ی ۱۱) آمل و رزمندگان لشکر ویژه ۲۵ کربلا در جبهه‌های داخلی و مرزی بشناسیم.

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر رج شود به:

خانی، مهدی (۱۳۹۹: صص ۴ تا ۷)؛ سپاه منطقه سه استان‌های شمالی (۱۳۶۱: ف یک)؛ محمدی‌فر؛ مهدی (۱۳۹۵: ۵۱ و ۱۲۷)؛ زندی، محمد علی (۱۳۹۳).

ایشان متولد سال ۱۳۳۸ در روستای بومرحله آمل است. حاج آقا حبیب‌الله پدر خانواده با کار کشاورزی و دامداری امور زندگی را اداره می‌کرد و در کنار آن شکسته‌بند بوده و در صورت لزوم دندان هم می‌کشید و حجامت هم نیز انجام می‌داد. مادر، باجی خانم پنداری علاوه بر کار منزل در کارهای کشاورزی و دامداری به همسرش کمک می‌کرد. حجت‌الله، عزیزالله، روح‌الله و حشمت‌الله، و طاهره، عالیبه و منصوره هفت فرزند آنان بودند.

در این خانواده مذهبی و خوشنام، شهید حشمت‌الله، روح و جانس در دوران کودکی با اسلام و قرآن و احکام نورانی شریعت رشد کرد به طوری که در دوران دبستان در روستایش، از تمامی همکلاسی‌هایش پیشی می‌گرفت و مورد تشویق معلمش واقع می‌شد. ایشان مقاطع تحصیلی بالاتر را با اقامت در تهران نزد برادر بزرگش حجت‌الله، در دبیرستان احمدیه آغاز کرد و در دوره دبیرستان با نام امام خمینی (ره) و نهضت اسلامی آشنا شد. شهید حشمت‌الله به دلیل رفت و آمد به آمل بسیاری از دوستان و نزدیکان خود را در جریان اوضاع کشور قرار می‌داد و از سال ۱۳۵۵ بیانیه‌ها و اعلامیه‌های امام خمینی (ره) را برایشان می‌خواند و افراد مستعد را به مبارزه با رژیم پهلوی آماده می‌کرد.

از آنجا که در آغاز انقلاب اسلامی گروه‌های مختلفی نظیر حزب توده، سازمان منافقین خلق، فدائیان خلق و گروه‌های ملی‌گرا علیه نظام شاهنشاهی شعار می‌دادند، ایشان با بیان معیارهای خط امام، دوستانش را از گرایش به گروهک‌ها برحذر می‌داشت و با طمأنینه و صبوری خاص خودش با آنها وارد مباحث می‌شد و هرگز از لجاجت و تندوی دوستان ناراحت نمی‌شد. به راستی شهید حشمت‌الله از سابقون بود.

او بعد از انقلاب، وظیفه و تکلیف را پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن می‌دانست. با افتخار لباس سبز پاسداران را بر تن کرد. لباسی که نشانه‌ی بیعت با ولایت و راه اهل بیت (ع) است و معتقد بودند هر کسی را امام زمان (عج) نشان کند، پاسدار انقلاب اسلامی خواهد شد. شهید حشمت‌الله آرمان‌ها و اهداف بلندمدتی را تعقیب می‌کرد که در نامه‌ها و وصیت‌نامه عمومی و خصوصی، بر آنها تاکید فراوان داشت که از آن جمله می‌توان به حفظ وحدت کلمه در برابر توطئه‌های دشمن و مقابله با اشرافی‌گری، تحصیل فضائل اخلاقی و تعلیم و تربیت اسلامی، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و حمایت از مستمندان اشاره کرد.

از جمله کمالات شهید می‌توان به عامل بودن او به پرهیز از گناه و امر به معروف و نهی از منکر، جوانمردی، عدالت‌گرایی، گشاده‌رویی و حوصله، صلح‌ارحام، عشق به اهل

بیت(ع) و بعد خانواده، داشتن روحیه تعاون و فعالیت اجتماعی، قدرت نفوذ و رهبری بر دل‌ها، همدردی و همدلی با دیگران و غیره اشاره کرد.

حشمت‌الله طاهری در سن بیست و دو سالگی در سال ۱۳۶۲ دینش را کامل کرد. او با دختری مومن از خانواده‌ای اصیل و مذهبی به نام حاجیه خانم طیبه خزاعی ازدواج کرد. پدر همسر ایشان از بسیجیان مخلص و ایثارگر بود. شهید به همه هم‌سالان خود که قصد ازدواج داشتند، یاری می‌رساند و همواره بر سلامت اخلاقی و دینی و تربیت خانوادگی همسر مورد نظر تاکید می‌کرد. حاصل این ازدواج پربار در سایه‌ی خصلت‌های متعالی فردی و تربیتی، سه فرزند متعهد و متخصص برای جامعه بود.

### ۲-۳- حماسه‌ی شیم کوه امل

نقش سردار حشمت در عرصه مقابله با حق علیه باطل، فراتر از عملیات شیم کوه است. اما یک پرده از نبرد هابیلیان و قابیلیان در صبح و عصر دوازدهم اسفند ۱۳۶۱ وقوع پیوست. شیم کوه صحنه‌ی نبردی حساس و نهایی جریان جنگل امل با عناصر گروهک موصوف به «اتحادیه کمونیست‌های ایران» بود. اما قبل‌تر آن چه گذشت، مهم است.

شکست تاریخی همراه با تلفات سنگین مهاجمان مسلح در گرداب ششم بهمن ۱۳۶۰ شهر و حماسه‌ی مردم امل، برای استکبار جهانی و عوامل داخلی آنها عبرت‌آمیز بود. با این‌وصف، با تمهیدات و جان‌فشانی شبانه‌روزی فرماندهانی نظیر جانباز شهید حشمت‌الله طاهری حضور کمونیست‌های ایران در جنگل شهرستان امل به مرور کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر کرد به‌گونه‌ای که پس از ده ماه استقرار در جنگل امل، خرداد ۱۳۶۱ به‌طور کامل از جنگل امل خارج شدند. با این اوصاف در بهمن ماه سال ۱۳۶۱ (ده ماه بعد) سروکله‌ی تعداد معدودی از آنها برای ورود به جنگل کلرد و شیم کوه پیدا شد که در زیر بیشتر بدان می‌پردازیم (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی امل، شیم کوه ۱۴۰۲):

حاج محمد رنجبر به عنوان فرمانده ارشد عملیات شیم کوه بیان کردند: سه گروه حمله‌کننده مستقل با یک فرمانده و یک دستیار و یک راهنمای محلی، هر گروه مرکب از یازده نفر وارد عمل شدند. سه گروه از جبهه غربی با تمهیداتی قبلی و قید فوریت عازم شیم کوه شدند. آغاز حمله از سوی گروه هجوم میانی با کمک دو گروه محاصره و پشتیبانی مستقر در جناحین شمالی و جنوبی تلار، با شلیک آرپی‌جی کله‌ی صبح به تجمع دشمن در تلار همراه با تسلط همه‌جانبه و فوری مرتبط و گره خورده بود. از این طریق، امکان دستگیری آنها برای کار اطلاعاتی بیشتر روی سایر

نیروهای دشمن نیز فراهم می‌شد. در طرح عملیات، اصل غافلگیری و تارومار کردن حلقه‌ی هوشیاری و آمادگی قبلی دشمن دیده (و تاکید) شد.

ایشان افزودند: «اما نیروهای اعزامی وقتی به چند قدمی تلار رسیدند که نیروهای دشمن در آن وقت صبح بیدار و مشغول بودند. با این وصف، برخی بدون اسلحه و فاقد شرایط نگهداری در حین غافلگیری، در تیررس نیروهای اعزامی قرار گرفتند. شرایط آنقدر فراهم بود که، حسن اسماعیلی فرمانده عملیات در صحنه‌ی اولیه نبرد قصد تمرکز و دستگیری دو-سه تن از کمونیست‌ها در بخش شمال غربی تلار از پشت سر داشتند. اما یک لحظه صحنه برگشت و اتفاق نادری رقم خورد. در مدت کوتاهی از جمع فرماندهان و عوامل موثر (آرپی‌جی‌زن)، سه تن در دقایق اولیه نبرد صبح (دوازدهم اسفند)، یکی پس از دیگری به فیض شهادت نایل آمدند»<sup>۱</sup> (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، شیم‌کوه، ۱۴۰۲).

حاج محمد ادامه دادند: از ستاد عملیات آمل با بی‌سیم‌چی عملیات صبح در ارتباط بودم. از شهادت جان‌سوز سه تن در عملیات صبح شیم‌کوه مطلع شده، بی‌درنگ عزم ورود به صحنه نموده تا با ادامه کار، نبرد را به پایان ببریم. تمهیدات قبلی هم چنین بود که در شرایط اضطرار، گروه چهارم به فرماندهی اینجانب به سرعت از نواحی شرقی شیم‌کوه وارد عمل شود. حشمت‌الله طاهری با توان رزمی بالا، دو راهنمای محلی و تعدادی از نیروهای جوان مرا همراهی کردند. وقتی به منطقه‌ی درگیری رسیدیم. تا این موقع (دقایقی از ظهر گذشته)، «دیدیم هیچ اطلاعی از تلفات افراد مسلح ندارند! عناصر دشمن از همان دقایق ابتدایی و محدود درگیری باتفاق زخمی‌هایشان، به سرعت راه فرار را درپیش گرفتند. با سازماندهی مجدد نیروها، تمهیداتی را با کمک موثر و خالصانه حشمت‌الله طاهری به اجرا گذاشتیم. با هدایت و اصرار یکی از راهنمایان، اطراف تلار را گشتیم. با پیدا کردن دو جنازه کمونیست‌ها از عملیات صبح و چند مورد ردپای فرار دشمن، آثار خون‌هایی در آن حوالی پیدا کردیم. این خبری هیجان‌انگیز و روحیه بخش بود و تسکینی بر شوک از دست دادن فرماندهان صبور، جان‌برکف و ثابت قدم عملیات صبح گردید. به گونه‌ای که سردار حشمت طاهری سجده شکر به جای آورد».

اخوت نیز گفت: منطقه مورد نظر که شیب‌دار و جنگلی بود، در واقع عرض دو دره (منگل و کلرد) را مورد پیمایش قرار دادیم. در بخش جنوبی تلار به دو جنازه دشمن

<sup>۱</sup> سردار حسن اسماعیلی، سردار فتح‌اله شکری و عباس‌علی برزگر فاضلی شهدای عملیات صبح بودند.

برخورديم. اسناد محتوای داخل جیب کشته‌ها غنیمت گرفته شد. با خاتمه این پاک‌سازی و جمع شدن نیروها، آثار خون و کشیدن زخمی‌ها یا کشته‌ها در نواحی شمالی و شمال غربی تلار هم آشکار و محرز شد؛ معلوم شد که دو زخمی نیز در محل کندن گودال در شمال غربی تلار داشتند... اینجا در جهت تقدیر از جمع نیروهای عمل‌کننده، حاج محمد رنجبر، حشمت‌الله طاهری و دایی قربان خیری بیش از همه ابراز احساسات و سرور داشتند. حشمت در عالم دیگری بود... (این از تعبد و خلوص او بود).

از روایت جمعی رزمندگان شیم‌کوه چنین برداشت می‌شود که، پس از آمدن نیروهای پشتیبانی به شیم‌کوه، جمع تعداد نیروهای چهار گروه عمل‌کننده، به حدود چهل تن رسید. ادامه‌ی این توقف زیاد در محلی کوچک و نسبتاً تخت جنگلی از یک‌طرف اصولی نبود؛ مهم‌تر در آستانه‌ی برگشت و عملیات تعقیب بودیم بایستی سریع‌تر عمل کنیم. امکان خوردن به تاریکی شب هم زیاد بود؛ از این‌رو شرایط خطرناک می‌نمود. تمهیدات ساده‌ی محلی برای انتقال دستی و سریع پیکر مطهر سه شهید و جنازه‌های عملیات صبح از قبل انجام شد. اما به جهت دشواری حمله شبانه پیکر پاک شهید، جنازه‌های دشمن و وسایل غنیمتی؛ همچنین امکان عملیات پیش‌روی و پاک‌سازی نواحی صعب‌العبور، درخواست اعزام بالگرد پشتیبانی شد. امکان نشستن پرنده از منظر خلبان فراهم نبود. در هر حال، توفقی بیش از اندازه پنج- شش ساعته صبح (پس از درگیری)، مشکلاتی را ایجاد کرد. این شرایط، عملیات تعقیب و پاک‌سازی گذرگاه‌های صخره‌ای را که سخت بود و پیچیده کرد.

سایر روایان صحنه چنین روایت کردند: رویت اولیه‌ی دشمن در محل کمین‌گاه، وقتی بود که به جهت نزدیکی تاریکی شب، رزمندگان می‌بایستی ضمن پاک‌سازی نواحی شرقی تلار شیم‌کوه، حرکت خود را تا جاده هراز ادامه دهند. اما در میانه‌هایی راه منگل، دسته‌ای از نیروهای پیش‌رو در تله‌ی کمین معدود نیروهای شکست‌خورده دشمن قرار گرفتند. با اطلاع‌رسانی، هماهنگی و فرمان سریع با مشورت حشمت‌الله طاهری و دیگران، از سلسله مراتب فرماندهی ستون، دستور پشتیبانی، اجرای ضد کمین و محاصره‌ی سریع کمین‌گاه دشمن، از سه طرف (با موقعیت طبیعی چهار سمت) صادر شد. دو عملیات کوتاه ضد کمین هم‌زمان از بالا و از پهلو، همچنین حضور گروهی دیگر در پایین (سه طرف)، همراه با جان‌فشانی شهید و رزمندگان این حماسه، کارساز شد و همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، با کمترین تلفات ممکن، خاتمه درگیری غروب شیم‌کوه را ظرف نیم‌ساعت رقم زدند. در واقع خاتمه وقایع

شهرستان هزار سنگر آمل با شکست سنگین دیگر موجب ختم حرکت فکری و نظامی اتحادیه کمونیست‌های ایران در جنگل‌های آمل و شمال کشور شد.

#### ۲-۴- مدیریت نظامی حشمت‌الله طاهری

یکی از فرماندهان عملیات صبح گفت: ما که از میان دو گروه بچه‌ها شاهد صحنه‌ی درگیری‌های غروب بودیم. حاج محمد رنجبر به اتفاق جمعی به لبه نواحی بالای دیوار صخره‌ای، کمی سمت جنوب رفته بود. هم‌زمان شلیک سایر نیروها، حاج محمد با پرتاب چند نارنجک به پایین (رو به شرق) دشمن را هدف قرار می‌داد؛ زمان طلایی فرا رسید. افراد دشمن در محل صخره‌ای گیر افتادند. یا می‌بایست تسلیم شوند یا به درگیری تا آخرین گلوله ادامه دهند؛ متأسفانه آنها راه دوم را انتخاب کردند. اما از اقدام پارتیزانی و ضد چریکی شهید حشمت‌الله {این حشمت خدا} نیز باید بیشتر گفت و پرداخت (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، شیم‌کوه، ۱۴۰۲).

سایر راویان صحنه گفتند: پس از رویت دشمن، شهید حشمت‌الله طاهری از بالا به گذرگاه پایینی رفت، تا به تعدادی از نیروهای زمین‌گیر ما در کمین دشمن کمک کند. حشمت با تردستی به همه‌ی نیروهای کمک کرد تا بکشند بالا {پشت یال کلرد}. راوی (اخوت و دیگران) افزودند: ما در گذرگاه پایین، به ندرت فرصت تغییر موضع و پناه‌گیری داشتیم. نیروهای دشمن (که اغلب چریکی ورزیده و آبدیده، همانند گرگی باران دیده، اما مبهوت و زخم خورده از عملیات صبح بودند)، امکان تیراندازی از جان‌پناهی مناسب و صخره‌ای بالا آسان بود؛ هم دقیق و موثر عمل کردند. در حالی که، تعدادی از ما در گذرگاهی شیب‌دار و صعب‌العبور پایین، جایی نسبتاً هموار با بوته‌ها و درختچه‌های قد و نیم‌قد، فاقد هرگونه شیار یا سنگ‌های مناسب برای استتار قرار داشتیم.

در واقع این شرایط، پناه گرفتن و نبرد را سخت کرد. نبرد فقط در حالت درازکش و تغییر موضع امکان‌پذیر بود. حشمت‌الله طاهری فرمانده یک گروه بود که در مقابل تیرانداز کمین با اجرای عملیات ضدکمین، جمعی از این نیروها را از میدان درگیری خارج کرد. او در نقش فرماندهی مخلص، وضع ما را که دید؛ به این سمت سرازیر شد و در فرصت کوتاه خودش را با هماهنگی و پوشش یارانش، به سرعت، گاهی غلت‌زنان به ما رساند. وسط نیروهای پیش‌رو با تحرک و هنرنمایی خیره‌کننده و روحیه‌بخشی عجیب به دیگران، بیشترین سهم آتش از آن پایین، روی مواضع دشمن را داشت.

شدت درگیری متقابل طوری بود که قدرت عمل دست ما نبود. با این اوصاف، پس از شهادت حسین‌زاده و یوسفی؛ دلاپور نیز در نزدیکی ما مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

سردار شهید حشمت‌الله طاهری بالاسرش رفت تا او را نجات دهد؛ اما دلپور با صدای یا ابوالفضلش، راهش را آگاهانه انتخاب کرد و شهید شد. حاج محمد رنجبر (و سایر هم‌زمان) همه را در رصد خود داشت. نیم‌نگاه ما به آن بالاها هم بود، که او نبرد را چگونه با همراهی سایر فرماندهان با اقتدار شروع کرد و داشت خاتمه می‌داد.<sup>۱</sup>

حدادی و دیگران چنین روایت کردند: حشمت رشادت زیادی آن روز به‌خرج داد، تعدادی از بچه‌ها را از مهلکه حتمی (کمین) نجات داد. پیغمبرزاده گفت: در مسیر برگشت به جاده هراز و منگل بودیم، زمانی که اولین شهید ما، بهروز حسین‌زاده بدجوی زخمی شد، یکی از بچه‌ها رو به حشمت طاهری فرمانده دسته پیش‌قراول گفت: در تله کمین دشمن افتادیم، چه کنیم؟ حشمت پاسخ کوتاهی داد که الان به سمت آنها می‌روم. او از داخل شیاری خود را به آنها رساند؛ اولاً- بچه‌ها را در آن شرایط پیچیده با چالاک‌ی و تبحر در رزم چریکی (پارتیزانی) جمع نموده و از کمین دور کرد. ثانیاً- سردار حشمت (طاهری) با کمک سایر نیروها، امکان انتقال شبانه‌ی سه زخمی بد حال را از کوره راه صعب‌العبور منگل، به جاده هراز پیدا کرد و آنها را از آن شرایط بحرانی، جراحت و ادامه خون‌ریزی، از منطقه خارج کرده و جانی دوباره به آنها بخشید (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، شمیم‌کوه ۱۴۰۲).

در واقع، این فرمانده شجاع و یاور همیشگی حاج محمد، با همت و خلوصش، کاری شاق و غیر ممکن را در چند مرحله ممکن کرد تا از تلفات بیشتر نیروها جلوگیری شود که به شکر خدا، چنین هم شد. البته فداکاری سردار حشمت با فهمی عالی و تعهدی خدمتی بالا اصلاً قابل ذکر نیست. ثالثاً- او کار طاقت‌فرسای (دو شبانه‌روزی) بچه‌ها را این‌گونه ارج نهاد که فردای عملیات هم، صبح زود به منطقه بازگشت تا با همراهی مجدد چند نیروی خدوم دیگر، باری از دوش رزمندگان بردارد. (او متعالی بود- در شمیم‌کوه اسطوره شد).

- حاج محمد رنجبر نیز چنین روایت کرد: «باوجود خاموش کردن تیراندازی کمونیست‌ها در کمین‌گاه، مشکلات ما با فرا رسیدن تاریکی شب هنوز باقی بود. به جهت برخی ملاحظات به ویژه انتقال تعدادی زخمی و پیکر پاک شش شهید، همچنین دو جنازه دشمن از کوره‌راه‌های صعب‌العبور با مشکل اساسی روبرو بودیم. خطر امکان تیراندازی در شرایط تاریکی به نیروهای خودی هم مزید بر علت شد.

<sup>۱</sup> سه کشته دیگر در درگیری عصر از دشمن گرفتیم. این تلفات سنگین دشمن از چشم نیروهای عمل‌کننده پنهان، و تا هفته‌ها از آن بی‌خبر بودند.



ناگزیر شدیم، در منطقه‌ی عملیاتی مسیر شیم‌کوه اقامت کنیم. نیروهای جوان و صبور ما شب سرد و سختی را گذراندند. اغلب نیروهای عملیاتی بدون سرپناه و وسایل گرمایی در هوای بسیار سرد غروب اسفند ماه ۱۳۶۱ تا صبح بیداری کشیدند. با این وصف، آنها ۴۰ تا ۵۰ ساعت، با کمترین امکانات اقامتی و ترددی، در آمادگی کامل، برای نبردهایی سخت‌تر هم به صحنه آمده بودند و جان‌فشانی‌ها کردند. آفرین بر این اراده‌های پولادین و قدرت ایمانی که در مقابل مدعیان خلقی جان برکف و مستحکم ظاهر شدند» (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، شیم‌کوه ۱۴۰۲).

یکی از فرماندهان عملیات صبح حرف‌های زیادی دارد و می‌گوید: از رشادت، هنرنمایی و چالاکی حشمت‌الله طاهری حرف زیاد است. البته ما قدرت عمل زیادی برای مقابله دیرنگام نداشتیم. همت او جان افراد زیادی را نجات داد. چرا که، در شرایط کمین (و خطر مجدد حمله) نیروهای دشمن بودیم. با این اوصاف، آن‌شب تماس پشت تماس بود. دستور پشت دستور! حالا همه‌ی مدارک و مستندات، وسایلی نظیر رادیو و غیره از دشمن روی کول‌پشتی‌ام بود. می‌پرسیدند، مدارک کجاست؟! مدارک را می‌خواهیم. فردا شد، صبح به آمل بازگشتیم. آنجا شرح کاملی از وقایع، از ابتدا تا انتهای عملیات ارائه دادم. به دلایلی خیلی ناراحت شدم. حشمت‌الله طاهری مثل همیشه صبور بود. به من دلداری داد و گفت: حرفی نزن، از جلسه بیا بیرون، حالا سن اغلب ماها مگر چند سال بود؟ حدود بیست‌سال داشتیم. (ادب، متانت و رهبری سردار مثال‌زدنی بود).

- در این روایت‌جمعی، یکی از رزمندگان عملیات شیم‌کوه گفت: صبح روز بعد عملیات در محوطه‌ی سپاه آمل او را دیدم. حشمت‌الله طاهری این سردار نستوه و سرافراز سپاه اسلام با ادب و متانت خاصی جلو آمد، رو به من گفت: «یک مرد پیدا می‌شود که بیاید و به کمک بچه‌ها برویم تا پیکر پاک شهدا و جنازه‌ی کمونیست‌ها را از منطقه بیاوریم؟» من با وجودی که از دو روز قبل در منطقه عملیاتی شیم‌کوه و نبرد آن حضور داشتم؛ دوباره پا به عرصه منگل و شیم‌کوه گذاشتم (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، شیم‌کوه ۱۴۰۲).

یکی از رزمندگان حماسه‌ساز عملیات شیم‌کوه نیز افزود: این پیروزی یک نصرت الهی بود. با اتفاقاتی که در صحنه نبرد صبح و هم غروب به وقوع پیوست، دشمن هر دو بار (صبح و غروب)، در دقایق اولیه خطرناک ظاهر شد. البته تلفات دشمن در این

عملیات شمیم کوه در مجموع (پنج کشته)<sup>۱</sup> نسبت به چند عملیات و درگیری جنگل سنگین بود. از جان‌فشانی و پایداری رزمندگان اسلام همین بس که اغلب آنان دو شبانه‌روز بدون استراحت و بدون خورد و خوراک معمول به این موفقیت‌ها رسیدند. توان سردار حشمت در جنگ پارتیزانی و ضدچریکی همواره زبان‌زد رزمندگان شمیم کوه هست و به او افتخار می‌کنیم.

غلامی در روایت جمعی فوق گفت: بعد از گذشت مدت زمانی قریب دو سال، با کمک یکی از فریب‌خوردگان دستگیر شده (هاشم نامی) هشت قبضه ژ- سه با تعدادی نارنجک و مهمات از دل خاک درآوردیم.<sup>۲</sup> رفیق هاشم می‌گفت: «خودم به درک، داداشم هم باید اعدام شود؛ عامل جذب او هم بنده بودم. الان آمدم، تا جبران آن دوران را بکنم».

اکبری محمودآبادی نیز از سردار حشمت (خدا) به نیکی یاد کرد: لازم می‌بینم، از اخلاص، سلحشوری و هنرنمایی حشمت‌الله طاهری بگویم. برای ما تعدادی نوجوان، شگفت‌آور بود که سردار با تردستی و شلیک یک‌دستی گلوله؛ با تحرک بالا و رد کردن بچه‌ها با دست دیگر، چگونه توانست برخی از نیروهای زمین‌گیر شده گذرگاه را از مهلکه‌ی کمین غروب کمونیست‌ها دور کند. در حالی که گلوله دشمن زوزه‌کشان از میان پاها و اطراف او رد می‌شد. حشمت همچنین در عملیاتی امدادی دیگر و در تاریکی شب، جان زخمی‌ها را از خطر حتمی نجات داد. با این‌وصف روایت ما از او پایانی ندارد، سردار حشمت صبح زود با همتی بلند، بازگشتی مجدد به منطقه داشت تا به بچه‌ها و انتقال وسایل و اجساد دشمن و همچنین پیکر پاک شهدای سرفراز انقلاب اسلامی کمک کند. مهم‌تر این که امروز باید از حشمت‌ها بیشتر بگوییم و الگوسازی کنیم. البته عملیات شمیم کوه خود به تنهایی قابلیت یک فیلم فاخر و ارزشمند را در جبهه‌ی مقاومت دارد.

گفتنی است، در جمع نیروهای طرح جنگل سپاه آمل، تنها چهار- پنج نفر از نیروهای رسمی کادر سپاه و با لباس مقدس سپاه در شمیم کوه حضور داشتند؛ همین‌طور با وجود برخی کمبودها و کاستی‌های آن مقطع زمانی به جهت سن و تجربه پایین

<sup>۱</sup> خاموش شدن تیراندازی دشمن رمز پیروزی بود. اما تا هفته‌ها از سه کشته‌ی دیگر کمونیست‌های مسلح اطلاعی نبود. تعداد نیروهای دشمن نیز در جنگل در این ایام دوازده نفر به واقیت نزدیک‌تر است.

<sup>۲</sup> حسب گزارش جداگانه‌ی سیاحی و غلامی، تعداد پانزده اسلحه در حین عملیات و بعد آن از منطقه درگیری جمع‌آوری شد. پانزده اسلحه دیگر نیز از مرتع چلیا واقع در آن نزدیکی (دره منگل) به دست آمد.

نیروهای درگیر عملیات شیم کوه، با جان فشانی و ایثاری که داشتند، همگی در رکاب فرماندهانی چون حاج محمدها و حشمت‌الله‌ها خوش درخشیدند. جریان جنگل و حماسه‌ی عظیم قیام مردمی در شهرستان هزار سنگر آمل، با آبدیدگی پاسداران جوان همراه شد (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، شیم کوه ۱۴۰۲).

## ۲-۵- اخلاق مدیریتی و فرماندهی او

گفتیم شهید حشمت‌الله از گروه هابیلیان بود، در پایان از جمله ویژگیهای شخصیتی و مدیریتی شهید می توان به موارد زیر به‌طور اجمالی اشاره کرد:

- هوش و استعداد فرماندهی و مدیریت

هوش و استعداد فرماندهی (و رهبری نفوذ بر قلب‌ها) غالباً اکتسابی نیست؛ بلکه در ذات افراد هم وجود دارد که موقعیت اجتماعی ظهور و بروز پیدا می‌کند. دوران مبارزه با اقدامات تجزیه‌طلبانه‌ی گروهک‌های معاند و محارب و چند سال خدمت در چند جبهه‌ی مقاومت، فرصتی بود که هوش و خلاقیت ذاتی جوانان پیرو خط امام و ولایت را شکوفا شود تا جایی که هر کدام به حسب هوش و استعداد خود به درجات فرماندهی و مدیریت ستادها و قرارگاه‌ها و لشکرها و گردان‌ها و ... نایل آمدند.

شهید حشمت‌الله طاهری از جمله فرماندهانی است که از هوش و درایت و خلاقیت سرشاری برخوردار بود. از در دوران تحصیل به هنگام اردوهای دانش‌آموزی یا ورزش‌های گروهی، توان و هوش مدیریتی و ساماندهی را از خود نشان می‌داد. دوست دبیرستانی‌اش، آقای صدیق احمدی که اکنون از روحانیون فاضل است می‌گوید: شهید حشمت‌الله در میان دوستان دانش‌آموز از هوش تحصیلی بالایی برخوردار و نمراتش همیشه ممتاز بود. در عین حال از استعداد مدیریت و ساماندهی و به مشق آوردن دانش‌آموزان در ورزش‌ها و اردوها برخوردار بود. معلمان همواره ایشان را به عنوان مسئول برنامه‌ها انتخاب می‌کردند. همچنین شهید حشمت‌الله در تفهیم نقشه‌های عملیاتی و توجیه فرماندهان گروهان‌ها و دسته‌ها از توان بالایی برخوردار بود. یکی دیگر از هم‌زمانش چنین می‌گفت: «شهید حشمت‌الله فردی فوق‌العاده منظم در فرماندهی بود. کاملاً سلسله‌مراتب فرماندهی را رعایت می‌کرد. تمام تلاش او این بود که در برابر نقشه‌ها و برنامه‌ها، با رعایت نظم، همه امور را مدیریت کند و به نتیجه برساند.

- مدیریت اقتصادی

بدون هیچ تردیدی مدیریت اقتصادی در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی و سال‌های دفاع مقدس ظهور عینی پیدا کرده، طوری که در تعریف آن می‌توان گفت که مدیریت

اقتصادی یعنی کم خرج و زحمت است و بسیار کمک و یاری می‌رساند، بهره حداکثری بردن از هزینه کم، این منوط به تدبیر و روحیه قناعت مدیران است و این از مختصات مهم مدیریت اسلامی به حساب می‌آید؛ چنان که مولای متقیان علی به مالک اشتر سفارش می‌کند که مدیرانی را انتخاب کند که «قلیل المئونة و کثیر المعونة» باشند. یعنی خدمات آنها به جامعه حداکثر و هزینه آنها حداقل باشد. او همیشه سعی داشت یار و یاور دیگران در سختی‌ها باشد و از درد و رنج مردم بکاهد؛ بگونه‌ای که خود را فدا کند. در حالی که امروزه «بت‌پرستی به صورت جدیدش ادامه دارد و مردم هزینه‌ی بت‌پرستی می‌شوند ولی حاضر نیستند هزینه حق شوند» (انصاریان، مهدی، ۱۳۹۳).

شهید حشمت‌الله نیز در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی پایه گذار چنین مدیریتی در نظام خانوادگی، مدرسه و وظیفه‌ی پاسداری‌اش از جان، مال و ناموس و دین مردم، بود و بارها تا پای شهادت و جان دادن رفت. ایشان در هیچ سمت و مسئولیتی کم نمی‌گذاشت و بالاخره آنجا که نتوانست، خونش را هدیه‌ی اسلام و مردم کرد.

- ولایت‌پذیری

شهید ما لحظه لحظه عمر مبارکش را با همه‌ی وجود، محو امام خمینی(ره) مانده بود و همواره او را مظهر ولایت اهل بیت در جبهه‌ها و سنگرها معرفی می‌کرد و حتی با شنیدن صدای امام (ره) از رادیو یا تلویزیون از شدت ذوق خون در چهره‌اش می‌دوید. این نه تنها راه عاشقانه‌ی شهید حشمت‌الله بود، بلکه راه همه‌ی راهیان راستین قرآن و سنت بود. آنان در عرفات، مشعر و منا نمانده‌اند، بلکه عاشق امام خمینی(ره) و مکتب اسلام ناب محمدی بودند و به جرئت می‌توان گفت که رمز اصلی این شهید والا مقام در جبهه‌های ایثار و مقاومت، اطاعت عاشقانه او از اوامر امام خمینی(ره) بوده است.

- فرصت‌شناسی

شهید حشمت‌الله معتقد بود که هر کاری را باید در وقت و زمان و مکان خودش انجام داد. البته این کلامی فلسفی و عقلانی است که هر چیزی در زمان خودش موضوعیت دارد. این که گفته می‌شود صوفی ابن الوقت است، یعنی هر کاری را در وقت خودش انجام می‌دهد. شهید حشمت‌الله با درایت خاصی می‌گفت که آرمان‌های انقلاب اسلامی باید در دهه‌ی اول انقلاب بنیانگذاری شوند و اهداف انقلاب باید به دست انقلابیون تحقق پیدا کند؛ و الا وانهادن به نسل‌های بعد که دوران انقلاب و امام را ندیده‌اند، نوعی فرصت‌سوزی است.

این سخن امری حکیمانه و از اصول مدیریت اسلامی است که هر کاری به وقت خود و در مکان و موقعیت خود انجام پذیرد؛ چنان که مولای متقیان علی به مالک فرمود: «فوضع کل امر فی موضعه و اوقع کل عمل فی موقعه». هرکاری را در موضع و هر عملی را در موقعیت خودش انجام بده.

#### - تکلیف‌مداری

امام خمینی در برابر نقد دین‌گراان به طولانی شدن جنگ فرمود: «ما مأمور به تکلیف هستیم، نه به نتیجه» (پرتال امام خمینی ره: ۱۳۹۶). این کلام حکیمانه امام مبنای اندیشه و تفکر رزمندگان در جبهه‌ها بوده است. شهید حشمت‌الله مقاومت و مبارزه با متجاوزان به حقوق و آرای مردم را به عنوان یک تکلیف و مسئولیت دینی و شرعی می‌دانست و همیشه پای کار بود تا مرز جان ایستادگی می‌کرد.

همسر ایشان در این باره می‌گوید: شهید حشمت‌الله، زینب دختر بزرگش را بسیار دوست داشت. هنگامی که می‌خواست برای رفتن به جبهه یا عملیاتی خداحافظی کند، زینب آغوش پدر را رها نمی‌کرد. بارها خواست او را به من بدهد اما دختر دو ساله محکم به پدر چسبیده بود. من با سماجت، زینب را از پدرش جدا کردم، وقتی حشمت‌الله خود را از چنگ زینب رها دید، با سرعت از پله‌ها پایین رفت و بدون آن که رویش را به ما برگرداند؛ خداحافظی کرد. من گمان کردم، او جایی رفته و دوباره بر می‌گردد. اما با نیامدنش متوجه شدم که به جبهه رفته است تا این‌که بعد از چند روز نامه‌اش به دست من رسید که ضمن عذرخواهی نوشته بود، از شکل رفتنم به جبهه تعجب کردی، علتش این بود که بین گریه زینب که آغوشم را رها نمی‌کرد، با تکلیف و مسئولیتی که بر دوشم بود، گرفتار تردید و دودلی شدم. ناگهان به خودم آمدم که تکلیفم جبهه رفتن است؛ فلذا آن گونه از شما خداحافظی کردم. اگرچه مهر و عاطفه‌ی دخترم زینب اشک فراوان از من می‌گیرد، اما تکلیف حفظ اسلام و مسئولیت حضور در جبهه‌ها را وظیفه اصلی خود می‌دانم. روزگار خوشی را برای شما و فرزندانم آرزو می‌کنم و برای رضایت و خشنودی خداوند متعال، از من دعا کنید (او مرد زندگی و پایمردی بود).

#### ۲-۶- جانبازی تا شهادت

شهادت زیباترین جلوه‌ی حیات هر شهید و سردار حشمت‌الله طاهری است. دوران حراست و رزم‌های طاقت‌فرسا بر زیبایی و طراوت ایشان افزود و حشمت‌الله عزیز را آن گونه که شایسته شهادت بود، مهیای پرواز به سوی معبود ساخت.

وقتی غائله‌ی ترور منافقین کوردل و جریان‌های ضد انقلاب جنگلی در شهرستان هزار سنگر در جبهه شمالی، تحت کنترل سپاه پاسداران آمل درآمد؛ تازه جبهه رفتن‌های شهید بیشتر شده بود. او در این ایام چند بار مجروح شد: در غائله‌ی بزرگ ترکمن صحرا (۱۳۵۹)، در عملیاتی غرورآمیز از ناحیه‌ی دست مجروح شد؛ تحت همان شرایط به نبرد ادامه داد و می‌گفت چیزی نیست. بار دوم در جبهه مقابله با رژیم بعثی عراق از ناحیه کمر مجروح شده و چند روزی در بیمارستان شهید بقایی اهواز بستری گردید. اما بار سوم جراحی عمده او در نبرد با قابیلیان زمان که منجر به شهادت سال بعد او شده بود، حضور موثرش در منطقه‌ی عملیاتی (فاو- ۱۳۶۴) والفجر هشت بود. او نیز در لشکر ویژه ۲۵ کربلا به عنوان خط‌شکن نقش برجسته داشت.

عبور از جز و مد رود وحشی ارونند که به معجزه شبیه بود و نیز از سیم خاردار و تله‌های انفجاری آن طرف ارونند، کربلائیان را به عنوان فرشته نجات در اذعان همگان تداعی بخشید. دکتر محمد منصورنژاد که از فرماندهان عملیات والفجر هشت در منطقه فاو بودند، در شرح واقعه و جراحی شهید حشمت‌الله و جراحی‌اش می‌نویسد:

معاون اول گردان بود. او با گروهی جلوتر از همه، و مخفیانه به خسروآباد- کنار ارونندرو- رفته بودند تا زمینه را برای شروع عملیات آماده کنند. وقتی ما شبانه وارد خسرو آباد شدیم، برادر نوبخت فرمانده گردان مالک آهسته گفت، ما الان در چند قدمی دشمن هستیم. ارونندرو بین ما و عراقی‌ها بود. وقتی با شهید نوبخت به اتاق رفتیم، دیدم شهید حشمت‌الله طاهری آنجا در حال استراحت است. معلوم بود مثل افراد بی‌هوش، کناری افتاده است و آنجا نوبخت، این تعبیر را به کار برد که، «حشمت‌الله مثل بولدوزر کار می‌کند و تا انرژی و توان دارد، دوندگی می‌کند و زمانی استراحت می‌کند که هیچ نیروئی در بدن او باقی نمانده باشد (منصوری لاریجانی، اسماعیل: ۸۸، ۱۳۹۸).

مأموریت گردان مالک محاصره و تسخیر شهر فاو بود. پس از اتمام مأموریت وقتی گروهان سوم ما برای محاصره نیاز به کمک داشت. شهید طاهری و بخشی از نیروها به کمک‌شان شتافتند... تعداد قابل توجهی از بعثی‌ها (شاید ۴۰ نفر) از درون این ساختمان اسیر شدند. بیسیم چی آنها تا لحظه آخر با فرماندهانش در تماس بود و آنها را به مقاومت دعوت می‌کرد. مرکز فرماندهی عراقی‌ها در فاو روبروی ما بود... (با تدابیری آنجا را تسخیر کردیم). روزهای اول تسخیر فاو گذشت و قرار شد با تجدید سازمان گردان، مأموریت جدید عملیاتی بپذیریم. همان روز استقرار در خط جدید که

کامل تثبیت نشده بودیم، عراقی ها پاتک سختی آغاز کردند. جراحات شدیدی به حشمت‌الله از ناحیه شکم و دستش وارد گردید. اما با تاکید به یکی می‌گفت که به سردار نوبخت بگویند که او رفت. تکرار کرد، شنیدی! تا این‌که پاسخ مثبت گرفت و مطمئن شد؛ آمبولانس به راه افتاد. کارش به چند عمل جراحی کشید؛ سه- چهار ماهی بیمارستان اهواز، اصفهان، تهران، آمل و باز تهران... ولی به اغما رفته بود. سرانجام پای جراحی دیگر، با نفسی مطمئنه، راضیتاً مرضیه، جان به جان آفرین تسلیم کرد (منصوری، اسماعیل: ۸۸ تا ۹۳، ۱۳۹۸).

### ۳- نتیجه گیری

حشمت‌الله در خانواده‌ی بزرگ انسانی، انسانی وارسته و چند بعدی و مدیری عاشق بود. رضای خدا را بر همه چیز ترجیح می‌داد. تنها برخی توانایی‌های خوب ایشان در حماسه ششم کوه بروز کرد. حماسه‌ی تاریخی آمل خود فتح‌الفتوح جبهه‌ی شمالی (جبهه‌ی سوم بعد از کردستان) بود که گوشه‌ای از عظمت کار او را نشان داد؛ اما تا خط‌شکنی لشکر ویژه کربلا در مناطق جنگ مرزی و برون مرزی (فاو) ادامه پیدا کرد.

والفجر ۸ هم فتح‌الفتوح حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس او شد. ایشان مثل همیشه آماده و قیام و بانشاط معنوی، در همه‌ی عرصه‌های زندگی و دفاع از اسلام و ملت به زعم خانواده، هم‌زمان و فرماندهان متعالی زیست و متعالی پُر کشید و سربلند بیرون آمد. اما یاران او در گردان‌های یاسر و روح‌الله از لشکر ویژه کربلا به سپاه قدس پیوستند و فتح‌الفتوح دیگری را رقم زدند و جای او را، حیدری‌ها و دارابی‌ها و جعفری‌ها در دفاع از حرم و دفاع از مظلوم پر کردند. نگذاشتند اسلحه او روی زمین بماند.

اما همه بدانیم، حرم ما، جمهوری اسلامی است. محور مقاومت امروز در تحولات جهانی مانند نگینی می‌درخشد. دشمنان اسلام نیز به این اذعان دارند.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که سردار خوبی‌ها<sup>۱</sup>، شهید حشمت‌الله طاهری یک فرمانده عاشق و وفادار به اسلام و ملت بود که علاوه بر داشتن ویژگی‌هایی چون ایمان

<sup>۱</sup> این لقب با اشاره به نام کتابی تحت این عنوان از زندگینامه جانباز شهید سردار حشمت‌الله طاهری برانزده نام پرافتخار او است.

به خدا، مهارت و نبوغ نظامی و فرماندهی؛ دارای روحیه شهادت‌طلبی و ولایت‌مداری و وظیفه‌شناسی و ده‌ها صفت شایسته و متعالی (اسلامی) دیگر بود.

رهبری نظامی، مفاهیمی مانند انجام موفقیت آمیز مأموریت با استفاده از عواملی همانند تشویق و اجبار، رقابت در محیط‌های متضاد را تداعی می‌کند. بنابراین، رهبری نظامی اعمال کامل فرماندهی در چارچوب قواعد نظامی و سلسله مراتب سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است.

روش فرماندهی نظامی شهید، اصلاً و ابداً روش آمرانه نبوده و از آنجا که مسئولیت فرماندهی بسیار حساس بود، تصمیمات وی با تکیه بر عقلانیت، نظم، انضباط، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بهینه، حضور در صحنه و دقت در عمل شایسته، وظیفه‌شناسی، مشورت و جلوگیری از بی‌دقتی و وفاداری با تکیه بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی بود.

افزون بر اینکه با قاطعیت، وقار و متانت و گسترش کار جمعی را در خود و دیگران رشد می‌داد. همواره سنگ صبور، راه‌انداز و گره‌گشا بود. از توان و شایستگی‌های افراد زیردست به‌خوبی بهره می‌برد و همواره در گفتار، رفتار و عمل، قدردان نیروها و ارزش‌های دینی بود. مدیریت اقتصاد اسلامی را ارزش می‌گذاشت و به آن عمل می‌کرد.

در بعد پژوهشی پیشنهاد می‌شود که اولاً با توجه به محدودیت‌های زمانی این پژوهش و عدم دسترسی محققان به برخی از هم‌زمان شهید و یا نهادهای ذی‌ربط، الگوی فرماندهی او از سوی محققان و هم‌زمانش مورد ارزیابی قرار گرفته و ثانیاً در دیگر ابعاد شخصیتی و مدیریتی شهید حشمت‌الله همانند ویژگی‌های رهبری و تصمیم‌گیری در مدیریت جامعه اسلامی و مقابله با سایر وقایع جنگل آمل، بحران‌های اجتماعی و غیراجتماعی ایشان، از جمله به عنوان فرماندهی عملیات کمیته‌ی انقلاب اسلامی آمل و حضور در چندین عملیات مقابله با ترور و تأمین امنیت شهری و نبرد با عوامل بعثی و ضدانقلاب داخلی نیز انجام پذیرد. همچنین ابعاد دیگر مدیریتی حشمت‌الله‌ها، این سرمایه‌های گران‌بها مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته تا در مورد هریک از آن‌ها مثل الگوی رهبری، تصمیم‌گیری و به الگوهای جامع دست‌یابیم.



### فهرست منابع

- پایگاه عقیق، «معنای قلیل المونه و کثیرالمعونه چیست؟»، انصاریان، مهدی، کد  
۱۳۹۳، ۴۰۴۵۳
- پرتال امام خمینی، «امام خمینی و راهبرد اصالت تکلیف»، سعیدی، محمدحسن،  
مطلب ۱۴۸۳/۰۴، ۱۳۹۶/۱/۳۱
- خودسیانی، مصطفی و دیگران (۱۳۹۱)؛ «بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در  
دفاع مقدس و جنگ آینده از منظر فرماندهان عالی جنگ»، مجله سیاست دفاعی، ش  
۸۱، ۶۹-۱۰۸
- زندی، محمد علی (۱۳۹۳)؛ اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران، سایت پژوهه (بزرگترین  
بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی) پژوهشکده باقرالعلوم (ع)
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۸۴)؛ مدیریت و فرماندهی سازمان  
سیج، تهران، انتشارات فرماندهی آموزش ناسا.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل، تهران: مرکز اسناد انقلاب  
اسلامی
- صادقی مال امیری، منصور، نیکوکار، غلامحسین، علایی، حسین و محمد نژاد، سید  
مهر علی (۱۳۹۳)؛ «طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان سپاه در  
دفاع مقدس»، مجله سیاست دفاعی، ش ۸۷، ۸۹-۱۳۵
۸. کردی، علی (۱۳۹۱)؛ اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، مرکز اسناد  
انقلاب اسلامی ایران.
- مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه آمل (گزارش‌ها، اسناد و پرونده‌ی شهدا- صوتی و  
متنی، فیلم و عکس)؛ روایت جمعی فرماندهان و رزمندگان از عملیات شمیم‌کوه؛  
گزارش تحلیلی شمیم‌کوه/ پایان عملیات جنگل آمل (اسفند ۱۳۶۱)، ۱۴۰۲
- مجله شونا، «ویژه‌نامه هزار سنگر»، آمل، شماره دو، آمل، بهمن ۱۴۰۰، مرکز اسناد  
ستاد حماسه مردمی آمل
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۹۹)؛ سردار خوبی‌ها، شهید حشمت‌الله طاهری،  
خادم‌الرضا(ع)،
- ولی‌نژاد، منور (۱۳۹۶)؛ نماز باور، ساری، موسسه سبز سرخ



## ناسازگاری مردم آمل با دولت پهلوی

محمود ذکاوت<sup>۱</sup>

### چکیده:

چکیده: در دوره پهلوی، عناصر قدرت خاصه دولت پهلوی مجموعه‌ای از سیاست‌ها را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اجرا کرد که به شدت با هویت فرهنگی، ملی و دینی مردم ایران در تضاد بود. این مسئله مقاومت و ناسازگاری مردم با این سیاست‌ها را منجر شد. به عبارت دیگر مردم علیه قدرت و سیاست‌های آن مقاومت کردند. بخش مهمی از این مقاومت و ناسازگاری در خطه شمال کشور، استان مازندران و شهر آمل روی داد. مقاله حاضر در نظر دارد بخش‌های مهمی از این ناسازگاری مردم آمل با هویت قدرت در دوره پهلوی را نمایان سازد. متکی به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به گزارش‌ها مطبوعات و اسناد ساواک در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ این مسئله مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله نتایج این پژوهش که می‌توان به آن اشاره کرد، ناسازگاری مردم آمل به سیاست‌های فرهنگی و آموزشی دوره پهلوی است. مقاومت و ناسازگاری مردم آمل به چنان حجم و گستره‌ای رسید که در سازمان‌های امنیتی و نظامی رژیم پهلوی پرونده جداگانه‌ای به آن اختصاص یافت. همچنین از جمله دست‌آوردهای این پژوهش دسته‌بندی و بازشناسی مقاومت مردم آمل و نقش و سهم آنان در پیروزی انقلاب اسلامی است. از جمله نتایج این پژوهش برجسته سازی اقدامات انقلابی در میان مردم روستا است. مقوله‌ای که همواره تحت تأثیر گزاره «انقلاب اسلامی یک انقلاب شهری است» قرار گرفته و کمتر مورد توجه بوده است.

**واژگان کلیدی:** ایران، پهلوی، مازندان، آمل، مقاومت، ناسازگاری

---

<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد پژوهشکده تاریخ معاصر

## مقدمه

مازندران از مهمترین استان‌های سرزمین ایران است که نقش مهمی در تحولات تاریخ این سرزمین و هویت مردم آن دارد. همچنین شهرستان و شهر آمل در مرکز استان مازندران قرار داشته و این وضعیت آن را به یک مرکز کانونی و ارتباطی خیلی مهم در شمال ایران بدل کرد. در تاریخ معاصر ایران، مازندران از جمله استان‌های پرحادثه بوده است. با وجود آنکه خاستگاه خاندان پهلوی در این استان بود و در دوره مذکور از سوی قدرت توجه زیادی برای تأسیس نهادهای تفریحی در این استان صورت گرفت و تصور می‌شد چسبندگی عمیق بین قدرت پهلوی و مردم مازندران وجود داشته باشد، اما در عمل اتفاق دیگری رخ داد. هرچه از نیمه دهه ۱۳۴۰ به سال ۱۳۵۷ نزدیک می‌شویم، ناسازگاری اجتماعی و سیاسی مردم مازندران با دولت پهلوی بیشتر شد.

در این میان نزدیکی مازندران به مرزهای شوروی و تجربه حضور جریان‌های چپ‌گرا و به طور خاص حزب توده در این استان معرکه‌ای چندگانه را ایجاد کرد. به عبارت دیگر دولت پهلوی دو کلان هویت دیگری داشت: نیروهای مذهبی و جریان‌های مارکسیستی. نیروهای مذهبی و جریان‌های چپ با وجود آنکه علیه قدرت پهلوی فعالیت می‌کردند، با یکدیگر درگیر بودند. از آن روی که وجه مهمی از تعالیم نیروهای چپ در تضاد با مذهب و دین معنا می‌شد، بدیهی بود که نیروهای اجتماعی که دین را اساس هویت خود تعریف کرده بودند با آن‌ها مواجهه فرهنگی و سیاسی پیدا کنند. بنابراین ناسازگاری و مقاومت مردم با دولت پهلوی در مازندران در شرایط خاصی رخ داد و در عین حالی که علیه دولت پهلوی بود با دیگر نیروی ناسازگار (چپ) نیز مرزبندی داشت. در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ میزان ناسازگاری مردم مازندران با دولت پهلوی به حدی رسید که در اسناد آن دوره با عنوان «وضعیت بحرانی»، «وضعیت قرمز» و در بهترین حالت از طرف قدرت، «وضعیت زرد» توصیف می‌شد.

این مقاله در نظر دارد با تمرکز بر یک دهه پایانی حکومت پهلوی، ناسازگاری مردم مازندران خاص مردم شهرستان آمل با حکومت پهلوی را نشان دهد. مقاله مورد نظر با تمرکز بر ناسازگاری صورت گرفته در این شهرستان در دوره مذکور، در نظر دارد بخشی از میراث اجتماعی-سیاسی آن در دوره معاصر را روشن سازد.

مراد از ناسازگاری، هرگونه مقاومت مردم علیه قدرت در دوره مذکور است. اینکه مردم در مواجهه با دولت پهلوی چه حرکت‌ها و اقدامات ناسازگارانه‌ای از خود بروز دادند. در اینجا از نرم‌ترین اقدامات تا سخت‌ترین و خشن‌ترین رویکردها که اقدامات مسلحانه بوده، بررسی خواهد شد. این موضوع با تمرکز بر اسناد ساواک به عنوان

مهمترین نهاد رصدکننده ناسازگاری عمومی در دوره پهلوی بررسی شده است. به عبارت دیگر مقاله حاضر ناسازگاری مردم آمل در واپسین دههٔ عمر سلطنت پهلوی را متکی به اسناد ساواک کاوش خواهد کرد. البته در این میان به سراغ دیگر منابع (مطبوعات وقت) نیز خواهیم رفت.

بنابراین مقاله حاضر در نظر دارد به سوالات زیر پاسخ دهد.

ناسازگاری بیشتر در چه مناطقی و توسط چه اقشاری صورت می‌گرفت؟

میزان و سطح این ناسازگاری چه حد بود؟ آیا قدرت را با چالش جدی مواجه کرد؟

در آخرین مرحله این مقاله و در پیوست یکی از گزارش‌های رسمی آن دوره ضمیمه شده که برای شناخت بهتر اسناد مورد استفاده در این مقاله لحاظ شده است. همچنین چند نمونه از اسناد مورد استفاده در این پژوهش تقدیم شده است.

### آمل کانون تحولات مازندران

آمل همواره جزء مهمترین شهرهای مازندران بوده است. این مسئله را از وسعت آثار باستانی و جایگاه ارتباطی آن می‌توان بررسی کرد (شایان، ۱۳۳۶: ۱۱۸-۱۱۹). شهرت این خطه به درالملک تبرستان (اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۲۷) نیز ناشی از چنین اهمیتی است. در دوره معاصر و به طور خاص از ۱۳۲۰ آمل به یکی از پایگاه‌های سیاسی مازندران بلکه ایران بدل شد. سال ۱۳۲۳ متینگ‌ها و جلسات عمومی حزب توده در این شهر برگزار می‌شد (شهبازی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). احزاب پان ایرانیسم و زحمتکشان نیز در دهه ۱۳۳۰ در آمل هوادار داشتند (شهبازی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۳۰).

در این میان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مازندران و شهرستان آمل و به طور خاص شهر آمل به یکی از پایگاه‌های اصلی نهضت در همراهی امام خمینی بدل شد. در اواخر بهمن ۱۳۴۳ ساواک گزارشی می‌دهد که حکایت از فعالیت آیت‌الله احمد علم‌الهدی در یکی از روستاهای آمل است. گزارش‌گر ساواک تصریح می‌کند که علم‌الهدی «به فعالیت مضره مشغول و بر علیه دولت و اطلاعات ارضی تبلیغ می‌نماید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱/۱۳). در واقع متکی به همچنین سندی می‌توان سابقهٔ فعالیت نهضت در شهرستان آمل را حداقل از سال مذکور در نظر گرفت.

چنین مسائلی در مازندران و آمل وجود داشت که باعث شد دولت پهلوی برنامه‌های خاص برای تغییر سلیقه و علایق سیاسی مردم در این خطه در نظر بگیرد. در این برنامه‌های قدرت عناصر حزب توده با عناصر قدرت علیه نیروهای مذهبی اشتراک

مساعی‌ای پیدا کردند. پرویز نقیبی لاریجانی که فعالیت‌های زیادی در حزب توده آمل داشت<sup>۱</sup> در اردیبهشت ۱۳۴۵ در نامه‌ای به فرح از اهمیت تهیه رپرتاژی از زندگانی خانواده سلطنتی و شهبانو برای مردم می‌گوید و اینکه نشریه او (روشنفکر) آماده این کار است (زنان دربار به روایت اسناد ساواک-فرح پهلوی-، ۱۳۸۱: ۲/۳۰۴). دولت نیز برنامه‌ای برای آمل به اجرا گذاشت تا تمایلات سیاسی مردم را در حزب‌بازی مورد نظر خودش به کار گیرد. بنابراین در اردیبهشت ۱۳۵۰ سازمان تعاون روستائی شهرستان آمل هنگام پرداخت وام به کشاورزان روستاهای ملاکلاه و زردآب مبلغ مورد توجهی از وام را بابت حق عضویت سالیانه در حزب ایران نوین کسر نمود (حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۴/۱۰۸). البته عده‌ای از کشاورزان روستاهای مذکور به این امر اعتراض و اظهار کردند در سال گذشته نیز این عمل تکرار شده در حالی که ما عضو حزب ایران نوین نیستیم و همچنین نمی‌دانیم حزب برای ما چکاری انجام داده است (حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۴/۱۰۸).

از این به بعد گزارش‌های ارسالی از مازندران و آمل درباره ناسازگاری مردم آمل به شدت اوج می‌گیرد و سرتاسر دهه ۱۳۵۰ به انبوهی از گزارش‌های مقاومت و ناسازگاری مردم آمل نسبت به قدرت و دولت پهلوی مواجه هستیم. همچنین ارتباطات شخصی برخی از مردم آمل با امام خمینی گزارش شده است. مردم آمل نه تنها در عرصه‌های مبارزه سیاسی بلکه در وجه زندگی روزمره نیز به امام خمینی تاسی می‌کردند و برای برخی سوالات شرعی خود با امام مکاتبه می‌کردند. علی اصغر عسگری در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۵۰/۱/۲۶ که از سوی نیروهای ساواک مورد رصد قرار گرفته بود از امام خمینی درباره چند موضوع سوال پرسید که از جمله آن‌ها حکم عضویت در نهادهای مثل اداره اوقاف پهلوی است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱/۱۵۷). به عبارت دیگر مسئله برای شخص مورد نظر آن بوده که با توجه مظالم دولت پهلوی و شروع مبارزه نهضت امام، آیا می‌توان در نهادهای قدرت عضویت داشت یا خیر؟ چنین حساسیتی از سوی مردم آمل به خوبی نسبت همدلانه ایشان با نهضت و مسئله‌دار بودن و مقاوت آن‌ها نسبت به قدرت را نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> وی از سال ۱۳۴۰ با وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشت و نویسنده رادیو ایران بود و ساواک در سال ۱۳۴۸ با استخدام وی در وزارت اطلاعات و در سال ۱۳۵۱ با استخدامش در رادیو و تلویزیون ملی ایران موافقت نمود. پرویز نقیبی دشمنی شدیدی با علمای اسلام و روحانیت داشت.

### فعالیت انقلابی در روستاهای آمل

برخلاف تصور غالب که انقلاب اسلامی را انقلابی شهری توصیف می‌کنند، تجربه مازندران و میراث آمل در انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، انقلاب مذکور از پایه‌ای بسیار قوی در روستاها برخوردار بوده است. در تاریخ ۱۳۵۰/۶/۳ ساواک در بازرسی از خانه سیدتقی رضائیان رئیس خانه انصاف **دیوکلا**، یکی از روستاهای آمل تعداد هفت حلقه نوار سخنرانی مذهبی از جمله سخنرانی‌های شیخ محمدعلی گرامی روحانی انقلابی مشهور را پیدا می‌کند. در همین گزارش تأکید می‌شود که همه ساله شیخ برای موعظه و مراسم عزاداری به این روستا می‌آید و سخنرانی‌های او باعث انحراف کشاورزان می‌شود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱/۱۸۴). سند مذکور از چند جهت حائز اهمیت. نخست فعالیت انقلابی در روستاهای آمل است و در وجه دوم فعالیت انقلابی در یک ارگان مربوط به قدرت یعنی «خانه انصاف» است. خانه انصاف از سال ۱۳۴۲ برای رسیدگی به شکایات، مناقشات و اختلافات ساکنین روستاها تشکیل یافت. با وجود این از سال ۱۳۴۴ سازوکارهای حقوقی آن در مجالس شورا و سنا طراحی شد. بخشداری و دادگستری در تعیین اعضای خانه انصاف نقش مهمی داشتند (ایوانوف، ۱۳۵۶: ۲۳۲-۲۳۳).

در ادامه حضور گزارش از ناسازگاری مردم آمل در اسناد ساواک کم‌رنگ می‌شود تا در بهمن بهمن ۱۳۵۶ که گزارش گر ساواک چنین گزارش می‌دهد: «در قریه **کله‌ده** واقع در جاده آمل محمودآباد حوزه استحفاظی ژاندارمری آمل حدود ۲۸ نفر زن و مرد نقابدار به تشکیل جلساتی مبادرت می‌نمایند. روزهای جمعه پیش‌نماز مسجد صاحب‌الزمان آمل به قریه مذکور مراجعه جلسات نامبردگان را هدایت می‌نماید. . . . جلسات مذکور توسط ابوالقاسم کبکرو و نصرت‌اله جالی مالک سابق کله‌ده تشکیل می‌شد» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷: ۳/۱۳۹). در گزارشی دیگر به تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۵۶ فعالیت دو کشاورز به نام‌های مشهدی بابا نیکزاد و نوروز اسداله پور ساکن **قریه سفلاهی آمل** که اهالی را به پیروی از امام خمینی تشویق می‌کردند مورد توجه قرار گرفته است (همان: ۲۰۸). همچنین در ۱۲ اسفند ۱۳۵۶، گزارشی دیگر حاوی اطلاعات بسیار مهمی از قریه **رشکلا** صادر می‌شود. در آنجا حاجی درخشان در منزل خود نوار کاست سخنرانی امام خمینی و اعلامیه در اختیار داشت و اهالی محل نیز به منزل وی مراجعه و از نوارها و اعلامیه‌های در اختیار او، استفاده می‌کردند (همان: ۳۳۳). با افزایش روند انقلاب در

سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، استان مازندران و شهر آمل نیز در تحولات انقلاب ایفای نقش می‌کنند. در این میان روستاهای آمل سهم مهمی در ترویج علایق انقلابی مردم دارند.

در نیمه فروردین ۱۳۵۷ ساواک گزارش می‌دهد که مدتی است عده‌ای از اهالی قراء دهکلاه، موزیکتی، سفلاکلاه و جاهل‌کلاه از توابع شهرستان آمل در محل‌های مختلف اجتماع نموده و شب هنگام اعلامیه‌ها را به دیوار الصاق می‌کنند. تحلیل نیروهای امنیتی آن بود که عامل اصلی پخش این اعلامیه‌ها شخصی از معتمدین قریه موزیکتی می‌باشند که اهالی را به منزل خود دعوت نموده و دستوراتی دریافتی از قم را به آن‌ها ابلاغ می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک-استان مازندران، ۱۳۹۷: ۴/۹۵). در سندی دیگر گزارش شده که در همین ایام در روستای ده‌کلا مردم روستا عید نداشتند و در خانه‌های خود به جای عید دیدنی در هرخانه مراسم عزاداری و روزه‌خوانی و تبلیغات برپا کردند (همان: ۱۱۹). هنگ ژاندارمری ساری گزارش کرد که در شب ۱۳/ ۳/ ۱۳۵۷ در روستای **ولیک سفلی عالیکلا** تعدادی اعلامیه توسط اشخاص ناشناس به درب و دیوار خانه‌های روستا نصب شده است. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۵/۸۹) برخی ناسازگاری در مدارس روستاها نیز گزارش شده است. در سندی ساواک نسبت به فعالیت‌های مدیر دبستان دولتی قریه آهنگر کلادابو ابراز نگرانی می‌کند (همان: ۲۷). انقلابی‌ها در روستاهای آمل ابتکارات ویژه‌ای مانند پخش فیلم هم داشتند. در گزارشی محرمانه قید شده گروهی در شهرستان‌های استان مازندران از جمله آمل و در دهات اطراف مبادرت به پخش فیلم از وقایع ۱۷ شهریور تهران و مسافرت کارتر در ایران می‌کنند که بدین ترتیب مردم را به نظام شاهنشاهی بدبین و تبلیغات دامنه‌داری را در استان مازندران اجراء می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۲۳۸۷: ۲۳/۲۹۲).

### فعالیت طلاب در روستاها

فعالیت‌ها در روستا با همکاری طیف‌های مختلفی نظیر دانشجویان و طلاب نیز صورت می‌گرفت. در ۳۰ مرداد ۱۳۵۷ سه نفر به اسامی شعبان برزگر دانشجوی دانشکده بابلسر، سیدحسن نبوی فارغ‌التحصیل دانشکده کرج و رمضان ذبیح‌الله‌زاده یک روحانی به نام یوسفیان را به روستای **بوران** آمل آوردند. واعظ مذکور در سخنرانی‌های خود در مسجد روستا سخنرانی داشت. بیشترین افرادی که در مجلس



سخنرانی وی شرکت داشتند از طبقه جوانان و نوجوانان بودند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۶/۸۹). در سندی دیگر گزارش شده که در تاریخ ۵۷/۷/۱۲ شیخ احمد ساکن قریه گلشن‌بای که بین آمل و کولده قرار دارد در سر منبر سخنرانی ضد امنیتی نموده و اهالی را علیه دولت تحریک می‌کند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۷/۲۸۴). همچنین یک روحانی دیگر در روستای پاشویه کلا که در آنجا نیز دارای محضر می‌باشد در منازلی که روضه‌خوانی دارند ضمن سخنرانی مذهبی تبلیغات ضد پهلوی داشت (همان: ۲۸۴). گزارش‌های فوق به خوبی نشان می‌دهد که فعالیت‌های انقلابی و ناسازگارانه با قدرت پهلوی در روستاهای آمل رواج داشته تا جایی که نیروهای امنیتی پهلوی مدام آن‌ها را رصد می‌کردند.

### فعالیت روحانیان در آمل

در ابتدای مقاله به خاطر نشان شد فعالیت روحانیان در آمل نخستین سال‌های دهه ۱۳۴۰ برمی‌گشت. با وجود این اوج فعالیت‌های انقلابی نهضت روحانیت در آمل مربوط به دهه ۱۳۵۰ است. ساواک در سندی در تاریخ ۱۳۵۲/۸/۲۲ ذیل «موضوع فعالیت طلاب در شهرستان آمل» گزارش می‌دهد که در ایام ماه مبارک رمضان حدود پنجاه نفر از طلاب علوم دینی از چند نقطه کشور برای تبلیغ به آمل آمد بودند. گزارش تصریح داد که هر کدام از این طلاب به طور جداگانه یا دست جمعی تبلیغاتی به نفع امام خمینی انجام می‌دادند. به طور خاص آن‌ها در مسجد جامع آمل به رهبری شیخ نصیری عده ای طلبه را به دور خود جمع و برای آنان رساله امام خمینی را می‌خواند و تفسیر می‌کرد و سایرین نیز او را تحسین و شعار زنده باد خمینی می‌دادند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۱/۳۷۳). در سند مذکور یک مسئول و رده بالاتر از گزارش‌دهنده که با عنوان «نظریه شنبه» مشخص شده تأکید می‌کند: «در شهرستان آمل طلاب به غیر از جلسات خصوصی در منابر نیز تبلیغاتی به نفع خمینی انجام و هیچ‌گونه عکس‌العملی برای جلوگیری از منابر آنان مشهود نمی‌گردید.» (همان‌جا) فعالیت نیروهای انقلابی در شهر آمل چنان وسعت گرفته بود که ساواک برنامه همه جانبه‌ای برای «پاک نمودن» آن در نظر گرفت (همان: ۳۸۴). در ۱۳۵۳/۱/۱۶ اعلامیه‌های ارسالی از قم در آمل کشف شد که برخی از آن‌ها علیه حزب رستاخیز بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۲-۱۲۷ و ۲/۱۲۸).

مهر ۱۳۵۶ فخرالدین حجازی از طرف هیئت های مذهبی استان مازندران برای سخنرانی در مهدیه آمل دعوت شده بود. وی پنج شب متوالی طی سخنان خود همواره توده های مذهبی را به قیام علیه استبداد ترغیب کرده و در این باره به قیام حسین بن علی (ع) علیه نظام دیکتاتوری و فاسد معاویه استناد می کرد. (فریاد بعثت: فخرالدین حجازی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۴۷۵)

در ۱۴ / ۳ / ۱۳۵۷ مأموران شهربانی از طلبه ای به نام علی محمد بلباسی فرزند احمد، مقیم قم و اهل آمل که در مسجد جامع آمل، تعداد ۱۳۰ برگ اعلامیه مربوط به تعطیلی سراسری در پانزدهم خرداد بدست آمده که برابر مقررات تحت تعقیب قانونی قرار گرفته است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۱۲۷ و ۱۰۴/۵). در ۲۳ / ۷ / ۱۳۵۷ «جامعه روحانیت آمل» موضع سختی علیه کشتار مردم آمل در ۱۶ مهر می گیرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۸/۱۷۷). همچنین واعظین شهر شیخ عبدالله جوادی و شیخ علی اصغر یوسفیان در مجالس سوگواری که در مساجد مختلف شهر مردم را به تظاهرات و عصیان تحریک می کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۹/۲۹۱).

دیگری اصلی قدرت در دوره پهلوی نهضت روحانیت به رهبری امام خمینی بود. آن ها به شیوه های مختلفی علیه قدرت مقاومت می کردند. از جمله پایگاه های اصلی آن ها مساجد، تکیه و هیأت ها بود.

### تشکیل گروه های مبارزاتی

از جمله نمودهایی که می توان مقاومت مردم آمل علیه قدرت در دوره پهلوی را نشان دهد. تشکیل گروه های مبارزاتی و انقلاب است. در دوره مذکور چند گروه مبارزاتی تشکیل شده بود که فعالیت های آن ها در اسناد این دوره منعکس است.

در زمستان سال ۱۳۵۲ ظهور یک گروه انقلابی در شهر آمل نمایان شد. **گروه مبارز شبانه** نامی بود که آن ها بر خود گذاشته بودند. در اطلاعیه ای که آن ها در نیمه بهمن ۱۳۵۲ در منازل اهالی آمل انداخته بودند، چنین درج شده بود: «عهده ای بی دلیل با همدستی آمریکا و اسرائیل با انحصار درآمد ملی و اخذ مالیات های سنگین زندگی را بر مردم تنگ ساخته و با دستگاه های تبلیغاتی مطبوعات و سینما و گسترش فساد مظاهر زندگی اسلامی را از بین برده و همچنین از محکومین ضد امنیتی با عنوان جوانان مبارز یاد و در خاتمه با اشاره به وقایع کربلا افزوده شده یگانه پیروزی

پاسخگویی به ندای حسین (ع) و مبارزه مسلحانه توده ای می‌باشد» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۱/۳۹۹).

در شب ۱۶ / ۱ / ۱۳۵۳ تعداد ۲۶ نسخه اعلامیه توسط گروه خرداد خونین در شهرستان آمل حوالی بازار توزیع شد. در این اعلامیه نیز واقعه کربلا، قیام فرودین و ۱۵ خرداد ۴۲ مورد توجه قرار گرفته است. همچنین شهادت آیت‌الله سعیدی (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۲/۳). طبق گزارش ساواک اعلامیه مورد نظر از سوی طلاب قم تهیه شد و توزیع آن توسط گروه خرداد خونین انجام شده است.

خاطرنشان می‌شود که این گروه‌ها الزاما حاکی از آن نیست که یک گروه سازمان‌دهی شده منظم تشکیلاتی ایجاد شده بلکه می‌توان به این نکته دست یافت که نیروهای مقاومت مردمی در آمل برای مبارزه خود تشخص و هویت قایل شده بودند تا جایی که با عناوینی از این دست روی اعلامیه‌های و مکتوبات خود هویت خود را به رخ قدرت می‌کشیدند. همچنین در اسناد این دوره می‌توان اسامی گروه‌هایی نظیر انجمن اسلامی و چریک‌های اسلامی را هم دید.

نیروهای ناسازگار در شهر آمل پاتوق‌هایی داشتند. مساجد از جمله مهمترین آن‌ها بود در این میان در طبقه پایین انجمن مهدیه شخصی به نام سیددریاباری کتاب فروشی تأسیس و کتب دکتر علی شریعتی را در جلدهای تعویضی و با نام‌های مستعار به فروش می‌رساند که پس از مدتی مأمورین شیوه او را کشف کردند. وی همچنین نوارهای سخنرانی امام خمینی را در اختیار مردم قرار می‌داد. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۲/۲۵۹).

### مواجه با عناصر نهادهای قدرت

از دیگر شیوه‌های مقاومت مردم آمل علیه قدرت در این دوره، اقدام علیه عناصر و نهادهای قدرت در این دوره بود. تهدید مقامات دولتی یکی از این شیوه‌های بود. در دهه ۱۳۵۰ نیروهای مقاومت در مازندران و به طور خاص در شهر آمل چنان قدرت گرفته بودند که به تهدید مقامات دولتی نیز دست می‌زدند. همچنین حمله به مراکز فرهنگی و اقتصادی دولتی در دستور کار قرار گرفت. در تاریخ ۱۳۵۶/۹/۳۰ حمله به سینما درفش، بانک صادرات شعبه‌های چابکسر و سبزه‌میدان و بانک سپه شعبه بازار صورت گرفت و شیشه‌های آن شکسته شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷، ۳/۱۰). حمله به سینما نیز چند بار دیگر صورت گرفت. لازم

به ذکر است که حمله به سینماها در نیمه‌شب صورت می‌گرفت که تعطیل بودند و تماشاچیان در آن حضور نداشتند. حمله با بانک صادرات چنین بار گزارش شده است (همان: ۲۵۶؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۴/۲۷۹). در ۵۷/۸/۶ گروه‌های پراکنده‌ای در شهر آمل حرکت ساختمان کلوپ تفریحات آرش را به آتش کشیده‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۸/۲۴۳).

در کنار چنین مواجهه‌های هیجانی، یک مقاومت بنیادی و عمیق‌تر نیز وجود داشت. وقتی که هژبر یزدانی بانک صادرات را خرید و صاحب اصلی آن محسوب شد. روحانیان تبلیغ علیه این بانک و خروج سرمایه‌ها از بانک مذکور را توصیه و در این راستا اقدام کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۳/۵۸).

### مقاومت در مدارس

مدارس از جمله کانون‌های مقاومت و ناسازگاری با دولت پهلوی بودند. در استان مازندران و شهرستان آمل نیز این موضوع نمود داشت. در گزارشی که ساواک در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۵۳ تنظیم کرده است این مسئله به خوبی نمایان است. این این گزارش تعدادی از جوانان و دانش‌آموزان دبیرستان‌های آمل به عناوین مختلف از قبیل قرائت انشاءهای تحریک‌آمیز در کلاس درس، نوشتن شعارهای موهن بر روی تخته سیاه، اهانت به تصویر شاه، توزیع علامیه مخالفت خود را با رژیم نشان می‌دادند. در این میان گزارش‌های ساواک اذعان دارد که دبیران و آموزگاران با دانش‌آموزان در این ناسازگاری به نحوی در ارتباط بودند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۲/۶).

در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱ یک نسخه اعلامیه تحت عنوان محرم ماه خون به دیوار داخلی حیاط دبیرستان محمد طبری آمل چسبانده شد که مضمون آن علیه رژیم و در حمایت از امام خمینی و امت اسلامی بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۳/۱۱). در ۱۳/ ۱/ ۵۷ چهار نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شاکری و طبری آمل در حال توزیع اعلامیه و نوشتن شعار به دیوارهای معابر عمومی بود که با تیراندازی مأمورین دو نفر از آنان مجروح شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۴/۷۱). در

۵۷/۷/۱۵ در تظاهرات عمومی مردم آمل دانش آموزان زیادی ایفای نقش کردند(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۷/۳۲۱). در تاریخ ۵۷/۸/۱۱ ابوالقاسم علیپور آموزگار دبستان قریه تلکسر محمودآباد آمل محصلین دبستان را تشویق می‌نماید که تظاهرات ضدامنیتی انجام دهند و اکثر مواقع به کد ۶۶ اهانت می‌نماید(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۹/۱۲) در مدارس چه دانش‌آموزان و چه طیفی از دبیران جزئی از عناصر مقاومت علیه پهلوی بودند.

### پیوند خیابان و دین

با عمده شده فعالیت‌های اقشار خاص نظیر روحانیان، دانش‌آموزان و دانشجویان، به مرور خیل جمعیت و عموم مردم نیز به مقاومت مردم آمل علیه پیوستند. خیابان‌های آمل از سال ۱۳۵۶ تا انقلاب اسلامی شاهد حضور چشم‌گیر مردم بود. در ۱۳۵۶/۷/۲۰ یکصدنفر در شهر آمل در تجمعی در حمایت از امام خمینی شعار دادند که ۲۰ نفر از آنان بازداشت شدند(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۲/۲۳۶).

تظاهرات و درگیری که حاوی جمعیت بیشتر و شعارهای شدیدتری بود در ۱۱/۲۶/۱۳۵۶ برگزار شد شعارهایی نظیر «ننگ و نفرین بر دودمان پهلوی و زنده باد خمینی» سر دادند(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۳/۲۲۱). چند روز بعد نیز تظاهراتی در خیابان شیروخورشید راه اندازی شد. جالب توجه است که در گزارش ساواک منعکس شده است که تمام کسبه و مردمی که ناظر این تظاهرات بودند در زمینه شناسایی عوامل تظاهرات هیچگونه کمکی به نیروهای امنیتی و انتظامی نکردند(همان: ۲۳۵).

روز ۱۳۵۷/۶/۱۰ بعد از اتمام سخنرانی واعظ در مسجد امام جعفرصادق آمل حدود ۲۰۰۰ نفر از اهالی تظاهرات کردند(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷، ۶/۲۶۹). در ۱۱ شهریور ۱۳۵۷ منبر مسیح مهاجری، تبدیل به تظاهرات شد(همان: ۲۷۸). در شهریور ۱۳۵۷ مسجد جامع علی‌کوچک محل اجماع معترضان بود. تظاهراتی نیز در ۵۷/۷/۲۰ گزارش شده است. تظاهرات ۵۷/۷/۲۳ به تشنج کشیده شد(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک- استان مازندران، ۱۳۹۷: ۸/۱۹۰). آبان ماه همان سال نیز تظاهرات شدید در آمل صورت گرفت. در ۱۳۵۷/۸/۱۴ حدود ۴۰۰ نفر کنترل عبور و مرور شهر آمل را از مسیر ورودی تا مسیر

خروجی شهر در اختیار گرفته و ضمن بازرسی اتومبیل‌ها، شعارهایی له امام خمینی و علیه شاه سردادند. آن‌ها اعلام کردند حکومت مردم بر مردم است و جوانان اسلامی شهر را کنترل می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۹/۵۸).

تظاهرات ۱۶ آبان با جمعیت ۱۰ هزار نفری برگزار شد (همان: ۲۶۳). روز ۱۹ آبان ۱۳۵۷ جمعیت جهت تشیع جنازه ۴ نفر کشته‌شدگان وقایع روزهای گذشته آمل، از خیابان‌های مختلف شهرستان مذکور حرکت و به سمت امامزاده ابراهیم آمل حرکت کردند (همان: ۱۵۵).

در ماه آذر نیز خیابان در تسخیر مردم و نیروهای ناسازگار با قدرت بود. طبق گزارش ساواک در 11 آذر ۱۳۵۷ گروهی متشکل از جوانان بازاری و تعدادی از طلاب بصورت دسته‌های دویست، دویست و پنجاه و هزار نفری تظاهرات خیابانی خود را شروع کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱۰/۲۶۶). در تظاهرات ۱۷ آذر ۵۷ در آمل گروهیان وظیفه نعمت محبتی ۲۱ ساله که در میان تظاهر کنندگان بود به شهادت رسید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱۱/۳۲). در 19 آذر ۱۳۵۷ عده‌ای بالغ بر ۲۵۰۰۰ نفر که نیمی از آنها را روستائیان تشکیل می‌دادند از تکایای مختلف آمل در مقابل امامزاده قاسم آمل اجتماع کردند. امامزاده ابراهیم محل دیگری برای تجمع تظاهران کنندگان در آن روز بود (همان: ۱۴۷). در دی ماه وضع وخیم‌تر شد. در ۱۲ دی ۱۳۵۷ مردم ضمن بستن راه و سد معبر در خیابان‌ها ماشین سرگرد ادیب، افسر سابق شهرداری آمل را محاصره و خودرو شخصی وی را به آتش کشیده‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱۲/۲۰۹). در گزارش‌هایی متعددی نیز درگیری مسلحانه با نیروهای نظامی و خلع سلاح آن‌ها گزارش شده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۱۱/۱۸). فروغ راعی، اسحاق خانپور و علی عظیمی از جمله شهیدان تظاهرات مردم آمل در این دوره بودند.

### صف بندی نیروهای اسلامی با کمونیست‌ها

مردم و نیروهای اسلامی از هر فرصتی برای نشان دادن تمایز و تفاوت بلکه تضاد خود با نیروهای مارکسیست و کمونیست استفاده می‌کردند. در ۲۳ / ۷ / ۵۷ اهالی شهرستان آمل با در خیابان‌های شهر آمل حرکت کرده و موقعی که در محوطه امامزاده ابراهیم آمل می‌رسند عده‌ای از آنها که حدود ۲۰ هزار نفر بوده‌اند

نوحه‌سرائی و سینه‌زنی کردند. تعدادی از آنان که مرام کمونیستی داشته‌اند تبلیغات کمونیستی می‌کردند. گزارش ساواک تأکید می‌کند متأثیر از این اتفاق «بین تظاهرکنندگان طرفدار خمینی و کمونیست‌های موجود در امامزاده ابراهیم برخورداری رخ می‌دهد که با میانجی‌گری عده‌ای از اجتماع‌کنندگان حاضر در امامزاده موضوع فیصله داده می‌شود» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۸/۱۹۸).

### عدم حضور در مراسمات رسمی

از دیگر شیوه‌های ناسازگاری مردم در دوره پهلوی که در شهر آمل به وقوع پیوست عدم حضور در مراسمات رسمی و دولتی توسط شخصت‌های و مردم بود. برابر اعلام ژاندارمری برای اجرای مراسم نیایش به مناسبت روز ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۵۶ سالروز ترور شاه از طرف شهرداری محمودآباد مراسمی در مسجد جامع برگزار و برای اجرای نیایش از آقای حسن حسینی پیشنهاد شد. مسجد جامع دعوت رسمی به عمل آمده بود ولی ایشان از حضور در جلسه و اجرای نیایش خودداری کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۳/۲۷۷).

همچنین در نیمه فروردی ۱۳۵۷ از طریق فرمانداری آمل از ده نفر روحانیان شهر آمل در مراسم سلام رسمی نوروز باستانی دعوت به عمل آمد که هیچ یک از آنان در مراسم حاضر نشدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۴/۱۲۱).

کسبه و بازاریان نیز با تعطیل دکان‌ها ناسازگاری خود را نشان می‌دادند. ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ حدود ۷۰٪ مغازه‌های شهر آمل و ۵۰٪ مغازه‌های بازار آمل بسته است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۶/۳۳۰). در گزارشی دیگر مربوط به ۲۱ شهریور ۱۳۵۷، آمده که ۵۰ درصد کسبه بازار آمل تعطیل کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۷/۳).

روز ۱۲ / ۷ / ۱۳۵۷ کارمندان و کارکنان دادگستری شهر آمل، مانند دیگر کارمندان استان از انجام امور محوله و قبول پرونده و دادخواست خودداری کردند. (همان: ۲۸۴) دبیران و آموزگاران مدارس و دانشسرای مقدماتی آمل به منظور مطرح نمودن خواسته‌های خود در سالن آموزش و پرورش اجتماع کردند. پنج ماده از خواسته‌های ایشان از این قرار بود: ۱- لغو حکومت نظامی در سراسر کشور ۲- تشکیل کانون فرهنگیان ۳- رفع تنگناهای آیت‌الله خمینی ۴- آزادی زندانیان سیاسی ۵- ادامه

اعتصاب تا آزادی زندانیان دستگیر شده تظاهرات آمل (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - استان مازندران، ۱۳۹۷: ۸/۸۵). ۲۴ مهر ۱۳۵۷ قضات آمل به کشتار خونین این شهر (روزهای ۱۶ و ۱۷ مهرماه) اعتراض کردند. گروهی از قضات آمل در بیانیه‌ای خطاب به ریاست دیوانعالی کشور وقایع خونین آمل را تشریح و خواستار تعقیب و مجازات عاملان شدند (کیهان، ۱۳۵۷: ۷). روز ۱۱/۹/۵۷ کارمندان شرکت مخابرات آمل دست به اعتصاب زدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۷: ۱۸/۱۱۱).

### نتیجه گیری

بررسی‌های این مقاله نشان داد که در خطه آمل ناسازگاری و مقاومت زیادی علیه دولت پهلوی صورت گرفت. مساجد و مراقد امامزادگان، هیأت‌ها از جمله پایگاه‌های این مقاومت بودند. با وجود این حجم ناسازگاری و مقاومت و فعالیت‌های انقلاب در روستاهای آمل بسیار معنادار است. در کنار دیدگاه‌هایی که سعی در صورت بندی شهری از انقلاب اسلامی هستند باید به پایگاه روستایی این مقاومت نیز توجه داشت. در این میان اقلار مختلفی در مقاومت مذکور مشارکت داشتند. روحانیان، معلمین، دانش‌آموزان، دانش‌جویان، حتی کارمندان دولت نیز در میان نیروهای مقاومت حضور داشتند. میزان و سطح مقاومت مردم آمل با دولت پهلوی به حدی بود که در اسناد مختلفی وضعیت ناسازگاری آن‌ها با مفاهیم وضعیت زرد و وضعیت قرمز شناسایی شد. به عبارت دیگر قدرت در ناسازگاری مردم آمل به چالش جدی مواجه شد. با وجود حضور اقلار و گروه‌های مختلف در این ناسازگاری، جریان اسلامی سعی در تفکیک ناسازگاری خود با جریان چپ داشت و همانطور که خاطر نشان شد این تفاوت دغدغه را در شعارها و اعلام مرزبندی خود با جریان‌های مارکسیست نشان داد. ناسازگاری مردم عامل شامل اقدامات فرهنگی و دینی تا حضور خیابانی علیه قدرت را شامل می‌شد. همچنین برخی از نیروهای اجتماعی با عدم حضور در رویدادهای دولتی مقاومت و ناسازگاری خود را بروز می‌دادند. بازاربان و کسبه نیز با بستن دکان‌های خود مقاومت و ناسازگاری خود را نشان می‌دادند. در پایان باز تأکید می‌شود که اگرچه این ایده که انقلاب اسلامی یک انقلاب شهری بود بر ریشه‌شناسی انقلاب اسلامی سایه افکنده و در ظاهر هم درست می‌نماید اما نگاهی به ناسازگاری مردم مازندران و به خصوص آمل نشان می‌دهد اتفاقاً یکی از پایگاه‌های اصلی ناسازگاری و مقاومت علیه پهلوی در روستاها و دهکده‌ها بوده است.



## منابع

- اسلامی، حسین (۱۳۹۰). *مازندران در تاریخ*. ج ۱، ساری: نشر شلفین.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۷). ج ۱۸ و ۲۳، تهران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان مازندران (۱۳۹۷). **۱۲ جلد**، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی. (از هر ۱۲ جلد این کتاب در مقاله حاضر استفاده شده و اساساً پایه مقاله مذکور بر اسناد این کتاب نگاشته شده است.)
- حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۰). ج ۴، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- زنان دربار به روایت اسناد ساواک - فرح پهلوی (۱۳۸۱)، جلد دوم، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- شایان، عباس (۱۳۳۶). *مازندران جغرافیای تاریخی و اقتصادی*. جلد اول، تهران: چاپخانه موسوی.
- شهبابی، سیفالرضا (۱۳۹۰). *احزاب سیاسی در مازندران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*. تهران: انتشارات رسالت.
- فریاد بعثت: فخرالدین حجازی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۳). تهران، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ایوانوف، مایکل سرگیویچ (۱۳۵۶). *تاریخ نوین ایران*، ترجمه: هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، [تهران]: طوفان.
- روزنامه کیهان، مورخه ۲۴ / ۷ / ۵۷.

## پیوست

### گزارش رئیس شهربانی آمل سرگرد محمدجواد جاوید ۵۷/۷/۲۶

از: شهربانی آمل

به: تیمسار ریاست محترم شهربانی مازندران ساری

احتراماً مقام عالی را آگاه می‌سازم جریان تظاهرات و اغتشاشات و آشوب‌های سهمگین روز ۱۵/ ۷/ ۱۳۵۷ شهرستان آمل که از سوی حدود چندین هزار نفر از معلمین و محصلین و اخلاگران غیر محلی و سایر طبقات دیگر ایجاد شده بود منجر به راه بستن و سد بندی خیابانهای اصلی شهر و آتش‌سوزی‌های مهیب و تخریب بیش از بیست و شش مؤسسه دولتی و خصوصی و مغازه‌های شهروندان از جمله بانکها ادارات سینماها هتلها اتومبیل‌های آتش نشانی اتومبیل‌های پلیس و مردم تابلوهای راهنمایی و حمله شدید و خصمانه به مأمورین انتظامی و مجروح و مصدوم نمودن بیش از شانزده نفر از افسران و مأمورین و آتش‌افروزی در نقاط مختلف شهر و همچنین حمل تراکتهای ضد ملی و میهنی و اهانت‌آمیز به مقام شامخ ۶۶ و شعارهای ضدحکومتی و اهانت‌آمیز گردید و دنباله آن به روز ۱۶/ ۷/ ۱۳۵۷ و روزهای بعد نیز کشیده شد و مأمورین ناچار به تیراندازی هوایی شدند و در نتیجه بر اثر کمانه و ترکش تیر عده‌ای مجروح و سه نفر در اثر جراحات وارده در بیمارستان درگذشتند چگونگی در گزارشات روزانه با اعلام وضعیت به عرض رسیده است در این وضعیت حساس و بحرانی جامعه قضات دادگستری آمل اقدام به جبهه‌گیری و تحریک و مخالفت با اقداماتی که در جهت آرام ساختن این شهر و برگشت نظم و آرامش وسیله نیروها شده بود نموده و حسب اطلاعات تأیید شده قضات در مراسم و مجالس ختم درگذشتگان به صورت گروهی شرکت و حتی دادستان در یکی از جلسات برای مستمعین سخنرانی و اظهار همدردی نموده و در اعلامیه‌هایی که در شهر پخش و به دیوانعالی کشور نیز ارسال و درکپهان شماره ۱۰۵۸۷ - ۲۴/ ۷/ ۵۷ چاپ شده است بدون اینکه به انگیزه و علت وقایع اشاره کند با تعصب خاص جانب اخلاگران و تظاهرکنندگان را رعایت نموده و همانند آنان بیان موضوع کرده‌اند به نظر می‌رسد طبقه شریف قضات که به قول خودشان تیراندازی در طبقه سوم ساختمان آنان اصابت کرده و خود دلیل بارز بر تیراندازی هوایی از بالای ساختمان که مشرف به بازار است آتش‌سوزی‌های مهیب بانکها ادارات دولتی. مؤسسات خصوصی. سینماها. مغازه‌ها. اتومبیل‌های آتش نشانی و شهربانی و حمله به مأموران. راه‌بندان خیابانها را ندیدند و حتی آتش‌سوزی‌های بانک صادرات و ایران شهر که در طبقه پائین

دادگستری است مشاهده نکرده‌اند شعارهای ضد میهنی و تراکتهای اهانت‌آمیز و بی‌نظمی و آشوب و انهدام شهر را نادیده گرفتند آنگاه که می‌رفت شهر مثل خاکستری تبدیل شود و عناصر اخلاک‌گر قصد هجوم به شهربانی و ایجاد وقایع ناگوارتری را داشتند به هنگامی که مأموران با جانبازی و نیروی اندک در مقابل سیل چندین هزار نفری عناصر اخلاک‌گر در مقام نجات شهر و شهروندان برمی‌آیند این چنین از سوی مقامات قضائی که بایستی بی‌طرفانه و نیز مغرضانه به قضاوت بنشینند مورد بی‌مهری و حتی تهدید و جبهه‌گیری به نفع عناصر ضد ملی و اخلاک‌گر قرار می‌گیرند با این وصف تکلیف ارسال پرونده‌ها و تحویل این عناصر به مقامات قضائی چه خواهد شد و این تحریکات در روحیه پرسنل چه تأثیر منفی خواهد گذاشت جهت مزید به استحضار می‌رساند اینجانب چندین روز بیش نبوده است که تصدی شهربانی آمل افتخار پیدا نمودم و برابر سوابق موجود قبل از تصدی من به سبب حمایت قضات در جریان دستگیری پخش‌کنندگان اعلامیه مضره و ضد ملی که منجر به تیراندازی و مضروب‌شدن و دستگیری دو نفر از عاملین گردیده بود با اعلام این حمایت از سوی شهربانی آمل که مستند و واقعی بوده است عده‌ای از قضات به شهرهای دیگر منتقل و بدین سبب حالت تعرض و انتقام‌جویی در بین قضات جایگزین شده و باقیمانده نسبت به شهربانی متصور است و اکنون که برای استقرار نظم و تعقیب مجرمین و اخلاک‌گران نیاز به امکانات قانونی قضات محترم دادگستری است آنان در بدو امر بدون تجزیه و تحلیل اوضاع قصد دارند با تمام امکانات شهربانی را تضعیف نمایند در روز ۲۶ / ۷ / ۱۳۵۷ نیز دو نفر از وکلای شهر به نامان لطفی عضو انجمن شهر و مفتاح در جهت تأیید اعلامیه قضات که مسلماً به هم مرتبط است اعلامیه‌هایی صادر و در شهر پخش نمودند گزارش جریان فوق معروض و به عرض می‌رساند شهربانی به همراهی نیروهای کمکی با ایمان و اعتقاد راسخ به سوگند وفاداری و جانبازی در راه شاهنشاه آریا مهر و خدمت به میهن و مردم سعی در حفظ نظم و مقابله با عناصر خرابکار دارد و تا به حال موفق شده است نظم عادی را به شهروندان برگرداند و استدعا دارد در مورد جبهه‌گیری‌های اخیر به خاطر تقویت روحیه پرسنل تصمیمات و اوامر مقتضی صادر و از عنایات و پشتیبانی در این لحظه حساس این یگان را مفتخر و امر به ابلاغ فرمایند.

**منبع:** انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان مازندران، ج ۸، تهران، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۷، صص ۲۴۲-۲۴۳.

ریاست ساواک استان دوم

گیرنده ..... معاونت ران (ساری)

فرستنده ..... اداره کل سوم

شماره ..... صفحه  
عدد

پیوست

تاریخ

شماره

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

**سخت وزیری**  
سازمان اطلاعات و امنیت کشور  
سن ۱۰۱۰۱۰۱

موضوع ..... احمد علم الهدی

**محرمانه**

بد پیوسته فتوکپی یک نسخه نامه یاد شده فوق که از آمل خیابان شاه  
فروشگاه ممتاز با هست جهت آیت اله علم الهدی نجفی بمشهد ارسال  
داشته است به پیوسته ایفاد میگردد .

نظر اینکه مشارالیه بنا به اعتراف خود در روز هکده آبان ۱۳۰۴ اهل بعضی نیتهای  
مضره مشغول و بر علیه دولت و اصلاحات ارضی تبلیغ مینماید علیهذا خواه  
است دستور فرمائید در رایتمورد تحقیق نموده و کجیه اعمال و رفتار را مهبسرد مرا  
تحت کنترل و مراقبت قرار داده نتیجه را اعلام دارند . ش

از طرف مدیرکل اداره سوم . ( در گذر فروردین )

۲۵ / ۱۱ / ۳۵

تجهه کننده - ساری  
تصدیق پرونده  
رئیس بخش ۲۲۱ -

۳۲۱ / ۴۲ - ۴  
۷۸۰ / ۲۷  
۵۱۳۰۸ - ۳۸

**محرمانه**





## بررسی بسیج مردم آمل در مواجهه با اتحادیه کمونیست‌های ایران

محمد رادمرد<sup>۱</sup>

محمد مهدی رحیمی<sup>۲</sup>

### چکیده:

واقعه ششم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ در پی حمله گروهی از اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران که مائوئیست بودند و با هدف براندازی جمهوری اسلامی با تصور همراهی گروهی از مردم آمل و طراحی عملیاتی سریع و خشن وارد فاز نظامی شده بودند، به وقوع پیوست. هم‌زمانی این رخداد با جنگ ایران و عراق و درگیری نیروهای سپاه و ارتش در جنوب و غرب کشور، همین‌طور پس از عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری در جریان‌شناسی این واقعه از اهمیت بالایی برخوردار است. مقاله حاضر با هدف پرداختن به این پرسش نگاشته شده است که با توجه به نارسایی در تجهیز و کم‌تجربگی نظامی، مردم آمل در مواجهه با نیروهای آموزش دیده و چریک‌های سازمان‌یافته چگونه توانستند برخلاف انتظار در زمانی کمتر از دو روز نیروهای اتحادیه کمونیست‌های ایران را شکست داده و با کنشی درونی و خودجوش از موضع خود دفاع کنند؟ بر طبق مطالعه در داده‌های موجود و متناسب با الزامات مفهومی مورد استفاده در این پژوهش می‌توان گفت قدرت یک جنبش مردمی فراگیر بستگی به میزان وفاداری پیروان آن و از جمله ایثار و از جان گذشتگی آنها برای آرمان و اهداف آن جنبش دارد. در این پژوهش مفهوم بسیج چارلز تیلی به‌عنوان چارچوب مفهومی مورد استفاده قرار گرفته است. روش نگارش این مقاله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** سربداران، قیام، آمل، ۶ بهمن، بسیج سیاسی.

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران؛ m.radmard@umz.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی؛ rahimimohammadmahdi608@gmail.com

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب در سالهای منتهی به آغاز دهه شصت شمسی جمهوری اسلامی که مانند نوزادی تازه متولد شده در حال سازماندهی و تشکل‌سازی در راستای ایجاد ساختاری منسجم از حکمرانی بود، آماج حملات گسترده خارج از کشور و آفند عملیات‌های بسیار پر تنش و پیچیده سیاسی و نظامی در داخل کشور شد. نیروهای گریز از مرکزی که علی‌رغم نقش کمرنگشان در پیروزی انقلاب در پی سهم‌خواهی از قدرت شده و مشارکت در مسندهای مهم سیاسی را حقوق خود می‌دانستند با خارج شدن از فاز نظری و اقدام به تحرکات عملی، مسلح شده و با انواع رفتارهای خشن از ترور و خرابکاری تا بمب‌گذاری و ترویج خشونت سعی در نابودی نظام تازه تاسیس داشتند. فعالیت همزمان گروه‌های اپوزیسیون متعدد به طور ناخواسته کشور را وارد بحرانی پیش‌بینی نشده کرد. این وضعیت در شرایطی بود که توامان با حملات نظامی رژیم بعث عراق در مرزهای ایران برکناری بنی‌صدر با تشخیص مجلس شورای اسلامی و دستور بنیانگذار جمهوری اسلامی مبنی بر عدم صلاحیت وی رقم خورده بود. بدین ترتیب ترورها و بمب‌گذاریها از خرداد ماه سال ۶۰ آغاز شد و فضای داخلی کشور که خود را در مرزهای جغرافیای به طول ۸۰۰ کیلومتر در مواجهه با دشمن بعثی می‌دید را وارد جبهه دومی از درگیریها در داخل کرد. یکی از گروه‌های رادیکال متولد شده با هدف ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی دست به اسلحه بردند، تشکیلاتی تحت عنوان «اتحادیه کمونیستهای ایران» بودند که با عملیات تروریستی واقعه آمل را در بهمن ماه سال ۱۳۶۰ رقم زدند. با تأکید در خصوص هجوم نیروهای کمونیست به شهر آمل و متعاقباً درگیری ناخواسته مردم که عموماً غیر نظامی بودند پیش‌بینی آنها از تداوم درگیری‌ها بر دو محور استوار بود: ۱- با توجه به سرعت عمل گروه فوق، مردم بر اثر شوک حاصل تسلیم و همراه می‌شوند (خانی، ۱۳۹۲: ۲۱) و یا در صورت مقاومت با توجه به شتاب و شدت عملیات با ناتوانی در تجهیز محکوم به پذیرفتن شکست می‌شوند. پیش‌بینی‌هایی که البته تحقق نیافت. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش بوده است که؛ با توجه به نارسایی در تجهیز و بی‌تجربگی، مردم آمل در مواجهه با نیروهای آموزش دیده و چریک‌های سازمان یافته چگونه توانستند خلاف انتظار در زمانی کمتر از دو روز با کنشی درونی و خودجوش از موضع خود دفاع کرده و نیروهای خودخوانده اتحادیه کمونیست‌ها را شکست دادند؟ این مقاله تلاش خواهد کرد در چارچوب مفهوم بسیج تدافعی چارلز تیلی به این سوال ژاسخ دهد و نشان دهد چگونه دشمن خارجی باعث

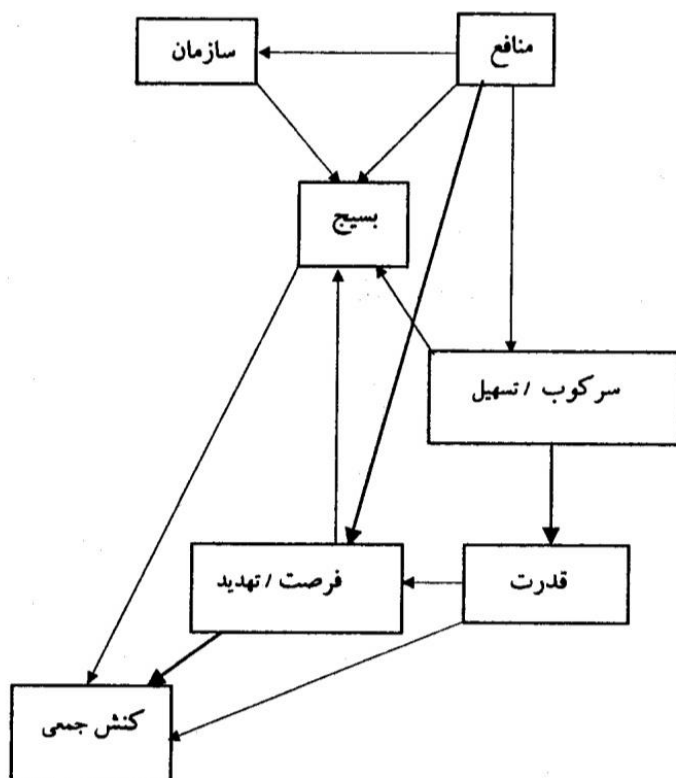


ایجاد یک مای مشترک برای دفاع شد. در ادامه این مقاله پس از ارائه یک بحث نظری و مروری بسیار مختصر بر فعالیت‌های گروه‌های چپ و اتحادیه کمونیست‌های ایران، به کار بست مفهوم بسیج تدافعی درباره این رویداد خواهیم پرداخت.

### چارچوب مفهومی: بسیج تدافعی چارلز تیلی

چارلز تیلی، در کتاب «از بسیج تا انقلاب»، الگوی نظری خود با عنوان «مدل بسیج» را با هدف تبیین رفتار سیاسی گروه‌های اجتماعی و چرایی و چگونگی بسیج این گروه‌ها و همچنین درگیر شدن آنها در اشکال مختلف فرایند کنش جمعی ارائه نموده است. عناصر اصلی الگوی نظری تیلی را متغیرهایی چون سازمان، منافع، بسیج، کنش جمعی، فرصت/تهدید، قدرت و سرکوب/تسهیل تشکیل می‌دهند. (دهقان نژاد و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۵). منافع را می‌توان «امتیازات و محرومیت‌های مشترکی که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد می‌آید»، دانست. سازمان نیز «میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت» معنا می‌یابد؛ بسیج را نیز می‌توان «میزان منابعی که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد و همچنین به عنوان یک فرایند، افزایش منابع یا افزایش میزان کنترل جمعی» قرار می‌گیرد، تعریف کرد. «میزان کنش جمعی یک مدعی برای برآوردن اهداف مشترک؛ و به عنوان یک فرایند، خود آن کنش مشترک» را کنش جمعی گویند. تیلی قدرت را «میزان نتایج یک جمعیت با دیگر جمعیت‌ها که باعث برآورده شدن منافع آن جمعیت در مقابل سایر جمعیت‌ها می‌شود» تعریف می‌کند و از طرف دیگر سرکوب «هزینه‌های کنش جمعی برای یک مدعی می‌باشد» و تهدید آسیب‌پذیری گروه‌های دیگر در مقابل ادعاهایی جدید که در صورت موفقیت آمیز بودن سبب تحقق منافع گروه مدعی می‌شود را در برمی‌گیرد. در نهایت تهدید آن چیزی است که در صورت موفق بودن باعث کاهش تحقق منافع مدعی می‌گردد (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴).

در واقع مدل بسیج چارلز تیلی را در قالب مفاهیم توضیح داده شده می‌توان به شکل زیر مشخص کرد.



مدل بسیج - منبع: (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۹)

آنچه درباره نظریه بسیج تیلی بیان گشت؛ به ما کمک می‌کند تا درک بهتری نسبت به چگونگی شکل‌گیری هسته‌ها و گروه‌های مقاومت داشته باشیم. امری که از قضا در مورد واقعه مورد بررسی تحقیق حاضر نیز رخ داده است. بر این اساس و در ادامه به طور اخص به نظریه بسیج تدافعی تیلی پرداخته خواهد شد. مفهومی که در چارچوب این نظریه می‌تواند به مثابه پلی برای برقراری نظریه و واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل باشد. به طور کلی در ادبیات انقلابها، مفهوم بسیج بسیار قابل توجه قرار می‌گیرد. در این چارچوب بسیج «به معنای فعال شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت گروه در جهت اهدافی است که به وسیله ایدئولوژی آن تعیین می‌گردد.» منابعی که در فرایند بسیج تجمیع می‌شوند متنوع است و از وسایل اجبار تا منابع ارزشی را دربر می‌گیرد. (بشیریه، ۱۳۸۱، ۷۹) با توجه به آنچه گفته شد و بر اساس تحلیل تیلی منابع

بسیج شونده را می‌شود اینگونه تحلیل کرد: منابع اجبار آمیز شامل سلاح و فن‌آوری ساخته شده را مدنظر قرار می‌دهد. تیلی وفاداری‌ها و تکالیف را در زمره منابع هنجاری می‌گنجاند. منابع فایده‌مندانه نیز شامل کالاها، خدمات، اطلاع‌رسانی و منابع مالی است. (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵) با توجه به تأکید این پژوهش بر مفهوم بسیج از منظر تیلی درک این مفهوم از منظر او بسیار قابل‌تأمل و توجه است. تیلی معتقد است که «واژه بسیج به شکل متعارف معرفی‌کننده فرایندی است که بواسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود.» (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۰۴) به بیان دیگر، بسیج یعنی گردآوری منابع (انسانی و مادی) برای استفاده و عمل جمعی. تیلی از سه شکل بسیج نام می‌برد: یکم، بسیج تدافعی، دوم، بسیج تهاجمی، و سوم، بسیج تدارکی. در بسیج تدافعی «تهدیدی از خارج، اعضاء یک گروه را وامی‌دارد که منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند.» (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۱۱) همه اشکال بسیج و از جمله بسیج تدافعی پدیده‌ای از بالا به پایین است. در این شکل از بسیج چنین نیروها توسط رهبران سازمان‌دهی می‌شود. در بسیج تهاجمی «یک گروه در عکس‌العمل نسبت به «فرصت» های فراهم آمده برای تحقق منافع خود به گردآوردن منابع می‌پردازد.» و در بسیج تدارکی، «گروه با پیش‌بینی فرصتها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در بسیج تدافعی یک عامل بیرونی سبب شکل‌گیری بسیج و در پی آن کنش جمعی می‌گردد. فراتر از این، تیلی معتقد است برای اینکه بسیج و از جمله بسیج تدافعی تحقق یابد مجموعه‌ای از عناصر و شرایط باید در کنار هم قرار گیرند. مهمترین این عوامل عبارتند از: میزان منافع مشترک آن گروه در تعامل با دیگر جمعیت‌ها، میزان هویت یافتن آن جمعیت به عنوان شاکله و چارچوبی متفاوت، قدرت آن گروه، میزان در وضعیت «سرکوب» قرار گرفتن آن جمعیت و پیکربندی فرصتها و تهدیدهای آن گروه. (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۲۳)

در این میان نکته‌ای که درباره چگونگی بسیج باید مورد توجه قرار گیرد این است: اندازه و کیفیت سازمان یک گروه نقش اساسی در توان بسیج آن گروه دارد. به عبارتی دیگر هرچقدر کیفیت سازمانی گروه بهتر باشد، فراگیری سازمانی، جغرافیایی و اجتماعی آن نیز بیشتر خواهد بود و همین مسئله توان بسیج آن گروه را به مراتب بالاتر خواهد برد. (پناهی، ۱۳۸۹، ۳۴۲) بر این اساس و در چارچوب آنچه گفته شد این مقاله در پی آن است تا نشان دهد مفهوم بسیج تدافعی و شاخص‌هایی که درباره

بسیج نامبرد شد تا چه حد توانایی مقاومت مردم آمل در مقابل نیروهای اتحادیه کمونیست‌های ایران را دارد.

### ۱- اتحادیه کمونیست‌های ایران

پس از سرنگونی رضاخان در شهریور ۱۳۲۰، کشور به سمت عرصه باز سیاسی پیش رفت و سه گرایش اصلی در عرصه سیاسی اجتماعی ایران پدید آمد: گرایش ملی، جریان چپ (مارکسیست) و گرایش اسلامی. جنبش چپ در ایران تحت تأثیر گروه ۵۳ نفره به رهبری تقی ارانی بود که در اواسط سلطنت رضاشاه فعالیت خود را آغاز کردند. این گروه که «حلقه روشنفکران جوان مارکسیست» محسوب می‌شود، اندکی پس از حمله بریتانیا و شوروی به ایران در مهر ۱۳۲۰، حزب توده را تأسیس کرد. این فضای باز سیاسی کم و بیش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت. پس از آن رژیم پهلوی رویکردی استبدادی و ظالمانه در پیش گرفت و مخالفان خود را با گرایش‌های مختلف ملی، مذهبی و کمونیستی از صحنه سیاست حذف کرد. در جریان کودتای ۲۸ مرداد، حزب توده که در دهه ۱۳۲۰ به یکی از بازیگران اصلی کشور تبدیل شد، با فشارهای گسترده حکومت مواجه شد. (عزیزی؛ ۱۳۹۸؛ ۹۳-۹۴) در جریان این کودتا ۳۰۰۰ نفر از نیروهای حزب و از جمله ۵۰۰ عضو سازمان نظامی بازداشت شدند. این میان «۳۱ تن از اعضای حزب اعدام شدند؛ ۱۱ نفر زیر شکنجه جان سپردند، مجازات اعدام ۵۲ نفر به حبس ابد کاهش یافت؛ ۹۲ نفر به حبس ابد محکوم شدند و مجازات صدها تن دیگر، حبس ۱ تا ۱۵ سال تعیین شد.» (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ۲۹۳-۲۹۴) برخی از رهبران و کادرهای اصلی حزب کشور را ترک کردند و اروپای شرقی را که عمدتاً تحت تأثیر کمونیسم بود، به عنوان هدف خود برای مهاجرت انتخاب کردند. مهاجرت برخی از مارکسیست‌ها و هزاران نفر دیگر در خارج از کشور در دوره پس از کودتا، پایه و اساس سازمان‌های دانشجویی در اواخر دهه ۱۹۳۰ را ایجاد کرد و سازمان‌های دانشجویی ایران در اروپا و آمریکا تأسیس شد. پس از مدتی، به دنبال ارتباط بین اتحادیه‌های دانشجویی در کشورهای مختلف اروپایی با اتحادیه‌های کارگری و نگرانی‌های سیاسی، این زمینه به تدریج برای تشکیل یک سازمان گسترده تر به نام کنفدراسیون جهانی دانشجویان و دانش آموزان ایران (اتحادیه ملی) در فروردین ۱۳۳۹ قرار گرفت. این کنفدراسیون مهمترین پایگاه اعتراضی نیروهای اپوزیسیون پهلوی در خارج از کشور در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بود و در همان دهه برخی از نسل جوان و تحصیلکرده متأثر از مبارزات مسلحانه در الجزایر، ویتنام، چین

و کوبا نیز به فکر مبارزه با حکومت پهلوی افتادند. آنها معتقد بودند تنها راه مبارزه، انتخاب رویکرد مسلحانه و شروع یک انقلاب خشونت آمیز است. اوج این تلاش، حرکت مسلحانه چریکهای وفادار مردم ایران در سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ بود. با آغاز مبارزات مسلحانه در ایران، از دی ماه ۱۳۵۰ تا دی ماه ۱۳۵۲، جناح‌های مختلف کنفدراسیون به بحث‌های بی پایانی درباره لزوم گنجاندن تمایل به سرنگونی حکومت شاه در استراتژی کنفدراسیون و چگونگی حمایت از چریکها پرداختند. در این شرایط در ایران اتحادیه کمونیست‌های ایران تأسیس شد. این گروه از جمله مهم‌ترین سازمان‌های مائوئیستی چند دهه اخیر بود. (عزیزی؛ ۱۳۹۸؛ ۹۳-۹۴)

اتحادیه کمونیست‌های ایران ترکیبی از گروه‌ها و سازمان‌هایی بود که در اواخر دهه ۴۰ و اواسط دهه ۵۰ علیه رژیم پهلوی فعالیت میکردند. اولین سازمان «انقلابیون کمونیست» بود که در سال ۱۳۴۸ توسط گروهی از دانشجویان مقیم آمریکا تأسیس شد و اعضای آن عبارت بودند از حمید کوثری، محمد امینی، سیامک زعیم، پرویز و حمید شوکت، فرمرز طلوعی سمنانی، عباس بزرگ، احمد تقوایی، ژاله بهروزی و کسانی که عقاید مارکسیستی داشتند، گروه دوم «گروه پویا» نام داشت که در سال ۱۳۵۵ با همین گرایشها تأسیس شد. اعضای این گروه بازماندگان «گروه فلسطین» بودند که در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ در عراق زندگی می‌کردند و رهبری آن را حسین تاجمیر ریاحی اصفهانی بر عهده داشت. اعضای آن در عراق، فلسطین و لبنان آموزش جنگ‌های چریکی میدیدند. این گروه با گذشت زمان و اتحاد با سازمان انقلابیون کمونیست اتحادیه کمونیست‌های ایران را تأسیس کردند. در سالهای آخر حکومت پهلوی، جنبش در واقع شاخه مائوئیستی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آمریکا بود. (عزیزی؛ ۱۳۹۳؛ ۲۳۸-۲۳۷) باید توجه داشت در این برهه زمانی مائوئیسم عملاً در تقابل با سوسیالیسم شوروی به رهبری استالین بود. مائو در سخنرانی‌های خود با ضدمولد، ضد مشارکت و ضد کشاورزی خواندن رویکرد توسعه استالین راه خود را از وی جدا می‌کرد (مک‌لین، ۱۳۸۱، ۵۰۴-۵۰۵) و در این میان بودند چپ-هایی که در میانه این دو گانه سوسیالیستی راه مائو را درست‌تر و جذاب‌تر می‌دانستند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این گروه در داخل کشور به نام اتحادیه کمونیست‌های ایران شروع به کار کرد و نشریه حقیقت را به عنوان ارگان خود منتشر کرد. رهبر آن همچنان حسین ریاحی بود. سیاست غالب اتحادیه قبل از انقلاب صرفاً سیاسی و فرهنگی بود و فعالیت‌های آن بر این اساس تعریف می‌شد. از نظر اتحادیه، رژیم شاه رژیمی بود که نماینده طبقات بالا (مالکین بزرگ، سرمایه داران وابسته،

سرمایه داران بوروکرات) در ایران بود که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قدرت رسید و با امپریالیسم جهانی همراه بود. این گروه در واقعه سیاهکل به شدت تحت تأثیر حرکت چریک‌های وفادار خلق بود. تا آنجا که شعار رسمی اعضای این گروه در روزهای پایانی رژیم شاهنشاهی «ایران را سراسر سیاهکل خواهیم کرد» بود. مردم مسلمان و انقلابی و حامیان امام خمینی (ره) با شعار «ایران را سراسر کربلا می‌کنیم» رویکردی متفاوت را در پیش می‌گرفتند. (عزیزی؛ ۱۳۹۳؛ ۲۳۸-۲۳۷)

اتحادیه کمونیست‌های ایران اگرچه برای مقابله با حکومت پهلوی تاسیس شده بود اما از آنجایی که حکومت تازه تاسیس جمهوری اسلامی قابل انطباق با یک مدل مائویستی نبود؛ از ابتدای تاسیس با آن سرناسازگاری داشت. بنابراین این جریان اگرچه برخی از اقدامات حکومت تازه تاسیس را مورد تمجید قرار می‌داد اما به طور کلی اس و اساس و پایه‌های فکری این نظام را برنمی‌تافت. از جمله اقدامات نظام تازه تاسیس که به مزاج سران اتحادیه خوش آمد می‌توان به تعطیلی دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی و تسخیر سفارت آمریکا در ایران اشاره کرد. اقدام اخیر بسیار مورد تشویق و تمجید همه جریان‌های چپ و از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران قرار گرفت. اگرچه بیشتر این جریان‌ها با شکل و پایان بحران گروگان‌گیری نه تنها موافق نبودند بلکه آن را نشانه ضعف و یا در بهترین حالت مماشات جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم می‌دانستند. با همه این احوال یک حکومت با ماهیت دینی در بنیاد خود نمی‌توانست مورد قبول جریان‌های چپ و از جمله اتحادیه کمونیست‌ها باشد. حتی حزب توده نیز که گاهی به طعنه به او خط امامی گفته می‌شد، تاکتیکا با اندیشه جریان مذهبی حاکم می‌ساخت و بدین ترتیب اتحادیه کمونیست‌ها که از انقلاب ۱۳۵۷ به دنبال تسلط اندیشه‌های چپ بود و اکنون میان واقعیت و آرمان خود فاصله بسیاری می‌دید می‌خواست به شکلی به جمهوری اسلامی ضربه وارد کند. این اتحادیه اگرچه در ابتدای جنگ ایران و عراق، برخی از نیروهای خود را برای مقابله با دشمن به جبهه‌ها فرستاد<sup>۱</sup>؛ اما نهایتاً فضای حاکم بر جنگ و به طور خاص شکاف میان جریان ملی و مذهبی را که با سقوط بنی‌صدر رخ داده بود را فرصت مناسبی دید تا بتواند علیه جمهوری اسلامی بشورد. بخصوص آنکه جمهوری اسلامی جدا از مرزهای خود، در داخل هم بامجاهدین خلق درگیر نبرد مسلحانه بود.

<sup>۱</sup> بر اساس یک روایت اتحادیه از اعزام نیرو به جبهه‌ها هم به دنبال نفوذ در نهادهایی چون سپاه و بسیج بود. (رهگذر،

از نظر این گروه سیاسی جمهوری اسلامی «نظامی ارتجاعی» بود. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۲۵) حال این گروه باید قیام خود را از جایی شروع میکرد. ابتدا سازمان دهی نیروها در مسجد سلیمان مطرح شد اما این پیشنهاد به دلیل نزدیک بودن به جبهه جنگ ایران و عراق رد شد. بنابراین، بعد از حادثه بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ و انفجار در دفتر نخست وزیری، اعضای اتحادیه موقعیت را مناسب دانسته و به دلیل نبودن سازمان امنیتی اطلاعاتی متمرکز در کشور و با سوء استفاده از این که اکثر نیروهای نظامی و بسیجی در جبهه‌های جنگ عراق در جنوب کشور با نیروهای عراقی درگیر بودند و همزمان با گروهکهای منافقین و کرد در غرب کشور مبارزه می‌کردند، برنامه ایجاد جبهه سوم در شمال کشور از سوی اتحادیه کمونیستها به اجرا گذاشته شد. (عنایت: ۱۳۹۸)

## ۲- واقعه بهمن ۱۳۶۰ و بسیج تدافعی مردم آمل

کمونیستها از مدتها قبل با استقرار در جنگلهای منگولوم در نزدیکی شهر آمل شروع به تجهیز و آموزش سربازان برای حمله و تسخیر شهر با الهام از اندیشه‌های مائوئیستی و تصور قیامهای دهقانی و اتحاد تدریجی روستائیان که می‌توانست تبدیل به نیرویی بزرگ برای نیل اهدافشان باشد تحرکات خود را آغاز کردند. آنها با استفاده از استتار و اختفا و با پوشش مبدل افراد سپاهی و بسیجی در جاده‌های استراتژیک با برقراری ایستهای بازرسی با عنوان نیروهای سپاه، راه را بر مردم عادی سد کرده و به گزارش اسناد مربوط به حادثه افرادی مانند روحانی، شریعتی فرد و فرزند ایشان را شهید کردند. همزمان با موج دلهره آوری از خشونت‌ها بنام نیروهای بسیج و سپاه با عملیات‌های روانی و شایعه پراکنی و جعل اخبار که در اعلامیه‌ها منعکس می‌کردند با راه انداختن پروپاگاندا و مصادره افکار عمومی سعی در قرار دادن مردم در مقابل نیروهای بسیجی و سپاهی داشتند. خبر بسته شدن جاده هراز توسط این گروه کمونیستی به واسطه دفتر سیاسی آنها در تهران در رسانه‌های خبری بین‌المللی با ضریب دادن به ابعاد حادثه منتشر شد و توانست عمق فرامرزی پیدا کند. همزمان نیروهای مردمی تحت تشکل‌های سپاه و بسیج به فرمان امام وارد عمل شدند و با عملیات‌های متنوع و مداوم توانستند آنها را تا نزدیکی جاده سنگ درگاه مجبور به عقب نشینی کنند و یکی از فرماندهان تاثیر گذار این گروه با نام اکبر اصفهانی در نزدیکی‌های امامزاده عبدالله بکشند. با تحت فشار قرار گرفتن و از دست دادن نیروهای موثر و از بین رفتن هسته‌های محاسباتی افراد گروه با تصور همکاری مردم

و روستائیان به سمت شهر سرازیر شدند. صبح روز ششم بهمن در حالی که بخشی از شهر به تصرف مهاجمین درآمده بود، آحاد مردم از زن و مرد و کوچک و بزرگ، به طور غیرمنتظره وارد عمل شدند و برای حفظ دستاوردهای انقلاب و جان و مال مردم و همچنین حمایت از نیروهای سپاه و بسیج، با هر وسیله و شرایط ممکن به درگیری مستقیم با مهاجمان پرداختند. و به ساختن سنگر برای نیروهای مسلح مشغول شدند(خانی.۱۳۹۲: ۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای در توصیف آن سنگرها سخنی به یادماندنی گفتند: "این سنگرها، سنگرهای درون خیابان‌ها نیست. این سنگر دل‌هاست. هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است". (<https://farsi.khamenei.ir>-دیدار با مردم مازندران)

ترس از عملیات بعدی دولت و از بین رفتن استتار جنگل، فشار اعضای گروه، بارش سنگین برف در جنگل، مشکل در تهیه آذوقه و درگیری و اختلافات داخلی سران گروه، ناتوانی در داشتن رهبری مناسب، اتحادیه کمونیست را که در محاصره ارتش بودند مجبور به پیشروی کرد و تاریخ عملیات از تیرماه به بهمن ماه منتقل شد. نام این پروژه حمله اسب تروا بود (رهگذر سیمین، ۱۳۹۰، ۱۵۲). سربداران پس از تصویب طرح بهمن برای حمله جدید به شهر در روز اول به سمت آمل حرکت کردند. در حالی که برخی منابع تعداد نیروهای سربداران را در زمان کوچ به آمل ۱۱۰ نفر ذکر کرده اند، برخی منابع این تعداد را ۱۰۰ نفر شامل ۳ زن و کادر پزشکی عنوان کرده اند. عملیات به دلیل طولانی شدن آخرین مرحله راهپیمایی و دیر رسیدن به شهر با یک روز تاخیر انجام شد. رهبران صبح روز ۵ بهمن وارد آمل شدند و روز را در منزل محمدرضا سپرغمی در حاشیه شهر آمل سپری کردند. از ساعت ۳۰:۲۰، سربازان با یک وانت استتار شده با چادر منتقل شده و نیروها در شهر مستقر گشتند. ۵ تیم ۲۰ نفره برای حمله به آمل تعیین شدند. البته برخی منابع مدعی شده اند که علاوه بر گروهی که با پای پیاده از جنگل به شهر رسیده اند، بر اساس اعترافات برخی از اعضای دستگیر شده، گروهی نیز با خودرو از تهران و جنگل به آمل آمده اند. و یک گروه از قبل در شهر مستقر بودند. مهمترین هدف نظامی ساختمان بسیج بود. حمله به شهر با شلیک موشک آرپی جی به سمت ساختمان بسیج در ساعت ۲۳:۴۵ شب ۵ بهمن آغاز شد. طرح اصلی خنثی کردن نیروهای سپاه و بسیج و دعوت مردم به قیام بود. به گزارش کتاب پرنده نوپرواز، سنگرهای گروه امین اسدی در کوچه پس کوچه-های منطقه اسپه کلا، گروه بهنام در منطقه رضوانیه و گروه وریا در انتهای رضوانیه بود. گروه اخیر مسئول کمین در جاده هراز بودند. گروه قاسم نیز مسئول کمین در



جاده طالقانی بود. بر اساس همین کتاب، مردم محله‌های رضوانیه (به ویژه خانواده‌های زندانیان یا ناراضیان سیاسی اعدام شده توسط حکومت) از نیروهای اتحادیه کمونیست‌ها استقبال کردند و برخی از دختران و پسران جوان در ساخت پادگان به آنها کمک کردند و برخی دیگر صرفاً گونی و بیل تهیه کردند (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۶). اما به گفته برخی دیگر از منابع، غلامرضا سپرغمی از اهالی رضوانیه مسئولیت دعوت از مردم آن محل را بر عهده داشته است اما نتوانسته نظر کسی را جلب کند. (کردی، ۱۳۸۶)

برنامه اصلی نیروهای کمونیست این بود که حتی الامکان نیروهای بسیج و سپاه را از کار بیاندازند. چرا که در این برهه این نیروها عملاً نیروهای مردمی بودند و بدنه اجتماعی محسوب می‌شدند. از سوی دیگر تصور فرماندهی اتحادیه بر این بود که با آغاز نبرد مردم به سمت آنها خواهند آمد و جبهه اتحادیه قوی‌تر خواهد شد. با آغاز درگیری‌ها اما اتفاق به گونه‌ای دیگر رقم خورد. نه تنها مردم به نیروهای اتحادیه نپیوستند بلکه عکس آن، مردم به سمت بسیج و سپاه گرایش یافتند. حال باید تصمیمی اتخاذ می‌شد: مرکزیت اتحادیه توصیه کرد درگیری‌ها ادامه یابد. (کردی، ۱۳۸۶، ۶۶) تیراندازی و اشغال شهر تا صبح ادامه داشت، اما بامداد ششم بهمن ماه، ستاد عملیاتی متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اطلاعات و ژاندارمری تشکیل شد. از آن سو نیروهای بسیج و سپاه از شهرهای بابلسر، محمودآباد، لاریجان و بابل به سمت آمل روان شدند. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۵۷) از روستاهای آمل و شهرهای ذکر شده نیز عده زیادی به سمت آمل گسیل شدند. صدها نیروی داوطلب برای مقابله با نیروهای اتحادیه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متوسل شدند و اسلحه دریافت کردند. به گفته این منابع، زن و مرد، پیر و جوان، شن و گونی برای ساختن خندق و سنگ‌های خندق می‌آوردند. در شب حادثه برخی از مردمی که برای کمک به نزدیک ساختمان بسیج آمده بودند دستگیر یا کشته شدند؛ به طوریکه ۱۱ نفر از مردمی در مقابل ساختمان بسیج به شهادت رسیدند. با همه این احوال مردم آمل توسط سپاه پاسداران مسلح شدند و جنگ خیابانی آغاز شد. وقتی همه مردم علیه سربداران اسلحه دریافت نکردند، کسانی که سلاح نداشتند با داس و تیر و کمان و سنگ و تفنگ ساچمه زنی و تفنگ شکاری به اعضای اتحادیه حمله کردند. مردم حتی از منازل خود به مراکز امدادی و درمانی سپاه پاسداران دارو می‌بردند. بر اساس ادعای همین منابع، سربداران در همان روز، سه شنبه ۶ بهمن ۶۰، تمامی مواضع خود را از دست داد (حزب کمونیست ایران ۱۳۸۳: ۸۶).

هدف نیروهای اتحادیه در این بود که پایگاه بسیج آمل که تا پیش از انقلاب هتل این شهر بود را به تصرف درآورند؛ گویی این ساختمان مقرر مقاومت شده بود. در مقابل نیروهای مردمی هم در صدد بودند به هر قیمت که شده از شکست و سقوط این ساختمان جلوگیری کنند. نتیجه این تقابل در نهایت با وجود ۴۰ شهید و ۲۰۰ مجروح پیروزی جبهه مقاومت شهر بود. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۸۵) ماهیت مردمی و تدافعی بسیج سبب شد تا هسته‌های مقاومت خودجوش، متنوع و پراکنده باشد. یعنی در کوچه‌ها و خیابان‌های مختلف، گروه‌های مسلح جدا از هم شکل گرفته بود. زنان در کنار مردان در ایجاد سنگر و آماده کردن دارو و ... همکاری می‌کردند. سلاح‌های در دست مردم تنها تفنگ نبود. بلکه حتی سلاح‌های سرد را شامل می‌شد. اینها علیرغم این بود که نیروهای شهربانی و ژاندارمری تلاش می‌کردند برای کاهش تعداد شهدا و آسیب‌ها مردم را از صحنه نبرد دور کنند. (کردی، ۱۳۸۶، ۶۸) نکته مهم حائز اهمیت دیگر که باید توجه داشت این بود که دوسوی این نبرد از نظر توان رزمی در یک سطح نبودند. در یک سوی نبرد نیروهایی بودند که بخشی از آنها دوره‌های نظامی در عراق و لبنان و فلسطین دیده بودند و در سوی دیگر نیروهایی که حتی تا آن زمان اسلحه به دست نگرفته بودند. همچنین در یک طرف نیروهایی بودند که با طرح و نقشه قبلی در عرصه درگیری حاضر بودند و در سوی دیگر نیروهایی که در نیم ساعت سازماندهی شده بودند (خانی، ۱۳۷۹، ۳۷-۳۸) و برخی حتی خودجوش عمل می‌کردند.

همان‌طور که در بحث نظری تاکید شد تیلی در تحلیل چگونگی بسیج از برخی منابع یاد می‌کند. منابع اجبار آمیز، منابع فایده‌مند و منابع هنجاری. بنظر می‌رسد در جریان پیروزی مردم آمل بر اتحادیه کمونیست‌های ایران آمل سوم بیش از دو منبع دیگر نقش آفرینی کرد. منابع اجبار آمیز وجود داشت. اما نه به حد کفایت. از این رو بود که مردم از سلاح‌های سرد مثل داس و تبر نیز بهره می‌بردند. کالاهای فایده‌مند نیز بود. اطلاع رسانی برای بسیج از شهرهای دیگر. بعلاوه دارو و تجهیزات برای ساخت سنگر. اما همانگونه که تاکید شد بنظر می‌رسد آنچه باعث رقم خوردن پیروزی بر نیروهای اتحادیه شد، وفاداری مردم نسبت به نظام تازه تاسیس بود. از این رو بود که بسیاری از مردم بدون سلاح به جنگ با دشمن رفتند و یا در جریان درگیری‌ها از جان خود گذشتند.

این خصوصیت برگرفته از گفتمانی است که اصالت فردی و شخصی را فدای اصالت جمعی خواهد کرد و از تخصیص تمام منابع جانی و مالی ذیل رسیدن به هدف عبور

می‌کند. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۸۵). باید توجه داشت میزان سازمان یافتگی گروه بسیج گر در کار بسیج سخت موثر است. هر چه روابط درونی و فرهنگ مشترک و منافع مشترک در داخل گروه بسیج گر گسترده تر باشد احتمال پیروزی آن بیشتر است زیرا ارتباطات و فرهنگ مشترک موجب پذیرش تعبیری یکسان نسبت به امور مورد نظر می‌گردد (بشیریه حسین، ۱۳۸۷، ۸۰) خاستگاه مشترک از جمله دفاع از خاک مادری در مقابل نیروهای ناشناس و بیگانه، مذهب و آرمان انقلابی مشترک به خوبی میتواند عاملی برای تقویت انگیزهها و اتصال آنها به یکدیگر باشد. این تعلق خاطر حتی ممکن است مادون مالکیت‌های حقوقی عمل کند و همگی این عوامل منجر به شکل گیری کنش جمعی در مقابل دشمن و یا گروه حمله کننده می‌گردد. این واقعیت‌ها در ششم بهمن ۱۳۶۰ در آمل به خوبی پیدا بود. از این رو بود که نیروهای اتحادیه کمونیست‌ها علیرغم برآوردهای اولیه‌ای از حجم نیروهای بسیج و سپاه داشتند نتوانستند کاری از پیش ببرند.

### نتیجه گیری

این مقاله درصدد بود تا ایستادگی مردم آمل در بهمن ۱۳۶۰ را در مقابل نیروهای اتحادیه کمونیست‌های ایران را از منظر نظری و در چارچوب مفهوم «بسیج تدافعی» مورد تحلیل قرار دهد. همان‌طور که در بحث نظری مقاله نیز مورد تاکید قرار گرفت در بسیج تدافعی با تهاجم یک عامل بیرونی شاهد شکل‌گیری بسیج و به دنبال آن واکنش جمعی هستیم. همان‌طور که اشاره شد به اعتقاد تیلی برای اینکه بسیج و از جمله بسیج تدافعی تحقق یابد مجموعه‌ای از شرایط باید تحقق یابد. میزان منافع مشترک آن گروه در تعامل با دیگر جمعیت‌ها، میزان هویت آن جمعیت به عنوان شاکله و چارچوبی متفاوت، قدرت آن گروه، مقدار و اندازه در وضعیت «سرکوب» قرار گرفتن آن جمعیت و پیکربندی فرصت‌ها و تهدیدهای آن گروه از جمله مهمترین این عوامل هستند.

پیوستگی جامعه آمل با انقلاب اسلامی و در مقابل در برابر نیروهای جریان‌های سیاسی دیگر جامعه این شهر را در وضعیت خاصی قرار داد. از این رو می‌بایست تصمیمی خاص در آن برهه اتخاذ می‌شد. سقوط آمل می‌توانست به منزله سقوط بخش‌ها و شهرهای دیگر و رسانه‌ای شدن این خبر و پیوستن دیگر گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی به مهاجمین باشد. از این رو در مواجهه با این دشمن، جامعه آمل جدا از همه انواع تفاوت‌ها بسیار سریع حول دفاع از نظام نوپای سیاسی به

بسیج نیرو پرداخت. این بسیج نیرو در کمتر از یک شبانه‌روز و به شکلی گسترده صورت گرفت. اگرچه حکومت در این زمینه نقشی وسیع داشت، اما در کنار آن نیروهای مردمی به شکلی خودجوش به این بسیج تدافعی پیوستند و توانستند بر مهاجمین فائق آیند.

### فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، کودتا ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن، ترجمه: محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- بشیری، حسین (۱۳۸۷)، انقلاب و بسیج سیاسی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- پناهی، محمد حسین (۱۴۰۱)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران، انتشارات سمت.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۸)، از بسیج تا انقلاب، ترجمه: علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳)، پرده نو پرواز "آلمان، نشریه حقیقت ارگان خانی، مهدی (۱۳۷۹) رزم‌آهنگ بهمن، آمل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل خانی، مهدی (۱۳۹۲)، جبهه سوم: مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)، ناشر معاونت روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸)، قضیه ششم بهمن آمل؛ درسی برای امروز و آینده ملت ایران، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، قابل بازیابی در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=8678&nt=2&year=1388&tid=4475>
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، اندیشه و سیاست و اندیشه سیاسی اسلام، قم، موسسه بوستان کتاب قم. چاپ سوم
- دهقان نژاد، مرتضی؛ رستمی، عادل؛ منتظر القائم، اصغر (۱۳۹۶) بررسی تحلیل زمینه‌ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، بر اساس مدل بسیج چارلز تیلی (۱۳۵۷-۱۳۴۰)، نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۰، صص ۱۰۸-۱۰۳.
- رهگذر، سیمین (۱۳۹۰)، شهر هزار سنگ، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- عزیزی، امین (۱۳۹۲) از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر، نشریه مطالعات تاریخی. شماره ۴۶-۴۵، صص ۲۵۴-۲۳۵.
- عزیزی، امین (۱۳۹۸) بررسی مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نشریه مطالعات تاریخی، شماره ۶۶، صص ۱۰۹-۹۲.
- عنایت، حسن (۱۳۹۸) قیام مردم آمل علیه کمونیست‌های جنگل، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، قابل دسترسی در [psri.ir](http://psri.ir)

- کردی، علی(۱۳۸۶)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- مکلین، ایان (۱۳۸۱) فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه: حمید احمدی، تهران، نشر میزان

## بررسی مقایسه‌ای غائله آمل و حوادث گنبد کاووس

حسین رفیع<sup>۱</sup>

فاطمه زهرا رضائیان اومالی<sup>۲</sup>

### چکیده:

گروه‌های مارکسیستی از نیروهایی بودند که خیلی زود در تخاصم با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند و در این راستا و در موضعی تقابل جویانه در صدد برآمدند از شرایط خاص سال‌های نخست پس از انقلاب به نفع خود بهره برداری نمایند. در واقع، سر برآوردن نیروهای گریز از مرکز متعدد در مناطق مختلف ایران در این دوره، زمینه‌ای آفرید که نیروهای ضد انقلاب از آن استفاده کنند و ایجاد حوادث گنبد و غائله آمل در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۶۰ نیز در همین چارچوب قابل بررسی هستند. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش مقایسه‌ای می‌کوشد با مطالعه حوادث مذکور به این پرسش پاسخ دهد که وجوه افتراق و هم‌پوشانی‌های دو غائله کمونیستی آمل و گنبد کاووس کدامند؟ در پاسخ، این فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که هر دو غائله دارای سبقه چپ و کمونیستی بودند که به منظور تقابل با انقلاب اسلامی سازماندهی شده بودند؛ با این تفاوت که در منطقه گنبد مارکسیست‌ها تلاش کردند از دوگانگی مذهبی شیعه و سنی نیز بهره‌گیرند. یافته‌های تحقیق مویید آن است که نا آرامی‌ها و تحرکات سیاسی در این دو منطقه بعد از انقلاب اسلامی ایران پیش از آنکه ناشی از مسائل قومی و مذهبی باشد ناشی از رقابت‌های سیاسی و تحرک گروه‌های چپ بود که در جهت تشدید تضادهای منطقه‌ای قومی و بحران‌سازی در کشور به منظور حصول اهداف سیاسی و منافع گروهی صورت گرفت.

**واژگان کلیدی:** بحران‌سازی، حوادث گنبد، غائله آمل، گروه‌های مارکسیستی، منافع گروهی

<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران [h.rafi@umz.ac.ir](mailto:h.rafi@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

[fatemehzarezaeian.political7@gmail.com](mailto:fatemehzarezaeian.political7@gmail.com)

## مقدمه

غائله آمل و حوادث گنبد کاووس از جمله رویدادهای مهمی هستند که در دوران جنگ ایران و عراق رخ داد. در این دوران، برخی دستجات سیاسی چپ، با استفاده از استراتژی‌های مختلف و ایجاد شورش، تلاش کردند تا نظام سیاسی در ایران را دچار بی‌ثباتی کنند و قدرت خود را به تصویر کشند. آن‌ها برای تحقق اهداف خود از روش‌های گوناگونی چون حمله به پایگاه‌های نظامی و انجام عملیات تروریستی استفاده می‌کردند و با اعتراض به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت و شعار دفاع از حقوق کارگران و زارعین سعی می‌کردند حمایت این گروه‌های اجتماعی را نیز جلب کنند. گرچه بین تئوریسین‌های چپ، اختلافاتی در زمینه مشی مسلحانه به عنوان تاکتیک یا حتی سرآغاز انقلاب از نگاه آنان وجود داشت، اما این اختلافات مانع از غلبه روش‌های خشن در تقابل آنها با دولت نشد. (نجاتی، ۱۳۸۰: ۷).

حادثه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل رخدادی قابل توجه از منظر سیاسی-امنیتی در دوران پس از انقلاب اسلامی تلقی می‌گردید که توسط اتحادیه کمونیست‌های ایران (که خود را سربرداران خطاب می‌کردند) در شهرستان آمل واقع در استان مازندران اتفاق افتاد که با مقابله نیروهای بسیجی، سپاه و مردم خنثی شد. در گنبد کاووس نیز «کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن» در ۶ فروردین ۱۳۵۸ تأسیس شد و به عنوان یک گروه فعال در حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی در ایران شناخته می‌شد. این گروه مدعی بود که به دنبال ایجاد یک جامعه‌ی بدون طبقه و برابری اجتماعی است و اهداف کمونیستی را دنبال می‌کرد.

عده‌ای از اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران در آمل از حیث ایدئولوژیک از تز مائو تسه تونگ رهبر چین پیروی می‌کردند؛ اما بعد از واقعه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و زمانی که بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری ایران عزل گردید، از فاز سیاسی به فاز نظامی تغییر رویه داده و برای مقابله با جمهوری اسلامی دست به سلاح شدند. آن‌ها با شتابزدگی خاصی، طرح موسوم به «قیام فوری» را به اجرا درآوردند. اما اقدام آنها که در پی براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بودند، با واکنش فوری مردم آمل مواجه گردید (نادری، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۷).

این پژوهش در صدد است چرایی و چگونگی وقوع شورش و نحوه تقابل مردم و دولت با آن را توصیف و تحلیل نماید و با رویکردی مقایسه‌ای تفاوتها و علل مربوطه را تبیین کند؛ به تعبیر دیگر به این سوال پاسخ گوید که وجوه افتراق و هم‌پوشانی‌های دو غائله کمونیستی آمل و گنبد کاووس کدامند؟ در پاسخ، این فرضیه مورد بررسی



قرار می‌گیرد که هر دو غائله دارای سبقه چپ و کمونیستی بودند که به منظور تقابل با انقلاب اسلامی سازماندهی شده بودند؛ با این تفاوت که در منطقه گنبد مارکسیست‌ها تلاش کردند از دوگانگی مذهبی شیعه و سنی نیز بهره‌گیرند.

### چارچوب مفهومی-نظری

#### الف) شورش

به طور کلی شورش نوعی پیکار سیاسی است که نظام‌های سیاسی را تهدید کرده و بعضاً مقدمه پیکارهای سیاسی دیگری همچون کودتا و انقلاب را فراهم می‌سازد. اگرچه شورش در روند انقلاب اتفاق می‌افتد، اما کاملاً متفاوت است. تفاوتشان را می‌توان در جایگاه، اهداف و ایدئولوژی آن جستجو کرد. دلایل شورش می‌تواند عوامل داخلی چون، نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی و عوامل خارجی، تقابل و تهاجم به فرهنگ بومی، تحریم اقتصادی و اعتراض به سیاست‌های دولت‌ها، افزایش نرخ بیکاری، کاهش ارزش پول، افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی، تبعیض نژادی و جنسیتی و موارد دیگر باشد. عملکرد دولت‌ها در پاسخ به این عوامل نیز می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در شدت و وخامت شورش‌ها داشته باشد. شورش‌ها معمولاً بستری مناسب برای قانون‌گریزی و غارت‌گری ایجاد می‌کنند اگر چه برخی آن را نشانه فضای باز سیاسی به شمار می‌آورند. آنچه مسلم است، شورش‌ها نوعاً در راستای اعلام نارضایتی از وضع موجود شکل می‌گیرند (شفیع‌زاده، ۱۳۹۹: ۲).

گاهی ممکن است شورش‌ها، شورش ملی یا جنبش‌های استقلال خواهانه باشند. چنین جنبش‌هایی نیاز به نوعی ایدئولوژی دارند و برخی اوقات همراه با کاربرد خشونت هستند و در پی آنند که موجب دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی شوند. در ایدئولوژی چنین شورش‌هایی، کشمکش با بیگانگان و حتی ناسیونالیسم پدیدار می‌شود. ناسیونالیسم در انقلاب‌های گوناگون آمیخته با ایدئولوژی‌های گوناگون می‌باشد. چنانکه در قرن نوزدهم ناسیونالیسم با لیبرالیسم آمیخته شده بود، در حالی که در قرن بیستم ناسیونالیسم با ایدئولوژی‌های منطقه‌گرایی، مذهبی و سوسیالیستی ترکیب شده است (بشیریه، ۱۳۹۳: ۱۹-۲۰).

در نهایت، شورش‌ها می‌توانند به عنوان زنگ خطری برای جوامع تلقی شوند که نیاز به توجه و رسیدگی به خواسته‌ها و مشکلات اجتماعی اساسی را نشان می‌دهند. بنابراین، مطالعه و فهم شورش به عنوان بخشی از دینامیک‌های اجتماعی، ضروری

است تا بتوان راه‌های پیشگیری از بروز آن‌ها را شناسایی کرده و برای حل موثر مسائل، استراتژی‌های مناسبی را اتخاذ کرد.

شورش‌ها و ناآرامی‌هایی که در طول تاریخ انقلاب ایران و در سال ۱۹۷۹ رخ دادند، منعکس‌کننده تأثیرات عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند که به اتفاقات عمده‌ای در جامعه ایرانی منجر شدند. انقلاب ایران، که منجر به سقوط شاه محمد رضا پهلوی شد و جمهوری اسلامی را به وجود آورد، از چندین نوع شورش و تظاهرات گسترده از جانب مردمی که خواستار تغییرات بودند، تشکیل شده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۴۶) در اواخر سال ۱۹۷۸ میلادی، شورش‌ها و اعتراضات به شکل‌گیری همبستگی بین روحانیون، روشنفکران، دانشجویان، کارگران و سایر گروه‌های اجتماعی منجر شد. این همبستگی اعتراضات را به حرکتی سراسری تبدیل کرد که در بسیاری از شهرها نمایان بود (کدی، ۱۳۸۶: ۱۳).

شورش‌ها گاهی با جنبش‌های اجتماعی و انقلابات مترادف تعبیر می‌شوند که منجر به تغییرات اساسی در ساختار سیاسی کشورها می‌گردند. در این زمینه به عنوان مثال می‌توان به برخی انقلاب‌ها و شورش‌هایی که ویژگی‌های مشترکی با انقلاب اسلامی ایران دارند، اشاره کرد؛ من حمله: انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب کوبا، انقلاب نیکاراگوئه و بهار عربی (اسکاچپول، ۱۳۵۷، ۱۱).

این مثال‌ها نشان‌دهنده آن است که شورش‌ها گاهی از حمایت گسترده مردمی برخوردارند و صحیح‌تر آن است که از واژه جنبش و یا با توجه به عمق و گستره آن از واژه انقلاب استفاده کنیم که در نتیجه نارضایتی‌های عمیق اجتماعی، بی‌عدالتی‌ها، و خواسته‌های مردم برای حکومت‌های دموکراتیک‌تر و شفاف‌تر به وجود می‌آیند (پناهی، ۱۳۸۵: ۴۳). اما در اینجا منظور از شورش حرکتی نسنجیده از سوی گروهی کوچک علیه نظم موجود است که همچون انقلاب و یا جنبش اجتماعی از حمایت وسیع مردمی و دوره‌ای از تداوم با هدف دستیابی به تحول در جامعه برخوردار نیست و به سرعت رو به افول می‌نهد.

## ب) گروه کمونیستی چریک‌های فدایی خلق در ایران

### ۱- تاسیس سازمان چریک‌های فدایی و رویکرد آن

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با ادغام شدن دو گروه مسعود احمدزاده و بیژن جزنی و با تکیه بر اصول قهرآمیز در فروردین ماه سال ۱۳۵۰ تاسیس شد و با هویدا شدن این سازمان ۱۳ نوع اعلانیه برای اقشار زنان، کارگران، دانش‌آموزان و

دانشجویان انتشار پیدا کرد و با آسیب پذیری تشکیلات و ضربات پیاپی، رؤسای آن با زندگی مخفیانه به فعالیت‌های چریکی شکل منظم‌تری دادند و با ایجاد خانه‌های مخفی در گرگان، تبریز، رشت و تهران، نشریات نبرد خلق و ۱۹ بهمن را منتشر کردند و برای ازبین بردن مشکلات مالی خودشان هم به سرقت بانک‌ها روی آوردند. از جمله عملیات‌های مسلحانه این سازمان می‌توان به بمب‌گذاری در سفارت انگلستان، دفتر هواپیمایی، حمله به قرارگاه پلیس در تهران، آبادان و مشهد، ترور دو مامور ساواک و دستبرد به ۵ بانک نام برد و متعاقب افزایش فعالیت آنان اصطکاک بین آن‌ها و ساواک گسترش پیدا کرد و منجر به دستگیری و محکومیت افراد این سازمان شد. به دلیل به وجود آمدن بن‌بست و انشعاب، سازمان به دو شاخه اقلیت و اکثریت تقسیم گردید که اکثریت به رهبری حمید اشرف که به مشی ادامه جنگ مسلحانه تا بوجود آوردن انقلاب مردمی معتقد بودند و اقلیت به گسترش فعالیت‌های سیاسی تاکید می‌کردند (صدرشیرازی، ۱۳۹۵: ۶۴-۱۱۰). سازمان مذکور در سال ۵۶ در سالگرد واقعه سیاهکل به بمب‌گذاری ساختمان حزب رستاخیز قم و کلانتری ۱۴ مبادرت ورزیدند و در سال ۵۷ نیز با صدور اعلامیه‌های خود پیرامون حمله به نیروی‌های شهربانی در میدان عشرت‌آباد و ترور سرهنگ مرتضی زمانی‌پور و همچنین حادثه سینما رکس آبادان و... بر این نظر تاکید می‌کردند که سازمان چریک‌های فدایی خلق پیش‌آهنگ مبارزات مسلحانه است و یگانه راه سرنوینی رژیم شاه را درجنگ مسلحانه خلق می‌دیدند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با عدم توجه به مطالبات مردم در ۲۱ و ۲۲ بهمن به پاسگاه‌ها و پادگان‌های نظامی حمله و اسلحه و مهمات را جمع‌آوری و بعضاً مخفی می‌کردند و همچنان با ادامه این روند خود را برای عملیات‌های دیگر آماده می‌نمودند (نادری، ۱۳۸۷: ۳۳۱-۸۲۶).

## ۲- رویکرد سازمان چریک‌های فدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به تعمیر و بازسازی اعضا و حزب خود پرداختند و به موازات اهداف خود، هفته نامه کار را منتشر کردند. هدف آن‌ها از یک طرف نابودی تمام میراث پهلوی اعم از سیاسی، نظامی و فرهنگی، و از طرف دیگر به رسمیت شناختن شورای کارگری و مجازات عوامل رژیم گذشته، آزادی بیان و قلم و... بود. این سازمان پس از مستقر شدن دولت موقت، حمایت خود را از دولت اعلام کرد. اما با ادعای عدم حمایت دولت موقت از منافع کارگران و اوضاع معیشتی مردم این حمایت چندان به درازا نکشید، آن‌ها دولت

موقت آن را متهم به بازمانده ابر سرمایه‌داری و نظام بورژوازی کردند و به مقابله با جمهوری اسلامی ایران پرداختند. در همین راستا اقداماتی چون شورش‌های ترکمن صحرا، آذربایجان، خوزستان و کردستان را صورت دادند. اما به دلیل عدم مشروعیت و پشتیبانی معقولانه مردمی رویکرد آن‌ها با اقبال مواجه نشد و از صحنه سیاسی خارج شدند (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۶۰۳).

### ۱- وقایع گنبد کاووس از آستانه انقلاب تا شبه جنگ قدرت

عامل مهم و اصلی تحرکات فرهنگی و قومی بعد از انقلاب را باید از لحاظ سیاست‌های حکومت سابق و ناکامی سیاسیون چپ‌گرای جامانده از صف قدرت، همچنین مداخله بیگانگان علیه نظام جدید تحلیل و ارزیابی کرد که نتیجه آن ایجاد تفرقه و تبعیض بین اقوام مختلف کشور و ورود اختلافات فرهنگی و قومی-مذهبی در ایران بود (نادری، ۱۳۸۷: ۸۲۶-۸۲۸). ترکمن صحرا نیز از نظر جغرافیایی در شمال ایران می‌باشد و از لحاظ تقسیمات کشوری شهرهای مراوه تپه، گنبدکاووس، آق قلا را در برمی‌گیرد. بخاطر مرغوبیت و حاصل‌خیزی که دارد، زمین‌های آن مورد طمع مقامات ارتش و منتظمین خاندان پهلوی قرار گرفت و به تملک مرغوب‌ترین زمین‌های منطقه مبادرت کردند و علاوه بر این‌ها به ایجاد فضای خفقان و وحشت مبادرت ورزیدند. به دلایل ذکر شده این منطقه دیرتر از سایر مناطق پیروزی انقلاب را پذیرش کرد و همین عامل باعث شد تا گروه‌های چپ (چریک‌های فدایی خلق) از این فرصت استفاده کنند و با ادعای دفاع از حقوق از دست رفته ترکمن‌ها به برانگیخته شدن احساسات قومی آن‌ها اقدام کردند و در همین راستا آشوب‌هایی آفریدند (صدرشیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱۳-۲۲۰).

تحرکات سیاسی و ناآرامی‌هایی که در فروردین ۱۳۵۸ در منطقه ترکمن صحرا و نیز در گنبدکاووس رخ داد بعد از واقعه کردستان یکی از مهم‌ترین مسائل درگیری‌های قومی در ایران بود و آن را باید در قالب رقابت‌های سیاسی گروه‌های غیربومی برای احراز هویت بیشتر و نیز سهمگیری در نظام جدید جمهوری اسلامی تلقی کرد. در هنگامه پیروزی انقلاب هواداران سازمان مذکور به شهربانی، پاسگاه و ژاندارمری در ترکمن صحرا حمله کرده و آن‌ها را خلع سلاح کردند. بعد از کم‌رنگ شدن حمله‌ها کمیته‌های انقلاب اسلامی تشکیل شد که کنترل ادارات دولتی و پادگان‌ها به آن‌ها واگذار شد. این مرحله به دلیل ایجاد هیجانات و جو ملتهب بین موافقین و مخالفین سازمان باعث تشدید اوضاع در این مناطق گردید. در سال ۱۳۵۷ هواداران این

سازمان کتابخانه و مهمان‌سرای فرمانداری گنبد را تسخیر کردند و به ایجاد ستاد مرکزی شورای ترکمن صحرا و نیز کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن اقدام کردند. متعاقب این امر افراد با تجربه خود را به این منطقه فرستادند. آن‌ها خواهان تشکیل شورای دهقانی و مصادره اراضی مالکان و مسلح نمودن اعضای خودشان بودند. پیرامون این امر اعلانیه‌های آنان در دفتر تبلیغاتی سفیجا<sup>۱</sup> همزمان هم به زبان فارسی و هم ترکمنی انتشار می‌یافت و پخش می‌شد. از دیگر اقدامات این کانون علاوه بر اینکه اعلانیه‌ها را منتشر می‌کردند، قطعنامه‌های مختلفی را نیز در پایان هر گردهمایی‌هایی صادر می‌کردند و متعاقب این امر در سال ۱۳۵۷ طی یک اعلانیه‌ای اعلام کردند که ۵۰۰ هکتار زمین توسط دهقانان تصرف شده است. در پی همین اعلانیه‌ها راهپیمایی صورت گرفت که از اختلاف دیدگاه پیرامون تغییر نام بندر شاه به بندر ترکمن آغاز شد. اگرچه فرجام کار، تبدیل بندر شاه به بندر ترکمن بود، اما منجر به راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیزی شامل درگیری‌های فیزیکی و خشونت و کشته‌شدن طرفین گردید (نجاتی، ۱۳۹۸: ۴۰۰).

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران مدعی بود که کمیته انقلاب اسلامی با عدم ایجاد امکان برای باز پس‌گیری زمین‌های غصبی و شرکت دادن ترکمن‌ها در اداره امور شهر و دامن زدن و شکاف بین ترکمن‌ها منجر به اختلاف قومی شده است و همچنان که در بالا گفته شد دولت بازرگان را متهم به بی‌توجهی به خواسته‌های ترکمن‌ها و عدم انتصابات درست در فرمانداری کردند و مدعی شدند که این امر موجب افزایش نارضایتی در مردم ترکمن شده است. پیامد این درگیری‌ها باعث تشدید راهپیمایی و دعوت مردم و قدرتمند شدن ستاد شورا و کانون شد.

چریک‌های فدایی خلق مخالفت خود را با رفراندوم<sup>۲</sup> جمهوری اسلامی در ۱۳۵۸ اعلام کرد و همچنین برای ادله خود پیرامون تحریم نشریه‌ای نیز منتشر نمود. نشانه‌ها و علائم زیادی پیرامون رویارویی مسلحانه آنان وجود دارد؛ از جمله اعتصاب معلمان و کارمندان کانون فرهنگی و حمله به خودرو نمایندگان امام خمینی که برای بررسی اوضاع عازم منطقه شدند و تاکید کانون فرهنگی بر خواسته‌های خود و موضع‌گیری‌های آنان علیه ارتش و نیروهای انقلاب اسلامی و همچنین تهدید آنان به حمله مسلحانه و تصرف کمیته انقلاب اسلامی (صدرشیرازی، ۱۳۹۵: ۲۱۵).

<sup>۱</sup> مخفف سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

<sup>۲</sup> همه پرسی

## ۲- آغاز نا امنی

با آغاز سال جدید تبلیغات گسترده‌ای را کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و کمیته انقلاب اسلامی علیه هم آغاز کردند و جنگی در طی ۹ روز ایجاد شد که جرقه آن جنگ با دستگیری یک جوان ترکمن سیگار فروش به علت گران فروشی توسط ماموران کمیته انقلاب اسلامی بود و در طی این درگیری‌ها عده‌ای کشته و مجروح شدند. در تشییع جنازه این افراد قرار بر آن بود که در پارک ملی گنبد در راستای حمایت از تحریم رفتار دوم و اعلان حمایت از مردم کردستان یک تجمع برگزار شود.

سازمان مذکور برای تامین سلاح نیز به پاسگاه اینچه برون حمله و آن را خلع سلاح کرد و همچنین در حمایت از این سازمان، طرفداران آن از دیگر شهرها نیز برای حمایت به گنبد می‌آمدند و مناطق حساس را تصرف می‌کردند. اوج این درگیری‌ها در ورود تقی حمیدیان عضو ارشد سازمان مجاهدین از تهران به گنبد بود که شامل پیامی به این مضمون بود «بزودی اسلحه از سوی سازمان خواهد رسید و سازمان به وظائف و تعهدات خود عمل خواهد کرد» (نادری، ۱۳۹۰: ۲۵).

در ۷ فروردین ماه مبادی ورودی شهر گنبد توسط ستاد و کانون مسدود شد و پیرامون این امر آیت الله محمود طالقانی طی تماس تلفنی با فرمانداری گنبد کاووس خواهان تشکیل شورای موقت برای رفع بحران به واسطه انتخابات بود اما رییس شهربانی گنبد گروگان گرفته می‌شود که این امر منجر به توقف مذاکرات می‌گردد (گلی، ۱۳۶۶: ۲۰۱). در طی این روز تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها به ۵۲ نفر رسید.

در طی این دوران که التهاب به اوج خود رسید هیئت‌های گوناگونی برای خاتمه و حل و فصل اوضاع وارد گنبد شدند.

چریک‌ها در صدد بازگرداندن مدارک و اسناد و سلاح شورا و تحویل اسلحه مسببین درگیری و تشکیل شورای نمایندگان خلق ترکمن بودند که نمایندگان دولت نپذیرفتند و حملات افزایش پیدا کرد. دولت ایران عامل اصلی اتفاقات چه در کردستان چه در گنبد کاووس را گروه‌های کمونیستی و ساواک اعلام می‌کرد (زندگی مبارز خلق ترکمن: ۵۱).

## ۳- جنگ اول و دوم

سازمان چریک‌های فدایی خلق تمامی اتهاماتی که به سوی او روانه می‌شود را تکذیب می‌کند و مدعی است که این‌ها اتهاماتی برای تحریف اهداف سازمان و اخبار تحریک آمیز و دروغین برای جنگ داخلی در جهت تحکیم سلطه امپریالیسم است.

لذا در تاریخ ۱۰ فروردین در راستای تطهیر خودش و پایان دادن به تبلیغات علیه خود چهار نفر از اعضا را برای حمایت از دیگر اعضای بررسی کننده دولت در جهت وقایع گنبد اعزام می کند؛ اما در نقطه مقابل برای تحریک مردم برای تحریم رفراندوم و همه پرسی اقدام کرد و این امر تا حدی بود که عده ای به بالگرد اعزامی انتخابات وزارت کشور اجازه نشستن در گنبد کاووس را ندادند (نادری، ۲۶: ۱۳۹۰).

در تاریخ ۱۲ فروردین هیئت های اعزامی دولت بعد از ناکامی در ایجاد آتش بس به طرف مقابل خود هشدار دادند که اگر که تا ۱۳ فروردین این آشوب و اغتشاشات قطع نشود دولت نیروهای نظامی خود را مستقر خواهد کرد و به این درگیری ها خاتمه خواهد داد. ولی با ورود نیروهای مردمی در شهر سازمان آتش بس را پذیرفت و دو امتیاز خود را که مبنی بر فعالیت کانون و ستاد مرکزی شورا ها بود از دست داد.

بعد از این ماجراها امام خمینی در جمع مردم گنبد سخنرانی نمودند و بیان کردند که فاجعه گنبد توطئه عوامل امریکا و بیگانگان است و فرمودند ما این ها را متهم می کنیم که ضد انقلاب هستند و دست نشانده اجانب هستند و این ها مخالف اسلام و آزادی هستند (صدرشیرازی، ۱۳۹۵: ۲۲۶-۲۲۷). به طور کلی جنگ اول و دوم کمونیستی در شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۵۸، دو فاز مهم در تاریخ ایران و به شدت تاثیرگذار بود. این دو جنگ به عنوان بخشی از جنگ سرد بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا برای تأثیرگذاری بر مناطق استراتژیک در جهان بود. در این مقاله، نگاهی به علل و عواقب این دو جنگ و تأثیر آن بر شهر گنبد کاووس خواهیم داشت.

جنگ اول کمونیستی در ایران در سال ۱۳۵۷ آغاز شد و به دنبال سقوط محمدرضا شاه پهلوی بود. نیروهای کمونیستی با حمایت شوروی به جنگ علیه نیروهای نظام پادشاهی و متحدانش مبادرت کردند. شهر گنبد کاووس نیز از جمله شهرهایی بود که در این جنگ دچار آسیب های جدی شد. نبردهای خونین و حملات هوایی و زمینی باعث ویرانی بسیاری از ساختمان ها و زیرساخت های شهر گردید. جنگ دوم کمونیستی در ایران در سال ۱۳۵۸ آغاز شد. این جنگ نیز باعث ویرانی و آسیب های جدی در شهر گنبد کاووس شد. بیشترین خسارات این جنگ در بخش های مسکونی و صنعتی شهر ایجاد گردید و باعث تخریب بسیاری از کارخانه ها و کشتارگاه های آن شد.

تأثیرات این دو جنگ بر شهر گنبد کاووس بسیار زیاد بود. ویرانی و خسارات اقتصادی بسیاری به همراه داشت و برای مدت های طولانی بر ساختار شهر و زندگی مردم تأثیر

گذاشت. این جنگ‌ها باعث از بین رفتن زیرساخت‌های شهری و ایجاد نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی شد. همچنین، این جنگ‌ها مهاجرت بسیاری از مردم شهر گنبدکاووس به مناطق دیگر را سبب گردید و باعث از بین رفتن جامعه متناسب با نیازهای شهر شد.

در نهایت، جنگ اول و دوم کمونیستی در شهر گنبدکاووس، به عنوان بخشی از تاریخ ایران، باعث تغییرات و تحولات عمیقی در جامعه و اقتصاد این شهر گردید. تأثیرات این دو جنگ هنوز هم در شهر گنبدکاووس قابل مشاهده است و از آنجا که این جنگ‌ها بخشی از تاریخ ایران بوده، همچنان بر جامعه و فرهنگ این شهر تأثیرگذار است (خواجانه‌زاد، ۱۳۹۹: ۲۰۹).

#### ۴- علت وقوع شورش در آمل

از آنجا که اتحادیه کمونیست‌های ایران نوعی سازمان مائوئیستی بود براساس الگوی مبارزاتی مائو، معتقد به تئوری محاصره شهرها به واسطه روستاها و مناطق حاشیه‌ای و غیر شهری بود در چنین شرایطی که جامعه آن زمان ایران مشغول مبارزه با جبهه عراق بود مردم با حمایت همه جانبه از نظام جمهوری اسلامی، خلأ ناشی از فقدان سازمان اطلاعاتی و امنیتی کارآمد و نیز خلأ حضور نیروهای عملیاتی در جهت دفاع از نظام را جبران کردند و نیروهای مزبور به واسطه کمیته انقلاب و سپاه و بسیج توانستند اقدامات تروریستی در شهرهای بزرگ و تهران را از بین ببرند. به همین خاطر اتحادیه کمونیست‌های ایران نتوانستند در شهرهای بزرگ اعلام حضور کنند. لذا شهر آمل را انتخاب کردند؛ زیرا آمل به واسطه موقعیت جغرافیایی و جنگل‌های هیرکانی برای جنگ‌های چریکی مناسب تشخیص داده شد (تابناک، ۱۳۹۷/۱۱/۱۶: ۲) شهر آمل به واسطه فاصله از کوه‌های جنگلی تا دریا دارای عمق عملیاتی و بستری مناسب در جهت جنگ و گریز بود.

به تصور اتحادیه کمونیستی وضعیت اجتماعی شهر آمل و بافت دهقانی جمعیت اطراف آن سبب می‌شد که در صورت حمله به شهر آمل مقاومت پراکنده نیروهای انقلابی سرکوب شود و سپس با قطع خطوط ارتباطی و نیز تقویت نیروهای مخالف مستقر در شهر، بقیه مناطق استان مازندران نیز به تصرف اتحادیه کمونیستی در آید. آنگاه این امر به صورت زنجیره وار در سراسر ایران پخش می‌شود و مردم جمهوری اسلامی را ساقط می‌کنند (هاشمی، ۱۴۰۱: ۲۳).



حضور و وجود جنگل های انبوه در مازندران و خاطرات تاریخی بهانه به جایی برای این گروه کمونیستی در جهت شروع بحران بود (خانی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). یکی دیگر از دلایل انتخاب آمل برای عملیات، نزدیکی آمل به مرکز کشور بود و این نزدیکی از این حیث اهمیت داشت که از طریق حمایت و پشتیبانی حامیان و نیروهای خود، می توانستند دامنه این عملیات ها را به تهران گسترش دهند.

مضاف بر اینکه جاده استراتژیک هراز نیز که جاده ارتباطی شمال به تهران بود از دیگر دلایل انتخاب شهر آمل بود. در همین راستا یکی از اعضا اتحادیه کمونیستی به اسم بهمن شیردل اضافه می کند که اگر ما قادر بودیم نیم ساعت جاده ها را ببندیم و اعلامیه پخش کنیم چون رادیو این مسائل را پخش می کرد تمام ایران را از این امر مطلع می کردیم.

علاوه بر آنچه قبلا گفته شد شهر آمل به دلیل وجود ویژگی ها و سلسله کوه های البرز و جنگل های انبوه مکانی مناسب برای بهره مندی از مزایای طبیعی از جمله آب و میوه بود از سوی دیگر بیلاق و قشلاق کردن روستاییان آمل و نیز به موازات آن خالی شدن روستاها از سکنه در فصل زمستان فرصتی مناسبی را برای اتحادیه فراهم می کرد تا بتوانند با همکاری افراد بومی از مواد غذایی و امکانات روستاها به نفع خود استفاده کنند (نبوی، ۱۳۹۷: ۲۸).

به زعم اتحادیه کمونیست ها انتخاب شهر آمل به این دلیل بود که گمان می کردند که این شهر زمینه و بستر مردمی مناسبی برای همراهی با آنان را دارد ولی این تصور آن ها با واقعیت همخوانی نداشت. درون جنگل های این شهر نیروی نظامی و انتظامی برای مبارزه با شورش و کنترل وجود نداشت برای همین تصور اتحادیه بر این بود که نیروهای انقلابی و دولتی و نظامی در جبهه جنگ تحمیلی و نیز کردستان حضور دارند. لذا آن ها می توانند با یک حرکت نظامی این منطقه را تصرف کنند؛ به گفته یکی از رهبران آن ها به نام حسین تاج میر یکی از تاکتیک های اتحادیه کمونیست ها استفاده از وضعیت جنگی کشور بود. گروه های مخالف خواهان ایجاد جبهه ای در قسمت شمال و جنگل های آن بودند و تمایل داشتند که مرکز این جبهه شهر آمل باشد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ۲۴۱۸۲).

با توجه به اینکه در چین استراتژی مائو حرکت های دهقانی از روستاها و جنگل ها و نیز گسترش آن به سایر مناطق بود و این حرکت در چین به ثمر نشست بود، این امر باعث شد که تجربه ی مذکور الگویی برای اتحادیه های کمونیستی-مائونیستی باشد. از طرف دیگر انتخاب و اتخاذ نوع جنگ و گریز در درون جنگل و ضربه زدن به حکومت

مرکزی در چارچوب الگوهای مبارزاتی این گروه‌های کمونیستی قرار می‌گرفت (بهار، ۱۳۹۲: ۲۵۲). برای همین آن‌ها از چین و مائو به عنوان الگو دفاع می‌کردند. ولی بعد از مرگ مائو الگوی مبارزاتی آن‌ها چگورا و فیدل کاسترو در امریکا لاتین بودند. اما برای اینکه مردم را با خود همراه کنند مشی مبارزاتی مائو در چین را تبلیغ می‌کردند (بهروز، ۱۴۰۰: ۸۴). همین امر باعث می‌شد که آن‌ها در تصوری غیر واقع بینانه گرفتار باشند و واقعیت‌های میدانی و عینی ایران را نادیده بگیرند و این امر منجر به شکست آنان شد.

اتحادیه کمونیستی در اواخر تیر ۱۳۶۰، ۱۵۰ نفر از افرادی را که نیمی از آنها خوزستانی بودند از کردستان به آمل منتقل و مستقر نمودند آنان نام سربداران را برای خود انتخاب کردند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی/۲۴۱۸۲). سربداران شیعیانی بودند که در قرن هشت هجری علیه مغولان به پاخواسته بودند. به همین دلیل شعار مشهور سربداران برای آنان مناسب و جذاب بود که می‌گوید مفسدان استیلا یافته به خلاق ستم می‌کنند. تحمل تعدی و ظلم نداریم اگر توفیق رفع ظلم ظالمان نیابیم خود را بر دار خواهیم آویخت.

#### ۵- اقدامات سپاه

سپاه با استفاده از تاکتیک‌های نظامی و امنیتی مختلف، توانست امنیت را در این مناطق حفظ کند. در آمل و گنبد کاووس، سپاه با استفاده از ارتش و نیروهای امنیتی محلی، توانست از حملات چریکی جلوگیری کند. این اقدامات شامل برنامه‌ریزی و اجرای عملیات نظامی و امنیتی، تقویت نقاط حساس و ایجاد پایگاه‌های نظامی در مناطق استراتژیک بود. علاوه بر این، سپاه با همکاری با مردم و مسئولان محلی، اقداماتی را برای تقویت امنیت و ایجاد همبستگی با جامعه محلی انجام داد (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۶). از دیگر اقدامات سپاه می‌توان به تشکیل گروه‌های ویژه برای مبارزه با چریک‌ها، استفاده از فناوری‌های نظامی و امنیتی برای پیشگیری از حملات و تسهیل در کشف و از بین بردن چریک‌ها، و همچنین ارتقاء آموزش و آمادگی نیروهای امنیتی محلی برای مقابله با این تهدیدات اشاره کرد (نبوی، ۱۳۹۸: ۴۴).

به طور کلی، اقدامات سپاه در برابر حملات چریکی در آمل و گنبد کاووس، نشان دهنده توانمندی و تعهد این نهاد نظامی در حفظ امنیت و استقرار نظم در این مناطق بوده است. این اقدامات نه تنها به حفظ امنیت محلی کمک کرد بلکه از تأثیر گذاری بر روند توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این مناطق نیز برخوردار بوده است.

## ۶- شباهت و تفاوت‌های دو غائله آمل و گنبد

غائله‌های آمل و گنبد کاووس توسط دو تشکیلات کمونیستی مجزا و هردو در استان مازندران اتفاق افتادند؛ چرا که در آن برهه زمانی، ترکمن صحرا و گنبد جزء استان مازندران بود. این دو تشکیلات از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ فعالیت می‌کردند و هر کدام دارای ویژگی‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر بودند. یکی از تفاوت‌های اصلی بین غائله آمل و غائله کمونیستی گنبد کاووس این است که غائله آمل در منطقه شیعه نشین به وقوع پیوسته بود، در حالی که غائله کمونیستی گنبد کاووس در منطقه‌ای دامن زده شد که ترکمن‌های ایرانی اهل سنت سکونت دارند. یکی دیگر از تفاوت‌های مهم بین این دو تشکیلات، مربوط به اهداف آن‌ها است: آفرینندگان غائله آمل به دنبال سقوط نظام جمهوری اسلامی و تشکیل یک حکومت کمونیستی در ایران بودند و در راستای ایدئولوژی کمونیستی خود، مدعی بودند که به دنبال تحولی اساسی در ساختار اجتماعی و سیاسی کشور هستند. ولی، غائله کمونیستی گنبد کاووس به دنبال تجزیه طلبی و تشکیل یک حکومت کمونیستی در ترکمن صحرا بود و فعالیت‌های خود را برای این هدف انجام می‌داد. علاوه بر تفاوت‌ها، شباهت این دو تشکیلات، الهام‌گیری آن‌ها از ایدئولوژی کمونیستی بود و به ترویج این ایدئولوژی در ایران می‌پرداختند. همچنین، هر دوی آن‌ها در گذشته نیز علیه دولت پادشاهی در ایران مبارزه می‌کردند و به دنبال تحقق اهداف و آرمانهای کمونیستی بودند.

## ۸- نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب گروه‌های مارکسیستی از همان ابتدا در تقابل با جمهوری اسلامی قرار گرفتند و به دلیل شرایط اولیه بعد از انقلاب توانستند از این وضعیت به نفع خود بهره‌برداری کنند. این گروه‌ها در مناطق مختلف ایران حوادث و بحران‌هایی را آفریدند تا بتوانند از طریق فشار بر حکومت برای خویشتن سهم خواهی کنند و اهداف سیاسی و ایدئولوژیک گروه خود را پی‌گیرند. در این راستا آنها در منطقه شمال کشور حوادث گنبد در سال ۱۳۵۸ و واقعه آمل در سال ۱۳۶۰ را شکل دادند.

آنان بر این باور بودند که چنین حوادثی می‌تواند حمایت مردمی به نفع گروه‌ها و ایدئولوژی چپ و کمونیستی را سبب گردد. اتحادیه کمونیست‌های ایران در آمل موقعیت جغرافیایی شهر و پایگاه تفکر مارکسیستی در شمال کشور را در ارزیابی خود عامل موفقیت خویش می‌دانستند و در تحلیل خود از اوضاع، قلت نیروهای خود در مقابل کثرت حمایت توده‌های مردم از انقلاب و جمهوری اسلامی را به درستی لحاظ

نکرده بودند. همین‌طور در حوادث گنبد، کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن و نیروهای چپ که این حوادث را هدایت می کردند، تاکید خود را روی برخی مطالبات مردم و دفاع از اقلیت ترکمن قرار داده بودند. با این برداشت که عامل قومیت در کنار عامل مذهب و سنی بودن ترکمن های ایرانی، نیروی مخالف قدرتمندی برای فشار بر حکومت را شکل دهد و در جهت هدفهای گروه‌های سیاسی چپ موثر افتد.

اما در نهایت بطور خلاصه و به عنوان نتیجه می توان گفت که دو غائله مذکور دارای سبقه چپ و کمونیستی بودند که به منظور تقابل با انقلاب اسلامی سازماندهی شده بودند؛ با این تفاوت که در منطقه گنبد مارکسیست‌ها تلاش کردند از عامل قومیت و دوگانگی مذهبی شیعه و سنی نیز بهره برداری نمایند. اما نا آرامی‌ها و تحکرات سیاسی در این دو منطقه بیش از آنکه ناشی از مسائل قومی و مذهبی باشد ناشی از رقابت‌های سیاسی و تحرک گروه‌های چپ و مارکسیست بود که در جهت تشدید تضادهای منطقه‌ای-قومی و بحران‌سازی در کشور به منظور حصول اهداف سیاسی و منافع گروهی سازمان یافته بود.

## ۹- فهرست منابع

### کتاب

- آر کدی، نیکی (۱۳۹۸)؛ *ریشه های انقلاب ایران*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات علم، چاپ سوم.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷)؛ *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن میر شانه چی، تهران، نشر مرکز، چاپ بیست و یکم.
- آر کدی، نیکی (۱۳۸۳)؛ *تاریخ انقلاب ایران*، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- بهروز، مازیار (۱۴۰۰)؛ *تأملاتی پیرامون تاریخ شورشیان آرمان خواه در ایران*، ترجمه: مهدی پرتوی آملی، انتشارات ققنوس، چاپ هفدهم.
- بشریه، حسین (۱۳۹۳)؛ *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم.
- بهار، محمد تقی (۱۳۹۲)؛ *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ نهم.
- پرنده نو پرواز، حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳)، آلمان، بی نا.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)؛ *حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی ۱۳۶۸ - ۱۳۲۰*، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی چاپ اول.
- *چپ در ایران به روایت اسناد ساواک: کادرهای حزب توده (۱۳۸۲)*، مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد اول، چاپ اول، بی نا
- خواجه نژاد، احمد (۱۳۹۹)؛ *غبار صحرا؛ جنگ اول و دوم گنبد کاووس در سال ۱۳۵۸*، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ اول.
- خانی، مهدی (۱۳۹۲)؛ *جبهه سوم: مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)*، معاونت روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (اداره روابط عمومی و انتشارات)، چاپ اول.
- دهگان، بهمن (۱۳۵۹)؛ *کتاب شناسی در راهنمای مارکسیسم*، تهران، انتشارات پیمان، چاپ اول.
- ذبیح، سپهر (۱۳۶۴)؛ *تاریخ جنبش کمونیستی در ایران*، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات موسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول.
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)؛ *شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

- زندگی و مبارزه خلق ترکمن(۱۳۵۸)؛ کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن، ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، چاپ اول، بی نا.
- صدر شیرازی، محمدعلی(۱۳۹۵)؛ سازمان چریک های فدایی خلق، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غوث، ارغوان(۱۳۸۵)؛ شکل گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، انتشارات گام نو.
- کردی، علی(۱۳۸۶)؛ اسناد اتحادیه کمونیست های ایران در واقعه آمل، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول.
- گلی، امین الله(۱۳۶۶)؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، تهران، انتشارات علم، چاپ اول.
- لینکلینتر، آندرو(۱۳۸۶)؛ مارکسیسم، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- نجاتی، غلامرضا(۱۳۹۸)؛ تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران، انتشارات رسا، چاپ دهم.
- نبوی، زهرا(۱۳۹۷)؛ یک روایت معتبر درباره حماسه عبهمن مردم آمل، مشهد، انتشارات به نشر.
- نادری، محمود(۱۳۸۶)؛ چریک های فدایی خلق: انقلاب اسلامی و بحران در گفتمان، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، جلد دوم، چاپ اول.
- نخعی، هادی؛ یکتا، حسین(۱۳۸۰)؛ روز شمار جنگ ایران و عراق. پیدایش نظام جدید، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جلد اول، چاپ اول.
- هاشمی، سیده منیره(۱۴۰۱)؛ عمه ام طاهما، طهارت با شهادت: خاطراتی از شهیده سیده طاهره هاشمی، آمل، انتشارات وارث وا، چاپ اول.
- هاشمی، سیده منیره(۱۴۰۰)؛ زمستان چهارده سالگی، آمل، ستاد مردمی حماسه و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس آمل، چاپ اول.

## مقالات

- پناهی، محمدحسین، (۱۳۸۵) اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه های تبیینی وقوع انقلابات. فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۸، شماره ۲۱، ص ۵۲ \_ ۷.

### منابع آرشیوی

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده محمد آزادی، شماره ۲۴۱۸۲.  
- ناگفته های حادثه آمل از زبان فرمانده سپاه آمل در سال ۱۳۶۰، مورخه ۶ بهمن ۱۳۸۸.

### نشریات

- اطلاعات، روزنامه، آرشیو سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸  
- انقلاب اسلامی، روزنامه، آرشیو سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹  
- تابناک، خبرگزاری، کد خبر: ۸۳۲۳۴، ۱۶/۱۱/۱۳۹۷  
- فارس، خبرگزاری، ۰۷/۰۱/۱۴۰۰





## نقش حاج محمد رنجبر در یوم‌الله ۱۸ آبان ۱۳۶۰ (حماسه اول)

روح‌اله رنجبر<sup>۱</sup>

### چکیده:

تحرکات نظامی گروهک‌های سیاسی معاند در جنگل‌های شمال (آمل)، فراتر از یک حمله‌ی ده ساعته به شهر آمل می‌باشد. شناسایی اولیه و جمع‌آوری اطلاعات جریان جنگل آمل از تابستان ۱۳۶۰ آغاز شد. اما مقابله‌ی جدی با اقدام مسلحانه‌ی کمونیست‌ها در جنگل آمل، از حماسه‌ی ۱۸ آبان شروع و تا ۱۲ اسفند سال بعد (۱۳۶۱) ادامه داشت. «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» در اوج توان رزمی و پشتیبانی حدود (۲۷۰ نفری) در سطح کشور، در لَوای طرح اول در هجده آبان به قصد حمله به آمل روانه‌ی شهر شدند. سوالاتی مطرح است که آیا عملیات طرح اول حمله دشمن به شهر آمل کامل و جامع بود؟ نقش نیروهای شاخص در هدایت نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی، قبل و حین انجام آن چگونه بود؟ از این رو به این فرض می‌رسیم که «حماسه هجده آبان، اهمیتش اگر از ششم بهمن سال ۱۳۶۰ بیشتر نباشد، کمتر نیست». در واقع آنان در تفکر و عمل تا هفته‌ها به حاشیه رانده شدند. بار دیگر کاروانی (۱۰۰ نفره) برابر طرح دوم در ۶ بهمن ۱۳۶۰ به شهر آمل حمله کردند. در این بررسی به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع اسنادی و بازخوانی رزمندگان از صحنه‌های میدانی، به نقش بی‌نظیر سردار جانباز شهید حاج محمد رنجبر فرمانده‌ی مخلص طرح جنگل سپاه (و فرمانده‌ی عملیات کمیته‌ی ا.ا.) می‌رسیم. تبیین هوشمندی، سرعت عمل و همت بلند رزمندگان اسلام، به ویژه این سرباز نستوه و فداکار ولایت و ملت در یوم‌الله هجده آبان مد نظر این مقاله است.

**واژگان کلیدی:** یوم‌الله ۱۸ آبان، حاج محمد رنجبر، حماسه‌ی آمل، اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران، جنگل آمل

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد مهندسی عمران سازه‌های هیدرولیکی - استادیار معلم \_ranjbar63@Yahoo.Com

## مقدمه

برخلاف تصور اذهان عمومی از واقعه‌ی حماسه مردمی آمل در بهمن سال ۱۳۶۰ موضوع مقابله‌ی با گروهک معاند و محارب «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در روز ششم بهمن، باید گفت که این جریان نزدیک به بیست ماه، قبل و بعد آن، ما بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ به طول انجامید. مردم فداکار و نیروهای جان بر کف انقلاب اسلامی در این مدت با تقدیم بیش از ۶۷ نفر شهید و ده‌ها جانباز نقش‌آفرینان اصلی حماسه بوده‌اند؛ هم‌چنین نقش کلیدی برخی از افراد مردمی و چهره‌های نظامی جلب توجه می‌کند؛ چرا که اگر حضور خالصانه و از جان گذشتگی این افراد نبود، شاید جریان الحادای صدمات و آسیب‌های زیادی به چهره نوپای انقلاب اسلامی وارد می‌نمود. افرادی نظیر شهید کارگر، شهید محمدیان، شهید گرائیلی، شهید اسماعیلی و سایر شهدایی که هر کدام‌شان به تنهایی همانند چراغی روشن در این واقعه نورافشانی کرده و وظایف ما را در جهاد تبیین دوجندان می‌سازند.

نقش جانباز شهید سرافراز حاج محمد رنجبر در مقابله با نقشه‌های شوم دشمن با توجه به این که ایشان از افراد بومی و روستایی منطقه بوده با روحیات خاص و تواضعش، ولایتمداری، سخت‌کوشی، مردم‌داری و شجاعت مثال زدنی‌اش که زبانزد خاص و عام بود، برجسته و نمایان می‌باشد. جهاد تبیین رسالتی بر دوش همگان در جهت اطلاع‌رسانی از کارهای ارزشمند صورت پذیرفته قرار داده است. این مقاله هم در نظر دارد تا به بررسی نقش چهره‌ی نام‌آشنای جبهه مقاومت اسلامی مردم آمل در پیشگیری، مقابله سریع و شکست اجرای طرح اول دشمن و هم‌چنین معرفی الگوهای انقلابی برای نسل جوان و آتیه‌ساز کشور در بروز حادثه‌ی تلخ و ناگوار امنیتی بیشتر برای شهر آمل و منطقه بپردازد.

در رابطه با پیشینه‌ی این تحقیق، باید گفت: در اغلب منابع منتشره و به ویژه درگیری‌های جنگل آمل، موضوع مهم هجده آبان، جدا از وقایع مهم‌تر (اقدامات سریع و پیشگیرانه‌ی) آن به ذکر برخی اتفاقات ساده اکتفا شده است. هم‌چنین از همت بلند عوامل شاخص و تاثیرگذار مردمی و خدوم بر سیر شکست دشمن در طول سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ اشاره‌ای نداشته، و اگر دارد، گذرا و سطحی رد شده است.

تداعی می‌شود که نیروهای مرتبط با اطلاعات عملیات جنگل یا مقامات سیاسی امنیتی از کمیت و کیفیت حضور دشمن، بی‌اطلاع بوده و به یکباره در جریان اتفاقات ششم بهمن غافلگیر شدند؛ هرچند که دشمن از تشکیلاتی مرموز با پنهان‌کاری‌های مضاعف و شاق بهره می‌برد، به نظر فقط این نبود. این مقاله، برخی زوایای آشکار و

پنهان را بر حسب ضرورت مشخص نموده و مقدمات بررسی‌های بیشتر در ارایه‌ی الگوهای مقاومت و ایثار فراهم می‌آورد. البته همه‌ی ما به دیدگاه‌های موافق و مخالف اگر از روی صدق و دل‌سوزی باشد، احترام قایلیم. آن دوران، زمان تصمیم‌گیری‌های سخت بود، با شرایط استثنایی و پیچ تاریخی در تثبیت نهال نوپای جمهوری اسلامی مواجه بودیم. این شرایط پیچیده و سخت با همین نیروهای انقلابی و بالنده جوان مدیریت شد.<sup>۱</sup>

نایافته‌هایی از حاج‌محمد‌ها و دیگران است که قدر این افراد و حماسه شهر و جنگل آمل خوب شناخته نمی‌شود. تلاطمی در درون انسان‌های آگاه و متعهد (مرتبط) هست، که باید ناگفته‌ها را در زمانش گفت؛ از جمله مقام سیاسی استان بگوید: «چرا بچه‌های مردم را به جنگل می‌برید، می‌کشید». در مقام پاسخ باید گفت: انگار جای شهید و جلاد را عوض کرده‌ایم. برای حفظ مردم و امنیت جامعه نیاز به جان‌فشانی بود و هست. همه می‌دانیم سپاه یک نهاد رسالت محور است که با الگوگیری از حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در مقابله با هرگونه تهدیدی که متوجه انقلاب اسلامی و مردم باشد، مسئولیت قانونی دارد و براساس آن فعالیت می‌کند. (اصول ۱۱۰ و ۱۵۰ قانون اساسی) البته برای دفاع عمومی از جان و مال و ناموس، همه حق دارند، آتش به اختیار عمل کنند و آن که در حماسه‌ی ششم بهمن، مردم نیز چنین عمل کردند و موفق هم بودند. اینجاست که ضرورت می‌یابد با تبیین درست حماسه، از نیروهای شاخص و متعهد و مردمی در هر لباسی و جایگاهی که داشتند و هستند، نیز تقدیر شود.

در این راستا با جمع‌آوری و بهره‌گیری از اسناد، سخنرانی‌ها و یادداشت‌های موجود و مرتبط از فرماندهان، رزمندگان و سربازان گمنام امام زمان در «مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه آمل» و به روش توصیفی-تحلیلی؛ منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با

---

<sup>۱</sup> جای تعجب نیست، اگر بشنویم که «صمیمی» نامی از اعضای کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور، همراه و همگام با «اتحادیه کمونیست‌های ایران» مدتی زمزمه استنادار شدن او در مازندران بود؛ یا مصباحی نامی طرفدار سازمان منافقین خلق ایران چند ماهی فرماندار آمل بود... اما استناداران بعدی، معاونین وی و فرمانداران سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی، اغلب متعهد ولی جوان و تازه‌کار بودند. همین‌طور در طول سه تا چهارسال اول پیروزی انقلاب اسلامی، مدیران اصلی ارگان‌ها و نهادهای آمل چهار تا پنج بار تغییر کردند. از این که خیلی از رزمندگان ما نیز جوان یا نوجوان بودند نباید گذرا رد شویم. در این میان نقش حاج‌محمد‌ها که مجرب‌تر بودند، امید بخش بود.

استفاده از بازخوانی صحنه‌های میدانی فرماندهان و رزمندگان، روایت فردی و جمعی اخیر آنان (۱۴۰۱-۱۳۹۹) به آن می‌پردازیم.

در این رابطه، به این نتیجه می‌رسیم که عملیات طرح اول حمله دشمن به شهر آمل کامل و جامع بود. نقش نیروهای شاخص در هدایت نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی، قبل و حین آن برجسته بود. فرماندهان و نیروهای تاثیرگذار، در جهت مقابله ضربتی عمل کردند. از فجایعی سنگین‌تر از ششم بهمن ۱۳۶۰ جلوگیری شد. در هر حال مقاومت با اقدام سریع و پیشگیرانه در این‌گونه موارد هزینه دارد، لیکن هزینه آن کمتر است. از این رو به این فرض اصلی که «هجده آبان سال ۱۳۶۰، اهمیتش اگر از حماسه‌ی ششم بهمن آن سال بیشتر نباشد، کمتر نیست» پرداخته شد. این بررسی در جهت حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، و در راستای جهاد تبیین است تا همگان و نسل‌های آینده، بیشتر از این‌گونه حماسه‌ها در حماسه عظیم جبهه شمالی و شهر آمل آگاه شده، به عمق مسئله برسند که چه گذشت.

این بررسی دارای پنج بخش و شامل: ۱- ویژگی‌های انتخاب جنگل آمل، ۲- تحلیلی بر انواع شورشگری؛ ۳- شبکه‌ی مردمی اطلاعات جنگل، ۴- کمونیست‌ها و تحرک آنان در منطقه؛ بالاخره ۵- نتیجه‌گیری می‌باشد. در این رابطه از همکاری بی‌دریغ مجموعه «ستاد مردمی حماسه‌ی اسلامی آمل» کمال تشکر را دارم.

### ۱- ویژگی‌های انتخاب جنگل آمل

ابتدا با ویژگی‌های جنگل و دلایل انتخاب منطقه آشنا می‌شویم. آمل از جمله شهرهای تاریخی مهم و از گذشته‌ی دور پایگاه علمای جهان اسلام و مبارزات مردمی بوده است. موقعیت جغرافیایی آمل در میانه‌ی خطه‌ی سبز شمال، در مجاورت تهران با برخورداری از ارتباطات سریع جاده‌ای و پوششی به اقصی نقاط کشور برایشان اهمیت داشت. حضور و فعالیت گسترده‌ی گروهک‌های الحادی و التقاطی در منطقه شمال از گذشته نیز مزید بر علت بود. برخورداری از حدود دو میلیون هکتار اراضی جنگلی، و همچنین بیلاقی به هم پیوسته، محدود به تهران و مناطق ساحلی و مرزهای آبی و خشکی (خارجی) و غیره برای پیشبرد اهداف‌شان در آمل مناسب بود. اهم ویژگی‌های جنگل شمال برای جنگ‌های چریکی و پارتیزانی به شرح ذیل است:

۱. اختفاء و پوشش ایده‌آل

۲. محدودیت دید و تیر

۳. اجرای عملیات نامنظم (حمله، کمین، دستبرد و فریب)

۴. دسترسی به مواد غذایی و آب (خودکفایی)
  ۵. شدت بخشیدن به اصل تحرک مطلق
  ۶. محدودیت کارایی سلاح‌های سنگین و یگانهای زرهی و مکانیزه و ادوات
  ۷. ارتباط کوهستانی در منطقه شمال با سایر نقاط کشور
  ۸. وجود راه‌های نفوذ متعدد در دل جنگل منطقه
  ۹. دسترسی به محورهای مهم مواصلاتی شمال
  ۱۰. وجود آبادی بین راهی و روستاهای فصلی ییلاقی، جنگلی و حاشیه جنگل
  ۱۱. وجود گاوسراها و تالارهای بسیار زیاد و خالی از سکنه در برخی فصول سال
  ۱۲. انبوه بودن و امن بودن اغلب نواحی و مناطق جنگلی
  ۱۳. هم‌جواری و اتصال جنگل به شهرهای بزرگ استان
  ۱۴. همسایگی استان مازندران با تهران و کشورهای همسایه شمالی
- سایر دلایل گروهها جهت انتخاب منطقه‌ی شمال کشور:
۱. تجزیه قوای ج. ا. ایران در مقابله‌ی با بحران کردستان و جنگ تحمیلی (ایجاد جبهه سوم)
  ۲. رهایی از خطر فروپاشی و انهدام و در امان ماندن از خطرات موجود در شهرها
  ۳. ایجاد منطقه‌ی پشتیبانی امن و عملیات جنگ و گریز در شهرهای شمال کشور و تهران
- (با کشف حدود ۸۲۲ خانه تیمی در مازندران)
۴. بازسازی و افزایش مهارت‌های سازمانی و فردی
  ۵. تبعیت از تئوری رهبران جنگ‌های چریکی و پارتیزانی دنیا به عنوان الگو
  ۶. ارزیابی غلط نسبت به شناخت از مردم منطقه مبنی بر حمایت همه‌جانبه
  ۷. ویژگی و شرایط خاص جنگل از نظر شرایط جوی و آب و هوای مناسب
  ۸. ویژگی‌های خاص جنگل از نظر جنگ چریکی و پارتیزانی:
  ۹. جذب نیرو و پایه‌گذاری تشکیلات شهری و پشتیبانی از آنها
  ۱۰. استفاده از روستاها در جنگل جهت تأمین امکانات و پشتیبانی
  ۱۱. رویای تصرف گیلان پس از مازندران (و گلستان) و تشکیل یک حکومت مستقل در حاشیه شمالی فلات ایران

۱۲. دسترسی به دریای خزر و ارتباط با « اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی » به امید امکان دریافت کمک‌های فکری، نظامی، تسهیلاتی و... براساس وعده‌های دیرینه کمونیستهای ماورای مرز
۱۳. وجود یک ذهنیت ناصحیح از گذشته دور- تبلیغات سوئی مغرضین از استان‌های شمالی
۱۴. سابقه فعالیت حزب توده و ادامه هواداری ظاهری بعضی از افراد منطقه و تجربه جنگ ترکمن‌صحرا

به طور کلی گروهک‌های ضدانقلاب در تجزیه و تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که در جهت حفظ و بقاء و تداوم مبارزات خویش به جنگ‌های شمال پناه برده و از آنجا اقدامات خصمانه خود علیه انقلاب اسلامی را ادامه دهند تا حرکت خود را مبنای مشی مسلحانه از طریق ضربه زدن به مراکز حساس و مهم و حمله به واحدهای کوچک نظامی، انتظامی و پایگاههای مقاومت آغاز، تا بدین‌وسیله ضمن تضعیف نظام با برنامه‌های تبلیغی سوء خود، مردم را در درازمدت جذب و با خود هماهنگ و در راستای اهدافشان، به کارگیری و بهره‌برداری نمایند. اغلب افراد این گروه‌ها تجربه‌ی جنگ در کردستان را داشته و از ورزیدگی کامل برخوردار بودند. همین‌طور برخی در چین، کوبا و ویتنام و لبنان و فلسطین آموزش نظامی دیده و برای جنگ‌های چریکی و پارتیزانی منطقه‌ی شمال آماده بودند.

## ۲- تحلیلی بر انواع شورشگری

تاریخ انقلاب اسلامی ایران، پر از حماسه‌های مردمی در دفاع از ارزش‌ها است. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تفکر شیعی، همه‌ی الگوهای انقلابی و تفکرات متعارف سیاسی حاکم بر جهان را به چالش کشانده است. اما جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی فعال از دوران پهلوی، تحرکی دوباره را آغاز نمودند. استکبار جهانی با انواع تحریم‌ها، مبارزات سیاسی و جنگ مرزی و اغتشاشات قومی، تحرک‌های تجزیه‌طلبان را علیه مردم ایران زمین دامن زدند.

گروهک‌های مارکسیستی، التقاطی و غیره، با بهره‌گیری از شرایط بجا مانده و برخی آزادی‌های بی‌حد و حصر، هم‌چنین ضعف دولت موقت و التهاب‌آفرینی بنی‌صدر (لیبرال دمکرات)، شرایط آماده‌ی پیشرفت کشور را میدان تاخت و تاز انحرافات سیاسی خود قرار دادند؛ به‌گونه‌ای که مخل امنیت جامعه، در ابعاد مختلف شدند.

شعارهای عوام فریبانه در مخالفت با اصل ولایت فقیه، اقدام جمعی علیه نظام اسلامی و همچنین ارتباط این گروهکها در پیرامون دفتر ریاست جمهوری سبب آن شد که، در نهایت رای مجلس شورای اسلامی با تایید حضرت امام خمینی (ره)، عزل بنی صدر را به دنبال داشت.

عوامل شورشی علاوه بر استفاده از آزادی‌های سیاسی و بحران‌سازی‌های مختلف، از ابزارهای نظامی نیز استفاده می‌کنند تا مردم را علیه نظام حاکم به اتهام ناتوانی در حل مشکلات جامعه بشورانند. امنیت مردم را نیز از این طریق مورد هدف قرار می‌دهند تا بتوانند امیال و تفکرات خود را فراتر از آرای مردم و روال قانونی دیکته کنند. آن زمان به جهت شرایط جهانی و داخلی، این شورش‌ها می‌توانست مقدمه‌ای برای جلوگیری از تثبیت ساختارهای جمهوری اسلامی باشد. سازمان شورشگر به واقع شبیه سازمان نظامی است که عمده تشکیلات آن در میان جمعیت غیر نظامی شکل گرفته است؛ اما لایه‌های سازمانی کنترل و فرماندهی در میان توده مردم پنهان است.

به طور کلی می‌توان انواع نظریه‌های شورشگری با تفکرهای مختلف را با توجه به پنج ویژگی حمایت داخلی، حمایت خارجی، مدت حضور، شدت حضور، و همچنین میزان موفقیت سازمان شورشگر را تجزیه و تحلیل کرد. در شورش جبهه‌ی شمالی کشور، حمایت داخلی و خارجی از آنها محدود، و اگرچه حضور آنان کوتاه مدت بود، ولی شدت عمل و گستردگی آنها در سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ شدید بود. در میزان موفقیت آنها نیز باید گفت، چیزی عایدشان نشد و در مقابل مردم و اسلام کم آوردند. در واقع تفکرات آنان جواب نداد. در این راستا، حتی تفکرات آنها در طرح اول حمله به آمل آنها (و تحرکات آبان ماه) نیز قابل ارزیابی است که در نطفه خفه شده و «راهبرد تحرک» جایگزین «راهبرد استقرار» گردید.

همچنین مهم است بدانیم «از ویژگی‌های جنگ‌های انقلابی این است که، مرحله‌ی آغازین آن ابعاد پیچیده‌ای دارد. تناقضات یا عدم تناقضات زیادی در جنگ‌های شورشگری و ضد شورشگری وجود دارد. یک جنگ سیاسی است. سیر تدریجی آن از صلح و آرامش به جنگ است. البته شورشگری ارزان و ضد شورشگری گران در می‌آید» (محمدی‌فر، صص ۲۲-۲۰، ۱۳۹۵). از این‌رو می‌توان عظمت اقدامات پیشگیرانه و سریع مقابله با اجرای طرح اول حمله «اتحادیه کمونیست‌های ایران» به شهر آمل را در این جهت ارزیابی کرد.

اگرچه در این سال‌ها، حدود چهار درگیری نسبتاً بزرگ یا پر اهمیت شهری، در شهر رامسر (فروردین ۱۳۶۰)، غائله ترکمن صحرا دو بار (فروردین و بهمن ۱۳۵۸)، انزلی

یک‌بار (مهر ۱۳۵۸)، آمل نیز به روایتی دو بار (آبان و بهمن ۱۳۶۰) اتفاق افتاد. اما درگیری‌های سطح جنگل و روستاها مشتمل بر بیش از پنجاه درگیری نظامی در خطه‌ی شمال کشور بود؛ البته به جهاتی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل بسیار مهم و فتح‌الفتوح جبهه شمالی در آن دوران سخت بود.

تا قبل از هجده آبان ۱۳۶۰- زمان طرح حمله اول به شهر آمل- نوزده درگیری مرتبط با جنگل در حوزه عملیاتی سپاه منطقه سه چالوس (جبهه شمالی) وقوع پیوست، مواجهه و دستگیری یازده کمونیست مسلح در حال آموزش در حوالی دکل مخابراتی باریکوه آمل (دی‌ماه ۱۳۵۸)<sup>۱</sup> و حتی از اعلام موجودیت حرکت مسلحانه مجاهدین خلق (منافقین) در فروردین سال ۱۳۶۰ نام برد (شعبانی: ۱۰۰ تا ۱۸۲، ۱۳۹۴).

البته تا هجده آبان، با وجود حضور و استقرار نیروهای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» نه تنها هیچ‌گونه عملیات یا درگیری در جنگل آمل اتفاق نیفتاد؛ بلکه تشکیلات این گروهک با پنهانکاری شدید، هرگونه ایجاد درگیری با سلاح را منع کرده بود. در مجموع، تشکیلات آنها نیز بسیار پیچیده عمل کرد، با چهره منافقانه و نفوذ توانستند، اطلاعات زیادی را هم برای طرح اول حمله خود (۱۸ آبان) فراهم آورند و به یک‌باره ظرف دو- سه روز وارد عمل شدند.

با این حال حاج محمد رنجبر و سایر فرماندهان در جریان آنچه که در جبهه شمالی می‌گذشت، بی‌اطلاع نبودند. یک روز بعد از تخریب دکل سوردار لویچ (نور) در محل حضور یافته و نتیجه بررسی گروه پانزده نفره آنان در اختیار فرماندهان سپاه منطقه قرار گرفت. مقابله با چند فقره ترور در سطح شهر آمل و همچنین شرکت فعال در جنگ کردستان و ترکمن صحرا و این اواخر در عملیات موفق سپاه منطقه در توسکستان گرگان سبب افزایش شناخت توانایی‌های او از سوی علمای بزرگ شهر و فرماندهان ارشد منطقه شد. پیش‌آگاهی و دغدغه او در حل مساله بغرنج غائله جنگل زیاد بود. او به عنوان مجرب و ورزیده‌ترین پاسدار سپاه آمل در هر درگیری و عملیات، به عنوان یکی از نیروهای شاخص عمل‌کننده شناخته شده بود. نه تنها به رزم جنگل و فرماندهی طرح جنگل اشراف داشت، فرماندهی عملیات کمیته ا.ا. آمل نیز با او بود. هم‌چنین روحیه جهادی و همکاری صمیمانه و پیگیرانه‌ی وی در رابطه با به‌کارگیری

<sup>۱</sup> کیلومتر ۴۰ آمل- تهران واقع در ارتفاعات بالادست جنگل شرق هراز- ضلع جنوبی بالای جاده جدید روستای آندوار



از نیروهای مردمی و توان جهادسازندگی در ایجاد شبکه مردمی اطلاعات جنگل شهرستان آمل، او را از دیگر فرماندهان منطقه متمایز کرده بود. در این راستا مهرداد ق. از گروهک حرمتی‌پور<sup>۱</sup> که جز مجرب‌ترین، پرتحرک‌ترین و افراطی‌ترین گروهک‌های خطه‌ی شمال بود، چنین گفت که: «بزرگ‌ترین آسیب‌پذیری این گروه از منظر سرکرده آن (حرمتی‌پور) این بود که: نگرانی ما از برخورد با چند لشکر منظم، هیچ‌گونه حراسی نداریم. نگرانی و دلوپسی ما از گروه‌های ضد چریک است که عین خودمان عمل می‌کند. و همچنین وجود مردم محلی است که نمی‌دانیم با ما همراهی می‌کنند یا با عوامل رژیم هستند». تمام این ویژگی‌ها در شخصیت حاج‌محمد و یارانش در طرح جنگل سپاه آمل وجود داشت که موجب شکست آنان گردید.

گروهک اتحادیه کمونیست‌ها با تجمع آشکار ولی تدریجی (مدت زمان کوتاه)، نزدیک به دوپست نیرو، هیچ‌گاه از چشم تیزبین عوامل شبکه‌ی مردمی اطلاعاتی جنگل پنهان نبود. خود حاج‌محمد و دیگر پاسداران نیز با لباس و پوشش محلی در نقش نیروهای اطلاعاتی حرفه‌ای عمل می‌کردند که بدان خواهیم پرداخت. اتحادیه کمونیست‌های ایران با هدف براندازی نظام ج.ا.ا. با مشی مسلحانه و جنگ چریکی در جنگل وارد مبارزه شد. البته سازمان به یک فعالیت فوری با هدف آگاه ساختن و همراه کردن مردم مبادرت ورزید، تا به جنبش انقلابی خود، ماهیت مردمی داده و با ایجاد جبهه‌ی شمالی موتور اصلی قیام را به راه بیاندازد (شعبانی، ۱۳۹۴، ۱۷۸). همه‌ی توجه و ایجاد درگیری این گروهک محارب، روی جنگل و شهر آمل متمرکز بود.

اتحادیه کمونیست‌ها براساس مشی مائوئیستی خود استقرار در جنگل را برگزید تا به زعم خود روستاییان را جذب نموده و با آزاد سازی روستاها، یک قیام مسلحانه توده‌ای را به راه اندازد و با تشکیل ارتش خلقی، شهرها را یکی پس از دیگری آزاد (و حکومت مرکزی را) ساقط نمایند؛ بنابر این، نقش نهاد نوپای جهادسازندگی با چارچوب فکری اتحادیه کمونیست‌ها به عنوان نیروهای شورشی از حیث اندیشه و عملکرد در تقابل قرار داشت (خانی: ۶۳، ۱۳۹۵). حاج‌محمد نیز از امکانات و توانایی‌های جهادسازندگی شهرستان به خوبی آگاه بوده و بهره کافی را هم برد که به آن می‌پردازیم. از این

<sup>۱</sup> گروه حرمتی‌پور بیشترین تعداد عملیات تهاجمی را در سطح کل منطقه عمومی نور، آمل و بابل، سوادکوه و ساری برعهده داشته و عامل تنها درگیری ایذایی و تروریستی حوالی پارک جنگل میرزا کوچک خان آمل در تاریخ ۲۴ آبان ماه ۱۳۶۰ بود. این گروهک محارب با «راهبرد تحرک» در سطح جنگل پنهان و فعال بود.

طریق، نقش جهادسازندگی شهرستان آمل در مبارزه با گروهک‌های سیاسی مدعی خلق (توده مردم) به همت عناصر متعهد آن پررنگ است. اگرچه این فرمان هوشمندانه‌ی حضرت امام مبنی بر «همه با هم، جهادسازندگی»، در ایجاد امنیت پایدار کشور هم موثر و بی‌بدیل بود.

### ۳- شبکه‌ی مردمی اطلاعات جنگل

حماسه‌ی عظیم مردم آمل در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ بسیار به موقع و تاریخی بود. مهم است که بدانیم، این حماسه‌سازی‌ها و آمادگی‌ها، خود چند عقبه دارد. زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی رگه‌هایی از نفوذ عوامل ضد انقلاب در درون جنگل دیده می‌شد. با تشکیل و انسجام بیشتر ارکان نظام جمهوری اسلامی، گزارش‌های مردمی حاکی از حضور همه‌ی عوامل گروهک‌های سیاسی (معاند)، اما به صورت موردی و کم‌رنگ در دل جنگل بود؛ تا این‌که از اواخر تابستان ۱۳۶۰ گزارشات مردمی از روستاها و عوامل مرتبط، از استقرار و اختفای گروهک‌های سیاسی (محارب) در جنگل بیشتر و بیشتر شد. حساسیت، مجاهدت و همت نهادهای انقلابی و مردمی تازه تاسیس آمل (و محمودآباد)، به‌ویژه سپاه پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی، همچنین نقش جهادسازندگی در محرومیت‌زدایی و تثبیت اهداف و برنامه‌های انقلاب اسلامی نیز در کانون توجه بود.

در این راستا، مبارزه بی‌امان با توطئه‌ها و اغتشاشات بی‌شمار گروهک‌های سیاسی ضد انقلاب در سطح شهر، روستاها، کارخانجات تولیدی و معادن بزرگ آمل به جهت تحریک، نفوذ و خرابکاری (از جمله به تعطیلی کشاندن واحدهای تولیدی و دسترسی به مواد منفجره معادن) به هوشمندی و فعالیت گسترده و هماهنگ عناصر کلیدی نهادهای امنیتی و اقتصادی شهر و منطقه گره خورده بود. حضور فرماندهان و مدیران جوان و پرتلاش، با اقدامات به موقع و مدبرانه ایجابی (سازندگی و پیشرفت) و سلبی (مبارزه با عوامل مخل امنیت و تولید) در آن برهه از انقلاب اسلامی با هم گره‌گشا بود؛ تا این‌که نهضت اسلامی با پایمردی این جوانان غیور در ارائه‌ی الگوی پیشرفت و تعالی پیشتاز و هدفمند عمل کرد. همچنین توانست مشارکت، هم‌دلی و مقاومت عمومی مردم را با خود همراه و بیمه کند. به طوری‌که امروزه، جبهه مقاومت- و اقتصاد مقاومتی- راهی فراگیر در تحولات جهانی در پیش دارد. در این میان، مردم با اقدام جهادی در طول تاریخ انقلاب اسلامی پیشگام و بالنده ظاهر شدند.

در این ایام سرنوشت‌ساز، مدیریت مردمی و بی‌بدیل دو عنصر خدوم و جان‌برکف شهرستان از جمله سردار جانباز شهید حاج محمد رنجبر فرمانده طرح جنگل سپاه<sup>۱</sup> و شهید علی‌اوسط محمدی مقام مسئول جهادسازندگی آمل<sup>۲</sup>، با هماهنگی اولیه و تاکید آنان مبنی بر ضرورت همکاری همه جانبه لجستیکی و اطلاعاتی، قدم‌های محکمی توسط این دو نهاد برداشته شد. شناسایی افراد مسلح در داخل جنگل؛ هماهنگی‌ها و فعالیت‌های آغازین با ایجاد شبکه‌ی اجتماعی رابطین جنگل پایه‌گذاری، و سمت و سو یافت.

کارگران، مالداران و قرق‌بانان شریف و سخت‌کوش طرح‌های بهره‌برداری جنگل و معادن، همراه با کمک شبکه گسترده‌ای از عوامل مردمی و روستایی چندین آبادی محروم اطراف جنگل، دو نهاد سپاه و جهادسازندگی را در جهت همکاری اطلاعاتی-لجستیکی یاری می‌دادند. از طرف دیگر قبل از تشکیل و فعال شدن پایگاه‌های مقاومت بسیج، سازماندهی و هدایت اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی شهر و روستا نیز با جهاد و سپاه بود. با این‌که تعداد جهادگران شهرستان آمل (و محمودآباد) زیاد نبود؛ در شرایط خاص زمانی با حجم محرومیت بالا و بجا مانده از (دوران رژیم ستم‌شاهی)

<sup>۱</sup> جانباز شهید سردار حاج محمد رنجبر، متولد ۱۳۳۴ روستای آغوذین آمل است. او فردی شجاع، ولایت‌مدار، خدوم، مردمی و مخلص بود. حاج محمد از نیروهای پایور سپاه آمل در سال ۱۳۵۸، از فرماندهان سخت‌کوش طرح جنگل آمل، فرماندهی گردان‌های مختلف لشکر ویژه ۲۵ کربلا در جنگ تحمیلی و فرماندهی تیپ ۵۸ مالک اشتر و از یاران صدیق سردار سلیمانی در سپاه قدس بود. او از حماسه‌سازان جریان جنگل شمال کشور به ویژه مقاومت اسلامی مردم آمل در ششم بهمن ۱۳۶۰ و خط اول مبارزه با ضد انقلاب و ترور بود. در حماسه هشت سال دفاع مقدس، هم‌چنین در مقابله با اشراک شرق و شمال غرب کشور نقش فعالی داشت. در سال ۱۳۶۱، در قالب دومین اعزام نیروهای سپاه به لبنان در مقابله با عوامل استکبار جهانی و صیہونیستی به عنوان فرمانده پادگان امام علی (ع) بعلبک نقش بی‌بدیلی داشت. سردار جانباز شهید حاج محمد رنجبر پس از سال‌ها تحمل درد و رنج دوران جانبازی ناشی از جنگ تحمیلی و همچنین بمباران شیمیایی مناطق کردنشین- شهر سردشت آذربایجان غربی- در ۱۰ فروردین سال ۱۴۰۱ از این دنیای فانی به دنیای جاوید پرواز کرد. جالب است، بدانید، حاج محمد در اوایل تاسیس جهادسازندگی با این نهاد در سطح روستاهای آمل همکاری پاره‌وقت داشت.

<sup>۲</sup> شهید علی‌اوسط محمدی، متولد ۱۳۳۲ آمل است. حاج‌علی‌اوسط از مجاهدان و مبارزان شاخص در راه خدا، از قبل از انقلاب بود. بعد از پیروزی انقلاب، انجمن اسلامی معلمان و تشکیلات حزب‌الله را در آمل پایه‌گذاری کرد و با اغلب نهادهای شهر همکاری نزدیک داشت. او شهید شاخص فرهنگی و جهادگری نستوه بود که از اواخر سال ۱۳۵۹ لغایت ۱۳۶۳ مدیر داخلی و عضو موثر شورای مرکزی و مسئول پشتیبانی جنگ جهادسازندگی شهرستان آمل بود. علی‌اوسط در مقابله‌ی با گروهک‌های سیاسی و جریان‌های منحرف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حضوری پر رنگ و گسترده در سطح شهر و روستاها داشت. وی پس از چند بار اعزام به جبهه، در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ در سه راه نمک (فاو) در کنار حاج محمد رنجبر بود که به فیض شهادت نایل شد.

چهار صد روستای منطقه از یک‌سو، گستردگی خدمات جهادی جهت رفع محرومیت مناطق، و از سوی دیگر همکاری و تلاش شبانه‌روزی در جهت کمک به نیروهای فرهنگی - اجتماعی و انتظامی - امنیتی نیز در جای خود قابل تامل است.

علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات عوامل مذکور، گزارش ده‌ها نیروی اطلاعاتی مردمی از روستاهای اطراف جنگل، با کار منظم و هدفمند شناسایی در وسعت چندین هزار هکتار از اراضی جنگلی غرب رودخانه هراز هر شب گردآوری، دسته‌بندی و در اختیار واحد اطلاعات عملیات طرح جنگل سپاه آمل قرار می‌گرفت. ماشین آلات و امکانات جهاد، وقت و بی‌وقت، به صورت شبانه‌روزی (با اشاره‌ی برادران سپاه) به گشت‌زنی و ماموریت‌های مرتبط با کسب اطلاعات مردمی می‌پرداختند. قبل از هجده آبان، دیده‌بانی و کسب اطلاعات مربوط از محل استقرار اتحادیه‌ی کمونیست‌ها، موردی با ارزش تلقی می‌شد. در این دیده‌بانی از مقرهای سه‌گانه و چادر اقامتی نه‌گانه دشمن در نواحی جنگلی بالای روستای عالی‌کیاسلطان (بخش امام‌زاده‌عبدالله)، محدوده سوق‌الجیشی و بیضی شکل قلّه مَنگِلم تا حاشیه‌ی رودخانه آیشرود با حضور فرماندهان سپاه، در کمال موفقیت و از فاصله‌ی نزدیک انجام شد.

کل نیروهای دشمن در جنگل‌های غرب جاده هراز، در همان ابتدا به‌تدریج تا ۱۸۰ نفر و حتی به ۲۰۰ نفر هم رسید (محمدی‌فر، ۶۰، ۱۳۹۵) که، برای طرح اول شبیخون به شهر آمل در ۱۸ آبان آماده می‌شدند. روزی یکی از نیروهای اطلاعاتی مردمی به جهت عارضه بیماری از یک ماموریت روزانه‌ی عذر خواست؛ اما با اصرار فرماندهان سپاه، ایشان با همان حال و وضع بیماری به فعالیتش در جنگل ادامه داد. نامبرده به جهت شغل گالشی (حوالی مقر دشمن) به چادر خدمات پزشکی کمونیست‌ها در کمپ میانی جنگل مَنگِلم مراجعه کرد. از طریق همین نیروهای مردمی روستایی اطراف (جنگل) و درون جنگل، همواره تازه‌ترین و دقیق‌ترین اطلاعات از تحرکات کمونیست‌ها روزانه در اختیار بود. فعالیت شبکه اطلاعاتی مردمی شهر و روستا در کنار گشت‌های مخفی و ترکیبی برادران سپاهی به‌صورت حرفه‌ای و در لباس محلی هم بسیار موثر بود.

از جمله گزارشات مردمی دیگر، آگاهی بموقع از محل اختفای سلاح دشمن در ارتفاعات جنگلی قاصمر پشت روستای رزکه بود که، سخت دشمن را هراسان کرد. به‌گونه‌ای که، با پتانسیل یک‌صد و هشتاد تا دویست نفر نیرو به تکاپو افتادند. ناگزیر اجرای طرح حمله اول (البته ناکام) به شهر آمل را در هجده آبان جلوتر از زمان مورد نظر خود راه انداختند. در این رابطه نیز اطلاعات مردمی و مستقیم دامدار - مرحوم

محمد کاظم غفاری - به فرمانده طرح جنگل آمل از وقوع یک فاجعه انسانی وسیع تر از ششم بهمن جلوگیری کرد. با ارتباطات ایجاد شده از سوی حاج محمد، همکاری روستائیان با اطلاعات عملیات طرح جنگل سپاه آمل روز به روز گسترش می یافت؛ لیکن هنوز شبکه‌ی اطلاعاتی تازه کار بود که آن اتفاق سخت مهلک در حال وقوع بود؛ لیکن امدادهای غیبی ۱۸ آبان را یوم‌الله کرد. این در حالی بود که فرماندهان سپاه منطقه (۳) استان‌های شمالی کشور (با تدارکات قبلی)، غروب این روز در حال تردد به آمل بودند تا ضمن برگزاری جلسه هماهنگی، مقدمات محاصره و حمله به مقر دشمن در جنگل مَنگِلم آمل را در دستور کار داشتند.

#### ۴- کمونیست‌ها و چگونگی تحرک آنان

از حماسه‌سازی رزمندگان اسلام در مواجهه‌ی با اولین تحرک کاروان مسلح «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» در جنگل‌های شمال (آمل)، مطالب و ناگفته‌های زیادی هست. دشمن پس از مدت اندک حضورش در جنگل، به سرعت در مهیای مقدمات حمله به شهر آمل بود. در غروب ۱۸ آبان در آغاز حرکت به سمت آمل به یک‌باره شوکی سنگین به مهاجمان مسلح دست داد. چرا که ضربه سخت و هولناکی به جمع آنان وارد شد در کتاب نوپرواز از این گروه معاند و محارب آمد «طرح نسبتاً جامع و کاملی بود» (حزب کمونیست: ۴۵، ۱۳۸۴). به طور کلی می‌توان گفت از یک سو آنان بسیار تشکیلاتی عمل نمودند. قبل از زمان حمله اول به شهر، با استقرار تدریجی و پنهانی خود در جنگل به ویژه در رابطه با حمل سلاح، عملکردی موفق داشتند. از سوی دیگر به دلیل درگیری و اشتغال هم‌زمان نیروهای انقلاب در چند جبهه از جمله مقابله با ترورهای بی‌سابقه و متعدد گروهک مجاهدین خلق (منافقین) در سطح تهران و سایر شهرها، هم‌چنین جنگ تحمیلی عراق و در کردستان سبب فراغ بالی و آزادی عمل بیشتر آنها شد. در این شرایط پیچیده، گزارش‌های مکرر رابطین محلی و مردمی اطلاعات عملیات سپاه در قالبی کاملاً پوششی جمع‌آوری و پالایش می‌شد. حساسیت و در مواردی برخورد دشمن با تردد بستگان نهادهای انقلابی در محدوده استقرار آنان در حد هشدار تلقی می‌شد.

از همان ابتدای حضور گروهک تروریستی، رزمندگان اسلام از حضورشان مطلع گشته و با تدابیر اخذ شده، آنها را مورد رصد و ارزیابی لحظه‌ای و میدانی برای حمله بزرگ ۲۲ آبان خود آماده می‌کردند. جانباز شهید حاج محمد رنجبر نیز به عنوان مسئول اطلاعات و عملیات جنگل با تلاش بی‌وقفه و مستمر به همراه شبکه‌ای از رابطین

محلی به این امر خطیر و مهم پرداخته است. وی مُدام تحت پوشش‌های گوناگون در جنگل و گاهاً با گفتگو با اعضای گروهک کمونیستی بارها و بارها آنان را مورد شناسایی و تخلیه اطلاعاتی قرار می‌داده به طوری که بعضی اوقات مجبور به تغییر چهره و یا در قالب شکارچی و چاربیدار تا قلب مقرر دشمن نفوذ می‌نمود. چندین بار به دلیل تشکیک دشمن به وی، دستگیر شده و حتی یک بار به دلیل جر و بحثی که میان آنها رخ داد مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

پس از آن اتفاق بود که کارهای اطلاعاتی و شناسایی را با استفاده از افراد دیگر و رابطین محلی خود ادامه می‌داد دشمن در انتخاب محل استقرار نیروهای خود جهت پنهان‌کاری شدید و دسترسی آسان و بلامنازع به شهر منطقه سوق‌الجیشی مَنگِلم نزدیک به جاده و شهر را مد نظر خود قرار داد، تا علاوه بر آموزش نیروهای خود در جنگل، برای حمله به آمل نیز مشکل زیادی نداشته باشد. غافل از اینکه این تفکر از ابتدا مورد اشتباه بوده است آنان با مشی مائوئیستی خود تصوّر می‌نمودند که اگر به قصد تصرف شهر آمل تحرکی داشته باشند مردم با آنان همراه خواهد شد و شهرهای شمالی را یکی پس از دیگری به اشغال خود در می‌آورند و به دنبال سهم خواهی از انقلاب برخواهند آمد اما این‌گونه نشد.

با فعال شدن قرارگاه عملیاتی سپاه در منطقه (۳) و هم‌چنین استقرار یک گردان از نیروهای رزمی در آمل، کار شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات از محل اسکان و امکانات دشمن و تحرکات آنان به سرعت و با جدیت تمام انجام می‌شد. در جلسه شورای فرماندهی سپاه شهرستان که با حضور فرماندهان منطقه صورت پذیرفت، مقرر گردید که با آموزش کوتاه مدت و ضربتی رزمندگان به مقرر اتحادیه‌ی کمونیست‌ها حمله‌ور شده و دشمن را نابود سازند. ولی این موضوع یکی - دو روز به تاخیر افتاد؛ لیکن تاریخ ۲۲ آبان برای حمله گسترده قطعی شد. چرا که خطر نزدیک و سپاه ملزم به دفاع از کیان شهر و اسلام بود. با این حال، دشمن از خویشتن داری نیروهای انقلاب اسلامی در آن چند هفته و چند روز آخر، بهره بسیار برد و حمله به آمل را کلید زد.

بالاخره با کسب اطلاعات جدید، ضمن لو رفتن محل دفن سلاح کمونیست‌ها و هم‌چنین برخی تحرکات دشمن در جنگل، حساسیت مقامات سیاسی و فرماندهان نسبت به حضور کمونیست‌ها بیشتر شد. در همین حین با چند ماموریت فردی و گروهی از نیروهای خبره محلی و پاسداران سپاه آمل، اطلاعات تکمیلی از همه طریق می‌رسید. علاوه بر این با برنامه‌ریزی قبلی حاج محمد رنجبر (و حضور ایشان)، قائم مقام فرماندهی سپاه آمل با همراهی حاج قربان خیری و یک نفر از رابطین محلی

دیگر، با یک وسیله نقلیه عمومی (وانت نیسان) به محل مورد نظر، مشرف به کمپ های دشمن (محل تلاقی جاده سنگ درکا و مسیر دکل برق) عزیمت کردند. با دیده بانی آنان از محل استقرار دشمن، با وجود عبور لحظه ای دو نفر موتورسوار (احتمالاً مسلح دشمن)، شناسایی ها با دقت انجام شد؛ با این اوصاف دشمن زهر خود را نشان داد.

در پاسخ به اولین تحرک نظامی دشمن، اطلاعات عملیات سپاه آمل در اقدامی مثال زدنی و ضربتی شگفتی ساز صحنه ی نبرد نابرابر شد. اخبار تحرکات پیش آمده در ورودی جنگل هم، کانون اصلی هشدارها و توجهات خاص یکی دو روز اخیر بود، تا این که یک خبر فوری - فوتی از عوامل مردمی نشان داد که تحرکات مهاجمان مسلح غیرعادی است. چرا که عبور یک خودروی مشکوک در مسیر جنگل مَنگَلَم با رویت فردی مسلح - اولین بار- در آن بسیار تامل برانگیز بود. به دنبال این گزارش رسیده و مستقیم به فرماندهی عملیات طرح جنگل آمل در عصر روز هجدهم آبان، وی شخصاً وارد عمل شد. او بدون لحظه ای درنگ با تیزبینی و جسارت خاص خود در مبادرت به فراخوانی و گردآوری معدود نیروهای مستقر در سپاه، بسیج و به ویژه کمیته انقلاب اسلامی نمود.

در آن زمان حاج محمد هم زمان مسئولیت عملیات طرح جنگل و کمیته ی آمل را بر عهده داشت که به همین دلیل موجب ارتباط تنگاتنگ و قوی میان کمیته و سپاه بود. هدف او از این اقدام سریع، ایجاد پست ایست و بازرسی و دستگیری خودروی مذکور و جمع آوری اطلاعات کلیدی و به هنگام بود. حال آنکه به لطف قوه الهی این امر سبب خیری بزرگتر گردید. ایشان در دو محل دور از هم، نیروهای تحت الامر خویش را که جمعاً چهار- پنج نفری هم بیشتر نبودند، مستقر نمود. دو گروه دو یا سه نفره از رزمندگان را در ابتدای ورودی جنگل امامزاده عبدالله (شهرک صنعتی فاز ۲ کنونی) محور شهید کارگر فعلی و ابتدای جاده فرعی ایستگاه طرح جنگل جهادسازندگی آمل در انتهای روستای محمدآباد لیتکوه استقرار می یابند

او به زعم خود، موضوع را اساسی می دانست. آن غروب طوفانی، با وجود داشتن زمان محدود، سرعت عمل بالا و کیفیت جانمایی و استقرار دو کمین مستقل دیده بانی و کنترل آمد و رفت های جنگل مَنگَلَم تعیین کننده بود. برقراری کمین ها در محل دو سر ورودی جنگل از سوی این فرمانده تصمیمی ضربتی و خردمندانه بود. برگشت های مجدد و دو بار دیگرشان به شهر به منظور گردآوری و انتقال نیروهای بیشتر و به ویژه تذکرات و هماهنگی انجام شده در محل و حتی حضور مقطعی در صحنه راه بندان

جاده هراز، همه و همه نشان از هوشیاری و بصیرت این فرمانده جان برکفِ اسلام داشته به گونه‌ای که در کیفیت عملکرد کمین‌ها نیز نقش کلیدی داشت.

در آستانه غروب روز هجدهم آبان، آن روز پاییزی این دو محل آبستن حماسه‌های تاریخی بود. پیش‌قراولان ستون حمله دشمن به شهر در ابتدای روستای اسکو محله (شهر فعلی امامزاده عبدالله)، هشت کیلومتری آمل در چنگ کمین اول نیروهای انقلاب اسلامی متوقف و درماندند. رزمندگان اسلام در مبارزه‌ای سخت و جانانه با این گروه کمونیست تا دندان مسلح درگیر شده و بهنام رودگرمی فرمانده آنان را فوراً به هلاکت رسانده و چند تن از آنها را زخمی نمودند.

در حقیقت دست یاری خدا در یوم‌الله ۱۸ آبان آشکار گشت و به دشمن چنین القاء شد که کل طرح حمله آنان لو رفته و سپاه با نیروهایش آنها را تحت محاصره قرار داده است. درحالی‌که آنها با کاروانی مسلح و پتانسیل کامل حدود ۲۰۰ نفر (محمدی‌فر، مهدی، ص ۶۰، ۱۳۹۵)، آماده خروج از جنگل و عازم حمله به آمل بودند (طرح اول حمله ضمیمه است). آنان در همین شرایط قدرت تصمیم‌گیری برای‌شان سخت شد، مردد ماندند که به شهر حمله نمایند یا نه، که بالاخره از سوی کاکاسماعیل فرمانده نظامی دشمن دستور عقب‌نشینی صادر شد. آنها مجبور به حمل کشته و زخمی‌هایشان به جنگل مَنگَلَم شدند. در محدوده زمانی فوق (غروب ۱۸ آبان) جاده هراز به صورت مقطعی توسط تعدادی دیگر از افراد مسلح فوق به صورت هدفمند بسته شد.

این محل حد فاصله بین روستای محمدآباد و رزکه معروف به پیچ «سِلهار» می‌باشد که به دلیل ازدحام مردم و تردد خودروها، بنا به استعلام یکی از نیروهای کمیته از طریق تلفن پمپ‌بنزین محمدآباد و دستور رسیده، از هرگونه درگیری نیروهای رزمنده با آنان پرهیز شد. پس از مدت کوتاهی با دستور عقب‌نشینی افراد مسلح از پشت بیسیم کاکاسماعیل، جاده هراز هم بدون هرگونه تیراندازی بازگشایی شد. آن روز سخت پاییزی با شهادت بسیجی فداکار ولی‌الله کارگر و جانبازی پاسدار کمیته در محل کمین اول همراه بود، لیکن از حمله گسترده‌ی کمونیست‌ها ممانعت به عمل آمد. دشمن شکستی سخت و تکان دهنده‌ای را متحمل شد. این عقب‌نشینی گزنده تا پایان حضورشان در جنگل وبال آنها در توجیه اعضای عملیاتی خود گردید که منجر به تغییر راهبرد استقرار به تحرک شدند، و موجب ریزش نیروهای کمونیستی در جنگل گردید. به‌گونه‌ای که از آن فراخوان ۲۷۰ نفره تقریباً به حدود ۱۰۰ نفر در جنگل کاهش پیدا کرد. علاوه‌بر این، با اجرای عملیات محاصره و حمله ۲۲ آبان



رزمندگان اسلام، دشمن سخت آواره و درمانده شده بود. هفته‌های طولانی به تحلیل این شکست بزرگ خود در تهران و جنگل‌های آمل مشغول بود. بلافاصله بعد از حماسه ۱۸ آبان، نیروهای رزمنده متشکل از نیروهای سپاهی، کمیته انقلاب اسلامی، بسیج مردمی همچنین سربازان ژاندارمری و برخی از نیروهای ارتش در سحرگاه ۲۲ آبان از چند سو با آرایش جنگی چکش و سندان به مقر کمونیست‌ها حمله کرده و آنها را مجبور به ترک کامل محل استقرار خود نمودند. با این وصف این دشمن بود که از آن روز سخت مستاصل شده و مجدداً با تلفات انسانی دیگر و تحمل شرایط روحی روانی سنگین، آشفتگی و آوارگی را در اردوی خود (همراه با شکست طرح حمله‌ی اول) تجربه کرد و به دنبال تغییر تاکتیک و موقعیت جدید گشتند. آنها پس از این تاریخ در پنج گروه رزمی با تدارکات مستقل در محدوده‌هایی از جنگل بالادست آمل متواری، سرگردان و منفعل، مدام از محلی به محل دیگر نقل مکان می‌کردند.

بر اساس عزم و اراده آهنین رزمندگان اسلام در برخورد شدید با کمونیست‌ها، بنا به سفارش اکید علمای بزرگ شهر، پایگاه‌هایی در اطراف جنگل و روستاهای حاشیه جنگل ایجاد شد. همچنین گشت‌های رزمی متعددی به‌طور مستمر در حال تعقیب و درگیری با دشمن به سر می‌بردند. از جمله در سیزده دی (۱۳۶۰)، رزمندگان اسلام که شامل هفت نفر به فرماندهی جانباز شهید محمد رنجبر بودند، موفق شدند، شکست دیگری را به دسته‌ای از این کمونیست‌ها تحمیل کنند. آنها موفق شدند، یکی از سرکردگان آن گروه تروریستی را که اکبر اصفهان نام داشت به هلاکت رسانده و مابقی آنها را با زخمی‌هایشان متواری سازند.

با فرارسیدن برف و سرمای زمستان، مهاجمان مسلح خواستند از بین راهکارهای سه گانه شامل برگشت به تهران، فرار به جنگل‌های غرب مازندران یا حمله به شهر آمل، بناچار یکی را برگزینند. متأسفانه آنها از شکست‌های مکررشان عبرت نگرفته و مایوسانه طرح حمله به شهر را برای بار دوم کلید زدند. این بار هم با این‌که رزمندگان اسلام در سطح جنگل منطقه، دنبال قلع و قمع آنان بودند، مردم حماسه‌ساز مقاومت اسلامی آمل در ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ با از جان گذشتگی و همت بلند و با نثار خون خود و دادن ۴۱ شهید و قریب ۱۸۰ مجروح و جانباز، پر صلابت و قاطع در مقابل‌شان ایستادند؛ همگی نشان دادند که در دیار علویان جایی برای نفاق و کفر نیست.

## ۵- نتیجه‌گیری

این حماسه‌سازی‌های حاج محمد رنجبر و سایر رزمندگان در حماسه‌ی عظیم آمل به ما درس می‌دهد که ساختارهایمان باید مردم‌شناسی، از خودگذشتگی و تدبیر، جرئت، ابتکار و دور اندیشی‌ها و مردم‌داری‌ها را تقویت کند. این‌ها موجب شد تا هزینه‌ی جبهه‌ی مقاومت کمتر شود. همچنین نهال نوپای جمهوری اسلامی پرافتخار بماند و به درختی تناور همراه با عزت و سربلندی ملت تبدیل شود و تحسین همه آزادمردان جهان را برانگیزد.

هم‌چنین به این نتیجه می‌رسیم که، اگر مردم حمایت‌های روحی و روانی و پشتیبانی و لجستگی را از گروهک‌های محارب دریغ و بازدارند، تشکیلات شورشگر هم کاری از پیش نمی‌برد. باید مردمی بود و مردمی زیست و با مردم زندگی کرد. در اثر بصیرت و اتحاد مردم و شجاعت و ایثار رزمندگان، تلاش قلمی و قدمی موثر مجموعه‌ی «جبهه‌ی مقاومت» حتی استکبار جهانی را به زانو درمی‌آورد. از این‌روست که حضرت امام، فقط در این حماسه است که از آمل و مردم آن تشکر می‌کنند تا الگوسازی کنند. عقبه‌ی ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل نیز مهم بود که تبیین شد.

با سلام و درود به محضر امام عصر (عج) و درود فراوان به روان پاک همه‌ی شهدا، خصوصاً شهدای جبهه مقاومت، و تقدیر از همه کسانی که با عشق و اخلاص، تحمل سختی‌ها، بزرگ‌ترین نعمت آرامش که در سایه امنیت فراهم می‌شود، را برایمان فراهم ساخته‌اند؛ امید است تا در این جهاد مقدس (جهاد تبیین) گامی موثر در جهت روشنگری نسل‌ها، بیش از پیش برداریم. همین‌طور حاج محمد‌ها، حشمت‌ها و ... را که در گمنامی از ارزش‌های اسلامی پاسداری کرده و خون دل‌ها خوردند و چند جبهه را هم‌زمان پیش بردند، همه با هم همت کنیم تا راه و مکتب اسلام و سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی پایدار و جهانی شود.

### فهرست منابع:

- حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳)، پرنده نوپرواز، چاپ آلمان - چاپ اول  
- خانی، مهدی (۱۳۹۹)، رویای انقلاب سوم، صص ۴ تا ۷، تهران، انتشارات نخبگان  
- رنجبر، محمد (۱۳۷۳)، بررسی و تحقیقی پیرامون وقایع ششم بهمن (۱۳۶۰)،  
دافوس نامه دوره عالی دانشکده فرماندهی و ستاد، سپاه پ.ا.ا، تهران  
- زندی، محمد علی (۱۳۹۳)، «تحدیه‌ی کمونیست‌های ایران»، سایت پژوهه  
(بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی - پژوهشکده باقرالعلوم ع)  
- سیاحی، اسماعیل (۱۳۹۶)، نماز باور، ص ۲۱۰، ساری، سرو سرخ  
- سپاه منطقه استان‌های شمالی (۱۳۶۱)، حماسه آمل، فصل اول (عملکرد  
کمونیست‌های ایران)؛ ساری، بهمن ۱۳۶۱،  
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۰۰ تا ۱۸۲، تهران،  
موسسه فرهنگی هنری و انتشارات  
- مرکز اسناد ستاد حماسه آمل (گزارش‌ها و پرونده‌ی شهدا- صوتی و متنی، فیلم و  
عکس) شامل:  
- دبیریان، علی اصغر و دیگران (۱۴۰۲)، مجموعه مصاحبه‌های زندگینامه‌ی شهید علی  
اوسط محمدی، (بخش نقش جهاد در حماسه آمل)  
- مجموعه اسناد و یادداشتهای مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه آمل - روایت  
فرماندهان پیرامون عملیات شیم‌کوه  
- گزارش شیم‌کوه/ پایان عملیات جنگل آمل (اسفند ۱۳۶۱)؛ حماسه‌ی اسلامی  
مردم آمل/ شکست تفکر کمونیستی  
- گفتگوی نگارندگان با حاج محمد رنجبر و رابطین جنگل: حاج قربان خیری، دابی  
کرم‌علی و و دیگران (۱۴۰۲)  
- محمدی‌فر؛ مهدی (۱۳۹۵)، جبهه‌ی شمالی (در رابطه ساختار و تشکیلات گروهک  
اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران)، ساری، سرو سرخ  
- کردی، علی (۱۳۹۱)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل (فصل اول)،  
مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، تهران



## نقش عملیات نظامی جنگل شمیم کوه پایانی بر مبارزه کمونیست‌ها (حماسه‌ی آمل)

روح‌اله رنجبر<sup>۱</sup>

حسن فاضلی<sup>۲</sup>

### چکیده

دفاع در برابر هجوم تفکرهای کمونیست‌های تکفیری در خطه‌ی سرسبز شمال، مابین سال‌های ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۱، برگ زرینی از عملکرد نیروهای مردمی و نظامی حماسه‌ساز آمل (و شمال کشور) می باشد؛ به دلیل تاثیرگذاری بسیار و مستقیم آن در دوران تثبیت انقلاب اسلامی و حکومت دینی می‌بایست به صورت علمی و بنیادی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و از بعد نظامی نیز به نقاط قوت و ضعف طرح‌های عملیاتی آن زمان با توجه به امکانات و ابزارهای اطلاعاتی و شیوه جنگ چریکی و نامتقارن مورد واکاوی قرار گیرد تا از نتایج آن در آینده بهره مند شود. در این میان عملیات دوازده اسفند (۱۳۶۱) جنگل شمیم کوه آمل، جنگی سخت، نامتقارن و واکنش سریع در محدوده کیلومتر ۲۲ الی ۲۴ جاده هراز (بزرگراه ۷۷ - تهران شمال) پایانی بر جریان جنگل آمل بوده است؛ اما برخلاف اهمیت آن در محافل علمی و نظامی، کمتر به آن پرداخته شد، لذا تبیین عملکرد نیروهای نظامی و بسیج مردمی در جمع آوری اطلاعات، چگونگی طرح‌ریزی عملیات نظامی، چگونگی عملکرد نیروها در اجرای عملیات و همچنین بازخورد نتایج و دست‌آوردهای این دفاع در چارچوب حماسه مردمی آمل، ضروری و مهم می‌باشد. اما چرا این عملیات مهم بود؟ آیا اتحادیه کمونیست‌ها شکست خود را در شمیم کوه پذیرا شدند؟ فرض مساله آن است که دشمن پس از شکست در عملیات شمیم کوه از حیث نظامی، تفکر و استراتژی به طور کامل تضعیف و در نهایت محو شد. اساس این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** حماسه مردم آمل - عملیات نظامی - شمیم کوه - اتحادیه کمونیست‌های ایران - جنگ نامتقارن

<sup>۱</sup> روح‌اله رنجبر کارشناس ارشد مهندسی عمران سازه‌های هیدرولیکی - استادیار

معلم؛ [Rohollah\\_ranjibar63@yahoo.com](mailto:Rohollah_ranjibar63@yahoo.com)

<sup>۲</sup> حسن فاضلی کارشناس ارشد جغرافیای مدیریت برنامه‌ریزی روستایی - کارشناس ارشد امور نظامی

## مقدمه

جوامع انسانی در طول تاریخ بشریت، همواره از سوی برخی حوادث و دشمنان مورد تهدید قرار می‌گرفتند و مدام در حال آموختن شیوه‌های مقابله با تهدیدات و عبرت‌آموزی از اتفاقات پیش آمده‌ی حین مقابله بوده‌اند که در این بین، انقلاب اسلامی ایران نیز در زمان شکل‌گیری و تثبیت از این امر مستثنی نبوده است، و نخواهد بود. اما به لطف قوه‌ی الهی و حمایت همه‌جانبه مردم ولایت‌مدار همواره با این تهدیدات مقابله نموده است. یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها، آشفتگی و هرج و مرج و ایجاد جنگ داخلی بوده است که در آینده هم مورد طمع دشمنان جمهوری اسلامی قرار دارد. این تهدیدها ما بین سال‌های ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۱ در کشور به صورت چشمگیری افزایش یافته و در چندین نقطه از کشور، منجر به حضور گسترده و درگیری مردم با آنها شد. از مهم‌ترین این درگیری‌ها، ایجاد جبهه سوم توسط گروهک‌های معاند و محارب در شمال کشور خصوصاً شهرهای استان مازندران به ویژه آمل می‌باشد. این موضوع به قدری مهم و حیاتی بوده که معمار کبیر انقلاب امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش به آن پرداخته‌اند و از آن تمجید نموده‌اند.

به همین دلیل وقایع نگاری دقیق سلسله‌وار و جامع از حماسه اسلامی مقاومت مردم آمل در سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود؛ چرا که به نظر می‌رسد، رهبر کبیر انقلاب به صورت هوشمندانه این جریان‌ات را سرآغازی بر جبهه مقاومت در خاورمیانه و همچنین مقاومت جهانی سایر ملت‌ها در برابر استکبار جهانی و عوامل آن پیش بینی نموده و به آن متذکر شده است. این مقاله به بررسی و اهمیت یکی از عملیات‌های حماسی و نظامی از مجموع نه عملیات یا درگیری واقع شده در جنگل میان اعضای گروهک منافق کمونیستی و رزمندگان اسلام در آمل پرداخته و سعی بر آن گردید تا علاوه بر تبیین، اهمیت رزم‌های نامتقارن در شرایط توپوگرافی سخت و خاص شمیم‌کوه را مورد توجه محافل علمی و نظامی قرار دهد. چرا که یکی از ثمره‌های خون شهدای جنگل این بوده است که در زمان مناسب که بحث تجزیه ایران از طریق رویکرد منافقانه‌ی گروهک‌های سیاسی، ... و تحریک اقوام مختلف در دستور کار دشمنان این مرز و بوم قرار دارد به تبیین و بررسی نقش اجزای حماسه مقاومت اسلامی در محافل علمی و دانشگاهی بیش از پیش پرداخته شود.

جریان جنگل شمال کشور (به‌ویژه آمل) و مقابله‌ی نفس‌گیر با حضور چند گروهک سیاسی از طیف معاند و محارب، به ویژه «اتحادیه کمونیست‌های ایران» با تشکیلاتی پیچیده و مرموز در جنگل آمل، خود حماسه در حماسه است. نقش فرماندهان و

رزمندگان در کنار مردم در این چند عملیات یا درگیری برجسته است. تاکنون مقالات و کتب متعددی در خصوص حماسه مردم آمل و جریانات سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ تدوین و انتشار یافته شده که قابل تقدیر می‌باشد، اما در مورد چند عملیات و درگیری جنگل و به ویژه عملیات نظامی شیم‌کوه، تحقیق و بررسی علمی که منجر به چاپ و نشر گزارش تحلیلی، مقالات یا کتب گردیده باشد، در دسترس وجود ندارد. هم‌چنین در فضای اینترنت و مجازی نیز مطلبی تحت این عناوین «شیم‌کوه» یافت نمی‌شود. لذا ضرورت پرداختن به این گونه مسائل با توجه به اهمیت موضوع، بیش از پیش مورد نظر نویسندگان این مقاله می‌باشد. این نوشتار تلاش دارد با ارایه‌ی برخی زوایای آشکار و پنهان عملیات شیم‌کوه در دوازده اسفند ۱۳۶۱ به تحلیل آن بپردازد. روایت جمعی و فردی رزمندگان شیم‌کوه به همت «ستاد مردمی حماسه اسلامی شهرستان هزار سنگر آمل» انگیزه‌ی تدوین این مقاله بوده است.

از یک‌سو، با احساس مسئولیت نسل جوان و از سوی دیگر ضرورت جهاد تبیین حماسه بزرگ و مقاومت مردم آمل، سبب شد تا ضمن بررسی اطلاعات و اسناد موجود ضمن بازخوانی صحنه میدانی در معیت برخی رزمندگان و فرماندهان با حضور خانواده‌ی معظم شهدا، تا حدودی به ذهن کنجکاو مان پاسخ داده شود؛ از جمله این‌که چرا این عملیات مهم بود؟ چرا شیم‌کوه را انتخاب کردند؟ نقش فرماندهان و رزمندگان در حماسه‌ی ارتفاعات جنگلی شیم‌کوه چگونه بود؟ با وجود شکست سنگین دشمن در ششم بهمن، بازماندگان آنان چه تعداد بودند و چه برنامه‌ای تدارک دیدند؟ پس از آن چه سرنوشتی داشتند؟ آیا شکست خود را در شیم‌کوه پذیرا شدند؟ در این رابطه اعترافات افراد دستگیرشده و گزارش برخی از پناهندگان به دامن کشورهای غربی (آلمان) چه بود؟

فرض مساله آن است که دشمن از حیث نظامی، تفکر و استراتژی شکست خورده و در نهایت محو شد. البته برخی تحولات جهانی هم در این شکست سنگین تاثیر مضاعف داشت که به طور گذرا به آن هم می‌پردازیم. روش این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی یا کتابخانه‌ای و اسنادی است. این مقاله در پنج بخش تنظیم و در قالب برخی تعاریف؛ سیر شکست دشمن؛ اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی (سپاه)؛ اجرای عملیات شیم‌کوه (و پشتیبانی)؛ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارایه شده است. جا دارد از حمایت ستاد مردمی حماسه اسلامی آمل تشکر ویژه داشته باشیم.

**تعاریف:**

۱- شیم کوه: با استفاده از فرهنگ لغات و دو پیشوند مطروحه، یکی «شیم کوه» یعنی کوهی بزرگ که به سختی و صلابت خود باقی است؛ اما با تلفظ محلی دیگر «شیم کوه» به معنای کوه شوم و منحوس و بدیمن هم اطلاق می‌شود. این دو نام، هردو به جهت حماسه عظیم سپاهیان طرح جنگل آمل بی‌ربط نیست. اما به جهاتی ما نام این عملیات را شیم کوه که مصطلح و مشهور است، بکار می‌بریم. این منطقه مثلی شکل و سوق‌الجیشی در ارتفاعات جنگلی و استپی ضلع غربی سد فعلی هراز، در میان دو دره‌ی کلرد و منگل تا زیر مناطق کوهستانی، برف‌گیر و دوردست نظیر کپین، خوشواش و گزناسرا ارتباط دارد.

۲- آبادی کلرد: موقعیت کیلومتر ۲۲ جاده هراز در سال ۱۳۶۰ دارای یک خانه با بافت سنتی و یک رستوران قدیمی بین راهی به نام کلرد بوده است.

۳- منگل: آبادی بین راهی با تلفظ محلی منگل در فاصله‌ی حدود کیلومتر ۲۴ جاده قدیم هراز که محل احداث سد مخزنی هراز است.

۴- نیروهای نظامی وقت: شامل نیروهای ارتش، شهربانی، ژاندارمری، کمیته و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین بسیج مردمی و افراد مذهبی که نقش کمک و اطلاع رسانی را بر عهده داشتند، می‌باشند.

۵- اتحادیه کمونیست‌های ایران: سازمان انقلابیون کمونیستی در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹ میلادی) با ماهیتی متفاوت و عضویت تعدادی از اعضای جبهه ملی و عده‌ای از طرفداران احمد کسروی و برخی دیگر از نیروهای روشنفکری ایران در خارج از کشور تشکیل شد. جمعی از دانشجویان مقیم آمریکا که اکثراً فرزندان کارکنان شرکت صنعت نفت خوزستان با هدایت اصلی آمریکا پایه‌گذار اتحادیه کمونیست‌های ایران در سال ۱۳۵۵ پس از بازگشت به ایران بودند که با مشی مائوئیستی خود بنا به شرایط مشکوک و تحریک بیگانگان، عمل نمودند. اما پس از رویکردی مناقه‌انه در تهران و مناطق جنگی خوزستان و کردستان هم‌زمان و همراه با جریان‌ات بنی صدر لیبرال دموکرات، آشکارا مشغول توطئه شده و به قصد تصرف آمل و شهرهای اطراف آن در جنگل‌های آمل گرد هم آمده و حوادث تلخی را رقم زدند (کردی، ۱۳۹۴، ۱۵ تا ۲۵).<sup>۱</sup> این گروهک در این نوشته به اختصار به نام «نیروهای مسلح»، «نیروهای مهاجم»، ... یا «کمونیست‌ها» هم آمده است.

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر رج شود به خانی، مهدی (۱۳۹۹: صص ۴ تا ۷)؛ سپاه منطقه سه استان‌های شمالی (۱۳۶۱: ف یک)؛ محمدی‌فر؛ مهدی (۱۳۹۵: ۵۱ و ۱۲۷)؛ زندی، محمد علی (۱۳۹۳).



## سیر شکست دشمن (جنگلی‌ها):

قبل از ورود به واقعه عملیات ۱۲ اسفند شیم‌کوه در سال ۱۳۶۱، مرور سیر شکست «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» طی چند ضربه پیاپی رزمندگان اسلام حول محور مقاومت اسلامی مردم آمل در ششم بهمن لازم است. البته کار شناسایی مجموعه اطلاعات پیرامونی حضور گروهک‌های کمونیستی در جنگل‌های آمل به قبل از تابستان سال ۱۳۶۰ به معجزه الهی و یک واقعه نادر برمی‌گردد. تعدادی از نیروهای سپاه آمل به فرماندهی زنده یاد احمد شعبانی<sup>۱</sup> از زمان آموزش حوالی دکل مخابراتی جنگل سیاه‌بیشه و اقع در شرق رودخانه و کیلومتر ۴۰ جاده هراز (باریکه مسیر فعلی اندوار) که تنها با یک اسلحه‌ی کمری ساده، یازده کمونیست را با سلاح و مهمات دستگیر کردند (شعبانی، ۱۳۵۹) که این اطلاعات، اقدامات زیادی را با افزایش سطح هوشیاری مقامات و نیروهای اسلام فراهم نمود. البته پس از برپایی غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، تأیید و عزل بنی‌صدر بود که گروهک‌های التقاطی و الحادی دست به اقدام مسلحانه علیه نهال نویای جمهوری اسلامی ایران زدند. نیروهای مسلح کمونیست پس از دو ماه تدارکات و فعالیت‌های گسترده شناسایی اماکن حساس شهر در قالب طرح حمله‌ی اول در ۱۸ آبان سال ۱۳۶۰ با فراخوانی نیروها به استعداد تقریبی حدود ۲۷۰ نفر از سطح کشور (رنجبر، ۱۳۹۳) قصد حمله به شهر آمل داشته، با این تفکر که شهرهای شمالی را یکی پس از دیگری به تصرف خود درآورده و به خیال خود آزاد کنند تا با حکومت مرکزی به مقابله بپردازند.

به نقل از اعترافات و اسناد خود این گروهک آمده است که طرح حمله اول به آمل «طرح نسبتاً جامع و کاملی بود» (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳، ۴۵). اما برخلاف تصور دشمن، نیروهای نظامی و رابطین مردمی، کلیه‌ی فعالیت‌های این گروهک

<sup>۱</sup> زنده یاد پاسدار جانباز حاج احمد شعبانی فرزند نقی، متولد آمل در سال ۱۳۳۱ است. او همگام با شروع نهضت امام خمینی در مهر ماه سال ۱۳۵۸ وارد سپاه آمل شد؛ پس از گذراندن دوره آموزشی در پادگان امام حسین تهران و به دلیل استعداد، خلاقیت و توان رزمی بالا، همچنین آموزش‌های حین خدمت سربازی در دوران طاغوت و تسلط کامل به امور نظامی و چریکی اقدام به تشکیل اردوگاه آموزشی سپاه در آمل نمود. اغلب نیروهای بسیجی آمل در اوایل انقلاب نزد او آموزش دیده‌اند. با شروع فعالیت‌های گروه‌های سیاسی مختلف ضد انقلاب، نقش بی‌بدیلی در مبارزه‌ی با آنان در شهر و جنگل آمل داشت. او از یادگاران هشت سال دفاع مقدس نیز بود. حاج احمد خود مصداق بارز آیه‌ی شریفه‌ی «شد علی الکفار و رحما بینهم»، در مجموع فردی خوش‌رو و زاهدی بود که در عالم گمنامی و اسوه‌پارسی، سرباز با صلابت حریم ولایت و مبارزی نستوه که دشمنان قسم خورده مکتب توحید از نام و هیبتش وحشت داشتند.

محارب را زیر نظر داشته و حتی در مواردی از مکان دفن سلاح آنها در جنگل اطلاع پیدا کرده بودند. بررسی قبلی و مباحث کارشناسی با جمع آوری اطلاعات از تابستان شروع شده بود (خیری، ۱۳۸۴). دشمن حرکت کاروان مسلح خود را تا مرحله‌ی خروج از جنگل آمل - حوالی شهر و جاده امامزاده عبدالله<sup>۱</sup> برای حمله اول به شهر آمل (۱۸ آبان) تدارک و آغاز نمود. رزمندگان اسلام با اطلاعات مردمی و اقدامی سریع، به اجرای دو کمین همت نمودند. از این طریق همانند سدی در مقابل‌شان ظاهر شده و طرح آنها را با شکست مواجه ساختند. به این ترتیب نقش پاسدار جانباز شهید فرمانده طرح جنگل سپاه و فرمانده عملیات وقت کمیته انقلاب اسلامی (حاج محمد رنجبر)<sup>۲</sup> به همراهی معدود نیروهای جان‌برکف کمیته و سپاه، هوشیاری و اقدامات مدبرانه‌ی تک‌تک آنان در ایجاد یوم‌الله هجدهم آبان ماه (۱۳۶۰) شاخص و بی‌بدیل بود که امیدواریم به آن بیشتر پرداخته شود.

رزمندگان اسلام با تدارک ویژه (قبل‌تر از ۱۸ آبان)، نیروهای ترکیبی ژاندارمری، سپاه و کمیته انقلاب اسلامی و همراه نیروهای مردمی و رابطین محلی خود، با هدف محاصره‌ی دشمن، بلافاصله دست به عملیات ۲۲ آبان با آرایش نظامی چکش و سندان زده و آنان را از چند سو مورد حمله قرار دادند. این عملیات اگرچه با سیزده شهید و چند زخمی برای نیروهای انقلابی همراه بود، نتایج پربراری داشت که در این مقوله نمی‌گنجد. اما مهم‌تر این‌که به شدت، امنیت حضور گروهک تروریستی فوق در

<sup>۱</sup> این محل، مابین دو فاز شهرک صنعتی آمل، حوالی پل جاده فاز جنوبی، محل شهادت اولین شهید جنگل آمل ولی‌الله کارگر است

<sup>۲</sup> جانباز شهید سردار حاج محمد رنجبر، متولد ۱۳۳۴ روستای آغ‌وژین آمل است. او فردی شجاع، ولایت‌مدار، خدوم، مردمی و مخلص بود. حاج محمد از نیروهای پایور سپاه آمل در سال ۱۳۵۸، از فرماندهان سخت‌کوش طرح جنگل آمل، فرماندهی گردان‌های مختلف لشکر ویژه ۲۵ کربلا در جنگ تحمیلی و فرماندهی تیپ ۵۸ مالک اشتر و از یاران صدیق سردار سلیمانی در سپاه قدس بود. او از حماسه‌سازان جریان جنگل شمال کشور به ویژه مقاومت اسلامی مردم آمل در ششم بهمن ۱۳۶۰ و خط اول مبارزه با ضد انقلاب و ترور بود. در حماسه هشت سال دفاع مقدس و در مقابله با اشراک شرق و شمال غرب کشور نقش فعالی داشت. در سال ۱۳۶۱، در قالب دومین اعزام نیروهای سپاه به لبنان در مقابله با عوامل استکبار جهانی و صیہونیستی به عنوان فرمانده پادگان امام علی (ع) بعلبک نقش بی‌بدیلی داشت. سردار جانباز شهید حاج محمد رنجبر پس از سال‌ها تحمل درد و رنج دوران جانبازی ناشی از جنگ تحمیلی و همچنین بمباران شیمیایی مناطق کردنشین - شهر سردشت آذربایجان غربی - در ۱۰ فروردین سال ۱۴۰۱ از این دنیای فانی به دنیای جاوید پرواز کرد. جالب است، بدانید، حاج محمد در اوایل تاسیس جهادسازندگی با این نهاد در سطح روستاهای آمل نیز همکاری پاره‌وقت داشت.

جنگل آمل به خطر افتاد. کمونیست‌های جنگلی، پس از درگیری‌های آبان ماه، بناچار از مقر اصلی خود در مَنگِلَم فاصله گرفته و در پنج گروه مستقل و خودکفا در جنگل‌های منطقه پراکنده شدند. پس از آن نیز نیروهای نظامی با ایجاد پایگاه‌های گشت رزمی در حاشیه جنگل عرصه را بر آنها تنگ نموده، به طوری که ریزش حدود ۱۰۰ نفری از نیروهایشان را در پی داشت (رنجبر، ۱۳۷۳، ۲۹). همین‌طور با وجود چند درگیری ایزدایی در اطراف روستاهای "رزکه" و "محمدآباد"، در ۱۳ دی ماه سال ۱۳۶۰ نیز در عملیات منطقه‌ی لشکرسی، ابتدای سمت چپ جاده جنگلی سنگ درکا، به‌طور کامل یک گروه از آنان، غافلگیر و شکست دیگری بر آنان تحمیل شد. در این درگیری یکی از مهره‌های «کمونیست‌های ایران» به نام «اکبر اصفهان»<sup>۱</sup> با اصابت گلوله‌ی رزمندگان به سر وی، در جا کشته شد و جنازه و اسلحه و مدارک وی به آمل انتقال و تحویل واحد اطلاعات سپاه داده شد. سایر افراد دشمن نیز با دادن چند زخمی مجبور به فرار و ترک موضع خویش شدند. در حالی که نیروهای عمل‌کننده، متشکل از هفت نفر (از پاسداران کمیته و سپاه) به فرماندهی حاج محمد رنجبر سالم به پایگاه‌های خود برگشتند.

دشمن این بار، بیشتر احساس خطر کرد، ناگزیر در زمستان سرد آن سال، به عمق جنگل‌های بالا دست پناه برد. از بین سه گزینه خروج از جنگل شمال و رفتن به تهران، رفتن به جنگل‌های غرب مازندران و گزینه حمله به شهر آمل، راه سوم را برگزیدند. اوایل بهمن ماه بود که، سرانجام تصمیم خود به حمله مجدد (طرح دوم) به شهر آمل را عملی کردند. این بار با امکانات و استعداد کمتر، با حدود نصف نیروهای بجا مانده در جنگل آمل به تعداد ۱۰۰ نفر (محمدی‌فر، ۱۳۹۵، ۵۴)، با تغییر مسیر، از غرب رودخانه (و جنگل) هراز به جنگل شرق آمل آمده و به سمت شهر روانه شدند. حسب اظهارات خودشان سه الی چهار روز با حساسیت و شرایط سخت در راه بودند. شدت سرما و گرسنگی آنها یک طرف، سرگردانی همراه با ریزش شدید نیروها و اختلاف سرکردگان کمونیست‌ها از طرف دیگر، آنها را در جنگل کلافه کرده بود. درماندگی، ناامنی و احساس خطر در کاروان نظامی نیز موج می‌زد. بالاخره ناگزیر ضمن اقامت روز پنجم بهمن (نزدیک به بیست ساعت در دو اتاقک باغی کوچک) در حاشیه روستای «درمه‌کلا» - ابتدای ورودی شهر به ظاهر به استراحت پرداختند (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳).

<sup>۱</sup> در درگیری ۱۸ آبان نیز باقر رودگرمی از فرماندهان پیشقراول کمونیست‌ها با اتفاق یک نفر دیگر کشته شدند.

شبانگاه روز پنجم بهمن بود که شیخون خود را آغاز کرده و وارد شهر شدند. کمونیست‌ها درگیری را با هدف تسخیر اماکن حساس و مهم شهر شروع نمودند. از همان ساعات اولیه درگیری، تدابیر شبانه فرماندهان در آن شب قابل تحسین بود. صبح ششم بهمن ماه، مردم غیور و شهید پرور آمل به کمک نیروهای نظامی شهر آمدند؛ حضور زن و مرد، پیر و جوان، روستایی و شهری با کمک‌هایشان از قبیل امدادرسانی و ایجاد سنگر برای رزمندگان موجب پیروزی زود هنگام آنان بر گروهک محارب شدند. تفنگ چیان کمونیست با جنایات جنگی مرتکب شده، خیلی زود به این حقیقت تلخ پی بردند که مردم همگام و همراهشان نخواهند بود و در تفکر و عمل شکست را پذیرا شدند. دشمن مجدداً با بازمانده‌هایشان - ۱۷ نفر از ۳۴ نفر متواری، به جنگل گریخته و در روستای ییلاقی خالی از سکنه‌ی گزناسرای (نور)، چند روزی را دور از چشم رزمندگان پنهان شدند. این بار نیز با تیزهوشی و فشار مضاعف نیروهای مردمی، سپاه و کمیته، همچنین شناسایی محل استقرار آنان در روستای مذکور (گزناسرا)، تصمیم به خروج از منطقه گرفته و بناچار به جنگل بازگشته و در نواحی غربی آبادی بین راهی «کلرد» پنهان شدند (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۴). گزناسرا و اقدامات تعقیبی آن، کلید رمز اقدامات بعدی اطلاعات عملیات سپاه بود که امید است، روزی فرماندهان بتوانند، جزئیات پنهان آن را برای ملت شریف ایران تبیین نمایند.

این هفده نفر نیروهای محارب در درگیری خرداد ماه ۱۳۶۱ گشت‌های رزمی سپاه در نواحی مَنگُل‌دره (چلیا) در حین استحمام کنار رودخانه‌ی غافلگیر شدند. اما این بار نیز همانند گذشته، با سنگدلی بسیار موجب شهادت سه تن از رزمندگان زخمی شدند (که همانند عملیات ۲۲ آبان، عده‌ای در اثر شرایط و محیط ناآشنای جنگل و بعضاً تاریکی شب از گروه جا مانده بودند، به اسارت درآمده و با شکنجه هولناک کمونیست‌ها به قتل رسیدند). با اعزام نیروهای ویژه در روز بعد و تعقیب‌های مکرر (قبله) رزمندگان اسلام، دشمن بناچار قریب به ۱۰ ماه جنگل را ترک کرد. تا این که دستگیری گسترده آنان در خانه‌های تیمی شهرها در دستور کار نیروهای امنیتی قرار گرفت. با بازگشت مجدد به جنگل شمیم‌کوه، عملیات نهایی سپاه آمل در منطقه بالادست و خالی از سکنه (شمیم‌کوه) کلید خورد. رزمندگان اسلام با دادن شش شهید سرافراز، طی دو عملیات صبح و غروب دوازده اسفند (۱۳۶۱)، حماسه‌ای دیگر را در

رابطه با جریان جنگل شمال رقم زدند (مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه‌ی اسلامی آمل، ۱۴۰۲).<sup>۱</sup>

### اقدامات اطلاعاتی و طراحی عملیات

در سالگرد اولین شکست سنگین‌شان در شبیخون ششم بهمن، دشمن مجدداً با حضور اندک نیروهای باقیمانده تحرکاتی خاص را در منطقه شیم‌کوه تدارک و برنامه‌ریزی نمود. سران کمونیست‌ها با فراخوان نیروهای زبده (بازمانده از سال ۱۳۶۰)، به قصد انتقام، اوایل اسفند ۱۳۶۱ وارد منطقه‌ی سوق الجیشی شیم‌کوه شدند. این بار نیز مقدمات شکست آنها با دستگیری دو نفر از اعضای این گروهک در آبادی بین راهی کلرد - اوایل بهمن ماه رقم خورد (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳). ضمن اینکه اخبار تازه‌ای از تحرکات جدید دشمن در ارتفاعات آبادی بین راهی مَنگِل از طریق گروهی از جوانان شهر در قالب گشت‌های حرفه‌ای و پوششی (لباس گالشی) به فرماندهان طرح جنگل ارائه شد (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل: ۱۴۰۲).

شبکه‌ی گسترده و مردمی اطلاعات جنگل که از تابستان سال ۱۳۶۰ توسط حاج محمد رنجبر با نفوذ و مردم‌داری‌اش پایه‌گذاری شده بود؛ با پشتیبانی حاج علی‌اوسط محمدی عضو شورای مرکزی وقت جهادسازندگی آمل ضمن مشارکت دادن نیروهای قرقبان طرح بهره‌برداری جنگل (جهادسازندگی)، دامداران، ... و نیروهای مردمی در این رابطه موثر بود و به کمک نیروهای اسلام آمد (دبیریان، ۱۴۰۲). گشت‌های ویژه و جاده‌ای مخفی مرکب از افراد نظامی و مردمی که سپاه در محور هراز ایجاد نموده بود، نیز کارآمدی خود را در عمل نشان داد. چند خبر در طول اقامت دو هفته‌ای دشمن در نوع خود، کار اطلاعاتی بی‌نظیری را برای طرح عملیات شیم‌کوه فراهم کرد. علاوه بر دستگیری دو نفر در بهمن ماه ۱۳۶۱، یک خبر مبنی بر حضور مشکوک خودروی آریا و کشف اقلام مورد نیاز و تدارکات سازمان یافته جاده‌ای مهم ارزیابی شد (مرکز اسناد حماسه آمل، ۱۴۰۲).

این تدارکات جاده‌ای برای کمونیست‌های مسلح، در چند نقطه نزدیک شیم‌کوه سبب گردید تا نیروهای طرح جنگل سپاه آمل با مباحث کارشناسی و حساسیت بیشتر، پیگیر این موضوع گردند. پس از آن بود که با شناسایی و رصد تردهای مشکوک و

<sup>۱</sup> در رابطه با نقاط و ضعف قوت رزمندگان اسلام در حماسه جریان جنگل آمل رجوع شود به محمد رنجبر: ف ۶،

رفت و آمدهای شبانه‌ی افراد غیر محلی به دامداری بین راهی پشت منگیل، اطلاعات بیشتری به دست آمد. خبر واصله از سوی دامدار مرتع شمیم کوه (یوسفی و دایی کرم‌علی، ۱۳۶۱) در فاصله‌ی زمانی دو - سه روز قبل از دوازدهم اسفند ۱۳۶۱ مبنی بر حضور افرادی مشکوک و مسلح در محل تلار (گاوسرا) نیز کارساز شد. درگیری لفظی مابین این دامدار غیور و افراد ناشناس مسلح، به دلیل حضور بدون اجازه در ملک (و تلار) شخصی‌اش هم شنیدنی است. این اخبار و اطلاعات سبب شد تا جمعی از فرماندهان سراغ فرمانده قبلی اطلاعات عملیات جنگل که تازه از مسئولیت منفک شده بود، بروند و با او طرح موضوع نمایند.

در این ایام جانباز شهید سردار حاج محمد رنجبر در مرخصی چند روزه‌اش مہیای ماموریت مستشاری برون مرزی بود. ایشان مورد مشورت فرمانده رشید طرح جنگل سپاه آمل - حسن اسماعیلی<sup>۱</sup> - که اخیراً جایگزین شده بود، قرار گرفت. بلافاصله ایشان (حاج محمد) وارد عمل شدند. جلسہ‌ای با سایر فرماندهان وقت سپاه برگزار نموده و دیداری با دامدار مذکور داشتند. به جهت اهمیت موضوع، حاج محمد دو تن از نیروهای رابط مردمی اطلاعات جنگل را صبح روز یازدهم اسفند روانه منطقه نموده تا صحت و سقم حضور دشمن را مشخص نمایند. چرا که احتمال خروج آنها با توجه به شرایط پیش آمده زیاد بود. در شورای فرماندهی سپاه آمل نیز با حضور عوامل مردمی اطلاعات، جلسہ‌ای مبنی بر اقدام سریع و انجام عملیات نظامی علیه آنان تشکیل شد و به بررسی جوانب آن پرداختند. معدود افراد حاضر در جلسہ، حضور نیروهای مسلح در جنگل را مورد تشکیک قرار دادند و حتی مخالفت خود را با انجام عملیات نظامی با ترک جلسہ نشان دادند.

با این وصف، تاکید عوامل اطلاعات عملیات جنگل و شخص حاج محمد با همت بلند، تیزبینی و سعه‌ی صدر همیشگی‌شان موثر بوده و اعضای شورای فرماندهی نیز با

<sup>۱</sup> حسن اسماعیلی متولد سال ۱۳۳۸ روستای چندمرحله آمل شخصیتی ویژه داشت؛ با بصیرت و غیرت دینی، مردم‌داری و همچنین سلحشوری‌اش از او مجاهدی نستوه و فداکار ساخته بود. وی در مقابله با فساد دوران ستم‌شاهی و همچنین در برابر گروهک‌های جبهه کفر و نفاق، از اطرافیان متمایز و برجسته بود؛ به گونه‌ای که بارها تحت تعقیب و تهدید و حتی در معرض ترور قرار گرفت. نامبرده ضمن انصراف از مشاغل نظیر مدیریت یک کارگاه تولیدی تا خدمت در فرمانداری، پذیرش حرفه خبرنگاری صدا و سیما و خدمت در نیروی دریایی، بالاخره لباس مقدس سبز سپاه را برتن کرد و طی چند مرحله آموزش رزمی و تخصصی شرکت داشت. در جنگل رامسر و عملیات محرم در نقش فرماندهی طی دو بار زخمی و پس از آن در سمت فرماندهی طرح جنگل آمل (و فرمانده عملیات شمیم کوه) به اتفاق پنج تن از یارانش به درجه شهادت رسید. روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

توجه به اهمیت موضوع نسبت به انجام سریع عملیات تصمیم‌گیری نمودند. چرا که فرصت مقابله‌ی و شرایط نابودی کامل توان نظامی دشمن فراهم شده بود. پس از مراجعت رابطین اعزامی از شیم‌کوه (عصر آن روز) و کسب خبر از حضور افراد مسلح، بلافاصله شورای فرماندهی با طرح عملیات فوری و ضربتی موافقت کرد. طراحی عملیات شیم‌کوه با آرایش نظامی پیشنهادی «نعل اسبی» مطابق با اصل غافلگیری پی‌ریزی شد. در طرح پیشنهادی عملیات، مقرر گردید که سه گروه از نیروها از مسیر غربی غیرمحمتمل کمونیست‌ها، قبل از روشنایی صبح (سحرگاه) به دشمن حمله نموده و گروه چهارم پشتیبانی نیز با اجرای کمین در مسیر مقابل شرقی و نزدیک جاده هزار از فرار آنان جلوگیری نمایند. اما آنچه گذشت، بنا به دلایلی که در این مقوله نمی‌گنجد، با اعزام گروه چهارم و حضور مستقیم حاج محمد در عملیات، به جهت نیاز به وی برای مأموریت جدیدش موافقت نشد. البته مقرر گردید، در صورت بروز مشکل برای نیروهای عمل‌کننده، ایشان به عنوان گروه پشتیبان وارد عمل شوند. بالاخره صحنه‌ی عملیات شیم‌کوه در صبح به گونه‌ای رقم خورد که پس از کسب اطلاعات میدانی از عملیات در ستاد جنگ، حاج محمد رنجبر حوالی ظهر آن روز به همراهی فرمانده نام‌آشنا حشمت‌اله طاهری و چند رزمنده (گروه پشتیبان) از آمل عازم منطقه شدند (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲).

### عملیات شیم‌کوه (و پشتیبانی)

به نظر می‌رسید که طرح عملیات کاملاً درست و ضروری بود، ولی برخی از اهداف از پیش تعیین شده، به دلیل برخی از نواقص در عملیات میدانی به لحاظ موقعیت زمانی و مکانی نیروهای عمل‌کننده، به طور کامل و مطلوب تحقق نیافت. اگرچه، نتایج این عملیات را امروز بازخوانی می‌کنیم، عملیات موفقی بود، شکست نظامی و تفکر کمونیستی (با دستگیری مداوم سایر عوامل آنها در مناطق مختلف کشور) همراه بود. ولی شهادت شش تن از بهترین نیروهای انقلاب را موجب شد. دشمن نیز برای چندمین بار، اما برای همیشه در جنگل ضربه خورد و از جنگل آمل و شمال کشور به طور کامل خارج شد.

عملیات نظامی ۱۲ اسفند ۱۳۶۱ منطقه شیم‌کوه پس از جلسه توجیهی فرماندهان و رزمندگان در محل سپاه، حوالی ساعت بیست و یک شب یازدهم (از نقطه عزیمت کلرد) آغاز شد. مسیر شمالی نسبتاً طولانی و دور از انتظار جنگل‌های بالادست کلرد با پیاده‌روی آرام شبانه (بدون جلب توجه دشمن) طی شد. نیروهای جوان و پرانگیزه در

سه گروه اعزامی یازده نفره (با فرماندهی و راهنمای مستقل) در صبح دوازدهم وارد منطقه عملیاتی شدند. البته تاخیر چند ساعته به جهت استراحت شبانه در محل تلار بین راهی تسکانو (که برخلاف جزییات طرح عملیات بود) مساله ساز شده، مشکلاتی را ایجاد نمود.

با این وصف، بیداری و هوشیاری دشمن در زمان رسیدن نیروها به منطقه‌ی عملیات و اتفاقات میدانی دیگر شرایط را در ساعات هشت تا هشت و سی دقیقه صبح که آفتاب بالا آمده بود، پیچیده کرد. از آنجایی که تلاش برخی از فرماندهان مبنی بر زنده گیری عوامل دشمن و کسب اطلاعات از آنها بود، فرماندهان شجاع گروه‌های پیشانی حمله (و جناح شمالی) در مواجهه با سه نفر از افراد دشمن که در آن وقت روز، به کندن زمین برای دفن سلاح و تجهیزات خود مشغول و مهیای خروج از جنگل بودند، دچار تشکیک و تردید در شروع عملیات شده، فرصت‌های طلایی به سرعت از دست دادند.

دشمن از صدای مهمه‌ی نیروها در چند قدمی آنها، شکستن چوب زیر پای افراد و یا سایر صداهای موجود (از قبیل پرندگان و حیوانات) هوشیار شده و با توجه به اینکه می‌دانستند محل شان از قبل لو رفته در اقدامی سریع شروع به تیراندازی به سمت نیروهای انقلابی نمودند. در این هنگام دو تن از فرماندهان اصلی و یک نیروی موثر (آرپی جی زن)<sup>۱</sup> یکی پس از دیگری در همان لحظات اولیه به شهادت می‌رسند که این امر موجب بهت و حیرت رزمندگان جوان شده و به سبب تجربه کم در مواجهه با نیروهای ورزیده و چریک‌های آموزش دیده کمونیست، فرصت مقابله را از دست می‌دهند. در طرح عملیات پیش‌بینی شده بود که یک گروه در وسط، نقش اصلی را با شلیک آرپی جی و حمله به تلار (تجمع دشمن) به عهده داشته، دو گروه دیگر نیز نقش محاصره از دو طرف جناحین شمالی و جنوبی تلار شیم کوه را عهده‌دار باشند و در صورت لزوم اقدام به حمله نمایند. مقرر بود که با سلاح آرپی جی در زمان سپیده دم که سکوت همه جا را فرا گرفته، به تلار حمله شود که باعث گیجی و وحشت نیروهای موجود در آن شود که در عمل این چنین نشد. در دسته میانی، آرپی جی زن با وجود دو شلیک به سمت دشمن، خود مورد اصابت گلوله دژخیمان قرار گرفته و بلافاصله به شهادت می‌رسد.

<sup>۱</sup> سه تن از شهدای صبح عملیات شیم کوه، برادران پاسدار حسن اسماعیلی (فرمانده طرح جنگل) و فتح‌الله شکر و عباسعلی فاضلی نام دارند.



به نظر می‌رسد از گروه‌های عمل‌کننده تنها گروه جنوبی توانسته خود را به موقعیت مطلوب مد نظر طرح عملیات برساند چرا که درب تِلار در قسمت جنوبی آن واقع شده و محل فرار نیروهای دشمن (داخل تِلار) نیز بیشتر از همین طریق اتفاق افتاد. درگیری صبح با توجه به اظهارات نیروهای شرکت‌کننده و اعترافات بعدی دشمن حدود نیم ساعت به پایان می‌رسد. از آنجایی که شروع عملیات تقریباً حوالی ساعت هشت صبح اتفاق افتاد، نیروها تا زمان رسیدن گروه پشتیبان (که از طریق بی‌سیم در جریان حادثه قرار گرفته بودند) تقریباً در خلاء فرماندهی واحد به سر می‌بردند (غافل از اینکه در اجرای عملیات ضد چریکی، از بین بردن چریک اصل می‌باشد)، به تجسس کامل و تعقیب نیروهای دشمن پرداختند. پس از حضور نیروهای پشتیبان (قبل از ساعت ۱۳) به فرماندهی جانباز شهید حاج محمد رنجبر و آمدن شهید جانباز حشمت الله طاهری که از نیروهای قدر و سرشناس وقت سپاه منطقه بودند، نیروهای عمل‌کننده روحیه مضاعف گرفته و مجدداً با تأکید این فرماندهان (و مرحوم دایی قربان خیری) سازماندهی شده به تجسس اطراف پرداختند.

در این حین، جنازه‌ی دو تن از افراد دشمن در شیاری از نواحی جنوب شرقی تِلار شیم‌کوه در فاصله‌ای دور از ذهن پیدا شد که موجب خوشحالی رزمندگان گردید. همچنین باعث شکرگزاری فرماندهان همچون شهید طاهری شد. به دلیل شرایط توپوگرافی خاص منطقه درخواسست بالگرد و حمل هوایی شهدا و افراد زخمی و تجهیزات به غنیمت گرفته شده، محقق نشد. زمان به سرعت برای رزمندگان سپری می‌شد چرا که هم خطر کمین دشمن در مسیر برگشت وجود داشت. با توجه به شرایط اقلیمی منطقه در فصل زمستان، تاریکی زود هنگام شب در راه بود، به همین جهت حاج محمد پس از توجیه مجدد نیروها از شرایط پیش رو گروهی را مسئول پاکسازی مسیر انتخاب نموده تا با استفاده از راهنمایان خبره‌ی محلی به ویژه حاج قربان خیری که منطقه را به خوبی کف دست می‌شناختند، آنها را هدایت نموده و تا حوالی جاده هراز، بدون مشکل برسانند. پس از بررسی شرایط و امکان کمین مجدد دشمن که به درگیری میان دو گروه منجر گردید فرماندهان شجاع و چریک‌های نام آشنا برای دوست و دشمن نقش آفرین و ناجی نیروها شدند. حاج محمد با گروهی از رزمندگان بلافاصله با طی برگشت مسیر خود را درست به بالای کمینگاه دشمن رسانده و آنها را مورد هدف حملات خود قرار داد. شهید طاهری نیز در اقدامی سریع نیروهای پیش رو را از دید دشمن دور ساخت. در درگیری غروب ۱۲ اسفند که تا زمان تاریکی هوا ادامه داشت دشمن زمین گیر شده و مجبور به شکست گردید. چرا

که نه راهی برای فرار وجود داشت و نه راهی برای مقاومت؛ البته سه تن از بهترین نیروها نیز در این درگیری به شهادت رسیدند<sup>۱</sup> و برخی هم زخمی شدند. لیکن دشمن نیز با دادن سه کشته و چند زخمی در غروب، شکستی دیگر را پذیرا شد.

با فرا رسیدن شب و احتمال خطر تیراندازی نیروهای خودی به یکدیگر و همچنین خطر سقوط از صخره (در مسیر جاده هراز) حاج محمد در نقش فرمانده کل با مشورت سایر عوامل تاثیرگذار، توقف نیروها در محلی خارج از دید دشمن را صادر نمود. با این شرایط سخت و پیچیده نظامی، شهید طاهری با همت بلندش یک گروه از رزمندگان و تعدادی زخمی را در صحت کامل به جاده رساند. ولی به نیروهای باقیمانده در منطقه سختی مضاعفی وارد شد. چرا که سرمای زمستان بیداد می‌کرد و نیروها شب و روز قبل بسیار خسته و متحمل مصائب سختی شدند. هرچند این نیروها جوان بودند و می‌توانستند گرسنگی و آن شب سرد را تحمل کنند ولی ضرورت حضور گروه چهارم (طرح پیشنهادی) در مسیر برگشت برای کمین به دشمن به صورت ملموس احساس می‌شد با این حال تصمیم به ماندن با توجه به این‌که پیکر شهدا و جنازه دو تن از کمونیست‌ها و تجهیزات به غیمت گرفته (عملیات صبح) نیز همراه بود، سنگینی و شرایط خاصی به نیروها وارد می‌ساخت، این اقدام خردمندانه بود و منجر به کاهش تلفات احتمالی گردید. به هر حال با تمام سختی و رشادت، نیروها صبح روز بعد، از مسیر مالرو مَنگِل به شیم‌کوه خود را بدون مقاومت کمونیست‌ها، در سلامت کامل به جاده رسانده و از این آزمایش الهی نیز سرافرازانه خارج شدند.

کمونیست‌ها نیز در معدود منابع منتشره با طرح سوالی ضمن ارزیابی عوامل شکست خود در خطه‌ی شمال و آمل اعتراف می‌کنند که در اوج محرومیت‌های رژیم ستم‌شاهی در شمال کشور، «شرایط مناسب نبود: در جنگل مردم زیادی ساکن نبودند و تعداد کمی روستا حول و حوش منطقه‌ی جنگلی موجود بود. جنگل از نظر استتار و پوشش نظامی موقعیت استثنایی دارد، اما انبوه درختان هیچ‌گاه نمی‌تواند قلت توده‌ها را جبران کند... و اگر رهسپار راه دور و دراز هستیم، باید به پای‌افزار مناسب بیندیشیم! در غیر این‌صورت به هدف دست پیدا نخواهیم یافت» (حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳، ۱۸۹ تا ۱۹۲). البته، آنها هیچ‌گاه به اهداف‌شان، نه در شهر و نه در روستاهای آمل نیز دست نیافتند. اینها خود نشانه حضور مردم غیور و مسلمان

<sup>۱</sup> شهدای غروب شیم‌کوه بهروز حسین‌زاده، اسفندیار یوسفی و محمدعلی دلاپور نام داشتند، روحشان شاد و پر رهرو باد

ایران در پای انقلاب اسلامی خود است. نتایج و درس‌های آخرین درگیری مسلحانه‌ی ما با رژیم {جمهوری اسلامی} در جنگل‌های آمل این بود که ناصر ریاحی یکی از سرکردگان اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران گفت: «ما از شما شکست نخوردیم، بلکه از اسلام شکست خوردیم» (سیاحی، ۱۳۹۶، ۲۱۰)

چند نکته در مورد شرایط دشمن و آثار و نتایج عملیات شیم‌کوه که در تایید مطالب فوق است:

- ۱- اشتباهات تاکتیکی کمونیست‌ها از جمله ترک پست فرد نگهبان و عدم جایگزینی وی (توجیه غافلگیری)
- ۲- عدم آمادگی مقابله‌ی جمعی دشمن به جهت غافلگیری و مشغولیات خاص افراد مسلح (مهیای فرار از منطقه)
- ۳- اقرار به فرار شتاب‌زده و بدون اطلاع سردسته آنها، و فقدان هرگونه فرماندهی نظامی در جمع کمونیست‌ها (فقدان تمرکز)
- ۴- عدم تجدید نظر در استراتژی سازمانی به جهت (عدم) عبرت‌گیری از شکست‌های پیاپی قبلی (شکست در استراتژی)
- ۵- تلفات جانی و روانی بیش از دو- سوم از نیروهای دشمن، حداقل پنج کشته و دو زخمی + دستگیری دو تن قبل آن (شکست نظامی)
- ۶- دستگیری افراد باقیمانده و احیاناً فرار معدود عوامل به خارج از کشور (پناهنده به غرب- شکست و اضمحلال تفکر کمونیستی در ایران)
- ۷- درس عبرتی برای همه گروهک‌های طیف منافق، معاند و محارب خواهد بود، تا دست از پا خطا نکنند (بازدارنگی)

آنچه که پس از انجام عملیات شیم‌کوه در سطح منطقه گذشت نیاز به بررسی بیشتر و تحلیل جداگانه دارد. با توجه به اتفاقات رقم خورده، حرف و حدیث‌های زیادی به وجود آمد. اما آنچه مهم است این‌که دشمنان را خوب بشناسیم، و نتایج پربار آن دوران را امروز با تحولات سریع جهانی، نظام دو قطبی به تک قطبی و چند قطبی، با هم تحلیل کنیم. می‌دانیم از دهه شصت، الگوی مقاومت در بین سایر ملل از طریق جبهه مقاومت فراگیر شد. در واقع این پیروزی‌های عظیم، با اعلام شکست دشمنان در اعترافات و اسناد اتحادیه‌ی کمونیست‌ها و حزب توده و غیره، به ویژه پایمردی مردم غیور و شریف آمل، همچنین حماسه‌ی رزمندگان (قبل و بعد ششم بهمن سال ۱۳۶۰) در جبهه شمالی سرآغاز راه جدیدی شد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درگیری‌های صبح و غروب شیم کوه رزمندگان اسلام با اتحادیه کمونیست‌ها منجر به شکست کامل دشمن شده و همچنین به عنوان عاملی مهم در جلب توجه مقامات امنیتی، به دستگیری سریع سایر عناصر بازمانده‌ی آنان در سطح کشور شدت بخشید. این عملیات به عنوان یک واکنش سریع و به موقع از سوی نیروهای نظامی وقت بر حسب وظیفه جلب توجه می‌نماید که متاسفانه در این چند دهه گذشته به جهت برخی حواشی قبل و بعد این عملیات سبب شد، در محافل علمی و نظامی کمتر به آن پرداخته شود.

به نظر می‌رسد که طرح عملیات با توجه به شرایط بحرانی و امکانات آن وقت، کاملاً درست و ضروری بود، ولی با صرف‌نظر از برخی نواقص در اجراء، به جهت موقعیت زمانی و مکانی در مجموع می‌توان گفت: عملیات شیم کوه از معدود عملیات جنگل بود که توسط فرماندهان سپاه آمل برنامه‌ریزی، هدایت و اجرا شد. انجام این عملیات هرچند که با شهادت شش تن از بهترین نیروهای طرح جنگل سپاه آمل همراه بود، لکن پایانی بر حضور دشمن و ختم ادعای پرچم‌داری غائله‌ی تجزیه شمال و فتنه‌های سربزیران موسوم به «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در جنگل‌های آمل بود.

افراد مسلحی که با پشتوانه‌ی سیاسی دیرین خارج کشور و تشکیلاتی مرموز از نیمه‌ی دوم تابستان سال ۱۳۶۰ (همهانگ با عوامل استکبار جهانی شرق و غرب) به قصد تصرف شمال کشور به جنگل‌های آمل وارد شدند. در ۱۲ اسفند ۱۳۶۱ در یک عملیات ضربتی با حضور مقتدرانه‌ی ان پاسداران و نیروهای مردمی در منطقه‌ی جنگلی بالادست به بلندپروازی‌ها و نقشه‌های آنان در شمال کشور پایان داده شد و انهدام آنان به شکلی که در این نوشتار به اجمال آمده، با اقتدار شکل گرفت و حماسه‌ای دیگر را در جریان جنگل شمال رقم زد.

اکنون که پس از سال‌ها گذشت از دوران و حماسه‌سازی دلیر مردان، ضرورت تبیین و واکاوی این واقعه مهم، مورد نظر نویسندگان این مقاله قرار گرفته است، این اثر می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا با استفاده از مفاهیم علمی و فناوری‌های جدید و دکتترین نظامی، به ویژه در مقابله با جنگ‌های عقیدتی، روانی-ترکیبی، جنگ‌های تجزیه‌طلبانه با حفظ آمادگی قبلی (پدافند غیرعامل) از طریق نبردهای نامتقارن مناطق جنگلی و کوهستانی به نقاط قوت و ضعف این عملیات‌ها بر محور یک دفاع مقدس در جبهه شمالی و به‌طور همه‌جانبه به آن پرداخته شود. همین‌طور در یاری رساندن به حافظه تاریخی ملت همیشه در صحنه و فرهنگ‌سازی، گام موثری برداریم.

گفتنی است، حدود نیمی از تلفات نیروهای ورزیده و آموزش دیده دشمن در هشت یا نه عملیات (و درگیری‌های) نامتقارن جنگل آمل فقط مربوط به شیم‌کوه است. دیگر این‌که در جمع نیروهای طرح جنگل سپاه آمل، معدود نیروهای رسمی سپاه در عملیات صبح و غروب شیم‌کوه حضور داشتند؛ همین‌طور با وجود برخی کاستی‌های آن مقطع زمانی به جهت سن و تجربه پایین نیروهای عمل‌کننده درگیری‌های شیم‌کوه (هم‌چون کوهی پرصلابت) با ایثاری که داشتند، خوش درخشیدند. جریان جنگل و حماسه‌ی عظیم مردمی در شهرستان هزار سنگر آمل، با آبدیدگی رزمندگان جوان (سپاه پاسداران) همراه شد و نقش آن در دوران تثبیت انقلاب و پایداری نهال نوپای جمهوری اسلامی (شرایط سخت و استثنایی) اقدامی نفس‌گیر ولی ارزشمند تلقی می‌شود. برحسب برخی شواهد و اطلاعات موجود ولی پراکنده می‌توان گفت: اغلب مردم فداکار آمل و نیروهای رزمنده، در پایه‌گذاری و تقویت الگوی جبهه‌ی مقاومت حماسه‌ی سال ۱۳۶۰ و بعد آن (در بین سایر ملت‌ها) نقش داشته‌اند که امید است دیگران روی این موضوع مهم بررسی علمی و تاریخی نمایند.

با این‌وصف در برخی محافل مسئول و غیرمسئول، توسط افراد آگاه و نا آگاه مغرض و غیر مغرض یا حاضر در صحنه و غیر آن، طرح برخی حواشی‌ها در این عملیات کم نبود؛ از قبیل این‌که، چرا می‌بایست این‌گونه عمل می‌شد و یا چرا این تعداد شهید تقدیم انقلاب شد و یا این‌که آیا نمی‌توانستم بهتر عمل کنم یا نه؟ باید گفت:

اولاً- با توجه به امکانات و جایگاه نیروهای اطلاعاتی و شیوه‌های جنگ عقیدتی- نظامی و ضد چریکی آن زمان، ضرورت تصمیم و اجرای فوری عملیات درست بوده چرا که اگر دیرتر عمل می‌شد، مهاجمان مسلح ترک موضع نموده و معلوم نبود کی، کجا؟ و با چه نوع حرکتی علیه مردم انقلابی و نهال نوپای جمهوری اسلامی انجام می‌دادند که در آن صورت تبعات و آثار آن در کنترل نظام نبوده و در موضع انفعال قرار می‌گرفتیم.

ثانیاً- عملیات شیم‌کوه در آن زمان جزء معدود عملیات از نوع واکنش سریع بود. این عملیات، امروزه با معیار سنجش جنگ‌های نامتقارن ارزیابی می‌گردد که شکست عقیدتی نظامی یک تفکر خطرناک الحادی و جهانی با کم‌ترین تجربه (جنگ نامتقارن و ضد چریکی) و امکانات زمان جنگ و اوج تحریم‌های آن زمان با اراده پولادین فراهم کرد. عناصر اصلی این گروهک به‌طور صریح و آشکارا به شکست خود اذعان نموده و اظهار عجز و پشیمانی نموده‌اند؛ آنان خیال‌پردازانه عمل کردند. محتویات یک اثر منتشره از فراریان پنهانده به دامن نظام سرمایه‌داری غرب نیز گویای این موضوع

است. تناقضات ذهنی و رفتاری حزب کمونیست ایران در آلمان نیز در رابطه با جریان ضدانقلابی واقعه سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ آمل قابل بررسی و پیگیری حقوقی است. البته آنان هیچ‌گاه خود را مقابل مردم مظلوم و مستضعف منطقه و عدم همراهی با خودشان تصور نمی‌کرده‌اند.

ثالثاً- شجاعت، ایثار و تیزهوشی فرماندهان و رزمندگان اسلام در مقابله با آنها موجب گردید تا آنها از نظر نظامی هم به هیچ موفقیتی دست نیابند. ضمن اینکه تعداد تلفات آنان در این عملیات، در مقایسه با سایر درگیری‌های جنگل آمل بیشتر بوده و با احتساب دو فرد دستگیرشده در بهمن ماه ۱۳۶۱ دور از تصورات نیروهای ورزیده دشمن بود.

در پایان پیشنهاد می‌گردد که جنبه‌های نظامی این عملیات مورد تحلیل و بررسی محافل نظامی قرار گیرد. همچنین اطلس جامعی از کل شرایط منطقه (جنگل و شهر آمل) همراه با مجموع اقدامات و عملیات پیچیده چریکی و ضد چریکی به همراه معرفی نیروها و چهره‌های تاثیرگذار تهیه گردد تا بدین وسیله بتوان امکان آموزش این تجارب ذیقیمت در جنگ‌های نامتقارن را بیش از پیش به صورت علمی فراهم کرد. البته تهیه فیلم و سریال از وقایع آن دوران و شناسایی به نسل‌های آینده، امری ضروری است؛ عملیات محدود یک یا دو روزه در منطقه‌ی سوق‌الجیشی و بسیار زیبای شمیم‌کوه این قابلیت را (به همراه سرانجام رساندن طرح کاروان راهیان جنگل) دارد.

### فهرست منابع:

- حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳)، پرنده نوپرواز، چاپ آلمان - چاپ اول
- رنجبر، محمد (۱۳۷۳)، بررسی و تحقیقی پیرامون وقایع ششم بهمن (۱۳۶۰)، دافوس نامه دوره عالی دانشکده فرماندهی و ستاد، سپاه پاسداران ا.ا.، تهران
- زندی، محمد علی (۱۳۹۳)، «تحدیه‌ی کمونیست‌های ایران»، سایت پژوهه (بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی - پژوهشکده باقرالعلوم (ع))
- سیاحی، اسماعیل (۱۳۹۶)، نماز باور، ص ۲۱۰، ساری، سرو سرخ
- سپاه منطقه استان‌های شمالی (۱۳۶۱)، حماسه آمل، فصل اول (عملکرد کمونیست‌های ایران)؛ ساری، بهمن ۱۳۶۱،
- خانی، مهدی (۱۳۹۹)، روای انقلاب سوم، صص ۴ تا ۷، انتشارات نخبگان، تهران
- مرکز اسناد ستاد حماسه آمل (گزارش‌ها و پرونده‌ی شهید- صوتی و متنی، فیلم و عکس) شامل:
- دبیریان، علی اصغر و دیگران (۱۴۰۲)، مجموعه مصاحبه‌های زندگینامه‌ی شهید علی اوسط محمدی، (بخش نقش جهاد در حماسه آمل)
- مجموعه اسناد و یادداشتهای مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه آمل - روایت فرماندهان پیرامون عملیات شیم کوه
- گزارش شیم کوه/ پایان عملیات جنگل آمل (اسفند ۱۳۶۱)؛ حماسه‌ی اسلامی مردم آمل/ شکست تفکر کمونیستی، ۱۴۰۲
- گزارش‌های مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه آمل، روایات صوتی و متنی از حاج محمد رنجبر و رابطین جنگل: حاج قربان خیری، دایی کرم علی و دیگران
- دبیریان، علی اصغر و دیگران (۱۴۰۲)، زندگینامه‌ی در دست تدوین شهید علی اوسط محمدی، فصل سوم (نقش جهاد در حماسه آمل)
- محمدی فر؛ مهدی (۱۳۹۵)، جبهه‌ی شمالی (در رابطه ساختار و تشکیلات گروهک اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران)، ساری، سرو سرخ
- کردی، علی (۱۳۹۱)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل (فصل اول)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، تهران





## نقش مردم‌سالاری دینی در واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل

زینب سلطانی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از جریان‌های چپ که بعد از خرداد ۱۳۶۰ با شعار طرفداری از بنی‌صدر و هوادارانش و به سودای خام براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دست به اسلحه برد، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که نام تاریخی سرداران را نیز غصب کرده و بر خود نهاده بود، که واقعه خونین آمل در ۶ بهمن ۱۳۶۰ را رقم زد. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش مردم‌سالاری دینی در پیروزی مردم آمل در واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ این شهر می‌باشد. روش پژوهش و اساس نگارش این مقاله کتابخانه‌ای است و از منابع آرشیویی و میدانی نیز برای غنای هر چه بیشتر اثر بهره گرفته شده است. در روز ششم بهمن ۱۳۶۰ اتحادیه کمونیست‌های ایران که با اتخاذ مشی مائوئیستی، از طریق فتح شهرها برای شکست حکومت، عملیات خود را از شهرستان آمل آغاز کرده بود که این اقدام آنها با شجاعت، هوشیاری و درایت تمام و کمال مردم آمل که برآمده از مبانی نظام مردم‌سالاری دینی بوده است، به شکست و زوال آن گروه انجامید. بر این اساس مردم آمل از طریق نظام مردم‌سالاری دینی که بر قدرت و پشتوانه مردمی و دینی استوار است، توانستند با واکنش فوری بر ماجراجویی عجیب اتحادیه کمونیست‌های ایران در روز ششم بهمن سال ۱۳۶۰ غلبه کنند.

**کلیدواژه‌ها:** واقعه ششم بهمن آمل، مردم‌سالاری دینی، اتحادیه کمونیست‌های ایران، مائوئیستی

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل: z\_soltani60@yahoo.com

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، ایران اسلامی وارد برهه‌ای بسیار حساس و پرتنش از تاریخ خود گردید. گروه‌های سیاسی که قصد سهم‌خواهی از قدرت داشتند با سوء استفاده از آزادی سیاسی و اجتماعی بی‌ضابطه‌ای که پس از انقلاب برقرار شده بود، هر روز در گوشه و کنار کشور و در شهرهای بزرگ حادثه‌ای می‌آفریدند. در این روند که تا حدودی ناشی از فضای اول انقلاب و شاید اجتناب‌ناپذیر بود گروه‌های سیاسی از طیف‌های گوناگون با گرایش‌های مختلف نظیر کمونیست‌ها و لیبرال‌ها از چریک‌های فدایی و مجاهدین خلق گرفته تا حزب توده و احزاب تشکیل‌دهنده جبهه ملی و حتی نهضت آزادی ایران، سعی داشتند سهمی از قدرت را به خود اختصاص دهند. هر یک از این گروه‌ها ادعا می‌کردند که در سقوط حکومت پهلوی نقش اصلی و اساسی داشته‌اند. این مسأله در ماه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب باعث بروز مشکلات شدید داخلی آشفتگی و هرج و مرج در کشور شد. صف‌بندی‌های عناصر انقلابی و ضدانقلاب با عزل بنی‌صدر توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید آن از سوی رهبر انقلاب کاملاً آشکار شد. بنی‌صدر، مجاهدین و برخی گروه‌های چپ و نیز لیبرال‌های باقی‌مانده از جبهه ملی در حالی که حمایت افکار عمومی را کاملاً از دست داده بودند در برابر انقلاب ایستادند و با قیام مسلحانه خود کشور را که در حال جنگ با متجاوزین عراقی بود با معضل امنیتی در داخل مواجه ساختند. اگرچه تا قبل از خرداد ۱۳۶۰ کشور دستخوش توطئه‌های گوناگون از جمله ترور و بمب‌گذاری از سوی گروه‌ها و گروهک‌ها بود اما این گروه‌ها بعد از خرداد ۱۳۶۰ حرکت‌های مسلحانه خود را علنی کردند و شدت بخشیدند. در حقیقت برکناری بنی‌صدر، سبب ناامیدی طیف ضدانقلاب و در نتیجه آغازی برای اقدامات مسلحانه و بروز شورش‌های وسیع و همه‌جانبه گروه‌های معارض و معاند انقلاب اسلامی علیه نظام اسلامی شد. یکی از این جریان‌های چپ که بعد از خرداد ۱۳۶۰ با شعار طرفداری از بنی‌صدر و هوادارانش و به سودای خام براندازی نظام جمهوری اسلامی دست به اسلحه برد «اتحادیه کمونیست‌های ایران» بود که واقعه خونین آمل در ۶ بهمن ۱۳۶۰ را رقم زد گروه‌های چپ در شهرها و جنگل‌های سه استان شمالی کشور عملیات‌های تروریستی و بمب‌گذاری را شدت بخشیدند. آمل با توجه به موقعیت جغرافیایی نزدیک بودن به مرز اتحاد جماهیر شوروی و برخورداری از مخفی‌گاه‌های به ظاهر مناسب به دلیل جنگل‌های انبوه و بافت روستایی گسترده در بین شهرهای مازندران از جمله شهرهایی بود که در دسترس تعرضات گروهک‌ها و مورد حمله سنگین عملیات‌های

تروریستی قرار گرفته بود کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و بسیج که در آن ایام عمده مأموریت بخش وسیعی از اعضای آنها حضور در مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور و شرکت در دفاع مقدس بود، نمی‌توانستند چندان که باید در سال ۱۳۶۰ بدون یاری و کمک همه جانبه مردم سد راه فعالیت‌های گروهک‌ها شوند.

در مجموع در این قسمت از ای مقاله باید به این نکته بسیار مهم و حیاتی اشاره کرد که، بر خلاف تصور اذهان عمومی از واقعه‌ی حماسه مردمی آمل در بهمن سال ۱۳۶۰، موضوع مقابله‌ی با گروهک معاند و محارب «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در روز ششم بهمن، باید گفت که این جریان نزدیک به بیست ماه قبل و بعد آن ما بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ به طول انجامید. مردم فداکار و نیروهای جان بر کف انقلاب اسلامی در این مدت با تقدیم بیش از ۶۷ نفر شهید و ده‌ها جانباز نقش‌آفرینان اصلی حماسه بزرگ ششم بهمن سال ۱۳۶۰ بوده‌اند.

این بررسی دارای چهار بخش اصلی است که شامل؛ ۱- ویژگی‌های انتخاب جنگل آمل، ۲- بحث نظری، ۳- بحث اصلی و ۴- نتیجه‌گیری می‌باشد. همچنین این بررسی و نوشتار در دو بخش اصلی بحث نظری و بحث اصلی دارای دو بخش فرعی است که در بحث نظری به نقش مردم‌سالاری می‌پردازد و در بحث اصلی به مردم‌سالاری دینی و مشارکت مردمی می‌پردازد. در پایان از حسن همکاری مجموعه‌ی ستاد مردمی حماسه اسلامی شهرستان هزار سنگر آمل کمال تشکر و قدردانی را دارد.

### ۱- ویژگی‌های انتخاب جنگل آمل

ابتدا با ویژگی‌های جنگل و دلایل انتخاب منطقه آشنا می‌شویم. آمل از جمله شهرهای تاریخی مهم و از گذشته‌ی دور پایگاه علمای جهان اسلام و مبارزات مردمی بوده است. موقعیت جغرافیایی آمل در میانه‌ی خطه‌ی سرسبز شمال در مجاورت تهران با برخورداری از ارتباطات سریع جاده‌ای و پوششی به اقصی نقاط کشور برایشان اهمیت فراوان داشت. حضور و فعالیت گسترده‌ی گروهک‌های الحادی و التقاطی در منطقه شمال از گذشته نیز مزید بر علت بود. برخورداری از حدود دو میلیون هکتار اراضی جنگلی و همچنین بیلاقی به هم پیوسته محدود به تهران و مناطق ساحلی و مرزهای آبی و خشکی (خارجی) و غیره برای پیشبرد اهدافشان در آمل مناسب بود. اهم ویژگی‌های جنگل شمال برای جنگ‌های چریکی و پارتیزانی به شرح ذیل است:

۱- اختفاء و پوشش ایده‌آل.

- ۲- محدودیت دید و تیر.
  - ۳- اجرای عملیات نامنظم (حمله، کمین، دستبرد و فریب).
  - ۴- دسترسی به مواد غذایی و آب (خودکفایی).
  - ۵- شدت بخشیدن به اصل تحرک مطلق.
  - ۶- محدودیت کارایی سلاح‌های سنگین و یگان‌های زرهی و مکانیزه و ادوات.
  - ۷- ارتباط کوهستانی در منطقه شمال با سایر نقاط کشور.
  - ۸- وجود راه‌های نفوذ متعدد در دل جنگل منطقه.
  - ۹- دسترسی به محورهای مهم مواصلاتی شمال کشور.
  - ۱۰- وجود آبادی بین راهی و روستاهای فصلی بیلاقی جنگلی و حاشیه جنگل.
  - ۱۱- وجود گاوسراها و تالارهای بسیار زیاد و خالی از سکنه در برخی فصول سال.
  - ۱۲- انبوه بودن و امن بودن اغلب نواحی و مناطق جنگلی.
  - ۱۳- هم جواری و اتصال جنگل به شهرهای بزرگ استان.
  - ۱۴- همسایگی استان مازندران با تهران و کشورهای همسایه شمالی.
- سایر دلایل گروه‌ها جهت انتخاب منطقه‌ی شمال کشور:
- ۱- تجزیه قوای ج.ا. ایران در مقابله‌ی با بحران کردستان و جنگ تحمیلی (ایجاد جبهه سوم).
  - ۲- رهایی از خطر فروپاشی و انهدام و در امان ماندن از خطرات موجود در شهرها.
  - ۳- ایجاد منطقه‌ی پشتیبانی امن و عملیات جنگ و گریز در شهرهای شمال کشور و تهران (با کشف حدود ۸۲۲ خانه تیمی در مازندران).
  - ۴- بازسازی و افزایش مهارت‌های سازمانی و فردی.
  - ۵- تبعیت از تئوری رهبران جنگ‌های چریکی و پارتیزانی دنیا به عنوان الگو.
  - ۶- ارزیابی غلط نسبت به شناخت از مردم منطقه مبنی بر حمایت همه جانبه.
  - ۷- ویژگی و شرایط خاص جنگل از نظر شرایط جوی و آب و هوای مناسب.
  - ۸- ویژگی‌های خاص جنگل از نظر جنگ چریکی و پارتیزانی.
  - ۹- جذب نیرو و پایه‌گذاری تشکیلات شهری و پشتیبانی از آنها.
  - ۱۰- استفاده از روستاها در جنگل جهت تأمین امکانات و پشتیبانی.
  - ۱۱- رویای تصرف گیلان پس از مازندران و گلستان و تشکیل یک حکومت مستقل در حاشیه شمالی فلات ایران.

۱۲- دسترسی به دریای خزر و ارتباط با اتحاد جماهیر سوسیالیستی «شوروی» به امید امکان دریافت کمک‌های فکری، نظامی، تسهیلاتی و ... بر اساس وعده‌های دیرینه کمونیست‌های ماورای مرز.

۱۳- وجود یک ذهنیت ناصحیح از گذشته دور- تبلیغات سوء مغرضین از استان‌های شمالی.

۱۴- سابقه فعالیت حزب توده و ادامه هواداری ظاهری بعضی از افراد منطقه و تجربه جنگ ترکمن صحرا.

به طور کلی گروهک‌های ضدانقلاب در تجزیه و تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیده بودند که در جهت حفظ و بقا و تداوم مبارزات خویش به جنگ‌های شمال پناه برده و از آنجا اقدامات خصمانه خود علیه انقلاب اسلامی را ادامه دهند تا حرکت خود را مبنای مشی مسلحانه از طریق ضربه زدن به مراکز حساس و مهم و حمله به واحدهای کوچک نظامی، انتظامی و پایگاه‌های مقاومت آغاز، تا بدین وسیله ضمن تضعیف نظام با برنامه‌های تبلیغی سوء خود، مردم را در درازمدت جذب و با خود هماهنگ و در راستای اهدافشان به کارگیری و بهره‌برداری نمایند. اغلب افراد این گروه‌ها تجربه‌ی جنگ در کردستان را داشته و از ورزیدگی کامل برخوردار بودند. همین طور برخی در چین، کوبا، ویتنام، لبنان و فلسطین آموزش نظامی دیده و برای جنگ‌های چریکی و پارتیزانی منطقه‌ی شمال آماده بودند.

## ۲- بحث نظری: مردم‌سالاری

در حوادث پس از خرداد ۶۰، مردم فعال‌ترین نقش را در حفظ امنیت و برخورد با ضدانقلاب به عهده گرفتند که در این بین نقش مردم آمل در مقابله با گروهک ضدانقلاب موسوم به اتحادیه کمونیست‌های ایران و ایجاد حماسه ۶ بهمن ۱۳۶۰ را می‌توان مثال زد. اتحادیه کمونیست‌های ایران با یک برآورد خام از وضعیت امنیتی در منطقه آمل، اعضای خود را به جنگل برد تا ضمن حفظ توانایی‌های فردی و عملیاتی خود، هر چه سریع‌تر دست به اقدامات نظامی از پیش طراحی شده بزنند، اما نتوانستند در میدان نبرد با مردم شهیدپرور آمل پیروز گردند و شکست خوردند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶). یکی از عوامل بسیار مهم در پیروزی مردم آمل در واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ مردم‌سالاری دینی بوده است که تاکنون پژوهشگران به آن توجه چندانی نکرده‌اند.

سیر تحول مردم‌سالاری به مثابه میراثی، تاریخی از گونه‌ای کلاسیک به مفهوم مدرن آن بیانگر تکامل و ظهور مدل‌های نوینی مطابق فرایند شرایط و تحول در جوامع غربی است. از این لحاظ مردم‌سالاری بر اساس مؤلفه‌ها و آموزه‌های امروزی آن، بر اساس مفهومی مدرن به شمار می‌رود که طی یک صد سال گذشته فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته است. برنارد کریک در کتاب دفاع از سیاست، از مردم‌سالاری به عنوان بی‌فایده‌ترین مقوله سیاسی یاد کرده است (هیوود، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

مردم‌سالاری در گذار خود مفاهیم متعددی را برتابیده است. در نگاه نخست، شاید پرداختن به موضوعاتی همچون مردم‌سالاری و جهانی شدن تکراری و بیهوده به نظر برسد؛ زیرا که واژه مردم‌سالاری در دانش مشترک همه ما جایگاه و معنای روشنی دارد، اما این تفاوت مفهومی به قدری قابل سوء استفاده است که حضرت امام خمینی (ره) به کارتر تذکر می‌دهند، اگر مردم نمی‌توانند آزادی او را تحمل کنند این در واقع آزادی نیست و مردم متوجه فرق آزادی و ترقی هستند (امام خمینی ۱۳۵۷: ۲/۱۹۴).

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی «جمهوری اسلامی» را به عنوان نوع نظام سیاسی کشور و رویکرد اصلی انقلاب اسلامی پیشنهاد دادند. این رویکرد در عمل مقابله‌ای سنگین با جهان ستمگر غرب بوده و خواهد بود. سپس در سال ۱۳۷۷، رهبر معظم انقلاب اسلامی مردم‌سالاری دینی را به عنوان رویکرد مشخص جمهوری اسلامی مطرح کردند حضرت آیت‌اله خامنه‌ای (۱۳۷۷). ایشان به صراحت فرمودند: جمهوری؛ یعنی مردم‌سالاری اسلامی؛ یعنی دینی (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۰). حضرت آیت‌اله خامنه‌ای در سال‌های بعد نیز مسأله مردم‌سالاری دینی را مورد توجه قرار داده و بیان داشتند که این اندیشه سیاسی نو متکی به فلسفه درست متکی به زمینه‌های فکری و اعتقادی مستحکم و از لحاظ عملی قابل اجرا و پیش رونده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۷) و نیز بر این امر تأکید دارند که مردم‌سالاری ما از دل اسلام جوشید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

در مجموع مردم‌سالاری دینی برداشتی نوین از دین مبین اسلام است که بر جنبه‌های سیاسی اسلام به عنوان دینی کامل و جامع پرداخته است و بر نقش مردم در امور سیاسی جامعه دینی تأکید دارد و دلالت بر مرجعیت سیاسی و اجتماعی اسلام دارد از طرفی تنها مدل حکومتی است که در آن مشروعیت دینی و مشروعیت سیاسی با هم جمع شده است. بر این اساس مردم‌سالاری دینی نقشی مهم و اساسی در حماسه ششم بهمن شهر آمل در سال ۱۳۶۰ داشته است اما تاکنون هیچ پژوهشی به نقش بسیار مهم مردم‌سالاری دینی در حماسه ششم بهمن مردم آمل در سال ۱۳۶۰

نپرداخته است، بنابراین این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع آرشیویی و میدانی، با هدف بررسی نقش مردم‌سالاری دینی در پیروزی مردم آمل در واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ این شهر انجام شده است.

### ۳- بحث اصلی

در روز ۵ بهمن ۱۳۶۰ اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران با نام تاریخی سربداران از مسیر ورودی آمل از طریق جاده هراز، با نام «سربداران جنگل در پوشش لباس‌های نظامی مرسوم سپاه و تحت عنوان عملیات «اسب تروا» وارد شهر شده و حمله خود را آغاز کردند. آنان پس از ورود به شهر ابتدا در خانه محمدرضا سپرغمی تجمع نمودند و ساعت ۸ شب نیروهای عملیاتی خود را با وسیله نقلیه به مراکز مهم و حساس شهر منتقل و چند نقطه حساس شهر را محاصره کردند. برنامه اعضای اتحادیه برای حمله به شهر، تسخیر سه نهاد مهم یعنی ساختمان بسیج که ضمن مستحکم بودن در جایگاه مناسبی از حیث عملیاتی نیز قرار داشت، فرمانداری و سپاه بود. سربداران بعد از ورود به شهر به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول وارد شهر شده به گشت‌زنی پرداختند و هر کس را که به اصطلاح حزب‌اللهی و پاسدار تشخیص می‌دادند ترور می‌کردند. سپس به ساختمان بسیج به عنوان اولین و استراتژیکی‌ترین نقطه شهر حمله کردند. مردم آمل با صدای تیراندازی به خیابان‌ها آمده و آماده مقابله شدند. نیروهای شورشگر با سازمان‌دهی و استقرار تیم‌های عملیاتی قرار بود ضمن تصرف این اماکن و دادستانی انقلاب اسلامی و سپس با انهدام پل شرقی- غربی شهر امکان کمکرسانی به شهر را قطع نمایند. گروه شورش‌گر در ساعت ۲۳ شب ۵ بهمن سال ۱۳۶۰ با رعایت اصل غافلگیری عملیات خود را آغاز کردند و در کمتر از سه ساعت چهار هدف از پیش تعیین شده اتحادیه محاصره شد. بنا بر دستور فرماندهی منطقه ۳ سپاه مستقر در چالوس، قرار شد هر رده تا صبح در ساختمان خود مقاومت کند و نیروها تا طلوع صبح و اعزام نیروی کمکی از مقر خود خارج نشوند. درگیری میان نیروهای اتحادیه و نیروهای سپاه و بسیج تا صبح روز ۶ بهمن ادامه داشت. این در حالی بود که تعداد نفرات در ساختمان بسیج از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد یکی از اعضای این گروه بعدها در بازجویی اعتراف کرده بود که شدت تیراندازی از پنجره‌های ساختمان بسیج در شب حماسه ششم بهمن آمل آن قدر زیاد بود که آنها نتوانستند آنجا را تصرف کنند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۶)؛ مسأله‌ای که علامه حسن حسن‌زاده آملی آن را بعنوان نقش مردم‌سالاری دینی در ایجاد حماسه ششم بهمن شهر آمل در سال

۱۳۶۰ در نظر گرفته و آن را مصداق آیه ۹ سوره مبارکه انفال «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُّمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» تعبیر کردند. با توجه به اتفاقات بسیار مهم در حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ مردم شریف آمل و شکست تاریخی گروه سربداران از مردم آمل، نقش مردم‌سالاری دینی در این پیروزی شرافتمندانه و تاریخی موج می‌زند، بر این اساس جمهوری اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ مردم‌سالاری دینی و سرآغاز فصلی جدید در تاریخ جامعه انسانی است. (امینی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و دارای جهان‌بینی خاص خود که از مکتب اسلام سرچشمه گرفته است، نه تنها در بُعد ملی احیاگر برنامه‌ها و نظریات خاص اسلام برای حکومت و دولت‌مداری است بلکه در بُعد جهانی نیز با توجه به جهان شمولی مکتب اسلام افکار و نظریاتی خاص دارد و ارائه دهنده نظام جهانی ویژه خود است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۲۳).

این انقلاب ایدئولوژی انقلابی جدیدی را که شامل نقاط مثبت سایر ایدئولوژی‌های انقلابی معاصر نیز بود - یعنی مفاهیم استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را - در چارچوب حکومت دینی در دنیای مادی‌گری معاصر مطرح کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۱۹۵). انقلاب اسلامی عکس‌عملی در مقابل فرهنگ و ایدئولوژی‌های غربی و پیروی محض و کورکورانه از غرب بوده است که در شعارهای خود جمهوری اسلامی را عنوان کرد و مهر فرهنگ «اسلام» را به انقلاب زد و آن را اسلامی کرد میشل فوکو در مورد انقلاب اسلامی معتقد است که در آن نفس مذهبی و مردم‌سالاری دینی دمیده شده است (اخترشهر و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۵).

### ۱-۳- مردم‌سالاری دینی و مشارکت مردمی

در زمینه نقش مردم آمل در خلق حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ می‌توان به نقش یکی از اصلی‌ترین مولفه مردم‌سالاری دینی یعنی «مشارکت مردمی» در پیروزی مردم آمل اشاره کرد. مشارکت مردمی به عنوان دومین مؤلفه مردم‌سالاری است. این مؤلفه که ناظر به ساحت تصمیم‌سازی است در کنار یکی از مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی یعنی اقتدار جمعی که ناظر به ساحت نظام‌سازی است، قرار می‌گیرد و باعث خلق حماسه‌هایی همچون حماسه ششم بهمن شهر آمل در سال ۱۳۶۰ می‌شوند. مشارکت مردمی به عنوان مؤلفه‌ای بسیار حیاتی در مردم‌سالاری دینی در سطوح مختلف در جامعه بعد از انقلاب اسلامی ایران قابل مشاهده است. مقصود از مشارکت مردمی در واقع مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم است که به شیوه‌های مختلف (میراحمدی، ۱۳۸۸، ۶۰) از جمله خلق حماسه بزرگ ششم بهمن شهر آمل قابل



تحقق و مشاهده می‌باشد. در قرآن کریم واژه شورا دو مرتبه در وجه سیاسی - اجتماعی به کار رفته است:

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (شوری، ۳۸).

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. در این آیه در توصیف مؤمنان پس از اشاره به مسئله ایمان و نماز، بلافاصله به مسئله مشورت، شورا و مشارکت اشاره می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که اسلام نوعی نظام مدیریت سیاسی شورایی را به رسمیت شناخته است که بر اساس آن می‌توان مشارکت مردمی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی مطرح کرد (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)، که این امر در خلق حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ مردم آمل بسیار مهم و حائز اهمیت است.

#### ۴- نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش مردم‌سالاری دینی در پیروزی مردم آمل در واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ این شهر بود. بر اساس آنچه که در این پژوهش به آنها اشاره شد، می‌توان گفت که، یکی از جریان‌های چپ که بعد از خرداد ۱۳۶۰ با شعار طرفداری از بنی‌صدر و هوادارانش و به سودای خام براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دست به اسلحه برد، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که نام تاریخی سربرداران را نیز غصب کرده و بر خود نهاده بود، که واقعه خونین آمل در ۶ بهمن ۱۳۶۰ را رقم زد. در روز ششم بهمن ۱۳۶۰ اتحادیه کمونیست‌های ایران که با اتخاذ مشی مائوئیستی، از طریق فتح شهرها برای شکست حکومت، عملیات خود را از شهرستان آمل آغاز کرده بود که این اقدام آنها با شجاعت، هوشیاری و درایت تمام و کمال مردم آمل که برآمده از مبانی نظام مردم‌سالاری دینی بوده است، به شکست و زوال آن گروه انجامید. امام خمینی (ره) از درون نظریه «ولایت فقیه» در عصر غیبت، و مکتب سیاسی «حکومت اسلامی»، اقدام به الگوسازی مترقیانه‌ای کردند، که در قرن بیستم و بیست و یکم که عصر دموکراسی نام گرفت این الگوی عملی بنام «جمهوری اسلامی»، که در واقع الگوی مردم‌سالاری دینی بشمار می‌رفت، را برای اداره زندگی سیاسی ارائه نمودند. بر این اساس مردم آمل از طریق نظام مردم‌سالاری دینی که بر قدرت و پشتوانه مردمی و دینی استوار است، توانستند با واکنش فوری بر ماجراجویی عجیب اتحادیه

کمونیست‌های ایران در روز ششم بهمن سال ۱۳۶۰ غلبه کنند. مردم‌سالاری دینی اصطلاحی است که از ترکیب واژه مردم‌سالاری که همان برگردان واژه دموکراسی است با واژه دین بدست آمده است؛ این اصطلاح روایتی است در متن گفتمان سیاسی اسلام که علاوه بر نقش دین در حکومت، بر نقش مؤثر مردم در آن نیز تأکید می‌کند که همین تأکید یکی از عوامل بسیار مهم در پیروزی مردم آمل در حماسه ششم بهمن ۱۳۶۰ بوده است. جمهوری اسلامی ایران بعنوان نظامی که الگو و سبک جدیدی از زندگی سیاسی و اجتماعی را تحت عنوان مردم‌سالاری دینی طراحی و به جامعه بشری عرضه نموده است و سعی کرده است مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام، نظام سیاسی و اجتماعی خود را اداره کند، بر این اساس به کارگیری نوع الگو و سبکی برآمده از مردم‌سالاری دینی در اداره کشور باعث هوشیاری مردم در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شده و باعث خلق حماسه‌ای بزرگ و تاریخی همچون حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ به دست مردم شریف آمل شده است.

### فهرست منابع

- اخترشهر، علی، علویان، مرتضی، و ملکی، علی. (۱۳۸۲). طرحی نو در تبیین انقلاب اسلامی، قم: انتشارات کشف‌الغطاء.
- امام خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۵۷). نقد صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امینی، پرویز. (۱۳۸۸). مولفه‌های پایه و شاخص‌های عینی در مردم‌سالاری دینی. دومین همایش مردم‌سالاری دینی، جلد ۲، قم: انتشارات نشر معارف.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی ایران، چاپ بیست و هفتم، قم: انتشارات دفتر نضر معارف.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰). بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰). بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- عزیزی، امین. (۱۳۹۳). از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر. فصلنامه مطالعات تاریخی، ۴۵، ۲۳۳-۲۳۵.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، قم: انتشارات نشر معارف.
- میراحمدی، منصور. (۱۳۸۸). مردم‌سالاری دینی امکان یا امتناع مفهومی، دومین همایش مردم‌سالاری دینی، جلد ۱، قم: انتشارات نشر معارف.
- هیوود، اندرو. (۱۳۸۳). مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: انتشارات قومس.



## عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل

رضا شجری قاسم‌خیلی<sup>۱</sup>

سید حسن شجاعی دیوکلائی<sup>۲</sup>

فاطمه گنجیان<sup>۳</sup>

### چکیده

واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل که یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سیاسی-امنیتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که همزمان با جنگ تحمیلی و مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب در کردستان بوقوع پیوست، این رخداد توسط یک گروه به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» که نام تاریخی «سربداران» را نیز با آمدن به جنگ‌های آمل بر خود نهادند، سازماندهی و رهبری گردید، این گروه از لحاظ فکری و ایدئولوژیک از تز مائو در چین پیروی می‌کردند و بعد از عزل بنی صدر به در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی، اقدام به حرکت نظامی در جنگ‌های شمال ایران در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ نمودند. در این مقاله برآنیم که با روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ دهیم که چه عوامل و زمینه‌هایی منجر به شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل شده است؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عواملی چون عدم استقرار حکومت مرکزی، عزل بنی صدر و سهم نبرد برخی گروه‌ها از قدرت، فقدان اختیارات قانونی دولت و عدم برخورد جدی با مخالفین، ناتوانی دولت در ایجاد یکپارچگی سیاسی در مسائل داخلی و خارجی، تضاد جدی جریان‌های سیاسی در کشور، دل مشغولی حکومت به جنگ با عراق و مهار کردها در کردستان، ظرفیت‌های جغرافیایی و طبیعی شمال کشور از مهمترین عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل بوده است.

**واژگان کلیدی:** اتحادیه کمونیست‌های ایران، آمل، جنگ، سربداران، ۶ بهمن.

<sup>۱</sup>- استادیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول. [r.shajari@umz.ac.ir](mailto:r.shajari@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup>- استادیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران. [h.shojaee@umz.ac.ir](mailto:h.shojaee@umz.ac.ir)

<sup>۳</sup>- دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه مازندران. [fatmhnjyan3@gmail.com](mailto:fatmhnjyan3@gmail.com)

## مقدمه

از واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی و امنیتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را وارد برهه‌ای حساس و پرتنش از تاریخ کرد، یاد می‌کنند. این رخداد توسط یک گروه به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» سازماندهی و رهبری گردید، اتحادیه کمونیست ایران در تابستان ۱۳۵۵ تاسیس شد. سازمان دهنده اصلی اتحادیه، سازمان انقلابیون کمونیست بود، که در سال ۱۳۴۸ در محفل دانشجویی در خارج از کشور با عقاید مارکسیستی به وجود آمد. این اتحادیه یکی از گروه‌های سیاسی بود، که با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با تبعیت از ایدئولوژی مارکسیست لنینیسم و پیروی از استراتژی مائو (استراتژی جنگ توده‌ها) و با اتخاذ تکنیک‌های ژنرال جیاب، چه گوارا و کاسترو، و با اتکا به مشی مسلحانه و جنگ چریکی در جنگل وارد مبارزه شدند، رهبران گروه جهت ترویج افکار مارکسیستی معتقد به استراتژی توده بودند و بنا به نظر مائو، اعتقاد به اینکه در مبارزه باید بیش از هر چیزی بر پشتیبانی‌های مردمی و استفاده از آنان به عنوان منبع مبارزه سریع علیه دشمن بهره گرفت. لذا سازمان به یک فعالیت فوری با هدف و آگاه ساختن و همراه کردن مردم مبادرت ورزید، تا به جنبش انقلابی ماهیت مردمی دهد و با ایجاد جبهه سوم موتور اصلی قیام را به راه بیندازند. این گروه همزمان با جنگ تحمیلی و مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب در کردستان و بدنبال عزل بنی صدر و در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی اقدام به حرکت نظامی در جنگل‌های شمال ایران در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ نمودند و نام تاریخی «سربداران» را بر خود نهادند. حرکتی که با مقابله نیروهای سپاه و نیروهای بسیج و به خصوص مقاومت مردمی همراه بود، همین مشارکت مردم آمل منجر به شکست این نیروهای ضد انقلاب شد و بدین سبب آمل، لقب شهر هزار سنگر را به خود گرفت.

از آنجا که در کنار پرسش از چگونگی وقوع رخدادهای و آثار و نتایج مترتب بر رویدادها، یکی از پرسش‌های بنیادین در حوزه دانش تاریخی پرسش از چرایی رخدادهاست. از این رو در این مقاله برآنیم که با روش تحقیق تاریخ و با بهره‌گیری از مدل توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ دهیم که چه عوامل و زمینه‌هایی منجر به شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل شده است؟ فرضیه‌ای ما در این راستا عبارتند از: ظرفیت‌های جغرافیایی و طبیعی شمال کشور، سهم‌خواهی گروه‌های سیاسی بعد از سقوط حکومت پهلوی، عدم استقرار حکومت مرکزی از مهمترین عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل بوده است.

## ۲- جغرافیای تاریخی مازندران و آمل

برای بررسی پدیده های تاریخی باید فضای جغرافیایی که کنش تاریخی در آن به وقوع پیوسته را مورد توجه قرار داد. فضای جغرافیایی، گستره یا پهنه‌ای سه بعدی است که روابط انسانی در آن تجلی می‌یابد (شکویی، ۱۳۷۸: ۶۸) و اصطلاحاً به آن حوزه یا ناحیه نیز گفته می‌شود.

سرزمین‌های واقع در کرانه‌ی جنوبی دریای خزر در پناه حصار کوهستان‌های جنوبی خویش که شامل جبال دماوند و دیلم و رویان و طبرستان می‌شد، طی سال‌ها در مقابل تهدیدهای مهاجمان در ایستادند (شایان، ۱۳۶۴: ۱۱). عوامل طبیعی چون دره های عمیق، رودخانه‌های خروشان، جنگل‌های انبوه و دریا با ساحل طولانی و مهم‌تر از همه وجود کوه‌های سر به فلک کشیده سبب انزوای این ناحیه گردید. اگر این عوامل را با ویژگی‌های چون روحیه سلحشوری و جنگاوری زنان و مردان کوه و جنگل و دشت در آمیزیم عدم تمکین آنان به بیگانگان را درمی‌یابیم (کسروی، ۱۳۵۷: ۲۳؛ راوندی، ۱۳۵۴: ۲۱۴؛ فرای، ۱۳۶۸: ۱۴) هوای معتدل، آب فراوان و زمین حاصلخیز آن چهره‌ی خود را در وجود جنگل‌ها و توسعه‌ی کشاورزی نشان می‌داد. در دورانی که کشاورزی رکن اصلی اقتصاد جوامع بود، محصولات کشاورزی این سامان نسبت به مناطق دیگر از کمیت و تنوع بیشتری برخوردار بود و این موضوع زمینه‌ی خودکفایی و استغنائی اهالی این خطه را فراهم می‌نمود.

در واقع موقعیت جغرافیایی تبرستان در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این منطقه، تأثیر بسزایی گذاشت، به گونه‌ای که در میان مردم تبرستان همواره تمایلات استقلال طلبانه و عدم تمکین از حکومت‌های خارج از این قلمرو وجود داشت (ترکمنی‌آذر و پرگاری، ۱۳۷۸: ۱۱۱)

در یک نگاه کلی جغرافیایی تبرستان به نواحی بین ارتفاعات البرز و سواحل جنوبی دریای تبرستان محدود می‌شود. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۵۶) «و حدش از چالوس است تا همیشه و این ناحیه‌ای است آبادان و [با نعمت] و بسیار خواسته» (مؤلف گمنام، ۱۳۶۲: ۱۴۴) و از شهرهای بزرگ آن دهستان، جرجان، آمل، ساری و چالوس می‌باشد. (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۵۵)

همانطوریکه اشاره شد شهر آمل با پیشینه و قدمت تاریخی زیاد در کنار ساری و گرگان از جمله شهرهای کلیدی و مهم ایالت مازندران به حساب می‌آید این شهرستان که در ناحیه مرکزی استان واقع شده است، در حال حاضر با مساحت ۲۰۹۳۲ کیلومتر مربع از شمال به محمودآباد که قبلاً جزو آمل بود از شرق به بابل، از

غرب به نور، از جنوب به شهرستان دماوند محدود می‌شود (ترزبان، ۱۰۲: ۱۳۷۴). شهرستان آمل در سال ۱۳۶۰ به ۴۱۰ روستا و سه بخش و سه منطقه تقسیم شده است، بخش هراز دارای سه دهستان قسمت ساحلی دریای خزر را می‌پوشاند و بخش لاریجان که قسمت کوهستانی است در جنوب آمل می‌باشد. کوه‌های البرز که از آثار آتشفشان خاموش دماوند می‌باشد، آب‌های موجود در آمل به دو دسته سطحی و زیرزمینی که دائمی بوده و در زمستان از آن استفاده می‌شود، رود هراز در قدیم هرگز نامیده می‌شد و مهم‌ترین رودخانه آمل است و همچنین آمل از نظر پوشش گیاهی دارای جنگل‌های وسیع نیز می‌باشد.

از لحاظ پیشینه تاریخی، تاریخ چند هزار ساله آمل پر از حوادث هیجان‌انگیز مبارزه با دشمنان مهاجم و دلاوری سلحشوری و یکپارچگی وحدت تمامی طوایف تیره و دسته‌ها، به میراث فرهنگی و دینی بود که خود نشانه‌ای از همبستگی‌های اجتماعی و خصوصیات تاریخی مردم است (خانی، ۵۷: ۱۳۹۲)

مردم آمل با شور انقلابی ملت ایران در روند پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تاثیرگذار بودند، بر اساس اسناد و مدارک ساواک در بین شهرهای کشور شهر آمل در دوران مبارزات مردمی اعلام حکومت مردمی در قبل از پیروزی انقلاب شهرت داشت. در شهر آمل مساجد نیز مرکز فعالیت انقلابیون آمل بودند، حتی گروه‌های مارکسیستی با هویت جریان چپ کمونیستی در محله‌های در آمل هدایت افرادی در شهر را بر عهده داشتند و حضور منافقین بسیار پررنگ بود البته در برخی محلات آمل مانند نیایک محله و شهید محله افراد حزب‌اللهی بسیار بودند که شهر را کنترل می‌کردند. و در فرایند پیروزی انقلاب فعالیت جوانان حزب‌اللهی و هدایت روحانیون انقلابی شهردر جریان مبارزات ضد رژیم پهلوی باعث شکل‌گیری تظاهرات گسترده مردم آمل شد که سابقه مبارزاتی مردم، در استان مازندران ثبت شد (شعبانی، ۱۳۹۴: ۶۰).

### ۳- عوامل و زمینه‌های موثر بر شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل

به نظر می‌رسد عوامل متعددی بر شکل‌گیری واقعه ۶ بهمن آمل مؤثر واقع شدن که اگر بخواهیم از آنها یک تقسیم‌بندی کلی به عمل آوریم می‌توان آنرا به دو دسته‌ی عوامل زمینه ساز و تسهیل کننده و عوامل شتاب‌زا (کاتالیزور) تقسیم نمود:

#### ۳-۱- عوامل زمینه ساز و تسهیل کننده

##### ۳-۱-۱- جغرافیای طبیعی آمل



عامل جغرافیایی از جمله مهمترین عوامل زمینه ساز و تسهیل کننده بحساب می‌آید در خصوص زمینه ها و علل شکل گیری گروه های سیاسی در اوایل انقلاب در شمال کشور باید گفت در روزها ماه‌ها و سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی گروه‌های سیاسی مخالف نظام به دلایل مختلف از جمله سهیم نشدن در قدرت و تفاوت ایدئولوژیک دست به اعمال ضد انقلابی زدند، این گروه‌های مخالف نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران گاه در مخالفت‌های خود از شیوه مسلحانه استفاده می‌کردند. در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی شاهد بروز چنین حوادثی در ایران هستیم، که منازعات مسلحانه در بندر ترکمن و بندر انزلی و واقعه جنگل شمال به ویژه در سال ۱۳۶۰ بهمن آمل، نمونه‌ای از این حوادث می‌باشند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۶۸).

اما انتخاب شهرستان آمل و جنگل‌های آن، به جهت ویژگی های منحصر به فرد این ناحیه بوده است که شاخص ترین آنان به عبارت زیر است:  
۱- آمل برای فعالیت آن‌ها دارای عمق استراتژیک بود و آمل به دلیل این‌که از کوه‌های جنگلی تا لب دریا فاصله و عمق قابل توجهی بود که برای جنگ و گریز مناسب بود.

۲- شاخص مهم دیگر این بود که باید منطقه‌ی انتخابی به مرز نزدیک باشد .  
۳- نکته‌ی دیگر قرمز بودن مناطق مشابه آمل بود. یعنی در مناطق مشابه نظیر سیاهکل و لاهیجان، قبلاً سابقه‌ی درگیری وجود داشته و در آن جا پاسگاه دایر کرده بودند.

۴- وجود جاده‌ی هراز. یکی از این عناصر اتحادیه به‌نام بهمن شیردل می‌گفت که دلیل انتخاب آمل، وجود جاده‌ی هراز بود. می‌گفت که اگر ما می‌توانستیم نیم‌ساعت جاده را ببندیم و اعلامیه پخش کنیم، چون که رادیو این‌گونه مسائل را پخش می‌کرد، همه‌ی ایران را متوجه خود می‌کردیم. ضمن این‌که جاده‌ی هراز، جاده‌ی استراتژیکی است که شمال را به مرکز، و مرکز را به مشهد متصل می‌کرد.  
۵- آن‌ها تمایل داشتند که مکان استقرار، قابلیت تقسیم شدن را از مرکز داشته باشد و آمل به دلیل وجود سلسله‌کوه‌های البرز، دارای این ویژگی بود.

۶- یکی از مهم‌ترین دلایل آن‌ها برای انتخاب آمل این بود که آن‌ها تصور می‌کردند که در این شهر زمینه‌های مردمی برای همراهی با آن‌ها وجود دارد که البته بزرگ‌ترین اشتباه‌شان نیز همین مسأله بود. ضمن این‌که جنگل هم آب داشت و هم بعضی از درخت‌ها میوه‌های خوردنی داشتند. جنگل محل استتار و اختفای مناسبی بود که آن‌ها در آن محدودیتی نداشتند. بود. چرا که احساس می‌کردند در دیگر

شهرهای کشور امکان تلاش سیاسی و نظامی وجود ندارد و ضرورت وجود در مناطق صعب العبور همانند کردستان و جنگل شمال کشور عامل حفظ عناصر سازمان ضد انقلابی و تشکیل آنان خواهد شد (شالیکار، ۱۳۸۰: ۸۲)

### ۳-۲- ضعف ناکارآمدی دولت موقت و فضای باز سیاسی کشور

برخی علل شورش‌ها و شکل‌گیری نیروهای مخالف را به دلیل عدم استقرار حکومت مرکزی و عدم توانایی و سهل‌انگاری در کنترل کشور، فقدان اختیارات قانونی و عدم برخورد جدی با مخالفین می‌دانند (نعمتی، ۱۳۷۲: ۱۸) و همچنین ضعف دولت موقت که در کنترل اوضاع، حمایت مالی که آمریکا به گروه‌های ضد انقلاب، ناتوانی دولت در ایجاد یکپارچگی سیاسی در مسائل داخلی و خارجی، تضاد جدی جریان غرب‌گرا و لیبرال با روحانیت، دل مشغولی به جنگ از دیگر عوامل رشد گروه‌های سیاسی و ضد انقلابی بودند.

فقدان و ضعف کنترل دولت مرکزی بر ابزار و منابع جمعیت‌ها و تمامیت ارضی و نیز ضعف در اجرای برنامه‌ها و همچنین حمایت مالی و تسهیلاتی قدرتهای خارجی از عوامل اساسی بروز و پیدایش گروه‌های ضد انقلاب بودند. ناتوانی دولت در ایجاد یکپارچگی سیاسی در مسائل داخلی و خارجی عامل دیگر رشد گروه‌های سیاسی و ضد انقلاب بود. این مسئله را رفیق ضیا عبدالمنافی عضو شورای مرکزی اتحادیه کمونیست چنین تحلیل می‌کند: دولت موقت در ابتدای انقلاب زمینه مناسبی برای رشد گروه‌ها از جمله اتحادیه کمونیست‌ها بوده است. دلایل این ادعا عدم قاطعیت دولت در اجرای فرامین انقلابی امام خمینی و سهل‌انگاری در ریشه کن ساختن ضد انقلاب، سازشکاری با عوامل آمریکا زمینه توطئه آمریکایی و غیره می‌باشد (جنگلی، پرونده، ش پ، ۱۸۴۲۱، اسناد شورش جنگل، سال ۶۰-۶۱ امل، مرکز اسناد ششم بهمن سپاه امل، ۱۳۷۲: ۱۲؛ کردی، ۱۳۸۶: ۵۵)

با پیروزی انقلاب و نفوذ ضد انقلاب در ادارات و سازمان‌های دولتی به ویژه در دانشگاه‌ها و ضعف و نبود تشکیلات حکومتی مستقل در برخورد با آنان گروه‌ها را بر آن داشت تا با چاپ نشریات کتاب، مقالات و روزنامه‌های مختلف تشتت فکری شدیدی برای اقشار مختلف به ویژه جوانان ایجاد نمایند، استقرار در دانشگاه‌های کشور به عنوان ابزار و امکانی برای فعالیت‌های سیاسی و جذب اقشار مختلف و اوج بهره‌گیری گروه‌ها از خلاء فکری سیاسی به وجود آمده در جامعه بود (شالیکار، ۱۳۸۰: ۶۷) هنوز اجزای نظام اسلامی ایران شکل نگرفته بود که تجزیه طلبی به نام برخی از اقوام کشور به عنوان اولین سناریوی براندازی مورد نظر دشمنان قرار گرفت.

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی پادگان مهاباد به تصرف گروه‌های تجزیه طلب و هفته بعد از آن سنندج مرکز استان کردستان صحن یک آشوب بزرگ بود که فقط به کردستان محدود نشد و و مناطق ترکمن نشین و شمال کشور خوزستان سیستان و بلوچستان به این مشکل مبتلا شدند (شعبانی ۱۳۹۴: ۷۴).

### ۳-۳- شرایط انقلابی و آشفته‌گی حاصل از آن

با وقوع انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی، سیستم اجرایی به لحاظ وابستگی به چند عنصر محدود از یک طرف و کمبود در سیستم‌های اجرایی و بی‌برنامه بودن آنها از طرف دیگر فلج گردید. وزارتخانه‌ها یکباره دچار بیماری بی تحرکی شدند و چرخه نظام دچار وقفه گردید. دخالت افراد شاخص در امر اجرایی کشور، عدم تمرکز قدرت سیاسی و مرکزی کشور، اختلافات سیاسی در بین نخبگان، کم تجربگی شخصیت‌های سیاسی در مدیریت اجرایی کشور، عدم یکپارچگی جناح‌های کشور، علاوه بر اختلال جدی در نهادهای حکومتی، جامعه ایران را دچار شکاف‌هایی نمود. صالح نعمتی در این باره نوشته: فقدان ابزاری مناسب برای ابتدای حکومت مرکزی و یا عدم توانایی و سهل‌نگاری در انجام وظایف و مسئولیت‌ها و اختیارات قانونی منجر به شورش‌هایی در شمال غرب و جنوب شرق کشور شد به واسطه عدم برخورد جدی با مخالفین و گروه‌های مخالف دولت از موقعیت سوء استفاده می‌کنند (نعمتی، ۱۳۷۲: ۱۸)

با فروپاشی نظام شاهنشاهی دستگاه منسجم تامین امنیت دولتی که در رژیم سابق به سه محور بروکراسی، ساواک و ارتش متکی بود، به وجود نیامده بود همین خلع قدرت، باعث فعالیت‌های آزاد سیاسی \_ نظامی اجتماعی گروه‌های ضد انقلاب گردید (نعمتی، ۱۳۷۲: ۴۴).

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی قوای نظامی بنا به عللی از هم پاشیده و ضعیف شده بود. وجود فرماندهان و مستشاران آمریکایی در ارتش و وجود ساواک در شهربانی برخورد انقلابی با تعداد معدودی از عناصر سرسپرده سطوح عالی فرمانده ارتش و شهربانی باعث تزلزل این دو نیرو شد. به شکلی که در بعضی از استان‌ها و شهرها نیروی نظامی شهربانی تا ماه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل نگرفت (شعبانی، ۱۳۹۴: ۷۳) این از هم پاشیدگی و ضعف نیروی نظامی و فقدان نیرو مشی مستقل و فعال در مقابله با جریان ضد انقلاب داخلی جو داخلی را بیش از پیش متشنج کرد (نعمتی، ۱۳۷۲: ۴۵).

### ۱-۲-۳- ناکامی اتحادیه کمونیست ایران در نیل به اهداف سیاسی

اتحادیه کمونیست ایران یکی از گروه‌های سیاسی بود، که با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با تبعیت از ایدئولوژی مارکسیست لنینیسم و پیروی از استراتژی مائو (استراتژی جنگ توده‌ها) و با اتخاذ تکنیک‌های ژنرال جیاب، چه گوارا و کاسترو در آمریکای لاتین بود. و با اتکا به مشی مسلحانه و جنگ چریکی در جنگل وارد مبارزه شدند، البته رهبران گروه شرایط یک قیام مردمی را محتاج به زمان مناسب می‌دانستند، رهبران گروه جهت ترویج افکار مارکسیستی معتقد به استراتژی توده بودند و بنا به نظر مائو، اعتقاد به اینکه در مبارزه باید بیش از هر چیزی بر پشتیبانی‌های مردمی و استفاده از آنان به عنوان منبع مبارزه سریع علیه دشمن بهره گرفت. لذا سازمان به یک فعالیت فوری با هدف و آگاه ساختن و همراه کردن مردم مبارت ورزید، تا به جنبش انقلابی ماهیت مردمی دهد و با ایجاد جبهه سوم موتور اصلی قیام را به راه بیندازند اتحادیه کمونیست ایران در تابستان ۱۳۵۵ تاسیس شد سازمان دهنده اصلی اتحادیه سازمان انقلابیون کمونیست بود، که در سال ۱۳۴۸ در محفل دانشجویی در خارج از کشور با عقاید مارکسیستی به وجود آمد (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

اتحادیه کمونیست ایران از ترکیب سه گروه و سازمانی به وجود آمد که در اواخر دهه ۴۰ و اواسط دهه ۵۰ علیه رژیم پهلوی فعالیت می‌کردند.

الف) سازمان انقلابیون کمونیست: اولین گروه سازمان انقلابیون کمونیست س.ا.ک. بود که در سال ۱۳۴۸ توسط گروهی از دانشجویان مقیم آمریکا به وجود آمد، و اعضای آن حمید کوثری، محمد امینی، سیامک زعیم عباس بزرگ، احمد تقوایی، ژاله بهروزی بودند که دارای عقاید مارکسیستی بودند (دایره معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

ب) گروه پویا: دومین گروه، گروه پویا نام داشت که در سال ۱۳۵۵ با همان گرایش ایجاد شد، اعضای این گروه از بقایای گروه فلسطین بودند که در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ در عراق به سر می‌بردند و رهبران آنها حسین تاجمیر ریاحی اهل اصفهان بود، اعضای این گروه آموزش چریکی در عراق، فلسطین، لبنان دیده بودند (همان، ۱۵۸) به تدریج زمینه‌های ارتباطی وحدت این گروه با سازمان انقلابیون کمونیست که خط مشی سیاسی و فرهنگی اعتقاد داشت فراهم شد و اتحادیه کمونیست‌های ایران را تشکیل دادند. این جریان طی سال‌های آخر حکومت پهلوی در واقع یک شاخه مائویست کنفدراسیون دانشجویان ایران در آمریکا بودند و پس از پیروزی انقلاب هم

این گروه با همان نام اتحادیه کمونیست ایران فعالیت و نشریه حقیقت به عنوان ارگان خود منتشر کردند. (عزیزی، ۱۳۹۳: ۵).

ج) گروه زحمت: از دیگر گروه‌های اتحادیه کمونیست بود. جریان زحمت نیز از خارج پا گرفت و به داخل کشور آمد. در داخل از اتحادیه جدا شد. بعد از سال ۱۳۶۰ نام خود را به اتحادیه انقلابی برای رهایی کار عوض کرد و نام نشریه ارگان خود را زحمت گذاشت (خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

رهبران و اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران در اوایل پیروزی انقلاب وارد ایران شدند و به تدریج فعالیت تبلیغاتی اتحادیه را آغاز کرده و برای پیاده نمودن اهداف سازمان اعضا و هواداران خود را به نقاط مختلف ایران گسیل داشتند، آنان به ظاهر موافق نظام جمهوری اسلامی و مدعی پشتیبانی از انقلاب بودند تا جای پای خود را در میان توده مردم باز کنند و ادعای خلقی بودن و مردمی بودن را اثبات کنند، اما اینکه ملت اسلام و رهبری امام بتواند انقلاب را به پیروزی کامل برساند خارج از تصور اتحادیه بود (نیاز، ۱۳۷۴: ۱۲۴). مشی اتحادیه کمونیست‌ها تا پیش از انقلاب صرفاً فعالیت سیاسی و فرهنگی بود اما بعد از پیروزی انقلاب به خصوص بعد از عزل بنی صدر ضمن اعتقاد به تنویر افکار عمومی مبارزه مخفی و مشی مسلحانه را انتخاب کردند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۵۳۷) هدف اعضای اتحادیه به اصطلاح نجات انقلاب از مسیر انحراف و تکامل انقلاب از طریق انقلاب دوم بود (خانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸؛ شعبانی، ۱۳۹۴: ۵۳۸) و همچنین اهداف خود را در شماره ۱۴۷ نشریه حقیقت که در آذر ماه ۶۰ انتشار یافت، در آمل پخش کردند که شامل: سرنگونی حکومت خمینی، دعوت مجلس موسسان ملی به انتخابات عمومی، افشا و لغو قرارداد سران جمهوری با قدرت امپریالیستی و تشکیل فوری دادگاه‌های فوق العاده توده‌ای برای محاکمه کارگزاران حکومت کنونی، به رسمیت شناختن از کلیه آزادی و حقوق سیاسی اجتماعی و آزادی مردم مبارزه با ولایت فقیه و ایجاد جامعه کمونیستی بر اساس سکولاریسم بود (نشریه کمونیست حقیقت، ۱۳۶۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۶؛ پرندۀ نوپرواز، ۱۳۸۳: ۱۹).

## ۲-۲-۳- درگیری حکومت ایران در دو جبهه عراق و کردستان

یکی از عوامل اصلی تصمیم سران اتحادیه در جهت ورود به فاز نظامی علیه جمهوری اسلامی، درگیری حکومت ایران در دو جبهه عراق و کردستان و لزوم تشکیل جبهه سوم بر ضد جمهوری اسلامی در راستای وارد نمودن ضربه نهایی به نظام بود. ناصر میرریاحی از رهبران اتحادیه‌ی کمونیست‌ها مبدع این تز بود. او معتقد بود که عراق در جنگ تحمیلی، بخش عمده‌ای از امکانات و نیروی نظامی ایران را در جبهه‌ی

اول به خود مشغول کرده است. مبارزات کردها در کردستان، جبهه‌ی دوم علیه نظام اسلامی می‌باشد. بنابراین با ایجاد جبهه‌ی سوم، «اتحادیه کمونیست‌ها» می‌تواند در یک جنگ بدون مقاومت، نظام نوپای سیاسی را به ورطه‌ی سقوط بکشاند (میر ریاحی به نقل از گرزین، ۱۳۹۳: ۳۰). به همین خاطر رهبران شورش‌گر اتحادیه‌ی کمونیست‌ها، جنگل‌های منطقه‌ی عمومی جنوب غربی شهر آمل را انتخاب کرده و به جولان در آن پرداختند، چرا که احساس می‌کردند در دیگر شهرهای کشور امکان تلاش سیاسی و نظامی وجود ندارد و ضرورت وجود در مناطق صعب‌العبور همانند کردستان و جنگل شمال کشور برای انجام عملیات چریکی و پارتیزانی مساعد است (رحیم صفوی، ۱۳۷۸: ۵۶/۱) و لذا عامل حفظ عناصر سازمان ضد انقلابی و تشکیلات آنان خواهد شد (شالیکار، ۸۲، ۱۳۸۰).

در همین رابطه حرمتی پور رهبر یکی از گروه‌های چریکی گروه‌های چپ در شهرها و جنگل‌های سه استان شمالی کشور، عملیات‌های تروریستی و بمب‌گذاری را شدت بخشیدند. آمل با توجه به موقعیت جغرافیایی نزدیک بودن به مرزاتحاد جماهیر شوروی و برخورداری از مخفی‌گاه‌های به ظاهر مناسب به دلیل جنگل‌های انبوه و بافت روستایی گسترده در بین شهرهای مازندران، از جمله شهرهایی بود که در دسترس تعرضات گروهک‌ها و مورد حمله سنگین عملیات‌های تروریستی قرار گرفته بود (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶).

### ۳-۲-۳- عزل بنی صدر

با رای ۹۸ درصدی مردم به نظام جمهوری اسلامی و انتخابات قانون اساسی به منظور زینت نظام اولین انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید و با انتخاب بنی صدر به عنوان رئیس‌جمهور و بهره‌گیری مناسب وی از حربه‌های تبلیغاتی و سیاسی توانست پس از بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران بالاترین مقام کشوری لشکری را کسب کند. ضعف اداره امور جنگ و عدم یکپارچگی سیاسی در مسائل داخلی و خارجی همچنین تضاد جدی جریان غربگرا و لیبرال روحانیت پیشروی انقلاب اسلامی و نزدیکی او با گروه‌های سیاسی ضد انقلاب به سرعت او را از صف انقلابیون جدا کرد (شالیکار، ۱۳۸۰: ۶۶؛ شعبانی، ۱۳۹۲: ۷۰)

بنی صدر رئیس‌جمهور کشور از عوامل موثر و زمینه ساز بستر رشد ضد انقلاب در کشور بود. حوادث ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ الی ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ جو سیاسی را در صحنه داخلی به اوج تشنج رساند. او عملاً نه به عنوان فرد بلکه در جایگاه یک مسئول با قدرت که دارای ابزار تبلیغاتی همچون روزنامه انقلاب اسلامی بود رسماً به جلب

حمایت گروه‌ها پرداخت و در قالب جریان لیبرالیسم به یک جریان فکری مبدل شد و اقدام به توافق پنهانی با رهبران گروهک‌ها نمود. رئیس‌جمهور در هدایت حوادث امنیتی ضد انقلاب در شمال کشور نقش بسزایی داشت (نعمتی، ۱۳۷۶: ۴۲؛ شعبانی، ۱۳۹۲: ۷۱)

با عزل بنی صدر توسط مجلس شورای اسلامی با تاکید رهبر بود که مشخص شد بنی صدر مجاهدین خلق و برخی از گروه‌های چپ لیبرال باقی مانده از جبهه ملی در قالب اتحاد در حالی که حمایت افکار عمومی را از دست داده بودند در برابر انقلابیون ایستادند. این مسئله معضل امنیتی را در داخل مرزها ایجاد کرد که در خرداد ۶۰ سرآغاز قیام مسلحانه علیه نظام شد.

حتی وی به هنگام فرار به پاریس طی مصاحبه‌ای اعلام نمود جمهوری اسلامی که قصد صدور انقلاب خود را داشت در مرزهای شمالی خود تحت رهبری ما دچار شورش است (مصاحبه بنی صدر در فرودگاه اورلی پاریس، شعبانی، ۱۳۹۴: ۷۲)

رهبران گروه‌های ضد انقلاب چون معتقد بودند که دیگر در شهرهای کشور امکان تلاش سیاسی و نظامی وجود ندارد، دریافتند حضور در مناطق صعب العبور همانند کردستان و جنگل‌های شمال کشور عامل حفظ عناصر سازمان ضد انقلابی و تشکل آنان خواهد بود (شالیکار، ۱۳۸۰: ۸۲).

#### ۴-۲-۳- قتل نیرو، نا امنی تهران و اجرای طرح مالک و مستاجر در تهران

پس از علنی شدن مشی مسلحانه‌ی ضدانقلاب، منافقین، اتحادیه‌ی کمونیست‌ها و ... آن‌ها برنامه‌ها و طراحی مبارزاتی خود را در خانه‌های تیمی و مخفیانه انجام می‌دادند و به اصطلاح، از روی زمین به زیر زمین رفتند. پس از حادثه‌ی ۳۰ تیر و فرار بنی‌صدر و افزایش ترورها، طرحی به نام مالک و مستاجر از سوی نظام اسلامی اجرا شد که در پی آن، هر مالکی موظف بود که هویت مستاجر خود را با ارائه‌ی شناسنامه نشان دهد. اجرای این طرح باعث لو رفتن و شناسایی ضدانقلاب شد. از طرفی هم پس از خروج رجوی و بنی‌صدر از کشور، هنوز خط خروج برای آن‌ها آماده نبود. بنابراین بهترین مکان برای آن‌ها جنگل‌های شمال کشور بود.

از این زمان تز جبهه سوم شکل واقعی و عملیاتی به خود گرفت در ابتدا صحنه عملیاتی جبهه سوم شهر تهران انتخاب شد به سه دلیل رهبران اتحادیه جبهه سوم تهران را ناموفق ارزیابی کردند :

(۱) تعداد حدود ۲۰۰ نفر برای قیام در شهر بزرگ رقم قابل قبولی نبود. بعلاوه رهبران اتحادیه کمونیست نتوانستند با سازمان مجاهدین وحدت ایجاد کنند .

۲) سپاه در تهران به گشت‌زنی می‌پرداخت و محیط برای ترور، بمب‌گذاری و عملیات ناامن بود.

۳) اجرای طرح مالک و مستاجر. (خانی، ۱۳۹۲: ۸۹).

#### ۴- نتیجه‌گیری

از مهمترین وظایف پژوهشگر تاریخ بررسی علل و چرایی رویدادهاست. در این خصوص آنچه معرفت تاریخی به ما می‌آموزد اینکه رخدادهای تاریخی هرگز تک عاملی نبوده، بلکه معلول عوامل مختلفی بوده است. در مورد رویداد مد نظر این پژوهش یعنی حادثه ششم بهمن ماه آمل، داده‌های تاریخی حاکی از آنست که مجموعه‌ای از عوامل مختلف در شکل‌گیری آن تاثیر گذار بوده‌اند که اگر بخواهیم از آنها یک تقسیم‌بندی کلی به عمل آوریم می‌توان آنان را به دو دسته‌ی عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده و عوامل شتاب‌زا (کاتالیزور) تقسیم نمود. از مهمترین عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده می‌توان به مواردی چون جغرافیای طبیعی آمل (اعم از دارا بودن عمق استراتژیک، جنگل و جاده هرازو نزدیکی به پایتخت)، ضعف و ناکارآمدی دولت موقت و فضای باز سیاسی کشور، شرایط انقلابی و آشفتگی حاصل از آن اشاره کرد. همچنین مواردی چون ناکامی اتحادیه کمونیست ایران در نیل به اهداف سیاسی، درگیری حکومت ایران در دو جبهه عراق و کردستان، عزل بنی‌صدر، قلت نیرو، ناامنی تهران و اجرای طرح مالک و مستاجر در تهران را می‌توان بعنوان عوامل شتاب‌دهنده در تکوین حادثه ۶ بهمن آمل ارزیابی کرد.



### فهرست منابع

- ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۹۱)؛ مجموعه مقالات همایش علمی جبهه سوم، حماسه اسلامی ششم بهمن آمل، به کوشش دانشگاه مازندران.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن (۱۳۶۶)؛ تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبالی، تهران: انتشارات پدیده خاور.
- ابن خردادبه (۱۳۷۱)؛ مسالک الممالک، ترجمه سعید خاکروند، تهران: انتشارات میراث ملل.
- پرند نوپرواز (۱۳۸۳)؛ حزب کمونیست ایران مارکسیست لنینیست مائویست، آلمان.
- ترزبان، صادق (۱۳۷۴)، عوامل جغرافیای طبیعی سیاسی و استراتژی مازندران، مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم امل، تهران، دانشگاه امام حسین
- ترکمنی‌آذر، پروین صالح پرگاری (۱۳۸۷)؛ تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی ایران در دوره صفاریان و علویان، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)؛ جنگ و جنگل، ستاد برگزاری یاد آور شهدای جنگل‌های شمال، آمل.
- خانی، مهدی (۱۳۹۲)؛ جبهه سوم مروری باحضور سپاه و بسیج در واقعه آمل، معاونت روابط عمومی، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- دایره المعارف بزرگ دفاع مقدس (۱۳۸۹)؛ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران: جلد اول
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۴)؛ تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- شالیکار، داود (۱۳۸۰)؛ بررسی میزان تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در دفاع شهر با تکیه بر حادثه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل.
- شایان، عباس (۱۳۶۴)؛ طبرستان، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)؛ مقاومت مردمی در حماسه آمل، تهران: مرکز اسناد انقلاب.
- شکویی، حسین (۱۳۷۸)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: موسسه جغرافیایی کار تو گرافی گیتا شناسی، جلد اول، چاپ هفتم.
- صفوی، رحیم (۱۳۷۸)؛ جغرافیای نظامی ایران، تهران: دانشگاه امام حسین.
- عبدالمنافی، ضیا، پرونده ۱۸۴۲۱، مراکز اسناد ۶ بهمن، آرشیو سپاه آمل.
- عزیزی، امین (۱۳۹۳)، از شورش تا واکنش، فصلنامه مطالعات تاریخی تابستان و پاییز، شماره ۴۵ و ۴۶

-فرای، ریچارد(۱۳۶۸)؛ میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ سوم.

-کردی، علی (۱۳۸۶)؛ اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، تهران: مرکز اسناد انقلاب .

-کسروی، احمد(۱۳۵۷)؛ شهریاران گمنام، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.

-گرزین، ناصرو میرریاحی (۱۳۸۰)، تأثیر پوشش گیاهی بر عملیات نامنظم، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام حسین

-مولف گمنام(۱۳۶۲)؛ حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: ناشر کتابخانه طهوری، چاپ اول.

-نشریه حقیقت، ارگان اتحادیه کمونیست‌های ایران، (۱۳۶۲)، شماره ۱۵۶\_۱۴۷\_۱۴۸

-نعمتی، صالح، (۱۳۷۲)، پایان نامه سازمان شورش در بحران‌های جنگل‌های شمال کشور، تهران، دانشگاه امام حسین

-نیاز، علی (۱۳۷۴)، بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران، مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم امل، تهران، دانشگاه امام حسین

## نگرش تاریخی اتحادیه کمونیست‌های ایران از حادثه ششم بهمن آمل

امامعلی شعبانی<sup>۱</sup>

### چکیده:

حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل و تهاجم اتحادیه کمونیست‌های ایران به این منطقه به عنوان نقطه عطف و در عین حال سرنوشت ساز در تاریخ این جریان سیاسی معاصر شمرده می‌شود. حادثه‌ای که به زعم برخی عملاً به عمر سیاسی-نظامی آن خاتمه داد. زیرا اتحادیه بخش قابل توجهی از رهبران و اعضای اصلی خود را در این شورش نافرجام از دست داد. ضمن آن که اعتبار سیاسی-ایدئولوژیکی این جریان نیز با تردیدهای جدی رو به رو گردید. حال با توجه به اهمیت حادثه ششم بهمن آمل در عمر سیاسی این جریان، بی تردید نوع روایت از رخداد مذکور از منظر اتحادیه کمونیست‌های ایران موضوعی بسیار حائز اهمیت برای پژوهشگران معاصر و در عین حال کنشگران سیاسی داخلی و خارجی خواهد بود. لذا پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با طرح این پرسش اساسی که نگرش تاریخی اتحادیه کمونیست‌های ایران چه تاثیری بر نوع روایت از حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل داشته است؟ ضمن بررسی مهمترین آثار منتشره از اتحادیه و در راس آن کتاب «پرنده نوپرواز» به نقد و تحلیل این نگرش پرداخته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که روایت اتحادیه از حادثه آمل نه تنها در ایران و جوامع علمی-دانشگاهی، بلکه در خارج از کشور نیز اساساً مورد نقد جدی [و در بعد منفی] بوده است. در همین راستا عدم رعایت عدالت در انعکاس درست حوادث، جانبداری و یکسویه نگری حزبی، پیشداوری، عدم پذیرش ضعف و نقصانهای ایدئولوژیکی سازمان، عدم جامع نگری در نقل روایات و نیز مهمتر از آن فقدان روشمندی تاریخی و ضعف در رویکرد تحلیلی قابل استنباط می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ششم بهمن آمل، اتحادیه کمونیست‌های ایران، نگرش تاریخی، پرنده نوپرواز.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران [e.shabani@umz.ac.ir](mailto:e.shabani@umz.ac.ir)

## مقدمه

حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل نه تنها برای تاریخ معاصر ایران و به ویژه در صفحات شمالی حائز اهمیت بسیار است؛ بلکه در تاریخ چپ ایرانی و در راس آن اتحادیه کمونیست‌های ایران به عنوان نقطه عطف و رخدادی سرنوشت ساز شمرده می‌شود. زیرا نه تنها در کوتاه مدت، بلکه در درازمدت نیز نتایج و تبعات بسیار در ابعاد سیاسی و نظامی و نیز اجتماعی در پی داشت که خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد. اتحادیه کمونیست‌های ایران موسوم به سربداران در حدود چهار دهه گذشته کتابها و جزوات بسیاری در خصوص این حادثه که از آن به «قیام» نام برده و می‌برد، تدوین و در قالب‌های مختلف عرضه کرده است.

حال با توجه به اهمیت موضوع، پرسش اساسی این خواهد بود که اتحادیه کمونیست‌های ایران چه نگرش تاریخی از حادثه ششم بهمن آمل ارائه داده است؟ در همین راستا پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با نقد پژوهش محوری تشکیلات اتحادیه از ششم بهمن و با عنوان «پرنده نوپرواز» نوع تاریخنگاری آن را به نقد علمی نشسته است.

در خصوص پیشینه بایستی گفت که پژوهش از بسندگی لازم برخوردار نیست. پژوهش‌های داخلی که عمدتاً توسط پژوهشگران با صبغه نظامی تدوین و تالیف گردیده است؛ اساساً مراجعه به پژوهش‌های خارجی متعلق به جریان مخالف کمتر مورد رجوع بوده و عمدتاً تمرکز بر روایت‌های داخلی از حادثه قرار داشته است. لذا نقد علمی این نوشته‌ها و به صورت منسجم مشاهده نمی‌شود. تنها نقدهای موجود نیز در حد فضای مجازی و آنهم به صورت محدود قابل تعقیب است. در همین راستا صرفاً نقد انجام شده در داخل کشور و پیرامون تاریخنگاری اتحادیه از حوادث ششم بهمن سال ۱۳۶۰ به طور اعم و کتاب شاخص پرنده نوپرواز مطلب مختصری است که در سایت دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران نشر یافته است؛ آنهم بدون ساختار علمی، عدم توجه به معیارها و شاخصه‌های فن نقد در حوزه تاریخ و بدون مراجعه به متون و اسناد دیگر پیرامون موضوع. نقد دیگری که در خارج کشور و البته باز هم به طور مجازی و مجدداً به صورت خلاصه نشر یافته است، توسط جریان پان ایرانیست و به قلم توحید ناظم زاده با عنوان «نقدی بر کتاب پرنده نوپرواز» قابل مشاهده است که با توجه به مواضع سیاسی جریان مذکور - به ویژه در برابر اتحادیه کمونیست‌های ایران - به نظر می‌رسد خود نمی‌تواند خالی از نقد باشد. ضمن آن که به مانند نوشتار

مجازی قبلی همان ضعفها و اشکالات شکلی و محتوایی بر آن وارد خواهد بود. در حوزه پژوهشهای داخلی صرفا اثر ناصر شعبانی با عنوان «مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)» به طور جسته و گریخته و بر اساس موضوع بحث، نقد مختصری نسبت به محتوای کتاب داشته است. نتیجه آن که متأسفانه نقد کلان تاریخنگاری اتحادیه کمونیستهای ایران نسبت به حادثه مهم و در عین حال سرنوشت ساز ششم بهمن سال ۶۰ آمل و تاریخنگاری شاخص آن یعنی کتاب «پرنده نوپرواز» اساسا مورد نقد جدی علمی قرار نگرفته است. حال آن که به نظر می رسد برای فهم این نکته مهم که تاریخنگاری این جریان دارای چه نقاط قوت و وضعی است، از همان آغاز رجوع پژوهشگران داخلی و خارجی و متعاقبا استناد به منابع و مآخذ آن امر ضروری و در عین حال اجتناب ناپذیر خواهد بود.

مقاله با نقد اثر شاخص اتحادیه در خصوص حادثه ششم بهمن آمل روایت تاریخی این جریان سیاسی را به نقد نشسته است. بی تردید یافته های پژوهش می تواند بر نوع برداشتها و متعاقبا روایت های ایرانی از موضوع تاثیر گذاشته و از همه مهتر برای مراجعین به این آثار تاریخی، مفید باشد.

## مدخل

کتاب پرنده نوپرواز نخستین گزارش تاریخی است که اتحادیه کمونیستهای ایران و یا موسوم به سرداران در سال ۱۳۸۳ و پس از حدود بیست و سه سال پس از حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ در آلمان و در ۳۴۹ صفحه منتشر کرد. تا این مقطع صرفا به مناسبت ششم و یا به تعبیر اتحادیه پنجم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ روایتها و در حقیقت گزارشات تاریخی منتشر می شد. لیکن در سال ۱۳۸۳ کتاب مذکور منتشر گردید که تا به امروز نیز به عنوان یک اثر شاخص شناخته می شود.<sup>۱</sup> کتاب شامل سه فصل و البته زیرفصلهای متعدد می باشد: فصل نخست کتاب در حقیقت نوعی تاریخ شفاهی و در قالب گفتگو با یکی از اعضای اتحادیه [ و البته بدون ذکر نام] است که این گونه ادعا گردیده است که در حادثه مذکور حضور داشته است. در این قسمت شرحی از علت، چگونگی و فرآیند استقرار اتحادیه در جنگلهای آمل و سپس تهاجم آن به شهر

۱. جریان تاریخنگاری همسو با اتحادیه به ویژه در دهه ها اخیر خود بر «شکست» اتحادیه در ششم بهمن اعتراف دارند گرچه در تحلیل شکست مذکور رویکردهای خاصی را به خواننده الفاء می کند. ر.ک. به: پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳:

۱۳؛ حزب کمونیست ایران، ۱۴۰۰: ۱۳-۷.

آمل و نیز شکست گزارش گردیده است. فصل دوم به «اسناد و ضمیمه تاریخی» اختصاص دارد که خود به اعلامیه‌ها و مقالات تحلیلی اتحادیه و سپس بیانیه‌های سیاسی و نظامی شاخه نظامی-عملیاتی آن در سال ۶۰ یعنی سرداران پرداخته است. فصل سوم که در حقیقت فصل نهایی کتاب می‌باشد اسامی، تصاویر و زندگینامه اعضای اتحادیه را که در جریان جنگل آمل و به ویژه در ششم بهمن کشته شدند، به رشته تحریر درآورده است (ر.ک.به: پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۸-۷).

اثر مذکور و در فصل نخست که حدود ۲۰۰ صفحه می‌باشد، روایتی تاریخی از اقدامات اتحادیه کمونیست‌های ایران در جریان استقرار در جنگلهای آمل و سپس حمله به آن شهر در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ و نیز مختصری پرداخت به سرگذشت اتحادیه در جنگلهای آمل و پس از شکست بهمن ماه می‌باشد؛ که خود محور نقد پیش رو خواهد بود.

پژوهش سعی کرده است بدون توجه به اهداف آشکار و پنهان سیاسی نوع تاریخنگاری اتحادیه به ویژه در اثر مذکور، صرفاً از منظر معیارها و استانداردهای تاریخنگاری به بحث و بررسی علمی بپردازد. ضمناً عمدتاً محور نقد را بر جریان آمل متمرکز ساخته و چندان رویکرد کلان تاریخنگاری اتحادیه را در خصوص تحولات تاریخ معاصر ایران - به ویژه در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی - مد نظر قرار نداده است.

#### ۱. عدم عدالت در انعکاس درست حوادث

پژوهش در تاریخ اصول اولیه ای را می‌طلبد که عدم رعایت آن می‌تواند اعتبار علمی اثر را اساساً با تردیدهای جدی رو به رو سازد. در همین راستا ویژگی «عدالت» در انعکاس اخبار تاریخی در راس این اصول اولیه جای می‌گیرد. منظور از عدالت در تحقیقات تاریخی انعکاس روایت و دیدگاههای موافق و مخالف به طور توأمان است (ر.ک.به: آئینه وند، ۱۳۷۷: ۱/۶۱۴-۶۱۵). پژوهشهایی که توسط سازمان اتحادیه و در حدود چهل سال گذشته تا به امروز عرضه شده، دارای ضعف جدی در این زمینه است. شاید در آغاز تصور شود که فقدان دسترسی به آثار منتشره در داخل ایران علت امر بوده است؛ لیکن این دغدغه در یک دهه اخیر و با توجه به دسترس بودن این آثار در قالب الکترونیکی، چنین استدلالی را اساساً باطل می‌شمارد؛ البته این نقد در خصوص پژوهشهای داخلی نیز تا حدودی صادق است. پژوهشهایی که عمدتاً توسط

سازمانهای دولتی-رسمی، با صبغه نظامی و توسط محققانی با پیشینه نظامی تالیف و تدوین گردیده است].

مطالعه و بررسی در تاریخنگاری اتحادیه کمونیستهای ایران حکایت از آن دارد که اساساً استناد و ارجاع به پژوهشهای داخل ایران مورد بی مهری جدی بوده است که خود می تواند از منظر عدم تبلیغ آنان تحلیل گردد. حال آن که برخی از پژوهشهای داخلی می توانند به عنوان منابع دست اول و مورد اعتماد برای مطالعه و بررسی پیرامون حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل محسوب شوند. آنان با توجه به حضور در بطن حادثه، روایتهای قابل توجهی ارائه داده اند که خود می تواند در تحلیل صحیح حوادث محل اعتناء باشند.

عدم انعکاس درست حوادث و در حقیقت ضعف در رویکرد عادلانه در تاریخنگاری اتحادیه، پیشتر از حادثه آمل و در پرداخت به فضای سیاسی ایران سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ ش نیز به وضوح قابل احساس است. در این نوشته ها جامعه ایرانی این سالها تماماً در حالت شورش و قیام علیه حکومت، در وضعیت انفجاری و... ترسیم شده و البته از پتانسیل ها و نقاط قوت جریان حاکمیت در عرصه های مختلف و نیز حمایتها و پشتیبانی های مردمی آن کاملاً غفلت شده است (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸).

گرچه پرنده نو پرواز در صدد برآمد شکست شورش در آمل سال ۱۳۶۰ را به گردن اقلیت اتحادیه که مخالف اقدام فوری مسلحانه بود، بیاندازد؛ لیکن نبایستی نادیده گرفت که این امر چندان نمی توانست تاثیر چندانی در نتیجه شورش ایجاد نماید. مطابق آن: «مشکل واقعی که در بقیه بخشهای تشکیلات با آن روبرو بودیم برخورد منفعلانه و کارشکنانه اقلیت سازمان بود. عملاً تشکیلات تهران تحت نفوذ و کنترل آنان قرار داشت و آنان در بسیاری مواقع حاضر نبودند امکانات سازمان را در اختیار فعالیتهای تدارکاتی جنگل قرار دهند» (همان: ۶۵) واقعیت امر آن است که وزن و اعتبار اتحادیه در جامعه آنروزین ایران فراتر از این میزان نبود؛ لذا مهمترین عامل شکست را می بایست در حقیقت در فقدان تعامل با جامعه جستجو کرد و نه عدم همراهی بخش اقلیت سازمان. شاید همراهی اقلیت می توانست مدت زمان شورش را طولانی کند؛ لیکن در خصوص موفقیت آن همچنان تردیدهای جدی وجود داشته و دارد.

طرح این ادعا که مردم برخی محلات شهر آمل از مشاهده شورش اتحادیه خوشحال و با آنان همدلی و همراهی کردند (همان: ۵۸)، نقد جدی دیگری است که خود به دور از واقعیات تاریخی قابل تحلیل خواهد بود. در همین راستا به نظر می رسد در جهت

القاء محبوبیت مردمی اتحادیه و سازمان شورش آن یعنی سربداران در مناطق شمالی و به ویژه آمل از یکسو و متعاقبا رویکرد مخالف آنان علیه جمهوری اسلامی از دیگر سو بیان گردید. یعنی در حقیقت نوعی تصویر سازیهای غیر واقعی و نیز تحریف واقعیات مد نظر بوده است. زیرا اسناد و شواهد تاریخی بر عدم همراهی اکثریت مردم شهر و صرفا همراهی تعداد بسیار معدودی از آنان با شورش اتحادیه حکایت دارند(ر.ک.به: کردی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۲).

گرچه این ادعا مطرح شده است که مخالفان حکومت از شهر بابل به کمک شورش آمدند و یا گروه «آرمان مستضعفین» و یا حتی «سازمان مجاهدین خلق» علیرغم دستورات سازمانی شان، به صفوف ما پیوستند(پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۱۲۰)؛ لیکن شواهد میدانی حکایت از انگیزه های تبلیغی این ادعا و خلاف واقع بودن آن -لااقل با این شدت و قاطعیت- دارد(شعبانی، ۱۳۹۴: ۵۰۸). ضمن آن که حتی دیگر منابع اتحادیه و البته مربوط به سالهای اخیر اعتراف دارند که مردم به دلائل مختلفی از جمله عدم آمادگی و مهمتر از آن فقدان برنامه از سوی اتحادیه برای سازماندهی، به ویژه در روز ششم بهمن سال ۱۳۶۰ با آنان همراهی نکردند و حتی گاهی به نفع حاکمیت وارد عمل شدند(حزب کمونیست ایران، ۱۴۰۰: ۸۵-۸۳، ۶۱).

«پرنده نو پرواز» بدون رعایت عدالت در بیان واقعیتهای، علت موفقیت‌های اولیه اتحادیه و شاخه نظامی آن یعنی سربداران را در جنگلهای آمل به «ضعف و بی‌پایگی مفرط رژیم»(پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۳۴) معطوف می‌داند.<sup>۱</sup> حال آن که واقعیت امر آن است که بخش اصلی توجه جمهوری اسلامی در این مقطع حساس تماما معطوف به جنگ ایران و عراق بوده و این مساله چندان به بی‌پایگی آن مرتبط نبوده است. یعنی نوشته در حقیقت با یک فرافکنی آشکار خواسته است، ضعف مفرط حاکمیت از یکسو و اقتدار اتحادیه را از دیگر سو به مخاطب القاء سازد.

اعلان آمار و ارقام خلاف واقع و اغراق آمیز از نیروهای نظامی و مردمی همسو با جریان حاکمیت در جریان جنگل نقد دیگریست که بر این پژوهشها وارد است. به طور مثال پرنده نو پرواز این گونه ادعا می‌کند که در ۲۲ آبانماه سال ۱۳۶۰ حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از نیروهای دولتی برای سرکوب حدود صد نفر از نیروهای اتحادیه

<sup>۱</sup>. پرنده نو پرواز قلت نیروهای نظامی در شهر را به عدم محبوبیت مردمی و بی‌پایگی نظام تحلیل می‌کند-پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۵۰؛ حال آن که در این خصوص بایستی گفت در این مقطع نیروهای نظامی عمدتا در جبهه های جنگ تجمیلی و در مرزهای غربی حضور داشتند.



وارد جنگل شدند(همان: ۵۴). حال آن که واقعیت امر به گونه ای دیگر است و چنین ارقام و آماری اساساً هیچگونه واقعیتی نداشته است. در همین راستا به نظر می رسد شکست نیروهای دولتی و شهادت حدود ۱۱ نفر از نیروهای ارتشی و سپاهی خود موجب گردید تا توصیه اغراق آمیز و توأم با افسانه در خصوص توان نظامی اتحادیه و برای اهداف سیاسی در دستور کار قرار گیرد. منابع داخلی که خود از شاهدان عملیات مذکور بودند، تعداد نیروهای دولتی را حدود ۱۲۰ نفر و نه عدد اغراق آمیز پرنده نوپرواز اعلان داشته اند(حماسه اسلامی مردم آمل، ۱۳۶۱: ۱۳؛ سیاحی، ۱۳۹۶: ۱۶۵-۱۶۰).<sup>۱</sup> در اثبات ارائه آمارهای غیر واقعی باید به تعداد شهدای مردمی و نظامی آمل در روز ششم بهمن اشاره کرد که عدد ۴۰ را نشان می دهد. لیکن تاریخنگاری رسمی اتحادیه آن را ۲۰۰ نفر و تعداد زخمی ها را حدود ۵۰۰ نفر اعلان کرده است که اساساً با واقعیات فاصله بسیاری دارد(همان: ۱۳۲). در خصوص تعداد افراد نظامی حاضر در روز ششم بهمن نیز کتاب مذکور به عددی اشاره دارد که البته غیر واقعی به نظر می رسد و آن حدود ده هزار نفر نیروهای سپاهی و ارتشی است(همان: ۱۱۲-۱۱۱). حال آن که این عدد با توجه به شرایط جنگی مرزهای غربی و نیز سرعت حوادث در روز ششم بهمن غیر قابل قبول و اغراق آمیز خواهد بود. ضمن آن به نظر می رسد توجیه شکست نیروهای نظامی اتحادیه را نشانه دارد

(http://irhistory.ir)

انتخاب عنوان «سربداران» توسط اتحادیه و برای تشکیلات نظامی دخیل در حادثه ششم بهمن و مهمتر از آن ذکر آن بر روی جلد کتاب و تکرار صدها باره آن در متن نیز خود به لحاظ تاریخی محل نقد جدی خواهد بود. منابع تاریخی تصریح دارند که نهضت سربداران اساساً به لحاظ ماهیت، یک نهضت مذهبی-شیعی بود(ر.ک. به: شهرستانی، ۱۳۷۵: ۲۱-۱۷). فلذا مصادره به مطلوب این نهضت توسط اتحادیه خود از جعلیات تاریخی و البته از منظر اهداف سیاسی قابل تعقیب خواهد بود. در همین راستا به نظر می رسد بستر و موضوعیت تاریخی یعنی خاستگاه آملی رهبران معنوی نهضت سربداران و نیز تاثیرات بسیار سربداران مازندران از سربداران خراسان و در

<sup>۱</sup> منابع داخلی ضمن اعتراف به شکست سنگین نظامی در این عملیات، علت آن را به ایجاد کمین توسط اتحادیه، ترکیب نیروهای عمل کننده و وجود گروههای ناهمگون، فقدان شناسایی منطقه و نیز پتانسیلها و ظرفیتهای اتحادیه کمونیستهای ایران، ضعف در آموزش نیروها، شتابزدگی در عملیات و فقدان نیروهای عملیاتی کارآمد می دانند- سیاحی، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۶۶.

ابعاد و زمینه‌های مختلف، خود مشوق لازم برای مصادره این عنوان توسط اتحادیه کمونیست‌های ایران بوده است. هدف از آن نیز کسب محبوبیت، تبلیغ سیاسی و مهمتر از آن ایجاد شور و هیجان در بین اعضاء و طرفداران بوده است. ضمن آن که می‌تواند از منظر شبیه‌سازی حکومت مقابل سربداران برای تخریب چهره جمهوری اسلامی قابل تحلیل باشد. در هر صورت در بیگانگی مذهبی اعضای اتحادیه همین بس که اصلا بدیهی‌ترین اصول اسلامی و به ویژه مسائل شرعی آن از جمله نماز و روزه توسط اعضاء رعایت نمی‌شده و اعتقادی بدان نبوده است؛ که خود می‌تواند تحت تاثیر اندیشه‌های مارکسیستی از دین و مذهب باشد. در هر صورت انتخاب عنوان نامسمای «سربداران» برای اتحادیه کمونیست‌های ایران و در حادثه ششم بهمن می‌تواند محل نقد جدی باشد. علاوه بر موارد پیش گفته، احتمالاً بهره برداری از صبغه و وجهه ناسیونالیستی جنبش سربداران و در حقیقت «شبیه‌سازی در ناسیونالیسم» برای پیشبرد منافع -ولو به صورت گذرا- مد نظر این جریان سیاسی بوده است (pan-rani st. info).

عدم رعایت عدالت در انعکاس خبر حتی خود را در تضاد روایت‌های بین پژوهش‌های منتسب به جریان اتحادیه نیز به نمایش می‌گذارد. به طور مثال پرنده نو پرواز گاهی از رهبران نظامی اتحادیه در حادثه آمل به عنوان نوادر و اعجوبه‌های نظامی یاد و البته عجیب آن که در صفحات دیگر به اشتباهات مکرر و در عین حال فاحش آنان در اتخاذ تصمیم درست به ویژه در صحنه‌های عملیاتی اشاره دارد. نمونه‌های متعددی از آن در کتاب مذکور قابل تعقیب است (جهت نمونه‌ها ر.ک.به: پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۱۰۳، ۷۷، ۷۴، ۵۹).

وزن و اعتباردهی بیش از واقع به حوادث، اشخاص و جریان‌ات همسو و تقلیل جایگاه در جریان مخالف از دیگر نقدهایی است که می‌توان به پژوهش مذکور وارد ساخت. مطابق آن نیروهای دولتی تماماً ترسو، نا امید و روحیه باخته معرفی می‌شوند. حال آن که نیروهای خودی را دارای روحیه عالی، بی نظیر و تعرضی توصیف می‌کند (جهت نمونه‌ها ر.ک.به: پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱). در همینجا لازم به ذکر است که اتحادیه کمونیست‌های ایران اساساً در میان جریان‌ات چپ ایرانی اواخر دهه پنجاه و اوائل دهه شصت به گروهی کوچک و گمنام شناخته می‌شد و چندان شان و پایگاهی در بین آنان نداشته است (http://irhistory.ir).

پرداخت منحصر به فرد و البته به نظر می‌رسد اعتراف عجیب پرنده نو پرواز در خصوص اقدام غیر قابل توجیه و با رنگ و بویی از خیانت سرقت سلاح از جبهه‌های

جنوب و حمل آن به شمال ایران برای گشودن جبهه جدید و آنهم در پشت جبهه - علیرغم همه نگاههای منفی و سنگین و در عین حال غیرقابل توجیه که ممکن است در سال نخست جنگ و مواجهه با حملات سهمگین عراق در اذهان شکل گیرد- خود می تواند از رویکرد منصفانه تاریخنگاری مذکور و البته به طور استثنایی یاد شود(پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۳۲). این اقدام در حالی صورت می پذیرفت که برخی از رهبران اتحادیه، دفاع ایران در مقابل تهاجم عراق را عادلانه و قابل توجیه می دانستند(آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده حسین تاجمیر ریاحی، ش ۲۴۱۷۶).

## ۲. پیشداوری و تفوق نگاه ایدئولوژیکی

«پیشداوری» در عرصه علمی از آسیبهای جدی در حوزه پژوهشهای تاریخی محسوب می شود. به ویژه اگر این پیشداوری با نگاه ایدئولوژیکی حزبی و سازمانی و یا جناحی در هم آمیزد. لذا بی علت نیست که فقدان پیش داوری از اصول اولیه و پیش شرطهای یک پژوهش علمی تاریخی محسوب می شود(ملایی توانی، ۱۳۹۹: ۵۶). ایدئولوژی علمی متضمن به کارگیری مفهوم شبهه ناک علم و به همان اندازه مفهوم شبهه آمیز حقیقت یا صدق است که غالباً هممنشین آن است و معمولاً از آن در دفاع از مواضع سیاسی و محافظه کارانه بهره برداری می شود. مطابق آن صاحبان تفکرات ایدئولوژیک به مقولات کلی علم و روش علمی برای طرد و وانهادن یا از بین بردن و سرکوبی حوزه هایی از پژوهش متوسل می شوند. حال آن که هیچ تلقی ابدی و جهانشمولی از علم یا روش علمی وجود ندارد و یا ما امکانات و منابع نیل به چنین تلقی هایی و دفاع از آنها را در اختیار نداریم و نمی توانیم پاره ای از معرفتها را به علت این که با معیار از پیش موجود علمی وفق نمی کنند، بپذیریم یا کنار بگذاریم. در همین راستا رویکرد مارکسیستی از تاریخ در این زمینه مورد نقد جدی قرار دارد(چالمرز، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

مطابق قاعده استثنائاً ارزشمند و ذیقیمت «تجاهل» پژوهشگر می بایست قبل از آغاز تحقیق و به عنوان پیش شرط تا سر حد امکان ذهن خویش را از محفوظات و اطلاعات قلبی که ممکن است در نتیجه تحقیق او اثر نامطلوب بگذارد، رهایی بخشد. همچنین درباره هر چیزی در حوزه مورد مطالعه اش تردید کند و با این ذهن خالی به سراغ گردآوری داده ها رهنمون شود. گسستن از دلبستگیها و وابستگیها و پرهیز از

هر گونه پیشداوری، قضاوت عجولانه، جانبداری و داوریه‌های ناصواب باعث می‌شود تحقیق از مرحله گردآوری اطلاعات تا تجزیه و تحلیل جریان طبیعی خود را حفظ کند (ملایی توانی، ۱۳۹۹: ۵۶-۵۵).

بررسی آثار منتشره توسط اتحادیه کمونیست‌های ایران و در راس آن پرنده نوپرواز حکایت از این واقعیت دارد که پیشداوری و نگاه ایدئولوژیکی در این پژوهشها در دستور کار قرار داشته است. شاید علت این امر به چند مساله باز گردد: اتحادیه هنوز به عنوان یک جریان زنده در عرصه سیاسی فعالیت دارد و بی تردید منافع سیاسی-تبلیغی آن حکم می‌کند که منافع حزبی-سازمانی خود را در عرصه علمی مد نظر قرار دهد. علاوه بر این روایت‌های تاریخی از حادثه ششم بهمن آمل بر اساس گزارشات و منابعی انجام شده است که اساسا هیچگاه با رویکرد نقادانه بدانان پرداخته نشده است. ضمن آن که همان نقدی که بر جریان چپ در جهان و به ویژه در ایران مطرح بوده و است، در خصوص اتحادیه و علیرغم وجود متمایزه آن از جمله تعلق به چپ چینی یا مائوئیستی<sup>۱</sup> نیز صادق است. در تحلیل آن بایستی به نوع رویکرد تاریخنگاری چپ در خصوص تضاد طبقاتی، نقش عوامل اقتصادی در تحولات تاریخی، مراحل تکامل طبقاتی، ادعای علمی بودن ماتریالیسم تاریخی و محورهایی از این دست اشاره کرد؛ که خود در نوع نگرشهای تاریخی آن اثرگذار بوده است (ر.ک. به: بشیریه، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۹۹۵-۹۹۰).

در همین راستا بی توجهی به روایت‌های متفاوت و متضاد با قرائت و پیش فرضهای رسمی ایدئولوژیکی حزبی-سیاسی چپ و به ویژه اتحادیه کمونیست‌های ایران در بیان گزاره های تاریخی قابل مشاهده است. البته پژوهش متاخر اتحادیه یعنی کتاب «اسناد تاریخی قیام آمل» سعی کرده است که با بیان روایت‌های متفاوت و حتی بعضا متضاد از ماهیت و اقدامات اتحادیه در جریان آمل، خود را مبرا از این نقد نشان دهد. لیکن واقعیت امر آن است که بیان روایت های متفاوت و یا گاهی متضاد صرفا در مورد جریان «اقلیت» اتحادیه که اساسا با قیام فوری جریان اکثریت مخالف بوده است، اشاره دارد و به نظرات و دیدگاههای نویسندگان و پژوهشگران فراتر از اتحادیه اساسا بی توجهی نشان داده است (ر.ک. به: حزب کمونیست ایران، ۱۴۰۰: ۱۵-۱۴).

<sup>۱</sup>. اتحادیه کمونیست‌های ایران سازمانی کمونیستی بود که منش و رفتار مائو تسه تونگ رهبر و موسس چین کمونیست را در سرلوحه کار خود قرار داده بود. مهمترین نشریه اتحادیه، نشریه «حقیقت» بود (ر.ک. به: نیاز، ۱۳۷۳: ۱۱۸-۱۱۷؛ هگنر، ۱۳۸۵: ۲۰).

مهمتر از آن ترسیم جایگاهی بسیار مهم در جریان چپ ایرانی و در اواخر دهه پنجاه و اوائل دهه شصت از دیگر انتقاداتی است که می توان بر آثار منتشره توسط اتحادیه وارد ساخت. حال آن که به نظر می رسد این جریان مائوئیستی به دلایل مختلف در قیاس با دیگر جریانات چپ چندان جایگاه ممتازی نداشته است. این تحلیل از طریق میزان نفوذ در تحولات مهم تاریخی، تعداد هوادار، تنوع جغرافیای نفوذ، تشکیلات، ضریب تاثیر و ... قابل استنباط خواهد بود (<http://irhistory.ir>). گرچه پژوهش بر این باور است که اقدام اتحادیه در بهمن سال ۶۰ البته توانست به لحاظ تبلیغی - و نه ماهیتی - برای آن مفید باشد.<sup>۱</sup>

تحت تاثیر خط مشی تاریخ نویسی کلان چپ، محصور بودن در تئوریه‌ها و نظریات مائوئیستی، ضعف در درک واقعیتها، جزمیت چپ در تزه‌های مارکسیستی، خویشتن پنداری و برداشت این نکته که اتحادیه کمونیستهای ایران دارای رسالت تاریخی بوده و این رسالت بدان واگذار شده، از جمله نقدهای جدیست که در مفهوم منفی بدان وارد است (همان).

مصادره به مطلوب بخشی از قشرهای پایین جامعه و در راس آن کارگر و کشاورز و عدم توجه به حضور آن در جریان رقیب یعنی جمهوری اسلامی - به ویژه در عرصه های مهمی چون جنگ تحمیلی و نیز ایجاد امنیت در داخل کشور - از دیگر نقدهای جدی است که می توان بر نوع تاریخنگاری اتحادیه کمونیستهای ایران وارد ساخت (همان). در همین راستا ادعایی که در کتاب پرنده نو پرواز به گونه‌ای تصنعی بر آن تأکید مکرر صورت می‌گیرد، طرح برخورداری اتحادیه از حمایتهای بیدریغ و گسترده مردمی در طول ماههای استقرار در جنگل و نیز هنگام غائله آفرینی در شهر آمل است (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۱۱۳-۱۱۲، ۶۲).<sup>۲</sup> آنچه باعث می‌شود تا این

<sup>۱</sup> البته در همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع به امر رایجی تبدیل شد که هر چند نفر فعال مارکسیست که دور هم جمع می‌شدند، خود را حزب یا سازمان می‌نامیدند و ادعا می‌کردند که پیشاهنگ راستین طبقه کارگر هستند - بهروز، ۱۳۸۰: ۱۸۳.

<sup>۲</sup> عجیب آن که در دیگر آثار منتشره از اتحادیه به ویژه کتاب اسناد قیام تاریخی آمل به صراحت و به طور مکرر اعتراف شده است که اساسا مردم آمل از آنان و به دلایل مختلف حمایت نکردند. البته در کالبد شکافی از آن به فقدان سازماندهی مردم توسط اتحادیه توجیه دارند. در همین راستا حتی در خصوص عدم همراهی کارگران با آنان نیز این گونه ادعا دارند که کارگران علیرغم رویکرد انتقادی نسبت به حاکمیت و همسویی با اتحادیه، آمادگی و شرایط لازم را برای همراهی مسلحانه با اقدام نظامی اتحادیه در جریان جنگ آمل نداشتند - حزب کمونیست ایران،

تصویرسازی و جعل واقعیت بسرعت از پرده بیرون افتد، افراطی است که بدون توجه به جوانب آن از سوی فرد ناشناس در این زمینه صورت می‌گیرد. در تصویر ارائه شده، مردم کاملاً حامی شورشیان هستند و به هر نحو ممکن از آنها پشتیبانی به عمل می‌آورند و بی صبرانه مشتاق‌اند تا این نیروها هرچه زودتر شهر آمل را آزاد سازند و بلافاصله پس از آن نیز دیگر شهرهای کشور آزاد شوند و طبعاً یک حکومت کمونیستی اداره امور مملکت را برعهده گیرد. قاعدتا نخستین سؤالی که با فرض صحت این گونه ادعاها مطرح می‌شود آن است که اگر چنین همراهی، همدلی و هماهنگی‌ای میان مردم و اتحادیه وجود داشت، چرا حرکت این اتحادیه به فرجام مورد نظر طراحان آن نرسید؟ آیا در صورت درستی این مسئله، همان‌طور که اتحادیه انتظار داشت نمی‌بایست به محض آغاز عملیات، مردم گروه‌گروه به آنها می‌پیوستند و با تصرف کلانتری‌ها و مراکز نظامی - همان‌گونه که در ۲۲ بهمن ۵۷ اتفاق افتاد - بسرعت مسلح می‌شدند و قدرت را به اتحادیه منتقل می‌ساختند؟ آیا می‌توان با طرح اقدامات سرکوبگرانه، انفعال مردم را که تا آن حد همدل و پشتیبان اتحادیه بودند، توجیه کرد؟ (<http://irhistory.ir>).

علاوه بر این حکومتی و غیر مردمی پنداشتن مدافعین شهر و جنگل و در ایام استقرار و شورش اتحادیه خود نقد دیگری است که می‌توان بر روایت تاریخنگاری کلان اتحادیه به طور اعم و در خصوص کتاب پرنده نو پرواز اشاره داشت. در حالی که واقعیت امر آن است که نیروهای مردمی به دلائل مختلف در کنار نیروهای نظامی و در بخش‌های اطلاعاتی، نظامی و پشتیبانی قرار داشتند (در این خصوص ر.ک. به: خانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳، ۱۷۱؛ شمشیربند، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۱۹).

طرح و تبلیغ این دیدگاه از سوی جریان اتحادیه کمونیست‌های ایران که نجات و رهایی صرفاً از گلوله تفنگ و با قیام مسلحانه فوری تحقق پذیر است؛ خود از رویکرد ایدئولوژیکی تاریخنگاری اتحادیه و البته تحت تاثیر مانیفیسیت این جریان قابل تحلیل خواهد بود (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۲۲).

تصویرسازی حماسی - افسانه‌ای و در حقیقت خیال پردازانه از نیروهای اتحادیه در جریان عملیات‌های داخل جنگل و نیز در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ از یکسو و تحقیر توانمندی‌های جریان مخالف از سوی دیگر از دیگر نقدهایی است که بر تاریخنگاری اتحادیه و به ویژه در کتاب پرنده نو پرواز قابل طرح خواهد بود (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۵۹، ۴۷، ۳۵). این امر به نظر می‌رسد بیشتر تحت تاثیر ایدئولوژی حزبی سازمانی و از سر تحریک و تشجیع هواداران اتحادیه صورت پذیرفته است. نکته ظریف

همینجا آن است که گاهی در این امر دچار تناقض نیز می شود. به طور مثال از برخی فرماندهان شورشی به عنوان نوادر نظامی دوران و یا قابلیت های فرابشری یاد می کند، و البته در جای دیگر به ضعف و نقصانهای غیر قابل دفاع آنها در عرصه های نظامی اشاره دارد؛ مطالبی که با تمجیدهای پیشین هیچگونه سنجیدگی ندارد(ر.ک.به: همان: ۷۷، ۷۴، ۵۹؛ <http://irhistory.ir>).

ذکر عبارت «سربداران خصوصیات انقلابی هر بخش از پرولترهای ایران را نمایندگی می کنند. خصوصیتی که برای سازماندهی انقلاب به هر یک از آنها نیاز است. در سربداران متانت، دوراندیشی و دیسپلین پرولترهای خوزستانی، رزمندگی، رشادت و جنگاری پرولترهای کرد، خشم و قاطعیت پرولترهای آذری، استقامت پرولترهای عرب، بی صبری انقلابی پرولترهای شمالی و سرسختی پرولترهای لر و بلوچ یکجا گردآوری شده بود»(پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۳۶)؛ خود ترسیم چهره ای خیالی و در عین حال غلوآمیز از اعضای آن و تحت تاثیر ایدئولوژی القایی اتحادیه قابل استنباط خواهد بود.

اتحادیه کمونیستهای ایران در «پرنده نو پرواز» و یک رویکرد تخیلی خود را وارث انقلاب آمل معرفی و مدعی تاثیرات بسیار این حادثه در تاریخ چپ و حتی در عرصه منطقه ای و جهانی است(همان: ۲۱۸-۲۱۷؛ ۱۴۶-۱۴۴)؛ که خود به نظر می رسد محصور گردیدن در حصار تنگ ایدئولوژی چپ در بیان آن بی تاثیر نبوده است.

### ۳. فقدان روشمندی تاریخی

یکی از پیش شرطهای اولیه پژوهش در تاریخ رعایت اصول و روشهای تاریخنگاری می باشد. مطالعه و بررسی آثار منتشر توسط اتحادیه کمونیستهای ایران بیانگر این واقعیت است که نویسندگان آن عمدتاً فاقد سواد تاریخی به لحاظ روشی بوده اند. برای اثبات این امر می توان به عدم استناد و ارجاع به منابع و یا لاقلاً مآخذ، عدم استفاده و در حقیقت عدم اشراف [عامدانه و یا غیر عامدانه] به روشهای اعتبار سنجی و در راس آن ترجیح به مورخ یا روای و یا ترجیح به سند یا روایت اشاره کرد. نقدی که به وضوح در تاریخنگاری اتحادیه کمونیستهای ایران به ویژه در تدوین حوادث آمل قابل مشاهده است. نه تنها اثر شاخص تاریخنگاری اتحادیه یعنی پرنده نو پرواز، بلکه حتی تاریخنگاریهای بعدی این جریان سیاسی(به طور مثال «اسناد تاریخی قیام

آمل» فاقد استناد به منابع و مآخذ است. ضمن آن که هیچ خبری از مراحل و معیارهای اعتبار سنجی حوادث تاریخی نیست.

از همان آغاز می‌توان به عنوان کتاب اشاره کرد؛ که خود با سوء گیری و جهت سیاسی و به دور از اصول اولیه در پژوهش‌های تاریخی تعریف گردیده و البته محل نقد جدی به لحاظ علمی است. عبارت «پرنده نو پرواز» خود برگرفته از شعر معروف «پریدن»<sup>۱</sup> [ که اتفاقاً در سال ۱۳۵۶ و در خارج از ایران سروده شد] از احمد شاملو است.<sup>۲</sup> زیرا اساساً با جهت گیری احساسی و در جهت تاثیرگذاری بر مخاطب انتخاب گردیده و البته با پیش شرطهای انتخاب موضوع در پژوهش‌های تاریخی کاملاً بیگانه است.

بیان مطالب متناقض و گاهی متضاد توأم با جعل و تحریف در انعکاس حوادث تاریخی نقد دیگری است که نسبت به اثر پیش رو وارد است. در یک نمونه شاخص می‌توان به مساله جنگ ایران و عراق اشاره کرد. در کتاب و نسبت به این امر مهم و در عین حال ملی از همان آغاز این گونه آمده است که «جنگ ایران و عراق جنگ طبقه ما نبود و شرکت نیروهای ما جز برای تامین اسلحه هیچ نفع دیگری نداشت» (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۳۲). بیان مطلبی که در تعارض جدی با مواضع سازمان و در مقاطع مختلف است. زیرا اتحادیه بنا بر مشی فکری خود و آنچه دفاع از تمامیت ارضی کشور و مبارزه با امپریالیسم آمریکا می‌دانست، در جبهه جنگ حضور داشت و حتی تعدادی از اعضای آن در جبهه کشته شدند. علاوه بر این حسین تاجمیر ریاحی از رهبران این سازمان در خصوص چگونگی تامین سلاح برای حمله به آمل با صراحت اعلان کرد که «ما برای تامین اسلحه به جبهه نرفتیم. اگر قصد به تامین اسلحه

۱. رها شده بر گرده باد است و/ با بی ثباتی سیماب وار هوا برآمدن/ به اعتماد استقامت بالهای خویش/ ورنه مساله ای نیست: پرنده نو پرواز/ برآسمان بلند/ سرانجام/ پر باز می کند...- شاملو: ۱۳۷۸: ۸۴۶/۲.

۲. نه تنها در انتخاب عنوان کتاب از اشعار احمد شاملو شاعر معروف ایرانی مصادره به مطلوب شده، بلکه حتی در آغاز هر یک از فصول کتاب نیز دیگر اشعار وی با مضامین سیاسی درج گردیده است. این اقدام به نظر می‌رسد جهت تاثیرگذاری هر چه بیشتر بر اذهان خوانندگان و در حقیقت فضا سازی و هدایت ذهنی انجام شده است.

۳. بیان این جمله و نمونه های متعدد دیگر در پرنده نو پرواز خود از تمایل اتحادیه به تزریق تفکر انترناسیونالیستی دارد؛ که البته خود با بخشهای دیگر کتاب تعارض می‌یابد. در همین راستا کاربرد واژه «خلیج» به جای نام «خلیج فارس» احتمالاً برای کم اهمیت نشان دادن ایده های ملی و تبلیغ نوعی از انترناسیونالیسم که سرنوشت کارگران ایران و جهان برایش اهمیتی بیش از تمامیت ارضی کشوری که زیر بمب و راکت نیروهای عراقی است، نمی‌تواند منطقی باشد -pan-i rani st i nf o.



داشتیم به راحتی می توانستیم از کردستان تهیه کنیم... ما برای دفاع از وطن به جبهه رفتیم» (آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده حسین تاجمیر ریاحی، ش ۲۴۱۷۶). در همین رابطه مواضع سازمان لاقلا تا آذرماه سال ۱۳۶۰ در دفاع از جنگ و محکومیت رژیم بعثی بوده است.<sup>۱</sup> چنانچه نشریه «حقیقت» در ۳ آذر ۱۳۶۰ این گونه آورده است که: «بسیج مردم و کلیه امکانات مادی و معنوی کشور برای نجات خوزستان و بیرون ریختن تجاوزکاران بعثی از خاک کشور... برای دفاع از میهن در برابر دخالت‌های قدرتهای بزرگ و احیاناً تجاوز نظامی آمریکا و روس و دست نشاندهانشان به خاک کشور ما...» (نشریه حقیقت، شماره ۱۴۷، آذر ۱۳۶۰). البته عجیب آن که در همین شماره در حالی که از جنگ دفاع می شود، در سوی دیگر از سرنگونی حکومت نیز سخن گفته می شود- همان: همانجا.

گرچه از همان آغاز ادعا گردیده که کتاب حاصل گفتگو با یک رفیق سردار است، لیکن از آنجایی که کتاب در خارج از ایران (آلمان) در اوائل دهه هشتاد شمسی تالیف گردیده است، قاعدتاً نمی بایست خطر چندانی متوجه نام «رفیق سردار» بوده باشد. ضمن آن که عدم ذکر نام وی مانع از رجوع پژوهشگران این حوزه و در خصوص فرآیند تهیه اسناد و تدوین مطالب گردیده است. حال این گمانه بیراه نخواهد بود که احتمالاً نه نویسنده که نویسندگان کتاب خود شاهد دسته اول ماجرای آمل نبودند و با کسب اطلاعات از دیگران اقدام به نگارش آن کرده اند (pan-i rani st. i nf o). در هر صورت عدم ذکر نام نویسنده و یا نویسندگان خود بر اعتبار علمی کتاب تاثیر نامطلوبی خواهد گذاشت.

در خاتمه این مبحث لازم به ذکر است که علاوه بر موارد پیش گفته در نقد تاریخنگاری اتحادیه کمونیستهای ایران از حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل، غلبه رویکرد تاریخ نقلی بر تاریخ تحلیلی است. روایت ششم بهمن صرفاً از منظر داستانی- نقلی بدان پرداخته شده و نویسنده و یا نویسندگان خود را موظف به تحلیل حوادث کمتر یافته اند.

## نتیجه گیری

<sup>۱</sup>. در خصوص فراز و نشیبهای مواضع اتحادیه کمونیستهای ایران در خصوص جنگ تحمیلی ر.ک.به: کردی، ۱۳۸۶:

اتحادیه کمونیست‌های ایران در انعکاس حادثه مهم و اثرگذار ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل نگرش خاصی از تاریخنگاری را به مخاطب القاء می‌کند. مطابق آن، ارائه روایتی واژگونه، مجعول، داستان‌سرایی و نیز تحلیل‌های غیر واقعی و دچار تحریفات تاریخی در دستور کار قرار داشته است. علاوه بر این و در نتیجه محصور بودن در تئوریه‌ها و نظریات مارکسیستی، لنینیستی و مائوئیستی اساساً قدرت مشاهده و درک واقعیتها از نویسنده و یا نویسندگان آن سلب گردیده است. لذا بی‌علت نیست که جهت‌گیری سیاسی در نگرش تاریخی و در پرداخت به جریان آمل خود را به نمایش می‌گذارد. طرح مسائلی که اصلاً در تصور هیئت رهبری اتحادیه و در سال ۱۳۶۰ مطرح نبوده و اولین بار و در راستای جعل و تحریف تاریخ و در حقیقت مهندسی ذهنی مخاطبان توسط تاریخنگاری اتحادیه کمونیست‌های ایران ارائه و در حقیقت به مخاطب القاء گردیده، نقد دیگریست که در مفهوم منفی بدان وارد است. ضمن آن توجیه اقدامات و عملکردهای گذشته و در خلا موجود پیرامون پژوهش‌های علمی پیرامون حادثه ششم بهمن، مورد تعقیب قرار داشته است. فقدان عدالت در انعکاس درست حوادث تاریخی و فقدان روشمندی تاریخی خود موجب گردیده است تا ادعایی را پیرامون حادثه ششم بهمن شاهد باشیم که اساساً با واقعیات تاریخی فاصله بسیاری دارد. در همین راستا نگرستن به گذشته با نگاه امروزین، ارائه تصورات و تحلیلهای غیر واقعی و گاهی توأم با تناقض، طرح مباحثی آنهم بدون سند و مدرک و گاهی ارائه اسنادی بدون اعتبارسنجی علمی در فن تاریخ از ضعفهای جدیست که بر نوع تاریخنگاری اتحادیه کمونیست‌های ایران از واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ و به ویژه در تاریخنگاری رسمی آن قابل تعقیب است. ضمن آن که بایستی پذیرفت که پرداخت به این حادثه سرنوشت در تاریخ معاصر ایران و البته ارائه قرائت خارج از جغرافیای رسمی ایران امروز از حادثه مذکور خود از نقاط قوت آن شمرده می‌شود.

### فهرست منابع

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده حسین تاجمیر ریاحی، ش ۲۴۱۷۶
- آئینه وند، صادق (۱۳۷۷)، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰)، **ناکامی چپ در ایران**، ترجمه محمد مهدی پرتوی، تهران: نشر ققنوس.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳)، **مارکسیسم ساخت گرا**، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۸۰-۷۹.
- **پرنده نو پرواز** (۱۳۸۳)، آلمان: حزب کمونیست ایران.
- چالمرز، آلن فرانسیس (۱۳۷۹)، **چیستی علم: در آمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی**، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۹)، **در آمدی بر روش پژوهش در تاریخ**، تهران: نشر نی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، **حزب توده**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- **حماسه اسلامی مردم آمل** (۱۳۶۱)، مازندران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۳.
- حزب کمونیست ایران (۱۴۰۰)، **اسناد تاریخی قیام آمل**، بی جا: انتشارات حزب کمونیست ایران
- خانی، مهدی (۱۳۷۴)، **مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل**، تهران: مرکز مطالعات و پژوهشهای ارتش بیست میلیونی.
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، **شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- سیاحی، اسماعیل (۱۳۹۶)، **باور نماز**، ساری: انتشارات سرو سرخ.
- شاملو، احمد (۱۳۷۸)، **مجموعه آثار**، دفتر یکم، ج ۲، تهران: زمانه.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، **مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوای واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شمشیربند، علیجان (۱۳۹۵)، **شار و شرر**، ساری: انتشارات سرو سرخ.
- شهرستانی، محمدعلی (۱۳۷۵)، **سربداران خراسان و مازندران**، بی جا: مولف.

-کردی، علی (۱۳۸۶)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه ی آمل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

-نشریه حقیقت، اتحادیه کمونیست‌های ایران، شماره ۱۴۷، آذر ۱۳۶۰

-نیاز، کیومرث (۱۳۷۳)، «بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران»، مجموعه مقالات و سخنرانیهای اولین سمینار علمی حماسه اسلامی مردم آمل، تهران: دانشگاه امام حسین، صص ۱۳۶-۱۱۳.

-<http://irhistory.ir>

-pan-iranist.info

## زمینه‌های سیاسی شورش مسلحانه کمونیست‌ها در آمل

رحمت عباس تبار مقری<sup>۱</sup>

فاطمه باقرزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از گروه‌های چپ کمونیست در ایران، اتحادیه کمونیست‌های ایران بودند که بعد از فروپاشی پهلوی و پیروزی انقلاب، برای مقابله با انقلابیون در برخی از مناطق ایران قیام‌هایی صورت دادند. در مرحله اول، دولت قدرت کافی را برای اداره کشور به دست نیاورد و همین امر موجب بحران حکومت شد. این ضعف در قدرت، شکافی ایجاد کرد که دلیلی برای ضربه زدن به آن شد. از طرفی گروه‌های رقیب اغلب مسلح بودند به علاوه در فضای پایتخت کشمکش‌هایی میان انقلابیون و اپوزیسیون صورت گرفته بود. در پی تقابل‌های سیاسی و تفرقه بین بنی‌ساده‌ها و همراهان امام، اتحادیه کمونیست به هواخواهی از سایر گروه‌های ضدانقلابی به حامیان بنی‌صدر پیوستند. بعد از برکناری بنی‌صدر به این نتیجه رسیدند که انقلاب اسلامی منحرف شده و باید سرکوب شود. از این رو موجی از درگیری‌های مسلحانه در کشور آغاز شد که یکی از این درگیری‌ها در آمل اتفاق افتاد که در این ماجرا، اتحادیه کمونیست ایران مبارزه مسلحانه‌ای را علیه حکومت مرکزی آغاز کردند که غافلگیرکننده بود. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چه چیزی انگیزه‌عامل این اقدام را فراهم می‌کند؟ در جواب باید گفت، با توجه به تحولات رخ داده در کشور (تهران: جدال بنی‌صدر و انقلابیون) به این نتیجه رسیدند، با انجام یک اقدام فوری به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسند که امکان گسترش حرکتشان به کل کشور وجود دارد. بر این اساس ضرورت و هدف مقاله، بررسی زمینه‌های سیاسی محرک و میزان تاثیر آن در شورش را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

**کلمات کلیدی:** کمونیست، شورش‌های مسلحانه، زمینه‌های سیاسی، آمل

<sup>۱</sup> دانشیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران [R.abbastabar@umz.ac.ir](mailto:R.abbastabar@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران [fatemeh.brz79@gmail.com](mailto:fatemeh.brz79@gmail.com)

## ۱- مقدمه

از سال ۳۲-۱۳۲۰ دوره‌ی آزادی فعالیت‌های حزبی در زمان پهلوی بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ در پی فضای باز سیاسی در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران سه گرایش صورت گرفت: گرایش ملی، گرایش چپ، گرایش اسلامی. یکی از این گروه‌های چپ کمونیست در ایران، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود. با پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌های سیاسی به دنبال قدرت بودند که با سوء استفاده از آزادی سیاسی و اجتماعی کشور بعد از انقلاب در نقاط‌های کشور درگیری‌های صورت میدادند. گروه‌های سیاسی از دامنه‌ها و گرایش‌های مختلف بودند، از کمونیست‌ها گرفته تا مجاهدین خلق و احزاب به دنبال قدرت بودند. احزاب‌ها بعد از فروپاشی رژیم پهلوی بر سر چگونگی حکمرانی و چه کسی مجری آن باشد اختلاف نظر جدی پیدا کرده بودند. این مساله منجر به بروز مشکلات داخلی و آشوب شد. عده‌ای از یک گروه به نام اتحادیه کمونیست در ایران، گروه‌های مبارزی بودند که به فعالیت‌های سیاسی و مسلحانه می‌پرداختند. از یک طرف اتحادیه کمونیست‌های ایران از طریق تحریک سازمان مجاهدین خلق برای هم‌خواهی حاکمیت، و از یک طرف اختلاف نظر آنها با انقلابیون و برکناری بنی صدر باعث شد این گروه اقدامات مسلحانه و شورش علیه نظام اسلامی را آغاز کنند. آنها بر این باور بودند که برای شروع یک قیام باید از روستا از طریق کارگران اقدام کنند. از همین جهت شهر آمل مرکز عملیات قرار گرفت. شهر آمل به خاطر جایگاه جغرافیایی و نزدیکی به مرز اتحاد جماهیر شوروی و به دلیل دارا بودن جنگل‌های وسیع، ساختار روستایی و نیز نزدیکی به پایتخت انتخاب شد. آنها به دنبال آن بودند که با تسخیر آمل و شهرهای دیگر مازندران نظام جمهوری اسلامی را از میان ببرند اما نتیجه آن غافل‌گیر کننده بود. با حضور سپاه پاسداران و همراه نبودن مردم با آنها باعث شد این اقدام منحل، و امنیت منطقه حفظ شود. بعد از حادثه آمل و شکست آنها بسیاری از اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران به سازمان مجاهدین پیوستند و بعدها از کشور خارج شدند. شورش در شمال کشور دارای جنبه‌های گوناگون بوده است حال پژوهش حاضر تلاش دارد که ضمن بیان انگیزه‌عامل زمینه‌های آن، به موضع اولیه اتحادیه کمونیست‌های ایران در قبال انقلاب اسلامی بپردازد و اینکه چرا این موضع اولیه دچار تغییر شد.

بنابراین اهداف پژوهش در این است که می‌خواهیم به زمینه‌های سیاسی و توصیف و اتفاقات شورش مسلحانه در آمل بپردازیم. اهمیت پژوهش، بحث شناخت زمینه‌ها و عامل ایجاد شورش میباشد. اینکه شناخت زمینه‌های شورش چه ارتباطی با اوضاع و

احوال اجتماع دارد. دخالت مردم و فداکاری سپاه نشان می‌دهد که شناخت این شورش بر توجه نقش مردم برای حضور در صحنه‌های سیاسی اهمیت دارد.

-نبوی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «حماسه ۶ بهمن آمل» به حماسه ۶ بهمن ۱۳۶۰ و برخی عناصر ضد انقلابی شورش در این منطقه می‌پردازد. این کتاب مجموعه‌ی روایات معتبری از روزها و سال‌هایی است که به خوبی یا بدی مردم آن را سپری کردند. او در این کتاب بیان دارد گذشته‌ی امروز مانند چراغی است که آینده را روشن می‌سازد و شناخت گذشته برای جوانان مانند راهنمای حقیقت است.

-شعبانی (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «مقاومت مردمی در حماسه آمل» به تحلیل حماسه ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ در این شهر می‌پردازد. او بیان دارد جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب به افراد و گروه‌های آزادی عمل داد ولی آنها از حدشان فراتر رفتند. آنها با اسلحه به مردم حمله می‌کردند و علیه اسلام قیامی انجام دادند. آنها برای اینکار به شهر آمل حمله کردند. به این فکر بودند که با فتح آمل، مردم همراه آنها علیه جمهوری اسلامی قیام می‌کنند، ولی در مقابل مردم به مبارزه با آنها پرداختند.

-عزیزی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل» به چگونگی رویداد این حادثه می‌پردازد. او بیان دارد گروهی مرسوم به نام اتحادیه کمونیست‌های ایران بعد از حادثه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و برکناری بنی صدر از بخش سیاسی به بخش نظامی تغییر روش دادند و برای مقابله با جمهوری اسلامی یک قیام فوری صورت دادند. آنها آمل را انتخاب کردند که میخواستند از طریق آمل شهرهای اطراف آن را تصرف کنند و جمهوری اسلامی را از بین ببرند ولی با واکنش سریع مردم آمل در روز ۶ بهمن ۱۳۶۰ ناکام ماند.

-نعمتی (۱۳۷۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «سازمان شورش در بحران‌های جنگل‌های شمال کشور» به عملکرد و ماهیت گروه‌های شورشی (سازمان شورش) می‌پردازد. او بیان دارد شورش در جنگل‌های شمال کشور دارای ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اجتماعی بوده است. سازمان شورش‌گر از سه گروه تشکیل شدند که اوج فعالیت آنها سبب واقعه آمل شد.

بیشتر کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها به موضوع حماسه ۶ بهمن آمل پرداخته‌اند. نوآوری و تفاوت پژوهش در این است که می‌خواهیم به زمینه‌های سیاسی (مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران در مقابل انقلاب اسلامی) که باعث شورش مسلحانه کمونیست در آمل شد را بپردازیم.

## ۲- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

### ۱-۲ تعریف مفاهیم

-کمونیست: کمونیسم<sup>۱</sup> دولتی به نشانه ساختار سیاسی برای بار اول بعد از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه شکل گرفت. حزب کمونیست نماینده طبقه کارگر بود و تلاش داشت با حذف مالکیت خصوصی وسایل تولید، در نظام اقتصادی و اجتماعی تغییراتی ایجاد کنند. کمونیست جامعه جدید را سوسیالیستی میدانند که در آن بر افراد سلطه ندارند و حزب به عنوان نماینده پرولتاریا حکومت را در دست دارد. در دوران استالین، اتحادیه کارگری و حزب کمونیست تابع اراده رهبر بودند. عمدتاً حزب کمونیست بر هنجارهای مختلف زندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مسلط بود و قدرت واقعی در دست آنها بود. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵۱). تا قبل از دهه ۱۹۴۰ تنها شوروی و مغولستان کشور کمونیستی بودند ولی پس از جنگ جهانی دوم دیدگاه کمونیستی همه گیر شد و بیشتر اروپای شرقی و شرق آسیا در ذیل حکومت کمونیستی بودند. اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قدرت از دست کمونیست‌ها خارج شد. در شرایط کنونی، احزاب کمونیستی در روسیه وجود دارند؛ اما ایجاد یک حکومت کمونیستی امکان پذیر نیست.

-شورش: شورش اقدامی است که به صورت نظامی، اجتماعی و ملی رخ میدهد. شورش نظامی برای جابه جایی قدرت که به صورت ناگهانی، خشونت آمیز و غیرقانونی رخ میدهد و فاقد ایدئولوژی می باشد. شورش اجتماعی با اینکه جزئی از بسیج توده ای می باشد اما نقشه ای برای دگرگونی نهادهای اجتماعی و سیاسی ندارد و علت شورش به خاطر وضع بد اقتصادی و استبداد سیاسی می باشد. شورش ملی تا حدودی طولانی و شامل بسیج اجتماعی و نوعی ایدئولوژی می باشد که گاهی باعث انتقال قدرت به دولت جدید و گاه موجب تغییر نهادهای اجتماعی و اقتصادی می شود، و هدف آنها رسیدن به استقلال ملی از حکومت بیگانه می باشد (بشیریه، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۰).

-آمل: شهرستان آمل با مساحت ۲۰۲۹۳ کیلومتر مربع و یکی از شهرهای مازندران است. از منظر جغرافیایی آمل بر ۳ بخش تقسیم میشود:

۱-بخش میانی که دارای جنگل‌های انبوه میباشد.

۲-بخش قشلاقی که به دلیل آب فراوان رودها به برداشت کشت برنج می پردازند.

<sup>۱</sup> Communisme



۳-بخش کوهستانی که دارای منظره ی طبیعی می باشد.

آمل یکی از شهر های تاریخی مهم در زمان ساسانیان بود که بعد از ورود اسلام در دوره عباسیان ، این شهر مرکز طبرستان قرار گرفت، که بعد از ویرانی های تیمور لنگ در آمل ، این شهر نتوانست موقعیت قبلی خود را بدست آورد. در حال حاضر شهر آمل بر روی رسوبات رود هزار شکل گرفته است. ساختار شهر آمل از لحاظ اجتماعی ، زیر ساخت محکمی نسبت به شهر های دیگر مازندران دارد. از این نظر تفاوت شدیدی نیز با آنها دارد به این دلیل که مردم شهر آمل تعصب خاصی بر طایفه و طبقه های اجتماعی دارند. این حس وابستگی به طوایف باعث شد بخشی از شهر ها و روستاها را بر اساس طایفه خود نام گذاری کنند. باینکه این حس وابستگی نسبت به قبل کمتر شد اما هنوز برخی رقابت میان اقوام در زمان مناسبت های اجتماعی و اقتصادی ، برگزاری عزاداری ها و ... وجود دارد. (شعبانی ، ۱۳۹۴: ۴۵-۵۷)

## ۲-۲ مدل نظری

### رهیافت " رفتارگرایی "

رویه رفتارگرایی در مطالعات و پژوهش بعداز جگ جهانی دوم مطرح شد . ابتدا رفتارگرایی در اقتصاد ، انسان شناسی ، روانشناسی و جامعه شناسی به مثابه روش شناختی ورود کرد و سرانجام در علوم سیاسی و روابط بین الملل مورد اجرا واقع شد. رفتارگرایی در علوم سیاسی به شکل حرکت اعتراض آمیز به سنت گرایی و رشد دقیق علوم انسانی پدید آمد. منظور از رفتارگرایی پی بردن به الگوهای رفتاری و عملی ، رفتارهای همسان و قواعد کنشی و واکنشی است. در اصل هدف غایی ، گسترش رفتارهای مشابه و رویه های تکرار پذیر است که بر اساس آن بتوانند آینده را پیش بینی کنند. در عین حال بیان دارند که نمی شود وقوع دقیق پدیده ای را در آینده پیش بینی کرد. اما برطبق رویه ی رفتارگرایی علمی، میتوان جهت حرکت و حادثه های احتمالی را حدس زد. علاوه بر آن از طریق مقایسه ی پدیده های مشابه به وجه مشترک و متفاوت پدیده پی میبرد که از طریق تجربه گذشته بتواند رویداد های احتمالی آینده را پیش بینی کنند. محققى که از رفتارگرایی استفاده میکند باید با روش های انتخابی خود به گروهی از رویدادها (مانند جنگ ، شورش و...) که مفاهیم مختلفی دارد، بتواند نظریه پردازی کند. در اصل منظور از رفتارگرایی ، مطالعه منظمی است که از شیوه مفاهیم فرضیه ها و رویه های علمی برای بررسی پدیده ها و نظریه سازی استفاده کند. رفتارگرایان به جای تاکید بر قانون، نهاد و تاریخ بر مطالعه

رفتارها و فعالیت تاکید دارند. از نظر آنها شناخت نهادهای سیاسی داخلی و بین المللی از طریق فعالیت ها، رفتار، کنش و واکنش افزایش پیدا میکند. با این وجود رفتارگرایی به داده‌ها تاریخی نیز نیاز دارد و حتی هم برای بررسی ساختارهای نهادی باید به ویژگی‌های حقوقی توجه کند. ولی در نهایت رفتارگرایی به مطالعه‌ی فعالیت و رفتار میپردازد که با روش‌های علمی خود دلیل چرایی ارتباط فعالیتها را آشکار می‌کند. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۷۹-۱۸۳) بنابراین براساس این مدل میخواهیم با بررسی رفتارها و رویکرد این واقعه به زمینه‌های که موجب این حادثه شد را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۳- شروع نظریه‌های کمونیستی در ایران

در بین کشورهای شرق، به نظر می‌رسد ایران جزء آماده‌ترین کشور برای اعمال اهداف کمونیستی به شمار می‌رفت. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۴۰) در مبارزاتی که علیه تزار و شکل‌گیری اندیشه جدید مادی‌گرایی مارکسیست در نزدیکی ایران صورت گرفته بود، و به علاوه در درگیری که میان مخالفان حکومت شوروی بود، مبارزان تحت تعقیب به شمال غربی ایران پناه آورده و در آنجا مخفی شدند. به ویژه مخفی شدن شخص استالین در سال ۱۳۰۵ به مدت کوتاهی در تبریز باعث شد که تعدادی از ایرانیان به سوی او و ایدئولوژی لنین یعنی، باور به مادیگری و عدم اعتقاد به خدا شکل گیرد. (نجات بخش، ۱۳۹۳: ۱۵۳) فعالیت‌های سوسیالیستی در ایران عمدتاً محدود به آذربایجان بود که به دنبال انقلاب اکتبر روسیه و شکل‌گیری کمیته‌های انقلابی جنگ در شمال ایران تاثیر افکار انقلابی و سوسیالیستی در ایران بیشتر شد. وجود عوامل فعال در کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات ایران در باکو و تعداد حوزه‌ها افزایش یافته و هماهنگی بیشتری بین فعالیت‌های آنها به وجود آمد. از همین رو، این حوزه‌ها محل مناسب برای شروع فعالیت انقلابی در ایران بود. سه سال بعد از انقلاب اکتبر روسیه، آمادگی نظریه‌های کمونیستی برای حمله کمونیست‌ها به ایران تکمیل شد که اجرای موفقیت آمیز آن در صورتی امکان پذیر است که کمونیست‌ها بتوانند موضع خود را در آذربایجان شوروی محکم سازند. از این رو منشا جنبش کمونیستی ایران از فعالیت گروهی به نام عدالت شکل گرفت. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۴۱-۴۴) بعد از انقلاب شوروی، حزب کمونیست ایران برای نخستین بار در باکو به عنوان حزب عدالت شکل گرفت و رهبر آن اسدالله غفارزاده انتخاب شد. اعضای آن کارگران ایرانی بودند که در صنعت نفت باکو کار می‌کردند و در مدت کم

نزدیک به شش هزار نفر عضو آن شدند. در سال‌های اولیه، حزب عدالت تعدادی را به تبریز، رشت، مازندران، تهران و خراسان فرستاد که به ظاهر ادعا داشتند از ترس بلشویک‌ها فرار کردند و به سرزمین خود پناه آوردند، ولی در باطن می‌خواستند در شهرها کمیته‌های را تشکیل دهند و فعالیت حزبی خود را شروع کنند. هنگامی که شوروی بندر انزلی را تسخیر کرد و وارد گیلان شد مرکز حزب از باکو به بندر انزلی منتقل شد، و به دنبال تشکیل حکومت جمهوری شوروی انقلابی در گیلان فعالیت خود را اعلام کردند و آن را توسعه دادند. در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۲۹۹ اولین گردهمایی حزب کمونیست ایران در بندر انزلی برپا شد تا تصمیماتی را درباره برنامه آینده حزب و توسعه انتخاب نمایند. حزب کمونیست ایران مدتی به صورت آشکار فعالیت کرد اما خواسته‌های آنها مورد پسند رضاخان نبود و در سال ۱۹۲۵ سرکوب‌های متعددی در کشور صورت گرفت که این حزب نیز مجبور شد به فعالیت‌های زیرزمینی بپردازد. رضا خان در سال ۱۳۱۰ قوانینی بر ضد کمونیست‌ها تصویب کرد که باعث شد افرادی که متعلق به این حزب هستند و در آن فعالیت می‌کنند به ۱۰ سال کار اجباری محکوم شدند، که با این عمل فعالیت کمونیست‌ها کم شد و تا سال ۱۳۱۳ طول کشید. در سال ۱۳۱۶ تعداد ۵۳ نفر از فعالان حزب کمونیست محکوم شدند و تقی ارانی رهبر کمونیست‌های ایران در زندان کشته شد. (موسوی عبادی، ۱۳۷۸: ۴۴۷-۴۴۹)

### راه‌یابی اندیشه مارکسیسم به ایران

جریان مارکسیستی و چپ مکاتبی هستند که در دوره فضای سیاسی، کشور ایران را تحت تاثیر قرار دادند. جریان مارکسیست بعد از ورود به ایران مصادف با تحولات انقلاب مشروطه با نام‌های چپ قدیم و چپ جدید مارکسیستی با تاسیس احزاب و سازمان‌ها در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی ایران ظاهر شد. هدف اصلی آنها ایجاد جریان نظامی سوسیالیستی در ایران بود. این جریان در دسته چپ قدیم سه دوره را پشت سر گذاشت، دوره اول به نام سوسیال دموکراسی انقلابی که از وقایع انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ و به سلطنت رسیدن رضاخان در ایران ادامه داشت. دوره دوم از زمان سلطنت رضاخان و تا زمان برکناری او در شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت. در این دوره مارکسیست‌ها حزب کمونیست را در باکو ایجاد کردند که ادامه افکار سوسیال دموکرات‌ها بود که در ابتدا به نام حزب عدالت و سپس به حزب کمونیست

تغییر اسم داد. دور سوم از شهریور ۱۳۲۰ با تاسیس حزب توده تا انحلال آن در داخل کشور در سال ۱۳۶۲ و بعد از انقلاب اسلامی است (احمدوند و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۶).

#### ۴- حزب توده

در شهریور ۱۳۲۰ با خاتمه یافتن رژیم رضاخانی، به دنبال دخالت‌های نظامی انگلیس و شوروی، جنبش کمونیستی در ایران مجدداً احیا یافت (ذبیح، ۱۳۶۴: ۱۳۹). با برکناری رضا شاه به دنبال فرمان عفو عمومی تعدادی از زندانیان سیاسی آزاد شدند. گروهی از زندانیان چپ که به فعالیت سیاسی می‌پرداختند بعد از آزادی از زندان به تشکیل تاسیس سازمانی برای مبارزه سیاسی اقدام کردند. آنها به دو دلیل گروه خود را به نام حزب کمونیست تشکیل ندادند؛ اول اینکه در ایران این حزب به وجود آمده بود اما جایگاه اجتماعی مناسبی به دست نیاورده بود و دوم اینکه به دلیل قانون منع مرام اشتراکی در سال ۱۳۱۰ تصویب شده بود از فعالیت این حزب جلوگیری شده بود. از این رو سلیمان میرزا اسکندری نام توده ایران را انتخاب کرد. حزب توده در آغاز با جهت‌گیری ضد استعماری کار خود را شروع کرد. (محرمانی و عنبرمو، ۱۳۹۴: ۱۳۲) عقیده این گروه، مارکسیسم - لنینیسم بود و برای خود اهدافی داشتند از جمله، رسمیت شناختن قانونی برای حزب توده، انتشار یک روزنامه و تدوین برنامه وسیعی که دموکرات‌ها، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های قدیمی و نیز مارکسیست‌های جوان را به خود جذب کند. (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۲۵۳).

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ حزب توده از مجموعه روشنفکران بی‌تجربه به یک نیروی سیاسی تغییر یافت. حزب توده با بحران‌هایی روبرو شد که با موفقیت پشت سر گذاشت. یکی از این بحران‌ها، عقب‌نشینی شوروی از ایران باعث شد فرقه دموکرات آذربایجان که حزب توده بود از طرف نیروهای دولت مورد حمله قرار گیرد و از بین برود. از این رو، حزب توده ترس آن را داشت که تعداد زیادی از بدنه حزب را با خود ببرد. دومین بحران در سال ۱۳۲۷ به دنبال سوء قصد جان شاه ایجاد شد. در آن زمان حزب توده به مشارکت در این حادثه متهم اعلام شد. به دنبال این ماجرا بسیاری از رهبران حزب بازداشت شدند و فعالیت آنها متوقف شد. با وجود این فشارها و مشکلات حزب توده آن را با موفقیت پشت سر گذاشت و رهبران خود را از زندان فراری داد و به صورت نیمه آشکار فعالیت خود را سازماندهی کرد (بهرروز، ۱۳۸۱: ۳۶-۳۹). حزب توده در جریان ملی شدن صنعت نفت به دفاع از شوروی در واگذاری امتیاز نفت شمال به آن‌ها پرداخت. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حزب توده مانند دیگر گروه‌های سیاسی

سرکوب شد. در شرایط بسته بعد از کودتا در دهه ۴۰ بعضی از جوانان حزب توده مبارزه مسلحانه را شروع کردند، که سازمان فدائیان خلق را ایجاد کردند و به نام چپ جدید مشهور شدند. از پیوند گروه بیژن جزنی و گروه مسعود احمد زاده، سازمان فدائیان خلق ایران شکل گرفتند. این دو، شخصیت مهم جنبش چریکی مارکسیستی بودند. منتشر کردن رساله «مبارزه مسلحانه؛ هم استراتژی هم تاکتیک» یکی از مهمترین آثار تئوری جنبش چریکی ایران در این دوره بود. مبارزات مسلحانه از جمله، حمله به ژاندارمری سیاهکل در سال ۱۳۴۹ و کلانتری قلهدک از مهم ترین اقدام این افراد بود. بعد از این اتفاق ۱۷ نفر از اعضای اصلی این گروه دستگیر و ۱۳ نفرشان اعدام شدند. از باقیمانده افراد این دو گروه در سال ۱۳۵۰ با هم یکی شدند و سازمان چریک های فدایی خلق را تشکیل دادند. سازمان مجاهدین خلق از رقیب های ایدئولوژی سازمان چریک های فدایی از دیگر گروه های انشعابی حزب توده می باشد که در نظام جمهوری اسلامی به سازمان منافقین مشهور شد. بعضی از اعضای جوان، نهضت آزادی این سازمان را در سال ۱۳۴۴ شکل دادند. شرایط سیاسی دهه چهل و پنجاه بسیار سخت بود. به خاطر وجود فشارهای سیاسی و سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ توسط رژیم شاه باعث شد جوانان نهضت آزادی به سوی مبارزه مسلحانه علیه رژیم اقدام کنند. در طی سال های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۲ فعالیت این حزب وارد مرحله تازه ای شد. (احمدوند و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷-۲۸)

فعالیت حزب توده در زمان نظام جمهوری اسلامی ایران به چهار دوره می توان تقسیم کرد: دوره اول، دوره انتقال است. در این دوره می خواهند به داخل کشور منتقل شوند و سازمان خود را ایجاد کنند. دوره دوم، دوره تجدید سازمان است. این دوره به طور کل فعالیت تشکیلاتی رهبری حزب توده برای جذب گروه ها و افراد در چهارچوب سازمان های آشکار و مخفی می باشد. دوره سوم، دوره تثبیت است که سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ را در بر می گیرد و اوج فعالیت آنها محسوب می شود، این دوره حزب توده توانست سازمان های علنی و تشکیلات مخفی خود را سامان دهد. در این دوره حزب توده با تبلیغات گسترده تلاش می کند تا خود را طرفدار استراتژیک خط امام معرفی کند و با جبهه گیری در مقابل حزب دموکرات کردستان، حمایت از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو امام، ادعای مشارکت در دفاع مقدس و مقابله تبلیغاتی با خط بنی صدر سعی دارد تا جای خویش را در جامعه محکم سازد. دوره آخر، دوره فروپاشی آن هاست که سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲ را در بر می گیرد. در این دوره به خاطر پیگیری نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، رازهای

توسعه شبکه مخفی نظامی حزب توده و ارتباط جاسوسی آن کشف می‌شود. از این رو رهبر حزب به شدت سعی می‌کند تا خود را از این موقعیت خارج کند از جمله به پنهان کردن تشکیلات مخفی و نظامی خود می‌پردازد اما با پیگیری نهادهای اطلاعاتی در ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ اولین گروه از رهبران حزب دستگیر می‌شود. سرانجام در ۶ اردیبهشت ۱۳۶۲ در عملیات امیرالمومنین سازمان‌های علنی و مخفی حزب توده از بین می‌رود و به دنبال آن با اطلاعیه دادستان کل انقلاب اسلامی منحل شدن آن اعلام می‌شود (حزب توده، ۱۳۸۷: ۲۲۵-۲۲۶).

## ۵- زمینه‌های سیاسی شورش مسلحانه کمونیست‌ها

### ۵-۱ ایران بعد از انقلاب

اگر تشکیل سلسله صفویه را استثنا قائل بشیم، شاید بتوان گفت انقلاب اسلامی از بزرگترین تحول تاریخی است که از ظهور اسلام تاکنون در ایران اتفاق افتاد (زیبا کلام، ۱۳۷۵: ۹). بعد از پیروزی، نظام جدید به سرعت به تحکیم جایگاه خود در جامعه پرداخت. قدم اولیه که برای تثبیت نظام جدید برداشت، همه پرسی بود که نظام پادشاهی کنار رود و مردم به تحکیم جمهوری اسلامی در ایران رای دادند. قدم های بعدی آن تشکیل مجلس، تصویب قانون اساسی جدید، انتخاب ابوالحسن بنی صدر به ریاست جمهوری ایران بود (فوران، ۱۳۹۷: ۵۸۶). همچنین با پیروزی انقلاب اسلامی گرفتاری و دشواری های جدیدی مثل توزیع اسلحه های پادگان در میان مردم، آزادی عمل گروه های منفعت خواه، فساد و ظهور گسترده گروه های سیاسی جدید و درگیری های آنها با هم و با نیروهای انقلابی، نیاز به تامین امنیت و اموال مردم باعث شد تاسیس کمیته های مردمی تحت عنوان کمیته امام ضروری شود (فوزی: ۱۳۹۲: ۱/۱۵۶). گروه های سیاسی بعد از پیروزی به دنبال قدرت برای خود بودند که با سوء استفاده از آزادی های سیاسی و اجتماعی که بعد از انقلاب ایجاد شده بود در نقاط های از کشور در شهرهای بزرگ حوادثی را ایجاد میکردند. گروه های سیاسی از طیف های مختلف و گرایش های متفاوت مانند کمونیست ها، چریک های فدایی و مجاهدین خلق، حزب توده و احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی و نهضت آزادی ایران، تلاش می کردند تا سهمی از قدرت را برای خود بگیرند. هرکدام از آنها مدعی بودند که در سقوط پهلوی نقش اساسی داشتند. این مسائل باعث شکل گیری مشکلات داخلی و آشوب در کشور شد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶). بعد از انقلاب، بخشی از قدرت در دست دولت موقت بود که نماینده آن ها میانه رو ها بودند، و بخش دیگر

در اختیار شورای انقلاب بود که نمایندگان آن‌ها اسلام‌گرایان انقلابی بودند (دلوری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۱). اصلی‌ترین نگرانی میانه‌روها این بود که توده‌های انقلابی را از حالت بسیج سیاسی خارج کنند و ثبات را به جامعه برگردانند. مخالفت میانه‌روها با تغییرات ناگهانی و روش عمل انقلابی، اعتقاد به تغییرات تدریجی باعث شد که مورد انتقاد و اعتراض بخش‌های رادیکال جنبش انقلابی قرار گیرند. از طرفی پایبند بودن آنها به اندیشه آزادی و تلاش برای تقویت جامعه مدنی به ضرر آنها تمام شد. چالش‌های دیگر بنی‌صدر با مخالفان خود، نهادهای انقلابی مانند کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دادگاه‌های انقلاب و فعالیت گسترده آنها بود. به این دلیل که این کمیته‌ها در بسیاری از امور حکومتی که تحت کنترل دولت موقت بود دخالت می‌کردند و از طرف دیگر این نهادها در تشکیلات غیر رسمی نیز فعالیت داشتند. این فعالیت‌گاه بدون هماهنگی با دولت و گاه در تضاد با برنامه‌های دولت شکل می‌گرفت و بنی‌صدر نیز این نهادها را نشان بیماری کشور و هرج و مرج می‌دانست. با اینکه کمیته‌ها و نهادهای انقلابی با حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیر همراه بود باز بنی‌صدر با آنها مخالفت می‌کرد. امام خمینی بعد از مشاهده درگیری‌های دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر و اصرار تندروهای اسلام‌گرا برای عزل بنی‌صدر، تصمیم گرفتن که بنی‌صدر را برکنار کنند. (کولایی و صفروپور، ۱۳۸۷: ۲۵۹\_۲۵۰) صف‌بندی‌های عناصر انقلابی و ضد انقلابی با برکناری بنی‌صدر به وسیله مجلس شورای اسلامی و تأیید آن از طرف رهبر کاملاً آشکار شد. بنی‌صدر به همراه مجاهدین و دیگر گروه‌های چپ، لیبرال‌های باقیمانده از جبهه ملی، زمانی که حمایت افکار عمومی را از دست داده بودند در برابر انقلاب ایستادند و با شورش مسلحانه خود کشور را که در حال جنگ با عراق بود را با مشکل امنیتی در داخل روبه‌رو کرد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶). گسترش منازعات سیاسی در کشور و رای عدم کفایت مجلس به بنی‌صدر باعث گسترش موج خشونت‌های سیاسی شد (فوزی، ۱۳۹۲: ۲/۹۹). به دنبال برکناری بنی‌صدر گروه‌های ضد انقلابی اقدام مسلحانه و شورش‌های وسیعی را علیه نظام اسلامی شروع کردند. این شورش بعد از خرداد ۱۳۶۰ حرکت خود را علنی کردند و به آن سرعت بخشیدند. یکی از این جریان‌های چپ با شعار طرفداری از بنی‌صدر و پیروانش به براندازی جمهوری اسلامی دست زدند، «اتحادیه کمونیست‌های ایران» بود که واقعه آمل در ۶ بهمن ۱۳۶۰ را رقم زدند. (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶)

## ۵-۲ اتحادیه ی کمونیست های ایران

اتحادیه کمونیست‌های ایران در سال ۱۳۵۵ شکل گرفت. سازمان دهنده اصلی آن سازمان انقلابیون کمونیست بود، که در سال ۱۳۴۸ در گردهمایی دانشجویی در خارج از کشور با عقاید مارکسیستی شکل گرفت. بنابراین اکثر پایه گذاران آن افراد تحصیل کرده بودند که در آمریکا اقامت داشتند. ایدئولوژی اتحادیه در زمان تشکیل، مارکسیسم لنینیسم همراه با نظریات مائو بود. ماهیت اتحادیه بر محور فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی دانشجویی بود ولی در سال ۱۳۵۵ با پیوستن گروه فلسطینی پویا، روش آگاهی دادن به توده‌ها به صورت روش مسلحانه تغییر پیدا کرد. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۳۰-۲۲۸). در زمان انقلاب بسیاری از خارج نشینان به ایران بازگشتند که همراه آنها اعضای اتحادیه کمونیست‌ها نیز به ایران آمدند و سیامک زعم رهبری آن را برعهده گرفت. این گروه‌ها در کنار گروه‌های دیگر چپ فعالیت زیادی انجام می دادند. اتحادیه کمونیست‌ها معتقد بود نظام جمهوری اسلامی یک دست نیست و نمی‌توان عملکرد یکسانی در مقابل همه جریان‌ها داشته باشد. اما رژیم جمهوری اسلامی را یک نظام ضد آمریکایی می‌دانست که باید از آن حمایت کند. حتی دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ لانه جاسوسی آمریکا را در ایران تسخیر کردند اتحادیه کمونیست‌ها از آنها حمایت کرد. همچنین زمانی که عراق به ایران حمله کرد اتحادیه کمونیست‌ها نیز برخی از اعضای گروه خود را برای دفاع به جبهه جنگ فرستادند. به علاوه اتحادیه کمونیست ایران در زمان چپ روی گروه‌های تندرو، با جریان انقلابی خط امام موافق بودند. به مرور زمان صف بندی نیروهای ضد انقلابی واضح تر شد که در جریان جبهه ضد انقلاب علیه یاران امام به خصوص حزب جمهوری اسلامی، اتحادیه کمونیست‌ها اعتقاد داشت باید از رئیس جمهور بنی صدر حمایت کرد (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۱). به این خاطر که آنها معتقد بودند برای نجات انقلاب و کشور باید حاکمیت ضد ملی و استبدادی حزب جمهوری اسلامی را سرنگون کنند به همین دلیل به جناح لیبرال‌ها نزدیک شد و به حمایت از بنی صدر پرداخت. (احمدی حاجیکلای، ۱۳۸۷: ۴۵۴) وقتی بنی صدر به مخالفت با جناح حاکم پرداخت اتحادیه از آن حمایت کرد و بیان داشت که امام بیشتر مدافع بنی صدر است. از همین رو بیشتر انتقادات و مخالفت‌های آنها نسبت به حزب جمهوری اسلامی می باشد، زیرا اتحادیه، موضع حزب جمهوری اسلامی را نسبت به مسئله جنگ بی‌طرفانه می‌دانست و می‌گفت تنها مسئله حزب جمهوری فقط کسب قدرت و برکناری رقبای خود است و برای این کار حتی حاضر است قسمتی از خاک خوزستان



و جزایر ایران را به عراق بدهد. به علاوه حزب جمهوری اسلامی را متهم کرد که به دنبال سازش با امپریالیسم آمریکا است تا موقعیت خود را در جامعه محکم سازد. از همین رو اتحادیه در مراسم ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ که بنی صدر هماهنگی علیه گروه اصولگرا به حزب جمهوری اسلامی ایجاد کرد حضور فعالی داشت و از همه نیروها درخواست کرد از جبهه دموکراسی که بنی صدر رهبر آن است دفاع کنند. هنگامی که کمیته حل اختلاف از جانب امام مشخص شد اتحادیه این انتخاب را دلیلی بر درستی تحلیل‌های خود نسبت به حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر دانست. بعد از این واقعه اتحادیه علیه حزب جمهوری اسلامی تبلیغات بیشتری کردند که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد با وحدت برخی از جناح‌های ارتش کودتا کند. بعد از اعلام موضع امام و برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا اتحادیه بیان داشت که امام به لحاظ رعایت منافع مذهبی، طرف حزب جمهوری اسلامی است. از همین رو اتحادیه اعتقاد داشت حزب جمهوری بعد از کودتا امام خمینی را نیز کنار می‌زند. با برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری اتحادیه اعلام داشت، او همچنان رئیس جمهور کشور است و این برکناری به نوعی اقدامی کودتاگرانه می‌باشد (نبوی، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۰). از این رو اعضای اتحادیه کمونیست به این نتیجه رسیده بود که باید با نظام جمهوری اسلامی برخورد مسلحانه‌ای را شروع کنند. آنها این اقدام را به عنوان قیام فوری طرح ریزی کردند تا بدون اینکه فرصتی را از دست بدهند، شورشی ایجاد کنند و مردم را به قیام علیه جمهوری اسلامی دعوت کنند. اساساً تهران به عنوان مرکز سیاسی کشور می‌توانست بهترین گزینه برای تأثیرپذیری باشد ولی با بررسی به این نتیجه رسیدند که در تهران به موفقیت نمی‌رسند. اتحادیه کمونیست با نظری که از جنگ‌های چریکی داشت، جنگل و شهر آمل را برای قیام فوری مناسب دید. به این دلیل که کمونیست‌ها و چپ‌ها در شهرهای شمالی فعالیت زیادی داشتند، همچنین همسایگی شهرهای شمالی ایران با کشور شوروی سابق از دلایل اصلی فعالیت گروه‌های کمونیستی در شمال کشور بود. از این رو آمل مانند شهرهای دیگر مازندران عرصه فعالیت‌های گروه چپ مارکسیستی بود و حتی جوانان آنها عضو اتحادیه بودند. حال علاوه بر عوامل سیاسی، عوامل طبیعی در انتخاب شهر آمل دخالت داشت از جمله، وجود جنگل آمل در دو طرف جاده هراز، پستی بلندی‌های جنگل برای مخفی شدن، دسترسی به رودخانه هراز، وجود تغذیه‌های درختی و زمینی، به علاوه بستن جاده هراز و انجام دادن کارهای تبلیغاتی و مهم‌تر از همه نزدیکی با تهران بود (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۱).

### ۵-۳ واقعه آمل

بعد از اینکه اتحادیه کمونیست‌های ایران تصمیم گرفت برای مبارزه در جنگل‌های آمل پایگاه ایجاد کنند، پس از مرحله شناسایی و تایید رهبر گروه، از مهر ۱۳۶۰ این کار را شروع کردند. اعضا این گروه به صورت دسته بندی در پوشش‌های مختلف خود را از تهران به آمل رساندند. در زمان ورود به جنگل کارها به صورت تمیز کردن محل زندگی و حمل و نقل بارها بود. بعد از اینکه آن‌ها در جنگل‌های آمل استقرار یافتند دو ماه بعد (آبان) خود را آماده حمله به آمل کردند تا آن شهر را به تصرف خود درآورند (کردی، ۱۳۸۶: ۶۱-۵۵). برای حمله ۱۸ آبان نیروها باید از روستا به شهر بیایند ولی موفق نشدند وسایل نقلیه خود را هماهنگ کنند از این رو ماشین‌های اهالی را تصرف کردند. در نزدیکی ظهر نیروها به سمت جاده امامزاده عبدالله به راه افتادند اما به صورت اتفاقی با گشت‌های سپاه آمل برخورد کردند. در این عملیات ولی الله کارگر از نیروهای سپاه به شهادت رسید. بعد از اینکه نقشه حمله غافلگیرانه آنها لو رفت، آنها به جنگل بازگشتند و بعد از آن باید با احتیاط بیشتری عمل کنند. از نتیجه درگیری ۱۸ آبان فرماندهی سپاه نسبت به این منطقه حساس شد و تصمیم به حمله گرفت. در ۲۲ آبان نیروهای سپاه به سمت جنگل آماده حمله شدند. کمونیست‌ها که آماده حمله نبودن ناگهان متوجه حضور نیروهای سپاه در جنگل شدند و این درگیری‌ها تا بعد از ظهر در جنگل ادامه پیدا کرد. اکنون دیگر حضور نظامی‌ها در جنگل لو رفته بود، همچنین سپاه می‌دانست که کمونیست‌ها در جنگل حضور دارند. نیروهای سپاه به آرامی قدرت پیدا کردند و با ایجاد پایگاه‌های مختلف و گشت‌های زمینی و هوایی توانستند شهرها و روستاها را در دست بگیرند (نبوی، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۵). این کشمکش و درگیری‌ها بین آنان همچنان ادامه داشت تا اینکه اتحادیه کمونیست تصمیم گرفت که قیام فوری خود را در بهمن ماه ۱۳۶۰ شروع کند.

سرانجام در روز ۵ بهمن ۱۳۶۰ اعضای گروه از مسیر جاده هراز، با نام سربداران جنگل در پوشش لباس‌های نظامی مانند سپاه وارد شهر شدند و حمله خود را شروع کردند. بعد از ورود به شهر نیروهای خود را به مراکز مهم شهر فرستاد تا این مناطق را محاصره کنند. برنامه آنها برای حمله به شهر تسخیر ۳ نهاد بود؛ ساختمان بسیج، فرمانداری و سپاه. سربداران بعد از ورود به شهر به ارزیابی در شهرها می‌پرداختند و هر کسی را که حزب الهی و پاسدار تشخیص میدادند ترور می‌کردند. بعد به ساختمان بسیج به عنوان مهم‌ترین نقطه شهر حمله کردند. مردم آمل، با صدای تیراندازی به خیابان آمدند و برای مقابله با آنها آماده شدند. نیروهای شورشی تصمیم

داشتند با تصرف دادستانی انقلاب و تخریب پل شرقی-غربی شهر، امکان کمک رسی را از بین ببرند. شورشیان در ساعت ۱۱ شب ۶ بهمن عملیات غافلگیرانه خود را شروع کردند، در مقابل به دستور فرماندهی سپاه قرار شد نیروها تا صبح در ساختمان مقاومت کنند و تا رسیدن نیروهای کمکی از مقر خود خارج نشوند. (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۶) دم صبح تعدادی از نیروهای انقلابی به همراه نیروهای محمودآباد توانستند خود را به ساختمان سپاه برسانند و در پشت فرمانداری اسکان یابند. درگیری‌ها همچنان ادامه داشت و نیروهای انقلابی جز نگهداری فرمانداری کارهای دیگر از دست آنها خارج شده بود. شورشیان منتظر بودند مردم به کمک آنها بیایند. صبح شده بود و مردم از خانه‌هایشان بیرون آمده بودند اما نه برای کمک به آنها، مردم از صدای شلیک گلوله‌ها خسته شده بودند. آنها وجب به وجب سنگرهای درست کردند تا نیروهای انقلابی پشت آنها مستقر شود و به سمت کمونیست‌ها حمله کنند. ساعت ۱۰ صبح شده بود، همه مردم در صحنه حضور داشتند، انقلابیون با کمونیست‌ها درگیر بودند. مدتی بعد نیروهای کمکی و مسلح از شهرهای اطراف به آمل آمدند و پیشتازی نیروهای انقلابی همچنان ادامه داشت. در نزدیکی ظهر نیروهای نظامی و نیروهای کمکی که از شهرهای مختلف آمده بودند به همراه نیروهای مردمی از دو سمت به سوی کمونیست‌ها از شرق و غرب حرکت می‌کردند تا آنها را محاصره کنند. در اینجا بود که کمونیست‌ها عقب نشینی کردند و نزدیکی غروب جنگ تمام شد و دیگر صدایی از تیراندازی به گوش نمی‌رسید. نیروهای نظامی حلقه محاصره را بیشتر کردند تا کسی نتواند در شب فرار کند. (نبوی، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۷) در صبح روز هفتم، نیروهای سپاه با کمک و مشارکت مردم پاکسازی منطقه را شروع کردند. این پاکسازی با آرام سازی همراه بود، زیرا اندکی درگیری‌های پراکنده رخ می‌داد. پاکسازی خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام شد و در زمان پاکسازی خانه‌ها بیشتر آنها دستگیر شدند و به اسارت درآمدند (خانی، ۱۳۷۹: ۳۲). در این جریان ۳۴ نفر از شورشیان ضد انقلابی به هلاکت رسیدن و ۳۰ نفر آنها نیز دستگیر شدند. به علاوه مقدار زیادی اسلحه انفرادی و نیمه سبک، بی سیم و اسناد درون گروهی به دست آمد (کیهان، ۱۳۶۰/۱۱/۸: ۲). به دنبال این جریان مغازه داران به احترام خون شهدا و گرامیداشت خاطرات آنها مغازه‌های خود را تعطیل اعلام کردند، و سه روز عزای عمومی اعلام شد (اطلاعات ۱۳۶۰/۱۱/۸: ۴)

## ۶- نتیجه گیری

در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران سه گرایش، ملی، چپ و اسلامی وجود داشت. منشا جریان چپ در ایران مصادف شد با تحولات انقلاب مشروطه که ۳ دوره داشت: دوره اول سوسیال دموکراسی انقلابی از انقلاب مشروطه تا سلطنت رضاخان، دوره دوم از زمان سلطنت رضا شاه تا برکناری او که این دوره مارکسیست‌ها حزب کمونیست را ایجاد کردند. دوره سوم از شهریور ۱۳۲۰ با تاسیس حزب توده و تا زمان انحلال بود. حزب توده از نیروهای سیاسی ایران بودند که با بحران‌هایی روبرو شدند. آنها در جریان ملی شدن نفت از شوروی حمایت کردند و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مانند دیگر گروه‌های سیاسی سرکوب شد. مجدد در دوران نظام جمهوری اسلامی فعالیت حزب توده تغییر کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی فضای باز سیاسی ایجاد شده بود که گروه‌های سیاسی به دنبال قدرت بودند برای همین در نقاط‌هایی از کشور درگیری‌هایی را شکل می‌دادند. گروه‌های سیاسی از دامنه‌ها و گرایش‌های مختلف بودند که بعد از فروپاشی پهلوی بر سر قدرت اختلاف نظر پیدا کرده بودند که این مسئله باعث بروز مشکلات داخلی شد. در همین حین درگیری بین بی‌صدر و نهادهای انقلابی صورت گرفته بود که امام با اصرار انقلابیون بنی صدر را برکنار کرد. به دنبال این کار گروه‌های ضد انقلابی اقدام مسلحانه ای را علیه نظام اسلامی شروع کردند که این جریان توسط اتحادیه کمونیست‌های ایران صورت گرفت. این گروه بعد از انقلاب به ایران بازگشتند آنها مخالف حزب جمهوری اسلامی بودند برای همین تصمیم گرفتند تا شورش علیه نظام اسلامی را آغاز کنند. برای اینکار آمل را به خاطر موقعیت ژئواستراتژیک آن انتخاب کردند اما نتیجه آن غافلگیر کننده بود. آنها با مقاومت مردمی روبرو شدند و شکست خوردند.

## ۷- فهرست منابع

### کتاب ها

- آبراهامیان ، پرواند (۱۳۹۴)؛ کمونیسم و اندیشه اشتراکی در ایران ، ترجمه: بهرنگ رجبی ، ( بی جا ) ، اسلام نوین و سیاست تاریخ ایرانی
- آبراهامیان ، پرواند (۱۳۹۷)؛ ایران بین دو انقلاب ، ترجمه: کاظم فیروزمند ، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران ، نشر مرکز، چاپ ۲۱
- احمدی حاجیکلای ، حمید (۱۳۸۷)؛ جریان شناسی چپ در ایران ، تهران ، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳)؛ انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)؛ آموزش دانش سیاسی ، تهران، موسسه نگاه معاصر
- بهرروز ، مازیار (۱۳۸۱)؛ شورشیان آرمانخواه ناکامی چپ در ایران ، تهران ، انتشارات ققنوس
- پرنده نو پرواز، حزب کمونیست ایران ( مارکسیست - لنینیست - مائوئیست ) ، (۱۳۸۳) ، آلمان ، بی نا
- حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی (۱۳۲۰\_ ۱۳۶۸) به کوشش جمعی از پژوهشگران ، (۱۳۸۷) ، تهران ، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی
- خانی ، مهدی (۱۳۷۴)؛ مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل ، تهران ، مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش بیست میلیونی وابسته به نیروهای مقاومت بسیج
- خانی ، مهدی (۱۳۷۹)؛ رزم آهنگ بهمن ، آمل ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل
- ذبیح ، سپهر (۱۳۶۴)؛ تاریخ جنبش کمونیستی در ایران ، تهران ، موسسه مطبوعاتی عطائی
- رهگذر ، سیمین (۱۳۸۵)؛ شهر هزار سنگر؛ ( روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل) ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- زیبا کلام ، صادق (۱۳۷۵)؛ مقدمه ای بر انقلاب اسلامی ، تهران ، انتشارات روزنه ، چاپ دوم
- سریع القلم ، محمود (۱۳۹۵)؛ روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل ، تهران ، نشر فرزانه روز ، چاپ دهم
- شعبانی ، ناصر (۱۳۹۴)؛ مقاومت مردمی در حماسه آمل ، تهران ، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

- فوران ، جان (۱۳۹۷)؛ *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران* ، ترجمه : احمد تدین ، تهران ، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- فوزی ، یحیی (۱۳۹۲)؛ *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران* ، جلد اول ، تهران ، نشر عروج
- فوزی ، یحیی (۱۳۹۲)؛ *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران* ، جلد دوم ، تهران ، نشر عروج
- کردی ، علی (۱۳۸۶)؛ *اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقع آمل* ، تهران ، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- کیانوری ، نورالدین (۱۳۵۹)؛ *نکاتی از تاریخ حزب توده ایران*، تهران ، انتشارات حزب توده ایران ، چاپ دوم
- نبوی ، زهرا (۱۳۹۷)؛ *یک روایت معتبر درباره حماسه ۶ بهمن مردم آمل* ، مشهد ، نشر به نشر
- نجات بخش ، نصرالله (۱۳۹۳)؛ *احزاب سیاسی معاصر ایران چالش‌ها و دستاوردها؟* ، چاپ دوم

### مقالات و پایان نامه

- احمدوند ، زینب ؛ دهقان نژاد ، مرتضی ؛ کجاف ، علی اکبر و عطائی ، عبدالله ، (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل مولفه های تاریخ نگاری چپ (کمونیستی) ایرانی در اولین دهه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ، *فصلنامه گنجینه اسناد* ، سال ۲۷ ، شماره ۱۰۶ ، ص ۲۲-۴۹
- بنیاد هابیلیان ، (۱۳۹۱) بررسی ماهیت عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل ، *پایگاه خبری تحلیلی مطالعات تروریسم*
- دلآوری ، ابوالفضل ؛ کاظمی ، عباس و نازاریان ، محمدوهاب ، (۱۳۹۹) زندگی روزمره و منازعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ ، *پژوهشنامه علوم سیاسی* ، سال ۱۵ ، شماره ۴ ، ص ۹۷\_۱۴۲
- عزیزی ، امین ، (۱۳۹۳) از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر ، *فصلنامه مطالعه تاریخی* ، شماره ۴۵ و ۴۶ ، ص ۲۳۵\_۲۵۴
- کولائی ، الهه و صفریور ، مهدی ، (۱۳۸۷) زمینه‌های سقوط اولین رئیس جمهور (ابوالحسن بنی صدر) ، *فصلنامه سیاست* ، دوره ۲۹ ، شماره ۱ ، ص ۲۶۰\_۲۴۱

- لاریجانی، جواد، (۱۳۷۴) سخنرانی در سمینار بررسی حماسه اسلامی آمل،  
مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم آمل، تهران، دانشگاه امام حسین  
-محرم خانی، فریبرز و عنبرمو، منصور، (۱۳۹۴) بررسی موضع حزب توده در قبال  
انقلاب اسلامی ایران بر اساس اسناد چپ (حزب توده)، دو فصلنامه علمی-  
پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء، دوره ۲۴، شماره ۱۳،  
ص ۱۲۵-۱۴۸
- موسوی عبادی، علی اصغر، (۱۳۷۸) تاریخچه حزب کمونیست ایران، پژوهشکده  
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۵۳ تا ۵۶
- نعمتی، صالح، (۱۳۷۲) سازمان شورش در بحران‌های جنگل شمال کشور، پایان  
نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام حسین، پژوهشکده علوم دفاعی

#### روزنامه ها

- روزنامه اطلاعات، بهمن ۱۳۶۰  
-روزنامه جمهوری اسلامی، بهمن ۱۳۶۰  
-روزنامه کیهان، بهمن ۱۳۶۰





## جایگاه واقعه حماسه آمل در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی

رحمت عباس تبار<sup>۱</sup>

امید نائیجی<sup>۲</sup>

### چکیده

در سال های اولیه انقلاب کشمکش هایی بعد از فروپاشی نظام پهلوی به وجود آمد که یکی از این درگیری ها، حماسه ۶ بهمن در آمل می باشد. این حادثه به دنبال اعلام مبارزه مسلحانه مخالفین انقلاب اسلامی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ شکل گرفت. حماسه آمل را باید یکی از نقاط درخشان حمایت های مردمی در تاریخ انقلاب شمرد که در پی مقاومت مردم، اجرای برنامه های کمونیستی بعد از ناکام ماندن در تهران، در آمل نیز با شکست مواجه شد. حماسه ای که مردم آمل در برابر این قیام ضدانقلابی ایجاد کردند آسیب جدی به بدنه کمونیست ها وارد کرد که موجب از هم پاشیدن آن ها شد. از این رو شهر آمل به عنوان شهر هزارسنگر در تاریخ انقلاب ماندگار شد که میتوان به نقش ارزشمند مردمان آمل در ماندگاری انقلاب اسلامی پی برد. به همین علت در نظرات، بیانات و پیام های رهبران علی الخصوص در وصیت نامه امام خمینی (ره) به آن اشاره شده است. برای بررسی جایگاه این واقعه در میان رهبران انقلاب می خواهیم بر اساس نظریه بحران اسپریگنز آن را ارزیابی کنیم. براساس این نظریه ابتدا باید بحرانی که در جامعه ایجاد شد را مشاهده کنیم و سپس علت آن را بیابیم و بر اساس نوع نگاه اندیشمندان آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. حال پرسش پژوهش این است که، حماسه آمل در میان رهبران انقلاب اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟ در پاسخ میتوان بیان داشت که، موضوع حماسه آمل آنقدر دارای اهمیت است حتی امام در وصیت نامه خود قید کرده است تا این مسئله به خاطر سپرده شود زیرا که حوادث تاریخی هم پند است، هم عبرت. هدف و ضرورت این پژوهش در این است که نشان دهیم این واقعه (حماسه آمل) چه جایگاه مهمی در بین رهبران داشته است.

**کلمات کلیدی:** حماسه آمل ، نظرات ، رهبران ، امام خمینی

<sup>۱</sup> دانشیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران [R.abbastabar@umz.ac.ir](mailto:R.abbastabar@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران [omidnaeijii27@gmail.com](mailto:omidnaeijii27@gmail.com)

## ۱- مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران وارد عرصه‌ی بحران و کشمکش شد. گروه‌های سیاسی با آزادی‌های سیاسی که بعد انقلاب به وجود آمده به دنبال قدرت بودند، از این رو آن‌ها در این طرف و آن طرف شهرهای کشور حوادثی را ایجاد میکردند. یکی از این حوادث در شهر آمل بود. در منطقه‌ی ژئواستراتژیک مازندران، واقعه آمل یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی رخ داده است که از آن به عنوان حماسه منطقه آمل یا جبهه سوم نام می‌برند. این واقعه مصادف با جنگ تحمیلی اتفاق افتاد که با آغاز جنگ ایران و عراق گروه‌های مختلفی از جمله اتحادیه کمونیست‌ها، سازمان مجاهدین خلق و... به ظاهر برای مقابله با دشمن به جبهه اعزام شدند ولی این اقدام نوعی فرصت طلبی برای دستیابی به تسلیحات و جمع آوری نیروهای متفرق بود. در این میان که نیروهای نظامی و سپاه در جبهه جنگ فعالیت میکردند، گروهی به نام اتحادیه کمونیست‌های ایران تصمیم به یک شورش مسلحانه داشتند. این گروه حرکت مسلحانه خود را بعد از خرداد ۱۳۶۰ فاش کردند و به آن سرعت بخشیدند. با عزل بنی صدر شروعی برای اقدام مسلحانه و شورش‌های گسترده گروه‌های معترض علیه نظام جمهوری اسلامی را فراهم آورد، که یکی از جریان‌ها در آمل اتفاق افتاد. هدف از انتخاب آمل به خاطر اهمیت ژئواستراتژیک منطقه آمل به دلیل نزدیکی به پایتخت و مرکز روابط شرق و غرب و شمال و جنوب است. از طرفی به خاطر نزدیکی به مرز اتحاد جماهیر شوروی از حمایت‌های سیاسی آن‌ها بهره می‌بردند. علاوه بر آن استفاده از منابع طبیعی جنگل، پایگاه طبیعی و پستی بلندی‌های که می‌توانست عمق استراتژیک را بالا ببرد، از سوی دیگر وجود رودخانه هزاران مانع طبیعی در مقابل نیروهای دولتی بود. همچنین به خاطر بافت جمعیت دهقانی نتیجه گرفتند با تسخیر شهر آمل محورها را مسدود میکنند و از طریق نفوذ در مردم، روستاییان و دهقانان می‌توانند آن‌ها را با خود همراه کنند که از این طریق می‌توانند کشور را در اختیار بگیرند. ولی با حضور فعال و واکنش سریع مردم آمل در مقابل گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران در روز ۶ بهمن ۱۳۶۰ آن‌ها شکست خوردند. حماسه‌ای که مردم آمل در برابر این قیام ضدانقلابی ایجاد کردند باعث شد این شهر به عنوان شهر هزار سنگر در تاریخ انقلاب ماندگار شود. به همین علت در نظرات، بیانات و پیام‌های رهبران به ویژه در وصیت‌نامه امام خمینی (ره) به آن اشاره شده است. پژوهش در حال حاضر به جایگاه این حماسه در میان رهبران انقلاب اسلامی می‌پردازد.

بنابراین هدف پژوهش این است که نشان دهیم این واقعه ( حماسه آمل ) چه جایگاه مهمی در میان رهبران انقلاب اسلامی داشته است. اهمیت پژوهش نشان می دهد که حماسه ۶ بهمن آمل نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی می باشد که به دلیل نافرجام شدن طرح کمونیستی در تهران توسط مردم آمل باعث تقویت پایه های انقلاب اسلامی شد. از این رو مردم دلیر آمل با ایستادگی در برابر گروه منافق از طریق ایمان و بینش خود حماسه هزارسنگر را ماندگار کردند. از این روز حماسه هزار سنگر در وصیتنامه سیاسی و الهی امام خمینی ثبت شده است و حتی رهبران زیادی به آن تاکید داشتند.

-نبوی (۱۳۹۷)، در کتابی با عنوان « حماسه ۶ بهمن آمل » به حماسه ۶ بهمن و عنصر ضد انقلابی این شورش پرداخته است. این کتاب مجموعه روایت‌های معتبر روزهای حماسه می باشد. او بیان میکند که بسیاری از مردم آمل و روستاهای اطراف از بچه تا پیر گرفته همه به میدان آمدند تا حکم اجرا شده را ببینند. گروه اعدای وقتی چشمانش به جمعیت خورد گفت : جنگلی ها فکر نمی کردند که مردم آمل از آن‌ها حمایت نکنند .

-شعبانی (۱۳۹۴)، در کتابی با عنوان «مقاومت مردمی در حماسه آمل » به بازنگری واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ در آمل می پردازد. او بیان میکند حماسه ۶ بهمن آمل همزمان با جنگ نحمیلی رخ داد و با حضور مردم شهر آمل به شهر هزار سنگر مشهور شد. رهبران کمونیست بر این فکر بودند که شهر آمل را به خاطر بافت روستایی برای قیام فوری انتخاب کنند که نتیجه مثبت بگیرند ولی با واکنش سریع مردم این طرح ناکام ماند.

-هابیلیان (۱۳۹۱)، در مقاله ای با عنوان « بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران و واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ در آمل » به بررسی چیستی و ریشه های پیدایش اتحادیه کمونیست‌های ایران، و ابعاد مختلف واقعه‌ی ششم بهمن سال ۶۰ آمل می پردازد. او بیان میکند رفتار عجولانه و تحلیل نادرست اتحادیه کمونیست‌های ایران از ماهیت مردمی جمهوری اسلامی سبب شد تا ارزیابی‌های اتحادیه در عملی کردن «قیام مسلحانه توده‌ای» با شکست روبه رو شود .

بیشتر کتاب ها و مقالات به بحث در مورد حماسه آمل پرداختند اما کسی به جایگاه این واقعه در میان رهبران و اندیشمندان نپرداخته است . بنابراین نوآوری این پژوهش این است که می‌خواهیم به بررسی موقعیت این واقعه در بین رهبران و به خصوص وصیتنامه امام را مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری به دو بخش تقسیم میشود؛

### ۲-۱- تعریف مفاهیم

**حماسه آمل** : واقعه آمل یکی از مهم ترین رویدادهای سیاسی-امنیتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که به وسیله‌ی اتحادیه کمونیست‌های ایران در شهر آمل روی داد که با مقابله‌ی نیروهای مردمی و سپاه پاسداران نقشه‌ی آن‌ها خنثی شد. حماسه مردم آمل یا حماسه اسلامی مردم آمل به دلیل مقاومت مردم این شهر در مقابل اتحادیه کمونیست در واقعه آمل در ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ نامیده‌اند. حماسه آمل نمونه‌ای از یک مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم است که وحدت و یگانگی و واکنش سریع توده مردم در این روز به عنوان دو ویژگی اصلی جنبش‌های مردمی است که به خوبی در این حماسه مشاهده میشود. (لاریجانی، ۱۳۷۴: ۱۶۵) این روز در تقویم رسمی ایران نیز با نام «حماسه مردم آمل» ثبت شده است. این واقعه مبارزه مسلحانه اتحادیه کمونیست‌های ایران علیه جمهوری اسلامی به منظور ایجاد یک انقلاب دیگر در شهر و جنگل‌های اطراف آمل بود. اتحادیه کمونیست‌های ایران از قدرت در شهرهای بزرگ می‌ترسید در واقع آن‌ها باید برای استقرار خودشان شهری را انتخاب می‌کردند تا قابلیت تقسیم شدن از مرکز را داشته باشد و همچنین آمل به خاطر موقعیت جغرافیایی و جنگل‌های انبوه و فاصله‌ی مناسب از کوه تا دریا برای جنگ‌های چریکی مناسب بود به همین دلیل آمل را مرکز عملیات قرار دادند. نیروهای کمونیست با برنامه‌ریزی‌هایی که از قبل انجام داده بودند تصور داشتند که مردم آمل با آن‌ها همراه خواهد بود به این شهر حمله کردند. این حمله در ۴ بهمن شروع شد و بعد از ۴۸ ساعت در روز ششم بهمن با حضور مردم در خیابان‌ها و سنگربندی مقابل خانه‌های خود در مقابل نیروهای کمونیست مقاومت کرده و آنها را از شهر بیرون کردند. حتی در زمان اعدام جنگلی‌ها، بسیاری از مردم آمل و مردم روستاهای اطراف هم به سمت استادبوم شهر رفتند تا شاهد اعدام کسانی باشند که لباس عزا را بر تن آن‌ها نیز کردند و جنگلی‌های فکرش را نمی‌کردند که مردم آمل حامی آن‌ها نباشند (نبوی، ۱۳۹۷: ۲۵ - ۱۰). در این حماسه ماندگار، از مردم دلیر آمل ۴۰ شهید و ۱۲۰ نفر زخمی شدند؛ نیروهای جنگل برخلاف تصورات خود که مردم با آنها هستند با حماسه ماندگار شهر هزار سنگر غافلگیر شدند به گونه‌ای که مقاومت مردم این شهر، تحسین امام خمینی (ره) را نیز با خود به همراه داشت.

## ۲-۲ مدل نظری

## نظریه «بحران» توماس اسپریگنز

توماس اسپریگنز با بیان نظریه بحران، ادعا میکند که مشاهده بی‌نظمی‌های موجود در یک جامعه که موجب بحران می‌شود، ذهن نظریه پرداز رو با چالش روبه رو میکند، این امر باعث میشود به دنبال راه حلی برای عبور از بی‌نظمی باشد. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۵) بحران احتمال دارد برای همه آشکار باشد و تمام افراد جامعه را شامل شود و بر زندگی همه تاثیر بگذارد. مثال روشن آن مشکلات وسیعی است که به شکل جنگ‌های داخلی و بحران‌های اقتصادی جوامع انسان را گرفتار میکند. گاهی اوقات در اوضاع بحرانی ممکن است تشخیص علت آن آسان نباشد، و گاهی هم همه‌ی جامعه قبول دارند که جامعه با مشکل روبه رو است ولی در شناسایی اصل مشکل با هم، هم عقیده نیستند. بحران‌های دیگری نیز ممکن است محدود و نا مشخص باشند که به راحتی در میان نظریه پردازان قابل مشاهده نیست. گاهی امکان دارد به نظر آنها اصلاً مشکلی وجود نداشته است، که همین امر موجب شروع اختلاف نظر در میان نظریه پردازان می‌شود. نظریه پرداز امکان دارد نسبت به پایه‌های اصولی حاکم بر نظام سیاسی به دلیل آشکار نبودن برای بخش‌های دیگر جامعه، دچار تصورات اشتباه شود آنها را مورد نقد قرار دهد. به طور خلاصه هدف نظریات سیاسی در اصل فهم و توضیح نظم درست در جامعه می‌باشد. لذا این هدف از مشاهده خرابی و بی‌نظمی شروع می‌شود. (اسپریگنز، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۱)

نظریه بحران اسپریگنز چهار مرحله دارد که هر مرحله با مرحله قبلی در ارتباط است. در مرحله اول نظریه پرداز با بحران‌های سیاسی که در جامعه وجود دارد، شروع میکند. یعنی نظریه پردازان آثار خود را در زمانی که جامعه گرفتار بحران شده است می‌نویسد. بر این اساس مسئله اول، مشاهده و شناسایی مشکل جامعه می‌باشد. این مشاهده بی‌نظمی باعث میشود که عقل انسان به سمت مرحله دوم برود. مرحله دوم تشخیص علت واقعه است. در این مرحله نظریه پرداز به تحلیل موضوع میپردازد، و تمام شک‌های خود را کار میگذارد تا علت اصلی مشکلات را پیدا کند. او بعد از اتمام دسته‌بندی علت و معلول باید آن را کنار بگذارد تا علت واقعه را پیدا کند. در مرحله سوم، نظریه پرداز باید الگوی جامعه‌ی آرمان شهری را در ذهن خود تصور کند و معیار‌های آن را بدست آورد. هدف از این مرحله ایجاد رابطه بین شخص و محیط سیاسی است که دوام و حقیقی بودن آن بستگی به نتیجه‌ای است که نظریه پرداز در مرحله‌ی قبلی (تشخیص علت) گرفته است. در مرحله چهارم،

نظریه پرداز براساس اقدامات انجام شده در مراحل قبل ، به ارائه درمان آن می پردازد. به طور کل نظریه ی اسپریگنز به ما کمک می کند که نوع نگاه اندیشمند را در یک محیط سیاسی بررسی کنیم و مسائلی که در ذهن اندیشمند وجود دارد را شناسایی کنیم. آنچه که نظریه سیاسی را ایجاد میکند ، امکان دارد از شخصیت نظریه پرداز و نوع جایگاه اجتماعی و نوع عقیده اش تاثیر گذار باشد. (موسوی و دیگران ، ۱۳۹۴: ۱۹۶-۱۹۵) بنابر این می‌خواهیم در این پژوهش بر اساس این نظریه به جایگاه واقعه ی حماسه ی آمل در میان اندیشمندان و رهبران را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۳- بررسی بحران در عصر رهبران انقلاب

#### ۳-۱ بحران از منظر امام خمینی (ره)

امام بزرگترین بحران بعد از مشروطه را روی کار آمدن دیکتاتوری جدید و فرمانبرداری‌های خارجی می‌دانست که خطر آن نسبت به استبداد گذشته شدیدتر بود. همین موضوع در زمان ایشان به وقوع پیوست که به قدرت رسیدن رضاخان بود. رضا خان با یک طرفد سیاسی و اخراج احمد شاه از ایران به قدرت رسید . امام به قدرت رسیدن رضاخان را یک کودتا می‌دانست و بیان داشت که من از همان آغاز از کودتای رضاخان تا امروز (۱۳۴۸) شاهد همه مسائل بوده‌ام. اسلام زدایی و مبارزه با نمادهای دینی و مذهبی از تحولات دوره رضا شاه بود که یک سال بعد از ورود امام به حوزه علمیه قم آغاز شد. این مسئله فکر امام را به خود مشغول کرد و تاثیرات زیادی در اندیشه سیاسی او ایجاد نمود ، که امام در سال ۱۳۲۲ با نوشتن کتاب کشف اسرار به نقد اقدامات دوره رضا شاه می‌پردازد و رضا شاه را برده انگلیس معرفی می‌کرد که برای از بین بردن دین و نابودی اندیشه‌های اسلامی مامور شده است. امام علت ظهور رضاخان و استبدادش را برای تلاش نابودی نمادهای دینی و اسلامی ، تعطیلی مدارس دینی و بستن در مساجد و... گسترش نفوذ اروپایی‌ها به جهان سوم می‌دانست. امام، پهلوی دوم را حتی ادامه استبداد رضاخانی می‌دانست و این مسئله را نیز در کتاب کشف اسرار بیان کرد، اما به خاطر مواضع آیت الله بروجردی که مرجعیت مذهبی را بر عهده داشت، ایشان فقط نظاره‌گر بحران‌های زمانه هستند. به همین دلیل ایشان انقلاب سفید شاه را به عنوان یک بحران می‌دید. امام با عنوان‌های شاه مانند اصلاحات ارضی، ملی کردن جنگل‌ها و... مخالف نبود اما با اینکه چه کسی مجری آن باشد، مخالف بود. امام با توجه به تجربه بحران‌های گذشته به ویژه، انحراف مشروطه و شکست آن و تجربه ناموفق علمای دینی در عرصه

سیاسی، ریشه همه این مشکلات و بحران را نظام پهلوی می‌دانست. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۹-۲۰۰)

### ۳-۲ بحران از منظر آیت الله خامنه ای

رهبر معظم، بحران امروز کشور را نشات گرفته از شک های گذشته و حال ما در تحقق مفهوم دولت اسلامی می‌دانست. تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی از همان اوایل انقلاب اسلامی شروع شد. لذا با درگیر شدن کشور با جنگ ۸ساله تحمیلی و نا آرامی های داخلی تقریباً موفق بوده است که کشور با پستی بلندی های سیاسی و اجتماعی روبه رو شد که تشکیل حکومت اسلامی به آرامی حرکت میکرد. (ضابط پور، ۱۴۰۱: ۲۱۱)

### ۴- بحران ایران بعد از پیروزی انقلاب

ایران در زمان بعد از انقلاب تحولات بسیاری را به چشم دید از جمله؛ تحکیم جمهوری اسلامی با پیروزی روحانیون، حذف گروه های مخالف، نهادینه شدن سیاسی و اجتماعی انقلاب و جنگ ۸ ساله با عراق که پیامدهای اقتصادی و انسانی داشته است (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۱۵). شاید بتوان گفت انقلاب اسلامی از بزرگترین تحول تاریخی است که از ظهور اسلام تاکنون در ایران رخ داده است و تغییرات بنیادی که در ساختارهای اجتماعی ایران در نتیجه انقلاب اسلامی شکل گرفت بسیار گسترده است. (زیباکلام، ۱۳۷۵: ۹) با همه این اوصاف با پیروزی انقلاب مسائل و معضلاتی همچون آزادی عمل برای گروه های سود جو، پخش اسلحه های پادگان، ظهور گروه های سیاسی و درگیری آنها با نیروهای انقلابی باعث شکل گیری کمیته های مردمی به نام کمیته امام بعد از کمیته انقلاب اسلامی شد. این کمیته ها در ایجاد امنیت در ماه های اول بعد از پیروزی نقش اساسی داشتند. به آرامی با توجه به نیاز نیروهای انقلابی دادگاه های انقلاب برای محاکمه افرادی که از رژیم قبلی باقی ماندند شکل گرفت، همچنین نهادهایی چون سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، سازمان مسکن و کمیته امداد تشکیل شد. اساسی ترین نهادی که از درون شورای انقلاب ظاهر شد، دولت موقت بود که به امور اجرایی انقلاب در تاسیس ساختار سیاسی بر کشور را به عهده داشت. (فوزی، ۱۳۹۲: ۱/۱۵۶) بخشی از قدرت در اختیار دولت موقت به نمایندگی میانه روها و بخش دوم در دست شورای انقلاب به نمایندگی اسلام گرایان انقلابی بود (دلآوری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۱) همانا مخالفت بنی صدر با کمیته انقلاب و سپاه پاسداران چالش هایی را برای او به وجود آورد. به این دلیل که

این کمیته‌ها در امور حکومت دخالت می‌کردند و در تشکیلات غیررسمی فعالیت داشتند. امام خمینی بعد از مشاهده این درگیری‌ها در دوره ریاست جمهوری بنی صدر و خواسته تندروهای اسلام‌گرا برای عزل بنی صدر، تصمیم گرفت که او را برکنار کند. (کولایی و صفریور، ۱۳۸۷: ۲۵۹) با برکناری بنی صدر صف بندی‌های انقلابی و ضد انقلابی آشکار شد و بنی صدر به همراه مجاهدین و دیگر گروه‌های چپ در برابر انقلاب ایستادند و شورش‌های مسلحانه‌ای را ایجاد کردند و کشور با مشکل امنیتی مواجه شد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶). اوضاع داخلی ایران به گونه‌ای بود که صدام حسین ترغیب به جنگ با ایران شد. به خاطر اینکه ناآرامی‌های بعد از انقلاب هنوز در دولت وجود داشت، درگیری‌ها و اختلافات درون حکومت، نداشتن تمرکز برای تصمیم‌گیری در زمان بحران و آماده نبودن نیروهای مسلح برای مقابله با جنگ خارجی باعث شد که این جنگ شروع شود (فوزی، ۱۳۹۲: ۲/۷). جنگ با عراق ضربات شدیدی به اقتصاد ایران وارد کرد. خانه‌ها، جاده‌ها و زیربنای اقتصادی و نظامی بر اثر جنگ آسیب دیده بودند و بودجه کشور به جای طرح توسعه صرف جنگ می‌شد (فوران، ۱۳۹۷: ۵۸۸). حالا که نیروهای سپاه و بسیج درگیر مسئله جنگ شده بودند با برکناری بنی صدر، دسته‌های ضد انقلابی اقدام مسلحانه و قیام‌های گسترده‌ای را علیه نظام اسلامی شروع کردند. آنها شورش خود را بعد از خرداد ۱۳۶۰ آشکار ساختند. یکی از این جریان‌ها چپ‌برای نابودی جمهوری اسلامی اقدام کردند، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که حماسه آمل در بهمن ۱۳۶۰ را شکل دادند. (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۶)

## ۵- از آغاز تا پایان اتحادیه کمونیست‌های ایران

سرچشمه جنبش کمونیستی ایران از فعالیت گروهی به نام عدالت شکل گرفت که اعضای آن کارگران ایرانی ساکن باکو بودند که تلاش‌های اولیه را برای ایجاد یک حزب سیاسی بر اصل مارکسیستی انجام دادند. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۴۴) این حزب گروهی را به بهانه فرار از بلشویک‌ها به تبریز، مازندران، خراسان و تهران فرستاد اما در اصل به دنبال تشکیل کمیته‌های محلی برای فعالیت حزبی خود بود. هنگامی که شوروی به بندر انزلی حمله کرد و وارد گیلان شد مرکز حزب از باکو به بندر انزلی انتقال یافت. بعد از آن به عنوان حزب کمونیست در ایران فعالیت می‌کردند ولی از سال ۱۳۱۰ رضا شاه فعالیت آنها را مورد پسند نمیدانست برای همین قوانینی بر ضد آنها تصویب کرد و باعث شد که آنها محاکمه شوند. (موسوی عبادی، ۱۳۷۸: ۴۴۸\_۴۴۹)



اتحادیه کمونیست‌های ایران از سازمان انقلابیون کمونیست در سال ۱۳۵۵ شکل گرفت. اغلب افراد اتحادیه تحصیل کرده بودند که در آمریکا زندگی می‌کردند، و ایدئولوژی آنها مارکسیسم لنینیسم همراه با نظریات مائو بود. در تاسیس اتحادیه، افراد گروهک پویا و افراد باقیمانده گروه فلسطینی دخیل بودند. آنها در شرایط بد اوضاع داخلی از کشور خارج شده بودند و مدتی را در عراق و لبنان فعالیت می‌کردند. این گروه آموزش‌های چریکی را در عراق و لبنان یاد گرفتند و به رهبری حسین ریاحی با انقلابیون کمونیست آشنا شدند، با آنها متحد شده و اتحادیه کمونیست های ایران را شکل دادند که با پیوستن گروه‌های فلسطینی روش آنها مسلحانه شد. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۲۸-۲۳۰) بعد از پیروزی انقلاب این اتحادیه به داخل کشور بازگشت و سیامک زعیم رهبر آن بود. موضع و میزان ارتباط این گروه با انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی به خاطر مسائل و اوضاع اجتماعی ایران بود. (احمدی، ۱۳۸۷: ۴۵۳) با شکل گیری حزب جمهوری اسلامی (اسفند ۵۷) اتحادیه آن را جریان استبدادی و ضد ملی می‌دانست و مدعی بود که برای نجات کشور باید این حزب سرنگون شود. به این خاطر از بنی صدر حمایت میکردند. انتقادش به حزب جمهوری به این دلیل بود که بیان داشت حزب جمهوری نسبت به جنگ بی مسئولیت است و فقط به دنبال کسب قدرت و برکناری رقبای خود است. هنگامی که بنی صدر علیه حزب جمهوری اسلامی اقداماتی راه انداخت اتحادیه در آن حضور فعالی داشت و از همه نیروها دعوت کرد که از بنی صدر دفاع کنند. بعد از این ماجرا اتحادیه علیه حزب جمهوری قصد داشت با کمک برخی از جناح‌های ارتشی کودتا کند و اعلام کرد که همه باید متحد شوند و در برابر این حرکت مقاومت کنند. با عزل بنی صدر اتحادیه، این عزل را نوعی اقدام کودتاگرانه میدانست، به همین دلیل نیروهای خود را در اعتراضات علیه اقدام مجلس شورای اسلامی آماده کردند. (نبوی، ۱۳۹۷: ۱۷-۲۱) آنها این اقدام را به نام قیام فوری برنامه‌ریزی کردند تا شورش مسلحانه‌ای را ایجاد کنند و مردم را به قیام علیه جمهوری اسلامی دعوت کنند. آنها با تصویری که از جنگ‌های چریکی داشتند شهر و جنگل آمل را برای این اقدام مناسب دیدند. به این دلیل که قبل از انقلاب در شهرهای شمالی فعالیت کمونیست‌ها و چپ‌ها دیده می‌شد. از طرفی شهرهای شمال با مرزهای اتحاد جماهیر شوروی همسایه بودند. علاوه بر این‌ها عوامل طبیعی چون وجود جنگل های انبوه امل در جاده هراز، ارتفاعات فراوان جنگل برای مخفی شدن، وجود خوراکی‌های متنوع،

استفاده از چوپانان برای راهنمایی و خبرگیری و فاصله نزدیک با تهران در انتخاب آمل موثر بود (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۱)

### ۵-۱ واقعه ۶ بهمن آمل

بعد از اینکه آمل به عنوان پایگاه عملیات انتخاب شد از مهر ۱۳۶۰ کار خود را آغاز کردند. اعضای اتحادیه به صورت گروه بندی با پوشش‌های متفاوت خود را از تهران به آمل رساندند. در ابتدا ورود به جنگل، به آماده سازی محل زندگی و حمل و نقل پرداختند. بعد از اینکه مستقر شدند خود را آماده حمله به آمل کردند تا شهر را تسخیر کنند و قدرت را به دست بگیرند. (کردی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۹) تاریخ حمله ۱۸ آبان مشخص شد. برای حمله نیروها باید از روستا به شهر بیایند ولی نتوانستند از وسایل نقلیه خود استفاده کنند برای همین ماشین های اهالی را مصادره کردند تا از طریق آن جابجا شوند. در نزدیکی ظهر به سمت جاده امداد عبدالله به راه افتادند اما قبل از اینکه این اقدام خود را عملی کنند، خبر آن به گوش سپاه آمل می‌رسد و درگیری بین آنها رخ می‌دهد که در این درگیری ولی الله کارگر به شهادت میرسد و اتحادیه عقب نشینی می‌کند. بعد از این عملیات سپاه حساس می‌شود و اقدامی را در ۲۲ آبان علیه آنها انجام داد. این درگیری‌ها بین آنها همچنان ادامه می‌یابد تا اینکه اتحادیه کمونیست قیام فوری خود را در بهمن ماه آغاز می‌کند (نبوی، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۹) در روز ۵ بهمن ۱۳۶۰ اعضای گروه از جاده هراز و با نام سرداران جنگل در لباس های نظامی مانند سپاه به شهر آمدند و خود را آماده حمله کردند. آنها نیروهای خود را در مراکز شهر مستقر کردند تا ساختمان بسیج، فرمانداری و ساختمان سپاه را محاصره کنند. در این هنگام مردم با صدای تیراندازی ها به خیابان آمدند و برای مقابله با آنها حاضر شدند. گروه های شورشی با مصادره دادستانی انقلاب و تخریب پل های ارتباطی شهر میخواستند جلوی کمک رساندن را بگیرند. اتحادیه در شب ششم بهمن عملیات غافلگیری خود را آغاز کرد و نیروهای سپاه تا صبح در ساختمان مقاومت می‌کردند تا نیروهای کمکی به آنها ملحق شوند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۴۵). دم دمای صبح نیروهای انقلابی توانستند خود را به ساختمان سپاه برسانند. درگیری‌ها همچنان ادامه داشت و گروه های شورشی منتظر بودند که مردم به کمک آنها بیایند ولی مردم به خیابان ها آمدند نه برای کمک به آنها بلکه، آنها از صدای تیراندازی ها صبرشان لبریز شده بود. آنها تمام نقاط های شهر را سنگر هایی درست کردند تا نیروهای انقلابی بتوانند به سمت کمونیست ها حمله کنند. حالا همه مردم در صحنه حضور داشتند و انقلابیون با کمونیست ها درگیر بودند. مدتی بعد نیروهای نظامی و

نیروهای کمکی به همراه نیروهای مردمی از شرق و غرب به سمت کمونیست‌ها حرکت کردند تا آنها را در تنگنا قرار دهند. حالا کمونیست‌ها چاره‌ای جز عقب نشینی نداشتند نزدیک‌های غروب جنگ به پایان رسید و نیروهای نظامی تا شب حلقه‌ی محاصره را نگه داشتند تا کسی فرار نکند. (نیوی، ۱۳۹۷: ۵۶) صبح روز بعد نیروهای سپاه با کمک مردم به پاکسازی منطقه شروع کردند. در حین پاکسازی درگیری‌های پراکنده‌ای رخ می‌داد که آنها را آرام کردند و به علاوه در پاکسازی خانه‌ها بیشتر آنها را دستگیر کردند. (خانی، ۱۳۷۹: ۳۱) در جریان این درگیری ۳۴ نفر از مزدوران به هلاکت رسیدن و ۳۰ نفر از آنها دستگیر شدند و به علاوه مقدار زیادی اسلحه، مهمات، اسناد و طراحی‌های عملیاتی به دست آمد. و از برادران پاسدار و انتظامی ۳۲ نفر به شهادت رسیدند و ۸۶ نفر از نیروهای انتظامی و مردم حزب اللهی زخمی شدند به بیمارستان‌های آمل و شهرهای اطراف انتقال پیدا کردند. (کیهان، ۱۳۶۰/۱۱/۸: ۲) مطالعه این حماسه نشان دهنده نقش اثربخش و ارزشمند مردمان مازندران به ویژه آمل در تکوین و ماندگاری انقلاب اسلامی است که حتی در بیانات امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای از رهبران انقلاب ذکر شده است.

## ۶- جایگاه این واقعه در بیانات رهبران انقلاب

### ۱-۶ بیانات امام خمینی (ره)

شناخت این واقعه تاریخی بقدری از اهمیت برخوردار بود که رهبر فقید انقلاب آن را مسئله‌ای برای متذکرشدن به جریان‌های فکری و سیاسی منحرف می‌دانستند. امام خمینی (ره): «پند و وصیت من به گروه‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و اسلام و جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، در ابتدا به رهبران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر امر و دسیسه‌ای که دست زدید و از هر کشور و مقامی که درخواست یاری کردید، به شماها که خود را خردمند می‌دانید باید آموخته باشند که راه یک ملت فداکار و از خودگذشته را نمی‌شود با اقدام به ترور و انفجار و بمب و دروغ و شایعه‌های بی‌اساس و غیرحساب شده گمراه کرد و اساساً هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با روش‌های غیرانسانی و غیرمنطقی سرنگون کرد، علی‌الخصوص ملتی همچون ایران که از بچه‌های خردسال گرفته تا پیرزن‌ها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید که ملت با شما نیست و ارتش هم نیز با شماها دشمن است و اگر فرض بکنید که با شما دوست بودند، اعمال ناشیانه و غیرحرفه‌ای شما و

جرم و جنایت هایی که با تشویق شما صورت گرفت آنان را از شما جدا کرد و جز دشمنی بیشتر با شما کار دیگری نتوانستید انجام دهید (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۴۳۶)

امام خمینی (ره) علت واقعه ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ در آمل را اینگونه شرح دادند؛ «جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب به همه‌ی اشخاص و گروه‌ها اجازه و فرصت داد تا به صورت آزادانه هر رفتار و عملی که می‌خواهند انجام دهند و هر روزنامه‌ای که می‌خواهند انتشار دهند، ولی مشاهده کردید که آن‌ها چگونه رفتار کردند. آن‌ها با اسلحه به جان مردم افتادند و برعلیه اسلام قیام کردند. شما ملاحظه فرمودید که این‌ها در داخل کشور تبلیغات زیاد می‌کردند و در خارج هم تبلیغات زیاد می‌کنند، به اینکه مردم در تنگنا و فشار هستند و فقط و فقط بخشی از مردم طرفدار و حامی جمهوری اسلامی هستند. همه‌ی آرزوی آن‌ها شمال بود و بر این باور بودند که شمال کشور به طور کامل با جمهوری اسلامی مخالف هستند.» (شعبانی، ۱۳۹۴: ۶۴۲)

«و اکثر تبلیغات این بود که شمال دیگر به طور کامل مخالف با جمهوری اسلامی هستند و از سوی دیگر کمونیست‌ها همه‌ی نیروی‌های خود را جمع کردند و به شهر آمل به طور ناگهانی و غیرمنتظره تعرض کردند با آرزوی اینکه مردم شهر آمل با آن‌ها هستند و به راحتی می‌توان آمل را تسخیر کرد و از این شهر به شهر‌های دیگر، ولی دیدید که چه شد. مردم آنطور با آن‌ها به مبارزه پرداختند که نتوانستند حتی برای ساعتی ایستادگی کنند." ما باید از شهر آمل و مردم فداکار آن‌ها تشکر کنیم" با اندوه و افسوس عده‌ای شهید شدند. ولی با شهادت خود به آن‌ها ثابت کردند که در جایی که همه‌ی آرزوها و اعتمادشان به آنجا بود "مشاهده کردید مردم دلیر و مسلمان چه به روزتان آوردند"، حال شما می‌خواهید به قم و تهران بیایید؟ رسانه‌های دشمن به این موضوع پرداختند و چیزی نگفتند. در اینجا که به نفع ما بود، هیچ نگفتند ولی آنجا که به ضرر ما است، هر چه دلشان می‌خواهند می‌گویند.» «اگر افرادی که در جنگل بودند اسلام را فهمیده بودند به آمل حمله نمی‌کردند.» (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۱۱/۱۱: ۱۲) «تمام آرزوهای آن‌ها شمال بود ولی مردم آمل توی دهنشان زدند. این ضد انقلابیون مانند غده‌های سرطانی هستند که برای حفاظت جامعه باید بیرون آورده شوند و کسانی هم که در زندان هستند تحت تربیت قرار گرفته‌اند. و همیشه سفارش آن‌ها را کرده‌ام. وقتی شما هم به خارج می‌روید این صحبت‌ها هست برای همین از اسلام دفاع کنید. ما باید کلاه خودمان را خودمان نگه داریم» (کیهان، ۱۳۶۰/۱۱/۱۱: ۱۲)

همچنین حماسه مردم آمل آنقدر دارای اهمیت بود که در وصیتنامه خود می فرمایند: شما می بینید که از ابتدا ظهور کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و انحصارطلب ترین حکومت های جهان بوده و هستند. چه ملت هایی زیر دست و پای شوروی که حامی توده ها بودند از بین رفتند و نابود شدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیر مسلمانان، تا الان در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست تقلا کردند و از هر نوع آزادی محروم بودند. استالین که یکی از اشخاص درخشان حزب بود، ورود و خروج و مراسمات و تشریفات او و همراهانش را دیدیم. شما حامیان خلق محروم می خواهید مردمان ستم دیده و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و همچنین خیانتی را با پوشش فدایی خلق و حمایت از محرومین پوشش دهید. آن گاه شما احزاب کمونیست و چپ گرا که ادعای طرفداری و حمایت از خلق را دارید، به این مردم محروم در هر زمانی که فرصتی پیدا کردید چه جنایاتی انجام دادید و با مردم شریف آمل که به غلط آن ها را حامی و طرفدار خود معرفی کردید و عده ی دیگر را با اغفال به مبارزه با مردم و دولت راهی کردید و به کشتن دادید و چه جنایت ها کردید. دیدید مردم آمل چه بر سرتان آوردند؟ ما باید از مردم آمل تشکر کنیم. وقتی مسلمین در خطر هستند، جاسوسی امری واجب است. (صحیفه امام، ج ۱۶: ۳)، (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۴۰)

## ۶-۲ بیانات آیت الله خامنه ای

دیدار مردم مازندران با رهبر معظم (۶ بهمن ۱۳۸۸)

«مقام معظم رهبری سخنرانی خود را با خوش آمدگویی به برادران و خواهران در حسینیه آغاز کردند سپس افزودند خاطره ۶ بهمن که یکی از حماسه های پسندیده و ممتاز ملت ایران است و افتخار آن منسوب به مردم آمل است را در خاطره ها تجدید کردند. ایشان در ادامه فرمودند نسل جوان ما باید این خاطره ها را درست و کامل بشناسند و بتوانند آن ها را تحلیل کرده و آن را چراغ راه آینده ی خود و هدف بلند خود قرار دهند. البته افتخارات مازندران به ویژه مردم آمل، افتخارات ناچیزی نیست چه در راه خدا چه فقاقت و چه معرفت و عرفان که چهره ی آمل، چهره ی درخشانی است. امروزه هم بزرگان روحانی آملی جزو افتخارات حوزه های علمیه و روحانیون با ارزش کشور محسوب می شوند. در جنگ تحمیلی هشت ساله، چه شهر آمل و چه استان مازندران یکی از مناطق پرافتخار در کشور بود.

یکی از اشتباهاتی که اغلب رخ داده است، چشم پوشی کردن از همین نقش آفرینان بزرگ است. "هزارسنگر یعنی چه؟" ظاهر موضوع این است که در داخل شهر، مردم

در برابر گروه های اشرار و تجاوزگر سنگر ساختند حالا چه هزارتا، یا بیشتر یا کمتر. اما من یک تفسیر دیگر دارم، در واقع این سنگرها، سنگرهای داخل خیابان ها نیست، سنگر دل هاست؛ هزارتا هم نیست و هر انسان شرافتمند، یک سنگر در برابر تهاجم دشمن وجود دارد. در موضوع آمل یک حرکت مردمی عجیب را مردم نمایش دادند و حتی امام (ره) در وصیتنامه خودشان از مردم آمل نام بردند و یادگار گذاشتند تا فراموش نشود برای اینکه حوادث تاریخی، هم درس است، هم عبرت، که این امر نشانگر شکوه و بزرگی کار آن ها، قشرهای مختلف، حتی زن ها است. حوادث کنونی بر یک ملت، حوادثی هستند که در مقاطع مختلف تکرار می شود. امروز بیست و هشت سال از آن دوران می گذرد، اما راه و روش جمهوری اسلامی تغییر نکرده است و دشمنان جمهوری اسلامی هم تغییر نکرده اند اما چیزی که رخ داد، می تواند برای امروز و آینده ملت ایران تا زمانی که دلبسته به بنیادها و انقلاب هستند، عبرت و درس باشد و هرگز نباید به خاطره ها سپرده شود» ( شعبانی، ۱۳۹۴ : ۶۴۵-۶۴۷).

مقام معظم رهبری در تحلیل عملکرد جبهه معترضان نظام اسلامی بیان کردند؛ در این جبهه دو خطا وجود داشت، اول اینکه خود را بالاتر از مردم می دانستند و دوم، به دشمنان ملت دل بسته بودند. حضرت می فرمایند در تبیین خطای اول، نتیجه بالاتر دانستن خود از مردم باعث می شود که اگر مردم در یک حرکت قانونی انتخابی کردند، معترضان در مخالفت با اقدام مردم آن را عوامگرایی و مردم را عوام می نامند. با اشاره به دل بستن معترضان نظام به دشمنان مردم بیان کردند؛ در طول ۳۰ سال گذشته دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی دشمنان ملت ایران بودند و امروز هم دشمن ترین دشمنان هستند و دل بستن به چنین دشمنانی خطای بزرگی است. به علاوه ایشان در تشریح وظایف مردم فرمودند که مهم ترین وظیفه مردم و مسئولان به ویژه جوانان حفظ احساس مسئولیت حضور در صحنه است و امروز هیچکس نباید بگوید که مسئولیت ندارد بلکه همه باید در دفاع از نظام جمهوری اسلامی که دفاع از اسلام، حقوق مردم و عزت کشور است احساس مسئولیت کنند. همواره مردم این احساس مسئولیت را اثبات کردند که نمونه آشکار آن راهپیمایی ۹ دی و ۲۲ بهمن است که آمادگی و سرزندگی خود را نشان می دهند. رهبر معظم در سخنان خود در تجلیل از افتخارات و شجاعت مردم مومن مازندران به خصوص مردم آمل فرمودند؛ چهره آمل در عرصه های مختلف از جمله عرصه مجاهدین فی سبیل الله و وادی علم، معرفت و عرفان چهره درخشانی است، امروز نیز بزرگان روحانی آمل از افتخارات حوزه های علمیه و از ذخایر با ارزش روحانی کشور هستند. (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۳)

## ۷- نتیجه گیری

بر اساس نظریه بحران اسپریگنز برای بررسی جایگاه این واقعه در میان رهبران انقلاب ، ابتدا باید بحرانی که در جامعه ایجاد شد را مشاهده کنیم و سپس علت آن را بیابیم و بر اساس نوع نگاه اندیشمندان آن را مورد ارزیابی قرار دهیم . بعد از انقلاب در ایران بحران‌ها و کشمکش ایجاد شد. گروه‌های سیاسی با آزادی‌های سیاسی که بعد از انقلاب به وجود آمده به دنبال قدرت بودند، برای همین هر فرصتی که پیدا میکردند در جابه جای کشور حوادثی را شکل می دادند. یکی از این حوادث در شهر آمل بود. این واقعه مصادف بود با جنگ تحمیلی که گروهی چپ به نام اتحادیه کمونیست‌های ایران ، که با حزب جمهوری اسلامی مخالف بودند و طرف بنی صدر را میگرفتند که با عزل بنی صدر اقدام مسلحانه و شورش‌های گسترده را علیه نظام جمهوری اسلامی را رقم زدند. آنها آمل را برای این اقدام ، به دلیل موقعیت جغرافیایی و عوامل طبیعی مناسب دیدند. به علاوه به خاطر جمعیت روستایی نتایج گرفتند با تسخیر شهر آمل محورها را مسدود میکنند و از طریق نفوذ در مردم ، روستاییان و دهقانان را با خود همراه میکنند. ولی با حضور فعال و واکنش سریع مردم آمل در مقابل گروه‌های اتحادیه ، آنها در روز ۶ بهمن ۱۳۶۰ آنها شکست خوردند. حماسه‌ای که مردم آمل در برابر این قیام ضدانقلابی ایجاد کردند باعث شد این شهر به عنوان شهر هزار سنگر در تاریخ انقلاب ماندگار شود. به همین علت در بیانات و پیام های رهبران انقلاب به آن اشاره شد.

## ۸- فهرست منابع

### کتاب ها

- ۱- آبراهامیان، پرواندا (۱۳۹۷)؛ *ایران بین دو انقلاب*، مترجم: کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیرشانه چی، تهران، نشر مرکز، چاپ ۲۱
- ۲- احمدی حاجیکلایی، حمید (۱۳۷۸)؛ *جریان شناسی چپ در ایران*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی
- ۳- اسپرینگز، توماس (۱۳۸۲)؛ *فهم نظریه های سیاسی*، مترجم: فرهنگ رجایی، تهران، نشر آگه، چاپ ۴
- ۴- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۶)؛ *انقلاب ایران و بازتاب های جهانی آن*، مترجم: محسن مدیر شانه چی، تهران، انتشارات چاپخش
- ۵- امام خمینی (ره) (۱۳۷۷)؛ *وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام (ره)*، تهران، مرکز فرهنگی آبا
- ۶- امام خمینی (ره) (۱۳۶۷)؛ *وصیتنامه سیاسی الهی*، چاپ وزارت ارشاد
- ۷- آیت الله موسوی خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۱)؛ *صحیفه نور*، جلد ۱۶، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۸- آیت الله موسوی خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۱)؛ *صحیفه نور*، جلد ۲۱، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۹- *پرنده نو پرواز*، حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست)، (۱۳۸۳)، آلمان، بی نا
- ۱۰- خانی، مهدی (۱۳۷۴)؛ *مقاومت اسلامی مردم هزارسنگر آمل*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش ۲۰ میلیونی وابسته به نیروهای مقاومت بسیج
- ۱۱- خانی، مهدی (۱۳۷۹)؛ *رزم آهنگ بهمن، آمل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل*
- ۱۲- ذبیح، سپهر (۱۳۶۴)؛ *تاریخ جنبش کمونیستی در ایران*، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی
- ۱۳- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)؛ *شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۴- زیباکلام، صادق (۱۳۷۵)؛ *مقدمه ای بر انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات روزنه، چاپ ۲
- ۱۵- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)؛ *مقاومت مردمی در حماسه آمل*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی



- ۱۶- فوران ، جان (۱۳۹۷)؛ *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران* ، ترجمه : احمد تدین ، تهران ، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۱۷- فوزی ، یحیی (۱۳۹۲)؛ *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران* ، جلد اول ، تهران ، نشر عروج
- ۱۸- فوزی ، یحیی (۱۳۹۲)؛ *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران* ، جلد دوم ، تهران، نشر عروج
- ۱۹- کردی، علی(۱۳۸۶)؛ *اسناد اتحادیه کمونیست های ایران در واقعه آمل، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی*
- ۲۰- نبوی، زهرا(۱۳۹۷)؛ *یک روایت معتبر درباره حماسه ۶ بهمن مردم آمل، مشهد، نشر به نشر*

#### مقالات و پایان نامه

- ۱- بنیاد هابیلیان(۱۳۹۱)، بررسی ماهیت عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران و واقعه ی ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ آمل ، *پایگاه خبری تحلیلی مطالعات تروریسم*
- ۲- دلوری، ابوالفضل، کاظمی، عباس، نازاریان، محمدوهاب(۱۳۹۹)؛ *زندگی روزمره و منازعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۱۴۲-۹۷*
- ۳- ضابط پور ، غلامرضا (۱۴۰۱) ؛ *بررسی تحقق دولت اسلامی مبتنی بر اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای ، فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۲۴-۲۰۵*
- ۴- عزیزی، امین(۱۳۹۳)؛ *از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر، فصلنامه مطالعه تاریخی، شماره ۴۶ و ۴۵، صص ۲۳۵\_ ۲۵۴*
- ۵- کولائی، الهه ، صفرپور ، مهدی ، (۱۳۸۷) *زمینه های سقوط اولین رئیس جمهور ( ابوالحسن بنی صدر) ، فصلنامه سیاست، دوره ۲۹، شماره ۱، صص ۲۶۰\_ ۲۴۱*
- ۶- لاریجانی، جواد(۱۳۷۴)؛ *سخنرانی در سمینار بررسی حماسی اسلامی آمل، مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم آمل، تهران، دانشگاه امام حسین*
- ۷- موسوی عبادی ، علی اصغر ، (۱۳۷۸) *تاریخچه حزب کمونیست ایران ، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، شماره ۵۳ تا ۵۶*

- ۸- موسوی ، جلال ، صالحی، حسن ، علیانسیب، حسین(۱۳۹۴) ؛ بررسی تطبیقی اندیشه های سیاسی علامه نائینی و امام خمینی با تاکید بر تاثیرپذیری از بحران های معاصر، فصلنامه علمی پژوهشی، سال ۱۲، شماره ۴۲، ص ۲۰۸ - ۱۹۳
- ۹- نعمتی، صالح، (۱۳۷۲) سازمان شورش در بحران های جنگل های شمال کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام حسین، پژوهشکده علوم دفاعی

### روزنامه و سایت ها

- خبرگزاری دفاع مقدس ( ۶ / ۱۱ / ۱۳۹۳ ) ، «حماسه اسلامی ششم بهمن آمل در کلام رهبری» ، <https://defapress.ir/fa/news/39004>
- روزنامه اطلاعات ، بهمن ۱۳۶۰
- روزنامه جمهوری اسلامی ، بهمن ۱۳۶۰
- روزنامه کیهان، بهمن ۱۳۶۰

## بررسی مقایسه‌ای واقعه سیاهکل و حماسه ششم بهمن آمل (اهداف و پیامدها)

دکتر مرتضی علویان<sup>۱</sup>

سیدمحمدحسینی جبلی<sup>۲</sup>

### چکیده:

جریانات چپ در ایران به موازات گسترش کمونیسم بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و کودتای اکتبر ۱۹۱۷ و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، پا گرفت. به علت خوش‌بینی اولیه نسبت به گفته‌های لنین برخلاف خاندان رومانف که چشم داشتی به سرحدات ایران نداشت این افکار کمونیستی در ایران ریشه دواند هر چند بعدها در غائله حکومت آذربایجان تا مرز یک بحران بزرگ و تجزیه دو استان آذربایجان و کردستان پیش رفت. در دهه بیست شمس افزایش روزافزون نفوذ فکری کمونیسم و بازتابهای گسترده این طرز فکر را در سراسر ایران داریم. در این سالها حزب دموکرات در آذربایجان و حزب توده در تهران و سایر نقاط ایران مشغول انتشار افکار چپ گرایانه و رویکرد مارکسیستی خود بودند. حزب توده را می‌توان یکی از احزاب پرنفوذ و اثرگذار در دوران معاصر ایران نامید. فعالیت‌های این احزاب به خصوص حزب توده بیشتر تبلیغی بوده است. اما به مرور احزاب رادیکالتر از درون احزاب چپ شکل گرفت، مانند چریک‌های فدایی خلق ایران که مبارزه سیاسی را ناکافی می‌دانستند و قائل به مبارزه مسلحانه و استفاده از قوه قهریه بودند. اتحادیه کمونیست‌های ایران را نیز باید در همین چارچوب تحلیل کرد. این دو گروه باعث دو واقعه در تاریخ معاصر ایران شدند، اولی در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ در دوران پهلوی دوم (محمدرضا شاه) و در سیاهکل گیلان و دومین واقعه در زمان جمهوری اسلامی در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ در شهر آمل اتفاق افتاد. بر این اساس سوال پژوهش حاضر از این قرار است: چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان واقعه سیاهکل و ۶ بهمن آمل وجود دارد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که اگرچه هر دو رخداد بوسیله نیروهای چپ و با هدف براندازی صورت گرفت؛ اما درحالی که در واقعه سیاهکل سرکوب توسط نیروهای دولتی صورت گرفت در رویداد ۶ بهمن نیروهای مردمی و بدنه اجتماعی حکومت به مقابله با اتحادیه کمونیست‌ها پرداخت.

**کلیدواژه:** اتحادیه کمونیست‌های ایران، ششم بهمن آمل، واقعه سیاهکل، چریک‌های فدایی خلق

<sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران: [M.alavian@umz.ac.ir](mailto:M.alavian@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران: [Mohammad.jebeli@yahoo.com](mailto:Mohammad.jebeli@yahoo.com)

**مقدمه:**

قرن اخیر یعنی قرن بیستم عصر تحولات زیربنایی در همه امور زندگی بشر بوده است. از جمله این تحولات در عرصه سیاسی در جهان صورت گرفت. در این سده دنیا شاهد وقوع جنگهای بزرگ اول و دوم جهانی فروپاشی امپراتوریهای بزرگ و گسترش عقاید سرمایه داری بوده همزمان آگاهی مردم جهان از مشکلات روزافزون بین کشورهای پیشرفته صنعتی و عقب نگاه داشته شده افزایش یافت و با پایان جنگ جهانی برای جلوگیری از تکرار مجدد جنگها سازمانهای جهانی و منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان ملل و شورای امنیت تشکیل شد. در این سده همزمان با تحول از سرمایه داری صنعتی به سمت سرمایه داری مالی جنبش‌های کارگری گسترش پیدا کرد و انقلابهای سیاسی و اجتماعی زیادی از جمله ظهور کمونیسم صورت گرفت. که همگی در مقابل نظامهای سرمایه داری و لیبرالیسم قرار می‌گرفتند. در همین شرایط جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب پیدا شد و هریک از طرفداران عقاید لیبرالیسمی و کمونیستی می‌خواستند که ملتها و کشورهای بیشتری را به جرگه یاران خود جذب کنند، که این امر را گاه با کودتا و گاه با شورشهای چریکی و یا با گسترش فعالیتهای انقلابی انجام می‌دادند.

در ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ سه جریان عمده گسترش و نفوذ پیدا کرد که عبارت بود از جریان ملی‌گرا، جریان اسلام‌گرا، جریان مارکسیستی که جریان سوم یعنی مارکسیستی با فعالیت حزب توده که مورد حمایت شوروی بود در ایران گسترش یافت. که این جریان پس از گذشت چندین سال به تدریج دچار انشعابات شد که متاثر از جریان جهانی مارکسیسم بود که در اثر اختلاف عقاید متفکران این جریان مانند لنین و کائوتسکی و مائو اعضاء آن در جای جای جهان دچار انشعابات و شاخه‌هایی شدند. انشعابات حزب توده ایران مانند چریک‌های فدایی خلق ایران و مائوتیسمهای اتحادیه کمونیستهای ایران فعالیت‌های تبلیغی را ناکافی و مشارکت در ساختار سیاسی موجود را بی‌ثمر تشخیص دادند و روی به مبارزه مسلحانه آوردند و دو واقعه را رقم زدند. یکی حمله چریکهای فدای خلق در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل شهرستان لاهیجان در دوران پهلوی دوم (محمدرضا شاه) و دیگری حمله مائوتیسمهای اتحادیه کمونیستهای ایران به شهر آمل در ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ در دوره جمهوری اسلامی بود.

### مبانی نظری:

گروه‌های کمونیستی خود را اساساً ضد امپریالیسم و ضد نظام‌های سرمایه داری و یا علیه هواداران نظام‌های سرمایه داری می دانند و خود را مکلف به مبارزه با این نظامها و مقید به براندازی اینگونه نظامها می دانند و در این مسیر با وجود اهداف مشترک دارای روش‌های مختلف می باشند. از جمله اختلاف بین مارکسیسم لنینیسم و مائوئیسم قابل توجه است. اگر لنینیسم تجدیدنظری در مارکسیسم به شمار آید، مائوئیسم این تجدیدنظر را در رابطه با مسائل جامعه ای عقب مانده تکمیل کرده است. مائوئیسم اصولاً به عنوان استراتژی توسعه مناطق عقب مانده و «مقابل صنعت» ظهور کرد و بدین ترتیب کاربرد «مارکسیسم» به عنوان مائوئیسم در خصوص شرایط اجتماعی جامعه‌ای چون جامعه چین چندان اثری از مارکسیسم به صورتی که در اروپا پدید آمده بود، باقی نمی گذاشت. مارکسیسم مائو آمیزه دره‌می از برخی عناصر پراکنده و دست چین شده از آراء لنین و سنت های فکری و اخلاقی چین بود و در قالب مفاهیم بسیار کلی و اخلاقی عرضه می شد. بدین سان تحلیل مارکسیسمی قدرت و جامعه جای خود را به تجویز اخلاقی می داد. در این فرآیند، کارگزاران تحول تاریخی نیز عوض می شدند و دهقانان در جامعه‌ای عقب مانده جای طبقه کارگر در جامعه ای کاملاً صنعتی شده را می‌گرفتند (بشیریه، ۱۳۷۶، ۴۰۵).

مبانی فکری مارکسیستی که دارای مشی دین ستیز و مادیرایانه داشته است باعث ضدیت مائوئیستها با انقلاب اسلامی می شد و با مشی انقلاب اسلامی که مروج معنویت و دین سالاری بود در تضاد بود و به همین دلیل به برخورد بین این دو مشی انجامید.

### جریانهای چپ و سوسیالیسم در ایران؛

سوسیالیسم مجموعه عقاید برابری خواهانه ای است که عمده احزاب سوسیالیسم خود را به ایجاد جامعه تساوی خواه متعهد می داند اگرچه در مورد راهحلی که می توان نابرابری را ریشه کن کرد و ابزار این تغییرات با هم تفاهم ندارند اما هیچ سوسیالیستی از نابرابری رایج ثروت و قدرت دفاع نمی کند. سوسیالیستها عقیده دارند: در نظام سرمایه داری سرمایه و ثروت همواره امتیازات و فرصت های فراوانی را در یک سوی طیف جامعه فراهم می کند. بنابراین سوسیالیستها رویای برپا داشتن جامعه ای را پرورانده که در آن هر کس امکان آن را دارد که به دنبال خودش کوفایی باشد، بدون مواجهه با محدودیت هایی که در آن برابری ساختاری ریشه دارند، دومین

ویژگی سیوسیالیسم را باور به امکان ساختن یک نظام جدید تساوی طلب بر پایه ارزش های هم بستگی و تفاوت می داند. ویژگی ای که به یک مشخصه سوی وابسته است و آن دید نسبتاً امیدوارانه به انسان ها و توانایی شان برای همکاری با یکدیگر است (نیومن، ۱۳۸۸، ۹ و ۱۰).

سابقه گرایش چپ و سوسیالیستی در ایران به دوران مشروطه بر می گردد که همواره توأم با تندروی و افراط بود. تشکیل حزب کمونیستم اتحاد جماهیر شوروی به عنوان حزب مادر احزاب چپ سراسر دنیا به ویژه در دوران جنگ سرد به اهمیت و حساسیت موضوع افزود. حزب توده ایران قدیمی ترین شکل وابسته به اتحادیه جماهیر شوروی بود که با ورود چین کمونیست به عرصه ی جهانی توجه گروه های کمونیستی را به خود جلب و باعث انشعاباتی در گروه های مارکسیستی شد و احزابی مانند مجاهدین خلق و چریک های فدایی خلق و اتحادیه کمونیست های ایران به وجود آمد (کردی، ۱۳۸۶، ۹).

اقشار مختلف مردم از دو طریق با این احزاب چپ آشنا شدند یکی از راه های انتشار روزنامه ها و مجلات و مطالب منتشر شده توسط این احزاب است و راه دیگر دانشجویانی که در خارج از کشور در آمریکا و اروپا تحصیل می کردند. جذب این عقاید و گروه ها می شده و پس از ورود به ایران دست به فعالیت حزبی و گروهی می زدند و باعث انتشار و گسترش افکار چپ گرایان شدند (طیرنی، ۱۳۹۲، ۲). پس از انقلاب روسیه شوروی، حزب کمونیست ایران برای اولین بار در مجله «هابونچی بادکوبه» در ماه می سال ۱۲۹۶ شمسی با عنوان حزب عدالت تشکیل شد و اسداله غفارزاده به عنوان مدیر این حزب انتخاب شد (عبادی، ۱۳۷۸، ۴۴۷). پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ این امید را برای مارکسیست های ایرانی ایجاد کرد که آنان نیز به این باور برسند که ایران در «انقلاب بورژوازی» را تشکیل کرده است و اکنون برای انقلاب کارگری دهقانی آمادگی دارد (ابراهامیان، ۱۳۷۷، ۱۴۴).

این گروه از مارکسیست های ایران با پیوستن به جنبش جنگل و حمایت از جنگل ها موفق به کسب قدرت نشدند، اما اندیشه های مارکسیستی در میان مارکسیست های ایرانی وارد مرحله ای دیگر شد. با رفتن رضاشاه از ایران و گشوده شدن فضای نسبی سیاسی حزب توده پا به عرصه سیاست گذاشت. نیروی که رسماً براساس آموزه های مارکس و لنین در کشور فعالیت می کرد. پس از سقوط رضاشاه حزب کمونیست با نام حزب توده و به رهبری سلیمان اسکندری کار خود را ادامه داد. آنها کمونیست بودند، اما به علت ترس از علما و غیرقانونی بودن فعالیت کمونیستی در ایران و نگرش

خصمانه مردم به سوسیالیسم خود را کمونیست نمی خواندند (احمدوند و دیگران، ۱۳۹۶، ۲۷).

محققان و منتقدان مارکسیست معتقدند آنچه به عنوان اندیشه های مارکسی و مارکسیست در ایران مورد پذیرش نیروهای چپ گرا قرار گرفت، برداشتی سطحی از اندیشه های مارکس بود (طباطبایی، ۱۳۸۹، ۱۱). اندیشه هایی که قبل از آنکه برگرفته از آموزه های مارکس باشد، آموختن از یادداشت های پیشین و جنبشی، مسلحانه مارکسیستی بود که براساس پیشبرد امور و تسریع در انقلاب، سراغ یادگیری از روش های مبارزات مسلحانه در آمریکای لاتین و چین رفته بودند (علی حسینی، صادقیان، ۱۴۰۱).

حزب توده به عنوان یکی از احزاب ایرانی باگرایش مارکسیست-لنینستی، نقش تاثیرگذاری در شکلگیری و انشعابات گوناگون در میان گروه های چپ گرا در دوره پهلوی داشته است. حزب توده را به عنوان یکی از جریانهای مارکسیستی می شناسند که با روشهای خود در مبارزه و نقد رژیم شاه، باعث شد بسیاری از جوانان از فعالیت سیاسی روی برگردانند و به سوی «حرکت مسلحانه» کشیده شوند. فعالیت حزب توده را می توان به دو بخش تقسیم بندی کرد. حزبی که با جذب بیشترین نویسندگان، مترجمان، هنرمندان و روزنامه نگاران در مقایسه با دیگر احزاب چپ، تاثیرگذاری شایان توجهی در حوزه ادبیات، خلاصه داستان نویسی و شعر در دهه های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ داشته و همچنین یکی از احزاب مارکسیستی که حجم درخور توجهی از متون اجتماعی، سیاسی و تحلیل هایی درباره جامعه ایران را از نگاه مارکسیستهای ایرانی منتشر کرده است، تحلیل هایی که گاه از زبان فعالان حوزه ادبیات و هنر مورد استفاده قرار می گرفته است (شانه چی، ۱۳۸۵، ۱۵۶).

### بررسی واقعه سیاهکل:

قبل از بررسی این واقعه باید با عوامل به وجود آورنده این واقعه یعنی سازمان چریک های فدایی خلق و با عقاید- رویکردها و اهداف آنها آشنا شویم سازمان چریک های فدایی خلق ایران سازمانی سیاسی و نظامی مارکسیستی بود. این گروه عقاید چپ گرایانه و ضد امپریالیستی داشته و هم سو با سایر گروه های چپ دنیا هدف خود را مبارزه جهانی با امپریالیسم بیان می کردند. سازمان چریک های فدایی خلق ایران یکی از مهم ترین و تاثیرگذارترین گروه های مسلح در دوره پهلوی بود و تاثیر زیادی بر روشنفکران و هنرمندان ایرانی هم نسل خود گذاشت و فدائیان خلق پس از شکل

گیری توانستند چندین عملیات و ترور مهم و پر سر و صدا مانند حمله به پاسگاه سیاهکل، انفجار برخی مراکز پلیس و انفجار دکل‌های برق ترور سرلشکر فرسیو رئیس دادرسی ارتش، و ترور محمدصادق فاتح یزدی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کارخانه داران ایرانی، حمله و سرقت از بانک‌های حکومت پهلوی و بمب‌گذاری در دفاتر شرکت‌های نفتی آمریکایی انجام دادند. این گروه بودجه مورد نیاز خود را با سرقت از بانکها تهیه می‌کرد و سلاحهای مورد نیاز خود را از عراق می‌خرید و برای عملیات آماده می‌شد.

چریکهای فدایی خلق بر این عقیده بود که رژیم پهلوی عامل امپریالیسم آمریکا است و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مرحله ای از فضای بسته سیاسی و دیکتاتوری و خشونت بی حد و حصر پا نهاد که عملاً همه نوع آزادی را از جامعه سلب کرد چنین عملی واکنشهای متعددی را از سوی روشنفکران و فعالان سیاسی به دنبال داشت که یک نوع از این واکنشها ظهور مشی چریکی و رادیکالیزه شدن احزاب سیاسی بود. مبارزه مسلحانه با توسل بر استراتژی قدرت مدارانه در جهت ایجاد تغییرات ساختاری به وجود آمده و در راه رسیدن به اهداف خود کوششهای فراوانی به کار برد (حسن زاده، ۱۳۸۴، ۴۵، ۴۶).

آنچه مسلم است اینکه مشی چریکی، مبارزه با امپریالیسم، رژیم شاه و سرمایه‌داری وابسته را به دلیل غارت، اختناق و دیکتاتوری، محور برنامه های خود قرار داده بود. اما عدم وحدت ایدئولوژیکی و به کارگیری تاکتیکهای مغایر با سنت‌های جامعه سبب شد تا مبارزه چریکی از توده ای ساختن جنبش کمونیستی عاجز مانند (حسن زاده، ۱۳۸۲، ۴۱۸-۳۹۲).

جریانها و محفلهای مارکسیست- غیر رسمی از ضربات سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸ انسجام تشکیلاتی و سازمانهای مخفی و خانه های تیمی خود را از دست داد. فعالان سرشناس حزب توده و سایر محفلها به خارج از کشور رفتند و محفلهای کوچک و وابسته بدانها نیز به شدت تحت نظارت یا نفوذی ساواک تازه تاسیس قرار گرفتند.

در یک سنخ شناسی می توان آنها را از نظر وابستگی به حزب توده به سه دسته تقسیم کرد (سازمان چریکهای فدایی خلق، ۱۳۵۹: ۷-۱۰؛ حسن زاده، ۱۳۸۰، ۲۲۵-۲۲۰).

**الف) محفلها و شبکه های مخفی وابسته به حزب توده مانند تشکیلات تهران**



ب) محفلها و گروههای زیرزمینی مستقل از حزب توده که حاضر به مبارزه سیاسی و ایدئولوژیکی با رهبران حزب در غیابشان از کشور نبودند مانند «پروسه مارکسیستی-لنینیستی ایران» و جریان انشعابی از آن به نام «حزب کمونیست».

پ) محفلها و گروههای مخفی مستقل: که مبارزه باحزب توده و محفلهای دسته دوم را از راهبردی ترین وظایف انقلابی خود می دانستند. این دسته به دلیل عدم ارتباط با کشورها کمونیست خارجی با همکاری با گروههای وابسته داخلی، قدرت و تجربه کافی برای ادامه حیات سیاسی در خود احساس نمی کردند و هنوز مشی روشنی نداشتند. اما بروز جنبشهای انقلابی کوبا، ویتنام، الجزایر، چین، آلبانی به تدریج به رشد تمایلات قهرآمیز آنها کمک کرد. پیروزیهای چند جنبشی انقلاب در سراسر جهان، جوانان را متقاعد ساخته بود که جنگ چریکی تنها راه رهایی از سلطه استعمار و استبداد و امپریالیسم است.

سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ توسط رژیم، تاییدی دیگر به ضعف تاکتیک و استراتژیک جنگ مسلحانه بود. در وضعیت سیاسی پیش آمده عناصر تندروی مارکسیستی فعال در حزب توده، جبهه ملی و نیروهای مستقل به تشکیل گروههای مارکسیست لنینیست با مشی مبارزه مسلحانه مبادرت ورزیدند.

واقعیه سیاهکل به عنوان اولین حرکت مسلحانه سیاسی در تاریخ معاصر ایران شناخته می شود. که باعث پدید آمدن آثار نوشتاری و شنیداری شده است از جمله می توان به کتاب داستان سیاهکل نوشته ناصر وحدتی اشاره کرد. او در کتاب خود واقعه سیاهکل را قیام روشنفکری، دانشجویی و گیلانی تلقی کرد، زیرا که به رغم حضور چند رزمنده از شهرهای دیگر ایران، بیشتر جان بر کفان این گروه گیلانی و به ویژه لاهیجانی بودند (وحدتی، ۱۳۷۴، ۳).

اقدامات این گروههای سیاسی که بر اندازی نظام پهلوی را با روش مسلحانه جستجو می کردند با هر انگیزه و با هر هدفی که صورت گرفته باشد به هر تقدیر بخشی از مشروعیت نظام پهلوی را امواج خود قرار داده بود، پس رفتار این گروهها را می توان بخشی از مبارزه مردم ایران تعریف کرد (نادری، ۱۳۸۷، ۱۷۹).

چریکهای فدایی خلق متشکل از دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک تهران و چند شهر دیگر از جمله مشهد بودند که با توجه به پیروزی انقلاب کوبا به رهبری فدیل کاستر و پس از حمله به یک روستا در جنگل و همراهی توده ها خواستند این امر را در ایران و در جنگلهای سیاهکل شبیه سازی کنند.

منطقه دیلمان در استان گیلان در نزدیکی سیاهکل، منطقه‌ای کوهستانی و غیرقابل دسترسی و غیرقابل تسخیر است. که اعضای چریکهای فدایی خلق پس از بررسی از چند منطقه جنگلی مانند گرگان و مازندران و گیلان به این منطقه رسیدند و جهت دور از دسترس بودن از عوامل رژیم پهلوی به این مناطق پناه برده و مخفی شده و اوضاع را زیر نظر داشتند.

عده ای از اعضای گروه چریکهای فدایی خلق براین عقیده بودند که با توجه به اصلاحات ارضی دوره پهلوی نارضایتی توده های دهقانی تا حدودی فروکش کرده است و با قیام مسلحانه همراهی نخواهند کرد. اما عده دیگر تحت تاثیر پیروزیهای سوسیالیسهای دیگر نقاط جهان تصمیم به استفاده از قوه قهریه و مبارزه مسلحانه گرفتند.

انشعاب در حزب توده اولین بار توسط خلیل ملکی صورت گرفت و سراغاز انشعابات دیگر شد و به تدریج گروههای رادیکالتر منشعب شدند. خانم مولود خانلری از اعضای حزب توده در مصاحبه با BBC فارسی گفته بود. بعضی از اعضای حزب توده نمی-خواستند که اطاعت کورکورانه از حزب کمونیست شوروی داشته باشند و حزب توده ایرانی را می خواستند.

در ایران دوره پهلوی گروهها و احزاب متعددی برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی پهلوی در تلاش بودند. این گروه ها برای همراهی کردن مردم و نخبگان جامعه با خود، می بایست دلایل خود را برای نفی رژیم موجود، وضعیت مطلوب پس از رژیم فعلی و چگونگی رسیدن به جامعه موعود ارائه می دادند. هریک از گروه ها و احزاب فعال در آن روز ایران، نظرهای خود را درباره چرایی نفی وضعیت موجود و چگونگی رسیدن به وضعیت ایده آل، از مکاتب و نظریات مطرح آن زمان اخذ می کردند. در این میان بودند احزابی که ایدئولوژی مارکسیستی را مبنای تحلیل وضعیت اجتماعی و سیاسی خود قرار می دادند و با تکیه بر آن، به مبارزه با رژیم پهلوی می پرداختند. احزابی مانند حزب توده، چریک های فدایی خلق و مجاهدین خلق ایران از این قبیل اند (دلیری، شهبازی، ۱۳۹۱: ۳).

حزب توده، رژیم پهلوی را رژیمی وابسته به جبهه امپریالیست آمریکا و استبدادی می دانست به همین دلیل خواستار جایگزین آن با رژیمی ملی بود. هرچند حزب توده انقلاب را راه سرنگونی رژیم پهلوی می دانست، برآن بود که برای آمادگی ذهنیت توده های مردم برای انقلاب باید کار فرهنگی و سیاسی انجام گیرد. چریکهای فدایی

خلق نیز برای مخالفت با پهلوی همان استدلال حزب توده را داشتند، اما معتقد بودند حکومت جایگزین باید تحت رهبری حزب پیشگام کارگران تشکیل یابد. چریکهای فدایی هم عقیده داشتند انقلاب تنها راه رسیدن به وضعیت آرمانی است، اما بر خلاف حزب توده آمادگی ذهنیت توده ها را در گروه فعالیت مسلحانه می دانستند، مجاهدین خلق نیز با دو گروه قبل در دلایل نفی رژیم پهلوی هم عقیده بودند، اما برخلاف آن دو، علاوه بر اعتقاد به وجود شرایط عینی انقلاب، شرایط ذهنی انقلاب را هم مهیا می دانستند به عقیده سازمان مجاهدین، تنها علت شکست مبارزه ها تا آن زمان نبود سازمان درستی برای رهبری توده هاست که این خلاء را نیز احزاب باید پر کنند، جامعه ایده آل مورد نظر مجاهدین جامعه بی طبقه توحیدی بود (دلیری، شهبازی، ۱۳۹۱، ۴).

دیدگاه کلان احزاب در مبارزه علیه حکومت پهلوی متأثر از جنگ سرد به این گونه بود که جهان را به دو اردوگاه متضاد یعنی سوسیالیسم و سرمایه داری تقسیم میکردند و حکومت پهلوی دوم را در اردوگاه امپریالیسم و سرمایه داری می دیدند. پهلوی دوم نه تنها دست نشانده آمریکا بود، بلکه در مسیر سرمایه داری امپریالیستی نیز گام بر می داشت. بدین گونه که در طی حکومت پهلوی ها و به ویژه با انجام اصلاحات ارضی، کشور روند گسترش مناسبات سرمایه داری و متلاشی شده نظام فئودالی را به سرعت طی کرده، وارد مناسبات سرمایه داری از نوع وابسته آن شد (دنیا، ۱۳۵۲: ۲۴-۲۵).

احزاب چپ بر این عقیده بودند که این اصلاحات برای جلوگیری از پتانسیل انقلابات اجتماعی صورت گرفته است، و هدف اصلی آن دور نگاه داشتن توده های دهقانی از محافل سوسیالیستی بود.

رویداد سیاهکل به عنوان نخستین حرکت مسلحانه سیاسی در تاریخ معاصر ایران شناخته می شود. اگرچه فداییان در این خیزش و اهداف نظامی خود ناکام ماندند، اما حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در ۱۳۴۹ باور به ضربه پذیر بودن نظام شاهنشاهی را در مردم تقویت کرد. بی تردید نام «حمید اشرف» به عنوان برجسته ترین کادر عملیاتی و تشکیلاتی چریک های فدایی خلق ایران تداعی گر این قیام است (اشرف، صالحی، ۱۳۹۸: ۲).

شهرستان سیاهکل تاریخ پرماجرايي دارد. چه آن که پاره ی گسترده ای از سرزمین دیلم است. سرزمین دیلم همه ی پهنه ی سپیدرود در میانه گیلان و در میانه ی تنکابن را در خود داشت و باختری ترین پاره ی دیلم دیروز شهرستان سیاهکل امروز است.

دیلم نامی بود نخست بر پاره‌ی کوهستانی خاور سپیدرود. سرزمینی بلند که جایگاه مردمی بود که کارشان پرورش دام بود و گالش نامیده می‌شدند. مردمی که خموشانه بر بلندای دیارشان گام بر می‌داشتند و دام پرورش می‌دادند و پر فریاد بازو بینی در دست در برابر هر چشم دوخته بر دیارشان می‌ایستادند و می‌کشتند و دیارشان را پاس می‌داشتند (پرتو، ۱۳۹۴، ۳۱۱).

با توجه به مزیت‌هایی که کوهستان دیلمان و منطقه سیاهکل داشت مانند صعب‌العبور بودن و پوشش جنگل جهت استتار و وجود طرفدارانی از چریک‌های فدایی خلق ایران در این منطقه اعضاء چریک‌های خلق تصمیم گرفتند برای دور از دست‌رسی ماندن از مأموران پهلوی به بخصوص ساواک به این منطقه بروند و منتظر فرصتی جهت عملیات علیه رژیم پهلوی می‌باشند. ۱۱ سال بعد از اینکه فیدل کاسترو و چریک‌های همراهش از کوهستان جنگلی سیئرامائسترا به شهر یورش بردند و با فتح هاوانا انقلابی به پا کردند در جنگل‌های انبوه سیاهکل گروهی از چریک‌های ایرانی با تأثیر از فیدل کاسترو و انقلاب کوبا به دنبال انقلابی از جنگل بودند. با توجه به اینکه در ابتدای قرن در ایران جنبشی از جنگل به رهبری میرزا کوچک خان به وقوع پیوست که می‌توانست برای دانشجویان مارکسیست الهام بخش باشد.

در پی قیام ۱۵ خرداد و خشونت اعمال شده توسط رژیم پهلوی گروه‌های سیاسی چپ‌گرا به فکر استفاده از قوه قهریه و مبارزه مسلحانه افتادند و روش‌های سلامت‌آمیز قبل توسط جبهه ملی و حزب توده ایران را برای مبارزه ناکافی می‌دانستند گروه‌های مباحثه مخفی کوچکی را برای بررسی تجربیات مبارزات چین، ویتنام، کوبا و الجزایر و ترجمه آثار چگوارا و فائو تشکیل دادند دستاورد این مباحثات و بررسی‌ها شکل‌گیری شماری از گروه‌های کوچک، مارکسیست و انقلابی بود که تنها راه‌هایی را استفاده از قوه قهریه و نبرد چریکی می‌دانستند. یکی از این گروه‌ها که در سال ۱۳۴۲ توسط عده‌ای از دانشجویان مارکسیست دانشگاه تهران و با ادغام دو گروه تشکیل شد و بعدها سازمان‌های چریک‌های فدایی خلق نامیده شد.

رهبر فدائیان خلق در این عملیات به عهده دو تن به نام‌های علی اکبر صفایی فراهانی و حمید اشرف بود. این گروه از دو بخش تیم شهری و تیم روستایی تشکیل شده بود که در تاریخ ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در دره مکار اطراف چالوس حرکت خود را آغاز کرد و پس از بررسی‌های فراوان جنگل‌های گیلان را انتخاب کرده و تیم روستایی را به آنجا فرستادند. دلایل زیادی برای انتخاب گیلان وجود داشت. نخست آنکه وجود کوهستان‌های صخره‌ای استفاده از سلاح‌های سنگین در آن منطقه را

ناممکن می ساخت و تا حدودی به این سبب که جنگل های این منطقه در حملات هوایی، استتار مناسبی محسوب می شد اما دلیل اصلی سابقه مبارزاتی روستاهای این منطقه به ویژه در جنبش جنگل در دهه ۱۳۰۰ شمسی بود.

به پیش بردن برنامه روستای مستلزم تدارکات دقیق زندگی با شبانان کوهستان، ایجاد ارتباط با روستائیان و قبول رزمنده از بین آنان بود. لیکن پس از دستگیر شدن یکی از هواداران فدائیان به نام هادی بنده خدالنگرودی توسط ژاندارم های شهرستان سیاهکل در ۱۹ بهمن ماه این برنامه ها به هم ریخت. چریک های فدایی که بیم داشتند اطلاعات حیاتی او زیر شکنجه لوبرود تصمیم سرنوشت ساز را گرفتند تا به پاسگاه ژاندرمری حمله کرده و یار خود را آزاد سازند.

در شامگاه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ سیزده چریک مسلح به تفنگ، مسلسل و نارنجک دستی، پس از تصاحب یک اتوبوس کوچک در جاده سیاهکل-لونک به پاسگاه ژاندرمری و پست جنگلداری شهرستان سیاهکل در کناره جنگل های استان گیلان حمله کردند قبل از آن هادی بنده خدالنگرودی همراه رئیس پاسگاه به رشت منتقل شده بود. پس از حدود نیم ساعت از شروع حمله چریک ها از پاسگاه خارج شدند. در این حمله تمام موجودی سلاح های پاسگاه که شامل ۹ قبضه تفنگ برنو و مسلسل بود تصاحب گردید. شاه با شنیدن این خبر واکنش شدیدی نشان داده و برادر خود غلامرضا را در رأس قوای نظامی سنگینی شامل تکاورها، بالگردها و افراد شهربانی به منطقه اعزام نمود. در عملیات تعقیب و گریز که از پی آن آمد از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند بیش از ۶۰ افسرو درجه دار و سرباز وظیفه ارتش شاهنشاهی ایران و دو چریک فدایی کشته شدند و یازده تن از چریک ها نیز اسیر شدند از این تعداد ده نفر به ضرب گلوله اعدام شده و یک نفر زیر شکنجه مرد.

حمید اشرف در مقاله یک سال مبارزه چریکی درشهر و کوه مجموع اعضا جنگل را ۲۲ نفر اعلام کرده بود.

فدائیان خلق در این عملیات از دستیابی به هدف که اشغال یک منطقه و همراه کردها، دهقانان، روستائیان و سپس سرایت به سایر شهرهای دیگر ناکام ماندند ولی از این درگیری تا مدت ها بعد بعنوان بزرگترین عملیات مسلحانه علیه رژیم شاه یاد می شده و باور ضربه پذیر بودن نظام در اذهان مردم از طریق مبارزه مسلحانه را تقویت کرده فدائیان آن را یک پیروزی تبلیغاتی خواندند که نشان داد گروه کوچکی از افراد مصمم می توانستند کل رژیم پهلوی را به هراس افکنند.

روز ۱۹ بهمن روز قیام سیاهکل در تاریخ ایران روز پیدایش جنبش چریکی محسوب می‌شود. حکومت پهلوی برای تأکید بر اهمیت این قیام به دنبال اعدام‌ها تبلیغات وسیعی به منظور جوسازی علیه چریک‌های فدایی خلق به راه انداخت و حتی ۵۱ تن از دانشجویان چپ‌گرا که ارتباطی با فدائیان نداشتند در تهران بازداشت کرد و بدون برنامه از پیش تعیین شده دانشگاه تهران را به مدت یک هفته تعطیل کرد. شاه همچنین کنفدراسیون دانشجویان ایران خارج از کشور را بعنوان توطئه بین‌المللی غیرقانونی اعلام کرد: این واقعه باعث شتاب بیشتر فعالیت سایر گروه‌های انقلابی و بروز برخی ناآرام‌های دانشجویی در تهران گردید.

### بررسی حماسه ششم بهمن آمل:

قبل از پرداختن به این حماسه باید عوامل حمله به شهر آمل را بشناسیم. پس از شهریور ۱۳۲۰ سه گرایش عمده در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران متجمل گردید:

۱- گرایش ملی ۲- گرایش چپ و مارکسیستی ۳- گرایش اسلامی

سابقه گرایش چپ و مارکسیستی-سوسیالیستی به دوران مشروطه باز می‌گردد که توأم با تندوری و افراط بود تشکیل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بعنوان حزب ما در احزاب چپ سراسر دنیا به ویژه در دوران جنگ سرد به اهمیت و حساسیت موضوع افزود. حزب توده ایران قدیمی‌ترین تشکل وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود. ورود چین به عرصه جهانی نیز توجه گروه‌هایی را به خود جلب کرد و انشعابات را در گروه‌های مارکسیستی ایجاد کرد یکی از این گروه‌های انشعابی اتحادیه کمونیست‌های ایران بود (کردی، ۱۳۸۶: ۹).

اتحادیه کمونیست‌هایی که خواستگاه اصلی آن در خارج از کشور و به ویژه ایالات متحده آمریکا بود پس از طی یک دوره مبارزه سیاسی و فرهنگی محدود در سال ۱۳۵۵ از ادغام دو گروه سازمان اقلابیون و کمونیست و گروه پویا تشکیل شد دانشجویان عضو اتحادیه کمونیست‌های که در خارج از کشور مقیم بودند غالباً خواستگاه طبقاتی ویژه‌ای داشتند متعلق به طبقه مرفه ایران بودند. غرق شدن در توهمات کمونیستی و دور شدن از شرایط عینی جامعه ایران به بی‌خبری آنها افزود و خواستار رهبری طبقه کارگر شدند. مارکسیست‌لنینست‌های اتحادیه کمونیست‌ها به تبعیت از شکاف جهانی در اردوگاه کمونیست به جمهوری خلق چین و اندیشه‌های مائو تمایل پیدا کردند و از سیاست سمپات‌های سه جهانی مائو تسه دون رهبر چین شدند (کردی، ۱۳۸۶: ۱۱).

پس از ظهور مائو و گسترش اندیشه های او ایجاد انشعابات در احزاب مارکسیستی ناگزیر بود بطوریکه در اکتبر ۱۹۵۰ منجمله «نیوزویک» به مناسبت اولین سالگرد تشکیل جمهوری توده‌ای چین مقاله نوشت بر این پایه که مائوتسه دون قبل از اینکه کمونیست باشد یک ناسیونالیست چینی است. نویسنده مقاله متذکر می‌شد که دول غربی می‌توانستند از ناسیونالیسم شدید مائو استفاده کرد و جمهوری توده‌ای چین را تحت رهبری مائو علیه شوروی برانگیزد و در برابر آن قرار دهند (جوانشیر، ۱۳۵۳: ۴).

مائو معتقد بود که چون نیروهای امپریالیست و فئودال بودند که چین را از یک جامعه فئودالی به یک جامعه نیمه فئودالی و از یک چین مستقل به یک چین نیمه مستعمره تبدیل کردند. بنابراین تضادهای اولیه در درون جامعه چین نوین عبارت بودند از تضاد فئودالیسم و اقشار مردم لذا امپریالیسم یک دشمن اصلی و بزرگ بود. مائو نتیجه گیری کرد که انقلاب های معاصر چین از بطن این تضادها زایش یافتند. از این رو هدف و دشمنان اصلی انقلاب چین عبارت بودند از امپریالیسم و فئودالیسم و به ویژه بورژوازی امپریالیست (بورژوازی کمپرادور) و طبقه زمین دار چین. لذا انقلاب چین دو هدف داشت: فروپاشی امپریالیسم خارجی (در چین) از طریق یک انقلاب ملی و از از میان بردن طبقه مالک از طریق یک انقلاب دموکراتیک.

انقلاب چین ضرورتاً می‌بایست یک انقلاب مسلحانه باشد تا بتواند با یک امپریالیست قدرتمند و ضد انقلاب مسلح مالکان فئودال پیکار کند. مرحله اولیه انقلاب چین دست زدن به یک جنگ چریکی دهقانی بود. با این که ابتدا یک پایگاه قدرتمند نظامی، اقتصادی فرهنگی را در مناطق روستایی ایجاد کنند و سپس در مرحله بعد مبادرت به تسخیر شهرها نموده و پیروزی کامل انقلاب تحقق یابد (ون، شون چی، ۱۳۸۱، ۷۴) مائوئیست‌های اتحادیه کمونیست‌های ایران هم با پیروی از همین عقاید مائو و دیگر رهبران مارکسیت-لنینیست مانند فیدل کاسترو که می‌گفت وجود ایده ها در تعداد بسنده‌ای از انسان‌ها برای دست زدن به عمل انقلابی کافی بود و از طریق این عمل توده‌ها به ایده ها جلب شدند و اینچنین آگاهی را بدست آوردند منظور فیدل کاسترو از عمل انقلابی چیزی مگر عملیات چریکی یک گروه از افراد متعهد و مصمم نبوده همان چیزی که در میهن ما بعنوان قدرت انقلابی با عمل مسلحانه مصطلح شده است اقدام به حمله مسلحانه به شهر آمل کردند (زعیم، ۱۳۹۳: ۸).

بعد از واقعه سیاهکل ما شاهد پدید آمدن گروه‌های متعددی بودیم که به مبارزه مسلحانه روی آوردند انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ میلادی به دنبال آن اشاعه مشی و شیوه مبارزه چریکی پیشاهنگان در روستا و شهر منبع

اصلی الهام برای جنبش چریکی در ایران بود (مجموعه مقالات، ۲۳۹۱: ۱۲۳). اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران که در آمریکا و اروپا بودند در مراحل پایانی حکومت پهلوی و اوج گیری انقلاب مردم ایران و پس از پیروزی انقلاب گروه گروه به ایران بازگشتند و در اوایل انقلاب در مقاطعی با موضع گیری های خود از انقلاب حمایت کردند و حتی در ظاهر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شرکت کردند و پس از حضور منافقانه در صحنه پشت صحنه جنگ داخلی کردستان و جنوب کشور با گردآوری و انتقال مقادیرمعتنابهی اسلحه و مهمات برای استقرار و شروع عملیات خود اقدام کردند (هاشمی، ۱۴۰۱: ۱۲۱).

پس از ۳۰ تیر سال ۶۰ و عزل بنی صدر از ریاست جمهوری توسط امام خمینی و تأیید مجلس شورای اسلامی اتحادیه کمونیست‌های ایران وارد فاز مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی شده چون دیگر زمینه فعالیت سیاسی را نداشتند و از دایره قدرت هم بیرون مانده بودند.

آنها شهر آمل را انتخاب کردند که دلایل مختلفی برای این انتخاب موجود بود. مردم شهر آمل از سابقه مبارزاتی بالایی برخوردار بودند. سابقه برقراری حکومت مردمی در دوران شاه را داشتند و در مبارزات علیه جمهوری اسلامی در دوره ۶۰-۵۷ فعال بودند. بعلاوه سازمان در آن شهرداری یک تشکیلات اولیه و مشخص بوده که حدوداً شامل چند ده نفر می شد. اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران در آن شهر از سابقه مبارزاتی و نفوذ معینی برخوردار بودند و در جریان حکومت مردمی در آمل در سال ۵۷ نقش و شرکت فعال داشتند برخی از رهبران آن حکومت مردمی اعضای اتحادیه بودند.

دلایل دیگری هم برای انتخاب آمل از نظر اتحادیه کمونیست‌های ایران وجود داشت که از جمله می توان نزدیکی به کشور همسایه شمالی ایران شوروی که مادر کمونیست‌های جهان و رستوران‌ها و روستاهای اطراف برای تأمین غذا و قرار داشتن آمل در چهار راه شرق و غرب و شمال و جنوب و نزدیکی به تهران را نام برد.

پس اتحادیه کمونیست‌های ایران جنگل آمل را به شکل هدفمند انتخاب کردند طرح حمله اولیه آنها در هجده آبان در آستانه خروج از جنگل با شکست غافلگیرانه و مفتضحانه ای همراه شد تا اینکه پس از اختفا در ارتفاعات جنگلی و کوهستانی با تحمل صدماتی مرگ بار و فرار نیمی از نیروهایشان از جنگل همزمان با اوج گیری سرما و یخبندان آن سال بار دیگر پس از مدت چهار روز استتار و پیشروی عقب نشینی و اختفای مکرر ناشی از ترس مواجهه با حمله نیروهای گشتی های سپاه از



بی‌راهه‌ها با ترندهایی در شرایط سخت صبح روز پنجم بهمن به دروازه ورودی شهر آمل رسیدند به ناچار آن روز را در حاشیه شهر و در منطقه ای غیرمسکونی در خانه ای محقر به سختی گذراندند. با استفاده از منابع مختلف رسمی و اعتراف اعضاء آنان از جنگل با پای پیاده و بسیار پوششی با حرکت شبانه و از راه های انحرافی جنگل و مجاورت بستر رودخانه هراز به ابتدای شهر رسیدند در فرصت پیش آمده گروهی اندک نیز از قبل جهت بررسی آخرین وضعیت آرایش نظامی و انتظامات شهر آمل آمدند. برخی دیگر از اعضاء با ماشین عمومی از تهران به آمل آمدند. از حدود ساعت هشت آن شب با انتقال تدریجی استقرار نیروهای اتحادیه در شهر مخفیانه انجام شد. کمونیست ها با لباسی مبدل در ۵ گروه ۳۰ نفره در نقاط حساس شهر مستقر و آماده حمله مسلحانه شدند.

مهمترین هدف نظامی مهاجمان مسلح گرفتن ساختمان بسیج جوار پل معلق در مرکز شهر نزدیک ساختمان فرمانداری و با فاصله کوتاهی از مرکز مخابرات سبزه میدان بود که دسته اول کمونیست ها مسئول حمله و تصرف آن شده بودند. دستور حمله آخر شب پنجم بهمن ساعت ۲۳:۴۵ با شلیک یک موشک ار پی جی به ساختمان بسیج آغاز شد برنامه اصلی آنها از کار انداختن نیروهای سپاه و مقاومت بسیج و همچنین به زعم دشمن دعوت مردم به قیام کمونیستی بوده علاوه بر این گروهی از افراد کمونیست و محارب سنگرهای خود را سر کوچه و پس کوچه های اسپرکلا و رضوانیه در مسیر هراز و طالقانی متصل به مرکز شهر، طالب آملی و شیخ فضل الله نوری عمدتاً اطراف مقرهای سپاه و بسیج مستقر کردند. عده ای دیگر گشت شهری و ترور نیروهای مردمی و انجمن های اسلامی محلات را در سطح شهر به عهده داشتند. تیراندازی ها و تسخیر شهر با شهداد غافلگیرانه تنی چند از گشتیهای سپاه و نیروهای حزب الهی بی نتیجه تا صبح ادامه داشت. البته مقاومت محدود رزمندگان مستقر در پایگاه ها و نقاط حساس شهر آنها را کاملاً مأیوس و زمین گیر کرد تا طلوع صبح درواقع هیچ ساختمان دولتی تصرف نشد و کاری ویژه از شبیخون آنان ساخته نبود.

با طلوع خورشید در صبح ششم بهمن ستاد عملیات مرکب از سپاه کمیته و ژاندرمری تشکیل شده صدها نیروی داوطلب مردمی با روی آوردن به سپاه و گرفتن اسلحه به مقابله با کمونیست های مسلح رفتند. زن و مرد پیر و جوان شهری و روستایی همگی با آوردن شن و گونی اقدام به پشتیبانی گسترده سنگرسازی و نبرد و سنگر به سنگر کردند. سرکوب اتحادیه کمونیست ها توسط نیروهای سپاه مسلح شده بودند و به

جنگ خیابانی علیه کمونیست‌های محارب پرداختند از آن جایی که به همه مردم اسلحه نمی‌رسیده مردمی که سلاح نداشتند با هر وسیله ممکن نظیر داس، تیر و کمان، سنگ، تفنگ ساچمه‌ای و شکاری به مبارزه با اعضای ضد انقلاب مهاجم پرداختند. صحنه‌های حضور زنان غیرقابل وصف بود مردم علاوه بر کمک به تغذیه رزمندگان حتی وسایل دارویی منزل شان را به مراکز امداد رسانی و پزشکی شهر یا بهداری سپاه برده و تحویل می‌دادند. در ابتدای صبح سه شنبه ششم بهمن ۱۳۶۰ اتحادیه کمونیست‌ها تمام مواضع خود را در مراکز و اطراف نقاط حساس شهر از دست داد. حتی آرزوی تصرف یک ساختمان نظامی یا غیرنظامی را به گور بردند بالاخره با کشته شدن بیشتر رده‌های فرماندهی و تعداد زیادی از نیروهای مسلح مهاجم گروهی دستگیر و تعدادی محدود نیز به جنگل و سایر شهرهای کشور متواری شدند روز چهارشنبه ۷ بهمن سال ۱۳۶۰ وضعیت شهر آمل دیگر آرام و عادی بود. محور هراز نیز پس از ساعاتی بسته بودن از سوی رزمندگان اسلام بارگشایی شد. در این روز چهل و یک نفر عمدتاً از نیروهای مردمی در صحنه نبرد جانفشانی کرده و در راه اسلام و انقلاب اصیل خود به فیض شهادت نایل آمدند. عده زیادی از مردم نیز زخمی و به درجه جانبازی رسیدند (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱۵).

مهاجمان بر این تصور بودند که مردم آمل با شنیدن صدای تیر و درگیری به آنها خواهند پیوست و با آزاد شدن شهر آمل سایر شهرهای شمال نیز قیام خواهند کرد و یک قیام سراسری شکل خواهد گرفت و کشور و انقلاب از خطر انحراف به دامان امپریالیسم نجات خواهند یافت (رهگذر، ۱۳۸۵: ۱۴).

### مقایسه واقعه سیاهکل و حماسه آمل:

#### شباهت‌ها:

- ۱- هر دو اتفاق توسط گروه‌های چپ رقم خورد.
- ۲- در هر دو واقعه با الهام از جریان‌های جهانی سوسیالیسم اتفاق افتاد.
- ۳- هر دو حادثه در شمال کشور و در همسایگی مرکز سوسیالیسم و کمونیسم جهانی پدید آمد.
- ۴- هر دو حمله برای اشغال یک منطقه و سپس گسترش آن به سایر نقاط کشور و براندازی حکومت وقت صورت گرفت.
- ۵- هر دو حرکت ناموفق بود و با شکست مواجه شد و اعضاء چریک‌های فدایی خلق و اتحادیه کمونیست‌های ایران کشته یا دستگیر و یا اعدام شدند.

۶- هر دو گروه دخیل در این دو حادثه از دانشجویان کشور بودند که از قشر مرفه جامعه بودند.

۷- در هر دو واقعه دو گروه عمل کننده اطلاع کافی از شرایط جامعه و وضعیت توده مردم نداشتند و در همراهی آنها دچار توهم شدند.

#### تفاوت ها:

۱- واقعه سیاهکل توسط چریک های فدایی خلق رقم خورد و واقعه آمل توسط اتحادیه کمونیست های ایران رقم خورد.

۲- چریک های فدایی خلق بیشتر متشکل از دانشجویان داخل کشور بودند ولی اتحادیه کمونیست های ایران بیشتر متشکل از دانشجویان خارج از کشور بودند.

۳- واقعه سیاهکل در استان گیلان و در زمان پهلوی اتفاق افتاد ولی واقعه آمل در استان مازندران و در شهر آمل و در زمان جمهوری اسلامی رقم خورد.

۴- در واقعه سیاهکل کشته شدگان بیشتر از نیروهای نظامی بود ولی در واقعه آمل کشته شدگان بیشتر از مردم عادی و گروه های مهاجم بود.

۵- واقعه سیاهکل توسط گروهی که از انقلاب کوبا و شوروی الهام می گرفت رقم خورد ولی واقعه آمل توسط اتحادیه کمونیست های الهام گرفته از مائو در چین رقم خورد.

۶- واقعه سیاهکل اولین اقدام مسلحانه گروه های چپ علیه رژیم پهلوی بود.

#### نتیجه گیری:

با بررسی در واقعه سیاهکل و آمل در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که گروه های چپ با الهام از انقلابات موفق کشورها سوسیالیستی بدون در نظر گرفتن شرایط مردم ایران که دارای پشتوانه های مذهبی قوی بودند و همراهی کردن آنها با جریانات سوسیالیستی ضد دین بسیار بعید بود. شکست خود را رقم زدند همراهی توده های دهقانی در کشورهای آمریکایی و اروپایی با سوسیالیسم ریشه در مادی گرایی صرف آنها داشت در صورتیکه قشر روستایی و دهقانان در ایران دارای پشتوانه های معنوی قوی بوده و به همین علت با این جریانات چپ همراهی نکردند.

در واقعه سیاهکل برای سرکوب قیام نزدیکترین فرد به شاه یعنی برادر شاه یعنی شاهپور غلامرضا مأمور شد و با امکانات کامل نظامی از جمله نیروهای زبده و تجهیزات مدرن مانند بالگرد و سلاح سنگین و نیمه سنگین سرکوب انجام گرفت ولی

در واقعه آمل به علت پشتوانه مردمی انقلاب حمله توسط اندک نیرو و همراهی مردم و با مقاومت و پایداری اقشار مختلف دفع شد و قائله خاتمه یافت.

یکی از نتایج بارز واقعه سیاهکل بعنوان اولین اقدام مسلحانه گروه‌های چپ مارکسیسم به وجود آمدن حس جسارت در مردم و سایر گروه‌های دیگر سوای مبارزه علنی با رژیم پهلوی بود. ولی از طرف دیگر بهانه لازم را به دست رژیم داد که با شدیدترین وجه و با بالاترین شدت خشونت دست به سرکوب همه گروه‌های مخالف نظام و حتی غیر همسو با نظام پهلوی بپردازد.

از نتایج حماسه آمل ایجاد حس همدلی و وحدت بین گروه‌ها و مردم از اقشار مختلف و آشنایی با ماهیت گروه‌های چپ که خود را حامی خلق و توده مردم می‌دانند و در همین واقعه زن و کودک و پیر و جوان را به خاک و خون می‌کشند.

در پی وقوع حمله سیاهکل و پس از پایان قائله هر یک از طرفین حکومت پهلوی و چریک‌های فدایی خلق خود را پیروز معرکه می‌دانستند که با توجه به نتایج پیش آمده هیچ یک را نمی‌توان پیروز نبرد نامید چون بعد از این واقعه گروه‌های چپ تقریباً متلاشی شدند و در پی اتفاقات بعدی رژیم پهلوی هم سرنگون شد.

شکست اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل از جنبه نظامی و سیاسی و وجه اجتماعی آن چنان سنگین بود که بعد از آن دیگر اعضای این گروه نتوانستند، فعالیت نظامی و سیاسی اجتماعی در داخل ایران داشته باشد و مجبور به فرار به خارج از کشور و یا اختفا شدند، و در خارج از ایران هم به علت عدم توجه مردم داخل کشور فعالیتی نداشته و یا کمتر فعال بوده‌اند.

## فهرست منابع

- احمدوند، زینب و دیگران (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل مؤلفه های جریان تاریخ نگاری چپ ایرانی در اولین دهت پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و هفتم، دفتر دوم
- آبراهامیان پروانه (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه فیروزمند، شمس آذری و مدیر شانه چی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، تاریخ اندیشه های سیاسی قر بیستم، تهران: نشر نی
- پرتو، افشین (۱۳۹۴)، سیاهکل، دیار پایدار، رشت، نشر فرهنگ ایلیا
- جوانشیر، ف.م (۱۳۵۳)، مائوئیسم و بازتاب آن بر ایران، انتشارات حزب توده ایران
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۰)، مشی چریکی چپ در ایران، تحولات سیاسی و اجتماعی ۱۳۲۰-۱۳۵۷
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۴)، دیدگاه ها و موضع گیری های سازمان های چریکی فدایی خلق در قبال انقلاب اسلامی، تهران: نشریه پژوهشنامه متین
- حمید اشرف، انوش صالحی (۱۳۹۸)، حماسه سیاهکل، دیار پایدار، رشت، نشر فرهنگ ایل
- دنیا (نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران) (۱۳۴۴)، شماره یک و چهار
- زعیم، سیامک (۱۳۹۳)، مارکسیست لنینیت ها و مشی فیزیکی، حزب کمونیست ایران
- سازمان های مجاهدین خلق (۱۳۹۹)، مبحثی پیرامون بحران در سازمان ها، شماره ۳
- سام دلیری، کاظم، شهبازی، بهروز (۱۳۹۱)، انقلاب، چرا چگونه بازخوانی ایدئولوژی انقلابی احزاب چپ دوره پهلوی، تهران: نشریه جامعه شناسی تاریخی، دوره چهارم، شماره ۱
- طباطبائی، جواد (۱۳۸۹)، اندیشه سیاسی و اجتماعی کارل ماکس، تهران: مؤسسه پرسش
- طیرانی، امیر (۱۳۹۲)، ورود مارکسیسم به ایران [www.cgie.ovg.ir](http://www.cgie.ovg.ir)
- علی حسینی، علی، صادقیان، رضا (۱۴۰۱)، بازخوانی مفهوم انقلاب در اندیشه مارکسیست های ایرانی با تأکید به دوره دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، تهران: نشریه سیاست جمهوری اسلامی ایران

- کردی، علی (۱۳۸۶)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه مکی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- گفتگو با رفقای آملی (۱۳۸۳)، پرواز، آلمان، ناشر حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیت-مائوئیست)
- مجموعه مقالات (۱۳۹۱)، کتابچه کوچک سوسیالیسم، تاریخ جنبش چریکی در ایران، گردآوری جنبش انقلابی دفاع از حقوق شهروندی و دموکراسی
- مدیر شانه چی، محسن (۱۳۸۸)، پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- نادری، محمود (۱۳۸۷)، چریک‌های فدایی خلق، نخستین کنش‌ها تا بهمن ۵۷، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- نیومن، مایکل (۱۳۸۸)، سوسیالیسم درآمدی کوتاه، ترجمه: حمیدرضا مصیبی، تهران: نشر آگه
- وحدتی، ناصر (۱۳۸۴)، داستان سیاهکل، تهران: انتشارات نگاه
- ون-نوساچی، (۱۳۸۱)، مایور مائوسیسم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات خجسته
- هاشمی، منیره (۱۴۰۰)، زمستان چهارده سالگی، آمل: ویژه نامه هزار سنگر، مجله شونا، سال اول، شماره دوم رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، شهر هزار سنگر، تهران: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- هاشمی، منیره (۱۴۰۱)، طهارت با شهادت، آمل، انتشارات وارث ور

## بررسی نقش تروریسم در فقه سیاسی شیعه با تأکید بر واقعه حماسه مردم آمل

مرتضی علویان<sup>۱</sup>

علی غفاری<sup>۲</sup>

### چکیده:

این مقاله به بررسی نقش تروریسم در فقه سیاسی شیعه با تأکید بر واقعه حماسه مردم آمل می‌پردازد. واقعه حماسه مردم آمل که در ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ توسط اتحادیه کمونیست‌های ایران در شهرستان آمل رخ داد، یکی از وقایع تروریستی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این مقاله ضمن تشریح ابعاد این واقعه که منجر به شهادت رسیدن تعدادی از مردم آمل گردید، سؤالاتی را درباره تحلیل این عملیات تروریستی از منظر فقه سیاسی شیعه به وجود آورده است. در این پژوهش به بررسی آموزه‌ها و دیدگاه‌های فقه سیاسی شیعه در ارتباط با تروریسم پرداخته می‌شود. بدین منظور سؤال اصلی پژوهش این است که فقه سیاسی شیعه چه دیدگاهی نسبت به تروریسم دارد؟ و آیا آموزه‌های فقه سیاسی شیعه مبانی تروریسم را مجاز و قابل قبول می‌داند؟ در پاسخ به این سؤال خواهیم گفت که نه تنها در آموزه‌های فقه سیاسی شیعه مبانی تروریسم نفی و نامشروع تلقی می‌شود؛ بلکه فقه سیاسی شیعه خواهان ترویج صلح و امنیت در جامعه می‌باشد. در اصول فقه شیعه مفاهیمی مانند ارباب، فتک، بغی و محاربه وجود دارند که از موارد تهدیدکننده صلح و امنیت تلقی می‌شوند و با آن مخالفت می‌شود. روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد و در بحث نظری آن تلاش شده است مفهوم تروریسم مورد استفاده قرار بگیرد.

**واژگان کلیدی:** تروریسم، فقه سیاسی، حماسه مردم آمل، شیعه.

---

<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران: [M.alavian@umz.ac.ir](mailto:M.alavian@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

## مقدمه

حماسه مردمی آمل در سال ۱۳۶۰ سالی خاص و عبرت انگیز برای مردم ایران رقم زد. پس از انقلاب اسلامی ایران، عوامل استکبار جهانی در دو مجموعه بلوک شرق و غرب از راه شبکه های وسیع تروریستی با نفوذ در کشورمان ایران، دست به توطئه برای سرنگونی انقلاب اسلامی زدند. در کنار آن ها گروهک های تروریستی ضد انقلاب در داخل کشور دست به خرابکاری، ترور و رعب و وحشت در جامعه اقدام کردند. یکی از این گروهک های تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران می باشد که در این مقاله به آن اشاره خواهیم نمود. در حال حاضر تروریسم یکی از اصلی ترین مشکلات جامعه جهانی و خطرناک ترین تهدید علیه حقوق ملت ها و امنیت بین المللی است. واقعه حماسی مردم آمل که در تاریخ ششم بهمن سال ۱۳۶۰ روی داد، یکی از وقایع تروریستی بعد از انقلاب اسلامی ایران می باشد که منجر به شهادت رسیدن تعدادی از مردم آمل گردید. رابطه بین دین و ترور همواره یک مسئله نگران کننده بوده است و در زمان کنونی، اهمیت این مسئله پررنگ تر می باشد. در این مقاله ضمن تشریح ابعاد این واقعه، آموزه ها و دیدگاه فقه سیاسی شیعه را نسبت به این رویداد تروریستی بررسی خواهیم کرد. این نوشتار بر آن است که به تبیین و تعریف واژه ترور و تروریسم از منظر لغوی و اصطلاحی پرداخته شود و سپس جایگاه این واژه را در فقه سیاسی شیعه روشن نماید. مطالعات های صورت گرفته در این زمینه را می توان به کتاب «تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی» نوشته سید حسین هاشمی و کتاب «مطالعه تطبیقی تروریسم از منظر فقه شیعه و حنفی» نوشته محمد حنیف طاهری اشاره نمود. هم چنین مقالاتی نظیر «تروریسم از منظر فقه شیعه و مصادیق حقوقی آن در عرصه حقوق بین الملل» نوشته پروانه چراغی و فریبا حاجی علی از جمله پژوهش ها در این مورد می باشد که در مقاله به شرح آن ها خواهیم پرداخت.

## تعریف فقه و فقه سیاسی:

فقه معانی مختلفی را شامل می شود: «فطانت و زیرکی»، «بریدن و گوشودن»، «رسیدن از دانشی آشکار به دانشی پنهان» و «علم و آگاهی دقیق و عمیق به چیزی و فهم و درک آن» است. فقه در اصطلاح از نظر فقها این است که: «الْفِقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرْعِيَّةِ عَنِ ادِّلتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ: آگاهی از احکام فرعی و شرعی از روی دلایل تفصیلی و منابع استنباط» (ورعی، ۱۳۹۶، ۵-۳). فارابی فقه را مانند فلسفه



سیاسی، دانش مدنی محسوب می‌کند. وی فقه را به دو بخش آراء و افعال تفکیک می‌کند. به نظر فارابی فقه در حوزه عملی از ملت و شریعت و مباحث مربوط به علم مدنی قرار می‌گیرد (حقیقت، ۱۳۹۹، ۱۹). فقها تعریف گسترده‌ای از فقه دارند و آن را: «فهم جمیع احکام دین، اعم از ایمان و عقیده و عمل» می‌دانند. فقه سیاسی قسمتی از علم عام فقه در دنیای اسلام است که با توجه به اهمیت آن، کمتر گسترش یافته است (فیرحی، ۱۳۹۴، ۲۵). در فقه مفاهیمی مانند: جهاد، امامت و خلافت، نصب امراء و قضات، دعوت به اسلام، صلح و قرارداد با سایر دولت‌ها و... وجود دارند که به آن‌ها فقه سیاسی می‌گویند. فقه سیاسی آن دسته از مفاهیم حقوقی را شامل می‌شود که جزو مباحثی مانند حقوق اساسی و اداری، حقوق مالی، حقوق بین‌الملل می‌باشند (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۱، ۱۱). در تعریف دیگری از فقه سیاسی آمده است که: «الفقه السياسي هو الفهم الدقیق لشئون الامه الداخلیه و الخارجیه و تدبیر هذه الشئون و رعایتها علی ضوء احکام الشریعه». فقه سیاسی فهم دقیق امور داخلی خارجی امت اسلامی و تدبیر این امور در پرتو احکام شریعت است (فیرحی، ۱۳۸۷، ۷۲). فقه سیاسی به دو طریق بیان می‌شود: ۱- مجموعه‌ای از قواعد فقهی که به حوزه‌های سیاست مرتبط است. ۲- فقه سیاسی مربوط است به پاسخ فقه به چالش‌های نو در مسائل گوناگون. در سیاست مسائل جدیدی مطرح می‌شود که فقه باید پاسخ‌گویی آن‌ها در زمینه تکلیف باشد. در زمینه سیاست مباحث مربوط به تکلیف فرد و جامعه و دولت و ملت پاسخ داده شود. پیشینه فقه سیاسی به زمان نزول قرآن کریم و ریاست حضرت محمد (ص) در جایگاه ریاست دولت اسلامی بر می‌گردد. در این زمان بر طبق وحی و سنت حضرت محمد (ص) اصول کلی فقه سیاسی در حوزه حکومت، صلح، سیاست خارجی، جهاد و... پایه‌گذاری شد (اکبری، ۱۳۸۷، ۶ و ۷). آیت الله خامنه‌ای دو کاربرد برای فقه سیاسی در نظر می‌گیرد در نظر ایشان فقه سیاسی: ۱- فقه سیاسی به معنای عام: در این مورد، به فقیه توصیه می‌شود که در بررسی مباحث فقهی اعضای یک جامعه را به عنوان افرادی که در بستر اجتماعی و حکومتی زیست می‌کنند به حساب آورد و فتوا صادر کند و نه تحت عنوان انسان‌های منزوی از اجتماع. ۲- فقه سیاسی به معنای خاص: در اینجا منظور از فقه سیاسی قسمتی از مباحث فقهی است که به مسائل سیاسی مربوط است (خراسانی، ۱۳۹۶، ۱۷). آیت الله خامنه‌ای فقه سیاسی را قسمتی از فقه می‌داند که به اداره سیاسی کشور مربوط می‌شود. مسائل نظیر حکومت داری، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر (ایزدهی، ۱۳۸۹، ۸۰).

## چارچوب نظری:

### تروریسم:

تروریسم از فعل ترور برگرفته شده است که به معنای ایجاد ترس بین مردم می باشد. فرهنگ آکسفورد تروریسم را این گونه تعریف کرده است: «توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعل؛ از طریق تولید وحشت در بین مردم». کاربرد این اصطلاح از زمان انقلاب فرانسه رایج شد. در زمان انقلاب فرانسه، نظام ترور ابزاری بود برای پایه گذاری و استحکام نظم در دوران انتقالی بعد از انقلاب محسوب می شد و مخالف معنای امروزی آن مفهوم مثبت بود. در این دوره حکومت های انقلابی از تروریسم به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفین خود بهره بردند. سوء استفاده رهبران انقلاب از نظام ترور، پدیده غیر انسانی آن را بر ملا ساخت (بیگ زاده، ۱۳۸۴، ۷۶). تروریست، فردی است که تلاش دارد به کمک نظام هراس افکنی بر اساس قهر، نظرات و عقاید خود را جلو ببرد. بر اساس دانشنامه بریتانیکا، تروریسم به معنای «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومت ها، مردمان یا افراد، برای دستیابی به یک هدف سیاسی است». تعریفی که از سوی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در ۱۹۹۰ ارائه شده است این است که: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می گیرد» (طیب، ۱۳۸۲، ۲۲-۲۰). کریستین سیکستا راینهارت در کتاب جنبش های اجتماعی سرخورده و ریشه های تروریسم، تروریسم را این گونه تعریف می کند: «گروه های تروریستی موجودیت هایی غیرحکومتی اند که آگاهانه به مردم عادی یعنی افرادی که در جریان رقابت آن ها برای قدرت، جزو ستیزه جویان نیستند حمله می کنند» (راینهارت، ۱۴۰۰، ۳۳ و ۳۲). مؤلفه های مهم تروریسم شامل: ۱- ایجاد ترس ۲- قابل پیشبینی نبودن ۳- غیرقانونی بودن ۴- اهداف سیاسی داشتن. انواع ترور شامل ۱- ترور اشخاص ۲- ترور دولتی ۳- ترور بین الملل ۴- ترور هسته ای ۵- ترور سایبری ۶- ترور بیولوژیک ۷- ترور تحریم (رحمانی و مرادخانی، ۱۳۹۴، ۱۰).

### تروریسم سیاسی و جرم سیاسی:

تروریسم سیاسی به دنبال تغییر و تحول در اجتماع و تحقق آرمان های سیاسی و اجتماعی فردی و گروهی خود هستند. در این مدل از تروریسم، انگیزه ترور به شخص

قربانی ختم نمی شود؛ بلکه هدف نهایی آن استعلایی و فراتر از شخص قربانی یعنی جامعه و حکومت است. تروریسم سیاسی برای کسب قدرت مجبور است بین مردم و جامعه نفوذ و محبوبیت کسب کند. این نوع از تروریسم با ایجاد وحشت در جامعه مشروعیت و اقتدار حکومت را خدشه دار می کند و با تبلیغات مختلف سعی در همراه کردن مردم با خود در جهت سرنگون کردن حکومت و کسب قدرت دارد (ناجی راد، ۱۳۸۷، ۶۹ و ۶۸). برایان جنکینز تروریسم را این گونه تعریف می کند: «استفاده یا تهدید به استفاده از نیرویی است که برای ایجاد تغییر سیاسی طراحی شده است». در تعریف دیگر از تروریسم والتر لاکور معتقد است: «تروریسم از استفاده غیرمشروع از نیرو برای دستیابی به یک مقصود سیاسی هنگامی که مردم بی گناه هدف قرار گیرند، شکل گرفته است». پلند «تروریسم را کشتار و ضرب و جرح عامدانه بی گناهان برای ایجاد ترس به منظور دستیابی به یک مزیت یا تاکتیک سیاسی، با هدف تحت تأثیر قرار دادن مخاطب» می داند (مبلغی، ۱۳۸۹، ۱۰۲-۹۹).

در مفهوم تروریسم جرم سیاسی پنهان است و تروریست ها را مجرمین سیاسی تلقی می کنند. حقوق دانان در تعریف آن بر این باورند که «جرم سیاسی به عمل مجرمانه ای اطلاق می شود که در آن یا انگیزه سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری بوده و یا هر عمل مجرمانه ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد گفته می شود. این جرم ممکن است به تنهایی یا همراه سایر جرائم عمومی، اجتماعی و امنیتی اتفاق بیفتد (کریمی نیا و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۱۲). در کنفرانس بین المللی کپنهاک برای وحدت حقوق جزا، جرم سیاسی این گونه تعریف شد: «جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین علیه حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب شود» (پور حسین، ۱۳۹۱، ۶۲). امنیت از مهم ترین عوامل شکل گیری جوامع بشری می باشد که یکی از ابعاد آن امنیت سیاسی می باشد. امنیت سیاسی در سطح کلان به معنای این است: مهار خطرات و آشوب هایی است که به طریقی موجبیت نظام سیاسی کشور را به خطر بیندازد (رحمت الهی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۱۴). مهم ترین راه های به دست آوردن امنیت سیاسی که توسط حکومت اجرا می شود؛ دوری از ظلم و استبداد، پیاده نمودن عدالت در جامعه و مبارزه با آشوب گران داخلی و دشمنان خارجی کشور می باشد (رهبر و سوری، ۱۳۹۵، ۱۲۹).

در تحلیل واقع‌حماسی مردم آمل می‌بایست این واقع‌ه را در چارچوب تروریسم در نظر گرفت. اکنون باید دیدگاه فقه‌سیاسی شیعه را نسبت به مسئله تروریسم تشریح کنیم که در مطالب ذیل به آن می‌پردازیم.

### بررسی و نقد تروریسم از دیدگاه اسلام و فقه‌سیاسی:

واژه تروریسم اصطلاح جدیدی است که در زمان اسلام این واژه وجود نداشت، اما با بررسی متون فقهی، آیات و روایات کلماتی وجود دارد که معادل تروریسم و مفهوم نزدیک به آن را دارد. اقدامات تروریستی به عنوان یک رفتار خشن و ناپسند در اسلام محسوب می‌شود. با بررسی آیات و روایات به این نکته می‌رسیم که اسلام با تأکید بر مفاهیمی چون صلح نه تنها تروریسم را رد می‌کند؛ بلکه منادی صلح، امنیت و آرامش در جامعه می‌باشد. در اینجا به تشریح مفاهیمی مانند محاربه، ارباب، فتک، بغی و محاربه می‌پردازیم که از موارد تهدیدکننده صلح و امنیت تلقی می‌شوند و در اسلام با آن‌ها مخالفت می‌شود. پس از تشریح این مفاهیم با رجوع به آیات قرآن کریم، روایات و نظر علمای شیعه که از منابع فقه‌سیاسی شیعه می‌باشند به واکاوی دیدگاه فقه‌سیاسی شیعه نسبت به تروریسم خواهیم پرداخت.

### محاربه:

محاربه از ریشه حرب به معنای جنگ است و محارب جنگجو نام دارد. یکی از منابع مهمی که در آن به محاربه اشاره شده است آیه ۳۳ سوره مائده می‌باشد: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». اکثریت فقها با جمله: «تجرید السلاح لآخافه الناس» محاربه را تعریف می‌کنند و محارب را کسی دانند که: «شمشیری را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند». تعریف فقها از محاربه، هراساندن می‌باشد که برخی محاربه و تروریسم را هم معنا می‌دانند و معتقدند که: «تروریسم همان محاربه می‌باشد که عبارت است از هر گروه اعم از شخص واحد، حزب و یا سازمان که قیام مسلحانه و ایجاد رعب و هراس کند و امنیت را در جامعه سلب کند» (عالی پور، ۱۳۸۹، ۱۴۲). دو شرط اصلی در محقق شدن رکن مادی محاربه، کاربرد سلاح به صورت آشکار می‌باشد. رکن روانی در محاربه شامل سوء نیت عام و خاص است. سوء نیت عام، قصد به کار بردن سلاح و سوء نیت خاص، قصد ایجاد هراس و سلب امنیت

می باشد(حائری و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۴). صاحب جواهر در مورد حکم حد محارب به ادله سه گانه کتاب، سنت و اجماع مراجعه کرده و در این مورد می گوید: «حد محارب قاتل، یا به دار آویختن، یا قطع دست راست و پای چپ و یا نگی و طرد از شهر است»(چراغی و حاجی علی، ۱۴۰۰، ۱۳۴).

#### ارهاب:

ارهاب به معنای ترساندن و دچار هراس کردن، تهدید نمودن، خشونت و ارباب می باشد(مجیدی، ۱۳۸۶، ۱۷۷). ارهاب یعنی: «کسانی که برای برپا داشتن قدرت و سلطه ی خود به ترساندن متوسل می شوند»(صداقت زاده، ۱۳۹۵، ۱۰۵). ارهاب در مفهوم کلی به معنای ترساندن می باشد در مفهوم نزدیک به تروریسم قرار می گیرد.

#### فتک :

فتک در معنای لغوی به حمله غافلگیرانه می گویند. جوهری در صحاح اللغه فتک را این گونه تعریف می کند: «أن يأتي الرجل صاحبه و هو غار غافل حتى يشد عليه فيقتله: فتك آن است که شخصی کسی را که نزد اوست و غافل است از نیت آن شخص، مورد حمله قرار دهد و به قتل رسانید»(گودرزی، ۱۳۸۶، ۸۳). کشتن انسان ها به شیوه فتک، جنبه سیاسی و ایجاد ترس در جامعه کمتر مورد توجه قرار می گیرد ولی در معنای تروریسم به شکل امروزی بیشتر بعد سیاسی آن مد نظر است و می توان آن را تکامل یافته فتک نامید(طاهری، ۱۳۹۴، ۲۹-۲۸).

**بغی :** بغی به معنای ظلم و تجاوز و در تعریف فقه سیاسی، باغی به شخصی گفته می شود که با دولت اسلامی به مخالفت و مبارزه برخیزد و دست به سرپیچی از قانون کرده و بر علیه امام قیام کند. وجود امنیت فردی و اجتماعی در جامعه از لوازم ضروری نیازهای انسان ها می باشد. مفهوم بغی به عنوان یکی از رفتارهای ناقض امنیت مورد توجه می باشد. کلمه بغی در قرآن کریم هم دارای مصادیق فردی است و هم گروهی. ولی در اینجا به مصداق گروهی آن خواهیم پرداخت. بغی در مفهوم گروهی آن دو مفهوم را در بر می گیرد. اولی ظلم که به عنوان مثال در آیه ۴۲ سوره شورا: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» می توان به آن اشاره کرد و مفهوم دیگر معنای محاربه و جرم سیاسی می باشد که در معنای نزدیک به تروریسم قرار می گیرند(علوی نیا و

دیگران، ۱۴۰۰، ۸۹۲-۸۸۸). بغی از آنجا جرم سیاسی محسوب می شود که نظام سیاسی حکومت اسلامی را در زمان حاکم عادل جامعه اسلامی به چالش می کشد و از طرفی که یک نوع آشوب محسوب می شود و امنیت جامعه اسلامی را زیر سؤال می برد به مفهوم ترور نزدیک تر است (طاهری، ۱۳۹۴، ۳۴).

#### غیله:

غیله یا اغتیال عبارت است از: «کسی که دیگری را فریب دهد و او را به موضعی رهنمون سازد و هنگامی که به آن مکان رسید، او را به قتل برساند». به بیان دیگر غیله کشتن در خفا می باشد. اغتیال در معنای نزدیک به هلاک کردن، با خدعه، نیرنگ و فریب کشتن است که در معنای نزدیک به تروریسم مورد توجه قرار می گیرد (ذهبیات، ۱۳۹۹، ۴۲).

#### غدر:

یکی از اسامی مجرمانه جنگی می باشد که عبارت است: از مکر و حيله ای که در جنگ استفاده می شود. بدین صورت که به افرادی از دشمن اجازه می دادند که وارد قلمرو شوند و بعد آن ها را غافلگیر می کردند و بعد می کشتند. غدر هم ردیف نقض پیمان و وفا و کشتن ناجوانمردانه می باشد. فقها شیعه، به عدم استفاده از غدر تأکید دارند. از این رو غدر در مفهوم نزدیک به تروریسم به کار می رود (بزرگمهری و خادمیان، ۱۳۹۳، ۶).

#### آیات قرآن درباره تروریسم:

یکی از منابع مهم فقه سیاسی شیعه قرآن کریم می باشد که عمل تروریستی را نهی و بر صلح و دوستی میان انسان ها تأکید می کند. آیه ۶۱ سوره انفال: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ أَلْهًا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» بر صلح و مودت بین انسان ها تأکید می کند. در آیه ۳۲ سوره مائده آمده است که: «اگر کسی شخص بی گناهی را به قتل برساند مثل این است که تمام انسان ها را کشته است». در سوره نساء آیه ۹۳ آمده است که: «وَ مَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا مَّتَعْمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعْنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»: «هر کسی که مؤمنی را به عمد به قتل برساند، کیفر او دوزخ جاویدان است». در مجموع قرآن کریم کشتن انسان های بی گناه را حرام دانسته و بر رعایت اصل کرامت انسانی و حقوق بشر تأکید می کند (مطلبی و

همکاران، ۱۳۹۵، ۱۳۳). کرامت ذاتی را خداوند برای همه انسان ها قائل شده است، بر مبنای این کرامت ذاتی همه انسان ها برابر هستند و در تمام ابعاد حقوق در جوامع با یکدیگر برابرند. بر این اساس خداوند در آیه ۷۰ سورا اسراء می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»: «و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم» (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵۲).

دین اسلام، برای همه انسان ها شامل انواع مختلف نژادها، قومیت ها، دین و مذاهب، ارزش بالایی قائل است. بر این اساس مهم ترین حقی که برای همه انسان ها در نظر گرفته است حق زندگی و حیات است که اساس همه حقوق انسانی است (جمشیدی و طوسی، ۱۳۹۷، ۱۵۵). در نظر اسلام، هیچ کدام از گونه های تروریسم و به طور عام، خونریزی انسان ها و ایجاد رعب و وحشت در جامعه مجاز نیست؛ مگر به صورت قانون مند و تحت ضابطه و برای دفاع کردن از خود و ارزش های دینی خود و با اهداف مشروع صورت گیرد؛ در این صورت جزو تروریسم محسوب نمی شود (رشیدی، ۱۳۹۷، ۸۴). در فقه سیاسی، دفاع مشروع مورد قبول قرار گرفته است. محقق حلی معتقد است: «انسان حق دارد از جان، حریم و مال اش تا آنجا که توان دارد دفاع کند». دفاع مشروع در فقه سیاسی به دو نوع تقسیم می شود: ۱- دفاع فردی. ۲- دفاع از سرزمین و حاکمیت (برجی، ۱۳۸۱، ۹). اگر بخواهیم دفاع مشروع را تعریف کنیم، دفاع مشروع عبارت است از: «توانایی بر دفع تجاوز قریب الوقوع و ناحقی که نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن خود یا دیگری را به خطر انداخته است» (رحیمی، ۱۳۹۹، ۲۷). بر مبنای نظر فقهای شیعه، در زمان غیبت معصوم (ع)، جهاد فقط از طریق دفاع مشروع جایز است و حمله ابتدایی به سایر کشور ها و تجاوز به حقوق آن ها ممنوع می باشد. بر مبنای دیدگاه امام خمینی (ره)، تنها در صورت تجاوز نظامی دشمنان، دفاع نظامی واجب محسوب می شود. اگر در قرآن، آیاتی درباره جهاد وجود دارد، آیاتی هم درباره دو اصل برتر بودن صلح و اصل پایبندی به پیمان های بین المللی حاکم و مقدم بر اصل جهاد وجود دارد و مورد توجه قرار گرفته است (هاشمی، ۱۳۹۵، ۱۴۶). امام خمینی (ره) ترور را رفتاری غیر انسانی و عملی ناجوانمردانه تلقی می کند و نظرشان نسبت به این عمل خشونت آمیز منفی می باشد. ایشان می فرمایند: «تروریست ها نمی توانند شخصیت انسانی مردان اسلام

را ترور کنند... اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده، با این رفتاری غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند» (نعمتی وروجنی، ۱۳۹۵، ۸۶). ترور به پنج دلیل عملی ضد اخلاقی در اندیشه فقه سیاسی محسوب می‌شود: ۱- به دلیل عهد و پیمان که شخص زندگی در جامعه را قبول کرده و آن جامعه برای آن شخص حق زندگی در نظر گرفته است. ۲- ترور یک عملی حيله آمیز و با نیرنگ می‌باشد و اسلام آن را رد می‌کند. ۳- ترور رفتاری خشونت آمیز می‌باشد و اسلام خشونت را مردود اعلام می‌دارد. ۴- ضرورت وجود یک نظام سیاسی و اجتماعی می‌باشد که امنیت در آن تأمین شود. ۵- رد اصل تروریسم در اندیشه فقه سیاسی و مخالفت با این عمل ضد انسانی (حاتمی، ۱۳۹۰، ۴۱).

بعضی از صاحب نظران بر این باورند که بخشی از جنایات و آشوب‌هایی که در جامعه صورت می‌گیرد، از جهل و عدم آگاهی افراد نسبت به مسئولیت سیاسی خودشان در جامعه می‌باشد. فقه سیاسی که اداره حکومت کشور را بر مبنای مقررات الهی و وحی قرار داده است؛ افراد یک جامعه را از وظایف خود با خبر می‌کند. ارتباط افراد با حکومت و مسئولیتی که حکومت نسبت به شهروندان دارند را فقه سیاسی بر عهده دارد (شریعت مدار جزایری، ۱۳۷۹، ۲۰).

با واکاوی نظر اسلام نسبت به این پدیده ضد بشری یعنی تروریسم، به این نکته می‌رسیم که اسلام تروریسم را قبول ندارد و به هیچ کس جواز عملیات تروریستی نمی‌دهد. اسلام مخالف این است که خون انسان بی‌گناه ریخته شود. اسلام به عنوان یک مکتب انسانی، مردم را دعوت به صلح و امنیت کرده و با توجه به مطالب فوق و آیات قرآن کریم هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها حرام می‌باشد و تمامی اصول تروریسم و مفاهیمی که در قسمت فوق، معادل واژه تروریسم بیان کردیم، از نظر فقه سیاسی شیعه رد می‌شود (صفری، ۱۳۹۲، ۶۹).

### واقع‌سپاه حماسی مردم آمل:

اتحادیه کمونیست‌های ایران:

اتحادیه کمونیست‌های ایران به عنوان یک گروه تروریستی شورشی با هدف براندازی انقلاب اسلامی ایران با پیروی از آموزه فکری - اعتقادی مارکسیسم - لنینیسم و با تبعیت از روش مائو (روش جنگ توده‌ها) و مشی چریکی ژنرال جی‌آپ، چه گوارا و کاسترو در جنگل‌های آمل (منگل دره) دست به اقدام تروریستی زد. اعضای گروه معتقد به روش مائو بر این اساس که: «در مبارزه باید بیش از هر چیزی بر پشتیبانی



های مردمی و استفاده از آنان به عنوان یک منبع مبارزه سریع علیه دشمن بهره گیری نمود» بودند(شعبانی، ۱۳۹۴، ۲۳۳). اتحادیه کمونیست های ایران یکی از گروه های چپ گرا در ایران بود که در میان محافل دانشجویی(کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی) که مکان تشکیل آن خارج از کشور و آمریکا بود؛ در سال ۱۳۵۵ از ادغام دو گروه «سازمان انقلابیون کمونیست» و گروه «پویا» تشکیل شد. این گروه دانشجویانی بودند که اکثریت آن ها از طبقه اشراف و بالا جامعه بودند. آن ها در وهم ایدئولوژی کمونیست بودند. گروه پویا اعضای آن از محفل گروه فلسطین بودند که در زمان رژیم پهلوی از ایران فرار کرده بودند و زمانی را در عراق و سپس لبنان حضور داشتند(رنجبر، ۱۳۷۳، ۵). نشریه «کمونیست» و هم چنین «نشریه حقیقت» که این نشریه ها شامل مواضع ضد امپریالیست آمریکا و سیاست حمایت از سوسیالیسم شوروی بودند از نشریه های اتحادیه کمونیست های ایران بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) اعضای اتحادیه به ایران برگشتند و مواضع ضد امپریالیستی در خصوص آمریکا اتخاذ نمودند. ولی در خصوص اسلامی بودن انقلاب جبهه گرفتند و تمام تلاش خود را کردند که چهره اسلامی انقلاب را خدشه دار کنند(کردی، ۱۳۸۶، ۱۴-۱۱).

فعالیت اتحادیه در قبل از انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی از نوع سیاسی- فرهنگی بود. به طوری که آن ها رژیم پهلوی را بورژوازی کمپرادور و وابسته به امپریالیسم محسوب می کردند. بعد از پیروزی انقلاب، مواضع اتحادیه شامل دو قسمت می شود: بخش اول با مواضع دوگانه، که از آغاز انقلاب تا خرداد ۱۳۶۰ ادامه داشت؛ و بخش دوم که به مشی مبارزاتی و چریکی منجر شد. این بخش با عزل بنی صدر در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ شروع شد و تا ششم بهمن ۱۳۶۰ استمرار پیدا کرد. با توجه به تغییرات در احزاب سیاسی و شکاف بین بنی صدر و یاران حضرت امام (ره)، اتحادیه کمونیست ها به پیروی از سایر گروه های ضد انقلابی به جناح حامیان بنی صدر ملحق شد و پس از عزل بنی صدر به این نکته پی برد که انقلاب از مسیر خود منحرف شده است و برای نجات آن باید به اقدام فوری دست زد. اتحادیه به تز قیام فوری رسید. در روز ششم بهمن اتحادیه کمونیست های ایران با اتخاذ مشی مائوئیستی، از طریق فتح شهرها، عملیات خود را از شهرستان آمل آغاز کرد (عزیزی، ۱۳۹۸، ۱۰۹-۹۲). این گروه با تعداد ۱۰۰ نفر با نام سرداران به فرماندهی حسین ریاحی دست به عمل تروریستی زدند(خانی، ۱۳۷۹، ۱۴). امام خمینی(ره) درباره واقعه حماسی مردم آمل می فرمایند: «منافقین همه قوایشان را جمع کردند و به آمل حمله وحشیانه و

غافلگیرانه کردند، به این امید که مردم آمل با آن‌ها همدست شوند و بعد شهرهای دیگر و بعد رشت و همین‌طور جلو بروند. ما باید از آمل و مردم آمل تشکر کنیم» (امام خمینی، ج ۱۶، ۲). اتحادیه کمونیست‌ها معتقد بودند که: «قدرت سیاسی از لوله تفنگ می‌آید. بدون اعمال قهر انقلابی هیچ طبقه و ملتی نخواهد توانست، حقوق پایمال شده خود را از چنگال جباران بیرون کشد» (بی‌نا، ۱۳۸۳، ۲۵۳). این گروه با اتخاذ مشی چریکی (مبارزه مسلحانه و قهرآمیز) سعی در اشغال شهر آمل داشتند. «مشی چریکی روش ویژه‌ای از مبارزه می‌باشد که در آن یک اقلیت در چارچوب یک جنبش (مقاومت، رهایی‌بخش، انقلابی و توده‌ای) علیه دولت محلی و یا نیروهای اشغالگر به‌طور مسلح و خشونت‌آمیز فعالیت می‌کند» (علوی، ۱۳۷۹، ۵). آن‌ها به این جمله فیدل کاسترو رهبر کوبا که می‌گفت: «وجود ایده‌ها در تعداد بسنده‌ای از انسان‌ها برای دست زدن به عمل انقلابی کافی بود و از طریق این عمل، توده‌ها به این ایده‌ها جلب شده‌اند و این آگاهی را به دست آوردند»، عملیات چریکی و مسلحانه خود را با توجه به عمل انقلابی گفته شده توسط کاسترو توجیه کردند (زعیم، ۱۳۹۳، ۸). در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت گروه‌های چپ‌گرا در بخش شمال کشور زیاد شده بود. همسایگی استان‌های شمالی با کشور شوروی به عنوان قطب کمونیست از علل اصلی فعالیت کمونیست‌ها در شمال کشور می‌باشد. عوامل جغرافیایی هم در انتخاب شهر آمل موثر بودند. وجود جنگل آمل در دو سوی جاده هراز، پستی و بلندی‌های جنگل برای پنهان شدن، دسترسی به آب رودخانه هراز از جمله این عوامل می‌باشند (رهگذر، ۱۳۸۵، ۳۴-۳۱). شمال ایران دارای شبکه ارتباطی گسترده‌ای است که از طریق بزرگراه‌ها و جاده‌ها به تهران و سراسر ایران متصل می‌شود. اعضای اتحادیه با الگوبرداری از واقعه حمله به پاسگاه سیاهکل توسط سازمان چریک‌های فدایی خلق، آمل را مناسب حمله دانستند (هاشمی، ۱۴۰۱، ۲۹-۲۱). ناصر میر ریاحی یکی از اعضای اتحادیه، تز جبهه سوم را مطرح ساخت. بر مبنای این تز، جبهه اول، جنگ ایران و عراق، جبهه دوم، فعالیت گروه‌های ضد انقلاب در کردستان و ایجاد کردن جبهه سوم در جنگل، با توجه به مشغول بودن حکومت در جبهه اول و دوم، می‌توانست به پیروزی جبهه سوم و در نهایت سقوط حکومت انجام شود (نبوی، ۱۳۹۷، ۲۵). این گروه تروریستی که قبل از این واقعه کارهای عملیاتی انجام نداده بودند و درگیر مسائل تئوریک مارکسیستی بودند در پیشبینی خود از واقعه اشتباه کردند و فکر می‌کردند که مردم آمل در جریان عملیات به آن‌ها ملحق می‌شوند. شتابزدگی آن‌ها در اجرای عملیات،

بی تجربگی و تحلیل نادرست از شرایط کشور منجر به شکست این گروه شد (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۱۴۷، ۱۰۳). علت حضور مردم آمل در این واقعه را می توان در دو مورد شرح داد: ۱- اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ناظر همگانی بر حسن اجرای احکام اسلامی در یک جامعه اسلامی می باشد. ۲- مشارکت همه اقشار مردم در جهاد و دفاع از نظام اسلامی می باشد که حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند: «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد» (خانی، ۱۳۷۴، ۱۹). حضرت امام خمینی (ره) با اعتقاد به قدرت خداوند که در اراده مردم انقلابی پدیدار گشته است می فرمایند: «به شهادت تاریخ هیچ قدرتی نمی تواند آتش قلب ملت مظلوم را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده اند فرونشاند». و هم چنین در سخنرانی دیگر امام راحل می فرمایند: «با اراده ملت ها اراده ای که تبع اراده خداست، اراده ای که برای خداست، غیر ممکن ها، ممکن می شود و محال ها واقع» (بی نا، ۱۳۷۴، ۱۶۴). نقش مردم در این واقعه حماسی قابل توجه بود. به طوری که در ساعات اولیه درگیری با تروریست ها مردم سطح شهر را سنگر بندی کردند و به این خاطر شهر آمل به شهر «هزار سنگر» معروف گردید. حضور مردم آمل در این واقعه، یادآور روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می باشد. در روز ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ تروریست ها به هلاکت رسیدند و عده ای از آن ها دستگیر شدند. در این واقعه، ۴۱ نفر از مردم شهر آمل که شامل سپاه، بسیج، کمیته و مردم بود به درجه رفیع شهادت نائل آمدند (بی نا، ۱۳۶۱، ۳۵).

با توجه به آن چه که درباره فقه سیاسی و رویکرد آن نسبت به تروریسم گفته شد. واقعه حماسی مردمی آمل یک واقعه تروریستی و از نظر فقه سیاسی اقدام گروه تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران و به شهادت رساندن مردم، مردود و حرام است.

### نتیجه گیری:

نتیجه گیری این مقاله نشان می دهد که فقه سیاسی شیعه اصل پدیده تروریسم را نفی می کند و به عنوان یک عمل نامشروع و مخالف صلح و امنیت در جامعه تلقی می کند. فقه سیاسی شیعه با توجه به در نظر گرفتن دلایلی نظیر حق حیات برای تمام انسان ها و کرامت ذاتی بشر، کشتن انسان ها را حرام می داند و عمل تروریستی را بنابر ماهیت خشونت آمیز، ضد انسانی و مختل امنیت در جامعه، مردود و غیر مجاز می

داند. مبانی فقه سیاسی شیعه، بر ترویج صلح و امنیت تأکید دارد و مفاهیمی مانند ارهاب، فتک، بغی و محاربه را به عنوان تهدیدکننده های صلح و امنیت محسوب می‌کند. واقعه حماسه مردم آمل که توسط اتحادیه کمونیست های ایران در روز ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ صورت گرفت که منجر به شهادت رسیدن تعدادی از مردم آمل گردید؛ یک عملیات تروریستی در تاریخ ایران پس از انقلاب می باشد؛ که این عملیات تروریستی از منظر فقه سیاسی شیعه حرام و مردود و عملی غیر مجاز و ضد انسانی محسوب می شود.

### فهرست منابع

- ابراهیمی، قربانعلی، (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش جبهه سوم: تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل در شش بهمن سال ۱۳۶۰، نشر معاونت پژوهش دانشگاه مازندران، بابلسر.
- اکبری، کمال، (۱۳۸۷)، سیر تطور فقه سیاسی شیعه، نشر طرح آینده، تهران.
- امام خمینی (ره)، صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۶.
- ایزدهی، سید سجاده، (۱۳۸۹)، برداشتی از دیدگاه های آیت الله خامنه ای پیرامون فقه سیاسی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۵۶، ص ۶۹-۱۱۲.
- بزرگمهری، مجید و خادمیان، علیرضا، (۱۳۹۳)، نفی تروریسم در اندیشه سیاسی اسلام و مواضع سازمان همکاری اسلامی در قبال آن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، سال اول، شماره ۱.
- بی نا، (۱۳۶۱)، حماسه مردم آمل، نشر ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- بی نا، (۱۳۷۴)، حماسه اسلامی مردم آمل: مجموعه سخنرانی ها و مقالات سمینار علمی بررسی حماسه آمل، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- بی نا، (۱۳۸۳)، پرنده نوپرواز: گفت و گو با یکی از رفقای شرکت کننده در مبارزه مسلحانه سرداران و قیام آمل، نشر حزب کمونیست ایران، آلمان.
- بیگ زاده، ابراهیم، (۱۳۸۴)، سرکوب تروریسم در حقوق بین الملل معاصر، نشر معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، تهران.
- پور حسین، مهدی، (۱۳۹۱)، بغی و تمرد در حکومت اسلامی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- جمشیدی، محمد حسین و طوسی، کوثر، (۱۳۹۷)، تبیین رابطه جهاد و تروریسم در اسلام سیاسی (از منظر امامیه و تکفیری ها)، نشریه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۷۰-۱۴۳.
- جمشیدی، محمد حسین، طوسی، کوثر، سلطانی نژاد، احمد، (۱۳۹۵)، جهاد اسلامی در روابط بین الملل از منظر شیعه امامیه و عدم تناسب آن با خشونت گرایي و تروریسم، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۵، ص ۱۶۸-۱۴۹.
- چراغی، پروانه و حاجی علی، فریبا، (۱۴۰۰)، تروریسم از منظر فقه شیعه و مصادیق حقوقی آن در عرصه حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۸، شماره ۳، ص ۱۵۸-۱۲۹.

- حاتمی، محمد رضا، (۱۳۹۰)، تروریسم از دیدگاه اسلام، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶، ص ۲۵-۴۷.
- حائری، محمد حســن، قبولی درافشــان، محمد تقی، موســوی مشهدی، قدسیه، (۱۳۹۱)، نگرشی نو در رابطه با جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی، نشریه آموزه های حقوق کیفری، بهار و تابستان، شماره ۳.
- حقیقت، سید صادق، (۱۳۹۹)، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، نشر نگاه معاصر، تهران.
- خانی، مهدی، (۱۳۷۹)، رزم آهنگ بهمن، انشتارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آمل.
- خانی، مهدی، (۱۳۷۴)، مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل، مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش بیست میلیونی وابسته به نیروی مقاومت بسیج، تهران.
- خراسانی، رضا، (۱۳۹۶)، اجتهاد و سیاست: درآمدی بر فقه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران، نشر مخاطب، تهران.
- ذهبیات، محمد، (۱۳۹۹)، تروریسم از دیدگاه فقه و حقوق بین الملل، رساله دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم.
- رحمانی، فاطمه و مرادخانی، احمد، (۱۳۹۴)، تروریسم زدایی فقهی از اسلام و تبیین حکم سیاسی فقهی امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۲۴، ص ۷-۳۲.
- رحمت الهی، حسین، لک زایی، نجف، ارسطو، محمد جواد، حاج زاده، هادی، (۱۳۹۴)، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، ص ۱۱۳-۱۵۲.
- رحیمی، علی، (۱۳۹۹)، مقایسه تطبیقی جنبش مقاومت اسلامی و تروریسم بین المللی با تاکید بر فقه سیاسی و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- رشیدی، تینا، (۱۳۹۷)، مطالعه فقهی حقوقی تروریسم با تکیه بر نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه.
- رنجبر، محمد، (۱۳۷۳)، بررسی و تحقیقی پیرامون وقایع ششم بهمن آمل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده دافوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- رهبر، عباسعلی و سوری، فرزاد، (۱۳۹۵)، دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۰۱-۱۳۳.
- رهگذر، سیمین، (۱۳۸۵)، شهر هزار سنگر، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- زعیم، سیامک، (۱۳۹۳)، مارکسیست - لنینیست ها و مشی چریکی، انتشارات حزب کمونیست ایران.
- سیکستا راینهارت، کریستین، (۱۴۰۰)، جنبش های اجتماعی سرخورده و ریشه های تروریسم، مترجم: محمد بابایی، نشر لوگوس، تهران.
- شریعتمدار جزایری، سید نورالدین، (۱۳۷۹)، امنیت در فقه سیاسی شیعه، نشریه علوم سیاسی، شماره ۹، ص ۳۱-۵.
- شعبانی، ناصر، (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)، نشر مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- صداقت زاده، محمد رضا، (۱۳۹۵)، بررسی فقهی و حقوقی محاربه و تروریسم با تأکید بر فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- صفری، مژگان، (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای فقهی و حقوقی تروریسم از دیدگاه سه ادیان اسلام، یهود و مسیح، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- طاهری، محمد حنیف، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی تروریسم از منظر فقه شیعه و حنفی، نشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، قم.
- طیب، علیرضا، (۱۳۸۲)، تروریسم: تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق، نشر نی، تهران.
- عالی پور، حسن، (۱۳۸۹)، نسبیت مفهومی تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۴.
- عزیزی، امین، (۱۳۹۸)، بررسی مواضع اتحادیه کمونیست های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفدهم، پاییز، شماره ۶۶.
- علوی نیانسرین، افسری، زهرا، ترابی دشتکی، الهام، (۱۴۰۰)، مصادیق و مؤلفه های بغی با تأکید بر جرم سیاسی در فقه و قانون مجازات اسلامی، نشریه نهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، زمستان.
- علوی، محمد صادق، (۱۳۷۹)، بررسی مشی چریکی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

- عمید زنجانی، عباسعلی، موسی زاده، ابراهیم، (۱۳۹۱)، بایسته های فقه سیاسی، نشر مجد، تهران.
- فیرحی، داود، (۱۳۸۷)، روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.
- فیرحی، داود، (۱۳۹۴)، فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، نشر نی، تهران.
- کردی، علی، (۱۳۸۶)، اسناد اتحادیه ی کمونیست های ایران در واقعه آمل، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- کریمی نیا، محمد مهدی، ابراهیمی، محمد علی، انصاری مقدم، مجتبی، (۱۴۰۰)، واکاوی ابعاد مسئله تروریسم در حقوق بشر و بررسی آن در دیدگاه اسلامی (با محوریت احادیث)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال سوم، شماره ۸.
- گودرزی، مرتضی، (۱۳۸۶)، سنت نبوی در مقابله با تروریسم، فصلنامه فقه، سال چهاردهم، زمستان، شماره ۳.
- مبلغی، عبدالمجید، (۱۳۸۹)، درآمدی بر تروریسم پژوهی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- مجیدی، محمود، (۱۳۸۶)، جرایم علیه امنیت، نشر میزان، تهران.
- مطلبی، مسعود، آرایش، حسن، رحیمی عماد، سید رضا، تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات های استشهادی، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، زمستان، شماره ۴.
- ناجی راد، محمد علی، (۱۳۸۷)، جهانی شدن تروریسم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- نبوی، زهرا، (۱۳۹۷)، حماسه ۶ بهمن مردم آمل، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- نعمتی وروجی، یعقوب، (۱۳۹۵)، بررسی پدیده ترور و نفی و محکومیت آن از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷.
- ورعی، سید جواد، (۱۳۹۶)، درسنامه فقه سیاسی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نشر بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، قم و مشهد.
- هاشمی، سید حسین، (۱۳۹۵)، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.



- هاشمی، سیده منیره، (۱۴۰۱)، عمه ام طاها؛ طهارت با شهادت: خاطراتی از شهیده سیده طاهره هاشمی، نشر وارث وا، آمل.
- یعقوب علی، برجی، (۱۳۸۱)، تروریسم از نگاه فقه، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۳ و ۴، ص ۲۵-۲.



نقد مقاله: «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم  
آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد - بهمن ۱۴۰۱»

ولی اله عیسی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

سال ۱۳۶۰ (ش) با تنش‌های سیاسی - اجتماعی بسیاری همراه بود. در این سال پرآشوب، گروهی از اعضای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» با اقدامات براندازان، ضمن پناه‌گیری در جنگل‌های شمال کشور، به ویژه جنگل آمل با پندار فتح شهرهای شمالی، علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران صف آرایی نموده و در شامگاه پنجم بهمن سال ۱۳۶۰ (ش) به شهر آمل حمله کردند. در این رخداد تاریخی، جانفشانی قشرهای مختلف مردم مؤمن و انقلابی این شهر در مقابله با مزدوران استکبار جهانی، به حماسه‌ای جاوید در تاریخ انقلاب اسلامی انجامید. آنان برای نجات شهرشان از دست کمونیست‌های مسلح، به صحنه آمدند و ضمن سنگربندی شهر، با پشتیبانی نیروهای رزمی، در نبردی جانانه از دین، ولایت و دیارشان دفاع کردند. در باره چیستی، چرایی و چگونگی این خیزش انقلابی، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های بسیاری نگارش شده است. این پژوهش با ملاحظه مقاله «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) ...» به ایرادات آن پی برده، ضمن نقد سازنده، ایده برتر را برمی‌گزیند؛ از این رو، با روش نقلی - انتقادی سامان یافته و با روش داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و سامانه‌های رایانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که مقاله نامبرده چگونه تحلیل، ارزیابی و نقد می‌شود؟ بنابراین در دو بخش: ا. اشکالات ساختاری، ب. ایرادات محتوایی، دیدگاه‌های نگارندگان مقاله نامبرده را با رویکردی انتقادی بررسی و نقد کرده است.

**کلید واژگان:** اتحادیه کمونیست‌های ایران، حضور در جنگل، حمله به شهر آمل، حماسه اسلامی مردم آمل، نقد و ارائه دیدگاه.

## مقدمه

چهل و دو سال از رشادت و پیروزی مقاومت اسلامی مردم شهرستان هزار سنگر آمل در برابر گروهک‌های ضد انقلاب می‌گذرد؛ این حماسه اسلامی، برگ زرینی از افتخارات مردم دیار علویان به شمار می‌آید. این خیزش خودجوش و انقلابی زمانی روی داد که تفنگچیان عضو «اتحادیه کمونیست‌های ایران» و دیگر گروه‌های همسو با آنان در شامگاه پنجم بهمن سال ۱۳۶۰ (ش) به شهر آمل هجوم بردند؛ اما مردم مؤمن و انقلابی این شهر ضمن سنگربندی شهر، با پشتیبانی نیروهای رزمی در برابر مزدوران استکبار جهانی ایستادند و با تقدیم ۴۱ شهید در یک شبانه روز، جاودان ماندند.

نگارش کتاب، پایان‌نامه، مقاله و تبیین مقاومت اسلامی مردم آمل، ارج نهادن به ارزش کار آن‌ها است و عظمت این حماسه انقلابی را آشکارتر کرده و اهداف و ماهیت پلید گروهک‌های ضد انقلاب را نیز روشن می‌کند.

این پژوهش با ملاحظه مقاله «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱، به ایرادات ساختاری و محتوایی این متن پی برده، ضمن نقد منصفانه این مقاله، به بررسی و تحلیل این داستان می‌پردازد.

## ۱. بیان مسأله و اهداف

بی تردید، تحلیل و تبیین چیستی، چرایی و چگونگی داستان حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ (ش) شهرستان آمل برای مخاطبان، به ویژه نسل نوین شیرین است. منظور از نقد مقاله «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱، بررسی نقادانه آن است تا با تحلیل درست به نقاط قوت و ضعف آن دست یابیم. هدف ما در این نوشتار، تبیین و بررسی مقاله نامبرده بوده و در پی آن است تا با استناد و استدلال به شواهد تاریخی و نقل قول‌هایی که در کتاب‌ها، مقالات و سامانه‌های رایانه‌ای مطرح شده، ایده برتر را بازگو کند و به جمع بندی نهایی برسد.

## ۲. قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق از نظر موضوعی، به حماسه ششم بهمن اختصاص دارد؛ اما از نظر محتوا با توجه به گستردگی و پراکندگی مطالب پیرامون این موضوع، به نقد مباحث مطرح شده در مقاله «تبیین

سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد - بهمن ۱۴۰۱» می‌پردازد.

### ۳. اهمیت و ضرورت موضوع

چنین نقدی، آثار درخشانی در پی خواهد داشت از جمله: کشف قوت‌ها و ضعف‌های این گونه مقالات؛ گزینش ایده برتر و زدودن برخی از داوری‌های ناآگاهانه در باره حماسه ششم بهمن؛ کشف پیام‌های این حماسه؛ تبیین کلیدواژه‌گانی مانند: مقاومت، توکل به خدا، تشخیص حق از باطل، بینش اجتماعی، اتحادیه کمونیست‌های ایران، الگوپذیری از تاریخ پیشینیان، شناسایی و ارائه راهکارهایی برای مسلمانان جهت مقابله با دشمنان. بنابراین، ضرورت انتخاب این تحقیق، بیش از پیش نمایان می‌شود؛ چون تاکنون مقاله‌ای نقادانه در این زمینه نگارش نشده؛ بنابراین، بایسته است تا در یک مقاله جداگانه به بررسی، تبیین و تحلیل ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شود.

### ۴. پرسش تحقیق

مقاله «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)»، چگونه تحلیل، ارزیابی و نقد می‌شود؟

### ۵. فرضیه‌های تحقیق

زیستگاه «اتحادیه کمونیست‌های ایران» جنگل‌های آمل بوده است؛ آنان با پندار دستیابی به شهرهای شمال کشور، در شامگاه پنجم بهمن سال ۱۳۶۰ (ش) به این شهر یورش بردند؛ اما مردم مؤمن آمل ضمن سنگربندی شهر، با پشتیبانی نیروهای نظامی و انتظامی مقابل این مزدوران ایستادند و با تقدیم ۴۱ شهید پیروز شدند. در مقاله «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد - بهمن ۱۴۰۱»، اشکالات ساختاری و ایرادات محتوایی بسیاری وجود دارد؛ این نوشتار دیدگاه‌های نگارندگان مقاله نامبرده را با رویکردی انتقادی تحلیل و بررسی می‌کند.

### ۶. پیشینه تحقیق و امتیاز این پژوهش

آنچه تاکنون مورد اهتمام بوده، نگارش کتاب، پایان‌نامه، مقالات و ... در تبیین حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ (ش) شهر آمل بوده است؛ اما با توجه به تحقیقات انجام شده در منابع اسنادی، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم افزارهای گوناگون، در باره مقاله «تبیین سال شصت، الگوی

مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱»، نقدی صورت نگرفته تا به نقاط قوت و ضعف آن پی برد؛ پس بایسته است به نقد آن پردازیم. امتیاز این پژوهش این است که ضمن نقد مقاله نامبرده، گوشه‌هایی از این حادثه را به خوبی آشکار می‌کند.

## ۷. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله نقلی - انتقادی و روش داده‌پردازی آن توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و سامانه‌های رایانه‌ای و با رویکردی انتقادی تدوین شده است.

## ۸. معرفی اجمالی مقاله نقد شده

ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد حماسه آمل، در بهمن سال ۱۴۰۱ (ش) مقاله‌ای نسبتاً طولانی در ۲۱ صفحه، با عنوان: «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» منتشر کرد. این مقاله ضمن دارا بودن چکیده و مقدمه‌ای طولانی، نخست اهمیت شمال ایران و شهرستان آمل را بازگو می‌کند؛ آنگاه حوادث و رخداد‌های مهم سال ۱۳۶۰ (ش) را در چهار صفحه تحلیل کرده، سپس چگونگی تشکیل «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در خارج از کشور و فعالیت‌های براندازانه و مبارزه مسلحانه آنان در کردستان، خوزستان، تهران و مازندران به ویژه آمل را بررسی کرده است.

همچنین این مقاله در ادامه به چرایی تمرکز کمونیست‌ها در جنگل‌های آمل پرداخته و چگونگی جایگزینی آنان در جنگل، اقدامات تروریستی، حمله به شهر آمل و شکست «اتحادیه کمونیست‌ها» را در هفت صفحه به تفصیل بازگو کرده است. افزون بر این بخش‌ها، ضمن بیان وقایع نگاری حماسه آمل، مهمترین ویژگی‌های حماسه اسلامی مردم آمل را بیان کرده و در بخش ضمائم نام‌های ۶۷ تن از شهدای حماسه ششم بهمن و شهدای جنگل آمل را بازگو کرده و در نهایت بدون نتیجه‌گیری، منابع و مأخذ مفیدی را در این زمینه معرفی کرده است.

همچنین در پایان از شهروندان مازندرانی و مردم ایران درخواست کرد با ارسال اسنادی مانند: فیلم، عکس، بریده جراید، شعر، داستان، خاطره، مصاحبه، گزارش، مقاله، مکاتبات و... ستاد بزرگداشت حماسه اسلامی مردم آمل را در ایجاد پارک حماسه جنگل و مقاومت عمومی مردم شهرستان آمل یاری دهند.

## نقد مقاله

مقاله «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱» ضمن دارا بودن امتیازات فراوان، اشکالات بسیاری نیز دارد، پس بایسته است نخست ایرادات ساختاری، آنگاه اشکالات محتوایی بازگو شوند.

### بخش یکم: ایرادات ساختاری

در عنوان این مقاله و در صفحه ۱۸ عبارت «چهلیمین و یکمین» نادرست است و باید به عبارت درست «چهل و یکمین» تغییر پیدا کند؛ گویا این مقاله برای چهلیمین سالگرد حماسه آمل، سال ۱۴۰۰ (ش) نوشته شده بود؛ ولی نگارندگان آن را برای سال ۱۴۰۱ (ش) نیز آماده کرده بودند؛ اما به ضرورت این تغییر پی نبردند!

همچنین در واژگان «ویکمین» میان حرف عطف «و» و «یکمین» فاصله ای نیست؛ این ایراد در سراسر مقاله دیده می‌شود؛ افزون بر آن واژگان: «درمنطقه»، «درسال»، «درشرایط»، «دراین» در صفحه نخست این مقاله، نمونه‌ای از این ایرادات است که متأسفانه نویسندگان به بایستگی این فاصله‌گذاری نیز توجه نکردند!

عبارت: «تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱» نباید ذیل عنوان می‌آمد، بلکه باید در پانویست صفحه نخست ذکر می‌شد؛ چون این ستاد تهیه کننده و نگارنده این مقاله است. همچنین عدد ۱۳۶۰ در متن این مقاله بیش از ۷۰ بار تکرار شده است؛ در بسیاری از موارد به ویژه در چکیده بایسته بود به جای آن، جمله «در این سال» بازگو می‌شد، تا از تکرار مکررات جلوگیری شود.

این مقاله ۲۱ صفحه، هر صفحه حدود ۳۷ سطر و مجموعاً ۱۴۱۶۲ کلمه دارد که مقداری طولانی است و برای خواننده امروزی خسته کننده است. افزون بر این، فاصله سطرها یک سانتی متر است که با توجه به فونت «بی نازنین»، برای خواننده مشکل ساز خواهد بود؛ بنابراین، شایسته است فاصله سطرها بیشتر شود.

این مقاله در به کارگیری علائم نگارشی مانند : ، ؛ ، ! ، « » ( ) ؟ [ ] ، / ... ضعف دارد؛ برای نمونه بعد از عناوین نباید علامت : بیاید؛ درحالی که بعد از چکیده این علامت قرار دارد. افزون بر این، علامت ( ) در جایی به کار می‌رود که عبارت داخل کمانک قید توضیحی و به معنای «یعنی» باشد؛ اما در این مقاله چنین نیست، مثلاً در پایان چکیده واژگان: امنیت پایدار (و تمدن سازی) و در صفحه ۲ وقایع نگاری (توصیفی) نادرست است؛ همچنین در این مقاله بیش از نود بار علامت

... به کار رفته که حدود شصت مورد آن نابجا است. برخی از نام‌ها باید داخل «» قرار گیرند، مانند دانشگاه «برکلی» در صفحه ۷، تا خواننده به اشتباه نیفتد.

همچنین این مقاله، تاریخ‌های خورشیدی، قمری و میلادی را به دقت شناسایی و جداسازی نکرده است؛ زیرا برای شناسایی سال شمسی علامت (ش)، قمری (ق) و برای میلادی (م) ضروری است؛ درحالی‌که در سراسر این مقاله برای سال‌های شمسی اصلاً علائمی نیامده و برای سال‌های قمری نیز علامت‌ها ناهماهنگ است که این ناهماهنگی در صفحات ۳ و ۷ مشهود است. در این مقاله پاراگراف بندی شیوه منطقی را طی نکرده، برای نمونه در صفحات ۳ تا ۵ این ناهماهنگی مشهود است. همچنین بعضی از عناوین این مقاله در راستای هم نیستند و برخی از عناوین نیازمند بازنگری بوده و با معنوی سازگاری کامل ندارند، برای نمونه در صفحه ۳ عنوان نخست «اهمیت شمال ایران و آمل» و عنوان دوم «اهمیت شهرستان آمل» باهم هماهنگ نیستند؛ افزون بر این، در صفحه ۶ عنوان «وقایع مهم سال ۱۳۶۰» با معنوی هماهنگی کامل ندارد؛ زیرا رخدادهای سال‌های ۵۸-۵۹ نیز ذیل این عنوان بازگو شده است.

با توجه به عنوان مقاله، نخست باید حوادث سال ۱۳۶۰ (ش) بازگو می‌شد، آنگاه اهمیت شمال ایران، اهمیت شهرستان آمل و... تبیین می‌شد. همچنین این مقاله در دادن نشانی و مستندسازی مطالب بسیار ضعیف است؛ درحالی‌که در بخش منابع و مآخذ شانزده اثر را ذکر کرده است.

در این مقاله عبارات: «گفتنی است که»، «گفتنی است»، و «گفتنی است»، در صفحات ۶، ۷، ۹، ۱۰ و... باید یکسان سازی شوند. افزون بر این، اگر متن به شماره گذاری نیاز داشت، باید هر شماره سر سطر قرار گیرد؛ درحالی‌که در صفحه ۱۶ ذیل عنوان «اهمّ ویژگی‌های حماسه‌ی اسلامی»، چنین کاری صورت نگرفته است.

از نگارندگان این مقاله با نام‌های: «ستاد مردمی حماسه آمل»، «ستاد مردمی» و «ستاد حماسه مردمی آمل» یاد شده که باید یکسان سازی شود. در صفحه ۱۸ این مقاله تاریخ: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ بدون تفکیک روز و ماه و سال آمده که باید به شکل ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ (ش) جداسازی شوند. سیاه شدن برخی از واژگان در میانه متن نادرست است، در صفحه ۷ واژگان «ادعای آنان»، در صفحه ۹ «قیام فوری و ایجاد جرقه»، در صفحه ۱۲ «یک‌صد نفره» و... سیاه شده است. همچنین در این مقاله واژگان: «به‌هنگام» دو بار در صفحه ۱ و ۱۲ به شکل نیم فاصله آمده که باید سرهم «به‌هنگام» نگارش می‌شد؛ چون بر اساس سیاق جمله، واژه «به‌هنگام» در این سطر به معنای «بجا» است که متأسفانه نگارندگان به درستی این کار پی نبردند؛ افزون بر این، واژه «شهروندان» یک کلمه است؛ درحالی‌که در صفحه ۱۳ با فاصله: «شهر وندان» ذکر شده است.



فرمایش حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی در وصف حماسه آمل: «قیام همگانی مردم آمل و روستانشینان در جریان جنگل، برگ زرین دیگری از سلسله افتخارات مردم منطقه آمل و شمال به حساب می‌آید» در صفحه ۱۴ در دو سطر جداگانه ذکر شده؛ درحالی‌که باید کنار هم ذکر می‌شد؛ همچنین در صفحه ۱۹ نام شهید محمود افروش با عبارت مقابل نیم سطر فاصله دارد. بر اساس اصول نگارش، در فرهنگ منابع و معرفی منابع چاپ شده، جهت جلوگیری از تکرار، ذیل نام نویسنده برای بار بعدی خط مُمتد می‌آید؛ درحالی‌که در این مقاله این اصل نگارشی رعایت نشده است، برای نمونه نام آقای «مهدی خانی» در صفحه ۲۰، هشت بار تکرار شده که یکبار کافی بود. همچنین اگر از یک نویسنده چندین اثر ذکر شود، تقدیم و تاخیر آن‌ها باید بر اساس قدمت در تاریخ چاپ یا ارزش بالای آن اثر باشد؛ درحالی‌که در این مقاله این اصل رعایت نشده است، برای نمونه آثار آقای «مهدی خانی» بدون هیچ ضابطه و ترتیب منطقی در فرهنگ منابع ذکر شده است.

در منابع منتشره از حماسه آمل، شماره ۱۰: «جبهه سوم، مروری بر واقعه آمل» ناقص بازگو شده که درستش «جبهه سوم، مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)» است؛ همچنین حزب کمونیسم ایران (مارکسیست، لنینیست، مائوئیست)، نویسنده کتاب پرنده نوپرواز نیست.

شایسته است در فرهنگ منابع نام کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها سیاه شوند، یا داخل « » قرار گیرند تا برای خواننده واضح باشند. افزون بر آن، نام برخی نویسندگان در کتابنامه به گونه کامل ذکر نشده است. همچنین در بخش منابع و مآخذ، باید پایان هر منبع ضمن مشخص کردن نوع تاریخ: خورشیدی، قمری و میلادی، نقطه گذاشته شود.

در صفحه ۱۶ سطر ۵ ذیل عنوان: ویژگی‌های حماسه مردم آمل، عبارت: «شکستی تاریخی بر دشمن کمونیست وارد گردید» نادرست و واژه دشمن زاید است. افزون بر این، همه صفحات این مقاله داخل کادر قرار دارند که در مقالات علمی چنین کاری معمول و بایسته نیست. همچنین بند پایانی مقاله راست چین بوده و از سمت چپ تنظیم نیست و در پایان مقاله خاتمه و نتیجه‌گیری ندارد.

## بخش دوم: ایرادات محتوایی

عنوان مقاله طولانی، غیرعالمانه و نامناسب است، باید اینگونه می‌بود: «تحلیل حماسه مردمی آمل در بهمن ۱۳۶۰ (ش)». چکیده عصاره مطالب این مقاله نیست، کلید واژگان نیز ندارد؛ افزون بر این، در چکیده اشاره‌ای به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» نشده؛ درحالی‌که حضور افراد این اتحادیه در جنگل آمل و اندیشه آنان از موضوعات اصلی این مقاله بوده و نام این اتحادیه

بالای چهل بار در متن مقاله آمده است. همچنین در سطر یکم واژه «ضمن» زاید است. سطر ۱۱ واژگان «مقاومت عمومی شهری» نادرسته، زیرا بسیاری از روستاییان به کمک مردم شهر آمده بودند؛ بنابراین، شایسته است عبارت «مقاومت عمومی مردمی» به کار رود.

ناپیوستگی مطالب در این مقاله مشهود است و بندها همدیگر را تکمیل نمی‌کنند، برای نمونه بند پایانی در صفحه ۲ و در کل صفحه ۱۵ به روشنی این ناهماهنگی نمایان است. همچنین عبارات این مقاله روان نیستند و برای خواننده آسانی و سهولت خاص را ندارند، برای مثال سطر نخست از چکیده سنگین است و عبارت: «پس از فروپاشی سال ۱۳۷۰ اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی» در صفحه ۳، باید با جمله روان «پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال ۱۳۷۰ (ش)» جایگزین شود.

در این مقاله بیش از هفتاد بار واژه «کمونیست» (فرد با اندیشه کمونیسمی) آمده است، حتی یکبار از واژه «کمونیسم» (مکتب و اندیشه) بهره نبرد؛ برای نمونه در صفحه ۱۶ سطر ۵ باید از کلمه «کمونیسم» بهره می‌برد، نه «کمونیست». همچنین در این مقاله بیش از ۲۱ بار واژه «دشمن» و «دشمنان» به کار رفته که چهار بار در صفحه نخست آمده است؛ این نوعی پیش داوری و شمشیر از رو بستن است! در حالی که باید با پنبه سر برید و دشمنی آنان را به آرامی به خواننده فهماند و با پندار آنان در کتاب «پرندۀ نوپرواز» مقابله کرد.

از صفحه ۳ برمی‌آید که ناصرالحق شیعه زیدی بوده است؛ درحالی که به نوشته آیت الله العظمی جواد آملی (زید عزه) ایشان شیعه دوازده امامی بودند؛ چون در بستر اندیشه زیدی حکومت می‌کرد، مجبور بود با آنان تعامل کند؛ بنابراین، به سبب تقیه برخی نظرات فرقه زیدیه در کلام ناصرالحق وجود دارد. (جواد آملی: رجال تفسیری، ج ۷، ص ۲۵۵-۲۵۶) همچنین در صفحه ۳ آمده: «آمل دو بار در طول تاریخ، در بیش از سه قرن (۳۱۰ سال)، مرکز حکومت اسلامی بود»، اما با توجه به اسناد تاریخی، این شهر پیش از اسلام نیز پایتخت مازندران و ایران بوده است؛ بنابراین، شایسته است، عبارت فوق اصلاح شود.

در صفحه ۹ نام روستای «سنگ درکا»، در صفحه ۱۱ نام روستای «رَزْکِه»، در صفحه ۱۲ نام روستاهای «محمدآباد و رَزْکِه» و در صفحه ۱۹ نام روستای «گزناسرا» بدون لفظ «روستا» آمده که خواننده را به اشتباه می‌اندازد. همچنین برخی از واژگان مازنی به اعراب گذاری صحیح نیازمندند، مانند «سنگ درکا»، «رَزْکِه»، «دَرْمِکَلَا»، «گزناسرا»، «کِلِرِد»، «مَنگَل»، «مَنگِلِم» و ...

در اصطلاح رایج حوزوی واژه تخصصی «العظمی» برای فقهایی که مراجع تقلیدند به کار می‌رود؛ درحالی که در صفحه ۴، ۱۴ و ۱۷ نام حضرت آیت الله العظمی جواد آملی (زید عزه) بدون لفظ «العظمی» آمده است. همچنین به کارگیری واژگان غربی در این مقاله مشهود است، برای نمونه: واژگان «استراتژیک» و «استراتژی» شش بار در صفحات ۲، ۴، ۱۱، ۱۵ و ۲۰ بازگو شده که

معادل فارسی آن واژه «راهبردی» است؛ همچنین واژگان «پتانسیل»، «استرس»، «لجستیکی»، «پارتیزانی»، «اپوزسیون»، «تئوریزه»، «استادیوم» و... نیز غربی‌اند که باید معادل سازی شوند. در این مقاله به کارگیری برخی واژگان نامناسب مشهود است؛ برای نمونه، واژه «جوراجور» در صفحه ۱۸ کلمه‌ای عامیانه است، بهتره از واژه «گونگون» بهره گیریم؛ همچنین واژه «جریان» به معنای جاری شدن است و به کارگیری آن به جای واژگان «ماجرای و داستان» نادرست است؛ اما در این مقاله حدود بیست بار به کار رفته است.

در این مقاله پنج بار لفظ «مائو» بنیانگذار حزب کمونیسم چین آمده بدون هیچ توضیح حداقلی! همچنین خوزستان استان جنوب غربی ایران است، نه غربی؛ اما در صفحه ۵ این مقاله آمده: چند استان غربی نظیر خوزستان، ایلام و...

شروع برخی از بندهای این مقاله نادرست است، مثلاً در معرفی شهر آمل ذیل عنوان «اهمیت شهرستان آمل» در صفحه ۳ نخست باید نگاشته می‌شد: آمل شهری در استان مازندران است؛ آنگاه توضیحات بعدی آورده می‌شد؛ همچنین نخستین بند از صفحه ۱۶ با عبارت: «شکستی تاریخی بر دشمن کمونیست وارد گردید که در اعترافشان نیز بود»، آغازی نادرست است.

در این مقاله هشت بار واژگان «پرند نوپرداز» در صفحات ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۰ و ۲۱ تکرار شده؛ که «پرند نوپرواز» درست آن است. همچنین فزونی اغلاط املائی در سراسر مقاله مشهود است: «صیهونیست» در صفحه ۵ و ۱۷ سه بار؛ «کمونسیت‌ها» در صفحه ۱۶؛ «اتحاد» در صفحه ۲۰؛ افزون بر این، واژه «مَنگَلَم» پنج بار در این مقاله آمده، گاهی با اعراب و زمانی بی‌اعراب، حتی در صفحه ۹ در فاصله چند سطر این کلمه به شکل «مَنگَلوم» نیز ذکر شده؛ درحالی‌که در گویش محلی «مَنگَلِم» درست است.

در حروف عربی حرف گاف وجود ندارد؛ بنابراین، واژگان «امام حسن عسگری» نادرست و امام حسن عسکری (علیه السلام) صحیح می‌باشد. افزون بر آن، کاربرد درودها برای معصومان و امامزادگان (علیهم السلام) باید به شکل کامل نوشته شود، نه ناقص به گونه (ع)؛ چنانکه در صفحه ۳ چهار بار این خطا در یک سطر تکرار شده است.

بر اساس اصول نگارش، دو جزء افعال ترکیبی باید کنار هم ذکر شوند؛ درحالی‌که این بایسته نگارشی در سراسر این مقاله رعایت نشد، برای نمونه در صفحه ۱ سطر ۳ و ۴ میان دو جزء فعل ترکیبی «دست زدند» پنج واژه فاصله شده است؛ همچنین سطر پایانی این صفحه عبارت «تلاش مضاعف کنیم».

محل شهادت شهیدان رجایی و باهنر دفتر نخست وزیری بود؛ درحالی‌که در صفحه ۶ این مقاله آمده: انفجار ریاست جمهوری و شهادت رجایی و باهنر! در باره «راز تمرکز کمونیست‌های ایران

بر آمل» در کتاب «پرنده نوپرواز» صفحه ۲۵ در دلایل انتخاب آمل، مطالب علمی و محسوس دیگری بیان شده؛ اما در صفحه ۸ مقاله به آن‌ها اشاره نشده است.

منظور از «معادن داخل جنگل»، معادن زغال سنگ است که در جنگل‌های این منطقه وجود داشت؛ اما در صفحه ۸ این مقاله به نوع معادن اشاره‌ای نشده است. همچنین کاربرد «سازمان مجاهدین خلق» نادرست است؛ به جای آن عبارت «سازمان موسوم به مجاهدین خلق» به کار رود بهتر است.

شایسته است به جای عبارت «شهرک صنعتی» در صفحه ۱۰ و ۱۹، «شهرک صنعتی فعلی» به کار رود؛ چون در آن زمان «شهرک صنعتی» در آن منطقه وجود نداشت؛ همچنین در این مقاله از «شهرک صنعتی» گاهی با پسوند «امامزاده عبدالله» و زمانی با پسوند «آمل» یاد شده که باید یکسان سازی شود.

از شهادت حجت الاسلام و المسلمین «حبیب الله شریعتی فرد» و فرزند پاسدارش «محمدرضای شریعتی فرد» در صفحه ۱۱ به شهادت «دو نفر گرگانی» تعبیر شده! که نادرست است؛ زیرا اولاً ایشان روحانی تحصیل کرده نجف اشرف و از علمای بنام استان مازندران بود؛ ثانیاً اهل روستای «بندرات» بهشهر بوده که محل کارش گرگان بود؛ ثالثاً این حادثه در منطقه «کرسنگ» رخ داد که در این صفحه به محل حادثه اشاره‌ای نشده! گرچه در صفحه ۱۵، با تعبیر دو مسافر عبوری گرگان - تهران! و تنها به نام «حجت‌الاسلام شریعتی» بسنده شده است.

طبق ادعای کتاب «پرنده نوپرواز» در صفحه ۹۴، یورش آنان به شهر آمل ناخواسته نبوده، بلکه با نقشه و شناسایی قبلی بوده است؛ اما در صفحه ۱۲ این مقاله آمده این حمله ناخواسته بوده است! همچنین گروهک «اتحادیه کمونیست‌های ایران» پس از شکست در عصر روز ششم بهمن، به سمت «باغات انتهایی جنوبی آمل»، فرار کردند؛ درحالی‌که در این مقاله صفحه ۱۳ سطر ۲۸ عبارت «باغات انتهایی آمل» آمده که نادرست است. در صفحه ۱۴ سطر ۸ عبارت «معادل هفتاد درصدی تعداد شهدا» نادرست و جمله «معادل هفتاد درصدی شهدای مردمی» درست است. همچنین در صفحه ۱۵ پس از عبارت «پمپ بنزین فعلی»، واژه «نارنجستان» ضروری است؛ افزون بر آن، در همین صفحه عبارت «در فاصله‌ی ۲۰ کیلومتری جاده‌ی هراز» باید به «کیلومتر ۲۰ جاده‌ی هراز» تصحیح شود؛ همچنین در سطر پایانی این صفحه واژه هراز نادرسته باید «جاده هراز» یا «رودخانه هراز» باشد. در سطر نخست صفحه ۱۶ عبارت «سد فعلی منگل» نادرسته و «سد فعلی هراز» صحیح است. در بخش ضمائم و ذکر اسامی ۶۷ شهید، تنها به ذکر سن دو شهید بسنده شده است.

### نتیجه‌گیری

در سال ۱۳۶۰ (ش) برخی از اعضای «اتحادیه کمونیست‌های ایران» مسلحانه در جنگل‌های آمل پناه‌گرفتند و مسلحانه علیه جمهوری اسلامی توطئه کردند. آنان ضمن عملیات تروریستی، با پندار فتح شهرهای شمالی، در شامگاه پنجم بهمن سال ۱۳۶۰ (ش) به شهر آمل یورش بردند. مردم انقلابی شهرستان هزار سنگر آمل با همکاری نیروهای نظامی و انتظامی با مزدوران استکبار جهانی مقابله کردند و با تقدیم ۴۱ شهید، حماسه آفریدند و این مقاومت جاودانه شد.

در باره چیستی، چگونگی و چرایی این خیزش انقلابی، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های بسیاری نگارش شده است؛ یکی از این دست مقالات، مقاله «تیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن ۱۴۰۱» است که ۲۹ ایراد ساختاری و ۳۳ اشکال محتوایی داشت.

### نمایه منابع

- جوادى آملی، عبدالله، «رجال تفسیری»، ج ۷، چاپ یکم، قم: ناشر: اسراء، زمستان ۱۴۰۰ (ش).  
- خانی، مهدی، «جبهه سوم، مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)»، تهران، ناشر: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه، چاپ اول، بهمن ۱۳۹۲ (ش).  
-----  
- «آمل شهر هزارسنگر، مقاومت اسلامی مردم»، تهران، ناشر: مرکز مطالعات ارتش ۲۰ میلیونی، چاپ اول، ۱۳۷۴ (ش).  
- ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد، «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)»، بهمن ۱۴۰۱ (ش).  
- گفتگو با یکی از رفقای شرکت کننده در مبارزه مسلحانه سربداران و قیام آمل، «پرنده نوپرواز»، ناشر: حزب کمونیست ایران (مارکسیست، لنینیست، مائوئیست)، آلمان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳ (ش).  
- دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، «مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم آمل»، دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، تهران، ۱۳۷۳ (ش).  
- نرم افزار «مرقوم»، قم، بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء.

## ارزیابی حماسه ملی مردم آمل و بررسی تلاش منافقین در سنوات مختلف

حسین قربانی<sup>۱</sup>

شقایق کاردگر<sup>۲</sup>

### چکیده

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده ارزیابی حماسه ملی مردم آمل و بررسی تلاش منافقین در سنوات مختلف می باشد. واقعه سال یکهزار و سیصد و شصت شهر آمل که به اختصار قیام آمل یا حماسه مردمی آمل نامیده می شود، به مبارزه مسلحانه بیش از یکصد فرد مسلح از گروهی مارکسیست به نام اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربه‌داران) علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور برپاکردن یک انقلاب دیگر در شهر و جنگل‌های اطراف شهر آمل در شمال ایران اشاره دارد که با مقاومت و حماسه مردم شهرستان هزار سنگر آمل مواجه شدند. این حمله که در چهارم و پنجم بهمن ماه سال یکهزار و سیصد و شصت آغاز شد، پس از چهل و هشت ساعت درگیری سرانجام در تاریخ ۶ بهمن با تمرکز قوای نیروهای سپاه پاسداران و بسیجیان و عموم مردم منجر به شکست گروه مزبور گردید. منابع زیادی بیان داشته اند که نیروهای مردمی در این درگیری‌ها و خنثی نمودن آن با ایجاد هزاران سنگر و جانفشانی‌هایی وصف ناشدنی نقشی فزاینده داشته‌اند و این رویداد را حماسه مردم آمل می‌نامند که در این پژوهش به جزئیات آن از جمله ارزیابی کیفی حماسه و مردمی بودن آن و نیز بررسی تلاش منافقین در ماهها و سالهای قبل از وقوع حماسه بیشتر پرداخته خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** ششم بهمن، حماسه ملی بهمن آمل، حماسه مردم آمل، هزار

سنگر، سال ۶۰ هجری شمسی

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره دکتری تخصصی خط مشی گذاری دانشگاه تهران. دکتری مهندسی عمران گرایش مدیریت

ساخت و استاد دانشگاه فنی و حرفه ای، [hgh.studies@gmail.com](mailto:hgh.studies@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه طبری بابل؛ [shaqayeq.kardgarr@gmail.com](mailto:shaqayeq.kardgarr@gmail.com)

## مقدمه

حماسه ششم بهمن آمل، چهل و دو سال پیش در یک روز زمستانی اتفاق افتاد، روزی که هر خانه ای برای گرم نگه داشتن خانه با داشتن پیت‌های نفت بین صف‌های طولانی به انتظار می‌کشیدند. خانه‌هایی که خانواده‌های آنها تمام فکرشان به آن فرزندان بود که برای حفظ خاک وطن و نوامیس شان با کشور عراق عازم جنگ شده بودند. جنگی که هنوز خون شهدای انقلاب اسلامی خشک نشده از یک حاکم تعلیم داده شده به حکومت نوپای جمهوری اسلامی تحمیل شده بود. ( رهگذر، ۱۳۸۵، ۱۲)

انقلابی که برای نابودی آن نقشه‌های زیادی کشیده شد، از انواع ترورهای شخصیتی گرفته تا بمب‌گذاری‌های کوچک و بازار، از تفرقه اندازی قومیت‌ها تا اشاعه فرهنگ ضدانقلابی، از حضور کومله‌ها و منافقین در کردستان و گنبد گرفته تا کمونیست‌ها در جنگل‌های آمل. سال ۶۰ بود و مردم آمل با دغدغه‌های جنگ و مشکلات آن، وجود کمبود ها، دل‌نگرانی‌های فرزندان‌شان، حضور مهمان ناخوانده ای را حس کردند. حس نه با چشم خود دیدند آن هم ابتدا در دل جنگل‌های امامزاده عبدالله بعد در صف نانوائی‌ها، بقالی‌ها، خیابان‌ها با لباس‌هایی سبز و خاکستری اما با نوشته ای جالب به نام سرداران. و مردم این شهرستان خوش و آب و هوا به دلیل خوی و خصلت خونگرمی شان و مهربانی شان از آنها به گرمی برخورد و پذیرایی می‌کردند چون باور داشتند آنها با این پوشش به نوعی دیگر خدمت به انقلاب و نظام می‌کنند. ( خانی، ۱۳۷۹، ۹۱)

## پیشینه و اهداف و ضرورت پژوهش:

اتحادیه کمونیست‌های ایران پیش از انقلاب ایران از ادغام سازمان انقلابیون کمونیست که سازمانی مائوئیست در خارج از کشور بود و «گروه پویا» که اعضایش بعضاً برای آموزش جنگ چریکی به کشور های حاشیه دریای مدیترانه رفته بودند، تشکیل شد و در بین جوانان در آمریکا و سایر کشورهای غربی به ویژه فعالان در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی تأثیر قابل توجهی داشت. از جمله فعالان مبارز شناخته شده ضد حکومت شاه در خارج مانند سیامک زعیم، عبدالرحمان آزمایش، حسین رباحی و فرید و وحید سریع القلم در این سازمان فعال بودند و در ابتدای انقلاب از مکتبی‌ها در مقابل لیبرال‌های اسلامی حمایت می‌کردند. ( دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۷، ۱۳۳)



اما در خردادماه سال ۱۳۶۰ خورشیدی و هم‌زمان با عزل بنی‌صدر و درگیری شدید اپوزیسیون و نیروهای انقلاب اسلامی، اتحادیه به رهبری سیامک زعیب با تفکراتی مبهم به این باور رسید که جمهوری اسلامی با به اجرا گذاشتن یک کودتا خواستار یک‌دست نمودن و تصفیه درونی حکومت از طریق بیرون راندن عناصری چون بنی‌صدر و سرکوب توده‌ها خصوصاً دگراندیشان چپ‌گرا هستند این در صورتیست که خیانت‌های ممتد و مستمر بنی‌صدر و اطرافیانش را نادیده انگاشتند. از این رو آنان برای نجات تفکرات خویش از مسیری که به ادعای آنان به انحراف کشیده شده بود به مبارزه مسلحانه توده‌های روی آورده و اهداف خود را در شماره ۱۴۷ نشریه حقیقت که در آذرماه (سال ۶۰) انتشار یافت و در شهر آمل پخش شد، در جهت تنویر افکار عمومی و همراه سازی عموم مردم در برگیرنده مضامینی کاذب این‌گونه اعلام نمودند:

۱- سرنگونی حکومت امام خمینی(ره) ۲- دعوت مجلس مؤسسان ملی بر اساس انتخابات عمومی (که در این انتخابات طرفداران سلطنت پهلوی و نظام جمهوری اسلامی و دسته‌جات جیره‌خوار و وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی حق رأی نداشتند) ۳- افشا و لغو کلیه قراردادهای سران جمهوری اسلامی با قدرت‌های امپریالیستی ۴- لغو فوری کلیه حقوق بزرگ‌مالکی و فئودالی در سراسر ایران ۵- تدوین فوری یک قانون کار مترقی و عادلانه ۶- تشکیل فوری دادگاه‌های فوق‌العاده توده‌ای برای محاکمه کلیه کارگزاران حکومت کنونی ۶- به رسمیت شناختن کلیه آزادی‌ها و حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های مردم ۷- بسیج مردم و کلیه امکانات برای نجات خوزستان و بیرون ریختن تجاوزکاران بعثی عراق ۸- اجرای یک طرح ضربتی اقتصادی برای خروج کشور از بحران اقتصادی ۹- اعلام یک سیاست خارجی کاملاً مستقل و انقلابی در عرصه روابط خارجی ایران مبارزه با ولایت فقیه و ایجاد جامعه‌ای کمونیستی بر اساس سکولاریسم (خانی، ۱۳۷۹، ۱۳۸)

بعد ها در زمان‌های پیش‌تر با همکاری بسیاری از سران این تفکرات در عملیات مرصاد با مسعود رجوی و سازمان منافقین، این موارد بالاخص بند ۷ زیر سوال رفت و کاملاً برای مردم بیش از پیش نقشه‌های شوم شان بازگو گردید.

و اما در ادامه با تحلیل عملکردی این گروه اهداف اصلی شان بدین گونه آشکار گردید:

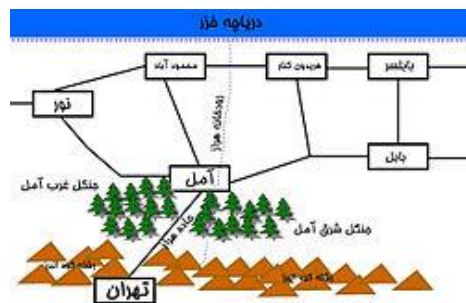
۱- تصرف یک شهر مهم و توسعه عملیات‌های بعدی، ۲- جلب نظر افکار عمومی و گروه‌های سیاسی داخل کشور، ۳- حفظ حضور سیاسی خود در عرصه سیاسی کشور، ۴- قوی‌تر نشان دادن خود در مقایسه با دیگر گروه‌های سیاسی، ۵- فراهم کردن

زمینه برای جلب حمایت خارجی، ۶- تقویت جبهه هواداران، ۷- ایجاد رعب و دلهره در نیروهای هوادار نظام و ۸- سهم‌خواهی برای آینده یا حرکت به سمت سقوط نظام جمهوری اسلامی

بنا بر اعتراف‌های برخی از اعضای دستگیرشده، اتحادیه در ۳۰ خرداد تصمیم به مقابله نظامی با حکومت گرفت. در تابستان ۱۳۶۰ نیز تصمیم به قیام شهری اتخاذ شد. سرمداران این اقدام خود را تحت عنوان «قیام فوری» طراحی کردند. برخی از اعضای اتحادیه نیز معتقد بودند که باید در ۳۰ خرداد ۶۰ دست به قیام مسلحانه می‌زدند. (دانشگاه امام حسین ، ۱۳۷۷ ، ۱۳۳)

اتحادیه که نیروهای خود را به جنگل‌های اطراف آمل فرستاده بود، در اندیشه زدن جرقه یک قیام سراسری در کشور بود و در نظر داشت تا این اتفاق تقریباً هم‌زمان با عملیات مسلحانه مجاهدین و فداییان اقلیت در شهر یور و مهر آن سال در سایر نقاط کشور باشد اما اختلاف نظرها و بحث‌های ایدئولوژیک رهبری آن، این اقدام را به تأخیر انداخت. نهایتاً اتحادیه تحت لوای «سرمداران» تصمیم گرفت تا در زمستان سال ۱۳۶۰ به آمل حمله کرده و زمینه یک شورش همگانی را به وجود بیاورد. آن‌ها تخمین می‌زدند که حکومت بتواند حدود ۳۰۰۰ نفر از نیروهایش (سپاه، ژاندارم و بسیج) را برای مقابله به منطقه بفرستد. و حال آنکه مطلع بودند که بسیج به خاطر آماده به رزم بودن و گذشتن از جان در اعضایش شناخته شده بود که تنها با از جان گذشتگی می‌توانست مانع از نقشه‌هایشان گردد و هیچ نیرو و قوایی جلو دار اندیشه‌ی بسیجیان نبود. حال آنکه در روز حادثه با ایجاد هزاران سنگر به توسط عموم مردم با همراهی نیروهای سپاه، چندین هزار نفر به تصورات و پیش‌بینی‌های این گروه افزوده شد. ( رهگذر ، ۱۳۸۵ ، ۳۴)

### ۱- دلایل انتخاب جنگل‌های آمل :



تصویر شماره ۱. دلایل انتخاب جنگل‌های آمل

- موقعیت جغرافیایی و استراتژیک آمل که ورودی چند شهر مهم مازندران است .  
(کردی، ۱۳۸۶، ۱۱۳)
- ✓ الگوگیری از واقعه سپاهکل
  - ✓ استتار مناسب جنگل آمل به دلیل داشتن پوشش مناسب، غارها و پستی و بلندی‌های بسیار
  - ✓ وجود راه‌های بسیار و متفاوت که افراد ناآشنا را با مشکل مواجه می‌کرد .
  - ✓ وجود عناصر بومی مثل رانندگان معدن که از مشکوک شدن به تحرکات زیاد جلوگیری می‌کرد.
  - ✓ تأمین آذوقه از روستاهای مجاور .
  - ✓ ارتباط و نزدیکی با شهر آمل و تهران
  - ✓ استقرار در حاشیه جاده بین‌المللی هراز که گذرگاه چند استان و شهر مهم کشور بود .
  - ✓ امکان بستن راه هراز به گونه‌ای که امکان ارتباط با پایتخت و نیروهای اعزامی را کاهش دهند و هم‌چنین تبلیغات در این جاده
  - ✓ فاصله مناسب بین جنگل و دریا جهت ایجاد عملیات جنگ و گریز .
  - ✓ نزدیکی به تهران
  - ✓ وجود جنگل در دوسوی جاده هراز و موقعیت مناسب آن
  - ✓ دسترسی به آب رودخانه هراز .
  - ✓ وجود خوراکی‌های درختی و زمینی .

## ۲- شرایط مالی و تجهیزاتی و منابع انسانی اتحادیه کمونیست‌ها

### ۴-۱- انتقال نیرو به جنگل و نحوه آرایش نظامی



تصویر شماره ۲. تعدادی از اعضای سربداران آمل در جنگل‌های مازندران

طبق اعترافات حسین تاجمیر ریاحی از رهبران سربداران که در منابع منعکس شده یکی از تاکتیک‌های اتحادیه کمونیست‌ها در قبال جنگ، فرصت‌طلبی آنان از وضعیت جنگی کشور بوده‌است طبق این اعترافات، اتحادیه در پی گشودن جبهه سوم علیه جمهوری اسلامی ایران بود، جبهه اول جنگ ایران و عراق است که بخش عمده‌ای از امکانات و نیروهای نظام را به خود مشغول کرده‌است، جبهه دوم مبارزات کردها و گروه‌ها می‌باشد، بنابراین ایجاد یک جبهه سوم در جنگل بدون مقاومت چندان از سوی حکومت می‌توانست موفقیت بیشتری را در پی داشته باشد و نهایتاً به سقوط حکومت بینجامد که به تز جبهه سوم معروف بود. بنابر آنچه در کتاب پرنده نوپرواز از جانب سربداران نقل شده، سربداران تصمیم داشتند تا پس از پیروزی در آمل جبهه دیگری را نیز در کرمانشاه ایجاد کنند ( دانشگاه امام حسین(ع) ، ۱۳۷۷ ، ۱۲۰ )

طبق مستندات منابع در کشور ، از اواخر شهریور و اوایل مهر سال ۱۳۶۰ سربداران انتقال نیروهایشان را به داخل جنگل آغاز کردند و نزدیک به ۱۸۰ الی ۲۰۰ نفر در منگل دره مستقر شدند در خصوص تعداد نیروهای اتحادیه، منابع داخلی و خارجی ، آمار متفاوتی ارائه داده‌اند. منابع موثق بیان می‌کنند که شورشگران در ابتدا بالغ بر ۱۸۰ نفر بودند و نزدیک به ۱۸۰ الی ۲۰۰ نفر آنان در منگل دره مستقر شدند و قبل از درگیری بهمن ماه به دلیل ترس و واهمه به حدود ۱۰۰ نفر رسیدند. حال آنکه در کتاب پرنده نوپرواز که توسط حزب کمونیست به چاپ رسید سربداران معتقدند که اعضای این گروه در حدود صد نفر بوده‌اند و عمده نیروهای دیگر و نه نیروهای اصلی که از دیگر نقاط به آن‌ها پیوسته بودند در خلال یک ماه پس از درگیری ۲۲ آبان و در حین شرایط سخت محاصره گروه را ترک گفته‌اند. آن‌ها همچنین مدعی وجود ۹ گروه ۹ نفره در ابتدای عملیات هستند که بعد از درگیری ۲۲ آبان تغییر شکل داده و به ۵ گروه ۱۶ تا ۲۰ نفره متشکل از: فرمانده کل، معاون نظامی، مسئول سیاسی، تدارک‌چی، آرپی‌جی زن تبدیل شدند. علاوه بر این گروه‌ها یک گروه مرکزی متشکل از: فرماندهان اصلی، فرمانده کل گروه، مسئول کل سیاسی، مسئول کل ارتباطات، مسئول کل شناسائی و تدارکات، تیم پزشکی و عده‌ای دیگر که جمعاً ۱۶ نفر می‌شدند را به این عده باید افزود. همچنین در مجموع ۶۰٪ از نیروها اصالتاً خوزستانی و کرد بودند. و عده بسیاری از آنان سابقه تحصیل در کشورهای غربی را داشتند. افرادی که از شهرهای دیگر به تهران می‌رسیدند توسط پیک شمال، به آمل منتقل می‌شدند. ( رهگذر ، ۱۳۸۵ ، ۳۲ )

در کتاب اسناد اتحادیه کمونیست‌ها در واقعه آمل، ادعا شده‌است که بنابر اعترافات محمدرضا سپرغمی با توجه به هماهنگی‌هایی که بین اتحادیه و سازمان مجاهدین خلق در خلال برخی از جلسات وجود داشت، سازمان مجاهدین خلق نیز به رغم ایدئولوژی متعارض با اتحادیه، با قیام فوری و جنگ مسلحانه موافقت کرده و بعد گروه‌های اکثریت جناح چپ، اقلیت، پیکار و... تعدادی از نیروهای‌شان را برای کمک به اتحادیه به جنگل فرستادند. (کردی، ۱۳۸۶، ۱۲۰)

همچنین بنابر ادعای این کتاب و سایر منابع بر اساس اعترافات علی علیزاده (از اعضای اتحادیه) نیروهای اتحادیه در ۹ گروه ۲۰ نفره تقسیم شدند که تمام گروه در سه کمپ بالا، وسط و پائین که هر کمپ، ۳ گروه را در خود جای داده بود مستقر شدند و فاصله کمپ‌ها از یکدیگر حدود ۷۰۰ متر بود تا در صورت شرایط اضطراری به هم کمک کنند. و بعد از درگیری ۲۲ آبان تغییر شکل داده و به ۵ گروه ۱۶ تا ۲۰ نفره تبدیل شدند. در هر کمپ ۶ چادر بود که ۵ چادر برای نیروها و یک چادر برای کارهای پزشکی که افراد گروه پزشکی در آن مستقر بودند و هر کمپ ۳ یا ۴ نقطه نگهدارنی تعیین شده بود و نگهبانان هر کمپ از هم جدا بودند. هر فرد علاوه بر کارهای رزمی همچون آموزش اسلحه، آموزش تاکتیک، راهپیمایی گروهی و ورزش وظایفی همچون ظرف شستن، جمع‌آوری هیزم، و کارهای عمومی و شخصی را نیز بر عهده داشت. کمپ فرماندهی در بالا قرار داشت و مشتمل بر ۱۵ نفر بود، فرمانده کل گروه، مسئول کل سیاسی، مسئول کل ارتباطات، مسئول کل شناسایی، تیم تدارکات و تیم نظامی در این کمپ مستقر بودند. (خانی، ۱۳۷۹، ۳۲)

#### ۴-۲- تجهیزات و مهمات منافقین

منابع موثق معتقدند که اسلحه و تجهیزات مورد نیاز عملیات برای ۱۸۰ نفر تهیه گردید که شامل: تفنگ ژ ۳ (۵۰ الی ۵۵ قبضه)، تفنگ کلاشینکف (۳ یا ۴ قبضه)، تفنگ ام ۱ (۱ قبضه)، تفنگ یوزی (۳ یا ۴ قبضه)، کلت کمری (۴ قبضه)، آرپی‌جی ۷ (۵ یا ۶ قبضه) نارنجک (بیش از ۷۰ عدد)، سه راهی (۲۰۰ الی ۳۰۰ عدد)، تیربار ژ ۳ (۱ قبضه)، موشک آرپی‌جی (۷) ۵۰ یا ۶۰ عدد) بوده‌است.

علاوه بر این‌ها با استفاده از دیگ‌های زودپز و موتور برق نوعی سلاح‌های انفجاری دست‌ساز نیز تولید شده بود. همچنین منافقین دارای یک شبکه کامل بی‌سیم بودند.

بخش عمده‌ای از این سلاح‌ها از جبهه‌های جنگ و کردستان به سرقت رفته و تعدادی هم از راه خرید از قاچاقچیان بدست آمده بود.

بنابر آنچه در پرنده نوپرواز ذکر شده، اتحادیه اعتقاد داشت که جنگ بین ایران و عراق، جنگ طبقه آن‌ها نبود و تنها نفع آن‌ها از این جنگ، تأمین این سلاح‌ها توسط نیروهایشان بود. و بخش دیگری از سلاح‌ها در جریان وقایع ۲۲ بهمن ۵۷ و اوایل انقلاب بدست آمده بود. این سلاح‌ها ابتدا به نارمک تهران و سپس به آمل منتقل شدند. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۳۴)

طبق آنچه که در کتاب پرنده نوپرواز آمده آذوقه و مواد غذایی مورد نیاز گروه، از تهران خریداری شده یا به جبر از دامداران این روستاها یا روستائیان صادره می‌شد. همچنین چند بار به مصادره برنج، کفش و لباس از خانه برخی از مردم اقدام نمودند. بدین ترتیب منافقین با سرقت از جهاد سازندگی روستای گزناسرا و روستاهای اطراف، اموال مردم و روستائیان آذوقه و تجهیزات خود را تأمین می‌کردند و یکی دیگر از راه‌ها، تأمین غذا از گوشت حیوانات اهلی و وحشی بود.

طبق مستندات، دو دستگاه وانت، دو خودروی سواری، دو دستگاه موتور سیکلت و دو راس قاطر، انتقال لوازم و مایحتاج را به جنگل انجام می‌دادند. همچنین دو دستگاه فتواستنسیل و تکثیر و یک ماشین تایپ امکانات انتشاراتی اتحادیه کمونیست‌ها را تشکیل داده بود. (کردی، ۱۳۸۶، ۱۲۱)

#### ۴-۳- تأمین مالی

بنابر اعتراف‌های سیامک زعیب (از اعضای اتحادیه) که در منابع منعکس شده، تأمین مالی منافقین این‌گونه بود:

- پرداخت حق عضویت اعضا
- سرقت از منازل و بانکها
- خرید و فروش (بعنوان نمونه، یک باغ میوه خریداری نموده و میوه‌های آن را چیدند و فروختند)
- جمع‌آوری کمک از برخی هواداران که از اعضای این گروهک تروریستی بوده اند.

#### ۴-۴- فعالیت‌های اطلاعاتی تبلیغاتی منافقین

طبق اعتراف‌های سربداران در کتابشان، آنان در قالب گروه‌های سه نفره با رفتن به شهر، به تهیه گزارش‌های اطلاعاتی، شامل نقشه و کروکی بسیج، سپاه، سازمان‌ها و

ادارات دولتی، خانه‌ها و نام افراد حزب‌اللهی و نیز برنامه‌های عملیاتی سپاه و ژاندارمری می‌پرداختند. تهیه این کروکی‌ها عمدتاً توسط زنان انجام می‌شد. همچنین سربداران قصد راه‌اندازی ایستگاهی رادیویی را داشتند که با وجود بردن بسیاری از تجهیزات به جنگل باز هم ناکام ماندند. از دیگر فعالیت‌های تبلیغاتی نیز می‌توان به این موارد اشاره داشت:

تبلیغات در مدارس روستایی، نفوذ در بین روستاییان، استفاده از نام سربداران که تداعی‌کننده مبارزات پیشین بود، سه مورد بستن جاده هراز و پخش اعلامیه در بین خودروهای عبوری. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۳۱)

### ۳- تلاش منافقین در سنوات مختلف :

#### ۵-۱- درگیری ۱۸ آبان

در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۰ گروه منافقین آماده حرکت به سمت آمل شد، اما از قبل، تعدادی وانت و مینی‌بوس را از جاده هراز ربودند و رانندگان را به اسارت گرفتند. البته اتحادیه با انتشار اخباری کذب در منابع خودشان مدعی است که به قصد مصادره این ماشین‌ها را وارد جنگل کرد ولی این رانندگان از روی میل ماشین خود را در اختیار آن‌ها قرار دادند و اتحادیه نیز به آن‌ها قول پرداخت کرایه را داد. این در صورتیست که گروگان‌ها ۶ یا ۷ نفر بودند که در تیلار نگهداری می‌شدند. طبق منابع موجود از آنجا که اعضای سربداران به هنگام عملیات ۱۸ آبان نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند قصد داشتند از این تعداد مینی‌بوس و وانت در حمله به شهر استفاده کنند. (دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۷، ۱۲۱)

گروهی به رهبری یوسف گرجی برای چند ساعت جاده هراز در ۱۵ کیلومتری آمل را مسدود کرده تا مانع کمک‌رسانی هرگونه نیروی نظامی از تهران به آمل شوند و سپس شروع به پخش اعلامیه و تبلیغات کردند و بقیه نیروی منافقین سربداران در مسیر جاده خاکی، خود را به جاده امامزاده عبدالله رساندند. یکی از اهالی با مشاهده یک وانت افراد مسلح که وارد جنگل شده بود به سپاه آمل خبر داد. سپاه نیز ابتدائاً صرفاً برای ارزیابی خبر، ۳ نفر را به منطقه فرستاد که به محض رسیدن، گروه پیشرو با آنان درگیر شدند. در این درگیری یکی از نیروها به نام ولی‌الله کارگر به شهادت رسید و از نیروهای منافقین نیز فرمانده گروه پیشرو به نام بهنام رودگرمی به هلاکت رسید. به دستور کاک/اسماعیل، فرمانده نظامی سربداران، افراد سریع به داخل جنگل

بازگشتند، سپس با بی‌سیم به یوسف گرجی دستور عقب‌نشینی صادر شد. (دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۷، ۱۳۳)



تصویر شماره ۳. رزمندگان شهرستان آمل

طبق اعترافات محمود آزادی از اعضای دستگیرشده اتحادیه، عملیات ورود به شهر در ۱۸ آبان عجلانه طرح‌ریزی شده بود و صدای تیراندازی در زمان درگیری موجب نگرانی مسئولان شد زیرا طبق نقشه نبود. البته اتحادیه کمونیست‌ها طبق ادعایی واهی گفته‌اند در این درگیری دو نفر از نیروهای سپاهی به شهادت رسیدند و یک نفر دیگر موفق به فرار شد. همچنین بر اساس برخی منابع موجود در کشور، تا این زمان، هیچ‌یک از ارگان‌ها و نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و نظامی از وجود چنین گروهی در جنگل اطلاع نداشتند. (خانی، ۱۳۷۹، ۹۰)

#### ۵-۲- درگیری ۲۲ آبان

بنا به منابع داخلی، منافقین پس از درگیری ۱۸ آبان در سازماندهی خود تغییراتی را ایجاد کرده بود. نیرویی متشکل از سپاه، بسیج و ارتش با اعزام به منطقه دست به اجرای عملیات چکش و سندان زد که منجر به عقب‌نشینی سربداران تا جنگل‌های منطقه عالی کیا سلطان شد البته در این درگیری در اثر شلیک آربی‌جی به یکی از ریه‌های ارتش، ۱۱ نفر از نیروهای سپاه و ارتش به شهادت رسیدند همچنین در این درگیری از نیروهای اتحادیه نیز ۱ نفر به هلاکت رسید و دو نفر زخمی شدند. (دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۷، صفحه ۱۱۸)





تصویر شماره ۴. گروه مسلحانه مائویست در جریان واقعه آمل

در اطلاعاتیه نظامی شماره یک منافقین که مملو از اخبار کذب بوده است تعداد شهدای نیروهای مختلف شهرستان؛ در درگیری ۲۲ آبان حداقل ۴۴ تن و تعداد زخمی‌ها نزدیک به ۱۰۰ نفر اعلام شد. همچنین حدود ۱۰ تفنگ و مقدار زیادی فشنگ و دیگر تجهیزات نظامی مانند بی‌سیم به دست آن‌ها افتاد. اما منابع موثق این آمار را قبول نداشته و مدعی شده‌اند که اتحادیه تنها به منظور حفظ روحیه اعضای خود این آمار را ذکر کرده است. در منابع موثق، علی‌علیزاده از اعضای اتحادیه نیز در اعترافات خود، تعداد واقعی شهدای ارتش و سپاه در این درگیری را بین ۹ الی ۱۱ نفر ذکر کرده‌است که به خاک سپرده شدند. طبق گفته‌های سرداران پس از این درگیری، یکی از اعضای اتحادیه به نام *کاظم شیراز* مفقود شد. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۱۵)

آنچه بر اساس حقایق میتوان گفت این است که درگیری ۲۲ آبان موجب شد تا تقریباً نیمی از نیروهای جنگل از آن جدا شده و در واقع استعداد نیروهای سرداران به نصف رسید. البته اتحادیه کمونیست‌ها نیز با خیالی واهی ادعا می‌کند تعداد ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از سپاه نه به آمل بلکه به شهرهای چالوس و محمودآباد عقب‌نشینی کردند. همچنین اتحادیه به عقب‌نشینی نیروهای خود تا روستای اسکو محله اشاره داشته و دلیل آن را اجتناب از درگیری ذکر می‌کند. پس از این درگیری، سپاه انقلاب اسلامی به استقرار و استحکام مواضع خود در جنگل مبادرت ورزید. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۸۸)

### ۵-۳- درگیری ۲۴ آبان

با اذعانات برخی منابع موجود داخلی، در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه شب، گروه دیگری از کمونیست‌ها که ارتباطی با سرداران نداشتند، به پاسگاه

کرسنگ در ۲۰ کیلومتری آمل به تهران حمله کرده و پس از دو ساعت درگیری بدون کشته، مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. به ادعای این منبع این گروه جاده هراز را بسته و هنگام بازرسی افراد و مسافران، یک سپاهی گرگانی به نام شریعتی‌فرد و پدر روحانی‌اش را شناسایی و اسیر کردند، سپس جلوی همسر و فرزندانشان آن‌ها را به شدت مورد آزار و شکنجه قرار داده و به شهادت رساندند. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۸۸)

#### ۴-۵- درگیری ۳۰ آذر

این درگیری در پی حمله سربداران برای فتح پایگاه تازه تأسیس سپاه در بلندی روستای رزکه در روز دوشنبه ۳۰ آذر ۶۰ روی داد. منابع موجود بیان دارند که در اثر این درگیری ۲ ساعته هیچ فردی به شهادت نرسید و نیروهای سربداران نیز با ۳ زخمی عقب‌نشینی کردند. همچنین ۴ نفر از نیروهای اتحادیه که تازه به جنگل رسیده بودند در اثر اشتباه نگهبانان خودی مورد حمله قرار گرفته ۳ نفر از آنان زخمی و یکی از آنان در حین انتقال به تهران در اثر شدت جراحات به هلاکت می‌رسد و پس از این درگیری نیز حدود ۲۰ نفر از سربداران خصوصاً افرادی که به آن‌ها پیوسته بودند گروه را ترک گفتند. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۸۸)

#### ۵-۵- درگیری ۱۳ دی

در این درگیری که بین ۷ نفر از پرسنل سپاه و کمیته با گروهی از اعضای سربداران روی داد، مسئول سیاسی گروه سربداران به نام *اکبر/صفهانی* به هلاکت رسیده و دو نفر دیگر زخمی شدند و بقیه افراد عقب‌نشینی کردند. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۸۸)

#### ۶-۵- درگیری ۵ و ۶ بهمن

با توجه به موفقیت عملیات‌های گوناگون نیروهای نظامی و مردمی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، ترس از عملیات‌های بعدی کشور و از بین رفتن استتار جنگل، فشار اعضاء گروه، ریزش برف سنگین در جنگل، مشکل تهیه آذوقه و درگیری‌ها و اختلافات داخلی رهبران گروه، نداشتن رهبری، قرار داشتن در محاصره نظامی، نیروهای اتحادیه کمونیست‌ها مجبور به جلو انداختن تاریخ عملیات از تیر به بهمن شدند. نام این طرح *حمله/سب تروا* بود. پس از تأیید طرح نقشه جدید حمله به شهر در دی، منافقین در تاریخ اول بهمن به سمت آمل به راه افتادند. برخی منابع تعداد نیروهای سربداران را در زمان حرکت به آمل ۱۱۰ نفر و برخی منابع این تعداد را ۱۰۰ نفر ذکر کرده‌اند که ۳ نفر از آنان زن بوده و در کادر پزشکی حضور داشتند. به دلیل طولانی شدن مرحله آخر پیاده‌روی و دیر رسیدن به شهر، اجرای عملیات یک

روز به تأخیر افتاد. سربداران صبح روز ۵ بهمن به آمل رسیدند. از ساعت ۳۰:۲۰ انتقال نیروها با وانت که با چادر استتار شده بود انجام شد و نیروها در شهر مستقر شدند؛ و ۵ تیم ۲۰ نفره مأمور حمله به آمل شدند. البته منابع موثق بر اساس اعترافات برخی از اعضای دستگیرشده بیان داشته اند که علاوه بر گروهی که از جنگل پیاده به شهر رسیدند، گروهی با ماشین از تهران و جنگل به آمل آمدند و گروهی نیز از قبل در شهر مستقر شده بودند و با اولین شلیک به گروه ملحق شدند. مهم‌ترین هدف نظامی، ساختمان بسیج بود که ۱۷ نفر مسئول تصرف آن شده بودند. (دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۷، ۱۳۳)



تصویر شماره ۵، روز ششم بهمن سال ۶۰ در آمل

حمله به شهر، ساعت ۲۳:۴۵ دقیقه شب ۵ بهمن با شلیک یک موشک آر پی جی به ساختمان بسیج آغاز شد. برنامه اصلی، از کار انداختن نیروی سپاه و بسیج و دعوت مردم به قیام بود. طبق ادعای کتاب پرنده نوپرواز، گروه/امین/اسدی سنگرهای خود را سر کوچه‌های محله اسپه‌کلا، گروه بهنام در محله رضوانیه و گروه وریا در انتهای رضوانیه کمین جاده هراز را به عهده داشت و گروه قاسم عهده دار کمین جاده طالقانی شد. بنا به ادعای برخی منابع، غلامرضا سپرغمی که از اهالی رضوانیه بود مأمور دعوت مردم همان محل برای همراهی با منافقین بود که موفق نشد بنا بر اعترافات او که در آن منابع آمده نظر کسی را جلب کند. تیراندازی و تسخیر شهر تا صبح ادامه داشت اما با آغاز صبح ششم بهمن، ستاد عملیات مرکب از سپاه، اطلاعات و ژاندارمری تشکیل شده و صدها نیروی داوطلب مردمی با روی آوردن به سپاه و گرفتن اسلحه و گاهی با دستهای خالی، به مقابله منافقین رفتند. از زن و مرد و پیر و جوان همگی با آوردن شن و گونی اقدام به سنگرسازی و نبرد سنگر به سنگر کردند. در شب حادثه

هم، از مردم آمل هر کس که خود را برای کمک به بسیج و سپاه رسانده بود، دستگیر یا به شهادت رسیده بود. ۱۱ نفر از اعضای سرداران در جلوی ساختمان بسیج کشته شدند. (خانی، ۱۳۷۹، ۹۰)



تصویر شماره ۶. ساخت هزاران سنگر در شهرستان آمل همانگونه که بیان شد و در تاریخ نیز درج گردیده، سرکوب اتحادیه کمونیست‌ها و منافقین؛ توسط نیروهای مردمی و با مقاومت مردمی صورت گرفت و برخی از مردم آمل توسط سپاه مسلح شده و به جنگ خیابانی علیه سرداران پرداختند و از آنجایی که به همه مردم اسلحه نمی‌رسید، مردمی که سلاح نداشتند با داس، تیر و کمان، سنگ، تفنگ ساچمه‌ای و شکاری به مبارزه با اعضای اتحادیه پرداختند. مردم حتی وسایل دارویی منزل‌هایشان را به مراکز امداد رسانی و پزشکی و بهداری سپاه می‌بردند. بدین ترتیب در همان روز سه شنبه ۶ بهمن ۶۰، سرداران تمام مواضع خود را از دست داد. (مداحی آملی، ۱۳۸۱، ۱۲)



تصویر شماره ۷. برخی شهدای ششم بهمن سال ۶۰ با اینکه اتحادیه کمونیست‌ها معتقدند ضربه سیاسی نظامی به کشور زده‌اند، اما به شکست خود در این قیام اعتراف دارند و در چند مورد از آن به عنوان شکست

قطعی یاد می‌کنند و معتقدند که مردم و نظام جمهوری اسلامی ضرباتی جبران ناپذیر به توسط این قیام و حماسه مردم آمل؛ بر نیروهای منافقین (سربداران) و سایر مخالفت‌ها در سراسر کشور وارد کرد. عصر روز چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۰، شهر آمل آرام شد و محور هراز نیز پس از ۴۰ ساعت باز شد. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۷۲)



تصویر شماره ۸. مردان غیور آمل

#### ۴- تحلیل آماری کشته شدگان منافقین

بر پایه آمار گزارش شده، ۱۱ نفر از اعضای سربداران در جلوی ساختمان بسیج کشته شدند. گزارش‌های اولیه نشان می‌داد که ۳۴ نفر از مردم آمل که در میان آنان چند تن از اعضای سپاه پاسداران، بسیج و بقیه مردم عادی بودند به شهادت رسیدند اما این آمار به ۳۸ شهید رسید و در نهایت پس از پیوستن ۲ نفر دیگر از مجروحان به شهیدان، این آمار به ۴۰ شهید رسید و آمار زخمی‌ها نیز ۱۲۰ نفر اعلام شد که بعد ها با ۴۱ شهید در تاریخ ثبت گردید. همچنین ۶۰ نفر از منافقین به هلاکت رسیده و زخمی شدند و گروهی نیز اسیر شدند. که در مجموع به ۸۱ نفر می‌رسیدند. همچنین ۲۸ نفر از اعضای اتحادیه موفق به گریز از آمل شدند. ۱۰ تن از اعضای سربداران در ۷ بهمن ۶۰ اعدام شدند. در سالگرد واقعه آمل نیز، ۲۱ نفر از اعضای اتحادیه، محاکمه و به اعدام محکوم شدند و اعدام ۷ نفر به تعویق افتاد. (کردی، ۱۳۸۶، ۱۲۱)



تصویر شماره ۹. زنان غیرتمند آملی

از سوی دیگر، برخی منابع ذکر می‌کنند که دستگیری سایر اعضای اتحادیه کمونیست‌ها نیز در طول سال‌های بعد انجام شده و حسین ریاحی، رهبر اتحادیه کمونیست‌ها نیز در ۲۴ تیر ماه ۱۳۶۱ با دو نفر از رهبران اتحادیه در رستوران یابریکا در خیابان استاد نجات‌اللهی توسط مأموران اطلاعات دستگیر شد. ریاحی در دفاعیه خود در دادگاه به اشتباهات خود اعتراف کرد و مدعی شد که ما در جریان ۳۰ خرداد ۶۰ به اشتباه افتاده و منحرف شدیم. همچنین برخی از دستگیرشدگان اتحادیه، اعدام و بیشتر آن‌ها به زندان‌های کوتاه مدت و بلند مدت محکوم شدند. برخی منابع مدعی هستند که در زندان نیز در صورت همکاری و احساس ندامت، عفو شدند و به زندگی عادی خود بازگشتند. (دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۷، ۱۲۱)



تصویر شماره ۱۰. شهر پس از وقوع حادثه

بر اساس برخی ادعاهای نادرست اتحادیه کمونیست‌ها، برخی از اعضای اسیر شده‌اش در هنگام درگیری کشته شدند و همچنین مهدی تهران با بسته شدن به یک وانت کشته شد. اما از آنچه در واقعیت اتفاق افتاد می‌توان فهمید در شب ۶ بهمن، اعضای اتحادیه کمونیست‌ها تعداد ۵ نفر از جوانان غیر مسلح را که تنها مشغول پاک کردن

شعارهای کمونیستی از روی دیوار بودند به ضرب گلوله به شهادت رسانیده و ۲ نفر را مجروح نمودند و در اقدامی دیگر سرداران یکی از مردم آمل به نام صادق مهدوی را به اسارت گرفتند و از او خواستند تا به خمینی توهین کند و پس از امتناع شهید مهدوی از این خواسته، سرش را تا گردن در شن کردند، انگشت های دستش را قطع کرده و دست‌هایش را شکستند و سپس در وضعیت نامناسبی او را به شهادت رسانیدند. همچنین کمونیست‌ها در یکی از اقدامات خود، یکی از پاسداران را به شهادت رسانیده و دستش را شکستند و به شکل نامناسبی جنازه او را پشت نیسان و انت گذاشتند و از کوچه‌ای به کوچه دیگر حرکت می‌دادند. (خانی، ۱۳۷۹، ۱۳۴)

#### ۵- دلایل شکست

از جمله دلایل شکست منافقین می‌توان به مواردی همچون: حضور مردم یا مقاومت مردمی در برابر منافقین، رفتار شتابزده اتحادیه که نه تنها بر اصول مارکسیسم، بلکه به اصول تحریف شده مارکسیست‌های وطنی هم توجه نداشت و حرکت آن اساساً مبتنی بر جاه‌طلبی گروهی بود و تحلیل نادرست از ماهیت حکومت جمهوری اسلامی و دیکتاتوری دانستن آن اشاره نمود. آنچه دیده شد و بر منافقین مبرهن بود ماهیت مردمی و حکومتی مبتنی بر آموزه های دینی اسلام و تقدس خاک و وطن برای مومنین و مسلمانان این خطه بوده است. (سامانی، ۱۳۸۷، صفحه ۱۱۰) (کردی، ۱۳۸۶، ۱۲۲)

#### ۶- پیامدها

" اگر این عده ای که در جنگل بودند اسلام را فهمیده بودند، حمله به آمل نمی کردند." امام خمینی (ره)

محسن میلانی می‌نویسد که پس از دستگیری تعدادی از اعضای جنبش، با استفاده از اطلاعاتی که از دستگیرشدگان بدست آمد سایر افراد گروه و بیشتر کمیته مرکزی آن در عرض چند ماه بازداشت شدند. در زندان (طبق گفته سایر افراد سازمان) نظریه پردازان گروه، توبه نموده و تقاضای بخشش کردند. برخی از آنها در نهایت حتی امام خمینی (ره) را به عنوان سدی علیه امپریالیسم ستودند. برخی دیگر از آنها در تهران محاکمه و به اعدام محکوم شدند. سپس به آمل منتقل شده و در سالگرد این واقعه در مرکز شهر و در ملاء عام اعدام شدند و کشته شدند. اعضا و هوادارانی که دستگیر

نشده بودند نیز از کشور گریختند. به دلیل آنچه در منابع یا از زبان مقامات در این واقعه، «مقاومت مردمی» خوانده شد، امام خمینی(ره)، از تنها شهری که در وصیت‌نامه خود از آن یاد کرد شهر آمل و مردم آن بود به سبب این واقعه اکنون، این شهر به شهر «هزار سنگر آمل» معروف گشته که نقطه اتصال محور مواصلاتی هراز با خروجی به سمت شرق استان مازندران و شمال استان منتهی به شهرهای بابل و محمود آباد، میدانی بزرگ به نام هزار سنگر انتخاب گردیده است. امام خمینی(ره) همچنین از مردم آمل تشکر کرده بود و عقیده داشت که قیام گران "در صورت فهم اسلام" به آمل حمله نمی‌کردند. (حماسه اسلامی مردم آمل، ۱۳۷۷، ۱۳۳)



تصویر شماره ۱۱. دستگیری منافقین و درخواست خانواده های شهدا برای اشد مجازات

در سال ۸۶ نیز با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی «حماسه» ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به پاس آنچه «فداکاری مردم آمل» نامیده شد و با نام حماسه مردم آمل در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ثبت گردید. در این رابطه چند کتاب نیز نگاشته شده‌است. همچنین شورای فرهنگ عمومی در ۲۱ دی ۱۳۹۰ با تأسیس بنیاد ۶ بهمن موافقت کرد "حماسه مردم آمل" یا «حماسه اسلامی مردم آمل» عنوان مقدسی است که در تاریخ، به دلیل آنچه مقاومت مردم این شهر در مقابل منافقین وطن فروش در واقعه آمل در ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ نامیده‌اند حک گردیده است. این روز در تقویم رسمی ایران اسلامی عزیزمان نیز با نام «حماسه مردم آمل» به ثبت رسیده‌است. (روزنامه اطلاعات و روزنامه قدس، [16],[15])



کسانی که با نام سر به داران در جنگل های آمل سکنی گزیده بودند از تمام کشور جمع شده بودند. آنها نه تنها سال ها آموزش دیده بودند بلکه حتی از پشتیبانی کشور های مختلف نیز بهره مند بودند و توسط آنها تجهیز شدند که خوشبختانه مقاومت مردم آمل اجازه نداد این کفار به اهداف خود دست یابند. مردم ولایتمدار آمل در آن روز برخی به شهادت رسیدند و برخی دیگر زخمی شدند و مقاومت کردند و توانستند نشان درخشانی را در دفتر انقلاب اسلامی به نام خود ثبت کنند. این مقاومت شروع و الگوی مقاومت های بعدی همچون مقاومت خرمشهر، مقاومت دفاع مقدس و حتی مقاومت بیروت و یمن را در پی داشت که رژیم صهیونیستی و آمریکا را به عقب نشینی وادار کرد.

مردم آمل با اهدای یکهزار و ۵۰ شهید در طول انقلاب و در نهایت با ۴۱ شهید در روز ششم بهمن بصیرت و آگاهی خود را به نمایش گذاشتند و نشان دادند برخلاف تصور منافقین پای آرمان های امام راحل و انقلاب اسلامی حاضرند از جان خود نیز بگذرند. مردم مازندران و بویژه آمل و لشکر ۲۵ کربلا در عملیات های گوناگونی همچون فتح المبین، بیت المقدس و مرصاد خط شکن بودند و ما و مدار شهدای این خطه و خانواده هایشان هستیم. ما باید با الهام از راه شهدا فرهنگ صبر، استقامت و مجاهدت را در جامعه گسترش دهیم. این پژوهش نیز بدین منظور تدوین گردید تا در پژوهش های علمی کشور ثبت گردد که آمل و مردم فداکارش چه حماسه ای را آفریدند .

در این پژوهش تلاش منافقین برای دست یابی به شهرستان آمل و برقراری حکومت و دولت در این منطقه و نیز دفاع مردم مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و می توان اینگونه از یافته های این پژوهش برشمرد که موقعیت جغرافیایی این شهرستان مستلزم توجهات ویژه امنیتی بوده و در مقابل ، مردم این شهرستان و این استان نیز بدلیل نوع اعتقادات و آمادگی برای وطن دوستی و میهن پرستی ، می بایست بیش از پیش مورد توجه نظام قرار گیرند . در این پژوهش به اندیشه ها و تفکرات منافقین نیز اشاره گردیده که می توان اینگونه بیان داشت در تاریخ نیز به ثبت رسیده است که در بسیاری از موارد منافقین برداشت نادرستی از مردم منطقه داشته و بهمین منوال برنامه ها و اهداف شان در مرحله عملیاتی منجر به شکست می گردد.

## فهرست منابع

- برگرفته از برخی مطالب منتشر شده در سایت اطلاع رسانی آیت اله خامنه ای (مدظله العالی)، KHAMENEI.IR
- خانی، مهدی(۱۳۷۹)، مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل، مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش بیست میلیونی
- خانی، مهدی(۱۳۸۰)، چهل خاطره، آمل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل.
- دانشگاه امام حسین(ع)(۱۳۷۷)، حماسه اسلامی مردم آمل، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین(ع)
- رهگذر، سیمین(۱۳۸۵)، شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روزنامه اطلاعات. بایگانی شده از اصلی در ۴ مارس ۲۰۱۶. دریافت شده در ۲ مه ۲۰۱۵.
- روزنامه قدس. بایگانی شده از اصلی در ۵ مارس ۲۰۰۸. دریافت شده در ۵ فوریه ۲۰۰۹.
- روزنامه کیهان. بایگانی شده از اصلی در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۹. دریافت شده در ۷ فوریه ۲۰۰۹.
- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۴۹۶، ۱۰ بهمن ۱۳۶۰، ص ۲
- سامانی، علی اکبر(۱۳۸۷)، عروس آسمان، نشر شاهد.
- ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی(۱۳۶۱)، حماسه مردم آمل.
- شعبانی، ناصر(۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- کردی، علی(۱۳۸۶)، اسناد اتحادیه کمونیست های ایران در واقعه آمل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مداحی آملی، محمدرضا(۱۳۸۱)، آمل در گذر تاریخ، شلاک.
- نبوی، زهرا(۱۳۹۷)، حماسه ۶ بهمن مردم آمل (یک روایت معتبر درباره ۴)، به نشر.

## جنبش های مردمی و انقلاب های مردمی؛ با تمرکز بر جنبش مردمی آمل در بهمن ۱۳۶۰

محمدتقی قزلسفلی<sup>۱</sup>

هاجر خلیلی علمداردهی<sup>۲</sup>

### چکیده:

تاریخ سده گذشته ( قرن بیستم) تاریخ جنبش ها و خیزش های انقلابی بوده است . از اکتبر ۱۹۱۷ (انقلاب روسیه) تا بهمن ۱۹۷۹ که مصادف با رویداد انقلاب اسلامی است به دفعات جهان سیاست و اندیشه شاهد چنین دگرگونی و تحولات بوده است عمده این تحركات انقلابی و خیزشها که در چارچوب منطق "جنبش های اجتماعی" بررسی و تحلیل می شوند، خود را " توده ای" و مردمی معرفی کرده اند می توان در کم و کیف این دعوی یعنی "مردمی بودن" این خیزش ها به استشهاد شواهد و نظریه ها تردیدهایی روا داشت. اما به باور و اعتراف اکثر تحلیل گران، رخداد سال ۱۳۵۷ را از جهت بنیان " توده ای" و مردم گرا بودن باید نقطه عطفی در تاریخ سیاسی جنبشها تلقی و ارزیابی کرد. اهمیت این دگرگونی را نه فقط در اهمیت توده ها به عنوان بنیان های فکری و اجتماعی انقلاب بلکه به مثابه خاستگاه های جامعه شناختی آن نیز باید مد نظر قرار داد مضاف بر اینکه تجربه چهار دهه گذشته انقلاب اسلامی مویذ جایگاه اساسی توده ها در تاریخ آن است جنبش و حماسه ۶ بهمن ۱۳۶۰ را می باید از این منظر مورد بررسی قرار داد. مقاله حاضر با تمرکز بر جنبش مذکور به طرح این پرسش می پردازد که وجه توده ای مردمی چه جایگاه و اهمیتی در فهم انقلاب های سده بیستم مثل انقلاب اسلامی دارد؟ این مقاله از رهیافت و نظریه " توده گرایی" شانتال موف بهره گرفته و به روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه ای به نگارش در آمده است.

**کلید واژه ها :** توده گرایی انقلاب اسلامی، آمل شانتال موف، جنبش های اجتماعی

<sup>۱</sup>دانشیار دانشگاه مازندران، m.ghezel@umz.ac.ir

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد علوم سیاسی ،دانشگاه مازندران ، khalilihajar7@gmail.com

## مقدمه

جنبش‌های اجتماعی (انقلاب‌های مردمی) حرکت‌های اعتراض‌آمیز است که انگیزه‌ها اهداف و سازماندهی آن درون گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی از بین اتباع و توده‌های مردمی به وجود می‌آید. (ذیلابی، ۱۳۹۴: ۴۲). هم‌چنین یک جنبش اجتماعی مشتمل بر هر نوع حرکتی برای ایجاد تغییرات و یا جلوگیری از تغییرات جزئی یا کلی در یکی از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی یا همه‌ی آنها را در بر می‌گیرد که از حمایت بخشی از مردم و نیروهای اجتماعی برخوردار می‌باشد که شامل همه‌ی انقلاب‌ها، شورش‌ها، قیام‌ها، جنگ‌های داخلی و کودتاهایی که مورد حمایت مردم قرار گیرد، و شامل همه‌ی دوران‌های تاریخی می‌شود. در کل می‌توان چهار ویژگی را در همه‌ی جنبش‌های اجتماعی می‌توان یافت:

۱. جنبش‌ها حول محور یک یا چند تضاد و شکاف در جامعه به وجود می‌آیند، مثل شکاف‌های سیاسی، جنسیتی، قومی، طبقاتی و ...، شکل‌گیری آموزه‌ها، اندیشه‌ها و شعارهای مشترک بین طرفداران جنبش و احساس آگاهی، هویت و ائتلاف بین آن‌ها؛ ۲. روابط بین طرفداران جنبش تنها به احزاب، نهادها و سازمان‌های بزرگ بوروکراتیک نیست بلکه به مجموعه وسیع روابط غیررسمی، نیز تکیه دارد؛ ۳. در همه‌ی جنبش‌ها باید امکان حالت خاصی از اعتراض جمعی و سیاسی وجود داشته باشد. معمولاً امکان این اعتراض وقتی مهیا می‌شود که یا ساختارهای دولت اجازه فعالیت به جنبش‌ها را به دهند، یا دولت ضعیف باشد و توان کنترل فعالیت‌های جنبش را نداشته باشد و با نیروهای برآمده از بسیج مردمی جنبش چنان نیرومند باشد که دولت توانایی کنترل آن را نداشته باشد.

جنبش‌های اجتماعی پدیده‌های «گفتمانی» و «دیالکتیکی» اند گفتمانی از این روی که دوران‌های تاریخی برحسب شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مختلف فرم خاصی به خود می‌گیرند و دیالکتیکی از آن روی که جنبش‌های اجتماعی تضاد و تعارض میان نیروهای گوناگون برای ایجاد تغییر مانع از تغییر است. (رهبری، ۱۳۹۳: ۱۲-۴) هم‌چنین انقلاب ۱۹۷۹ در ایران، مردم پایه اصلی این انقلاب بشمار می‌آمدند. مردم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی و بنیادی داشتند. در طول انقلاب این مردم بودند که با اشاره امام هر کجا که لازم بود به میدان می‌آمدند و از جان و مال خود دریغ نمی‌ورزیدند. همدلی و همبستگی مردم ایران، وحدت کلمه‌ای که در میان قشرهای گوناگون مردم (کسبه، محصل، دانشگاهی، کارمند، کشاورزان، زن و مرد و ...) وجود داشت فراموش نخواهد شد. حضور انبوه

مردم در انقلاب اسلامی ایران همه ی ناظران خود را به حیرت افکنده بود، چرا که در این انقلاب به ناگاه همه ی مردم خواستار تحول و تغییر اساسی یعنی سرنگونی رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند. مردم مسلمان مازندران هم، بویژه مردم انقلابی آمل، همراه با شور انقلابی ملت در جریان پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ موثر بودند. بر اساس اسناد و مدارک ساواک در میان شهرهای کشور «شهر آمل» در دوران مبارزات مردمی، (به علت اعلام «حکومت مردمی» قبل از پیروزی انقلاب) شهرت داشت. در این شهر چهار مسجد معروف و مهم از جمله مسجد سبزه میدان که امام جماعت آن آیت الله حسن زاده آملی بود، و مسجد امام جعفر صادق (ع)، در جاده محمود آباد با محوریت برادر مسیح مهاجری (دبیر بعدی روزنامه ی جمهوری اسلامی ایران که در جریان ۷ تیر مجروح شد)، مرکز فعالیت های آمل بود. بعدها، «حسینیه ارشاد» در نیایک محله، هم در روند انقلاب بسیار فعال بود و با دعوت از علما و سخنرانان نامدار از تهران و مشهد، در عمق بخشی انقلاب بسیار تاثیرگذار بود. جوان های انقلابی شهر آمل مانند برادران محمد رضا احمدیان (بعدها مسول حزب جمهوری اسلامی آمل شدند)، شهید محمد امین طبرسی (بعدها در گروه چمران شهید شدند) عبدالله فردوسی، محمود فرزانه، قاسم هاشمی و علی شفیق و... که با حضرت آیت الله جوادی آملی در ارتباط و تعامل اثرگذار بودند و حقیقتا فعالیت های انقلابی اسلامی در شهر آمل را هدایت و برنامه ریزی می کردند. (شعبانی، ۱۳۹۴:

(۵۹)

انقلاب اسلامی با عنوان یک انقلاب ارزشی که خواستار تغییر در نگرشها و ارزشها بود مشارکت جمعی برای ساخت یک جامعه نو به صورت بسیار وسیع و گسترده آغاز شد در چنین شرایطی واکنش مردم برای ساخت یک جامعه نو به صورت بسیار گسترده آغاز شد. در چنین شرایطی عکس العمل مردم نسبت به هر عاملی که ارزش های انقلاب را به خطر اندازد بسیار جدی است. حکومت جدید انقلابی از مشروعیت بالایی برخوردار بود که نه تنها ریشه در سنت های اسلامی و قوانین موجود داشت، بلکه از نخله ی کاریزماتیک نیز برخوردار بود. منحنی مشارکت سیاسی مردم انقلابی دارای فراز و نشیب های زیادی است. این منحنی همراه با بحرانهای سالهای ۵۷-۵۶ و پس از پیروزی انقلاب در قضیه ی گروهک های ضد انقلاب، دارای نقطه اوجی می باشد که قضیه ی آمل یکی از آن هاست. (پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک، ۱۳۷۴: ۱۶۴). اهمیت این موضوع در این است که بر عکس خیال رهبران التقاط و جریان های کمونیستی، به هیچ وجه جمعیت قابل توجهی از مردم مسلمان شمال کشور، به

ویژه شهر آمل به جریان نفاق و اتحادیه کمونیست‌ها در فرآیند آن حوادث  
نیویستند. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۴)

### هدف پژوهش

جایگاه و اهمیت وجه توده‌ای مردمی در انقلاب‌های قرن بیستم است. در این  
پژوهش درصدد آن هستیم که به جایگاه و اهمیت وجه توده‌ای - مردمی را در  
انقلاب‌های قرن بیستم پاسخ دهیم. با تمرکز بر جنبش مردم آمل در بهمن ۱۳۶۰.

### پیشینه ی پژوهش:

با توجه به اهمیت مشارکت نیروهای مردمی و توده‌ای در قیام آمل در بهمن سال  
۱۳۶۰ هر ساله به مناسبت این قیام همایشاتی برگزار می‌شود. همچنین کتابها و  
مقالاتی در این زمینه نوشته شده است.

وحیدی (۱۴۰۱)، در مستندی با موضوع «هزار سنگر دل‌ها»، در این مستند  
فرماندهان سپاه در مورد وقایع حماسه آمل در سال ۱۳۶۰ صحبت می‌کنند.  
صحرائی رستمی، محمدی فر، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مازندران  
(۱۴۰۰) در کتابی با عنوان «جبهه شمالی: مروری بر عملکرد قرارگاه حضرت ابوالفضل  
در مدیریت بحران جنگل» این کتاب به مقولاتی مانند محیط وقوع شورش،  
رفتارشناسی، جریان شورشگر و زمینه‌ها و تاریخچه شکل‌گیری سازمان ضد شورش  
پرداخته است. جبهه شمالی از گلستان تا گیلان و از جنگلهای توسکستان تا آستارا را  
شامل می‌شود.

مشتاقی نیا، علیجان زاده روشن (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان «عملیات نفوذ: طلبه  
شهید محمد تورانی در تشکیلات منافقین» نویسنده در این کتاب به مطالعه ی  
زندگی شهید محمد تورانی پرداخته که در این راه از آبروی خود گذشت و برای  
جلوگیری از نقشه‌های منافقین در جهت حفظ آرامش مردم جانفشانی کرد.

نبوی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «حماسه ۶ بهمن مردم آمل» نویسنده در این کتاب  
به مطالعه ی واقعه ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ و شورش بعضی عناصر ضد انقلاب در این  
منطقه پرداخته است. این کتاب یک مجموعه از کتاب‌های روایت معتبر است.

سیاحی، ولی نژاد (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «نماز باور به روایت اسماعیل سیاحی از  
فرماندهان جبهه مبارز با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال». نویسنده در  
این کتاب تلاش می‌کند تا به بازنمایی حماسه مردمی جنگل، به ویژه حماسه ششم

بهمن آمل پرداخته است این کتاب به روایت اسماعیل سیاحی از فرماندهان جبهه مبارزه با جریان های ضد انقلاب در جنگل های شمال است.

خانی (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «تجرباتی از حماسه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)» نویسنده در این کتاب با هدف کلی مستندسازی تجارب پاسداران، مردم عادی شهرستان آمل و شهرستان های اطراف برای کنترل و مهار درگیری ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل است. این کتاب مشتمل بر ۶ فصل است که با عنوان های «کلیات»، «تجربه نگاری»، «مستندسازی»، «شرح واقعه»، «ثبت تجربیات» و «پیوست ها» نوشته شده است.

راعی اسکی (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «حماسه ۶ بهمن آمل» این کتاب مشتمل بر پنج بخش است که در بخش اول به ویژگی های طبیعی، ساختار اعتقادی و فرهنگی و مسائل اجتماعی پرداخته شده است. در بخش دوم احزاب و گروهک ها و بخش سوم استقرار در جنگل و حمله به شهر شرح داده شده است و در بخش های بعدی اسامی، زندگی نامه و وصیت های شهدا و خاطرات برخی از افراد در آن واقعه بوده اند آورده شده است.

هاشمی (۱۳۹۰)، در کتابی با عنوان «شمشاد های رشید، یادنامه شهدای بهمن آمل»، نویسنده در این کتاب به مطالعه ی واقعه ششم بهمن آمل، تشکیلات کمونیستی و چگونگی ایستادگی مردم را در برابر این گروه و هم چنین بخش دیگر کتاب به زندگی ۴۰ نفر از شهدای حادثه ششم بهمن آمل پرداخته و آثار مربوط به شهدا شامل دست نوشته ها، وصیت نامه ها خاطرات، عکس، مدارک شناسایی را توضیح می دهد و پایان کتاب گزارش روزنامه جمهوری اسلامی از وقایع ششم بهمن آمل، هم چنین اسامی برخی از اعضای اتحادیه کمونیست ها که در جریان فعالیت اتحادیه به ویژه موضوع جنگل فعالیت کرده و اعدام، زندانی یا آزاد شده اند می پردازد.

رهگذر (۱۳۹۰)، در کتابی با عنوان «شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت های تاریخی مردم شهر آمل» روایتی از مقاومت مردمی شهر آمل که در ۴۵ صفحه تنظیم شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۶۱) در کتابی با عنوان «حماسه مردم آمل» در این کتاب به مطالعه ی جزئیات حمله گروهک تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران موسوم به سربداران جنگل و مقاومت مردم آمل در برابر آن ها می پردازد. مجموعه ای از پژوهش ها در مورد قیام ۱۳۶۰ آمل بیان شد. وجه تمایز این پژوهش در این است که ما درصدد آن هستیم که نقش نیروه های توده ای - مردمی را در انقلاب قرن

بیستم بررسی کنیم (و برای این بحث ابتدا مفهوم مردم را در سیاست بررسی می‌کنیم). و تمرکز اصلی این پژوهش بر نقش نیروه‌های توده‌ای مردمی در قیام ۱۳۶۰ آمل است.

**مفهوم مردم در سیاست:** با نگاهی گذرا به مقالات سخنرانی‌ها و گفت و گوهای سیاستمداران و فعالان سیاسی - اجتماعی متوجه اهمیت واژه «مردم» در سخنان آن‌ها می‌شویم. اینکه سیاستمداران، دولت مردان، منتقدان و فعالان سیاسی - اجتماعی چه برای دفاع از سیاستهای حاکم بر جامعه و چه برای نقد این سیاستها و طرح خواسته‌ها، نو می‌کوشند آن سیاست‌ها و این خواسته‌ها را «مردمی و خواست و اراده مردم نشان دهند. در واقع جدال و کشمکش برای ساختن «مردم مد نظر خود و طرح دعای و مطالبات از جانب و به نام آن‌ها، یکی از ویژگی‌های بارز عرصه مبارزات قدرت در ایران است. تعابیری مانند «خواست»، «اراده» و «مطالبات مردم و ملت در سخنرانیها مقالات و دیگر صورت‌های کنشگری سیاسی بسیار به کار گرفته می‌شوند البته این امر نه فقط در مورد ایران بلکه درباره دیگر کشورها نیز صادق است. یعنی مفهوم «مردم» در عرصه سیاسی اهمیت جهانی دارد و بر این اساس شاید بتوان مشروعیت مبتنی بر مردم را منطق مشروعیت بخشی در عصر کنونی دانست. بدین ترتیب تعریف و تحدید مردم و تعیین کسانی که مردم محسوب می‌شوند و همزمان تشخیص کسانی که از دایره مردم بیرون می‌افتند؛ یکی از اصیل‌ترین و بارزترین انواع کنش سیاسی در جهان امروز است و بر وجه تأسیسی و بنیادگذار سیاست تأکید دارد. وجهی که با مفهوم امر سیاسی پیوند دارد و با آن توضیح داده می‌شود. ارتباط «مردم» با «امر سیاسی در این است که امر سیاسی و ظهور بعد تأسیسی سیاست در یک معنا از رهگذر صورت بندی مطالبات مشخص از جانب امکان ظهور دارد منظور از صورت بندی مطالبات مشخص از جانب مردم این «مردم» است که کنشگران، سیاسی مطالباتی مشخص و جزئی را که در یک گفتمان مشخص صورت بندی شده‌اند و به منزله خواست و مطالباتی جهان شمول و کلی مطرح می‌سازند. بدین ترتیب، شکل‌گیری «مردم» خصلتی «ایجادی»، «تأسیسی» دارد و بر وجهی از سیاست ناظر است که آن را ذیل مفهوم امر سیاسی توضیح می‌دهند و همان‌طور که آمد سویه تأسیسی سیاست دلالت دارد. امر سیاسی و ظهور مردم هم می‌تواند در دل وضعیتی رخ دهد که از پیش ظهور مردم امری معمول و قابل انتظار است مثل ظهور مردم در قالب پژوهش‌های قرار می‌گیرد که ظهور مردم را در قالب



جنبش‌ها و اعتراض‌های مردمی، بررسی می‌کنند. (شجاعی زند، فرهنگی، ۱۴۰۰: ۲۰۳-۱۹۶)

**نقش توده‌های مردمی در انقلاب‌های قرن بیستم:** در انقلاب کبیر فرانسه بورژواهای شهری قیام کردند و نظام بوربونها را ساقط کردند و به این دلیل به انقلاب بورژواها معروف شد. در انقلاب روسیه که به انقلاب بلشویکی معروف است، در حقیقت امر کارگران اعتصابی کارخانجات پتروگراد به همراه تعدادی از سربازان پادگان شهری نیز بود که به کارگران ملحق شده بودند و توانستند دولت تزاری را ساقط کنند و در چین نیز کشاورزان و دهقانان بودند که بخش اعظم مبارزات را از روستاها رهبری و هدایت کرده و به ثمر رساندند و به همین دلیل به انقلاب کشاورزی -دهقانی معروف شد. در حالی که در ایران به جز تعداد اندکی که وابستگی بسیار نزدیکی با رژیم شاه داشتند و منافع آن‌ها بستگی به دوام رژیم شاه داشت قشرهای دیگر و طبقات جامعه از کشاورز، کارگر، اصناف، کارکنان دولت و دانشجویان و دانش آموزان شهری و روستایی در تمام مناطق کشور با هم قیام کرده و بدون آن که به ائتلاف و یا تفاهم بر سر خواسته‌های مختلف گروه نیازی پیدا شود همه هم صدا با شعارهای واحد قیام کردند. (سخاوتی راد، ۱۳۹۷: ۳۷۶).

یکی از مسائل مهمی که نظر اغلب تحلیل‌گران انقلاب اسلامی را به خود جلب کرده و باعث حیرت ناظران خارجی شده بود، این بود که چگونه در این انقلاب ناگاه تمام مردم تقریباً هم‌زمان و هم‌صدا قیام کردند و خواستار سرنگونی رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند. تبلور عینی این وحدت و یکپارچگی را می‌توان در تظاهرات ۱۳۵۷ در روزهای عید فطر و تاسوعا و عاشورا در تهران دید؛ شهری که در اثر حرکت‌های شاه چهره مذهبی خود را از دست داده بود و به شهرهای اروپایی بیشتر شبیه بود تا به شهرهای کشورهای اسلامی، در تهران حتی آن‌هایی که آنقدر مذهبی نبودند، همراه با همه ی ملت فریاد «الله اکبر» سر داده، هویت مدفون شده خود را در مذهب یافتند. اصولاً حرکت‌های انقلابی توده‌های مردم اراده‌ای مطلقاً دسته‌جمعی را آشکار می‌کند، اراده جمعی اسطوره‌ای سیاسی است که به کمک آن حقوق دانان با فلاسفه می‌کوشند تا تشکیلات و سازماندهی آن را تحلیل یا تشریح کنند. این اراده جمعی یک جنبه نظری دارد که به گفته میشل فوکو مثل خدا یا روح، شاید هرگز با چشم دیده نشود. ولی در ایران چنین اراده جمعی مشاهده شد و یک عینیت مطلقاً روشن و ثابت باقی ماند و به این ترتیب وحدتی ناگهانی در تاریخ ملت ایران بر اساس احساسات قوی مذهبی به وجود آمد در واقع تشکیل چنین اراده دسته‌جمعی و اتحاد

مردم نتیجه ائتلاف بین گروه‌های مختلف سیاسی و هم‌چنین نتیجه سازش بین طبقات اجتماعی نبود. دو عامل نشان‌دهنده شدت و عمق انقلاب در ایران بود؛ یکی اراده جمعی مردم که از نظر سیاسی شکل گرفته بود و دیگری خواست آن‌ها در تغییر بنیادین در نظام سیاسی اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر جامعه. پارسنز «سفیر انگلیس در ایران» در کتاب خاطرات خود به نام غرور و سقوط می‌نویسد: شاه در یکی از ملاقات‌های مکرری که در آخرین ماه‌های حکومتش با او داشتم، با شکوه محزونی پرسید که چرا توده‌های مردم پس از آن همه خدماتی که برایشان انجام دادم، رودر روی من ایستاده‌اند؟ من در پاسخ او گفتم: به نظر من دلایل زیادی وجود داشت هجوم انبوه مردم به داخل شهرها منتهی به شکل‌گیری گروه‌کارگران بی‌بنیاد ناراضی شده بود که خیلی از آن‌ها به کارهای ساختمانی مشغول بودند آن‌ها روزها برای ثروتمندان خانه می‌ساختند و شب‌ها به کلبه‌های خود، یا حتی سوراخ‌هایی که به وسیله پلاستیک محصور شده بود، باز می‌گشتند. اما پارسنز این مسئله را نادیده می‌گیرد که علت اصلی قیام مردم این بود که شاه ارزش‌های حاکم جامعه را - که از مذهب و آیین سرچشمه می‌گرفت نابود کرده بود و به این علت با جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی امت مسلمان ایران دیگر جایی برای صبر و تحمل در مقابل دیگر ناملازمات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود نداشت. از همین رو، مردم در شعارهایشان تنها چیزی که بیان نمی‌کردند، خواسته‌های اقتصادی و مادی بود، آن‌ها تحت لوای مذهب و به رهبری علمای مذهبی قیام کردند و پیروز شدند. (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۲).

### جایگاه و اهمیت توده‌های مردمی در انقلاب‌های قرن بیستم:

۱ - فرانسه: بررسی شعارهای انقلابی و مطالبات مردمی در انقلاب فرانسه نشان‌دهنده این است که مردم این کشور برای احیای حق انسانی خود در انتخاب شیوه مدیریت کشور دست به انقلاب زدند تا بتوانند در حیات فردی و اجتماعی خود مشارکت فعال و موثری داشته باشند. فیلیپ استیل در کتاب «تاریخچه انتخابات در جهان» شرح می‌دهد؛ آرمان‌های دموکراسی در کشاکش آشفتگی‌ها و بهم‌ریختگی‌ها در خون‌شده بود (استیل، ۱۳۹۰: ۲۱)، ولی نیروی اجتماعی در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه به ثبات و تحکیم نتوانست برسد و منازعه گروه‌ها هم‌چنان ادامه یافت و تا دهه‌ها بعد از انقلاب فرانسه، نیروهای سیاسی و اجتماعی درگیر کشمکش‌های متعددی بودند و حکومت دائماً تغییر می‌کرد پس از انقلاب فرانسه، اشخاصی که نه

ایدئولوگ بودند و نه نقش رهبری جنبش اعتراضی مردم را برعهده داشتند، بر سرنوشت مردم حاکم شدند و بر تحولات سیاسی اجتماعی پس از انقلاب تسلط پیدا کردند (محمدی، ۱۳۷۸؛ ۴۳). از این رو، مطالبات و خواسته های مردمی پس از انقلاب شکل نگرفت و نظام سلطنت مطلقه تغییر پیدا نکرد و همین امر مانع شد مردم در انتخاباتی فراگیر یا همه پرسی برای تعیین سرنوشت خود مشارکت نمایند؛ تا نهایتاً در سال ۱۷۹۱ اختیارات پادشاه محدود شد و مجلس ملی به تصویب قانون اولیه فرانسه پرداخت (ملکونیان، تقوی مقدم: ۵۱۱؛ ۱۳۹۶). چارلز تیلی بر اساس مطالعه انقلاب های بزرگ اشاره می کند که در انقلاب فرانسه، برداشت های خاصی از آزادی مردم می شد و وضعیت انقلابی به نوعی بود که میان جناح های رقیب اختلافات بسیاری پیش می آمد و مردم در ائتلاف با بعضی از این قدرت ها، جایگاه خود را تعریف می کردند؛ ولی خیلی زود ائتلاف های قدرت فرو می پاشید و حلقه های جدید قدرت برای مردم ارزش خاصی قائل نبودند و بین سال های ۱۷۸۹ الی ۱۷۹۹ نیز چهار انقلاب متفاوت در فرانسه به وجود آمد که مردم نقشی در تعیین نداشتند. (تیلی، ۱۳۸۵: ۲۹۲-۲۹۱)

**۲ - روسیه:** بعد از پیروزی انقلاب روسیه هر چند حاکمیت میانه روها منجر به اقداماتی مثل عفو مجرمین سیاسی، آزادی بیان، فعلیت مطبوعات و... شد اما حاکمان حاضر به تغییرات بنیادی در نظام سیاسی نبودند و صرفاً مترصد یک نظام پارلمانی به سبک کشورهای غربی بودند (بهرامی، ۱۳۸۸؛ ۲۱۲)، البته برای این مسئله هیچگاه آرا عمومی مورد توجه قرار نگرفت بلکه بعضی از رهبران لیبرال، برای آینده مردم تصمیم سازی می کردند و علناً مردم نقشی در نهاد سازی و مشارکت در آینده انقلاب نداشتند. "فیل گسپر" معتقد بود نظارت و کنترل کارگران و دموکراسی واقعی، از آرمان های مردم روسیه بود اما انقلاب روسیه به تحکیم نوعی دیکتاتوری دیوان سالار در شوروی نوپا انجامید. یک دهه بعد نیز تمامی آن دستاوردهای تحسین برانگیز و همه رویاهایی که اساس انقلاب را شکل داده بود، فرو ریخت و از میان رفت (Gasper, 2017). بعد از انقلاب روسیه رای و مشارکت مردم در امور مهم و سرنوشت سازی همچون همه پرسی انتخاب نوع حکومت چندان اهمیت نداشت تا جایی که حتی انتخابات به وسیله حزب کمونیست تحت نظارت بود و نامزد های انتخاباتی توسط رهبران حزب انتخاب می شدند و هیچ رقیب سیاسی نمی توانست از بدنه مردم به کنش گری مدنی و سیاسی در انتخابات بپردازد (استیل، ۳۵: ۱۳۹۰). از آنجا که خواسته های انقلابیون روسی محقق نشد. و آنها بعد از انقلاب ۱۹۰۵

نتوانستند به آرمان‌های خود دست یابند، شرایط برای انقلاب ۱۹۱۷ فراهم شد اما هم‌چنان مردم نتوانستند به طور مستقیم بر سرنوشت خویش حاکم شوند و از طریق اعلام نظر عمومی یا همه‌پرسی، نوع نظام سیاسی آینده را مشخص کنند. بر اساس اسناد تاریخی، دستاورد انقلاب روسیه این‌که برای مردم عادی این مملکت منافع بسیاری داشته باشد، سال‌های طولانی به نزاع، حذف فیزیکی سیاسیون، حاکمیت دیکتاتوری، سرکوب رهبران احزاب رقیب و ... منجر شد. (محمدی، ۱۳۹۱)

**۳ - انقلاب اسلامی ایران:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران مردم نتوانستند برای بهبود شرایط و اصلاح امور اقتصادی و سیاسی به نقش‌آفرینی بپردازند. اولین همه‌پرسی در ایران به فاصله کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حدی سریع اتفاق افتاد که بسیاری از ناظران مسائل ایران را مبهوت و افکار عمومی جهان را تحت تاثیر قرار داد. فراندوم دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ یکی از کم‌نظیرترین نمونه‌های مشارکت سیاسی آرام و مترقی تاریخ بشمار آمد و راه هرگونه مداخله جویی خارجیان و فتنه‌انگیزی داخلی را به روی دشمنان بست (بسطامی، ۶۷: ۱۳۸۵) همه‌پرسی به صورت سریع پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمایانگر چند مسئله مهم بود؛ الف) مردم در تعیین نوع حکومت آینده نقش مهمی داشتند هرگونه نظام‌سازی و تعیین ماهیت نظام سیاسی ایران بدست مردم انجام شد؛ ب) انقلاب ایران صرفاً بر طبق منافع طبقاتی و گروهی نبود و به همین علت همه مردم ایران از هر، جنس قوم، نژاد و فرهنگ مختلف در آینده انقلاب اسلامی از طریق مشارکت در همه‌پرسی سهم داشتند؛ پ) برگزاری همه‌پرسی تعیین حکومت در ایران نمایانگر ماهیت مردمی و رویکرد مردم سالارانه رهبران انقلاب اسلامی می‌باشد که چنین موضوعی در انقلاب‌های بزرگ دنیا دیده نشد؛ ت) سرعت در برگزاری فراندوم برای تعیین سرنوشت آینده انقلاب اسلامی، ناظر بر این مسئله بود که هیچ‌گونه تحمیلی بر مردم ایران نبوده است و آن‌ها فارغ از محدودیت‌های، سیاسی، مشارکت‌فعلانه در آینده سیاسی ایران داشته‌اند. از مشارکت و حضور مقتدرانه نیروی‌های مردمی و نقش آن‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی گفتیم. در ادامه این پژوهش درصدد آن هستیم که نمونه‌ای از مشارکت و مقاومت نیروهای مردمی در بهمن سال ۱۳۶۰ در شهر آمل در مقابل نیروهای کمونیستی را بررسی کنیم.

**شناخت اتحادیه کمونیست ایران:** سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های کمونیستی و مارکسیستی مثل سازمان انقلابیون کمونیست حزب کمونیست ایران مارکسیست، لنینیست، مائوئیست سازمان چریک‌های فدایی خلق

ایران معروف به فدائیان مارکسیست و ... در داخل کشور و خارج کشور خصوصاً در اروپا و آمریکا فعالیت داشتند و اغلب اعضای آن‌ها در خارج کشور از دانشجویان ایرانی بودند که از قشر مرفه آمدند و جهت تحصیل به خارج از کشور رفته بودند. بخشی از این دانشجویان، فرزندان کارمندان صنعت نفت بودند که با امتیاز بورسیه تحصیلی در خارج از کشور تحصیل می‌کردند در سال ۱۳۵۲ با بالا رفتن قیمت نفت شاه به کارمندان صنعت نفت در خوزستان امتیازاتی می‌داد که یکی از آن امتیازات بورسیه تحصیلی خارج از کشور برای فرزندان آن‌ها بود برخی از دانشجویان مقیم خارج کشور در شرایط دوری از کشور تحت تاثیر تبلیغات گروه‌های کمونیستی تفکراتشان تغییر کرده و عضو این گروه‌ها می‌شدند. با ادغام سازمان انقلابیون، کمونیست شامل دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و گروه پویا که شامل افراد آموزش دیده جنگ چریکی در لبنان، فلسطین و عراق بودند، این سازمان در سال ۱۳۵۴ رسماً نام خود را به اتحادیه کمونیست‌های ایران تغییر داد و "حقیقت" را با عنوان نشریه اصلی خود منتشر کرد که اوایل به صورت ماهانه و گاهی دو بار در ماه، تا شماره ۲۷ در خارج از کشور منتشر شد و پس از فعالیت در ایران به صورت نامرتب، هفته‌ای یک بار یا دو هر تا شماره ۱۶۱ منتشر گردید. اعضای اتحادیه قبل انقلاب با رژیم شاه مخالف بودند و سیاست‌های شاه را مغایر با آرمان‌های خود می‌دانستند و از طریق چاپ نشریه و اعلامیه به مبارزه با رژیم شاه می‌پرداختند این افراد پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل این که خود را در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی سهیم می‌دانستند به ایران بازگشتند و فعالیت‌های خود را در جهت سهم‌خواهی از قدرت در داخل کشور شروع کردند. (عنایت، بی‌تا، ص ۲۴۱). پس از مشخص شدن مشی مسلحانه ضد انقلاب منافقین و اتحادیه کمونیست‌ها برنامه‌ها و طراحی مبارزاتی خود را در خانه‌های تیمی مخفیانه انجام می‌دادند و به اصطلاح از روی زمین به زیر زمین رفتند بعد از حادثه ۳۰ تیر و فرار بنی‌صدر و افزایش ترورها طرحی بنام مالک و مستأجر از طرف نظام اسلامی اجرا شد که در پی آن هر مالکی موظف بود که هویت مستأجر خود را با ارائه شناسنامه نشان دهد. اجرای این طرح باعث لو رفتن و شناسایی آن‌ها شد از طرفی بعد از خروج بنی‌صدر و رجوعی از کشور هنوز خط خروج برای آن‌ها آماده نبود بنابراین بهترین مکان برای آن‌ها جنگل‌های شمال کشور بود دلیل، دیگر تشکیل جبهه سوم بر ضد جمهوری اسلامی بود بنابراین رهبران شورش گر اتحادیه کمونیست‌ها جنگل‌های عمومی جنوب غربی شهر آمل را

انتخاب کرده و در آن منطقه به تاخت و تاز پرداختند. (خبرگزاری کتاب ایران، ایبنا [ibna.ir](http://ibna.ir))

**شروع درگیری میان نیروهای جمهوری اسلامی و نیروهای کمونیستی در منطقه شمال (آمل):** در روز ۵ بهمن ۱۳۶۰ اعضای اتحادیه از مسیر ورودی آمل از طریق جاده هراز، با نام «سربداران جنگل» در پوشش لباس‌های نظامی مرسوم سپاه و تحت عنوان عملیات «اسب تروا» وارد شهر شده و حمله خود را آغاز کردند. آنان بعد از ورود به شهر ابتدا در خانه محمدرضا سپرغمی جمع شدن و ساعت ۸ صبح نیروهای عملیاتی خود را با وسیله نقلیه به مراکز حساس و مهم شهر و چند نقطه شهر را محاصره کردند (رهگذر، ۱۴: ۱۳۹۰). درگیری در اطراف سپاه بود و نیروهای مهاجم سپاه را در محاصره داشتند و در کوچه‌های اطراف سپاه مقرر سپاه را تحت نظر گرفته بودند به علت نیامدن و نپیوستن مردم صحبت شد که مردم نیامدند و حالا چه کار کنیم؟ عقب نشینی کنیم یا بمانیم؟ مرکزیت توصیه کرد درگیری را ادامه بدهیم و ما ادامه دادیم. ولی اوج درگیری‌ها در اطراف مقرر بسیج بود اطراف مخابرات و فرمانداری نیز از مکان‌های درگیری بودند نیروهای مهاجم با قرار دادن ۲ یا ۳ گاری خیابان را بستند و شروع به تیراندازی کردند به امید آنکه مردم به آن‌ها محلق شوند به آن‌ها گفته بودند به محض تیراندازی مردم شهر می‌آیند ولی نیامدند. تیراندازی و سپس تسخیر شهر تا ۶ صبح ادامه داشت، ولی با آغاز صبح ششم بهمن، حماسه شکل گرفت و صدها نیروی داوطلب مردمی با روی آوردن به مقرر سپاه و گرفتن اسلحه، به مقابله مهاجمان رفتند. سنگربندی‌ها آغاز شد از زن و مرد و پیر و جوان همگی با آوردن شن و گونی اقدام به سنگرسازی و نبرد سنگر به سنگر کردند تا آن جا که آمل لقب «هزار سنگر» گرفت. (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰، صداوسیما مرکز مازندران)

**نقش نیروهای توده‌ای - مردمی در حماسه ۱۳۶۰ آمل:** حضور نیرومندان مردم در صحنه نبرد، نقش بنیادی در این پیروزی ایفا نمود. مشارکت مردم اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل موثر در مدیریت و کنترل بحران بود. رهبران اتحادیه کمونیست‌ها در این خیال عجیب بودند که می‌توانند با شبیه‌سازی شرایط انقلاب چین و مطابق تئوری مائو زمینه حرکت توده‌ها از روستاهای جنگلی شمال ایران به سمت شهر آمل را فراهم کنند ولی هیچ‌گونه اثری از همراهی مردم روستاهای جنگلی با حرکت نابخردانه آنان دیده نشد. آن‌ها بر این باور بودند که ۹۰ درصد مردم آمل باور و اعتقادشان به نظام نوپای اسلامی برگشته است و با اعضای اتحادیه در براندازی نظام

همراهی خواهند کرد. بنابراین با این تحلیل غلط به شهر حمله کردند ولی کلا در اشتباه بودند و اتحادیه کمونیستها در واقعه آمل دچار بن بست شدند برای اینکه مردم را به عنوان یکی از پایه های اساسی نظام فراموش کرده بودند مردمی که با اعتقادات دینی و مذهبی و اعتقاد به مرجعیت دینی و سیاسی امام خمینی (ره) رژیم مسلح پهلوی که از پشتیبانی شرق و غرب برخوردار بود را سرنگون کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰، شماره ۱۶۶۳۷). به طور کلی نقش نیروهای توده ای در قیام ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل در برابر نیروهای کمونیستی بی نظیر بود. اگر بخواهیم نقش نیروهای مردمی را به صورت جزئی توضیح دهیم. می توان از حضور مردم به عنوان یک مولفه موثر روانی در این عملیات نام برد هم چنین از نقش نیروهای توده ای مردمی در سنگر سازی و مشارکت مردم در امور تدارکاتی و در حمایت از رزمندگان و مشارکت مردم در شناسایی منافقین و حضور مستقیم مردم در دستگیری مهاجمین نام برد. بنابراین، یکی از زیرساخت ها در هر نظام سیاسی، جلب مشارکت متعدد مردم است و بدیهی است که یکی از مهمترین امور در روند مدیریت بحران، بسترسازی و زمینه های جلب مشارکت و همراهی مردم با دولت (سازمان ضد شورش) است در روند حوادث امنیتی شمال کشور به ویژه آمل، مشارکت مردم کاملاً مشهود و موثر بود. مردم مسلمان و انقلابی ایران به خصوص مردم مازندران و به ویژه مردم آمل، انصافاً همکاری و مشارکت بسیار موثر و بی دریغ با سازمان ضد شورش داشتند و در قرارگاه حضرت ابوالفضل (ع)، جلب مشارکت مردم در ابعاد اطلاعاتی، عملیاتی، روانی تبلیغی، حمایتی و ..... در راس تمام کارها بود؛ و وجود زمینه های همکاری مردمی بود که توانست با اجرای طرح های عملیاتی، اطلاعاتی، روانی و ... از توسعه ی وضعیت دشمن (حریف) در شمال کشور جلوگیری و شورش را مدیریت و کنترل کنند. بنابراین، با همین ظرفیت شبکه ی مردمی بود که قرارگاه حضرت ابوالفضل (ع) با ماموریت ضد شورش در شمال کشور با تکیه بر همین زمینه های مشارکت مردمی، توانست در طول یک شب هم زمان نزدیک به ۸۵ واحد خانه ی تیمی گروه های شورشگر در سطح ۱۲ شهر استان مازندران را منهدم سازد. در این شبکه مشارکت مردمی ۱۵۰ هزار نیروی داوطلب را در پایگاه های مقاومت جذب شهرها و در حاشیه ی جنگل در قالب پایگاه های مقاومت، ۳۱۵ پایگاه امنیتی، اطلاعاتی در منطقه به کار گیرد و در واقع با کم ترین هزینه، گسترده ترین عملیات های اطلاعاتی، امنیتی، عملیاتی و پلیسی را انجام داده و با سازماندهی و به کارگیری آحاد مردم، فی الواقع شورش را که به اسم «فدایی خلق با مجاهدین خلق» و از واژه ی «خلق» یعنی به

اسم «مردم» راه اندازی شده بود، در نطفه خفه کند و با حضور همان مردم جریان شورشگر را از «حیز انتفاع» سرنگون سازد. حضور و مشارکت آحاد مردم آمل در اعاده ی امنیت شهر خود مثال زدنی بود گرچه در روند این حوادث، حضور پاسداران سپاه و کمیته آمل و نیروهای پاسدار اعزامی از دیگر شهرها موثر بود، ولی آحاد بسیجیان محلی که حضور چشمگیر داشتند و نقش نیروهای کمکی مردمی محلی (آمل) به خصوص مردم داوطلب، از ابتدای صبح ۶ بهمن تا غروب همان روز ششم و حتی روز هفتم بهمن از دیگر شهرها و روستاهای همجوار، به یاری پاسداران آمل شتافتند. قابل تقدیر بود. حضور و ایثارگری افراد بسیج و آحاد مردم اعم از کسبه، دانشجو طلبه، دانش آموز، روستایی و مردم کوچه و بازار و .... را باید سرآمد این مشارکت امنیتی در کنترل شورش شمال موثر دانست و باید اذعان داشت که حضور و مشارکت آحاد مردم با سازماندهی توسط ضد شورش، غیرقابل وصف است. (شعبانی، ۱۳۹۴ : ۴۶۷-۴۶۶).

**زمینه ها و عوامل مشارکت نیروهای توده ای - مردمی در حماسه بهمن ۱۳۶۰ آمل:** از نظر جامعه شناسی بحران، چنانچه مردم احساس کنند نهادها سازمان های موجود، برای مقابله با بحرانی که مانع آسایش و امنیت جامعه شده است، نیاز به مشارکت عمومی آن ها دارد، گام به گام با نهاد های ذیربط به مخالفت با آن بحران بر می خیزند. بحران آمل نمونه واضحی از یک مشارکت فعال و همه جانبه مردم می باشد. «وحدت و یگانگی فکری» توده مردم و «عکس العمل سریع» آن ها در روز ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ به عنوان دو ویژگی اصلی جنبش های انبوه مردم، به خوبی در این حماسه مشهود است. از نقطه نظر فرهنگ سیاسی و عکس العمل مردم در این موضوع نه یک «نتیجه تصادفی تجربه تاریخی»، بلکه محصول یک فرایند عمیق جامعه پذیری سیاسی است که خود در برگزیده نوعی دلبستگی نسبت به سیستم سیاسی موجود می باشد. از دوران صفویه به بعد، دین به عنوان یک نهاد ساختاری در جامعه ایران مطرح شد. از آن دوران، حساسیت وجدان جمعی نسبت به دین در حدی شدید بود که هر زمان به این ساختار حمله می شد، توده مردم با یک انسجام و همبستگی بالایی با عامل تهدید کننده به مقابله بر می ساختند. این مقابله گاه تا سرحد مجازات مهاجم در دم پیش می رفت چرا که مجازات گناهکار علاوه بر جنبه شرعی آن، غرامتی بود که به احساسات همگان داده می شد. جنبش تنباکو و قتل گریبایدف روسی نمونه های از این عکس العمل مردمی قبل از انقلاب اسلامی می باشد. (پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک، ۱۳۷۴ : ۱۶۶)



### نتیجه گیری:

در این پژوهش بیان شد از اهمیت نیروهای توده ای - مردمی در انقلاب ها و جنبش ها و جنبش ها و انقلاب های مردمی حرکت های اعتراض آمیزی بودند که دارای انگیزه ها و اهداف و سازماندهی آنها از درون گروه های کوچک و بزرگ شکل می گرفت. هم چنین جایگاه و اهمیت نیروهای توده ای مردمی را در انقلاب های قرن بیستم (فرانسه، روسیه، چین، ایران) و به صورت اجمالی به مقایسه نقش نیروهای توده ای و مردمی در این انقلاب ها پرداخته شد. در انقلاب فرانسه فقط بخش بورژوازی شهری قیام کردند و نظام بوربون ها را سرنگون کرد. در انقلاب روسیه کارگران اعتصابی کارخانجات پتروگراد به همراه گروهی از سربازان در انقلاب چین کشاورزان و دهقانان بودند که انقلاب کردند. در انقلاب اسلامی ایران همه ی مردم یکصدا و هم زمان قیام کردند (جز بخش اندکی وابسته به رژیم پهلوی) و خواستار سرنگونی رژیم پهلوی شدند. حضور نیروهای مردمی در انقلاب اسلامی بی نظیر بود و در ادامه پژوهش به بررسی نمونه ای از این حضور و مقاومت مردمی در صحنه نبرد بیان شد. قیام مردم آمل در بهمن ۱۳۶۰ نمونه و الگو از نقش و مشارکت نیروهای توده ای و مردمی بود رهبران اتحادیه کمونیست بر این باور بودند که مردم آمل اعتقاد و اعتمادشان به نظام نوپای اسلامی برگشته است. در صورتی که اتحادیه کمونیست ها این را فراموش کرده بودند که آمل دارای تاریخ و فرهنگ و هویت دینی اسلامی است و همه ی تحلیل مارکسیست ها و نسبت به شهر آمل باطل شد و در ششم بهمن ۱۳۶۰ با حمله به این شهر با مقاومت نیروهای مردمی روبه رو شدند و آمل به «شهر هزار سنگر» معروف شد. و در تقویم ششم بهمن جاویدان ماند. قیام مردم آمل نمونه ای از حضور پرشور نیروهای مردمی بود. مردم ایران در تمام عرصه ها حضور پرشور داشته اند همچون قیام آمل، جنگ تحمیلی و ..... از ارزش ها ی خود و نظام پشتیبانی کرده اند و باید قدردان این مردم باشیم.

### فهرست منابع :

- استیل، فیلیپ، (۱۳۹۰)، تاریخچه انتخابات در جهان، ترجمه پرویز دلیرپور، تهران، نشر: سبزان.
- بهرامی، قدرت‌الله، (۱۳۸۸) انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک، (۱۳۷۴)، «حماسه اسلامی مردم آمل، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات سمینار علمی بررسی حماسه آمل» قم، انتشارات سلمان فارسی.
- تیلی، چارلز، (۱۳۸۵)، انقلاب‌های اروپایی، ترجمه بهالدین بازرگانی گیلانی، تهران، نشر: کویر.
- خانی، مهدی، (۱۳۹۵)، «تجرباتی از حماسه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)، تهران، نشر: پایگاه اطلاع‌رسانی حماسه آمل، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- خبرگزاری تسنیم، (۱۴۰۰)، صدای و سیمای مرکز مازندران، گردآوری و تنظیم: قدس.
- ذیلابی، نگار، (۱۳۹۴)، «امکان یا امتناع جنبش‌های اجتماعی (انقلاب‌های مردمی) علیه حاکمیت در اندیشه اسلامی، فصلنامه سیاست پژوهشی، دوره دوم، شماره ۳.
- راعی اسکی، مصطفی، (۱۳۹۲)، «حماسه ۶ بهمن آمل»، نشر: انتخاب.
- روزنامه اطلاعات، ۷ بهمن، ۱۳۶۰، شماره ۱۶۶۳۷.
- رهبری، مهدی، (۱۳۹۳)، «جنبش‌های اجتماعی: کلاسیک، مدرن، پست مدرن»، نشر: کویر.
- رهگذر، سیمین، (۱۳۹۰)، «شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل»، نشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، (۱۳۶۱) «حماسه مردم آمل» نشر: ستاد مرکزی پاسداران انقلاب اسلامی.
- سخاوتی راد، الهام، (۱۳۹۷)، «نقش مردم و علما در تشکیل انقلاب اسلامی، بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی، دوره ۱.
- سیاحی، اسماعیل، ولی نژاد، منور، (۱۳۹۶)، «نماز باور به روایت اسماعیل سیاحی از فرماندهان جبهه مبارز با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال»، نشر: سرو سرخ وابسته به اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان مازندران.

- شعبانی اصل، محمدرضا (ناصر)، (۱۳۹۴)، «مقاومت مردمی در حماسه آمل» تهران، نشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صحرایی رستمی، جواد، محمدی فر، مهدی، (۱۴۰۰)، «جبهه شمالی: مروری بر عملکرد قرار گاه حضرت ابوالفضل (ع) در مدیریت بحران جنگل، نشر: سرو سرخ وابسته به اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان مازندران.
- عنایت، حسن، (بی تا)، قیام مردم آمل علیه کمونیست های جنگل، فصلنامه تاریخی-موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ص ۲۴۱.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۷۸)، انقلاب اسلامی در میان انقلاب های بزرگ جهان، سال چهارم، شماره ۱۳.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه»، نشر: معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه).
- مشتاقی نیا، حمید، علیجان زاده روشن، محسن، (۱۳۹۹)، «عملیات نفوذ: روایت نفوذ طلبه شهید محمد تورانی در تشکیلات منافقین» نشر: شهید کاظمی.
- ملکوئیان، مصطفی، تقوی مقدم، مصطفی، (۱۳۹۶)، مقایسه تاثیر رهبری در تحولات انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی پس از پیروزی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۲.
- هاشمی، محمد، محمدعلی، علی اصغر (۱۳۹۰)، «شمشادهای رشید، یادنامه شهیدی آمل»، نشر: شاهد.

Casper, Phil, (2017), the Russian Revolution: a brief reading guide  
international socialist Review , Issue 105 , p1

سایت‌ها:

خبرگزاری کتاب ایران، (ایبنا)

مستند هزار سنگر دلها کارگردان: مهدی وحیدی

<https://www.ibna.ir>

<https://tv4.ir>



## نقد و نظری بر پرنده‌ای نوپرواز در جنگل آمل نگاهی به عملیات ایذایی کمونیست‌ها (جنگل رزکه- حماسه آمل)

ناصر گرزین<sup>۱</sup>

### چکیده

حماسه اسلامی مقاومت مردم آمل در سال‌های ۶۱-۱۳۶۰، برگ زرین دیگری در تاریخ این سرزمین است. این حماسه مشتمل بر چند درگیری و عملیات رزمندگان اسلام در جنگل شهرستان (آمل) بر محور یک حماسه‌ای مردمی و دفاعی از کیان اسلامی «شهر آمل» در مقابله با تفنگ‌چیان اتحادیه کمونیست‌های ایران است. با این‌وصف از معدود منابع مورد استفاده در داخل و خارج کشور، مطالبی گزینشی از گروهک‌های الحادی و التقاطی (مدعیان شرکت در مبارزه مسلحانه‌ی درگیری‌های آمل) در دسترس می‌باشد. سوالات اساسی مطرح است که محتویات نسخه‌ی الکترونیک «پرنده نو پرواز» با چه رویکردی تدوین شده، جزئیات آن به ویژه در مورد عملیات ایذایی جنگل اطراف رزکه - آذرماه ۱۳۶۰ چگونه است؟ نقد و نظر پیرامون تناقضات نوشتاری و گزارش‌های غیر واقعی میدانی کدام است و آیا با بیانیه‌های قبلی آنان و اعترافات بعدی کمونیست‌ها همخوانی دارد؟ فرض مساله نشان از ارایه نوشتاری هدفمند، مغرضانه و با سوگیری‌های سیاسی، اغلب همراه با اغراق‌گویی و مطالب غیرواقعی است که خود بیانگر ادامه خط و نشان‌های کینه توزانه دشمنان اسلام به نظام و ملت شریف ایران می‌باشد. موضوع تحقیق با روش توصیفی تحلیلی بررسی می‌شود. هدف، تبیین تناقضات شعاری، میدانی و متنی (۱۳۸۳) آنان است.

**کلید واژه:** حماسه آمل، درگیری جنگل رزکه، اتحادیه کمونیست‌های ایران، پرنده نوپرواز

---

<sup>۱</sup> عضو بازنشسته‌ی هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع) و کارشناس ارشد امور نظامی

### مقدمه

در حالی که قیام همگانی مردم آمل و روستانشینان در جریان جنگل، برگ زرین دیگری از سلسله افتخارات مردم شهرستان آمل و منطقه شمال به حساب می‌آید؛ ادعاهای پرزرق و برق سیاسی نظامی «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران» و آنهم در فضای پرتلهاب جهانی نیاز به پاسخگویی، نقد و بررسی اصولی و همه‌جانبه در سیر جهانی نظام دو قطبی، تک قطبی تا چند قطبی معنی دارد. همین‌طور مطالب فصل‌ها و نتیجه‌گیری‌های کتاب پرنده نوپرواز به‌طور مجزا و در کنار هم در تناقض بوده یا تحریف شده است. البته کل کتاب و دیدگاه‌های سال ۱۳۸۳ و سایر اجزای آن در جای خود قابل بحث و تامل بیشتر است.

این مقاله با نگاهی اجمالی به موضوع سیر شکست عقیدتی نظامی این گروهک محارب و سردرگمی و تغییر چندباره راهبردهای «استقرار» و «تحرك» به کار رفته و بیشتر به برخی جزئیات غیرواقعی شامل تحریفات میدانی و تناقضات کلامی پیرامون درگیری ایدایی اطراف جنگل رزکه و محمدآباد در کیلومتر ۱۲ تا ۱۴ جاده هراز در آذرماه ۱۳۶۰ بسنده کرده و به اصلاح برخی ضروریات آن می‌پردازد. البته در نقد و بررسی کامل (پرنده نوپرواز) کار اصولی، مدون و با ارزشی چه در قالب مقالات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و کتاب‌های موجود که ماندگار، یا تحلیل علمی از آن وقایع باشد، در دسترس عموم نیست.

معدود افرادی نظیر جناب مهدی خانی و دکتر محمد شعبانی که به‌جهاتی زحمت زیادی هم متقبل شده‌اند و کتاب یا کتاب‌هایی هم به نگارش درآورده‌اند، با همه تلاشی که مبذول داشتند دچار اشکال و ضعف در موضوعات و حوادث می‌باشند. همین‌طور ارجاع به کتاب «پرنده نوپرواز» در منابع داخلی کشور کم نیست؛ مطالبی که بسیار مغرضانه و حتی بی‌ادبانه با واژگونگی واژه‌های که بار معنایی و حماسی در بین مردم ایران‌زمین و از گذشته دور دارد، روبه‌رو هستیم. همراه با اعلام ضرورت نقد و بررسی مطالب منتشره داخلی، پالایش کل کتاب مذکور نیز لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

از این‌رو تاکید می‌شود، مطالب برحسب زمان و مکان، موضوع و تحلیل‌های منطقی علمی با پشتوانه‌ی چارچوب‌های دینی و اخلاقی، مورد نقد و بررسی موشکافانه قرار گیرد؛ چرا که هنوز رزمندگان صحنه‌های میدانی و فرماندهان ستادی - عملیاتی داخل و پشت صحنه در قید حیاتند و گرنه خدای ناکرده، اگر روزی جای شهید و جلا

عوض شود، نباید تعجب کرد. امید است این بررسی، مقدمه‌ای بر کاری تفضیلی و مهم در آینده نزدیک باشد.

تحقیق براساس اطلاعات کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک، یادداشتهای و گزارش‌های رزمندگان اسلام در آن برهه زمانی و مکانی و بر پایه بازخوانی صحنه‌ها است که در بخش‌های زیر، شامل: ۱- بازخوانی پرنده نوپرواز؛ ۲- پایگاه جنگلی رزکه (آذرماه)؛ ۳- سایر وقایع جنگل آمل (آذرماه)؛ ۴- اعترافات، شکست‌ها و رسوایی؛ و ۵- نتیجه‌گیری، ارائه می‌شود.

### ۱- بازخوانی پرنده نوپرواز

پرنده نوپرواز با گذشت بیش از بیست سال از وقایع و شکست‌های کمونیست‌ها در وقایع آمل، پرنده بی‌رمق و جدیدشان توسط حزب جدید التاسیس کمونیست ایران در آلمان به سال ۱۳۸۳ نشر یافته و نسخه الکترونیک آن در دسترس همگان است. هدف آنان از این تدوین (بدون پشتوانه علمی و استنادی) هرچه باشد؛ مردم مسلمان ایران بارها در مبارزه با جبهه کفر و نفاق درس‌های زیادی به آنها داده‌اند ولی عبرت نمی‌گیرند.

در این بررسی و البته متناسب با حوصله خوانندگان به تدریج و گام به گام خواهیم رسید به این که، سردرگمی، همراه با تناقضات و ادعاهای بزرگ آنان کم نیست. علنی کردن مبارزات مسلحانه‌ی یک گروهک سیاسی دویست تا سیصد نفره (آن سال‌ها) در نشریه شماره هشت ارگان اتحادیه با واژه جعلی "حقیقت"، بازخوانی آن در صفحه ۱۹ کتاب پرنده نوپرواز (۱۳۸۳) در نوع خود جالب است:

«سال ۱۳۶۰ یک سال تاریخی بود. با تابستان داغ، سال تفنگ و سال بی‌باکی، از سنگرهای نبرد کردستان تا خیابانی ضرورت تاریخ، اسلحه را در مرکز سیاست ایران قرار داد. اتحادیه کمونیست‌های ایران محصول تأثیرات انقلاب پرولتاریایی چین مائوئیستی بود. ما متعلق به نسلی بودیم با آموزه‌های مائو بر سر این که قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید. خطاب به کمونیست‌ها... آیا با نیروهای کوچک می‌توان وظیفه بزرگ بر دوش گرفت و مبارزه را علنی کرد»<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر افکار و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران رجوع شود به:

- زندگی، محمد علی (۱۳۹۳)، «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران»، سایت پژوهه (بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی - پژوهشکده باقرالعلوم ع)

- سپاه منطقه استان‌های شمالی (۱۳۶۱)، حماسه آمل، فصل اول (عملکرد کمونیست‌های ایران)؛ ساری، سرو سرخ

موضوعی که خودشان را به کژفهمی در قلب واقعیت‌ها زده‌اند. مهم آن است که از تاریخ درس نگرفته و نمی‌گیرند. «اتحادیه کمونیست‌های ایران» در کتاب «انتقادی بر مشی چریکی در ایران» چاپ ۱۳۵۴، صفحه (۱۲) می‌گوید:

«انقلابیون گروهک‌های الحادی { ایران دقیقاً راه بی‌سرانجام انقلابیون آمریکای لاتین را در پیش گرفتند و همه تلاش‌ها صرف به راه انداختن موتور کوچک شده با این خیال خام که موتور بزرگ خود به حرکت در خواهد آمد».

در حالی که بعد از چند دهه از آن مطالعه روشنفکرانه و انقلابی‌گری، اکنون شناخت راه و بی‌راهه هزاران بار آسان‌تر از سال‌های ۱۳۵۴، ۱۳۶۰ یا ۱۳۸۳ است. طوفان گرمی که آن سال‌ها از کوبا می‌وزید تبدیل به باد سردی شده است. تز «کانون شورشی» یا «جنگ چریکی» جدا از مردم، سالها قبل، به تمام معنی در سطح تحولات جهانی شکست خورده است. لحظه‌ای قرار داشته یا داریم که برای تشخیص راه درست از نادرست ده‌ها معیار و ابزار سنجش در اختیارمان است. لابد در اختیار آنان نبوده و اگر علی‌رغم این همه تجربه و امکان شناخت، دچار خطا شوند، این خطای‌شان را می‌توان گفت خطایی فاحش، آگاهانه و بنابراین نابخشودنی است. یا در صفحه ۸ همین اثر می‌گوید:

«جمله معروف آن "استاد عزیز" از ما یقه سفیدها کاری ساخته نیست باید آستین چرکین‌ها و پابره‌ها بیابند توی خیابان‌ها و مسلح گردند»؛

انتخاب نام و جریان «پرنده نوپرواز»، دیگر به چه صیغه‌ای است؟! آنهایی که در دوران رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی پهلوی وابسته به امپریالیسم آمریکایی، مدت‌ها زندگی آرامی در آمریکا داشتند و فقط به فعالیت سیاسی مشغول بودند و مشی چریکی را نقد و منع می‌کردند، چطور و با چه منطقی حاضر شدند با نظام نوپای جمهوری اسلامی، متکی به ۹۸/۲ درصد آرای مردم- که در مقابله نظری و عملی با جریان امپریالیسم آمریکایی بود- جبهه اول را با یک جمع کوچک ۲۰۰ نفره در جنگل یا حتی بگوئیم ۳۰۰ نفره در سطح کشور آغاز و ادامه دهند (محمدی‌فر: ۶۰، ۱۳۹۵)؛ آن‌هم فعالیت مسلحانه و جنایت‌های ضد حقوق بشری خود را با شعارها، الفاظ خاص و دهان‌پرکن، زیر پرچم پرطمطراق «اتحادیه کمونیست‌های ایران» آن هم برضد مردم آغاز کنند.



این اقدام آنان آگاهانه، به دستور یا سبک و سیاق همان امپریالیسم نبود؟ این تعداد افراد مقابل یک ملت بزرگ با تاریخ و تمدن کهن، در دیار علویان- پایگاه تشیع ایران- چگونه به خود جرئت مقابله سخت، جنایت و انتحار نابخشودنی دادند، مگر این که بگوییم به پشتوانه حمایتی نظام استکباری جهان امیدوار یا برخوردار بودند و هنوز هستند، به آن دلخوش کرده‌اند! اما مقاله‌ی "که بود و چه کرد" لنین؛ آن که گفت:

«هدف، وسیله را توجیه می‌کند و میلیون‌ها انسان را کشت» می‌تواند گویای اعمال ضدانسانی و حقوق بشری آنان در وقایع آمل هم باشد (فرتاش، مهدی، ۱۴۰۱).

در مبانی نظری و تفکرات کلیه افراد و گروه‌هایی با تفکرات غیردینی و اغلب متکی به استکبار جهانی، این اصل به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده، و نقش بسته است؛ هرچند که آشکار نباشد. اما در اسلام، وسیله همانند هدف مهم است و خطا در گفتار، رفتار و کردار، حتی جهت رسیدن به هدفی کوچک، بزرگ و متعالی جایز نیست.

دیگر سوء استفاده از کلمات اتحادیه، کمونیست‌ها یا نام ایران است؛ تا عنوان «حقیقت» برای نشریه اتحادیه که بار معنایی خاص دینی داشته، همین‌طور سوی استفاده از نام تاریخی و مقدس «سربداران»<sup>۱</sup> دلیل این نام‌گذاری‌ها نیز قابل تامل است. به جهت انتخاب نام کوچک هریک از این اعضای کمونیست، آنان در محیط خانواده‌ای مسلمان و جامعه اسلامی بزرگ شده‌اند، می‌دانیم همگی به تاریخ نهضت و شعارهای اسلامی آشنا بوده‌اند، این هم می‌تواند چهره حقیقی، نفاق یا انحراف آنها را بیشتر عیان کند. چرا که در شعار و بیانیه‌ها، از یک‌طرف دین، افیون جامعه انقلابی تلقی شده، از طرف دیگر از اعتقادات دینی مردم و توجه عمیق آنها به واژه‌های اسلامی و تاریخی، سوی استفاده شد؛ تا جایی می‌توان آن را پنهان داشت، بالاخره رسوا کننده است.

اعتراف نامه «سیاست رسوای» رفیق سلطان‌علی سالار یک نمونه از آن است (شعبانی: ص ۸۰۰، ۱۳۹۴). این نوع خطای فاحش و آشکار دیگر، روزی موجب

<sup>۱</sup> به تعبیر حضرت علامه جوادی آملی «این‌ها به اصطلاح، سربدار بودند، زیرا در واقع سرب‌زیر بودند و سربداران واقعی در تاریخ کسانی دیگر بودند». «اتحادیه کمونیست‌های ایران» با مشی منافقانه‌ای که داشتند، این نام را صرفاً در مدت حضور در جنگل آمل روی خود گذاشتند. اما مردم آمل آنان را بنام‌های دیگر (منافق جنگلی) می‌شناسند. همکاری نزدیک با اعضای گروهک التقاطی مجاهدین (منافقین) خلق و انتخاب راه و مشی سیاسی پراز خیانت (برخورد دوگانه حزب توده با جمهوری اسلامی) از منظر ظاهر و باطن، این عنوان در جبهه‌ی سیاسی نیز بی‌مسما خواهد بود (در اشاره به تایید ظاهری نام‌گذاری سربدار رجوع شود: خانی: صص ۴ تا ۷، ۱۳۹۹).

رسوایی در دنیا و نسل‌های آینده برای مولف یا مولفین نوپرواز خواهد شد. بازتکرار دروغ‌های «پرنده نو پرواز» راجع به شعار خلقی بودن مشی مبارزه مسلحانه آنها است و این که توده مردم با اتحادیه کمونیست‌ها بوده یا هستند. خیلی قبل‌تر از سال ۱۳۸۳ و در محضر دادگاه عدل اسلامی، منش و روش سرکردگان و اعضای این گروهک رو شد: دیدیم خود اعضای اتحادیه در سند محاکمه دادگاه اعتراف به سیاست‌های رسوا اشاره کرده‌اند یا این‌که، کسانی از مردم را به شهادت رساندیم که فرزندان ژنده‌پوشان و با کفش‌های کهنه وصله‌دار در جلسه حاضر بوده و کفش‌های آنها دم در دادگاه مشاهده شد. مگر این‌که اتحادیه کمونیست‌ها بخواهد کتمان خود را در پوشش دروغ یا درستی دیگر تحویل این و آن دهند، یا ارایه نظرات و برخی اعترافات صریح ولی متناقض با بخش‌های ابتدایی و انتهای همین کتاب (۱۳۸۳) در بخش‌های پیش‌رو را رد کنند.

## ۲- پایگاه جنگلی رزکه (آذرماه)

اهمیت آذرماه سال ۱۳۶۰ زیاد است؛ برخلاف ماه‌های مهر و آبان دیگر دوره صبر و شکیبایی نظام ج.ا.ا به سر آمد. در این زمان، آمل منطقه جنگی اعلام شد. توجه مقامات ملی به جریان جنگل آمل بیشتر و در اولویت کاری سپاه پاسداران ا.ا قرار گرفت. علاوه بر ایجاد چند پایگاه مستحکم ژاندارمری<sup>۱</sup>؛ سپاه نیز دست به چنین اقدامی، دور جنگل (پایگاه‌هایی با سنگرهای مستقل سه چهار نفره) از جمله دو مورد، در ارتفاعات جنگل اطراف رزکه زد که، عرصه بر حضور عوامل مسلح تنگ و تنگ‌تر شد.

در این مدت، کمونیست‌های مسلح دو بار به پایگاه تازه تاسیس سپاه در رزکه، یک بار به نیروهای رزمنده اطراف پایگاه و یک‌بار نیز به ایستگاه بهره‌برداری جنگل جهادسازندگی (انتهای محمدآباد) در حاشیه جنگل حمله‌ور شدند. راهبندان جاده هراز نیز - حداقل بین روستاهای رزکه و محمدآباد- برای بار سوم و آخرین بار صورت گرفت و جاده‌ی آمل - تهران (هراز) برای مدت کوتاهی بسته شد که، برخلاف دو راهبندان قبلی (آبان ماه)، اهدافی صرفاً نظامی نداشت.

در صفحه ۷۴ کتاب «پرنده نوپرواز» از اقدامات ایذایی هفده آذر ۱۳۶۰ چنین آمد:

<sup>۱</sup> ایجاد پایگاه‌های مستحکم و متمرکز در تپه‌های جنگلی بالای دو روستای مجاور محمدآباد و رزکه، و همچنین تقویت پاسگاه‌های کرسنگ (کیلومتر ۲۰ جاده هراز) و امام‌زاده‌عبدالله آمل مربوط به هنگ ژاندارمری مازندران بود.

«نیروهای دشمن که حدود ۵۰ نفر می‌شوند از شب قبل در مسجد {حسینیه} روستای رزکه مستقر شده بودند. آخرین شناسایی‌ها صبح زود روز هفده آذر صورت گرفت. خود کاک اسماعیل فرماندهی عملیات را به عهده گرفت. هنگام محاصره پایگاه رزکه با دو قاطر سوار مواجه شدیم. ابتدا فکر کردیم که از اهالی روستا هستند اما از عوامل دشمن بودند و سریعاً از دست ما فرار کردند. رفیق فریدون سراج که آرپی‌جی‌زن ماهری بود با گلوله آرپی‌جی، چادر اسلحه‌خانه‌ی پایگاه را مورد هدف قرار داد و آن را به آتش کشید. اولش پاسداران وحشت زده به این طرف آن طرف می‌دویدند پس از اینکه به خود آمدند، دست به مقاومت زدند. به غیر از تک‌تیرهای پراکنده هر از چند گاهی صدایی از آنها در نمی‌آمد. پس از یک ساعت و نیم نبرد، کاک اسماعیل به گروه امین اسدی فرمان پیشروی داد برای تصرف پایگاه؛ اما زمان زیادی نگذشته بود که فرمان را لغو کرد. در نتیجه نفرات ما عقب نشینی کردند در این نبرد دو تن از رفقای ما زخمی شدند؛ کشته و زخمی‌های دشمن به (۲۰) نفر می‌رسید... فردای آن روز رژیم در شهر آمل برای (۸) نفر از پاسداران مراسم تشییع جنازه برگزار کرده اما اعلان نکرده که در کجا کشته شده‌اند».

در رابطه با این مطالب لازم به ذکر است که:

۱- تناقض آشکار را ببینید، تداعی می‌شود، شب قبل پنجاه نفر در مسجد داخل روستا بودند.<sup>۱</sup> در حالی که سه پایگاه جنگلی (رزکه) در خارج روستا و یکی در ارتفاعات غربی و دو مورد جنوب غربی آن قرار داشت. مسجد محل گاه‌گاهی (به ویژه اوائل حضور در جنگل رزکه) به عنوان استراحت‌گاه رزمندگان اسلام استفاده می‌شد. اظهارات فوق مرتبط به دو پایگاه جنگلی سپاه با فاصله حدود پانصد متری از هم (و جنوب غربی) روستا است. این دو پایگاه موقت با چند سنگر معمولی مستقل و جدا از هم (سه - چهار نفره) در ارتفاعات بالای جاده معدن رزکه<sup>۲</sup> در مواقع عادی هم هر پایگاه بیش از ۲۰ نفر نیرو نداشت. محدودیت‌های ما را هم در آن سال‌ها می‌دانستند که از جمله در کتاب «پرنده نوپرواز» به آن تصریح شد. چطور تداعی می‌کنید؟! که

<sup>۱</sup> «رزکه» در حاشیه‌ی جاده هراز - ۱۴ کیلومتر و مسجد مورد بحث داخل روستا است (نه کنار پایگاه که در دل جنگل و با فاصله نسبتاً زیاد قرار داشت).

<sup>۲</sup> پایگاه نظامی ژاندارمری در غرب رزکه، قبل از بارگاه شریف امام‌زادگان هجده تن (حوالی ایستگاه متروکه هواشناسی) قرار داشت که مدنظر کمونیست‌ها و پرنده نو پرواز نیست، بلکه دو پایگاه موقت جنگلی سپاه، یکی در جنگل موسوم به کوترخسه غرب جاده معدن رزکه و دیگری، پسته در عمق جنگل (غرب کوترخسه) مورد نظر (حمله ایذایی) بود..

پنج‌جاه نیرو فقط در یک پایگاه سپاه گرد آمده بودند! آن هم در محیط و رزم جنگل، در یک محوطه کوچک (چادر اسلحه‌خانه!) قرار داشتند که با شلیک آرپی‌جی رفقای کمونیست، بیست نفر نیز یک‌جا کشته شدند!

اهل فن، این را نمی‌پذیرند. چرا که نیروهای طرح جنگل مستقر در پایگاه کنترلی تازه احداث شده‌ی بالای روستای رزکه، در زمان پست نگهبانی (حداکثر ۲۰ نفر) در پنج تا شش سنگر پراکنده بودند. تغییر پست‌ها هم در هر سنگر انجام می‌شد نه در اسلحه‌خانه مورد ادعا (و تجمع ۵۰ نفره). در حالی که اعلام شد، حمله (اتحادیه کمونیست‌ها) به پایگاه جنگل رزکه با دو گروه (۲۰) نفره، آنهم با حضور شخص کاک اسماعیل فرمانده کل نظامی اتحادیه صورت گرفت.

۲- حسب اطلاعات موثق میدانی، دو نفر قاطر‌سوار مورد اشاره واقعاً از اهالی روستای رزکه بوده و هیچ ارتباط تشکیلاتی نداشته و عامل یا منابع اطلاعاتی نبودند، این‌ها از جنس مردم بوده، ولی احساس مسئولیت داشته و از دست افراد اتحادیه فرار کرده خود را به پایگاه رسانده، آنها را از نزدیک شدن و نیروها را از خطر هجوم کمونیست‌های طرفدار خلق مطلع نمودند.

۳- از یک‌طرف گفته می‌شود: ساختمان‌های زندان شهر و مقرهای نظامی و انتظامی منطقه از نوع ساختمان زپرتی با استحکام ضعیف بودند (ص ۵۰ کتاب پرنده نوپرواز). از طرفی دیگر حسب گزارش مشاهدات سه روزه بعد آمده است که احداث پایگاه جنگلی سپاه به اتمام رسید (ص ۷۱ و ۷۳)؛ در واقع نیروهای سپاهی و کمیته در یک پایگاه موقت و زپرتی دیگر- در حال ساخت جنگلی- با کمترین استحکامات مستقر شدند.

در محیط جنگل، ساخت اسلحه‌خانه، سنگرها و آسایشگاه اگر بتنی یا آجری بود، چند هفته به درازا می‌کشید. از طرفی دیگر، شلیک موشک آرپی‌جی مهاجمین به یک درخت در قسمت پایین پایگاه اصابت کرده که مدت‌ها پروانه و چتر موشک روی آن درخت مانده، مربوط می‌شود؛ نه این‌که به چادر اسلحه‌خانه (اسلحه‌خانه و چادری هم وجود نداشت) اصابت کرده باشد. به مدافعین پایگاه که رزمندگان جوان، مقاوم و آموزش دیده بودند؛ از سوی فرماندهان قبلاً تأکید شده بود که با توجه به موقعیت حساس و اهمیت کنترلی پایگاه و توجه ویژه دشمن به آن، به هیچ وجه، حتی اوقات خواب، قضای حاجت و موقع نماز، سلاح را از خود دور نکنند؛ این یک دستور بود.

۴- تیراندازی‌های پراکنده و سکوت پاسداران و رزمندگان پایگاه رزکه هم به خاطر تأکید و یادآوری فرماندهان عملیاتی جنگل به رزمندگان و پاسداران پایگاه با توجه به

شرایط مکانی و اهمیت آن و حساسیت رزم جنگل بود، نه از روی ترس یا غافلگیری؛ چون موقعیت اتحادیه کمونیست‌ها در بلندی نسبت به پایگاه‌ها قرار گرفته و تسلط مکانی داشته و در مسیرها نیز کمین قرار می‌داد. با این شرایط، هرگونه امکان کمک و پشتیبانی به رزمندگان اسلام، سخت، محدود و زمان‌بر بود.

۵- از نیروهای کمیته، سپاه و مردمی مستقر در پایگاه‌های مستقل و کنترلی رزکه، هیچ‌گاه شهید نشدند، همه با شجاعت و سلامت تمام مقاومت کردند. رزمندگان اسلام حداقل دو نفر تلفات و زخمی از دشمن گرفتند که آثار خون و سلاح و مهماتشان نیز در آن اطراف باقی مانده بود. گزارش دروغ از صحنه، به جهت پوشش بار روانی و کم‌رنگ نشان دادن تلفات و زخمی‌هایتان بود که اعضا بناچار، پیکر نیمه جان یکی را در راه انتقال به تهران، در خرابه‌ای کنار جاده هراز - رودهن رها کردند (ص ۷۵ تا ۷۶).

۶- دیگر این‌که روز قبل از درگیری، در حالی که پاسداران در حال احداث و تحکیم پایگاه رزکه بودند، شش تن از فرماندهان عملیاتی جنگل از جمله طوسی (شهید)<sup>۱</sup>، محمدیان (شهید)<sup>۲</sup> و فارابی (مرحوم) برای بازدید از پایگاه‌های عملیاتی جنگل منطقه آمده بودند. پس از بازدید از پایگاه جنگلی محمدآباد برای انداختن ترس در دل دشمن، فاصله بین دو پایگاه و مسیر محمدآباد تا رزکه را پیاده، از طریق داخل جنگل آلوده به حضور دشمن، با آرایش نظامی طی کردند (در حالی که خبرها حاکی از گشت‌های اتحادیه به استعداد پنج نفر بود. به نیروها نیز تاکید شد که احتمال حمله دشمن در این روزها صد در صد است و آنجا محمدیان (شهید) به عنوان فرمانده پایگاه معرفی شد).

۷- شهدای والامقام مورد ادعا (تشییع شده در آمل)، از شهدای جبهه‌های جنوب (جبهه اول) و مناطق کردنشین (جبهه دوم) بودند که توسط عوامل بعثی و گروهک‌های محارب در دفاع از انقلاب اسلامی، استقلال و تمامیت ارضی و ناموس مردم به درجه شهادت رسیده بودند (نه این‌که از درگیری مسلحانه عوامل اتحادیه کمونیست‌ها باشد که، در همان راستا و اهداف جریانات ضد انقلاب، کشور و ملت ایران، در آمل گشودند):

<sup>۱</sup> سردار محمدحسن طوسی قائم مقام و مسئول اطلاعات عملیات لشکر ویژه ۲۵ کربلا، برادر دو شهید، در شلمچه (۱۳۶۶) به فیض شهادت نایل آمد.

<sup>۲</sup> سردار رحمت‌الله محمدیان در عملیات تعقیب و گریز معدودی کمونیست‌های متواری از گرداب ۶ بهمن آمل، در ۱۸ بهمن ۱۳۶۰ گزناسرا به شهادت رسید.

اگر قدری غیرت و شرف در بین آنان بود، از آب و خاک و ناموس مردم در مرزها و در مقابله با عوامل بعثی و غیربعثی دفاع می‌شد نه اینکه با باز کردن جبهه سوم در سرزمین مدافعین جبهه‌های اول و دوم، و با شهادت رساندن فرزندان پاک و غیور منطقه به حمایت اشغالگران بعثی و عوامل استکبار جهانی بپردازند. از بررسی آمار موجود بنیاد شهید و امور ایشارگران نیز جالب است بدانیم که، کل تعداد شهدای آذرماه سال ۱۳۶۰ آمل، فقط از جبهه‌های اول و دوم کشور ده شهید آمده بود؛ نه بیشتر. این‌که اعلام شد، فردای روز درگیری، هشت نفر در آمل تشییع جنازه شدند! در حالی‌که در آمار شهرستانی همانند آمل هم به یاد افراد مرتبط و مطلع نمی‌آید در آن سال‌ها (به‌جزء تشییع شهدای روز ششم بهمن سال ۱۳۶۰ و حتی از شهدای تازه تفحص شده)، هشت نفر در یک روز و یک‌جا به آمل منتقل یا تشییع شده باشند.

### ۳- سایر وقایع جنگل آمل (آذرماه)

در آذرماه ۱۳۶۰، کمونیست‌ها قبل از تاسیس پایگاه جنگلی دو بار به بهانه خرید به حوالی بقالی روستای «رزکه» آمدند.<sup>۱</sup> در اقدامی مشکوک خواستند اطلاعاتی را از دختری ۱۹ ساله محلی راجع به فروشنده مذکور بگیرند؛ اما اقدام بموقع این دختر شجاع و فهیم (که از خانواده‌ای مقید و انقلابی بود) موجب گردید، فروشنده کرکره مغازه‌اش را پایین بیاورد... نیروهای گشت سپاه و کمیته نیز به سرعت وارد عمل شده و خود را به روستا رساندند. کمونیست‌ها این‌گونه متعجب شدند که:

«با وجود این‌که رفقایشان به جنگل برگشته بودند، نیروهای جمهوری اسلامی به این سرعت و بدون ملاحظه چنین اقدامی انجام دادند؟!» (ص ۷۱).

از حرکت این دختر و مغازه‌دار هم درس نگرفتند، چون شیفته و مغرور به همان تفکر خودساخته و ذهنی «ارثش خلقی» بودند.

صحبت از ارتباط با برخی جوانان روستای «رزکه» به نظر از آن شانتاژهای انقلابیون مدعی خلق و توده مردم است؛ اسلحه نیز همراهشان نبود که اگر بود، در نوپرواز و اطلاعیه‌های آن وقت حتماً قید می‌شد. اما دخترک احساس خطرش مهم بود که قبلاً نیز از طریق خانواده پیش آگاهی داشت، به‌ویژه از جریانات ترورها بی‌خبر نبود. برگردیم به تماس شما با کارگران معدن سنگ‌دَرکا در عمق جنگل بالادست که

(ارتش خلقی!) چه سوالات فنی و ارزشی که از کمونیست‌های خلقی نکردند؟! فقط با اعضای اتحادیه کمونیست‌ها درگیر نشدند (همان: ص ۷۱ و ۷۲).

همچنین مهم است بدانیم: عملیات ۲۲ آبان ۱۳۶۰ رزمندگان اسلام یک برجستگی مهم داشت که دشمن بناچار در اطلاعیه‌های دیر هنگام ۱ و ۲ در آذر ماه و هم در پرده نوپرواز به آن اقرار کرد {همانند ۱۸ آبان}: «زمان و صحنه جنگ توسط خودمان تعیین نشد در واقع رژیم به ما تحمیل کرد. بعد از مشاهده ما در سطح رزکه، رژیم تصمیم به احداث پایگاه نظامی سپاه در بالای این روستا گرفت... پس از ۲۲ آبان بود. آنها در مقابله با استراتژی ضدچریکی را در پیش گرفتند. یعنی محاصره اقتصادی و نظامی مانع حمل آذوقه به جنگل شدند. برای جلوگیری از رفت و آمد ما تقریباً در هر نقطه استراتژیک و بالای هر روستا پایگاه نظامی ایجاد کردند» (صص ۶۳ تا ۶۶) که در واقع این مطالب صحیح است (نه بند مورد اشاره بالا). کمونیست‌ها از این پس منفعل و در پنج گروه بیست نفره مستقل در سطح جنگل منطقه پراکنده شدند.

اما در ادعای بیست آذر ۱۳۶۰ آمده «به پایگاه رزکه نزدیک شدند. نیروهای سپاه با قطع درختان و ایجاد سنگرهای دفاعی توانسته بودند، پایگاه خود را مستحکم کنند. آن زمان هنگام تعویض پست بود. تعدادی از پاسداران دور واتی را گرفته بودند. رفقا از فرصت استفاده کرده و با خالی کردن چندین رگبار حدود دوازده نفر را کشتند و سریعاً عقب نشستند» (صفحه ۷۱). با این وصف، در سه-چهار روز آذر ماه، کمونیست‌ها ۳۲ نفر از رزمندگان اسلام را در این پایگاه و اطراف آن کشتند! باید گفت: در دو درگیری اطراف رزکه، فقط یک نفر پاسدار کمیته ا.ا. اهل روستای مرزان کلا زخمی سطحی برداشت که هم‌اکنون جانباز ده درصد است. از چند پایگاه جنگلی و از جمله سه پایگاه شامل غرب رزکه (مربوط به ژاندارمری) و جنوب غربی (دو پایگاه موقت و جدا از هم سپاه) هیچ‌گاه شهیدی نداشتیم.<sup>۱</sup> یا این که کمونیست‌ها

<sup>۱</sup> در طول سال‌های ۶۱-۱۳۶۰ از چند درگیری و مقابله با حضور دشمن در داخل یا حاشیه جنگل آمل، ۲۶ شهید تقدیم انقلاب اسلامی شد که ۲۲ شهید آن، مربوط به سه عملیات و درگیری منگیم در جنوب امام‌زاده عالیکیاسلطان (آبان ۱۳۶۰)، گشت نظامی منگیل دره (خرداد ۱۳۶۱) و حمله به شیم‌کوه (اسفند ۱۳۶۱) بود. چهار شهید دیگر جنگل مربوط به (۱۸ آبان، ۲۴ آبان از گروه حرمتی‌پور و ۱۸ بهمن سال ۱۳۶۰) است. اما در روز ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل ۴۱ شهید، هر یک ربع ساعت یک شهید داشتیم که نزدیک به ۷۵ درصد شهدا از اقشار مختلف مردم - غیرمسلح بودند. این خود نشانه‌ای از سندی محکم بر خصوصیات ضد خلقی اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که جاودانه ماند. خون شهیدان سقا‌علیزاده ۱۳ ساله و سیده طاهره هاشمی ۱۴ ساله، چند دانش‌آموز دیگر ۱۵ ساله، همین‌طور دانشجو، کارگر و کشاورز، خیاط، پیشه‌ور و چاه‌کن، تعمیرکار و جوشکار و غیره، خیانت و جنایت کمونیست‌ها را برای همیشه تاریخ ثبت شده است.

به طور آشکارا و پنهان (به جز قصد خرید از رزکه) وارد روستاهای آمل شده باشند، تا کنون گزارشی به دست نیامده و در پرده نو پرواز هم چنین ادعایی نشد.<sup>۱</sup> در آن دوره رفیق شهاب خیلی تحت فشار بود. صد آدم جنگی گرسنه و تشنه، چشم به دهان سرکردگان خود دوخته بودند. او تلاش خود را به کار می‌برد که نظریه‌ها را با واقعیت بیان کند. همان اندازه از عمل سیاسی بدون پشتوانه نظریه انقلابی و در نتیجه، بی‌ثمر دوری جوید و گفتند: «براساس نقشه او باید حلقه نظامی رژیم را بشکنیم، به فرارگاهش ضربه بزنیم. به روستاهای اطراف جنگل برویم و مقرهای دشمن را تصرف کنیم یا لاقبل آنها را برای چند روز یا چند ساعتی تصرف کنیم تا نیروهای رژیم مجبور به عقب نشینی شوند... این بهترین و بی‌خطرترین و تنها راه رسیدن به شهر است و دیگر این که نیروهای خود را گسترش دهیم. کماکان همگی بر این باور بودیم که با رژیم بی‌ثبات، درمانده و مستاصل روبروئیم که امروزش به فردایش مشخص نیست. این رژیم تا آخر سال ماندنی نیست.» (صص ۶۶ تا ۶۹). «مشکلی حادی که جلوی ما قرار داشت، تامین آذوقه بود. برای دو هفته، به میزان کمی آذوقه داشتیم» (همان، ص ۷۱).

اما این نوع گفتار درمانی (روحیه بخش) سازمانی، درشت و سخیف نسبت به نظام ج.ا.ا. توهین به آرای مردم نیز هست. این تحرکات ایذایی و بالا بردن تلفات رزمندگان اسلام در آذرماه به چه ختم شد؟! «رکاک اسماعیل؟ ارزیابی کرد که حمله به پاسگاه امامزاده عبدالله از توان ما خارج است و بهتر است کمین در جاده امامزاده عبدالله گذاشته شود... اما عملاً چنین نشد» (۷۳ تا ۷۴)؛ در حالی که کمونیست‌ها آبان ماه دو بار در جاده هراز راه‌بندان داشتند. چه بلایی سر اتحادیه در آذرماه آمد که در یک جاده فرعی نتوانستند، حتی کمین بگذارند؛ به نظر مطالب مصرف داخل سازمانی داشت؛ و این جبران ضعف‌هایی بود که رزمندگان اسلام شرایط را بر دشمن تنگ کردند: «یکی از دو قاطری که داشتیم هم در اثر بی‌علفی در حال موت بود و مجبور شدیم آنرا بکشیم و بخوریم!» (ص ۸۱).

در حالی که روزهای آخر پاییز تا اوائل دی ماه، هنوز درختان جنگل شمال برگ دارند و زمین سبز است و علف و برگ‌های بوته و گیاهان دائم سبز، نظیر تمشک، دارواش و دارولک روی درختان که بهترین تغذیه برای چهارپایان هست (حضور دام، اسب و

<sup>۱</sup> از معدود روستاهای اطراف جنگل آمل، بزرگترین آن اسکومحله (شهر فعلی امامزاده عبدالله) بود؛ اما «رزکه» و «محمدآباد» در حاشیه جاده هراز از موقعیت سوق‌الجیشی برخوردار بودند. کمونیست‌ها هم هیچ‌گاه نتوانستند آشکارا و با حمل سلاح وارد این روستاها شوند.



قاطر دامداران بومی نیز شاهد مدعاست؛ با همه ادعای خلقی بودنشان که حمایت‌های مردمی زیادی از کمونیست‌ها بود، چطور دشمن عاجز ماند. بالاخره با چه شگردی خلقی (یا ضد خلقی)، برای جمعیت دائم رو به کاهش (۲۰۰ به ۱۰۰ نفر) افراد جنگجو و تفنگ به دست مواد غذایی تهیه و شکم‌شان را سیر کردند، به آن نیز می‌پردازیم.

در بیست آذر ۱۳۶۰ دستبرد مسلحانه به آذوقه قرقبانات، مالداران و کارگران ایستگاه طرح بهربرداری جنگل محمدآباد (جهادسازندگی) صورت گرفت. با تهدید اسلحه و خواباندن درازکش رو به زمین این افراد بومی و زحمتکش، مقداری برنج، گندم و جو و حبوبات و غیره، همراه قاطر (چاربی‌دارها) را به داخل جنگل برده شد. به این هم اکتفا نشد. اما با راهبندان جاده هراز از بار کامیون‌های محموله برنج و مرکبات و سبزیجات مردم، چیزی نصیب کمونیست‌های خلقی! نشد؛ با چپاول و دستبرد به خانه‌های روستاهای ییلاقی خالی از سکنه‌ی گزنه‌سرا، نوجمه، خشوآش و شکستن قفل در خانه‌ها، اموال مردم، حتی کفش و لباس‌هایشان سرقت شد. آن همه ادعای طرفداری از خلق و توده، کمک مردم به اتحادیه کمونیست‌ها به کجا رفت (یا اموال متعلق به مشتی زالوصفت، ارباب و فئودال یا آخوندها بود) که این هم نبود.

یک قلاده سگ همراه و مورد استفاده کمونیست‌ها، توسط تک تیراندازان گشتی‌های سپاه و کمیته (صرفاً برای تضعیف روحیه نیروهای دشمن) مورد هدف قرار داده شد، در تاریکی شب بعد، لاشه آن را برای تشییع جنازه و خاکسپاری باخود نبردند... بلکه برای جبران کمبود غذا، تهیه آبگوشت و کباب سگ استفاده شد.

#### ۴- اعترافات، شکست‌ها و رسوایی

اولین تحرکات نظامی کمونیست‌ها از نیمه‌ی دوم پاییز ۱۳۶۰ شروع و مهم تلقی می‌شود. بعد از ناکامی طرح اول حمله دشمن به شهر آمل در یوم‌الله هجده آبان ۱۳۶۰ که طرح کاملی عنوان گردید (پرنده نوپرواز: ص ۴۶)، به جهت آثار عملیات تهاجمی رزمندگان اسلام در بیست و دو آبان بر علیه افراد مسلح مستقر در جنگل مَنگِیلم (پنج کیلومتری جنوب امام‌زاده عبدالله)، عواقب سختی برای کمونیست‌ها داشت که حسب ضرورت به طور اجمال به آن می‌پردازیم:

این بار دشمن با تغییر «راهبرد استقرار»، تغییر موضع داد و حسب فشارهای مضاعف وارده بر آنان و محدودیت شدید دسترسی به آذوقه کافی در مضیقه قرار گرفته، و بار روانی زیادی را در توجیه نیروها با «راهبرد تحرک» متحمل شدند. بدین جهت دشمن

باوجود اطلاعیه‌ی نظامی دیرهنگام، پس از وقایع ۱۸ و ۲۲ آبان (و هم آذرماه) تلاش ناموفقی را برنامه‌ریزی و به اجرا گذاشت.

بعد از این همه گزافه‌گویی و تناقضات آذر ماه ۱۳۶۰، بگذارید پرده اصلی را کمی کنار بزنیم. از هزار و هشتصد صفحه اعترافات موجود اعضای اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران (پس از شکست ششم بهمن ۱۳۶۰) از یک‌طرف، همچنین اعترافات جداگانه رفقای دیرین، اعضا و سران حزب توده از طرف دیگر قابل تامل است. توطئه‌ها و اقدامات امنیتی آشکار و پنهان جبهه‌های کفر و نفاق، درس‌ها و عبرت‌های پنهان زیادی وجود دارد که در تاریخ ثبت شده است. گزینه‌هایی از این اعترافات، به‌نظر برای تقویت حافظه‌ی تاریخی نسل‌های آتی ضروری است (شعبانی، ۱۳۹۴: صص ۷۰۰ تا ۸۰۶)

در اعترافات ناصر تاجمیری‌یاحی سرکرده‌ی اتحادیه کمونیست‌ها است:

«کمونیسم چه در ایران و چه در دوره‌های گذشته و در این دوره و چه در سطح جهانی که بررسی کردم، هیچ‌کدام چیزی که بشود ازش دفاع کرد، ندارد.»  
 فرامرز طلوعی: «اتحادیه کمونیست‌ها جریانی بود که واقعاً به این انقلاب و به خصوص به مردم شهید پرور آمل ضربه زد. ما از اول ضد مردم بودیم و واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دادیم. ما می‌گفتیم جمهوری اسلامی را قبول داریم، ولی همان کاری را در کردستان (جبهه دوم) می‌کردیم که حزب دموکرات می‌کرد و یا می‌گفتیم، رهبر انقلاب را قبول داریم، از این‌رو، اکثر بچه‌ها بعد از حمله‌ی بزرگ نیروهای جمهوری اسلامی ایران در بیست و دو آبان ۱۳۶۰، از جنگل بریدند و رفتند و مرکزیت برای این‌که بچه‌ها را نگه دارد، دروغ می‌گفتند»، ادامه داد، (ریاحی می‌گفت):  
 «اعلامیه‌های سربداران در آمل، سی‌صد تومان (۱۳۶۰) به فروش می‌رسد. شب‌ها پاسداران نگرهبانی نمی‌دهند، مردم منتظرند که ما بیایم».

نادر فتاحی نفاق را قبل از سی خرداد ۱۳۶۰ جور دیگری ترسیم کرد:

«در همان موقع در جزوات داخلی عنوان می‌کردند که هرجا امکان مبارزه‌ی مسلحانه با جمهوری اسلامی باشد، باید به مبارزه بپردازیم».

رحیم ضرغامی و هم‌نسرین جزایری (به‌طور مشابه) گفتند:

«پیامی برای همه‌ی جوانان مملکت دارم که اگر ادعای طرفداری از مردم می‌کنند، این را بدانند که در درجه‌ی اول باید از مکتب و راهی که مردم به آن اعتقاد دارند، طرفداری کنند و گرنه دیر یا زود در مقابل مردم قرار می‌گیرند». کمونیست معروف رحیم ضرغامی گفت:

«وقتی وارد جلسه دادگاه شدم، جلوی درب ورودی، کفش‌های لاستیکی و کهنه‌ای را دیدم که نشان‌دهنده‌ی مستضعف بودن صاحبان آن خانواده شهدا بود. پیش خودم فکر کردم، واقعا ما در مقابل چه افرادی ایستادیم. این جریان مرا تحت تاثیر قرار داد. ما راه‌مان باطل بوده». از محمدحسین علی‌آبادی هست:

«الان جمهوری اسلامی در مقابل قدرت بزرگی ایستاده، هرکس با آن مخالفت کند. اگر وابسته به آمریکا و سیا نباشد، لاقبل بازخورده این امپریالیزم خواهد بود».

از ضیا عبدالمنافی نیز چنین آمده: «چون ضد رژیم (شاهی) بودم، متاسفانه به انحراف افتادم. البته سال‌ها مقاومت کردم؛ بعد به انحراف افتادم. در حقیقت من در مقابل خانواده‌های شهدا، حاضر نیستم هیچ دفاعی از خود بکنم، چون معتقدم خیلی حقیرانه است. بعضی از ما این قدر پست و نانجیب و غیرانسانی بودیم که هنوز خون این برادران لُرو خواهران در ۶ بهمن شهر و زخمی‌های بجا مانده از جنگل آمل: ۲۲ آبان ۱۳۶۰ و ۱۳ خرداد ۱۳۶۱<sup>۱</sup> خشک نشده. آن قدر آنجا وحشی‌گری شد که من عارم می‌آید. فکر می‌کنم، هیچ‌کس حتی اگر مسلمان نباشد چنین کارهایی نکند. توجیه این وحشی‌گری‌ها هم غلط است. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم کارهای ما از کارهای سیا هم بالاتر است». منصور قماش لنگرودی گفت:

«آشنایی من با تفکر مارکسیسم، در خارج کشور شکل گرفت و در نتیجه‌ی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که ما دین را افیون ملت‌ها می‌دانستیم، ضربه‌ای به اندیشه‌ی من خورد و ایمان مرا به مارکسیسم که اساساً به عنوان یک فلسفه‌ی سیاسی برایم مطرح بود، متزلزل کرد». محمدرضا س. (آملی) چه گفت:

«در شهر آمل، خودم دیدم که مردم چه به روزمان آوردند. چه دروغ‌ها که نگفتیم و عملاً صد و هشتاد درجه برعکس نشان داده بودیم. در شب ششم بهمن ۱۳۶۰، از حدود چند هزار جمعیت محله‌ی رضوانیه بیش از چهل - پنجاه نفر را ندیدم و این‌ها هم از ما حمایت نمی‌کردند. علت این‌که من از این جریان کمونیستی منزجر شدم، این حرکت مردم بود. در واقع اولین معلم من، همین مردم بودند. مردم با قیام خودشان توانستند به من درس بدهند. مردم هیچ حمایتی از ما نکردند».

هادی افتخاری نیز اظهار داشت:

«همین قدر را می‌دانم من خائن بالفطره نبودم. من قصد خدمت، هوادار گروهک‌ها شدم، ولی در عمل خاین از آب درآمدم». کمونیست سلطان‌علی سالار گفت: «واقعاً

<sup>۱</sup> منبع: مرکز اسناد «ستاد مردمی حماسه اسلامی آمل»

اشتباه کردم. اگر اعدام شدم شما از انقلاب دست نکشید و قدر انقلاب را بدانید و مقلد امام باشید. به جمهوری اسلامی ایمان پیدا کردم. اگر اعدام شدم، نگویید جمهوری اسلامی مرا اعدام کرد، بلکه سازمان مرا اعدام کرد. مطالب خودم را در جزوه‌ای به نام "سیاست رسوا" نوشتم».

برگردیم به نکات پرنده نوپرواز (صص ۱۷۱ تا ۱۷۸):

از جنایات هولناک، شکنجه‌های فجیع و زدن تیر خلاص به سه پاسدار (مجروح و بجا مانده از تاریکی شب درگیری جنگل مَنگِل‌دَرّه - سیزده خرداد ۱۳۶۱) اظهارات صریح است که دیگر:

«امکان حفظ یک دسته نظامی در جنگل و تضمین ادامه فعالیت نظامی تحت آن شرایط برای ما وجود نداشت... ریاحی که {تا آن وقت} زنده مانده بود، از نظر ایدئولوژیک - سیاسی دچار ابهام و گیجی بود... مسأله‌ای که ما را ناتوان از یافتن چاره‌ها و راه‌حل‌ها می‌کرد، خط ایدئولوژیک - سیاسی ما بود». همچنین در این بخش کتاب پرنده نوپرواز گوشه‌ای از دفاعیات رفیق ریاحی آمده:

«دفاعیات او، قیام را بعد از سی خرداد ۱۳۶۰ و حرکت مسلحانه را به تحلیل غلط سازمان، و به بعد از سی خرداد منتسب کرد و از پیامدهای آن ابراز تاسف کرد». این بیانات مکتوب و صریح ولی متناقض «پرنده نوپرواز»، از جمله دوران خط و نشان‌ها یا گزافه‌گویی‌های بخش‌های آذرماه ۱۳۶۰ را با سال ۱۳۸۲ (و هم اکنون) بیشتر آشکار می‌کند که «به طور مشخص شکست قیام آمل و شکست‌هایی که همراه شده بود با اوج بحران جنبش کمونیست بین‌المللی» هم در نوع خود جالب است...

همین‌طور در ادامه کتاب (۱۳۸۳) با طرح سوالی ضمن ارزیابی عوامل شکست خود در خطه‌ی شمال و آمل اعتراف می‌کنند که در اوج محرومیت‌های رژیم ستم‌شاهی در شمال کشور مشکلاتی داشتیم:

«شرایط مناسب نبود: در جنگل مردم زیادی ساکن نبودند و تعداد کمی روستا حول و حوش منطقه‌ی جنگلی موجود بود. جنگل از نظر استتار و پوشش نظامی موقعیت استثنایی دارد، اما انبوه درختان هیچ‌گاه نمی‌تواند قلت توده‌ها را جبران کند... و اگر رهسپار راه دور و دراز هستیم، باید به پای‌افزار مناسب بیاوریم؛ در غیر این صورت به هدف دست پیدا نخواهیم یافت» (صص ۱۸۹ تا ۱۹۲).

آنها هیچ‌گاه به اهداف‌شان، نه در شهر و نه در روستاهای آمل نیز دست نیافتند... نتایج و درس‌های آخر اتحادیه کمونیست‌ها در مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی در

جنگل‌های آمل می‌تواند این باشد که از کلام دیرهنگام ناصر ریاحی از سرکردگان این گروهک محارب است:

«ما از شما شکست نخوردیم، بلکه از اسلام شکست خوردیم» (سیاحی، اسماعیل: ۲۱۰، ۱۳۹۶).

چگونه «پرنده نو پروازها» از سال‌ها قبل‌تر آن و کتاب خود «انتقادی بر مشی چریکی در ایران - سال ۱۳۵۴» و تحولات سریع جهانی در دهه‌های اخیر، از جبهه مقاومت ملت‌ها و مستضعفان عالم در منطقه و اقصی نقاط کشور درس عبرت نگرفته‌اند، بماند. به نظر جای تعجب و تاسف هم نیست. شاید هنوز با زندگی آرام‌شان در غرب تحت عنوان حزب کمونیست م. ل. م. ایران از غرب و پناهنده‌گی از آلمان ارتزاق قلمی می‌کنند.

#### ۵- نتیجه‌گیری

ناکام گذاشتن اولین تحرکات غافلگیرانه و ضد امنیتی اتحادیه کمونیست‌های ایران موصوف به طرح اول حمله (۱۸ آبان شصت) به شهر آمل (با توان ۲۰۰ نفره) توسط سه نفر نیروی کمین رزمندگان سپاه و کمیته انقلاب اسلامی آمل در موقعیت خروجی جنگل (شهید ولی‌الله کارگر - اولین شهید جنگل آمل) اقدامی تعیین کننده بود. با پیش‌بینی و تدارکات قبلی، رزمندگان اسلام - ظرف سه یا چهار روز بعد - به سرعت مہیای انجام عملیات تهاجمی و گسترده محاصره محل استقرار دشمن در جنگل مَنگِلِم شدند که شرایط و تحرکات کمونیست‌ها را به کلی تغییر داده و انفعالی کرد. پس از یک دوره شکیبایی (مهر و آبان) در مقابله با تجمع مشکوک آنان در جنگل منطقه، مقامات امنیتی اقدامی عاجل به عمل آوردند؛ لیکن درستی و تناقضات کلامی و سردرگمی (۱۳۸۳) نه تنها چندان کم نشد، بلکه در چینش پیوسته‌های کتاب‌گزینشی عمل شد. مطالب مهم زیر قابل استنتاج و مورد تاکید است:

۱- پس از یکی دوماه حضور در جنگل، محاربه‌ی اتحادیه کمونیست‌ها در جنگل علنی، ولی در جنگل محاصره شده و گیر افتادند. به روایتی خواستند، خود را فعال نشان دهند و برای نگه‌داشت نیروهایشان در جنگل تجدید روحیه کنند که موثر نبود. چند اقدام ایدایی بی‌ارزش و پراکنده ضد خلقی (آذر ماه) به پایگاه‌های جنگلی و امکانات مردم منطقه، حتی به زعم خودشان در بخشی از همین نوشتار (۱۳۸۳) موفق نبود. لیکن درستی و تناقض‌گویی‌های اطلاعیه‌های پایایی و دیرهنگام نظامی ۱ و ۲

آنان پیرامون وقایع آبان و آذر ماه سال ۱۳۶۰ در کتاب پرنده نوپرواز به آن استناد و بازتکرار شد. از جمله اشاراتی مبنی بر جولان خلقی بودنشان و جذب برخی جوانان روستاها که واقعیت نداشت. این بار نیز همان آمارهای غیر واقعی (۱۳۶۰)، تلفات رزمندگان اسلام را نجومی ارایه کرد. به نظر این‌ها برای خوراک تبلیغاتی و کیفیت حضورشان در غرب به رخ کشیده شد.

۲- آذرماه سال ۱۳۶۰، ایام سرنوشت‌ساز و سختی برای دشمن (اتحادیه کمونیست‌های ایران) بود. از یک طرف با چنگ و دندان نشان‌دادن‌های مضحک و بی‌ثمر، از طرف دیگر تلاش زیادی برای زنده‌ماندن و بقا در جنگل داشتند (که نیاز به یک مطالعه و بررسی عمیق و جداگانه دارد).

۳- این ناکامی‌های مداوم با مواضع شدیداً انفعالی دی‌ماه و تغییر مکرر استراتژی دشمن نیز ربط داشت. البته قبل از شبیخون دوم به شهر آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)، چند زخمی و حداقل سه کشته (دو فرمانده) تلفات آنان در سطح جنگل بود. در درگیری سیزده دی‌ماه آن سال، با کشته‌شدن اکبر اصفهان، از فرماندهان یک گروه چریکی بیست نفره در مقابل با هفت نفر از گشتی نیروهای طرح جنگل آمل، نتوانسته‌اند جسدش با خود ببرند (جا گذاشتند)، حتی فرصت تخلیه مدارک مهم داخل پوتین و جیبش را نیافتند.

۴- مهم‌تر این‌که ناکامی‌های پیایی ادامه داشت، همراه با کاهش روحیه افراد مسلح، موجب فرار تعدادی زیادی از کمونیست‌ها، و خروج آنان از سطح جنگل شد. بناچار با ادامه‌ی رویکرد قبلی (و جهت تجدید روحیه به اعضا)، نسبت به اجرای طرح حمله دوم به شهر آمل با یکصد نفر (نصف توان ۲۰۰ نفره هجدهم آبان) دست به انتحار دیگری در گرداب ششم بهمن سال ۱۳۶۰ زدند.

می‌شود گفت: نه تنها رژیم هیچ‌گاه مستاصل و درمانده و بی‌ثبات نبود. بلکه مهاجمان به استقلال و تمامیت ارضی و سربلندی یک ملت، بارها مستاصل شدند؛ بعدها نیز هرچه توانستند... به در بسته خوردند. می‌خواستند، خیلی از گنجی و ناتوانی‌های خود را در مقابل اراده یک ملت، پشتیبانی دلاورانه و ایستادگی رزمندگان اسلام تا حدودی سرپوش بگذارند، ولی نشد. در ششم بهمن آمل دو- سوم آنان کشته یا دستگیر شدند، با این‌وصف پنج- ششم نیروهای آبان را در سطح جنگل از دست دادند و ضربه محکمی به یک- ششم بازمانده بود... که آن هم در عملیات محدود دیگر تار و مار یا بعدها دستگیر شدند. گویا باز ادعاهای دیگری را روانه بازار تبلیغات غرب می‌کنند، با سخن‌پراکنی‌ها و گزافه‌گویی‌هایی آلوده به مکر و حيله، شاید تداعی اتحادیه و

نوپروازهای دیگر دارند. به عبارتی هیچ‌گاه عبرت نمی‌گیرند. یک بار نیز به محتوای کتاب دیگرشان انتقادی بر مشی چریکی در ایران سال ۱۳۵۴ دوران ستم‌شاهی پهلوی هم اگر نظری شود... قبول می‌کنیم که، مطالب «پرنده نو پرواز» با نتیجه‌گیری پایانی آن (از آن التهاب و هیجان جوانی سال شصت نه مقدار کمی، بلکه بیشتر خارج می‌شود)؛ اما هم‌خوانی ندارد.

بی‌شک نوجوانان و جوانان از راه رسیده مکتب سلیمانی، جای رزمندگان گردان‌های یاسر و روح‌الله سال ۱۳۶۰ را در طوفان‌الاقصی و جبهه مقاومت بسیج و پاریس و لندن و آمریکا گرفته‌اند. اما باز دشمنان اسلام، تحولات جهانی را چندان مناسب حال و روز خود نمی‌بینند، چون به مصابه آیه شریفه قرآن کریم «صم بکم، عمی و فهم لایرجعون» هستند، آنان کر و لال و کورند، بنابراین از جبهه کفر و نفاق بر نمی‌گردند (آیه ۱۸ سوره مبارکه بقره).

از این‌رو می‌پذیریم، سخن‌پراکنی‌های سال ۱۳۸۳ هم احساسی و التهابی از سر‌غرور بود، اما به نظر چاره‌ای نداشتند، چون نشریه‌ها و اطلاعیه و پیام‌های قهرمانانه آن سال‌ها نیاز به چاشنی دیگر داشت تا کمی جرم اعضای اتحادیه کمونیست‌ها را نه، رفقای حزب جدید کمونیست؛ مارکسیسم، لنینیسم و مائوئیسم ایران در آلمان را سبک کنند. اما تحولات دیگر جهان چند قطبی نشان داد، این بار هم شکست خوردند.

از این‌رو، دلسوزان و کارشناسان مطلع در جهاد تبیین رسالت دارند که نگذارند به تدریج و با حرکت لاک‌پشتی جای جلا و شهید عوض شود. نقد و بررسی جامع و علمی از کل مطالب و اقدامات آنان و دیگر گروهک‌های معاند و محارب، همراه با اقدامی حقوقی را از مقامات جمهوری اسلامی و دانشگاهیان و اندیشمندان مسلمان به عنوان یک مطالبه جدی خواستاریم، تا در راستای آثار فاخر و روح‌بخش کلام امامین انقلاب اسلامی و در تراز جهانی جاودانه بمانند.

### فهرست منابع:

- پایگاه اطلاعاتی عصر ایران (۱۴۰۱)، «لنین؛ آن که گفت- هدف وسیله را توجیه می‌کند و ...»؛ فرتاش، احمد
- اتحادیه کمونیست‌های ایران (۱۳۵۴)، انتقادی بر مشی چریکی در ایران، اتحادیه کمونیست‌های ایران، بی‌نام، صص ۸ و ۱۲
- حزب کمونیست ایران (۱۳۸۳)، پرنده نوپرواز، چاپ آلمان- چاپ اول، به‌ویژه صص ۶۳ تا ۸۲ و ۱۷۰ تا ۱۹۴
- خانی، مهدی (۱۳۹۹)، روای انقلاب سوم، صص ۴ تا ۷، تهران، انتشارات نخبگان
- زندی، محمد علی (۱۳۹۳)، «اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران»، سایت پژوهه (بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی - پژوهشکده باقرالعلوم ع)
- سپاه منطقه استان‌های شمالی (۱۳۶۱)، حماسه آمل، فصل اول (عملکرد کمونیست‌های ایران)؛ ساری
- سیاحی، اسماعیل (۱۳۹۶)، نماز باور، ص ۲۱۰، ساری، سرو سرخ
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۰۰ تا ۱۸۲، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات
- محمدی‌فر؛ مهدی (۱۳۹۵)، جبهه‌ی شمالی (در رابطه ساختار و تشکیلات گروهک اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران)، ساری، سرو سرخ، ص ۶۰
- مرکز اسناد ستاد حماسه آمل (گزارش‌ها و پرونده‌ی شهدا- صوتی و متنی، فیلم و عکس) شامل:
- دبیریان، علی‌اصغر و دیگران (۱۴۰۲)، مجموعه مصاحبه‌های زندگینامه‌ی شهید علی اوسط محمدی، (بخش نقش جهاد در حماسه آمل)
- مجموعه اسناد و یادداشت‌های مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه آمل- روایت فرماندهان پیرامون عملیات جنگل
- گزارش شمیم‌کوه/ پایان عملیات جنگل آمل (اسفند ۱۳۶۱)؛ حماسه‌ی اسلامی مردم آمل/ شکست تفکر کمونیستی
- کردی، علی (۱۳۹۱)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل (فصل اول)؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، تهران



## رویکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران در قبال جریان مذهبی

فاطمه لطیفی<sup>۱</sup>

محمد رادمرد<sup>۲</sup>

### چکیده

اتحادیه کمونیست‌های ایران یکی از گروه‌های چپ با مشی مائوئیستی بود که در اواسط دهه ۱۳۵۰ در پی ادغام گروه‌های کمونیستی شکل گرفت و یک نشریه سیاسی به نام «حقیقت» انتشار داد. این اتحادیه ابتدا علیه رژیم شاه و سپس علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کرد و مهم‌ترین وظیفه خود را سازمان‌دهی تشکل‌های پنهان و گسترده انقلابی ایران می‌دانست و بدین ترتیب همه کمونیست‌هایی را که از نظر ایدئولوژیک با آنها همبستگی داشتند به همکاری فراخواند. پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که رویکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران در قبال جریان مذهبی چگونه بوده است؟ این اتحادیه، جریان مذهبی و به طور خاص حزب جمهوری اسلامی را «ارتجاعی» و «کودتایی» توصیف می‌کرد و آن را فاقد مشروعیت می‌دانست. این درک واژگون را می‌توان در روزنامه ارگان این حزب (حقیقت) مشاهده کرد. اتحادیه کمونیست‌های ایران از یک‌سو با استفاده از روزنامه حقیقت و انتشار اخبار و تحلیل‌های منفی در مورد نظام، جریان مذهبی و حزب جمهوری اسلامی تلاش کرد تا اعتراضات عمومی را بالا ببرد و از سوی دیگر، با حضور در تظاهرات و فعالیت‌های ضدنظام، سعی در تغییر حکومت داشت. در این مقاله با رویکردی مقایسه‌ای فضای حزب جمهوری اسلامی و اتحادیه کمونیست‌های ایران را ترسیم کرده و رویکرد این اتحادیه در مورد نیروهای مذهبی و حزب جمهوری اسلامی را توصیف و تحلیل می‌کنیم. براین اساس پژوهش حاضر با تأکید بر چارچوب مفهومی «مشروعیت» به قیاس جایگاه دو جریان مذهبی و اتحادیه کمونیست‌های ایران در آن زمان جامعه ایران می‌پردازد. این مقاله با روش مقایسه‌ای و شیوه گردآوری اسنادی-کتابخانه‌ای انجام خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** حزب جمهوری اسلامی، اتحادیه کمونیست‌های ایران، ۶ بهمن آمل، انقلاب اسلامی، روزنامه حقیقت

---

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران Fatemehlatifi1398@gmail.com

۲ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران radmard@umz.m.ac.ir

## مقدمه

تاریخ معاصر ایران همواره میدان مبارزه و تعامل جریان‌های سیاسی مذهبی، ملی‌گرا و چپ‌گرا بوده است. در این میان جریان‌های مذهبی و ملی‌گرا هرکدام توانستند در دوره‌ای به حکومت برسند؛ اما جریان‌های چپ‌گرا با اینکه از سال ۱۲۸۵ به اشکال گوناگون در صحنه سیاست کشور حضور داشتند هرگز نتوانستند به قدرت برسند و تنها در زمان‌های خاصی قادر بودند فعالیت‌های خود را گسترش دهند. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ ایران وارد یک دوره‌ی بسیار حساس از تاریخ خود شد. به تدریج اختلاف نظر میان گروه‌های سیاسی مختلف که قبل از انقلاب با حکومت شاه مبارزه می‌کردند آشکارتر شد و صف‌بندی‌های جدیدی شکل گرفت. در این میان برخی گروه‌های چپ از آزادی سیاسی و اجتماعی متلاطمی که بعد از انقلاب ایجاد شده بود، استفاده کرده و به دنبال سهم‌خواهی از قدرت برآمدند. از این رو بود که دست به سلاح بردند و حوادث مختلفی را در آمل، گنبد، کردستان، تهران و ... رقم زدند. یکی از گروه‌های چپ که واقعه مسلحانه آمل با نام آنها ثبت شده است؛ اتحادیه کمونیست‌های ایران (گروهی چپ با مشی مائوئیستی) بود. این گروه در اواخر تابستان ۱۳۵۵ شکل گرفت. این گروه به‌طور خاص پس از برکناری بنی‌صدر و تشکیل شورای ملی مقاومت به همراه برخی دیگر از گروه‌های چپ در مقابل جمهوری اسلامی ایران ایستاد. به گونه‌ای که اتحادیه با استقرار در جنگل‌های آمل و سپس تلاش برای تسخیر شهر آمل عملاً برای براندازی نظام جمهوری اسلامی وارد میدان شد. ولی این تلاش عملیاتی اتحادیه با رویکرد و عملکرد مردم آمل در ۶ بهمن ۱۳۶۰ با شکست مواجه شد (عزیزی، ۱۳۹۸: ۱۰۷)

در این راستا هدف این پژوهش فهم رویکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران در مواجهه با جریان مذهبی است که با رویکردی اسلامی به دنبال اداره کشوری انقلابی ایران بود. پژوهش حاضر این موضوع را مورد واکاوی قرار خواهد داد که رویکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران در قبال جریان مذهبی چگونه بوده است؟ در پاسخ باید تأکید کرد این اتحادیه، جریان مذهبی و به‌طور خاص حزب جمهوری اسلامی را «ارتجاعی» و «کودتایی» توصیف می‌کرد و آن را فاقد مشروعیت می‌دانست. برای بررسی این فرضیه ابتدا به بحث درباره مفهوم مشروعیت خواهیم پرداخت. سپس رویکرد انقلابی دو جریان چپ با تأکید بر اتحادیه کمونیست‌ها و جریان مذهبی با تأکید بر حزب جمهوری اسلامی را به بحث می‌گذاریم. سپس مواضع اتحادیه

کمونئیست‌ها در قبال جریان مذهبی را بررسی می‌کنیم و به نقد و بررسی مقایسه‌ای مشروعیت جمهوری اسلامی و این اتحادیه می‌پردازیم.

### چارچوب نظری: مفهوم مشروعیت

مشروعیت با نمایندگی و رضایت در امور سیاسی ارتباط دارد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۷۵) ماکس وبر برای اولین بار مفهوم مشروعیت را در قالب یک مفهوم کلی و عام بیان کرد. از نظر او مشروعیت بر «باور» مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد. قدرت فقط وقتی موثر است که مشروع بوده باشد. بی‌تردید، قدرت حق کاربرد اجبار را دارد اما این عنصر اصلی آن نیست. قدرت باید مشروعیت داشته باشد، در غیر این صورت با دشواری روبرو خواهد شد و بی‌تاثیر خواهد بود (عالم، ۱۳۸۰: ۱۰۵) از نظر وبر «دولت رابطه سلطه آدمیان بر آدمیان است؛ رابطه‌ای است که به وسیله خشونت مشروع پشتیبانی می‌گردد. برای آنکه دولت تداوم یابد، افراد تحت سلطه می‌باید از اقتداری که قدرت‌های موجود برای خود قائل هستند، اطاعت کنند» (بشیریه، الف ۱۳۸۲: ۴۲) به عقیده او مشروعیت سه منشأ دارد:

۱- سنت: مشروعیت ممکن است متکی بر اعتقاد گسترده به سنت‌های دیرین و بر نیاز به اطاعت از رهبرانی باشد که طبق سنت‌ها اعمال اقتدار می‌کنند.

۲- صفات شخصی ویژه: مشروعیت ممکن است مبتنی بر «هواخواهی از تقدس ویژه و استثنایی، یا خصلت قابل ستایش یک شخص» باشد.

۳- قانونیت: مشروعیت ممکن است بر این باور متکی باشد که قدرت بنا به قانون واگذار شده است. آنچه به طور قانونی انجام یافته مشروع دانسته می‌شود (عالم، ۱۳۸۰: ۱۰۷) وبر می‌گوید مشروعیت اساس تفاوت‌های واقعی شیوه اعمال قدرت است. هر قدرتی به طور کلی به توجیه خود نیاز دارد (مک لین، ۱۳۸۱: ۴۶۲) مشروعیت به معنی طبق قانون بودن یا قانونی بودن است (عالم، ۱۳۸۰: ۱۰۵) در این چارچوب مشروعیت عبارت است از اینکه که چه افرادی واجد شرایط نمایندگی قدرت سیاسی هستند، چه چیزی حکومت یا اعمال قدرت حکومت را مشروع می‌سازد، چه چیزی مردم را به مشروعیت یک حکومت معتقد می‌کند، چه چیزی تعیین کننده قانونی قدرت مشروع با جانشینی مشروع و بر حق قدرت است (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۷۵) به طور کلی مشروعیت نوعی باور است که به دو چیز بستگی دارد: مسلک‌ها و اسطوره‌ها. هر مسلک تصویر یک حکومت کمال مطلوب را ترسیم می‌کند. هر حکومتی که به این تصویر نزدیک باشد مشروع و حکومت‌هایی که با این تصویر

ناهمخوانی داشته باشند نامشروع تلقی می‌شود. لذا نوعی مشروعیت ماحصل عملکرد مسلک است. این مشروعیت می‌تواند سلطنتی، دموکراتیک یا کمونیستی باشد. مشروعیت از نوعی حکومت آرمانی با ارزش‌های مطلق تجرید نمی‌شود بلکه ضمن سنجش با یکی از مسلک‌های سیاسی به دست می‌آید (دوورژه، ۱۳۷۸: ۱۱۳) به عقیده استرنبرگر «مشروعیت بنیاد قدرت حکومت است که از یک سو حق فرمانروایی را به حکومت می‌دهد و از سوی دیگر حکومت شوندگان را از چنین حقی آگاه می‌کند» (عالم، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

به گفته فره رو مشروعیت «فرشته نامرئی شهر» است که با کسب اطاعت شهروندان، نظم اجتماعی و دولت را نهبانی می‌کند (دوورژه، ۱۳۷۸، ۱۱۴) مشروعیت به معنای توجیه عقلانی اعمال قدرت حاکم است و اینکه حاکم چه مجوزی برای اعمال قدرت خود دارد و مردم چه توجیه عقلانی برای اطاعت از حاکم ارائه می‌کنند. مشروعیت به معنای توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود مناسب‌ترین نهادها برای جامعه هستند. مشروعیت ارتباط تنگاتنگی با مفهوم تعهد و التزام به اطاعت دارد (وینسنت ۱۳۹۴: ۶۷) دیوید ایستون سه نوع مشروعیت را این گونه توصیف می‌کند:

**۱- مشروعیت ایدئولوژیک:** زمانی که منبع مشروعیت ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد، مشروعیت ایدئولوژیک نامیده می‌شود. نظام سیاسی در واقع تجسم کمال مطلوب‌ها، اهداف و مقاصد است که اعضای جامعه را در تفسیر راه و تبیین حال و داشتن تصویری از آینده در ذهن یاری می‌رساند. ایدئولوژی اهداف نظام سیاسی را اعلام می‌کند.

**۲- مشروعیت ساختاری:** هر نظام سیاسی اصولی در خصوص واگذاری قدرت سیاسی و اعمال اقتدار دارد و بر اساس این اصول از مردم می‌خواهد اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم را بپذیرند؛ اگر اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم پذیرفته شود، مشروعیت ساختاری ایجاد می‌شود.

**۳- مشروعیت شخصی:** اگر رهبران دارای شخصیت و رفتار برجسته‌ای باشند و مردم آن‌ها را قابل اعتماد و علاقه مند و متوجه به مسائل خود بدانند یا از آن‌ها بخواهند جامعه را به گونه‌ای دیگر اداره کنند و آن‌ها نیز قبول کنند، واقعیت غیر قابل انکاری پدیدار می‌شود که آن را مشروعیت شخصی می‌نامند (عالم، ۱۳۸۰: ۱۰۸)

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام ایدئولوژیک، بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی تأسیس شده است. چارچوب مشروعیت این نظام در نگاه ایدئولوژیک به

تعالیم اسلامی و انقلاب اسلامی وابسته است. بر این اساس، مشروعیت این نظام از منظر ایدئولوژیک به وضوح به این دو مولفه متکی است و از آنها حمایت می‌کند. این نظام با توجه به اصول اسلامی و انقلاب، خود را مشروع می‌داند و قدرت، اقتدار و اعتبار خود را از این منابع به دست می‌آورد.

### اتحادیه کمونیست‌های ایران

پیدایش کمونیسم در ایران، در دو عامل مهم یعنی پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و در پی آن حکومت بلشویک‌ها در روسیه و تأسیس حزب «عدالت» ریشه داشت. تلاش بلشویک‌ها پس از قدرت گرفتن برای صدور انقلاب به شرق، بسترهای لازم را برای گسترش سریع‌تر فعالیت‌های کمونیستی در ایران را فراهم کرد (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). حزب عدالت که در باکو به وسیله کارگران ایرانی مهاجر تأسیس شد، با گسترش فعالیت‌های خود به ایران پایه و اساس حزب کمونیست ایران را فراهم کرد. (احمدی، ۱۳۹۵، ۱۳۵) انتشار روزنامه «بیرق عدالت» که ارگان رسمی حزب عدالت بود نقش مهمی در موفقیت حزب داشت (ذبیح، ۱۳۷۸: ۴۵). حزب عدالت اولین کنگره بزرگ خود را در انزلی و در سال ۱۹۲۰ برگزار کرد و این در زمان گسترش جنبش جنگل و تهدید جدی آن برای حکومت مرکزی و انگلیس بود؛ در همین سال کنگره اسم عدالت خود را به نام «کمونیست» تغییر داد و رسماً از کانال جنبش جنگل وارد جریان‌ات سیاسی جامعه‌ی ایران شد و خود را معرفی کرد (عباسی، ۱۳۹۰: ۹۹). بنابراین در دهه ۱۳۰۰ حزب کمونیست ایران در ناآرامی‌های سیاسی فعال بود و در نهضت جنگل در گیلان سهیم بود (بهرروز، ۱۳۸۰: ۲۷). حزب فعالیت‌های مطبوعاتی گسترده‌ای را برای آشنایی بیشتر مردم با اهداف کمونیسم و جذب آن‌ها انجام داد. از جمله در سال ۱۳۰۰، روزنامه حقیقت به مدیریت محمد دهگان با شعار «رنجبر روی زمین اتحاد» منتشر شد. (کامبخش، ۱۹۷۲: ۲۹ - ۳۰) این واقعیتی غیرقابل انکار است که جدایی نهضت میرزا کوچک از آرمان‌های اولیه خود را نیز باید در چارچوب ورود کمونیست‌ها به ایران تحلیل کرد. (خلیجی، رادمرد، ۱۳۸۸) از این رو به باور نویسندگان این مقاله نیروهای چپ بیش از آنکه مشروعیت ساز بوده‌اند بیشتر کارکردی مشروعیت زدا داشته‌اند.

اگرچه این مقاله با هدف مرور جریان‌های کمونیستی در ایران نگاشته نشده است؛ با این حال لازم است تا به اختصار دومین گروه مهمی که جریان چپ در ایران نامور کرد نیز نامی برده شود. حزب توده ایران از همان ابتدا و با انتخاب عنوان برای خود

سعی در جذب نیرو از تمامی اقشار جامعه داشت (بیات، ۱۳۹۲: ۱۲) سازمان حزب توده نیز مانند احزاب کمونیست متشکل از یک کمیته مرکزی و یک کمیته نظارت بود. «کمیته نظارت» که به آن کمیته تفتیش نیز می‌گفتند از اختیارات بالایی برخوردار بود. کمیته مرکزی هم دارای اختیارات وسیعی بود و کنترل حزب را در اختیار داشت و از ۵ بخش هیات سیاسی، دبیران مسئول حزب کمیسیون، تشکیلات کمیسیون تبلیغات و انتشارات و کمیسیون مالی و اقتصادی تشکیل شده بود (همان، ۱۳۹۲: ۱۳) از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، حزب توده از یک مجمع روشنفکران کم تجربه به یک حزب توده ای و یک نیروی سیاسی که در خارج جدی گرفته می‌شد متحول گردید. اگرچه این حزب در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ توانست در صحنه سیاسی ایران نقش‌آفرینی کند و حتی در دولت‌های قوام و مصدق وزرایی را نیز راهی کابینه نماید، اما کودتای ۲۸ مرداد پایانی بر فعالیت‌های این حزب در ایران بود. فرار بسیاری از رهبران حزب به خارج از کشور و به طور خاص شوروی نشان داد که تفاوتی میان این حزب و حزب کمونیست سابق وجود ندارد و عملاً تعهد سران حزب به خارج از کشور بیش از داخل است. پس از این بود که جریان‌های چپ منشعب از جریان ملی‌گرا به عنوان سومین گروه چپ ایرانی وارد صحنه سیاسی ایران شدند. این جریان‌ها رویکردی مسلحانه داشتند و عملاً به واسطه شکست مبارزه سیاسی و با هدف برانگیختن مردم دست به سلاح بردند. مجاهدین خلق که عملاً نوعی التقاط فکری داشت و فدائیان خلق مهمترین این گروه‌ها بودند. اتحادیه کمونیست‌های ایرانی که موضوع این مقاله است را نیز باید ذیل همین گروه‌ها دانست. اگرچه این گروه‌ها با هدف برانگیختن مردم در راه مبارزه به میدان آمده بودند؛ اما گذشت زمان نشان داد در جامعه ایرانی فضای گسترده‌ای برای گسترش فعالیت‌های آنها مهیا نیست.

از آنجایی که بحث اصلی این پژوهش اتحادیه کمونیست‌های ایرانی است لازم است تا بر این گروه متمرکز شویم. اکثر کادرهای اتحادیه کمونیست‌های ایران عضو کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا بودند. این سازمان سیاسی یکی از نادرترین تشکلهای سیاسی ایران بود که شهرت جهانی داشت. این تشکیلات در سال ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ به وسیله‌ی عده‌ای از اعضای فراری حزب توده در اروپا و آمریکا تشکیل شد (کردی، ۱۳۸۶: ۲۵) اتحادیه کمونیست‌های ایران از ترکیب سه گروه چپ شکل گرفت که از اواسط دهه ۵۰ علیه حکومت محمدرضا پهلوی فعالیت می‌کردند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۷)

اولین گروهی که اتحادیه کمونیست‌های ایران تشکیل دادند «سازمان انقلابیون کمونیست» است نشریه کمونیست، ارگان این گروه مائوئیستی بود (کردی، ۱۳۸۶: ۳۳) این سازمان در سال ۱۳۴۸ توسط جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده راه‌اندازی شد. سازمان انقلابیون کمونیست در دهه ۱۹۷۰، جناح اکثریت را در تشکیلات دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در ایالات متحده داشت. بعلاوه بر بخش آمریکایی کنفدراسیون نیز تسلط داشت (عزیزی، ۱۳۹۸: ۹۵) این شکل ۵۰-۶۰ نفر از دانشجویان با ایدئولوژی مارکسیستی را به عضویت خود درآورد (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۰) این گروه برخلاف دیدگاه گروه‌های مائوئیستی چون توفان و سازمان انقلابی حزب توده که با فراخوان کنفدراسیون برای سرنگونی حکومت شاه مخالف بودند و علیرغم مخالفت با مبارزه مسلحانه، خواهان تغییر خط مشی کنفدراسیون با هدف سرنگونی حکومت شاه بود (عزیزی، ۱۳۹۸: ۹۵)

گروه «پویا» دومین گروه تشکیل دهنده اتحادیه کمونیست‌ها بود که در سال ۱۳۵۵ با همان گرایش‌ها پا به عرصه وجود گذاشت. گروه پویا بقایای گروه «فلسطین» بود. گروه فلسطین که یک گروه کوچک مارکسیستی بود برای مبارزه با حکومت پهلوی راه‌اندازی شد. این گروه شامل چند محفل روشنفکری و دانشجویی بود و عمده اعضای آن را دانشجویان تشکیل می‌دادند. آن‌ها اگرچه در آغاز دهه ۱۳۴۰ ملی‌گرا بودند ولی در اواسط دهه به مارکسیسم گرویدند. این گروه گرایش‌های مائوئیستی داشت و مبارزه مسلحانه را طبق الگوی چینی آن پذیرفته بود (بایرامی، ۱۳۹۴: ۱۵۶-۱۳۱)

گروه «زحمت» سومین گروه تشکیل دهنده اتحادیه کمونیست‌ها بود. گروه زحمت در خارج از کشور بنیان گذاشته شد و وارد ایران شد، در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تشکیل اتحادیه در داخل کشور، مدتی خود را با همین نام یعنی اتحادیه کمونیست‌ها و با نشریه «حقیقت» معرفی می‌کرد. ولی بعد از سال ۱۳۶۰ نام خود را به اتحادیه «انقلابی برای رهایی کار» تغییر داد و نام نشریه ارگان خود را «زحمت» گذاشت (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۸-۲۳۷) در نهایت، سازمان انقلابیون کمونیست و گروه پویا، بعد از یک دوره فعالیت مشترک و تلاش‌های ایدئولوژیکی سیاسی، در تیر ۱۳۵۵ تصمیم به وحدت کامل گرفتند و سرانجام در مهر ۱۳۵۵ سازمان اتحادیه کمونیست، از اتحاد این دو جریان تشکیل شد (خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

ایدئولوژی اتحادیه کمونیست‌های ایران در ابتدای تأسیس «مارکسیسم - لنینیسم» در کنار پذیرش اندیشه مائو بود و از چین به عنوان یک انقلاب جهانی و از مائو به عنوان رهبر زحمتکشان و کارگران دفاع کرد ولی با مرگ مائو و تغییر در سیاست

خارجی چین و انحراف در رهبری حزب کمونیست اتحادیه از ذکر اندیشه‌های مائو اجتناب کرد ولی مشی جنگ مردمی او را ترویج می‌کرد (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۱). اتحادیه کمونیست‌ها در نخستین شماره نشریه حقیقت که در ۱ مهر ۱۳۵۵ منتشر شد هدف خود را افشای بیرحمانه رژیم سلطنتی و اقدامات آن در ایران، گسترش آگاهی سوسیالیستی در میان طبقه کارگر و تسریع بیداری دموکراتیک و جنبش انقلابی و تسریع روند اتحاد ایدئولوژیکی، سیاسی و سازمانی کمونیست‌های ایران عنوان کرد (حقیقت، ۱۳۵۵ ش ۱) از نظر روزنامه این اتحادیه، مشکلات و معضلات جامعه ایران که ناشی از عقب ماندگی و وابستگی اقتصاد جامعه ما به گردونه بازارهای سرمایه‌داری جهانی است علت اصلی ظهور جنبش اجتماعی گسترده‌ای بود که در سیر تکاملی خود به انقلابی در سال ۱۳۵۷ منجر شد (حقیقت، ۱۳۶۰ ش ۱۴۲) در جریان انقلاب، با ورود بسیاری از خارجی‌ها به ایران، اعضای اتحادیه‌ی کمونیست‌ها هم به ایران آمدند و به «اتحادیه‌ی کمونیست‌های بخش داخل» معروف شدند (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۲) و رهبری آن را سیامک زعیب بر عهده گرفت (احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۸۷: ۴۵۳) مواضع اتحادیه پس از پیروزی انقلاب، نسبت به انقلاب و مسائل کشور، دوگانه و مبهم بود. آن‌ها در حالی که نظام برآمده از انقلاب را «ارتجاعی» می‌دانستند، از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و خودمختاری کردستان اعلام حمایت کردند و در مقابل نظام جمهوری اسلامی هم ایستادند (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۸)

### حزب جمهوری اسلامی

پیدایش جریان مذهبی در هر جامعه‌ای و از جمله جامعه ایران امری جدید نیست؛ زیرا باورهای انسان به خصوص باورهای مذهبی او می‌تواند قوی‌ترین سلاح در برابر ظلم و تضادها باشد میزان سرعت و رشد جریان‌های مذهبی و مبارزات آنان در هر منطقه به ساکنان آن بستگی دارد (داوود پور، ۱۳۹۰: ۲) جریان‌های مذهبی در ایران پیش و پس از مشروطه همواره حضور داشته‌اند. همچنان که نمی‌توان نقش علما را در مبارزات مشروطه و حتی پیش از آن در مقابله با امتیازاتی چون رژی نادیده گرفت. این گروه‌ها پس از سقوط رضاشاه نیز چه در قالب فعالیت‌های گروهی چون فدائیان اسلام و یا مؤتلفه اسلامی و چه در قالب حرکت‌های اثرگذار همچون ۱۵ خرداد و لایحه کاپیتولاسیون به رهبری امام خمینی به نقش آفرینی پرداختند. نیروهای مذهبی به خصوص علمای دینی با حمایت مردم از گروه‌های قدرتمند



مخالف محسوب می‌شدند و گروه‌هایی مانند جبهه ی ملی و نهضت آزادی هم سابقه‌ای طولانی در مبارزه علیه رژیم داشتند.

در جریان پیروزی انقلاب نیز این رهبری جریان مذهبی بود که نهادهای جدید همچون شورای انقلاب و دولت موقت را تشکیل داد و کارگزاران آن را انتخاب کرد (زارگری، ۱۳۹۳: ۱۶۹) با پیروزی انقلاب اسلامی و قرار گیری جریان مذهبی در رأس نهادهای جدید، تفاوت در مبانی فکری این جریان و دیگر جریان‌ها منجر به تقابل آنان در عرصه عملکرد سیاسی شد. جریان مذهبی عملاً رهبری انقلاب و کشور و شورای انقلاب را در اختیار داشت در اداره کشور به سمت اسلام فقه‌ای حرکت می‌کرد. (زارگری، ۱۳۹۳: ۱۷۵) از طرف دیگر از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی است و برای اداره کشور از اندیشه‌های دینی و فرهنگ اسلامی و تصمیمات سیاسی استفاده می‌شد، جریان مذهبی به شکل گسترده‌ای در حزب جمهوری اسلامی متبلور شد و این حزب نقش اساسی در سیاست و تصمیم گیری داشت.

هفت روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی موجودیت حزب جمهوری اسلامی توسط پنج روحانی مبارز و انقلابی طی اعلامیه‌ای اعلام شد؛ در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ اعلامیه مذکور با امضای سید محمد حسینی بهشتی، سید علی حسینی خامنه‌ای، محمدجواد باهنر، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و اکبر هاشمی رفسنجانی منتشر شد (اشرفی، ۱۳۹۵: ۷۳) همه‌ی بنیانگذاران حزب از پیروان وفادار و شاگردان نزدیک امام (ره) به شمار می‌رفتند ولی با این وجود امام با توجه به سابقه‌ای که از احزاب گوناگون در ذهن خود داشتند هیچ تمایلی برای تأیید تأسیس آن نداشتند و فقط بعد از احساس ضرورت و اصرار بزرگان و اعتماد فراوانی که به آنان داشتند با تأسیس آن موافقت کردند. حزب از منظر امام (ره) یک امر تدریجی الحصول است که در هر زمان وضعیتی دارد که قابل پیش بینی نیست. (احزاب سیاسی ایران - ویژه نامه ی یاد - ۱۳۶۲: ۲۷) بدین ترتیب مجموعه‌ای از عوامل سلبی و ایجابی باعث تشکیل حزب جمهوری اسلامی شد؛ سلبی یعنی تلاش برای خنثی کردن افکار جریان‌های مخالف دین و نفی عقاید مربوط به نظام شاهنشاهی و ایجابی به معنای استقرار نظام و نظریات دینی در جامعه است که حزب سیاسی می‌توانست در مراحل تکامل تدریجی آن را پیاده کند.

اعضای این حزب سید محمد حسینی بهشتی را به عنوان دبیر کل خود معرفی کردند. آیت‌الله بهشتی هدف از تأسیس حزب را آرمان خواهی، حفظ و دفاع از

ارزش‌های انقلاب می‌دانست (وجدی، ۱۳۹۴: ۵۵ - ۵۴) حزب جمهوری اسلامی سازمانی فراگیر بود. عملاً اعتقاد به جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، رهبری امام خمینی (ره) و ولایت فقیه از اصول اساسی حضور و فعالیت در این حزب بود. البته ماهیت فراگیر این حزب، همچنان که می‌توانست نقطه قوت این حزب باشد؛ پاشنه آشیل آن نیز محسوب می‌شد. تنوع نیروها باعث می‌شد این حزب در درون خود دچار چند صدایی و اختلاف نظر شود؛ این اختلافات با شهادت شهید بهشتی بیشتر نمایان شد.

در اشاره به ماهیت این حزب، شهید بهشتی چنین بیان کرده: «می‌خواهیم جایی و تشکیلاتی به وجود بیاید که نیروهای مسلمان و مؤمن به انقلاب اسلامی یکدیگر را بهتر بشناسند و خود را سازماندهی بکنند و در خدمت خلق برای رضای خدا باشند» (سرابندی، ۱۳۸۶، ۴۲۵) حزب جمهوری اسلامی از همان ابتدای فعالیت خود با سایر جریان‌ها و گروه‌های سیاسی همچون جبهه ملی، نهضت آزادی و دیگر گروه‌های لیبرال؛ همچنین گروه‌ها و عناصر چپ با چالش‌هایی مواجه بود. همچنین این گروه در دوره ریاست جمهوری بنی صدر با وی به شدت دچار چالش بود. بعد از پیروزی حزب در انتخابات مجلس، درگیری و تنش حزب با این جریان به اوج خود رسید. سخنرانی حسن آیت از اعضای حزب جمهوری اسلامی علیه بنی صدر و گروهش از جمله مواردی بود که باعث تشدید چالش‌های میان این دو طیف شد. او در این سخنرانی طرح‌هایی را برای تسلط بر نهادها و تاسیسات گوناگون و نیز راه‌های مقابله با بنی صدر، کمونیست‌ها و مجاهدین خلق را مطرح کرده بود (وجدی، ۱۳۹۴: ۷۹) باید توجه داشت حزب جمهوری اسلامی تحت فشار تبلیغی گروه‌های مختلف، از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران قرار داشت. با این حال این حزب تقریباً یک دهه توانست با تمام نوسانات درونی خود و جامعه به حیات سیاسی خود ادامه دهد. حزب جمهوری اسلامی در دوره فعالیت خود عملاً توده‌ای‌ترین حزب ایران محسوب می‌شد. عموم سیاستمداران درون دولت و مجلس در این حزب فعالیت می‌کردند. از این جهت می‌توان این حزب را به عنوان یکی از گروه‌هایی دانست که در تثبیت نظام سیاسی جدید نقشی بسیار مهم ایفا کرد و از این جهت دقیقاً در مقابل اتحادیه کمونیست‌های ایران قرار داشت.

## مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران نسبت به جریان مذهبی و حزب

### جمهوری اسلامی

اتحادیه کمونیست‌ها رویکرد مثبتی نسبت به جریان مذهبی و به طور خاص حزب جمهوری اسلامی نداشت. اتحادیه تلاش بسیار داشت سیاست‌های دولت موقت را به حزب جمهوری اسلامی و شخص آیت الله بهشتی نسبت دهد. اتحادیه با حزب جمهوری اسلامی مخالف گسترده‌ای داشت و در جدال میان حزب جمهوری اسلامی از یک سو و لیبرال‌ها و بنی صدر از سوی دیگر به جریان بنی‌صدر نزدیک شد و از او حمایت کرد (احمدی حاجیکلایی، ۱۳۸۷: ۴۵۴). حزب جمهوری اسلامی از سوی مخالفان به عنوان نماد انحصارگری و انسداد سیاسی معرفی می‌شد. به طوری که حضور آن در جامعه به عنوان مانعی جدی برای پرورش و تکامل ایده‌های گوناگون مطرح می‌شد. حضور روحانیون عالی رتبه در رأس حزب جمهوری اسلامی عاملی بود که این اتهامات را تشدید می‌کرد. به گونه‌ای که حزب با «جناح روحانیت» مترادف گردیده بود. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸/۶/۱۳۶۰)

عواملی که اتحادیه در رابطه با مسأله «ارتجاعی بودن کل رژیم» عنوان کرد، بدین شرح بود:

(الف) جریان دستگیری قطب زاده بعد از سخنرانی در قم و حمایت بنی صدر از او.

(ب) مسأله گروگان‌هایی که اتحادیه مخالف آزادی آن‌ها بود.

(ج) انقلاب فرهنگی.

(د) برکناری بنی صدر از فرماندهی کل و ریاست جمهوری و وقایع ۳۰ خرداد. (خلیل پور، ۱۳۶۶: ۱۸)

اتحادیه کمونیست‌ها حزب جمهوری اسلامی را دارای پیشینه و سوابق سیاسی سیاهی می‌دانست و چنین تحلیل می‌کرد که از گذشته آن‌ها به خوبی می‌توان جایگاه فعلی و آینده‌شان را دریافت. آن‌ها از لحاظ سیاسی ادامه دهنده همان جریانات کاشانی‌چی و حزب زحمتکشان مظلوم بقایی در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ می‌باشند. این جریانات در کودتای ۲۸ مرداد با کودتاچیان و امپریالیسم آمریکا بر علیه حکومت مصدق و نهضت ملی ایران همدستی و همکاری داشتند و دست در دست آنها بر علیه نهضت برخاستند و سرنگونی حکومت مصدق و برقراری سلطه مجدد دربار پهلوی را یاری رساندند. این‌ها جریاناتی مرتجع هستند و آمادگی کامل دارند تا بار دیگر به نفع امپریالیسم در یک کودتای سیاه شرکت کنند (حقیقت، ۱۳۵۹: ۷۸) اتحادیه کمونیست‌ها در مخالفت با حزب جمهوری اسلامی این گونه تحلیل می‌کردند که این

حزب در کشور کودتا کرده است. اتحادیه کمونیست‌ها به تبعیت از دیگر گروه‌ها و جریان‌های ضدانقلاب حزب جمهوری اسلامی و یاران امام را جبهه ارتجاع خواند و در کنار سازمان‌هایی مانند سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمان فداییان خلق، کومله، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه ی کارگر، دفتر هماهنگی مردم و رئیس جمهوری، جبهه ملی و ... خواستار مبارزه با حزب جمهوری اسلامی شد (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۵) ارزیابی اتحادیه در خصوص جریان مذهبی به ویژه حزب جمهوری اسلامی این گونه بود که در صدر «جریان‌های مذهبی» حزبی فاسد و توطئه‌گر جای گرفته است که زیر لوای جمهوری اسلامی خیانت و دسیسه بر علیه انقلاب را پیش گرفته است و عناصر و بخش‌هایی از آن‌ها مطمئناً در ارتباط با امپریالیسم آمریکا و کودتا می‌باشند (حقیقت، ۱۳۵۹: ۷۸)

اتحادیه حزب جمهوری اسلامی را «جنبشی ضد ملی و خیانت پیشه» می‌خواند و تنها راه نجات کشور و انقلاب را در سرنگونی این حزب «خودکامه» می‌دانست. به همین جهت بود که اتحادیه کمونیست‌ها به حمایت از بنی صدر برخاست (احمدی حاجیکلاپی، ۱۳۸۷: ۴۵۴) اتحادیه، حزب جمهوری اسلامی را در قبال مسئله جنگ بی‌طرف ارزیابی کرد که تنها موضوع آن کسب قدرت و حذف رقبای خود است. اتحادیه معتقد بود حزب جمهوری اسلامی حاضر است بخشی از خاک خوزستان و جزایر ایرانی را به عراق بدهد؛ اما در قدرت باقی بماند. از نظر این اتحادیه جمهوری اسلامی به دنبال آن بود که برای تحکیم موقعیت خود در داخل ایران با امپریالیسم آمریکا سازش کند. بر این اساس، اتحادیه در مراسم ۱۴ اسفند سال ۱۳۵۹ که رئیس جمهور وقت، ابوالحسن بنی صدر و جریان همراهش علیه جریان مذهبی و حزب جمهوری اسلامی به راه انداختند، حضور داشت. همچنان که این اتحادیه در اوایل سال ۱۳۶۰ همه‌ی نیروهایی که با آنها آرمان مشترکی داشتند را دعوت کرد که از «جبهه دموکراسی» که رئیس جمهور وقت در رأس آن قرار داشت، حمایت کنند. در همین راستا هنگامی که کمیته حل اختلاف توسط امام تشکیل و اعضای آن مشخص شد اتحادیه این انتصابات را دلیلی بر حقانیت تحلیل‌های خود درباره مواضع و ماهیت حزب جمهوری اسلامی در مقابل بنی صدر دانست؛ از این برهه بود که اتحادیه تبلیغات خود علیه حزب جمهوری اسلامی را گسترش داد. این اتحادیه اطلاعیه‌ای مبنی بر اینکه حزب جمهوری اسلامی در پی آن است که با همکاری بعضی از جناح‌های نظامی کودتا کند؛ منتشر کرد و از جریان‌های مخالف این حزب خواست تا در مقابل جریان مذهبی ایستادگی کنند (احمدی حاجیکلاپی، ۱۳۸۷: ۴۵۵-۴۵۴)

در ارزیابی و تحلیل اتحادیه کمونیست‌های ایران از گروه‌ها و جناح‌های داخل کشور، نیروهای همراه بنی‌صدر تنها گروه مترقی و به معنی واقعی ضد امپریالیست درون حکومت بودند. همچنین از نظر این اتحادیه سازمان مجاهدین در خارج از حکومت و در میان دیگر گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، مترقی و روشنفکر بودند. با توجه به درگیری مسلحانه‌ای که سازمان مجاهدین به راه‌انداخته بود، این اتحادیه به این نتیجه رسید که این یک کودتای مسلحانه است و مردم و نیروهای انقلابی خواستار سرنگونی حکومت هستند. از نظر اتحادیه کودتایی مسلحانه در ایران صورت گرفته بود و تنها راه نجات انقلاب قیام مسلحانه‌ی توده‌ای علیه حکومت و کودتاچیان بود، البته نه به شیوه‌ی ترورهای فردی، چون این گروه معتقد بود راه قیام، اقدامات مسلحانه پراکنده و ترورهای موردی و فردی نیست. از نظر اتحادیه اگر ترورها اینگونه می‌شد توده‌ها در نقش «تماشاچی» رها می‌شوند و نتیجه‌ای به غیر از سرخوردگی حاصل نمی‌شود. چه بسا حتی بتوان مدعی شد ترورهای فردی باعث تقویت قدرت حزب جمهوری اسلامی نیز بشود، بنابراین باید یک قیام مسلحانه توده‌ای به راه انداخت و کار حکومت را در مدتی کوتاه تمام کرد. (حقیقت، ۱۳۶۰ ش ۱۵۷-۱۵۵)

در همین راستا، اتحادیه برکناری و عزل ابوالحسن بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری را اقدامی «کودتاگرانه» اعلام کرد. این اتحادیه اعلام کرد معتقد است که بنی‌صدر کماکان رئیس جمهور قانونی ایران است. به همین دلیل در تظاهرات علیه اقدام مجلس درباره بنی‌صدر برای کنار نهادن وی شرکت کرد و از جنبش مسلحانه سازمان مجاهدین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و تشکیل شورای مقاومت ملی حمایت نمود. البته اتحادیه مشارکت خود در آن را منوط به تدوین یک خط مشی اصولی از طرف شورا دانست (حقیقت، ۱۳۶۰ ش ۱۵۵-۱۵۴) بعد از برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری و اعلان جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در خرداد ۱۳۶۰، اتحادیه کمونیست‌های ایران به تبعیت از دیگر گروه‌های ضدانقلاب به جبهه طرفداران بنی‌صدر پیوست. اندکی پس از برکناری بنی‌صدر در ۱۶ تیر ۱۳۶۰ بسیاری از عناصر رده بالای نظام از جمله دکتر سید محمد حسینی بهشتی رئیس دیوان عالی کشور و چهار وزیر کابینه آقای محمدعلی رجایی در اثر انفجار بمبی که افراد نفوذی سازمان مجاهدین خلق در دفتر حزب جمهوری اسلامی کار گذاشته بودند به شهادت رسیدند. این سرآغاز جریان خشن و خونینی بود که توسط سازمان مجاهدین خلق و با همکاری و حمایت و تأیید گروهک‌های ریز و درشت از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران به راه افتاده بود (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۳۸) در واقع با عزل بنی‌صدر کشور وارد

دوران جدیدی شد و صف بندی‌های جدید آشکار شد. عملاً بنی صدر، مجاهدین خلق، برخی گروه‌های چپ و نیز لیبرال‌های باقی مانده از جبهه ملی در قالب یک اتحاد دور هم جمع شده بودند. اگرچه برخی از این گروه‌ها معتقد به کار مسلحانه نبودند اما برخی دیگر با حرکت مسلحانه کشور را که در حال جنگ با عراق بود، با معضل امنیتی در داخل مواجه ساختند (خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

اتحادیه تلاش می‌کرد میان انقلاب و نظام برآمده پس از آن تفاوت قائل شود. آنها معتقد بودند انقلاب ۱۳۵۷ بزرگترین ضربه را به امپریالیسم و به ویژه ایالات متحده وارد کرده است اما از سوی دیگر بر این باور بودند انقلاب ایران تنها تحت رهبری طبقه کارگر و یک حزب کمونیستی می‌تواند به پیروزی نهایی دست یابد (نیاز، ۱۳۹۱: ۱۲۲) اتحادیه خودمختاری کردستان را می‌پذیرفت. به همین دلیل از رویکرد گروه‌های مسلح کرد در نواحی مرزی در آن مناطق حمایت می‌کرد و ادعا می‌کرد کردستان پرچمدار و پیشرو انقلابی که مدنظر آنان است، می‌باشد. از جمله فعالیت‌های اتحادیه در این زمینه، تشکیل ستاد و همچنین جمعیت زنان مبارز و سازماندهی پیشمرگان در کردستان بود. علاوه بر این اتحادیه با گروه‌های تجزیه طلب ترکمن صحرا هم در ارتباط بود (فوزی، ۱۳۷۸: صص ۴۳۹-۴۳۷) فعالیت اتحادیه کمونیست‌ها در کردستان، این گروه را عملاً در برابر جمهوری اسلامی قرار داد. (حقیقت ۱۳۵۹: ۱)

بنابراین، بعد از حادثه بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی و انفجار در دفتر نخست وزیری، اعضای اتحادیه موقعیت را مناسب دانستند و به دلیل نبودن سازمان امنیتی اطلاعاتی متمرکز در کشور و با سوء استفاده از این که اکثر نیروهای نظامی و بسیجی در جبهه‌های جنگ عراق در جنوب کشور و همزمان با گروهک‌های مجاهدین خلق در مرکز و کرد در غرب کشور درگیر بودند، برنامه ایجاد جبهه سوم در شمال کشور را دنبال کرد. (عنایت، ۱۳۹۹) رهبر و اعضای اتحادیه ی کمونیست‌ها به این نتیجه رسیدند که باید با نظام جمهوری اسلامی برخورد مسلحانه کنند. آنان این اقدام را تحت عنوان «قیام فوری» طراحی کردند تا هر چه سریعتر در یک نقطه، شورش مسلحانه راه اندازی کنند و مردم را به یک قیام و انقلاب علیه جمهوری اسلامی و جریان مذهبی به رهبری حزب جمهوری اسلامی دعوت کنند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۱)

### ارزیابی مشروعیت جمهوری اسلامی و اتحادیه کمونیست‌های ایران

در این بخش از مقاله تلاش می‌شود تا با تاکید بر مشروعیت سه‌گانه‌ای که در بحث نظری بر آن تاکید شد، به آسیب‌شناسی رویکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران نسبت به جمهوری اسلامی و حزب حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی بپردازیم. بنظر می‌رسد در برهه مورد بحث، اقتدار نظام جمهوری اسلامی بنوعی متکی بر هر سه نوع آرمانی مشروعیت وبری (مشروعیت کاریزماتیک، سنتی و قانونی) بوده است. در ادامه هر یک را مورد بحث قرار می‌دهیم:

**صفات شخصی:** در زمان مورد توجه این پژوهش، مشروعیت جمهوری اسلامی ایران زیر سایه کاریزمای امام خمینی (ره)، مشروعیتی کاریزماتیک داشت. اقتدار کاریزماتیک امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب نه بر اساس کنترل نهادهای حزبی یا دولتی، بلکه بر اساس شخصیت کاریزماتیک ایشان استوار بود که باعث ایجاد وحدت و یکپارچگی در بین بخش‌های زیادی از نیروهای سیاسی و اکثریت مردم شد. رهبری کاریزماتیک امام، همواره نظام سیاسی را در حال پویایی و حرکت نگه می‌داشت (بشیریه، ب ۱۳۸۲: ۴۷). پیش از پیروزی انقلاب یعنی در دوران بسیج انقلابی، رهبری کاریزماتیک امام خالص و ناب‌تر بود و به همین علت توانست طبقات مدرن و سنتی و گروه‌های مختلف سیاسی را به خود جذب کند؛ اما بعد از انقلاب نوع تازه‌ای از اقتدار کاریزماتیک سنتی در قالب نهاد ولایت فقیه و رهبری امام خمینی شکل گرفت و در دوران رهبری امام خمینی (ره) همواره عنصر کاریزماتیک بر عنصر سنتی غالب بود. امام نه تنها بالاتر از نمادهای قانونی جمهوری اسلامی قرار داشت بلکه بالاتر از سنت یا نظریه سیاسی شیعه نیز بود. ارائه نظریه ولایت مطلقه فقیه خود حاکی از برتری و غلبه ی اقتدار کاریزماتیک امام بر اقتدار سنتی بود (بشیریه، ب ۱۳۸۲: ۷۳۳) در این راستا حزب جمهوری اسلامی نیز به عنوان گروهی سیاسی که ذیل اندیشه امام خمینی فعالیت می‌کرد تلاش می‌کرد تا در کنار پذیرش رهبری ایشان، اندیشه‌های وی را نیز دنبال نماید. در این میان رهبر حزب جمهوری اسلامی آیت‌الله بهشتی نیز چهره‌ای وجیه‌المله بود. او فردی شناخته شده بود و میزان گسترده اعضای حزب جمهوری اسلامی خود نشان می‌داد که او چهره‌ای شاخص و پذیرفته شده است. در مقام مقایسه اما اتحادیه کمونیست‌ها که قطعاً رهبری امام خمینی را به رسمیت نمی‌شناخت؛ جایگاه رهبری شاخصی را دارا نبود. رهبری این حزب حتی شناخته شده و شهره نبود. به‌طور کلی این حزب بیشتری حزبی کادر بود و نتوانسته بود در میان عموم مردم خود را بازشناسد. چه

اینکه بخواهد ماهیتی کاریزما داشته باشد. بنابراین همین امر نشان می‌دهد که از منظر صفات شخصی مشروعیت جمهوری اسلامی و اتحادیه کمونیست‌ها قابل مقایسه نبودند.

سنت: ابتدائی‌ترین نوع مشروعیت، مشروعیت سنتی است که از دل سنت آداب و رسوم کهن سرچشمه می‌گیرد. مشروعیت سنتی منطبق با سنت، ارزش‌ها و فرهنگ گذشته هر جامعه است و حاکمان نیز تا با تکیه بر سنت‌ها و آداب و رسوم مذهبی اساطیری باستانی سعی در کسب مشروعیت برای خود دارند. مردم از حاکم می‌خواهند منطبق با آداب و سنت آن جامعه حرکت کند و حاکم نیز همواره خود را مدافع سنت‌ها و ارزش‌های جامعه معرفی می‌کند (ویر، ۱۳۸۴: ۳۶۶-۳۶۴) باید اذعان کرد نظام جمهوری اسلامی مشروعیتش از نوع سنتی است که مسئولیت عمده آن بر عهده روحانیان است. آموزه‌های سنتی و سنت هم در قانون اساسی و هم در رفتار و بیانات امام خمینی (ره) مشهود و قابل توجه است. در این زمینه اندیشه امام خمینی (ره) نیز بیش از همه چیز معطوف به سنت‌های اسلامی است. بنابراین حکومت و نظام اسلامی زمانی مشروع است که منطبق بر احکام اسلام باشد و برای آن دلیل شرعی وجود داشته باشد. در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب رسید که ولایت فقیه یکی از مهم‌ترین اصول آن بود و به این ترتیب عمیق‌ترین پیوند «قدرت سیاسی» و «دین» در نظام جمهوری اسلامی با تأیید و تصویب این اصل ایجاد شد و اقتدار کارزماتیک و سنتی در نهاد ولایت فقیه ادغام شد. در واقع با تصویب اصل ولایت فقیه سنت به شکل قانون اساسی نهادینه گشت (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۷). از آنجایی که جریان مذهبی خود ماهیت سنتی داشت، این نوع از سنت را برمی‌تافتد و آن را مورد تحسین قرار می‌داد. حزب جمهوری اسلامی که در راس آن روحانیون برجسته حضور داشتند در همین قالب به جذب مردم چه درون حزب و چه درون مردم می‌پرداختند. این در حالی بود که اساساً اتحادیه کمونیست‌ها با این شکل از مشروعیت هیچ‌گونه همراهی نمی‌توانست داشته باشد. اساساً یک گروه چپ در ایده‌آل‌ترین شکل ممکن نمی‌تواند با یک مفهوم سنتی ارتباط برقرار کند. طرفداران اندک این گروه نیز این شکل از مشروعیت را برنمی‌تابیدند و البته ادعایی در این زمینه نیز نداشتند. تلاش این حزب نیز برای گذار از سنت‌ها بود. چراکه در اندیشه چپ، رویکردهای کمونیستی یک رویکرد پسا سرمایه‌داری است و این رویکرد خطی حرکت به سوی سنت‌ها را واپس‌گرایی می‌داند و آن را نمی‌پذیرد.



**قانونیت:** مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران از نوع مشروعیت قانونی و عقلانی نیز هست که در راستای آن نهادهای انتخابی اهمیتی بیشتری پیدا کردند. از این منظر حکومت اسلامی به مثابه حاکمیت قانون است و بیشتر از همه‌ی مکاتب و نظام‌های سیاسی مردم را به پیروی از قانون دعوت می‌کند. اگرچه شخصیت کاریزمایی امام بر سایر جنبه‌های مشروعیت غلبه داشت اما با این وجود مشروعیت قانونی هم وجود داشته است. (خاتمی، ۱۳۸۰: ۱۵۵) قانونیت جمهوری اسلامی را می‌توان در همه‌پرسی قانون اساسی نیز مشاهده کرد. زمانی که همه‌پرسی برای نظام سیاسی برگزار شد برخی جریان‌های سیاسی همچون کمونیست‌ها آن را تحریم کردند و برخی دیگر نیز مثل سازمان مجاهدین خلق به گونه‌ای مشروعیت به جمهوری اسلامی رأی دادند. بعضی از رهبران و گروه‌های عضو جبهه ملی تغییر موضع دادند و حمایت خود را از جمهوری اسلامی اعلام کردند. به گونه‌ای که سنجایی دبیر کل جبهه ملی، جمهوری اسلامی را طبیعی‌ترین نتیجه انقلاب دانست. آنچه مهم است اینکه در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ همه‌پرسی تعیین نوع نظام، با استقبال گسترده مردمی مواجه شد و ۹۸٫۲ درصد از رأی‌دهندگان با رأی سبز و «آری» خود از جمهوری اسلامی حمایت کردند (فوزی، ۱۳۹۹: ۲۱) این واقعیت بیانگر آن است که نظام جدید از مشروعیت قانونی نیز برخوردار شد. این امر همیشه مورد تأکید حزب جمهوری اسلامی نیز بوده است. این حزب درون این رویکرد به عنوان حزب قانونی کشور به فعالیت می‌پرداخت. در مقابل جریان چپ عملاً با مسلح شدن علیه جمهوری اسلامی قانونیت نظام را به رسمیت نمی‌شناخت و همچنان که گفته شد آن را به چالش می‌طلبید.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا به ارزیابی جمهوری اسلامی و بدنه اجتماعی آن از یک سو و اتحادیه کمونیست‌های ایران از منظر مفهوم مشروعیت مورد ارزیابی قرار گیرند. وقایعی همچون آنچه در آمل رخ داد نشان داد که نیروهای چپ و به طور خاص اتحادیه کمونیست‌های ایران عملاً از هیچ‌گونه مشروعیتی برخوردار نبوده است. همچنان که جریان چپ پیش از این نیز نتوانسته بود به عنوان جریان غالب و اصلی کشور باشد. اتحادیه کمونیست‌ها در هر طرحی از مفهوم مشروعیت (چه کاریزماتیک، چه سنتی و چه قانونی) در مواجهه با جمهوری اسلامی و نیروهای اجتماعی آن از جایگاهی قابل تاملی برخوردار نبود. عدم درک این واقعیت سبب شد تا این گروه

سیاسی در واقعه آمل نتواند به بسیج مردمی و تدارک بدنه اجتماعی برای حمایت از خود پردازد. اگرچه این گروه تلاش می‌کرد تا در ارگان خود(نشریه حقیقت) نشان دهد که جمهوری اسلامی نظامی غیرمردمی است؛ اما گذر زمان و آنچه در آمل رخ داد نشان داد که درک این حزب از واقعیت واژگونه است. این خود این حزب است که نتوانسته با آرمان‌ها و باروهای یک جامعه همراه شود.

### فهرست منابع

- آقابخشی، علی اکبر (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- احمدی حاجیکلایی، حمید (۱۳۸۷)، جریان شناسی چپ در ایران، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
- احمدی، محمد علی (۱۳۹۵)، ارانی و گفتمان چپ در ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- احزاب سیاسی ایران، ویژه نامه ی یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، سال چهاردهم، شماره ی ۵۳-۵۴-۵۵-۵۶، مصاحبه با هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۸.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۵)، مطالعه علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر جامعه شناسی احزاب سیاسی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- بایرامی، سمانه (۱۳۹۴)، «گروه فلسطین». فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۵۰-۴۹، تابستان و پاییز.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲ الف)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر، چاپ چهارم.
- بشیریه، حسین (ب ۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، چاپ ششم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهرروز، مازیار (۱۳۸۱)، شورشیان آرمانخواه ناکامی چپ در ایران، تهران، انتشارات ققنوس.
- بیژنی، مریم؛ کاظم معتمدنژاد نژاد و محسن علینی (۱۳۸۸)، جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظام جمهوری ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۷)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۶
- خانی، مهدی (۱۳۹۲)، جبهه سوم، مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن ۱۳۶۰)، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره روابط عمومی و انتشارات.
- خاتمی، سید محمد (۱۳۸۰)، احیاگر حقیقت دین، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- خلیجی، محسن، رادمرد، محمد (۱۳۸۸) تناقض ایدئولوژیک در نهضت جنگل، فصلنامه فرهنگ، شماره ۷۱؛ صص ۵۳-۸۱
- خلیل پور، خلیل (۱۳۶۶)، اتحادیه کمونیست‌های ایران، بی جا، بی نا.

- داوودپور، سهیلا (۱۳۹۰)، بررسی جریان‌های مذهبی گیلان در دوره صفوی، پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۸)، بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم.
- ذبیح، سپهر (۱۳۷۸)، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه محمد رفیع آبادی، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ دوم.
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، شهر هزار سنگر؛ (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۶/۱۸.
- روزنامه حقیقت (ارگان اتحادیه کمونیست‌های ایران).
- زارگری، محمد (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی مبانی فکری دو جریان لیبرال مذهبی و مکتبی و تأثیر آن بر آراء و مواضع سیاسی آن‌ها (۱۳۵۸ - ۱۳۶۰)، دانشگاه یزد.
- سرابندی، محمد رضا (۱۳۶۸)؛ سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی؛ ج ۱ (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۹)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- عباسی، محمد (۱۳۹۰)، نقش جریان چپ بر جنبش جنگل، دانشگاه لرستان.
- عزیززی، امین (۱۳۹۳)، از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر، فصلنامه مطالعه تاریخی، شماره ۴۵ و ۴۶، ص ۲۵۴-۲۳۵.
- عزیززی، امین (۱۳۹۸)، بررسی مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفدهم، شماره ۶۶، پاییز ۹۸، صفحات ۱۰۹-۹۲.
- عنایت، حسن (۱۳۹۹)، قیام مردم آمل علیه کمونیست‌های جنگل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۸)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، تهران.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۹۹)، تحولات سیاسی - اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۶)، تهران: نشر سمت.
- کامبخش، عبدالصمد (۱۹۷۲)، نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران (مجموعه مقالات)، بی جا، انتشارات حزب توده ایران

- کردی، علی (۱۳۶۸)، اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل، تهران : انتشارات مرکز اسناد انقلاب.
- مک لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد/ایان مک لین، مترجم حمید احمدی، تهران : میزان.
- نیاز (۱۳۹۱)، بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل، پایگاه خبری تحلیلی مطالعات تروریسم.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی و مصطفی عمادزاده، تهران : انتشارات سمت .
- وجدی، محمد حسن (۱۳۹۴)، بررسی عوامل شکل‌گیری و انحلال حزب جمهوری اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- وینسنت، اندرو (۱۳۹۴)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران : نشر نی، چاپ یازدهم.



## اتحادیه کمونیست‌های ایران و واقعه ششم بهمن؛ از نظریه سه جهان تا سه جبهه

محمود مقدس<sup>۱</sup>

### چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی بسیاری از گروه‌هایی که پیشتر ائتلافی به‌ظاهر همگون را شکل داده بودند حالا در نبود دشمن مشترک کوشیدند آرمانشهر خود را بر مبنای باورهای ایدئولوژیکشان برپا کنند و بدین منظور طی سال‌های پیش‌رو سعی کردند تا از فضای به وجود آمده نهایت بهره را ببرند. از حزب توده و چریک‌های فدایی خلق به عنوان شناخته‌شده‌ترین سازمان‌های کمونیستی گرفته تا گروهک‌هایی چون پیکار و رنجبران و ... همگی تلاش کردند با تبلیغات و البته ترور ایده‌های خود را عملی سازند. در این میان اتحادیه کمونیست‌های ایران با خوانشی سطحی از مائویسم و نگاهی رمانتیک به ماجرای سیاهکل کوشید به تسخیر شهرها و در نهایت کسب قدرت نایل شود، هرچند نتیجه این‌بار هم همچون ماجرای سیاهکل فاجعه‌بار بود. مقاله حاضر قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که تحلیل گروه مزبور از تحولات داخلی و بین‌المللی چه بود و با چه توجیهی دست به اقدام مسلحانه زدند. فرضیه مقاله حاکی از آن است که اتحادیه مائویستی کمونیست‌ها با تصور درگیری نظام در دو جبهه جنگ عراق و مبارزه با احزاب جدایی طلب کردستان توانایی باز کردن جبهه سومی نخواهد داشت و بنابراین غافلگیر خواهد شد. روش پژوهش در این نوشتار توصیفی-تحلیلی با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای است.

**کلیدواژه:** آمل، اتحادیه کمونیست‌های ایران، جنگ خلقی، جمهوری اسلامی، ششم بهمن.

---

<sup>۱</sup> دکترای علوم سیاسی و استادیار گروه معارف دانشگاه گیلان: [saintmahmoud@guilan.ac.ir](mailto:saintmahmoud@guilan.ac.ir)

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی با فحوا و درونمایه دینی بسیاری از پیش‌بینی‌ها و نظریه‌پردازی‌ها در باره این پدیده را با پرسش روبرو ساخت. در آستانه قرن بیست و یکم و در زمانی که گفته می‌شد دین حرف چندانی برای زندگی جمعی بشر ندارد در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان انقلابی به وقوع پیوست که رهبرش مذهبی، شعارهایش مذهبی، مکان‌ها (مساجد، حسینیه‌ها و تکایا) و ایام مبارزه (وفیات و سوگواری‌ها) مذهبی بودند و حتی روشنفکران و بسیاری از گروه‌هایی که در تلاش برای کسب جایگاهی در روند مبارزه عظیم ملت ایران بودند سعی کردند با دادن رنگ و لعاب مذهبی به ایده‌های خود به نوعی از قافله عقب نمانند. گروه‌های چپ در این بین سعی می‌کردند قرائت خود را به عنوان قرائت برتر در جامعه غالب سازد اما ویژگی‌های مذهبی جامعه و نگاه ناهمدلانه به تفکرات کمونیستی سبب شد این گروه‌ها هرگز نتوانند در این مهم به نتایج درخوری برسند. از این جا بود که گرایش‌ها واگرایانه در میان این گروه‌ها از نهضت اسلامی مردم شکل گرفت و هریک از آنها سعی کردند با توسل به زور و قرائتی سطحی از ادبیات مارکسیستی موجود در زمینه جنگ چریکی برای خود از این نم‌د کلاهی بدوزد. گروه اتحادیه کمونیست‌های ایران که سابقه فعالیتش به دوران تشکیل کنفدراسیون دانشجویان ایرانی برمی‌گشت در یکی از رمانتیک‌ترین و نیاندیشیده‌ترین اقدامات تاریخ جریان‌های چریکی سعی کرد با توجیهاتی ساده به کسب قدرت با توسل به زور بپردازد و برای این کار شهر آمل را برای شروع عملیات هود مناسب دید. نگاه مائویستی این گروه و اعتقاد به جنگ خلقی سه مرحله‌ای (که البته با شکست سازمان نافرجام ماند) در کنار مشکلاتی که نظام نوپای جمهوری اسلامی با آن دست به گریبان بود آنها را به این نتیجه رساند که ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ بهترین زمان برای آغاز عملیات است و در نتیجه مشکلاتی که برای حکومت تازه تاسیس وجود دارد با استقبال و همراهی مخالفان و ناراضیان از آن روبرو خواهد شد. مقاله حاضر در واکاوی ماجرای ششم بهمن آمل قصد دارد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که گروه مزبور چه نگاهی به تحولات داخلی و بین‌المللی داشت و با چه توجیهی دست به اقدام مسلحانه زد. فرضیه‌ای که به آزمون گذاشته می‌شود حاکی از آن است که اتحادیه کمونیست‌ها با دنباله‌روی از الگوی سه جهانی و جنگ خلقی مائو، به تصور درگیری نظام در دو جبهه جنگ عراق و درگیری با احزاب جدایی طلب کردستان توانایی باز کردن جبهه سومی نخواهد داشت و بنابراین در مقابل حمله آنها غافلگیر خواهد شد. مقاله می‌کوشد با استفاده از روشیکرد



جامعه‌شناسی تاریخی و شیوه توصیفی- تحلیلی به مدد اسناد و منابع کتابخانه‌ای به درک بهتری از موضوع مورد بحث برسد.

### ادبیات پژوهش

ادبیات مربوطه در خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران چندان پر و پیمان نیست. بجز برخی کتابچه‌ها و گزارشات سازمانی به اصطلاح تحلیلی که سرشار از عبارات شعاری است دشوار بتوان منبع درخوری در خصوص فعالیت این گروه یافت. البته این مشکل به نوعی دیگر در خصوص واقعه ششم بهمن هم تا حدودی صادق است چرا که بیشتر آثار منتشرشده در این خصوص مصاحبه‌ها و خاطرات برخی از حاضرین در روز حادثه بوده و کمتر اثر تحلیلی در این درباره به رشته تحریر در آمده است. لذا باید اذعان نمود پژوهشگر در روند تحقیق با فقر شدید منابع روبرو بوده است.

یکی از اندک‌شمار منابع مربوط به تحلیل واقعه ششم کتابچه‌ای است که گروهی به نام حزب کمونیست ایران چهل سال بعد از واقعه به رشته تحریر درآورد و در آن دلایل شکست و ناکامی در واقعه ششم بهمن را که خود از آن به «قیام آمل» یاد می‌کنند مطرح نمود. نویسندگان کتاب *اسناد تاریخی قیام آمل؛ مبارزات خطی در جمع بندی از نبرد مسلحانه سربداران*، نشر حزب کمونیست ایران در تحلیل خود از این سخن گفته‌اند که قصد داشته‌اند با رویکردی علمی تصویری روشن‌تر از جامعه و شیوه‌های تفکر رهبران آن حرکت و مخالفانش به دست دهند و نتیجه بگیرند که «پس سلاح‌ها را باید این گونه صیقل داد و مسیر ضروری را اینگونه بازگو کرد تا شانس پیروزی داشته باشیم». نویسندگان معتقدند قیام سربداران در یک بزنگاه تاریخی مهم یعنی سال ۱۳۶۰ روی داد و اساساً پاسخی بود به ضرورت عاجل و تاریخی آن مقطع. اتحادیه کمونیست‌های ایران، کوشید تا از طریق مبارزه مسلحانه مانع از پیروزی نظام شوند و با انقلاب و کسب قدرت سیاسی، جامعه و تاریخ را در مسیری اساساً متفاوت، مسیر انقلابی که ضرورت جامعه و پایه‌های مادی آن به قوت موجود بود، به جریان بیاورند. هرچند نمی‌توان منکر وجود برخی تحلیل‌های نسبتاً خوب در کتاب شد اما مشکل اصلی کتاب همان نگاه یکجانبه، سطحی و شعارزده به عملکرد اتحادیه و اعضایش می‌باشد که در اینگونه آثار چیز چندان عجیبی نیست.

مقاله «بررسی مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی» از جمله اندک آثار عالمانه‌ای است که امین عزیزی درباره مواضع اتحادیه کمونیست‌ها نگاشته است. عزیزی با استفاده از اسناد و منابع مختلف به بررسی

جناح‌بندی‌ها و گروه‌های تشکیل‌دهنده اتحادیه کمونیست‌ها می‌پردازد و عملکرد آنها قبل و بعد از انقلاب را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

کتاب *اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل* یکی از منابع بسیار خوب در بررسی ماجرای ششم بهمن آمل است. این کتاب که به کوشش علی کردی فراهم آمده مشتمل بر اسناد مربوط به اتحادیه کمونیست‌ها می‌باشد که در این نوشتار نیز همچون اثر قبلی مورد استفاده قرار گرفته است. بخشی از این کتاب نسبتاً حجیم به اعترافات متهمان دستگیرشده در واقعه مذکور اختصاص دارد و از این حیث در نوع خود جالب است.

کتاب *شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل*، تالیف سیمین رهگذر به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی نوشته شده و این واقعه را از دو منظر برجسته و الهام‌بخش معرفی می‌کند: اول به خاطر مقاومت و حضور مردمی که با دست خالی باعث دفع این توطئه و آزادی شهر از دست مهاجمان ناخوانده، شدند و دوم، عمق انگیزه و پندار آن گروهک ضدانقلابی است که واقعاً تصور می‌کردند مشغول آزادسازی یک شهر از اسارت یک نهضت و مکتب می‌باشند.

کتاب *حماسه ششم بهمن آمل در سال ۱۳۶۰ ه. ش.*، نوشته احمد راعی اسکی، نشر انتخاب در پنج بخش گردآوری شده که به ترتیب به ویژگی‌های طبیعی، ساختار اعتقادی و فرهنگی و مسایل اجتماعی، احزاب و گروهک‌ها و استقرار در جنگل و حمله به شهر پرداخته و در ادامه اسامی، زندگی‌نامه و وصیت‌های شهدا و خاطرات برخی از افراد که در آن واقعه بوده‌اند، ذکر شده است.

کتاب‌های جبهه سوم با موضوع مروری بر نقش سپاه و بسیج در حماسه ششم بهمن ماه سال ۶۰، یک روایت معتبر درباره حماسه ۶ بهمن مردم آمل، حماسه مردم آمل، آمل در گذر تاریخ و عروس آسمان از جمله آثار دیگری هستند که هر یک از زوایایی خاص به بررسی واقعه مزبور می‌پردازند و به غنای مطالب در این خصوص افزوده‌اند.

از دیگر منابع مهمی که در این خصوص قابل اعتنا است همانا آثاری است که در حوزه تاریخ شفاهی به رشته نگارش در آمده است و دربردارنده مصاحبه با شاهدان عینی و عوامل دخیل در حادثه می‌باشد، از جمله مصاحبه با فرمانده بسیج آمل در سال ۱۳۶۰ که شرح جالب و دست‌اولی از اتفاقات روی داده همراه با برخی تحلیل‌ها از اتفاقات رخ داده ارائه می‌کند. بررسی نحوه ورود کمونیست‌ها به جنگل‌های اطراف آمل و آماده‌سازی برای حمله به شهر، امکانات، دیدگاه‌های سران و نحوه وقوع حادثه

از جمله مطالبی است که در مصاحبه با این فرمانده بسیج ابراز می‌شود. به طور کل تاریخ شفاهی پیرامون واقعه ششم بهمن سرشار از اطلاعات جالبی در این زمینه است اما در تکیه به این منابع باید کمی محتاط بود چرا که امکان وجود اشتباه در روایت‌های شاهدان عینی، ضبط اشتباه تاریخ و اسامی، دخالت دادن پیشداوری‌های فردی و ... از جمله آفات است که می‌طلبد پژوهشگر با نگاهی نقادانه به این گونه منابع نزدیک شود.

### جدال چین و شوروی؛ شرحی کوتاه بر یک گسست

تقابل میان چین و شوروی در قرن بیستم، دو کشور کمونیست مهم جهان، نقطه عطفی در ایجاد گروه‌بندی‌های تازه در این سده بود. گسست میان این دو کشور از مهم‌ترین شکاف‌های ایدئولوژیکی به وجود آمده به شمار می‌رفت که به انشقاقات مهمی درون جبهه کمونیستی آن روزگار انجامید. ریشه این اختلافات که بیشتر به استقلال حزب کمونیست چین و تضاد آن با منافع امپریالیسم شوروی برمی‌گشت، (کولاکوفسکی، ۱۳۸۷: ۳/۵۶۳) البته برآمده از تفسیر مائو از واقعیات چین نیز بود. تا زمانی که استالین زنده بود در روابط دو کشور مشکل خاصی به چشم نمی‌خورد اما مرگ استالین فرصتی را در اختیار مائو گذاشت تا با توجیه «تجدیدنظرطلبی» رهبران شوروی راهش را از این کشور جدا کند به طوری که تا در اوایل دهه شصت میلادی این رابطه به کل از هم گسست و جهان شاهد جنگ سردی جدید، البته این بار میان دو کشور کمونیست، بود. سیاست «همزیستی مسالمت‌آمیز» مسکو که به سرخوردگی بسیاری از کمونیست‌ها در سراسر جهان انجامید، بهانه خوبی به دست مائو داد تا شوروی را حالا نه دژ کمونیسم بلکه یک حکومت سوسیال امپریالیست بنامد که برای کشورهای جهان سوم خطری حتی بیش از آمریکای امپریالیست دارد. (نادری، ۱۳۹۷: ۸) علایق ناسیونالیستی متفاوت روس‌ها و چینی‌ها و نیز تفاسیر متفاوت از مارکسیسم از جمله مهم‌ترین موضوعات اختلاف بین این دو کشور بود، هرچند چین بعدها در پیشبرد این سیاست از شوروی هم پیشی گرفت.

در یک کلام، مائویسم را باید تلاشی دانست در جهت پیوندزدن مارکسیسم-لنینیسم با سنت‌ها و ارزش‌های چینی اما همین تلاش برای بسیاری از جوانان آرمانخواه آن روزگار بدیلی جذاب در برابر مارکسیسم محافظه‌کارانه روسی ارایه می‌کرد که می‌توانست عطش آرمانگرایانه‌شان را سیراب کند.

### مائویسم در برابر مارکسیسم - لنینیسم: جذابیت مرگبار یک ایدئولوژی

«قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید». شاید همین جمله برای تبیین علت جذابیت اندیشه مائویسم در قرن بیستم کافی باشد، قرنی که شاهد شکل‌گیری گروه‌های چپ پرشماری بود که در پی تغییر تاریخ و برپایی آرمانشهر خود به دنبال یک ایدئولوژی نویدبخش و البته عملگرا می‌گشتند. مائو با کمک گرفتن از اندیشه مارکسیسم - لنینیسم و اعمال تغییراتی در آن و البته بهره گرفتن از تحولات بین‌المللی توانست ملغمه‌ای جذاب و البته نویدآفرین شکل دهد که برای بسیاری در قرن بیستم الهام‌بخش بنماید.

مائو به عنوان یک انقلابی معتقد بود که آمادگی کامل ایدئولوژیکی شرط لازم انقلابیون است. دو رساله وی با نام‌های «درباره عمل» و «درباره تضاد» که در سال ۱۹۳۷ نوشته شدند به عنوان بنیان فلسفی انقلاب چین حاوی مطالبی بود که شالوده تفکر مائویسم را شکل داد. نظریه «عمل» یا همان «پراکسیس» مائو به طور خلاصه حاکی از آن است که شناخت و درک قوانین جهان عینی و تبیین آن باید به هدف تغییر جهان از طریق فعالیت به مدد همین شناخت حاصل از قوانین عینی منجر شود. جهان تنها در عبور از شناخت ادراکی به شناخت عقلایی خلاصه نمی‌شود بلکه از آن مهم‌تر، رسیدن و جهش از معرفت عقلایی به شناخت انقلابی است. لذا تلاش پرولتاریا و انقلابیون برای تغییر جهان متضمن هدف اصلاح دو دنیای عینی و ذهنی آنان است. به گفته مائو،

حقیقت را از طریق عمل کشف کنید و باز هم از طریق اثبات عمل و گسترش حقیقت. از معرفت ادراکی شروع کنید و فعالانه آن را تبدیل به معرفت عقلایی کنید. سپس از معرفت عقلایی شروع کنید و فعالانه عمل انقلابی را به سمت تغییر دو دنیای ذهنی و عینی هدایت کنید. عمل، معرفت، باز هم عمل و باز هم معرفت. این صورت خود را در چرخه‌های بی‌پایان تکرار می‌کند و با هر چرخه درونمایه عمل و معرفت را به سطح بالاتری ارتقا می‌دهد. (شون چی، ۱۳۸۱: ۹-۵۴)

مائو در تعبیراتش متوجه یک هدف انقلابی برای بازسازی اجتماعی بود و بر مبنای معیارهایش، هر نظریه‌ای که بتواند به منظور انقلاب و در راستای بازسازی اجتماعی به شکلی موفقیت‌آمیز اجرا شود «حقیقت» نامیده می‌شود. نگاه مائو درباره تضاد که یکی از مفاهیم کلیدی فلسفی است و در منطق دیالکتیک مارکس اصل و سرچشمه ترقی و پیشرفت بشر به شمار می‌رفت، با برداشت مارکسیست - لنینیستی آن کاملاً متفاوت بود. مارکسیست‌های روسی معتقد بودند به محض پیروزی انقلاب پرولتاریایی

تضادهای اجتماعی آنتاگونیستی (به معنای تخصصات سازش‌ناپذیر، مثل تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی) از بین خواهد رفت، در حالی که به باور مائو تضادهای این‌چنینی همواره تداوم خواهد یافت و باید از طریق «انقلاب مداوم» آنها را یک به یک حل نمود. (شون چی، ۱۳۸۱: ۵۱) به باور مائو قانون تضاد در اشیا یعنی قانون وحدت اضداد اساسی‌ترین قانون در منطق دیالکتیک ماتریالیسم است و منطق دیالکتیک اصلی است که همه چیز را در جهان سامان می‌دهد. ایستا پنداشتن جهان حاکی از تفکر ایده‌آلیستی است و برعکس، اعتقاد به تکامل و تغییر البته از نوع جهشی و تند باور به ماتریالیسم اصیل است. (شون چی، ۱۳۸۱: ۷-۵۵)

جدا از مباحث فلسفی مارکسیستی که در گفتمان مائو شکل تازه‌ای به خود گرفته بود، مسایل سیاسی نیز در جذابیت مائویسم نقش به‌سزایی داشت. با آغاز دهه شصت، جمهوری خلق چین که دیگر بهره‌ای از کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی نداشت و حتی از داشتن کرسی در سازمان ملل محروم بود، با توسل به توانمندی‌های داخلی خود، توانست راه خود را به سوی آینده بگشاید. در سال ۱۹۶۴ این کشور «جهان سومی» دست به آزمایش نخستین بمب اتمی خود زد و وارد باشگاه کشورهای هسته‌ای شد. «چین کمونیست» حضور پایدار و قدرتمند خود را در پیش چشم همه جهانیان به نمایش گذاشته بود. اینک، چین به مدد گفتمان جذاب مائو و موفقیت در اداره پرجمعیت‌ترین کشور جهان و استقلال از ابرقدرت‌ها، توجه روشنفکران چپ و راست و حتی نظریه‌پردازان مارکسیست اروپایی را به خود جلب کرده بود. (نادری، ۱۳۹۷: ۸)

### **امپریالیسم، سوسیال - امپریالیسم و جهان سوم: نظریه سه جهان مائو**

انقلاب فرهنگی پرولتاریایی چین که در سال ۱۹۶۶ با دستور صدر مائو برپا شد منعکس‌کننده مبارزه‌ای بود که بین جناح‌بندی‌های مخالف درون حزب کمونیست چین جریان داشت. گسترش این مبارزه به بیرون از حزب جامعه چین را تا مدت‌ها با آشوب‌ها و تلاطمات اجتماعی - سیاسی مواجه ساخت. مبارزه با تجدیدنظرطلبی یا ریویزیونیسم در اصول مارکسیسم که رهبران چین به شوروی و حزب کمونیست این کشور نسبت می‌دادند سوئیه مهمی از انقلاب فرهنگی و سیاست حزب کمونیست چین در حوزه بین‌المللی به شمار می‌رفت. مقامات چین اعتقاد داشتند که با بازگشت سرمایه‌داری در شوروی آن کشور به متحد امپریالیسم و سرمایه‌داری جهانی تبدیل شده است. بر این اساس، مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با سوسیال - امپریالیسم جدا

نبوده و انقلاب فرهنگی اقدامی مهم در برابر بازگشت سرمایه‌داری در جامعه سوسیالیستی محسوب می‌شد. شوروی نیز در مقابل حزب کمونیست چین را به ناسیونالیسم، تفرقه و اتخاذ سیاست‌های ماجراجویانه در جنبش کمونیستی و عرصه بین‌المللی متهم کرده و از پیروگری خرده‌بورژوازی بر ارگان‌های رهبری و حزبی آن سخن می‌گفت. (شوکت، ۱۳۷۸: ۲۸۳)

در کل به باور مائو انقلاب امری گریزناپذیر است زیرا بر منطق دیالکتیکی استوار است. به تعبیر او جایگزینی امر کهنه با نو قانون لایتغیر جهان است. از سوی دیگر، تاکید بر عمل و اولویت دادن به آن در قیاس با نظریه از نگاه مائو جوهر تمامی فلسفه‌ها است. در یک جمع‌بندی باید اذعان داشت تعبیرات مائو که نسبت به مارکسیسم-لنینیسم البته رنگ و بوی انقلابی‌تری داشت علت جذابیت مائویسم در قرن بیستم نیز به شمار می‌رفت و گروه‌های بسیاری را که نسبت به نظریه‌گرایی احزاب کمونیست منتقد بودند شیفته خود ساخت.

در خصوص تشکل‌های ایرانی باید گفت تحولات جهانی در کمونیسم بین‌الملل و برقراری روابط دوستانه میان ایران با شوروی به جناح‌بندی در بسیاری از گروه‌ها و محافل دانشجویی چه داخل کشور و چه خارج از کشور منجر شد. **حزب توده** به عنوان مهم‌ترین تشکل کمونیستی کشور نیز از این واقعیت برکنار نبود به طوری که جدال میان چین و شوروی منجر به جدایی سه تن از سران حزب در حمایت از پکن شد و حزبی با عنوان سازمان **مارکسیست-لنینیست‌ها** تشکیل شد که پس از مرگ مائو با آلبانی متحد گردید در حالی که سازمانی دیگر با نام **سازمان انقلابی حزب توده** به پشتیبانی از چین ادامه داد. در گزارش آن سال‌های سازمان سیا در این خصوص آمده است:

چندین سال پیش، بهبود روابط تهران و مسکو باعث شد این حزب حملات خود را به شاه و دولت کاهش دهد. در عوض، این اقدام شکافی در حزب ایجاد کرد که منجر به جدایی تندروها و تشکیل شاخه طرفدار چین گردید. آثار این وضعیت را اول از همه فعالان ایرانی خارج از کشور احساس کردند. (امری، ۱۳۹۷: ۱۱۴)

نتیجه این شد که بسیاری از گروه‌ها و محافل چپ مائویسم را در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی بیان آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود ببینند. آنها که از سیاست‌های مسالمت‌جویانه روس‌ها با شاه آزرده بودند در میانه اختلافات میان چین و شوروی جانب چین را گرفتند که ایدئولوژی مائویستی‌ش حرف‌های تازه‌ای برای گفتن داشت. به عبارتی، وجه مشترک گروه‌ها و سازمان‌های اصلی چپ در خارج از کشور که

فعالیتشان با شورش جوانان عضو حزب توده در برابر دستگاه رهبری آن حزب آغاز و به تشکیل سازمان انقلابی حزب توده انجامید، مبارزه با شوروی و دفاع از اندیشه های مائو بود. رشد این حرکت با بروز اختلافات میان چین و شوروی و آغاز انقلاب فرهنگی پرولتاریایی چین که پیشتر بدان اشاره شد، به اوج خود رسید. (شوکت، ۱۳۷۸: ۲۸۳) البته ناگفته نماند نظریه سه جهان مائو که شالوده سیاست خارجی این کشور را تشکیل می داد بعدها برای گروه های طرفدار چین در دسرساز شد. طبق این نظریه حکومت شاه حکومتی ملی تفسیر شد و لذا دولت چین به برقراری رابطه با شاه بر اساس منافع خود دست زد. نتیجه اینکه بسیاری از گروه های مائویستی از جمله سازمان انقلابی حزب توده که بر طبل سرنگونی رژیم شاه می کوبیدند به ناگاه آچمز شدند و دیگر پاسخی قانع کننده برای اعضا و هواداران خود نداشتند. (نادری، ۱۳۹۷: ۱۰)

#### اتحادیه کمونیست های ایران؛ تاریخچه یک انکشاف

تاریخچه شکل گیری اتحادیه کمونیست های ایران به سال ۱۳۵۵ برمی گردد که از ادغام دو گروه سازمان انقلابیون کمونیست و گروه فلسطین به وجود آمد. ریشه فعالیت این گروه ها هم به کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج کشور برمی گردد که سال ها در بیرون از ایران رهبری اعتراضات علیه حکومت پهلوی را بر عهده داشت. تشکیلات مزبور که محل تلاقی انواع جریان های سیاسی مختلف بود در نتیجه مهاجرت برخی از جوانان مارکسیست و ملی گرا پس از کودتا به خارج از کشور تاسیس شد و به تدریج با پیوستن تعداد بیشتری از دانشجویان مخالف شاه با عنوان کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ملی در فروردین ۱۳۳۹ سر و شکل رسمی پیدا کرد. (شوکت، ۱۳۷۸: ۹۳)

در خصوص سیطره مائویسم بر تفکر جریان های رادیکال در کنفدراسیون باید اشاره داشت که مائویست ها در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به رغم رشد و اقتدار فزاینده مقطعی شان در کنفدراسیون دچار پراکندگی فزاینده ای بودند. سازمان انقلابی حزب توده و گروه کادرهای منشعب از آن به صورت دو نیروی متخاصم درآمد بودند. سازمان طوفان با گروه کادرهای سازمان انقلابی مخالفت می کرد که آنها نیز به نوبه خود در سال ۱۳۴۸ با استفاده از نفوذشان در نشریه شانزدهم آذر دست به حملات آشکار علیه طوفان زدند. سازمان انقلابی که به شدت مائویست شده بود در ماه مه ۱۳۴۹ نشریه ستاره سرخ را انتشار داد. (متین، ۱۳۹۳: ۲۸۵)

سازمان انقلابیون کمونیست که یکی از سازمان‌های شکل‌دهنده اتحادیه کمونیست‌ها بود در سال ۱۳۴۸ توسط برخی از دانشجویان مقیم آمریکا به نام‌های حمید کوثری، عبدالرحمن آزمایش، سیامک زعیب و ... تشکیل شده و مشی سرنگونی شاه را دنبال می‌کرد. (متین، ۱۳۹۳: ۲۸۵) این گروه گرایش‌ها به شدت مائویستی داشت به طوری که شعار آن عبارت بود از «راه چین راه ماست، صدر چین صدر ماست» (عزیزی، ۱۳۹۸: ۹۵).

بقایای گروه فلسطین که بعدها گروه پویا نام گرفت گروه دیگر تشکیل‌دهنده اتحادیه کمونیست‌های ایران است. گروه فلسطین در واقع یک گروه کوچک مارکسیستی بود که برای مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. این گروه شامل چند محفل روشنفکری و دانشجویی بود و اعضای آن را عمدتاً دانشجویان تشکیل می‌دادند. آنها در آغاز دهه ۱۳۴۰ ملی‌گرا بودند اما در نیمه دهه به مارکسیسم گرایش پیدا کردند. گروه در ابتدا گرایش‌های مائویستی داشت و مبارزه مسلحانه را بر پایه الگوی چینی پذیرفته بود (بایرامی، ۱۳۹۴: ۱۳۱) از دل این گروه که علت نامگذاری‌اش حضور در پایگاه‌های فلسطینی واقع در عراق و لبنان برای گذراندن دوره‌های چریکی بود، گروه پویا در سال ۱۳۵۵ شکل گرفت که بیشتر بر فعالیت سیاسی و رد مشی چریکی تاکید داشت. (عزیزی، ۱۳۹۸: ۹۵) کمی بعد البته مشی این سازمان تغییر کرد و ماهیت دوگانه نظامی-سیاسی یافت. به تدریج هم زمینه‌های ارتباط‌گیری آن با سازمان انقلابیون کمونیست فراهم گردید (بهروز، ۱۳۸۴: ۱۶۲) و سازمان انقلابیون کمونیست و گروه پویا بعد از یک دوره فعالیت مشترک ایدئولوژیکی-سیاسی در تیرماه ۱۳۵۵ تصمیم به وحدت کامل گرفتند و در نهایت در مهر ۱۳۵۵ از وحدت این دو جریان، سازمان اتحادیه کمونیست‌های ایران موجودیت یافت. (خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

به طور کل مائویسم در دهه ۱۹۶۰ نقش مهمی در رادیکالیزه کردن جنبش دانشجویی داشت اما در دهه ۱۳۵۰ سیاست خارجی چین مبنی بر حمایت از رژیم‌های ضدشوروی و از جمله رژیم شاه به سرخوردگی بسیاری از مائویست‌ها انجامید. سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا کماکان تحت سلطه مائویسم قرار داشت اما بانفوذترین جناح آن در اواسط دهه ۱۳۵۰ یعنی هواداران اتحادیه کمونیست‌ها یا به اصطلاح خط میانه بود که مواضعش در قبال چین و جنبش چریکی در ایران به مراتب انعطاف‌پذیرتر از سازمان انقلابی و طوفان بود. (متین، ۱۳۹۳: ۳۶۷)

اتحادیه همچون دیگر سازمان‌های مائویستی چین را پایگاه انقلاب جهانی و صدر مائو را رهبر زحمتکش و کارگران در سراسر جهان می‌دانست. در اوایل سال ۱۳۵۰



جمهوری خلق چین روابط خود با شاه را بهبود بخشید. حاکمان جدید چین، جهان را بر اساس تز سه جهانی تبیین و تحلیل می‌کردند. بر این اساس، آمریکا و شوروی جهان اول، اروپا و ژاپن را جهان دوم و بقیه کشورها را در ردیف کشورهای جهان سوم ارزیابی می‌شد. این مسائل همان طور که پیشتر اشاره رفت، موجب سرخوردگی مائوئیست‌ها به خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران شد و بر پیکر چپ‌گرایی و شاخه مائوئیستش ضربه اساسی وارد ساخت. (کردی، ۱۳۸۶: ۱۱۸)

### موضع‌گیری‌های اتحادیه علیه نظام نوپا؛ از تردید تا ستیز

با وقوع انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ سپهر سیاسی ایران وارد دوره‌ای حساس و البته پرتنش شد. گروه‌های سیاسی که زمانی در جریان انقلاب با هم همکاری می‌کردند حالا به دنبال آن بودند که سهمی از قدرت به دست بیاورند و با استفاده از فضای سیاسی به وجود آمده در صدد بهره‌برداری از رویدادها به نفع خود بودند. گروه‌های سیاسی از طیف‌های گوناگون با گرایش‌های مختلف نظیر کمونیست‌ها و لیبرال‌ها، از چریک‌های فدایی و مجاهدین خلق گرفته تا حزب توده و احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی و حتی نهضت آزادی ایران می‌کوشیدند آرمانشهر خود را از راه تبلیغات یا ترور برپا کنند. (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۷۹)

اتحادیه کمونیست‌های ایران هم در این میان تا قبل از واقعه آمل سیاستی تردیدآمیز را دنبال می‌کرد و خط مشی منسجمی در قبال اتفاقات و رویدادهای سیاسی کشور نداشت. این موضع برآمده از نگاه و جمع‌بندی این سازمان بود. این سازمان در دومین شورای خود که در آغاز سال ۱۳۵۸ برگزار شد به این جمع‌بندی رسید که جمهوری اسلامی نظامی امپریالیسم‌ستیز است و از جریان‌هایی متفاوت اعم از خرده‌سرمایه‌داری ملی و عناصر وابسته به امپریالیسم در آن حضور دارند. (کردی، ۱۳۸۶: ۴۴) در نگاه اتحادیه برخی از سران نظام برآمده از جریان‌های ارتجاعی و سازشکار بودند و هیئت حاکمه از جناح‌های بورژوازی ملی و لیبرال و جریان‌های باقی‌مانده از طبقات ارتجاعی حاکم گذشته تشکیل می‌شد. (عزیزی، ۱۳۹۸: ۱۰۰) در مورد امام هم اگرچه اعتقاد داشتند ایشان رهبری ضدامپریالیسم هستند و انقلاب اسلامی بدون رهبری ایشان و دیگر گروه‌های وابسته به شرق و غرب به ثمر نمی‌رسید، با این حال با برخی از مواضع ایشان همراهی نداشتند. (خانی، ۱۳۹۲: ۹-۱۰۸) در اعترافات یکی از سران این سازمان آمده است:

چون حاکمیت را یک‌دست نمی‌دانستیم، برخوردمان با آن نیز یک‌دست نبود. از پاره‌ای سیاست‌هایش کاملاً پشتیبانی می‌کردیم و پاره‌ای سیاست‌هایش را محکوم می‌کردیم. مثلاً در گروگانگیری (تسخیر لانه جاسوسی) اولین گروهی بودیم که پشتیبانی کردیم، اما سیاست تعطیلی دانشگاه‌ها را قبول نداشتیم. در هر صورت حکومت را دوگانه می‌دانستیم و برخوردمان با آن نیز دوگانه بود. (خانی، ۱۳۹۹):

(۱۰۲)

نتیجه اینکه سیاست‌های اتحادیه در قبال حوادث و اتفاقات از انسجام چندانی برخوردار نبود و سران سازمان فاقد یک چارچوب تئوریک مشخص برای تصمیم‌سازی و موضع‌گیری بودند، به همین خاطر سیاست‌های سازمان روندی سینوسی را دنبال می‌کرد. برخی از مواضع اتحادیه در موافقت با انقلاب عبارتند از: گرامیداشت قیام ۱۵ خرداد، موافقت با جنگ ایران و عراق و حتی ادعای آمادگی برای حضور در جبهه‌ها، محکوم کردن ترور شهید مطهری، استقبال از سقوط دولت موقت و ... همچنین در خصوص مواضع مخالف این سازمان هم می‌توان به این موارد اشاره نمود: تحریم فراندوم، موافقت با خودمختاری کردستان، همراهی با جریان‌ات تجزیه‌طلب ترکمن صحرا، مخالفت با آیت‌الله بهشتی، نزدیکی به بنی‌صدر، تحریم انتخابات مجلس خبرگان و مخالفت با نظریه ولایت فقیه.

به هر ترتیب، با عزل بنی‌صدر کشور وارد مرحله جدیدی شد و اتحادیه کمونیست‌های ایران نیز از برکنار از تأثیرات آن نبود. سران سازمان با اعلام اینکه همچنان بنی‌صدر را رییس‌جمهور قانونی کشور و عزل وی را کودتا می‌دانند، در تظاهرات علیه مجلس شرکت و از تشکیل شورای مقاومت حمایت نمودند. در تحلیل این سازمان، تنها جناح مترقی و ضدامپریالیست داخل حکومت همانا بنی‌صدر بود و در خارج حکومت هم مجاهدین خلق این نقش را بر عهده داشت. از دید اتحادیه، طرد این دو جناح نشان از ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی داشت و مبارزه مسلحانه مجاهدین علیه نظام چیزی جز قیام مسلحانه توده‌ای برای نجات انقلاب نبوده است. (عزیزی، ۱۳۹۲: ۵-)

(۱۰۴)

بنابر اعترافات محمدرضا سپرغمی، از اعضای بلندپایه تشکیلات، اتحادیه حالا به‌مانند سازمان مجاهدین خلق بر این باور بود که تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی قیام مسلحانه توده‌ای است و البته برخلاف دیدگاه مجاهدین، بر الگوی مائویستی یعنی حرکت از روستا به شهر تأکید می‌کرد. (کردی، ۱۳۸۶: ۵۲) به گفته یکی از اعضای

سازمان:

ما متعلق به نسلی بودیم که با آموزه‌های مائو بر سر این که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید» و «خلق بدون ارتش خلقی چیزی ندارد» تعلیم یافته بودیم و عمیقاً اعتقاد داشتیم که بدون یک انقلاب قهرآمیز توده‌ای نمی‌شود از گند و کثافات و مصائب جامعه کهنه رها شد. (پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۲۲)

در کتاب *اسناد تاریخی قیام آمل* که تحلیلی است درون‌سازمانی از علل وقوع ماجرای ششم بهمن آمل و ناکامی سازمان آمده است:

سیامک زعیم در فروردین سال ۶۰ در سرمقاله نشریه حقیقت نوشت «امسال سال تعیین تکلیف است». او معتقد بود دیگر نمی‌توان با محتوای سیاسی سابق، روش‌های تشکیلاتی قبلی، و اشکال مبارزاتی قدیمی به این ضرورت پاسخ داد. اکثریت رهبری سازمان عمیقاً باور داشتند که تنها راه، آغاز مبارزه مسلحانه و سازمان‌دهی انقلاب مسلح در برابر ضدانقلاب مسلح است، در غیر این صورت کلیه نیروهای انقلابی منفعل شده و سرانجام تار و مار خواهند شد و انقلاب با شکست قطعی و نهایی خود روبرو می‌شود. نیروی کوچک می‌تواند وظیفه بزرگ را برعهده گیرد. ایده قیام فوری انرژی انقلابی نهفته درون سازمان را رها کرد. سیامک زعیم به عنوان طراح اصلی تأکید داشت که پاسخگویی به ضرورت‌های سیاسی زمانه ربطی به کمیت نیروی سیاسی ندارد، کمیت تنها بر شکل پاسخ‌دهی به ضرورت تاثیر می‌گذارد. (اسناد تاریخی قیام آمل: ۹-۲۸)

### واقعۀ ششم بهمن آمل: تلاقی تز جبهه سوم و جنگ خلقی

تحلیل بسیط و یک‌بعدی اتحادیه کمونیست‌ها از شرایط و اوضاع کشور مهم‌ترین علت ورود این سازمان به فاز مسلحانه در بهمن ۶۰ بود. در یکی از تحلیل‌هایی که در کتاب *اسناد قیام آمل* بعدها منتشر شد آمده است:

طرح سازمان بر این مبنا استوار بود که کودتای [امام] خمینی مانند کودتای صغیر محمدعلی شاه بوده و شرایط جامعه آماده برای قیام فوری است. مردم دوره مبارزات مسالمت‌آمیز را پشت سر نهاده و آمادگی برای قیام را داشته و منتظر یک جرقه هستند. این جرقه به وسیله نیروهای انقلابی یا حتی یک نیروی انقلابی می‌تواند و باید زده شود. این جرقه حمایت فوری مردم را در برداشته و می‌تواند پیروزی قیامگران را بر کودتاگران تأمین کند. در یک کلام با آماده بودن جامعه برای قیام مبارزه مسلحانه فوری از جانب یک یا چند گروه انقلابی منجر به خیزش و قیام مردم

گشته و سقوط کودتاگران و حکومت [امام] خمینی قطعی خواهد بود. (اسناد تاریخی قیام آمل، ۱۴۰۰: ۵۷)

اعضای سازمان معتقد بودند حکومت ایران دیگر فاقد توانایی‌های سابق است چرا که درگیری در دو جبهه جنگ با عراق و مشکلات و آشوب‌های داخلی به ویژه شورش‌ها در کردستان سبب شده به شدت دچار ضعف شود. در حقیقت بعد از حمله سنگین ارتش عراق به ایران و تدارکات برای عملیات فتح المبین حجم بالایی از نیروی انسانی کشور در قالب نیروهای بسیجی، سپاهی و نیروهای نظامی و انتظامی راهی جبهه‌ها شده بود و شاید بتوان گفت در تمامی شهرهای ایران شاهد کاهش نیروهای بسیجی و سپاهی بودیم و توجه مقامات نیز معطوف به تدارکات لازم برای انجام عملیات بزرگ تهاجمی به دشمن بود. در کتاب مورد اشاره در این خصوص آمده است:

جمهوری اسلامی در جبهه‌های مختلفی درگیر جنگ بود و این مسئله ضعف‌های تاکتیکی برایش بار آورده بود. وضعیت بسیار ضعیف جمهوری اسلامی به لحاظ نظامی و امنیتی فرصتی را برای اتحادیه فراهم کرد که تدارکات نظامی نسبتاً گسترده جنگ خود را به خوبی پیش برده و ضربه نخورد. هرچند قابلیت کادرها و فداکاری رفقا در کلیه سطوح را نباید از نظر دور داشت. تداخل جنگ خارجی و بحران سیاسی داخلی امکان تشخیص بهترین مقطع (و حتی بهترین لحظه) برای آغاز مبارزه مسلحانه را فراهم کرد. (اسناد تاریخی قیام آمل، ۱۴۰۰: ۴۳).

اینکه آیا درگیری نظام نوپای جمهوری اسلامی در جبهه‌های مختلف سبب کاهش توانایی‌های بسیج‌گری آن شده بود یا خیر را تنها با تحلیل دقیق و همه‌جانبه شرایط آن زمان می‌توان دریافت اما آنچه مسلم است این است که اتفاقاً این دو موضوع به خصوص جنگ ایران و عراق سبب افزایش قابلیت بسیج‌گری نظام و همدلی در میان ایرانیان شده بود و در شرایطی که دشمن بیرونی رودرروی نظام و مردم قرار گرفته بود تصور فرصت‌طلبی عده‌ای کم‌شمار در پشت جبهه برای بسیاری اتفاقی عجیب و غیرقابل هضم بود، آن هم در نظام نوپایی که از حداکثر میزان حمایت مردمی و رهبری کارزماتیک برخوردار بوده است.

بنابه اعترافات حسین تاجمیر ریاحی، از رهبران سازمان، یکی از تاکتیک‌های اتحادیه کمونیست‌ها در قبال جنگ، فرصت‌طلبی آنان از وضعیت جنگی کشور بوده است. طبق این اعترافات، اتحادیه در پی گشودن جبهه سوم علیه جمهوری اسلامی ایران بود، جبهه اول جنگ ایران و عراق بود که بخش عمده‌ای از امکانات و نیروهای نظام را به خود مشغول کرده بود، جبهه دوم هم مبارزات کردها و گروه‌ها بود، بنابراین ایجاد

یک جبهه جدید در جنگل بدون مقاومت چندانی از سوی حکومت می‌توانست موفقیت بیشتری را در پی داشته باشد و نهایتاً به سقوط حکومت بیانجامد که به **تجزیه جبهه سوم** معروف بود. (خانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵) براساس آنچه در کتاب **پرنده نوپرواز** از جانب اعضای سازمان نقل شد، آنها تصمیم داشتند تا پس از پیروزی در آمل جبهه دیگری را نیز در کرمانشاه ایجاد کنند. (پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۳۱) البته نگاه سامان و تحلیل آن از جنگ در نوع خود جالب توجه بود. در حالی که آحاد جامعه این جنگ را جنگی میهنی و ارزشی می‌دانستند که باید برای دفاع از سرزمین و کیان انقلاب جان فشانی نمود اعضای سازمان اعتقاد داشتند این جنگ جنگی طبقاتی است و نه تنها در آن شرکت نکردند که فرصت طلبانه سعی در سوءاستفاده از آن داشتند:

جنگ ایران و عراق جنگ طبقه ما نبود و شرکت بخشی از نیروهای ما در آن جنگ هیچ منفعتی برای طبقه ما نداشت. اما تنها فایده‌ای که به ما رساند تهیه این قبیل سلاح‌ها بود... حتی در یک مورد برخی از سلاح‌ها توسط رفقای پیرو چون سهیل سهیلی (یوسف گرجی) از جبهه جنگ آبادان با هلی کوپتر به اهواز منتقل شد... بدین طریق مجموعاً حدود ۶۰ الی ۷۰ اسلحه از انواع مختلف با مقدار زیادی مواد منفجره و مهمات گردآوری شد. (پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۳۹)

در خصوص نحوه اقدام هم رویکرد مائویستی اتحادیه کمونیست‌های ایران و باور به درستی اندیشه‌های مائو نزد اعضای سازمان در خصوص جنگ سبب شد این تشکیلات در تحلیل خود استراتژی «جنگ خلقی» را در پیش بگیرد. مائو بر این باور بود که یک قیام توسط گروه کوچک انقلابی با پشتوانه مردمی می‌تواند در برابر یک قدرت دولتی و ارتش حرفه‌ای و مجهز ایستادگی کند. البته در این استراتژی باید از رویارویی‌های تعیین‌کننده با ارتش‌های بزرگ و مجهز اجتناب نمود زیرا نتیجه کاملاً قابل پیش‌بینی است. با این حال با در پیش گرفتن یک جنگ خلقی می‌توان نتیجه جنگ را تغییر داد به طوری که با تدوین یک استراتژی سه مرحله‌ای و طی یک جنگ طولانی‌مدت و فرسایشی به ارتش کوچک خلقی توان مقابله را می‌دهد و احتمال پیروزی به وجود می‌آید این مراحل عبارتند از:

۱. استقرار در مناطق دور افتاده و کوهستانی که برای ارتش‌های بزرگ صعب‌العبور است.

۲. نفوذ به مناطق اطراف و جذب نیروهای محلی

۳. حمله به شهرهای کوچک و بزرگ (Wikipedia)

با نگاهی به عملکرد اتحادیه در جریان حمله به آمل و استقرار در جنگل‌های اطراف به خوبی این تاثیرپذیری از آرای مائو آشکار می‌شود. با مرور خاطرات اعضای سازمان که در جریان حمله به آمل نقش داشتند اطلاعات مهمی در تایید این رابطه به دست می‌آید. مشکلات حضور سازمان در تهران در پی اجرایی شدن طرح مالک و مستاجر که سبب می‌شد مالکان نام مستاجران را به کمیته اطلاع دهند سبب شدن اتحادیه به دنبال نقاط دیگری در کشور بگردد و به دلایل مختلفی شهر آمل و جنگل‌های اطراف آن به عنوان مکان مناسب برای استقرار گروه انتخاب شد.

بدین منظور در اوایل شهریور ۱۳۶۰ حدود صد و هشتاد نفر از اعضای اتحادیه به شمال کشور و شهر آمل گسیل شدند که البته بعدتر تعداد این گروه به حدود صد نفر رسید. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۱۱۳) حوزه فعالیت اتحادیه کمونیست‌ها در بیست کیلومتری آمل، در منطقه‌ای به نام «مَنگُل‌دَرّه» بود که به دلیل فاصله از کوه‌های جنگلی تا لب دریا دارای عمق استراتژیک بود و برای جنگ و گریز مناسب به شمار می‌رفت. تصور اتحادیه این بود که بخاطر بافت دهقانی منطقه و جمعیت اطراف آن در صورت حمله به شهر مقاومت پراکنده نیروهای انقلابی به سرعت سرکوب می‌شود و در مرحله دوم، پس از قطع خطوط ارتباطی و تقویت نیروهای مخالف داخل شهر، دیگر مناطق مازندران به تصرف نیروهای اتحادیه درآمده و پس از آن آحاد مردم، در یک زنجیره متشکل، در سراسر ایران به پا می‌خیزند و جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنند (پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳: ۱۹).

البته علل مختلفی وجود داشت که در مکان‌گزینی‌های جنبش مسلحانه آن روزگار، نقاط شهری را به‌عنوان مرکز فعالیت‌ها انتخاب می‌کردند. محیط شهری این پتانسیل را داشت که چریک در آن به سهولت بتواند استتار کند و به فعالیت‌های پارتیزانی مانند حملات ناگهانی، بزن و فرار کن، تله و کمین انداختن، ترور، تبلیغ مسلحانه، جنگ روانی و... مبادرت ورزد. به عبارتی دیگر، ویژگی‌های کالبدی-فضایی شهرها میدان عمل مناسبی را برای چریک مهیا می‌کرد و آنها می‌توانستند از این موقعیت برای مقاصد خود بهره ببرند. از سوی دیگر شهر به‌علت وجود تراکم فضای انسانی و ازدحام جمعیتی بالا، بستر مناسبی را جهت جنگ و گریز شهری به چریک می‌داد و این امکان را فراهم می‌کرد که مبارزین با ریسک نسبتاً پایین دستگیری از سوی نیروهای انتظامی، عملیات‌های مقطعی و ناگهانی را سازماندهی کنند. (نصیری زرقانی و دهقان، ۱۴۰۰: ۱۱۹). نزدیکی به تهران، قرار گرفتن بر سر یکی از مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی کشور و وجود زمینه‌ها و تمایلات چپگرایانه از گذشته در منطقه و به طور

کل در شمال کشور از دیگر مواردی بود که سازمان را به انتخاب آمل برای شروع عملیات ترغیب کرد.

به هر حال با تمام برنامه‌ریزی‌ها و بلندپروازی‌های اتحادیه ماجرای حمله برای آنان بسیار تراژیک پیش رفت. دفاع جانانه مردم آمل از بشهر، باورها و اعتقاداتشان بار دیگر نادرستی فرضیه‌های وارداتی را به منصفه ظهور کشاند و نشان داد محصور شدن در چارچوب تنگ ایدئولوژی‌ها چقدر می‌تواند فاجعه‌بار باشد. آنها که با مطلق‌انگاری باورهای مائویستی‌شان به دنبال تسخیر شهر به شهر و برانگیختن قیام توده‌ای بودند چنان ضربه سنگینی را متحمل شدند که دیگر هرگز از این شکست کمر راست نکردند هر چند بعدها کوشیدند با تحلیل‌های خود به توجیه اقداماتشان بپردازند. از جمله این تحلیل‌ها را می‌توان در اسناد تاریخی قیام آمل یافت که از آن به عنوان برگ درخشان در تاریخ مبارزات جنبش کمونیستی ایران قلمداد نمودند و درست‌ترین اقدام ممکن در آن مقطع تاریخی با وجود شانس پیروزی اندک‌شان خواندند. (اسناد تاریخی قیام آمل، ۱۴۰۰: ۴۹)

### نتیجه‌گیری

واقعه ششم بهمن آمل یکی از بزرگ‌ترین تاریخ‌های تاریخ بسیار سرنوشت‌ساز کشور در دهه ۱۳۶۰ به شمار می‌رود، برهه‌ای که نه تنها وفاداری مردم به نظام به بوت‌به‌آزمایش گذاشته شد که نادرستی بسیاری از باورها و ایده‌های وارداتی اثبات گردید. حرکت اتحادیه در حمله به آمل در بهمن ۱۳۶۰ اقدامی کور و ناشی از باورهای ایدئولوژیکی این سازمان بود. انزوا و دور بودن از متن جامعه و سرسپردگی شدید به تئوریهای مائویستی بر تحلیل‌های این گروه از انقلاب و نحوه رفتار با حکومت تاثیر گذاشته بود. از نگان این سازمان ماهیت انقلاب ایران «اسلامی» نبود و می‌کوشیدند به تعبیر خودشان، رهبری طبقه کارگر را بر آن هژمون کنند. نگاه متفاوت آنها به جناح‌ها و گروه‌های حاضر در هیئت حاکمه سبب برخورد دوگانه آنها با اتفاقات انقلاب شده بود به طوری که فاقد یک دیدگاه نظری مشخص و منسجم در قبال رویدادها بودند و در تصمیم‌گیری‌ها روندی سینونسی را دنبال کنند. تنها پس از عزل بنی‌صدر بود که سازمان به یک جمع‌بندی واحد مبنی بر لزوم قیام مسلحانه رسید که البته سرآغاز سقوطشان هم شد.

پژوهش حاضر در پاسخگویی به این سوال که گروه مزبور بر مبنای کدام تحلیل از تحولات داخلی و بین‌المللی دست به اقدام مسلحانه زدند این فرضیه را به آزمون

گذاشت که اتحادیه کمونیست‌ها با دریافتی مائویستی از حوادث بین‌المللی و محصور شدن در نظرگاه تنگ ایدئولوژیک آن به دنبال استراتژی جنگ خلقی سه مرحله‌ای در شمال کشور بود و با تصور درگیری نظام در دو جبهه جنگ عراق و مبارزه با احزاب جدایی طلب تصور می‌کرد توانایی باز کردن جبهه سومی نخواهد داشت و بنابراین غافلگیر خواهد شد. نگاه مطلق‌انگارانه به توصیه‌های مائو سبب شد قدرت مشاهده و درک واقعیت‌ها را از دست بدهند و جایگاه باورهای دینی و انقلابی مردم را نه فقط در آمل که در کل کشور دست کم بگیرند. اینکه با چه توجیهی بر این تصور پای فشردند که نظام توانایی بسیج‌کنندگی خود را از دست داده حقیقتاً جای پرسش دارد اما واقعیت این است که نه تنها کمترین همکاری هم با آنها نشد که اتفاقاً همان مردمی که قرار بود انقلاب توده‌ای برپا کنند و در فتح گام به گام شهرها از آنها استقبال نمایند نقش تعیین‌کننده‌ای در به ناکامی کشاندن تلاش‌هایشان، آن هم در کمتر از بیست و چهار ساعت، داشتند.



## فهرست منابع

- استمپل، جان. دی (۱۳۷۸)، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- امری، کریستین (۱۳۹۷)، *سیاست خارجی آمریکا و انقلاب ایران؛ تعامل و تقابل استراتژیک در دوره پهلوی و پس از انقلاب*، ترجمه محمدشمس‌الدین عبداللہی‌نژاد، تهران: ققنوس.
- بایرامی، سمانه (۱۳۹۷)، *مروری بر نحوه تشکیل و فعالیت گروه راد- دامغانی (گروه تربیت حیدریه)؛ از نخستین گروه‌های مائویستی دوران پهلوی*، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۶۳، زمستان.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۴)، *شورشیان آرمانخواه؛ ناکامی چپ در ایران*، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: ققنوس.
- خانی، مهدی (۱۳۷۴)، *حماسه اسلامی مردم آمل*، مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم آمل، تهران: دانشگاه امام حسین.
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، *شهر هزار سنگر: (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شوکت، حمید (۱۳۷۸)، *کنفدراسیون جهانی؛ محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)*، تهران: عطایی.
- عزیزی، امین (۱۳۹۸)، *بررسی مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در فصلنامه مطالعات تاریخی*، سال هفدهم، شماره ۶۶، پاییز.
- کردی، علی (۱۳۸۶)، *اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- متین، افشین (۱۳۹۳)، *کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج کشور ۱۳۳۲-۵۷*، ترجمه ارسطو آذری، تهران: شیرازه.
- نادری، محمود (۱۳۹۷)، *مائویسم در ایران؛ تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی*.
- نصیری زرقانی، آرش و دهقان، معصومه (۱۴۰۰)، *عملکرد سازمان چریک‌های فدایی خلق علیه حکومت پهلوی در جنگ‌های چریکی شهری*، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، دوره پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۷).
- ون، شون چی (۱۳۸۱)، *مائو و مائویسم*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: خجسته.

اسناد تاریخی قیام آمل؛ مبارزات خطی در جمع‌بندی نبرد مسلحانه سریداران  
(۱۴۰۰)، بی‌جا: حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائویست).  
-پرنده نوپرواز، گفت و گو با یکی از رفقای شرکت‌کننده در مبارزه مسلحانه سریداران  
و قیام آمل (۱۳۸۳)، بی‌جا:

<https://fa.wikipedia.org>

## پراکسیس سیاسی و عدالت؛ شهر آمل و اتحادیه کمونیست‌های ایران در حماسه ۶ بهمن

سیدهاشم منیری<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی مسئله پراکسیس سیاسی طرف‌های منازعه در چارچوب مفهوم عدالت سیاسی و بازنمایی انتزاعی آن در طرح‌واره تصویری نیرو است. طرح‌واره یک الگو، شکل، روابط و یک نظم تکراری از فعالیت‌های منظم در جریان است که از یک مجموعه هستی‌ها شامل مردم، صحنه‌ها، رویدادها و هدف‌ها تشکیل شده است. بعلاوه این روابط ممکن است شامل روابط علی، توالی زمانی، ساختار کنش‌گر - کنش‌پذیر و یا روابط ابزاری باشند. بنابراین، فشار، انسداد و نیروی کنش متقابل طرف‌های درگیر در مفهوم به نام پراکسیس سیاسی پدیدار می‌شود. از این‌رو، چرایی پراکسیس سیاسی مردم آمل و اتحادیه کمونیست‌های ایران کانون پرسش اصلی مسئله پژوهش است. فرضیه بر آن است که هرکدام عدالت را بر اساس ذهنیت خود صورت‌بندی کرده و در نتیجه پراکسیس برآمده از آن تاریخ‌مند، هنجاری و زمینه‌مند است. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی عدالت سیاسی شهر آمل وابسته به گذشته اسلامی (تاریخ‌مند)، عدالت اسلامی (هنجار - ارزش) و جمهوری اسلامی (زمینه‌مند) است. بدین منظور ما با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس چارچوب نظری عدالت «جان رالز» به تحلیل موضوع می‌پردازیم.

**کلیدواژگان:** ایران، پراکسیس سیاسی، عدالت، ۶ بهمن آمل.

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد:

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ و استقرار رسمی «جمهوری اسلامی» در فروردین‌ماه ۱۳۵۸، بیشتر کسانی که در این مقطع تاریخی دارای رویکرد مارکسیسم - لنینیسم بودند مقدمات مرزبندی عقیدتی و سیاسی خود را در رابطه با مسائل سیاسی روز آشکار کردند؛ به‌طوری‌که رادیکالیسم در عرصه سیاسی، تا بالاترین مرحله هم در تئوری و هم در عمل، به اوج رسید (خانابا تهرانی، ۱۳۸۰: ۳۷۵). این گروه‌ها به دلایل وابستگی‌های ایدئولوژیک و غالباً ضدغربی یا به‌واسطه‌ی عمل‌گرایی و رسیدن به نتیجه مطلوب، پیوستاری از همراهی و رویارویی را با حاکمیت مستقر در پیش گرفتند. حزب توده (طبری، ۱۳۶۶: ۲۹۸) و فداییان اکثریت (بهروز، ۱۴۰۰: ۱۹۸)، تا حدودی با نیروهای مکتبی که بخشی از ساختار سیاسی را تشکیل می‌دادند، همراهی کردند. اما گروه‌هایی نظیری فداییان (اقلیت)، مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق (اشرف دهقانی) و سایر گروه‌های مارکسیستی، رویارویی با دولت را در پیش گرفتند (بهروز، ۱۴۰۰: ۱۸۸-۱۸۹). از جمله یکی از این گروه‌ها، «اتحادیه کمونیست‌های ایران»<sup>۱</sup> است که از گرایش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی برخوردار بود. این گروه تا قبل از خرداد ۱۳۶۰، از جبهه ضدامپریالیستی امام خمینی حمایت می‌کرد، اما به تدریج مواضع ناهم‌سو در پیش گرفت و بعد از قیام مسلحانه مجاهدین خلق، مشی مسلحانه توده‌ای را به‌عنوان الگوی مبارزاتی خود انتخاب کرد (عزیزی، ۱۳۹۸: ۹۹-۱۰۴). این اتحادیه با الگوگیری از چین، حرکت از روستا به شهر را برای تسخیر قدرت سیاسی انتخاب نمود و با سازمان‌دهی گروهی به نام «سربداران» به مشی چریکی روی آورد (احمدی حاجیکلاپی، ۱۳۸۶: ۴۵۷). از این‌رو، شهر آمل به‌عنوان اولین هدف عملیاتی مورد هدف قرار گرفت. آمل نیز، همچون سایر شهرهای استان مازندران، عرصه‌ی فعالیت‌ها و تبلیغات گروه‌های چپ مارکسیستی قرار گرفت؛ به‌طوری‌که گروه‌های دیگر مانند گروه جنگل حرمتی پور<sup>۲</sup> - اشرف دهقانی، سازمان مجاهدین خلق، گروه رنجبران، گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر و افراد دیگری که عضو پیشمرگه‌های کردستان بودند، پوشش جنگل را بستر مناسبی برای عملیات مسلحانه خود قرار دادند. از این تعداد، افراد بومی نیز حضور داشتند تا در شناسایی و موقعیت‌شناسی محل‌ها،

<sup>۱</sup> The Union of Iranian Communists (Sarbedaran)

<sup>۲</sup> یک سازمان کمونیستی است که در تیرماه ۱۳۶۰، چریک‌های فدایی خلق ایران (ارتش رهایی‌بخش خلق‌های ایران) را بر اساس مشی مسلحانه پایه‌گذاری کرد.

گردآوری آذوقه و تبلیغات روانی کمک نمایند. درباره چرایی انتخاب استان‌های شمالی باید اذعان کرد این امر دارای سابقه‌ی تاریخی و ژئوپلیتیکی بوده است. بدین گونه که علاوه بر عملیات نظامی سپاهکل به‌وسیله چریک‌های فدایی خلق<sup>۱</sup> به‌عنوان یک سابقه‌ی ذهنی، عوامل تاریخی در گذشته دور مانند قیام «سالم ربیع علی» در کوه‌های یمن؛ و گذشته نزدیک مانند قیام «ستارخان» در امیرخیز تبریز، عوامل طبیعی و انسانی دیگری در انتخاب شهر آمل حضور دارد که آن را نسبت به دیگر شهرهای استان متمایز می‌کند (رهگذر، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴). یکی از عناصر اصلی در انتخاب این شهر، وجود جنگل آمل در دو سوی جاده هراز و داشتن کمترین فاصله با تهران است. بعلاوه، وجود راه‌های مختلف اصلی و فرعی از جنگل به شهر آمل و سهولت در رفت‌وآمد و تهیه‌ی آذوقه و تدارکات از طریق روستا و استفاده از عناصر بومی چون رانندگان، برای راهنمایی و خبرگیری، این شهر را به‌عنوان مدخل ورودی و به‌نوعی گلوگاه استان مازندران درآورده بود. بنابراین، موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی و نظامی این شهر، بستر مناسبی را برای جنگ‌های چریکی و منازعات مسلحانه فراهم آورد. رهبران گروه جهت ترویج افکار مارکسیستی معتقد به استراتژی توده بود و بنا بر نظر مائو و اعتقاد به اینکه در مبارزه باید بیش از هر چیزی بر پشتیبانی‌های مردمی و استفاده از آنان به‌عنوان یک منبع مبارزه سریع علیه دشمن (مائو، ۱۹۷۲: ۳۷۱-۳۷۲) بهره‌گیری نمود، اقدام به طراحی این عملیات کرد. از این‌رو، اینکه چرا اتحادیه دست به عملیات مسلحانه و به‌نوعی پراکسیس سیاسی زد و عملکرد و دیدگاه مردم در رابطه با ادعای این سازمان مبنی بر عدالت و آزادی چه بود، مسئله‌ی اصلی و هدف این مقاله را تشکیل می‌دهد.

فرضیه بر آن است که هرکدام عدالت را بر اساس ذهنیت خود صورت‌بندی کرده و در نتیجه پراکسیس برآمده از آن تاریخ‌مند، هنجاری و زمینه‌مند است. بدین منظور که از دیدگاه هر دو طرف، حضور گذشته‌ی تاریخی بر ارزش‌ها سایه افکنده است و به‌عنوان یک نیرو/ مانع نحوه‌ی کارکرد هر نیروی سیاسی انقلابی را، بر اساس حامی انقلاب و یا ضدانقلاب، صورت‌بندی می‌کند و درک آن دوره را در تحلیل و ارزیابی نیروهای طبقاتی مختلف بر اساس دو مؤلفه «پراکسیس» و «عدالت»، روشن می‌سازد.

<sup>۱</sup> در نوزدهم بهمن‌ماه ۱۳۴۹ ش. پاسگاه ژاندارمری سپاهکل خلع سلاح می‌شود (ر.ک: محمود نادری، چریک‌های فدایی خلق، ج ۱).

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره رخداد ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل انجام گرفته است که می‌توان آن‌ها را برحسب مؤلفه‌ی نهادی، تقسیم‌بندی کرد. عزیزی (۱۳۹۸)، مواضع اتحادیه کمونیست‌ها را، قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده است. او بیان می‌کند مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران پس از انقلاب اسلامی شامل دو مرحله‌ی «مواضع دوگانه و ناهم‌سو»، از اول انقلاب تا خرداد ۱۳۶۰، و «رویارویی نظامی»، بعد از عزل بنی‌صدر تا روز ششم بهمن، بوده است. از نظر اتحادیه کمونیست‌ها تنها راه سرنوونی جمهوری اسلامی، حرکت مسلحانه توده‌ای با الگوی مائوئیستی یعنی حرکت از روستا به شهر است. عبدی و دیگران (۱۳۹۱)، ضمن بررسی کنش‌های گریز از مرکز سازمان‌های مسلح مارکسیستی، به عملکرد کمیته‌های انقلاب اسلامی در مبارزه با ضدانقلاب پرداخته و کارویژه کمیته‌ها را در حفظ و برقراری دوباره امنیت، نشان می‌دهد. صادق فامیان قدیم و توحیدفام (۱۳۹۸)، به بررسی علت تداوم احزاب چپ در بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. نویسندگان معتقدند رویکرد ضدامپریالیستی و حمایت از خلق ستمدیده مواضع مشترک جریان چپ و انقلاب است که تا مقطعی از تاریخ منجر به تداوم این جریان می‌شود. بهروز (۱۴۰۰)، درباره ناکامی مارکسیست‌های حاشیه‌ای از جمله اتحادیه کمونیست‌ها، معتقد است الگوی ضد امپریالیستی مارکسیست‌ها سرانجام نتوانست بین استقلال سیاسی جمهوری اسلامی در برابر قدرت‌های خارجی، و قصد اسلام‌گرایان در ایجاد یک حکومت دینی، تمایز قائل شوند.

تمایز این پژوهش با آثار دیگران، که غالباً به رویه‌های تاریخی پرداخته‌اند، به مسئله «پراکسیس سیاسی» در چارچوب نظام عدالت‌محور محدود شده است که مدعای هر دو گروه را در رابطه با مفاهیم و داور‌های جافتاده‌ی نهاد مستقر و جایگاه شهر، مورد بررسی قرار خواهد داد.

## ۳. چارچوب نظری

بخش وسیعی از نظریه‌پردازی‌های سیاسی شامل مباحثی بوده است درباره‌ی اینکه چه کسی باید چه چیزی را دریافت کند. در این معنا، عدالت را برای توزیع هر نوع خیر<sup>۱</sup>، اعم از آزادی، حقوق، ثروت، در جامعه می‌توان تعریف کرد (هیوود، ۱۳۹۱):

۱۷۷). در چارچوب عدالت سیاسی، طیف گسترده‌ای از گزینه‌های سیاسی وجود دارد. مثلاً مداخله دولت باید چه دامنه‌ای داشته باشد؟ باز توزیع ثروت باید تا چه حد باشد؟ در یک جامعه کدام اصول باید راهنمای سیاست‌ها و تصمیمات دولت قرار گیرد؟ این پرسش‌ها، به شیوه‌ی اعمال قدرت و نوع رابطه‌ی میان نهادهای حکومتی و گروه‌های اجتماعی و به‌نوعی ضرورت و غایت جامعه و دولت و همچنین بهترین شیوه‌ی سازمان‌دهی به زندگی سیاسی انسان به‌منظور تأمین غایات اساسی حیات، مربوط است (بشیریه، ۱۳۸۶: ۴۷).

چگونگی کاربست شیوه سازمان‌دهی ثروت و خواسته‌های جامعه «وابسته به ساختار پایه‌ای جامعه و تصویری از عدالت و ظرفیت‌شان برای داشتن برداشتی از خیر است» (رالز، ۱۳۹۳: ۲۹). یک تصور معتقد است که دولت وظیفه اخلاقی در باب انسان و سازمان اجتماعی دارد و برخی دیگر، اساساً ماهیت وجودی دولت را مورد سؤال قرار می‌دهند. رابرت نوزیک<sup>۱</sup> از جمله یکی از اختیارگرایان<sup>۲</sup> برجسته مدافع محدود شدن دولت به حد وظایف بسیار محدود حفاظت از افراد در برابر زور، دزدی، کلاهبرداری و چیزهایی از این قبیل است. او معتقد است همه امور باید به بخش خصوصی و بازار آزاد واگذاشته شود (نوزیک، ۱۳۹۵: ۱). جان رالز<sup>۳</sup> به‌نوعی دیگر به وجود دولت معتقد است، و می‌گوید «جامعه‌ی سیاسی را می‌توان به‌عنوان نظام منصفانه‌ی همکاری در طول زمان از نسلی به نسل بعد، که در آن افرادی که همکاری می‌کنند شهروندان آزاد و برابر در سراسر زندگی خود هستند، تعبیر کرد (رالز، ۱۳۹۲: ۲۵).

این همکاری به‌قصد و غایتی صورت می‌گیرد که سعادت<sup>۴</sup> و بهروزی یکی از نتایج عینی آن است. درک اشخاص از سعادت برگرفته از زندگی‌شان است. چارچوب زندگی نیز وابسته به تربیت و فرهنگ جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند (تلیس، ۱۳۹۳: ۳۳). از این‌رو، اگر سعادت غایت انسان‌هاست، و اگر سعادت فقط در نوع درستی از دولت حاصل می‌شود، پس افرادی که در دولتی می‌زیند که به شیوه‌ی درست زندگی‌یاری نمی‌رساند ضرورتاً انسان‌هایی ناسعادتمند هستند. بعلاوه، دولتی که نظر نادرستی درباره سعادت‌مندی و عدالت ترویج می‌کند، یا وظیفه‌ای را درست انجام نمی‌دهد، چنین دولتی فاسد و غیرعادل است. بنابراین، هر تصویری از عدالت

<sup>1</sup> Robert Nozick

<sup>2</sup> Libertarianism

<sup>3</sup> John Rawls

<sup>4</sup> Happiness

برپایه مجموعه‌ای از اصولی است که بنا بر آن هر جامعه‌ای حقوق، وظایف و خیرهای اجتماعی را توزیع می‌کند. رالز معتقد است این اصول تعریف‌کننده نهادها و تشکیل‌دهنده‌ی ساختار بنیادین جامعه است (رالز، ۱۳۹۳: ۹۰). البته تصور و برداشت از عدالت، دارای دو مؤلفه هنجاری است. رالز این دو مؤلفه را تحت عنوان داوریه‌های جافتاده<sup>۱</sup> و سازگاری که به صورت شهودی به نظرمان معقول است، برمی‌شمارد (رالز، ۱۳۹۳: ۸۲).

بر اساس چارچوب گفته‌شده، تصور حاکمیت از عدالت و تصور عدالت از منظر مردم آمل «برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست» (قانون اساسی، «مقدمه»، ۱۳۷۲: ۱۱). زمینه‌ی داوریه‌های جافتاده در سطح دولت و جامعه، حاکمیت را موظف به پرورش، تربیت و کمال رساندن انسان می‌داند که در چارچوب اسلام قرار می‌گیرد. در این چارچوب، قانون فقه‌ت بهترین تجلی عدالت در عالم خارج است (سروش، ۱۳۹۲: ۱۹)، که با حکم فقیه سازگار است. اتحادیه کمونیست‌ها نیز، در چارچوب ایدئولوژی مائوئیستی قائل به انقلاب فرهنگی و در نتیجه مبارزه با ضدانقلاب و بورژوازی است. اما اتحادیه برخلاف حاکمیت، معتقد به «نبرد طبقاتی» و «استراتژی جنگ» است. در این زمینه مائو معتقد است: «وظیفه مرکزی و عالی‌ترین شکل انقلاب تصرف قدرت به وسیله نیروهای مسلح، یعنی حل مسئله از طریق جنگ است» (مائو، ۱۹۷۲: ۴۳۶). از این‌رو، برپایه نظریه رالز، اتحادیه موضع حاکمیت را برخلاف عدالت سیاسی و فاقد داوریه‌های جافتاده‌ی نگرش چپ به خیرهای اجتماعی و ناسازگار با نهادهای پایه‌ای می‌دانست. اتحادیه خود را از نسلی می‌داند که به دنبال نابود کردن جامعه‌ی کهن، در تلاش برای ساختن جامعه‌ی نو است (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۲۲). از این‌رو، دو برداشت از عدالت رویاروی یکدیگر قرار گرفت که هر کدام برخاسته از ایدئولوژی خاص خود بود. یکی، عدالت را بر مبنای پراکسیس و برداشت‌های اسلامی تبیین می‌کرد و دیگری، بر اساس بنیادهای کمونیستی.

### پیش‌درآمد؛ سال ۱۳۶۰ و پراکسیس انقلابی در دو سوی جبهه

با فرارسیدن سال ۱۳۶۰، به تدریج تمایزات آنتاگونیستی<sup>۲</sup> «ما» و «آن‌ها»، موجب فرانهاده‌ن از سطح ایدئولوژیکی و سیاسی، به سطح نظامی و عملیاتی شد و صحنه را برای مبارزه طبقاتی فراهم کرد. کمونیست‌ها آن را به‌عنوان یک «ضرورت تاریخی» و

<sup>۱</sup> Considered Judgments

<sup>۲</sup> Antagonistic



یک «وظیفه سیاسی و عملی» (حقیقت، ۱۳۶۰: ۲)، به حساب می‌آورند و در مقابل، مردم آن را به‌عنوان یک وظیفه‌ی «انقلابی» در برابر «ضدانقلاب» محسوب می‌کنند. به نظر می‌رسد بسیج نیروها و سازمان‌دهی مردم، به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی پراکسیس سیاسی در ذهن هر دو طرف صحنه‌ی سیاسی، حضور دارد. در این پژوهش پراکسیس سیاسی<sup>۱</sup>، فعالیت‌ی کاملاً مستقل و خودبسنده نیست، بلکه در مسیر سرنوشت امر موقتی و انسانی و مسائل روزمره شهری قرار دارد. به این معنا، کسی که به‌عنوان عضو مسئولیت‌پذیر شهر عمل می‌کند، عمل او هرگز به پایان نمی‌رسد؛ زیرا هر کنش سیاسی به دیگران نیاز دارد. کنش سیاسی اصیل، چیزی مانند مسیر یا پله برای کامل شدن نیست، بلکه جزئی از خود کامل شدن است (بال، ۱۴۰۰: ۳۸). از این رو، پراکسیس انسان وجه امکانی<sup>۲</sup> دارد.

#### ۴. تصور عدالت؛ حاکمیت و مردم آمل

##### ۱،۴ امنیت به‌مثابه عدالت

امنیت کالایی است همگانی که هر نظام سیاسی در تعاملات خود در محیط سیاسی داخلی (جامعه) و محیط بین‌الملل، با آن درگیر است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۶۸۴). حفظ ثبات و محیط سیاسی داخلی با مشارکت مردم در ابعاد دروندادهای داخلی با کارویژه‌های تصریح منافع، تألیف منافع، سیاست‌گذاری، قضاوت و اجرا تحقق می‌یابد (آلموند و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۴). توصیف وضعیت هرگونه قدرت‌های گریز از مرکز، ارتباط دو سوی دولت و جامعه را به یکدیگر پیوند می‌زند و در این میان اجرای طرح‌های اطلاعاتی - عملیاتی به‌عنوان پراکسیس وجودی دولت و مشارکت مردم در مقاومت و یا کنترل تهدید، موجب ثبات و امنیت خواهد شد. شهر آمل و استان مازندران نیز در مواجهه با معارضه مسلحانه و بی‌ثباتی قدرت حاکم، علاوه بر کنترل تهدید، به نجات و مدیریت آن پرداخت. یکی از اقدامات عینی، سنگر سازی و انتقال کیسه‌شن در معابر عمومی به‌قصد کنترل عبور و مرور و دفاع از منطقه‌ی «خودی» بود (شعبانی، ۱۳۹۴: ۵۰۴). مشارکت در دفاع از شهر، محدود به نیروی نظامی نبود، بلکه زنان و مردان با «رضایت» و «مشارکت فعالانه» در آن حضور داشتند. مطالبه‌ی امنیت عمومی به‌نوعی مخالفت ضمنی شهروندان را با نیروهای مهاجم در بردارد. بدین

<sup>۱</sup> Political Praxis

<sup>۲</sup> Contingent

خاطر امام چندین روز بعد، از اهمیت مخالفت مردم آمل و اعاده امنیت می‌گوید و آن را به‌مثابه مشروعیت سیاسی در نظر می‌گیرد. امام در سخنرانی خود می‌گوید:

«شما ملاحظه فرمودید که این‌ها در داخل تبلیغات زیاد می‌کردند، به خارج هم که رفتند تبلیغات زیاد می‌کنند، به اینکه مردم در اختناق‌اند، و خودشان همه مخالف‌اند با جمهوری اسلامی، در صد شش تا موافق دارد جمهوری اسلامی، یا فوقش ده تا، ولی سایرین همه موافق منفی و مخالف هستند. و دیدند که همه آمالشان را به شمال دوخته بودند و بیشتر تبلیغات این بود که شمال دیگر تقریباً صد در صد مخالف با جمهوری اسلامی هستند. و این‌ها همه قوایشان را جمع کردند و به آمل آن حمله وحشیانه غافلگیرانه را کردند، به امید اینکه مردم آمل هم با آن‌ها همدست بشوند، و آمل را مرکز استان قرار بدهند و بعد مازندران و جاهای دیگر و رشت و همه جاها را بگیرند و جلو برونند. این‌ها به خیال خودشان با دست ملت می‌خواستند که - همان ملتی که آن‌ها تراشیدند که مخالف‌اند با جمهوری اسلامی - با این‌ها بیایند و مرکز را هم بگیرند و حکومت را تغییر بدهند و بعد هم هر طوری که دلشان می‌خواهد عمل بکنند، مرتجعین را هم از بین ببرند! وقتی مواجه شدند با مخالفت مردم - مهم مخالفت مردم بود - [شکست خوردند] و ما باید تشکر کنیم از شهر آمل». (خمینی، ۱۳۸۹: ۲/۱۶)

حسین تاجمیر ریاحی، به‌عنوان مرکزیت اتحادیه کمونیست‌ها (سربداران)، در دفاع از خود به این اشتباه و ارزیابی نادرست از واکنش مردم اعتراف می‌کند و می‌گوید: «ما تحت تأثیر این تحول [منظور ۳۰ خرداد ۶۰] و تحت تأثیر چیزهایی که در جامعه می‌گذشت قرار گرفتیم. از آن زمان به‌اشتباه افتادیم» (رهگذر، ۱۳۹۰: ۱۰۷). از طرف دیگر، پراکسیس داوطلبانه‌ی مردم در برقراری دوباره امنیت خواست اصلی آن‌ها در این نکته کلیدی است که منافع شخصی و منافع سیاسی جامعه در یکدیگر درهم‌تنیده شده بود؛ به‌طوری‌که دفاع جمعی منتهی به نظم اجتماعی و برقراری آرامش گردید و نیز ترس از کمونیسم به‌عنوان یکی از علل «احساسی» و «روانی»، وضع موجود را به سمت «دفاع» و پاسخ «منفی» به «قدرت حاکم» و آن‌های «دیگری» قرارداد. تجلی بارز آن ایجاد و گسترش شبکه‌ی بسیج اطلاعات مردمی (شعبانی، ۱۳۹۴: ۴۷۵) و طرح النصر است، که به آموزش و مسلح کردن مردم در روستاها و پایگاه‌های اطراف و حاشیه جنگل، پرداخت (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۸۳).

## ۲،۴ دین به مثابه عدالت

دین و دادگری با یکدیگر ملازمت دارد (حدید/ ۲۵)<sup>۱</sup>، به طوری که با فراگیر شدن ارزش‌های اجتماعی، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌گردد که هر صاحب حقی، به حق خود می‌رسد و امور جامعه، به تناسب و تعادل و در جای شایسته خویش، قرار می‌گیرد. از این رو، «سیمای عمومی نظام سیاسی و دولت در اسلام، دارای ارزش‌ها و اصولی است که در اندیشه و عمل، مبتنی بر وحی است» (سیدباقری، ۱۳۸۸: ۹۴). بنابراین، سنجش و شناخت ما از دین، به مثابه مجموعه‌ای از تفسیرها و برداشت‌هایی است که هر یک ساختاری مشخص و از کارویژه‌های خاصی برخوردار است. از این رو، «جمهوری اسلامی به مثابه دولت اسلامی، یک دولت دینی است و معیار دینی بودن یک دولت نیز استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین، در زندگی سیاسی است» (فیرحی، ۱۳۸۷: ۲۱). پذیرش مرجعیت دینی ریشه در اسلام و زمینه‌ی تاریخی تمدن اسلامی دارد. اعتقادات جامعه و ارزش‌های برآمده از آن، معنای عدالت را بازنمایی می‌کند و در شکل‌بخشی به یک نظام اجتماعی عادلانه، مؤثر است.

از این رو، مشارکت و فعالیت سیاسی شهروندان جدا از اندیشه و اعتقاد به برنامه اسلام به مثابه زندگی نیست. اعتقاد به حقانیت مذهب، دایره‌ی هدایت را بین «حقیقت و حقانیت» و جدانگری از عقاید غیراسلامی، متمایز می‌کند. لذا، هر شهروندی علاوه بر مسئولیت سرنوشت خویش، مسئولیت جمعی دارد و چگونگی درک شهروند از نقش خود با تعیین و مشارکت در نظام سیاسی، مؤثر واقع می‌شود. بنابراین، تصمیم و «اراده» هر فرد از طریق رأی‌گیری و حمایت از «مرجعیت سیاسی» که به اشکال گوناگون مانند راهپیمایی عمومی، حضور در مناسبت‌های سیاسی و اسلامی، شرکت در مساجد و فعالیت در خدمات شهری مانند عضویت در نیروهای مسلح بسیج و کمیته یا سپاه به صورت داوطلب، مشاهده می‌شود که به نوعی تبیین رابطه‌ی بین مسئولیت، نقش شهروندی، عدالت و حقیقت بر پایه حراست از دین و توسعه ارزش‌های دینی و اسلامی است.

بر این اساس، در جریان درگیری نخست اتحادیه در ۱۸ آبان و سپس عملیات «سندان و چکش» از طرف نیروی سپاه و ارتش علیه چریک‌های کمونیست، «عمده نیروهای بومی که به آن‌ها پیوسته بودند، در فاصله‌ی یک‌ماهه گروه را ترک کردند»

<sup>۱</sup> قرآن کریم، «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

(پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰). در روز ششم بهمن ۶۰ نیز، هنگامی که گروه اتحادیه در حال جستجو و پاک‌سازی شهر بود، ۴ جوان را بازداشت و آن‌ها را در باغ آقای خاتمی محبوس می‌کند. اما برخلاف ادعای اتحادیه که بر روی اتحاد و همبستگی مردم حساب باز کرده بود، نه تنها خانم خاتمی از آن‌ها استقبال نمی‌کند، بلکه به آن‌ها ناسزا می‌گوید و با آوردن یک جلد قرآن، که نشانه‌ای از حضور دین در خصوصی‌ترین حوزه زندگی یک شهروند آملی است، مرزبندی عقیدتی خود را نشان می‌دهد (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۵۷). حضور پررنگ دین و «اسلامیتِ جمهور» مصداق کلام امام است که در خطاب به گروه‌های مارکسیست می‌گوید: «هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با این شیوه‌های غیرانسانی و غیرمنطقی ساقط نمود، به‌ویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خردسالش تا پیرزن‌ها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جان‌فشانی و فداکاری می‌کنند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴۶).

### ۳،۴ مردم‌سالاری دینی به‌مثابه عدالت

پژوهش‌گران تاریخ و تحولات سیاسی معاصر ایران، بر این باورند که پس از مشروطه، نوعی صورت‌بندی جدید در ذهن مردم ایران شکل گرفته است و آن مطالبه‌ی آزادی و عدالت است. این نکته را باید در نظر داشت که حضور جدی و واقعی یکی در جامعه، دیگری را به دنبال خواهد داشت. بدین منظور، با مراجعه به کلام و سخن امام خمینی طرح و تقاضای هم‌زمان آزادی و عدالت قابل دریافت است. او تأکید می‌کند که: «بی‌شک صلاح ملت، حفظ اساس اسلام است که حافظ و نگهبان استقلال و تمامیت کشور و ضامن عدالت اجتماعی و آزادی‌هاست» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۶۷/۳). روی دیگر سخن آن است که نظام مردم‌سالاری دینی، به‌عنوان یک مدل بومی از حکمرانی اسلامی، در مقابل مردم‌سالاری غربی، که اساساً با محوریت نفی دین (سکولاریسم) و بیان‌گر کنار گذاشتن دین از صحنه سیاسی و مدیریت جامعه هست، قرار دارد.

در باب مفهوم اصلی مردم‌سالاری می‌توان به سه مؤلفه‌ی حق همگانی در تصمیم‌گیری؛ اصل انتخاب؛ اعطای مشروعیت به قوانین و مراجع سیاسی، اشاره کرد. این شاخص‌ها برابری مردم و توزیع خردمندانه قدرت را در چارچوب مقررات پذیرفته‌شده، که می‌تواند برپایه قانون اساسی منبعث از آموزه‌های وحیانی باشد و یا اراده ملت و توسط منتخبان مردم در مجالس قانون‌گذاری باشد، فراهم می‌سازد. به هر جهت، آنچه در مردم‌سالاری دینی قابل توجه است خدمت‌محوری در راستای

حق‌مداری و زمینه‌سازی برای مشارکت مردم است. در این چارچوب دین محور، تأمین سعادت و تأمل جامعه برپایه قواعد و قوانین اسلامی است که الگوی آن حکومت عدل صدر اسلام و نمونه‌های تاریخی تمدن اسلامی در طول حیات گذشته است. بنابراین، حاکمیت و قدرت سیاسی صرفاً ابزاری برای تحقق غایت یا غایات مفروض تلقی می‌شوند. از جهت دیگر، ملاک دولت مطلوب و منحرف، میزان التزام و عدم التزام به خیر عموم و اعتبار اجرای شریعت، تأمین امنیت و نظم عمومی است.

حفظ و استمرار مؤلفه‌های یادشده، اساس منشأ قدرت و رضایت شهروندان از شیوهی حکمرانی مردم‌سالاری دینی به‌مثابه اجرای عدالت و گسترش دادگری است. در فاصله بین سال‌های ۵۹ و ۶۰، جمهوری اسلامی تمهیدات لازم را برای دو نهاد مشارکتی، نخست مجلس شورای اسلامی و دوم، نهاد ریاست جمهوری فراهم ساخت تا بنیان‌های خود را نه بر اساس خشونت و قدرت از بالا، بلکه، مشارکت از پایین و نظارت مردم قرار دهد. برعکس، گروه‌های مارکسیستی و به‌ویژه مائوئیستی بر این آموزه مائو تکیه داشتند که «قدرت از لوله‌ی تفنگ بیرون می‌آید» (Mao, 1972: 61). بنابراین، برهم زدن قاعده بازی سیاسی و بی‌توجهی به رأی اکثریت جمهور، گفتمان اقتدارگرایی را به‌عنوان روش حکمرانی و شیوه به دست گرفتن قدرت در نزد گروه‌های رادیکال مارکسیستی، تحقق بخشید.

کج‌روی‌های گروه‌های مارکسیستی، منتهی به پراکندگی قدرت و خطر تجزیه ایران شد. اما پراکسیس سیاسی مردم ایران، به‌عنوان صاحبان اولیه انقلاب، نقش خود را در مبارزه و حفظ انقلاب برجسته کرد. امام خمینی یک روز قبل از عملیات مسلحانه اتحادیه کمونیست‌ها تصریح می‌کند: «اصل نهضت را خود ملت کرد و به ثمر رساندش هم به دست خود ملت شد. چیزهایی که بر ضد این نهضت و بر ضد این انقلاب است، باز به دست خود ملت از سر راه برداشته می‌شود» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۹/۱۶). از این‌رو، نظارت سیاسی از سوی مردم، نه‌تنها جلوه‌های نظارت و بازخواست مسئولان و مخالفت با آنان است، بلکه در مواجهه با دشمنان، کنش درست خود را در اجرای عدالت با حضور در صحنه‌های مختلف سیاسی، به ثمر می‌رساند (شریعتمدار و سیدباقری، ۱۳۹۳: ۴۷).

## ۵. تصور عدالت از منظر اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران)

### ۱.۵ عدالت سیاسی

اندیشه سیاسی کمونیسم بر این نظر است که «تاریخ تمام جوامعی که تاکنون وجود داشته، تاریخ مبارزات طبقاتی بوده است» (مارکس و انگلس، ۱۳۹۵: ۳۶). در نتیجه، هر مبارزه‌ی طبقاتی، مبارزه‌ی سیاسی است. همچنین، جایگاه «عمل» و «دگرگونی» پیوسته در برابر نیروهای تولید کهن در مرتبه بالایی قرار دارد. نقش پراکسیس، فصل ممیز جهان قدیم و جهان جدید است؛ بنا بر گفته کارل مارکس اگر «فیلسوفان تنها جهان را به شیوه‌های گوناگون تعبیر کرده‌اند، ولی مقصود تغییر دادن آن است» (مارکس، ۱۳۷۹: ۸۳). ولادیمیر لنین نیز در کتاب «چه باید کرد؟» معتقد است که نیروی تغییر می‌تواند با سازمان‌دهی حزب پیش‌تاز به‌مثابه انقلابیون حرفه‌ای عمل کند (لنین، ۱۳۸۴: ۱۷۳). اما مائو، کمونیسم را به یک مرحله‌ی بالاتری توسعه داد و آن پراکسیس دهقانان به مثابه طبقه‌ی انقلابی در کشورهای جهان سوم بود (James and Hesia, 1978: 12). چراکه، بورژوازی ملی دیگر به عنوان رهبر انقلاب دموکراتیک ملی تلقی نمی‌شود، آن هم به این علت که غرق در تزلزل و سازش است. بعلاوه، رهبری پرولتری نیز مبهم باقی ماند و به جای نقش تاریخی جهانی طبقه‌ی کارگر، مناطق روستایی، پایگاه انقلاب معرفی شد. از این جهت، تأکید بر «انقلاب از پایین» نقطه عزیمت مائوئیسم به شمار می‌آید (علوی، ۱۳۸۸: ۶۶۶).

براین اساس، اتحادیه کمونیست‌های ایران، به عنوان یک گروه با گرایش مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم، هم از لحاظ اصولی بر نقش دهقانان و ضرورت مبارزه انقلابی برای دستیابی به جامعه سوسیالیستی تأکید می‌کند و هم به نقش طبقه کارگر برای حاکمیت خلق و تشکیل «جمهوری دموکراتیک» معتقد است (حقیقت، ۱۳۶۰، آبان). این گروه، به نوع خاصی از عدالت سیاسی که با قیام فوری و تسلیح خلق توأم است علیه قدرت سیاسی حاکم اقدام می‌کند و آن را در ده بند تحت عنوان «اهداف فوری قیام سربداران» که در نشریه حقیقت انتشار یافته است، اعلام می‌کند (حقیقت، ۱۳۶۰، آذر). اصلی‌ترین راهبرد آن «سرنگونی حاکمیت» و تشکیل یک حکومت انقلابی موقت و تمایز پررنگ آنتاگونیستی «ما» و «آن‌ها» است. در «بیانیه قیام سربداران» آمده است: «یا سر ما بدار آویخته خواهد شد و یا آنکه ما سر آنان را بدار خواهیم آویخت. از این رو هست که ما خویشتن را سربداران نامیده‌ایم» (حقیقت، ۱۳۶۰، آذر). کنش سیاسی یادشده، بر اساس عدالت سیاسی است. در این مسیر گروه پیشرو به مثابه بخش فعال جامعه محدودیت قدرت را فراهم و مسیر جامعه برای

رسیدن به حق گشوده می‌شود. بنابراین، عدالت سیاسی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امور جامعه در پیوند با قدرت، به تناسب در جای خود قرار می‌گیرد. به زعم این گروه، آن‌ها در صدد بازگشت به عدالت، از نوع سوسیالیستی آن بودند که از مسیر خود خارج شده است.

## ۲.۵ عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی برپایه این تز بنا شده است که اقتصاد، زیر بنا است و وضع اقتصادی منشا همه تحولات و کیفیت تحولات است. از این رو، با تأسیس «جمهوری سوسیالیستی نوین» تلاش دارد ریشه نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری که برگرفته از ستم و استثمار است، جایگزین یک نظام سوسیالیستی کند (مانیفست و برنامه انقلاب کمونیستی در ایران، ۱۳۹۶: ۲-۳). از این منظر، مانیفست حزب کمونیست در راستای اهداف ده‌گانه فوری سربداران قرار دارد که بند سوم آن به مسائل اقتصادی و ملی کردن کلیه سرمایه‌های امپریالیستی اشاره می‌کند. در این بند اظهار می‌شود: «افشاء و لغو فوری کلیه قراردادهای جمهوری اسلامی با دولت‌ها و شرکت‌های استعماری بیگانه، در گذشته و چه در حال حاضر، از وظایف اصلی ما است. همچنین، ملی کردن کلیه سرمایه‌های امپریالیستی و وابسته گذشته و حال، با تشریک مساعی و زیر نظارت کارکنان مؤسسات مربوطه، انجام می‌گیرد» (حقیقت، ۱۳۶۰، ۳ آذر). بعلاوه، در ادامه بر لغو فوری کلیه حقوق بزرگ مالکی و فئودالی و تقسیم کلیه زمین‌های دایر و بایر و باغ و آب ملاکان در میان توده‌ها کم زمین و بی‌زمین روستاها، تصریح می‌کند. اتحادیه شیوه و فرایند این اقدام را از طریق انجمن‌های نمایندگان دهقانان بازگو می‌کند. اتحادیه کمونیست‌ها معتقد است در وضعیت کنونی، [۱۳۵۸ش] نه تنها سرمایه‌داری استقرار پیدا نکرده، بلکه به زحمت رشد پیدا می‌کند. علت بروز این وضعیت پیچیدگی‌های درهم‌تنیده‌ی مناسبات ارضی کهن و فئودالی و روابط غارت‌گرایانه با سرمایه‌ی انحصاری، کمپرادوری و دولت بورژوا - فئودال است (بحث مسئله ارضی، ۱۳۵۸: ۴). راه برون‌رفت از این وضعیت، برافروختن یک جنبش دهقانی علیه نظام مالکیت ارضی است.

بنا بر نظر اتحادیه، یکی دیگر از موانعی که به عدم انباشت سرمایه منجر می‌شود بهره‌کشی ملاکان، رباخواران، و بانک‌هایی از نوع بانک عمران و سلف‌خران است که با ایجاد تعهد، روستایی را در اسارت خود قرار می‌دهند. حتی فرایند پرولتری شدن دهقانان بی‌زمین و یا کم‌زمین و رشد صنایع در شهرها و سخت‌جانی اقتصاد خود مصرفی در روستاها، خیل عظیم بینوایان جامعه را از فرایند پرولتری شدن منحرف و

به نیروی عرضه کار خود مانند کار برزگری و رعیتی و مزدبگیری جنسی در مزارع بزرگ‌تر، منتهی می‌کند (بحث مسئله ارضی، ۱۳۵۸: ۱۲). اتحادیه تأکید می‌کند که نظام ارضی حاکم بر روستاها عادلانه نیست و تنها با مبارزه انقلابی دهقانان ایران و با اتحاد نزدیک با طبقه کارگر امکان برچیده شدن این روابط تولیدی میسر است. آن‌ها معتقدند که بورژوازی ملی و لیبرال‌منش ایران اهل برخورد جدی با مسئله ارضی نبوده و نیست و تنها تحت رهبری پرولتاریای انقلابی امکان رهایی دهقانان وجود دارد.

### ۳،۵ عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است. از طرف دیگر، تکیه بر برتری جامعه و نفی نفع فردی از عناصر مشترک نظریه‌های سوسیالیستی است. در این دیدگاه، هیچ انسانی یک جزیره نیست، بلکه تلاش مشترک بشر، در مقایسه با تلاش شخصی یک فرد، از ارزش عملی و اخلاقی بیشتری برخوردار است. از این‌رو، فرد از جامعه جداناپذیر است (هیوود، ۱۳۹۳: ۱۹۵). بنابراین، اگر افراد بشر موجودات اجتماعی هستند، به باور سوسیالیست‌ها، رابطه‌ی طبیعی میان آنان به‌صورت «همیاری» است، نه رقابت. در مقابل، نگاه لیبرال‌ها و امپریالیست‌ها، رقابت میان افراد بشر یک امر طبیعی و از بعضی جهات، سالم است. اما به باور سوسیالیست‌ها، رقابت و سودباوری شخصی، افراد را به جان یکدیگر می‌اندازد. مساوات و نفی سلسله‌مراتب طبیعی، از جمله مؤلفه‌ی دیگر سوسیالیسم است که ساختار نابرابر جامعه را، برکنار از قابلیت‌های مادرزادی و استعدادهای متفاوت، عامل نابرابری و مهم‌ترین شکل عدم مساوات بشری می‌داند. بنابراین، امتیازات ژنتیکی و فرهنگی نباید در ترتیبات عدالت توزیعی مورد استفاده قرار گیرد؛ چراکه فرصت منصفانه برای همگان در رقابت بر سر پاداش‌های نابرابر، ماهیت برابری را از میان خواهد برد (سندل، ۱۳۹۴: ۹۲).

از طرف دیگر، «هدف بلندمدت جامعه در خطوط اصلی‌اش، بدون توجه به امیال و نیازهای جزئی اعضای کنونی آن، تعیین می‌شود» (رالز، ۱۳۹۳: ۲۸۱). از نگاه سوسیالیست‌ها، باید بین نیازهای<sup>۱</sup> یک فرد و خواست‌ها<sup>۲</sup> و سلیقه‌های<sup>۳</sup> او تفاوت گذاشت. یک نیاز، مانند آزادی، ضرورتی است که احتیاج به برآورده شدن دارد. از

<sup>۱</sup> Needs

<sup>۲</sup> Wants

<sup>۳</sup> Preferences



منظر سوسیالیست‌ها آزادی وجهه مثبتی دارد؛ چراکه آزادی به معنای رضایت خاطر یا ابراز وجود است. اصل نخست رالز، به‌نوعی بر حق برابر افراد از گسترده‌ترین نظام آزادی‌های اساسی تأکید دارد (رالز، ۱۳۹۳: ۹۳). این آزادی‌ها از این‌قرار است: آزادی سیاسی، آزادی بیان و آزادی تجمع؛ آزادی عقیده و اندیشه؛ که بنا بر اصل نخست رالز باید «برابر» باشد. اتحادیه کمونیست‌ها معتقد است که همه قدرت باید در دست مردم باشد و یکی از خواست‌های خود را آزادی سیاسی برای طبقات و نیروهای دموکراتیک و ملی می‌داند (حقیقت، آبان ۱۳۶۰). مسئله بعدی، بحث زنان و کنش‌گری آن در صحنه اجتماع است. اتحادیه، دولت جمهوری اسلامی را به‌مثابه یک نظام پدرسالار که با قیدهای دینی، هنجاری و ارزشی دست و پای زنان را بسته است، مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که این زن‌ستیزی، نوعی سرکوب و ناقض برابری‌های اجتماعی و صرفاً برای تثبیت مناسبات قدرت در جامعه است (برای چه مبارزه می‌کنیم، ۱۳۷۶: ۳). با احتساب این دیدگاه‌ها، اتحادیه با یک تناقض روبروست؛ اگر آزادی اندیشه و حق پوشش به‌عنوان یکی از خیرهای اجتماعی در نظر گرفته شود، نمی‌توان و نباید «دین» و «حجاب» را به‌عنوان فرهنگ طبقاتی که هیچ ظرفیتی به‌جز تحکیم قیود بندگی و اطاعت برده‌وار ندارد، در نظر گرفت. حق و اراده‌ی جامعه مبنی بر آزادی انتخاب هر مولفه‌ای، اعم از زمینه‌مندی دینی و تاریخی، باید به‌عنوان یک اصل اخلاقی رعایت شود. بنابراین، عدالت اجتماعی شاخص دلبخواهی و دستوری نیست که حزب و یا دستگاه سیاسی آن را تغییر و یا دگرگون نماید.

در مجموع، مفهوم عدالت را می‌توان چه از منظر شهروندان شهر آمل و حاکمیت سیاسی و چه از منظر اتحادیه کمونیست‌های ایران، براساس یک الگوی مفهومی و شناختی تحت عنوان طرح‌واره‌ی «نیرو» مورد بررسی قرار داد. طرح‌واره‌های تصویری متشکل از الگوهایی از موارد تکراری تجربه جسمانی هستند که برهم‌کنش ما با محیط را معنادار می‌سازند (اونز و گرین، ۱۳۹۹: ۲۳۹). طرح‌واره نیرو، یکی از طرح‌واره‌هایی است که از تجربه‌ی کار ما بر روی دیگر هستی‌ها، یا از اثر دیگر هستی‌ها بر روی خود ما پدید می‌آید که به انتقال انرژی منجر می‌شود. مشخصه‌های مشترک طرح‌واره نیرو عبارت است از: از طریق برهم‌کنش احساس می‌شود؛ جهت دارند؛ شامل یک مسیر حرکت هستند؛ دارای مبدأ نیرو و هدف‌هایی هستند که بر آن‌ها اثر می‌کنند؛ دارای درجات شدت هستند، و سرانجام یک زنجیره‌ی علیت را ترسیم می‌کند (اونز و گرین، ۱۳۹۹: ۲۵۱). در طرح‌واره نیرو، وضعیت‌های مختلفی قابل تصور است، مثلاً اجبار یا فشار؛ مانع؛ نیروی متقابل؛ انحراف؛ و حذف مانع.

هنگامی که عدالت را با طرح‌واره نیرو، مورد قیاس قرار می‌دهیم، وضعیت «اجبار» به مثابه به حرکت درآوردن یک نیروی خارجی، پدیدار می‌شود (مانند وضعیت انقلابی، قیام یا انقلاب)؛ وضعیت «مانع» از برخورد با موانعی که در برابر نیرو مقاومت می‌کنند، شکل می‌گیرد (انگاره‌های مردم شهر آمل و سنگربندی شهر)؛ وضعیت «نیروی متقابل» که حاصل برخورد دو هستی‌بازور و قدرت مساوی/ نامساوی است (نیروی اتحادیه کمونیست‌ها در برابر نیروی مقاومت شهر و نیروهای مسلح سپاه، ارتش و بسیج)؛ و سرانجام در وضعیت «حذف مانع» که در این موقعیت مانع در برابر نیرو، برداشته می‌شود (شکست اتحادیه کمونیست‌ها و آزادسازی شهر آمل). بنابراین، اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) نتوانست در برابر پراکسیس عظیم آمل و ملت ایران مقاومت کند و سرانجام مانند سایر گروه‌های دیگر به حاشیه رفت و غیر مؤثر شد.

#### ۶. نتیجه

اتحادی کمونیست‌های ایران، که از وحدت دو گروه مارکسیستی تحت عنوان «سازمان انقلابیون کمونیست (م. ل) به رهبری سیامک زعیم و «گروه پویا»، به رهبری حسین ریاحی در سال ۱۳۵۵ ش. تشکیل شده بود، پس از انقلاب به‌عنوان یک نیروی سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با قدرت سیاسی و تحلیل نیروهای طبقاتی اتخاذ کرد؛ به‌گونه‌ای که از موضع «چه باید کرد؟» در ماه‌های منتهی به سرنگون کردن رژیم سلطنتی، به سمت مخالفت با حاکمیت دولت مستقر در روزهای پس از عزل بنی‌صدر و اینکه «از کجا باید آغاز کرد؟» روی آورد. بنا بر نظر اتحادیه، مسیر انقلاب و آرمان‌های آن به‌وسیله‌ی یک کودتا در درون قدرت منحرف شده و وظیفه‌ی اعاده‌ی آن بر عهده ارتش خلقی است تا با سازمان دادن حرکت سیاسی طبقه‌ی کارگر به‌وسیله یک «قیام فوری» و غافلگیرکننده آن را دوباره به مسیر اصلی بازگردانند. از این رو، اتحادیه تصمیم گرفت با گشودن «جبهه سوم» در کنار جبهه اول، که جنگ تحمیلی بود و جبهه دوم که به کردستان محدود شده بود؛ با تصرف شهر آمل امکان پیوستن مردم به خود را فراهم کند و با پیشروی به سمت شهرهای دیگر شمال، قدرت سیاسی مرکزی را تصاحب نماید. اما، مقاومت شهر آمل در برابر نیروی فشار اتحادیه، نه تنها به حذف مانع عدالت، بلکه بر ضرورت مسئولیت‌پذیری و کنش دفاع از شهر انجامید. «نظر» (اسلامیت) و «عمل» (پراکسیس سیاسی)، در چشم‌انداز تاریخ‌مندی گذشته اسلامی مردم آمل، الگوهای ارزشی و هنجاری منبعت از دل

تاریخ و زمینه‌مندی متن جمهوری اسلامی و گفتمان عدالت «اسلامی»، وجوه «مکانی» پراکسیس شهروندان را به عنوان وضعیتی که عمل هرگز به پایان نمی‌رسد و در واقع جزئی از خودِ کامل شدن است، ساختار بخشید. این صورتبندی در برابر تقلیل سیاست به زور؛ در برابر ماتریالیسم الحادی و تبعات بیرونی آن مانند سکولاریسم و جدایی دین از سیاست مقاومت کرد و قضاوت‌های جاافتاده‌ی خود از عدالت را در برابر برآشت‌های نادرست، غیربومی، و وارداتی کمونیست‌ها، انسجام بخشید. حماسه آمل تمام مؤلفه‌های یادشده را در یک کلیت انسجام‌یافته در ششم بهمن ۱۳۶۰، به سرانجام رساند و صدای عدالت شد.

## فهرست منابع:

-قرآن کریم.

-آلموند، گابریل؛ جی. بینگهام پاول جونیور؛ رابرت جی. مونت (۱۳۷۶)؛ چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

-احمدی حاجیکلایی، حمید (۱۳۸۶)؛ جریان‌شناسی چپ در ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.

-اونز، ویویان؛ گرین، ملانی (۱۳۹۹)؛ الف - ب زبان‌شناسی شناختی، جلد اول، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.

-بال، ترنس (۱۴۰۰)؛ نظریه سیاسی و پراکسیس، ترجمه نرگس تاجیک نشاطیه، تهران: پگاه روزگار نو، چاپ دوم.

-بحث مسئله ارضی در ایران و روش کمونیست‌ها در قبال آن (۱۳۵۸)؛ در: بحث مسئله ارضی؛ پاسخی به نقد مبارزین راه آرمان کارگر، بی‌جا: اتحادیه کمونیست‌های ایران.

-برای چه مبارزه می‌کنیم، چگونه مبارزه می‌کنیم؛ درباره مسئله زن و نقش و جهت‌گیری و دورنمای جنش زنان (۱۳۷۶)؛ لندن: اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران).

-بشیریه، حسین (۱۳۸۶)؛ آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: نگاه معاصر، چاپ هشتم.

-بهرروز، مازیار (۱۴۰۰)؛ شورشیان آرمان‌خواه: ناکامی چپ در ایران، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: ققنوس، چاپ هفدهم.

-پرنده نو پرواز (۱۳۸۳)؛ کلن: حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست).

-تلیس، رابرت بی (۱۳۹۳)؛ فلسفه راولز، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، چاپ دوم.

-حقیقت، ارگان اتحادیه کمونیست‌های ایران (۱۳۶۰، آذرماه ۳)؛ «اهداف فوری قیام سربداران»، ش ۱۴۷.

-حقیقت، ارگان اتحادیه کمونیست‌های ایران، (۱۳۶۰، آبان ماه ۲۱)؛ «طبقه‌ی کارگر، انقلاب دموکراتیک و مبارزه برای قدرت سیاسی»، ش ۱۴۵ و ۱۴۶.

-خانبابا تهرانی، مهدی (۱۳۸۰)؛ نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، به اهتمام حمید شوکت، تهران: انتشار.

- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)؛ *صحیفه‌ی انقلاب اسلامی: وصیت‌نامه سیاسی - الهی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی*، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ نهم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)؛ *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*، ج ۱۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)؛ *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*، ج ۳، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
- رالز، جان (۱۳۹۲)؛ *عدالت به مثابه انصاف*، ترجمه عرفان ثابتي، تهران: ققنوس، چاپ چهارم.
- رالز، جان (۱۳۹۳)؛ *نظریه‌ی در باب عدالت*، ترجمه مرتضی نوری، تهران: مرکز.
- رهگذر، سیمین (۱۳۹۰)؛ *شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم آمل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۲)؛ *ادب قدرت، ادب عدالت*، تهران: موسسه فرهنگی صراط، چاپ پنجم.
- سندل، مایکل (۱۳۹۴)؛ *لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۸)؛ *فقه سیاسی شیعه: ساز و کارهای تحول در دوران معاصر*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شریعتمدار، سیدمحمدرضا؛ سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۳)؛ *عدالت از منظر مردم‌سالاری دینی و لیبرال*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)؛ *مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)*، تهران: موسسه فرهنگی و هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صادق فامیان قدیم، محمدتقی؛ توحیدفام، محمد، (۱۳۹۸) «علل تداوم احزاب سیاسی در ایران معاصر؛ مطالعه موردی جریان چپ با تأکید بر اسناد حزبی»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال دهم، شماره ۴، صص ۲۵-۴۳.
- طبری، احسان (۱۳۶۶)؛ *کژراهه، خاطراتی از حزب توده*، تهران: امیرکبیر.
- عبدی، سهراب؛ مرشدی‌زاد، علی؛ غفاری هاشجین، زاهد، (۱۳۹۱) «عملکرد کمیته‌های انقلاب اسلامی در مبارزه با ضد انقلاب»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۱۱۱-۱۳۰.

- عزیزی، امین، (۱۳۹۸) «بررسی مواضع اتحادیه کمونیست‌های ایران؛ قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۹۲-۱۰۹.
- علوی، حمزه (۱۳۸۸)؛ مارکسیسم و جهان سوم، در: فرهنگ‌نامه اندیشه مارکسیستی، ویراستاران تام باتامور، وی. جی. کیرنن، رالف میلی‌بند، ترجمه اکبر معصومیگی، تهران: بازتاب نگار.
- فیرحی، داود (۱۳۸۷)؛ نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت، چاپ ششم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲)؛ تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- لنین، ولادیمیر (۱۳۸۴)؛ چه باید کرد؟ مسائل حاد جنبش ما، ترجمه و بازنویسی یاشار آذری، لندن: بی‌نام.
- مارکس، کارل (۱۳۷۹)؛ تزه‌های مارکس درباره فوئرباخ؛ پیوست یک، در: لودویگ فوئرباخ و ایدئولوژی آلمانی، ترجمه پرویز بابایی، تهران: چشمه.
- مارکس، کارل؛ انگلس، فردریک (۱۳۹۵)؛ مانیفست کمونیست، ترجمه مسعود صابری، تهران: نشر طلایه پرسو، چاپ پنجم.
- مانیفست و برنامه انقلاب کمونیستی در ایران (۱۳۹۶)؛ بی‌جا: انتشارات حزب کمونیست ایران (م. ل. م).
- مائو، تسه‌دون (۱۹۷۲)؛ شش اثر نظامی، ترجمه نادر، پکن: اداره نشریات زبان‌های خارجی.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)؛ سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- نوزیک، رابرت (۱۳۹۵)؛ بی‌دولتی، دولت، آرمان‌شهر، ترجمه محسن رنجبر، تهران: مرکز.
- هیوود، اندرو (۱۳۹۱)؛ مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه حسن سعیدی کلاهی و عباس کردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- هیوود، اندرو (۱۳۹۳)؛ درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی: از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ ششم.

Mao Zedong (1972). *Quotations from Chairman Mao Tse-Tung*.

Peking: Foreign Languages Press.

Gregor, A. James; Chang, Maria Hsia (1978). "Maoism and Marxism in Comparative Perspective". *The Review of Politics*. 40: 3. pp. 307-327.

## مقایسه همانندی‌ها و ناهمانندی‌های روش مبارزه مسلحانه سربرداران و مجاهدین علیه جمهوری اسلامی

سیدمحسن موسوی زاده جزائری<sup>۱</sup>

### چکیده

بعد از برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۶۰ توسط مجلس، برخی گروه‌های سیاسی مانند مجاهدین خلق ایران (منافقین) و اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربرداران) به این نتیجه رسیدند که باید از فاز مبارزه پنهان وارد فاز مبارزه آشکار علیه جمهوری اسلامی بشوند. همین مسئله سبب شد تا آن‌ها روش مبارزه مسلحانه را برای برخورد با انقلاب اسلامی در پیش بگیرند. با این حال به دلیل تفاوت‌هایی که بین این دو گروه از نظر خاستگاه طبقاتی و بینشی وجود داشت سبب شد تا در عمل دو روش مختلف را برای ورود به فاز مبارزه مسلحانه انتخاب کنند. بر این اساس سوال این نوشتار این است که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در روش‌های مبارزه مسلحانه مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیست‌های ایران بر علیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰ وجود داشت؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که سازمان مجاهدین خلق به دلیل اینکه تصور می‌کرد که جمهوری اسلامی ایران فاقد خاستگاه طبقاتی منسجم بوده و هوادارانش به صورت طیفی از اقلشار مختلف هستند، با استراژی تنه زدن لنین، می‌توان حکومت را سرنگون کرد. از این رو سازمان مجاهدین خلق راهپیمایی ۳۰ خرداد و انفجار ۷ تیر ۱۳۶۰ را انجام داد. اما اتحادیه کمونیست‌های ایران با الگو قرار دادن جنگ پارتیزانی، معتقد بود که باید وارد فاز آزادسازی یک منطقه و ایجاد پایگاه و سپس پیش به سوی پایتخت شد تا از این طریق بتوان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. از این رو این گروه در بهمن ۱۳۶۰ سعی کرد تا با تصرف آمل و توسعه عملیات‌های بعدی بسترهای سقوط جمهوری اسلامی را فراهم کند. با این حال واکنش اقلشار مردم در مقابل مجاهدین و سربرداران و حمایت آن‌ها از انقلاب اسلامی نشان داد که هر دو گروه در مسئله ورود به فاز مسلحانه دچار اشتباه شده بودند.

---

<sup>۱</sup> دانش آموخته دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

## مقدمه

رویداد ۶ بهمن آمل از مناظر و زوایای متنوع و مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از جمله برخی از پژوهشگران از منظر اتحادیه کمونیست‌ها و انگیزه‌ها و زمینه‌های تهاجم این گروه به آمل به این واقعه نگریسته‌اند. در مقابل برخی دیگر از محققان از منظر جریان مقاومت و چگونگی تحقق ایستادگی در مقابل نیروهای چپ، عوامل و عناصر مقاومت این رویداد مهم تاریخ مازندران را به بحث گذاشته‌اند. در هر دو دسته از پژوهش‌های صورت گرفته، جای خالی تحقیقات مقایسه‌ای به شکلی ملموس احساس می‌شود. اینکه به عنوان مثال رویکرد تهاجمی نیروهای اتحادیه کمونیستی با جریان‌های دیگر بررسی شود و یا نحو و شکل مقاومت با رویدادهای دیگر تاریخی ایران و جهان باید مورد واکاوی قرار گیرد. این امر به روشن شدن همه-جانبه تری از این واقعه منجر خواهد شد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که دو جریان چپ-یعنی مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیست‌های ایران- در مواجهه انقلاب اسلامی در پیش گرفتند. این مقاله ضمن تاکید بر این واقعیت که شباهت این دو گروه در هدفی که برگزیدند، یعنی سرنگون کردن جمهوری اسلامی بوده، با برجسته کردن تفاوت این دو گروه چپ معتقد است سازمان مجاهدین خلق با استراژی تنه زدن لنین راهپیمایی مسلحانه ۳۰ خرداد و انفجار ۷ تیر ۱۳۶۰ را انجام داد تا جمهوری اسلامی را سرنگون کند اما اتحادیه کمونیست‌های ایران با الگو قرار دادن جنگ پارتیزانی، در پی آن بود وارد فاز آزادسازی یک منطقه و ایجاد پایگاه و سپس پیشروی به سوی پایتخت شود تا از این طریق بتوان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. همان‌طور که گفته شد روش این پژوهش مقایسه‌ای و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای خواهد بود.

## سازمان مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق ایران را در شهریور ۱۳۴۴ سه نفر از اعضای نهضت آزادی ایران، یعنی محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و عبدالرضا نیک بین، بنیان نهادند. این سه به‌عنوان پایه‌گذاران اصلی «سازمان دانشجویی» شناخته می‌شوند. اندکی بعد، اصغر بدیع‌زادگان، علی باکری، عبدالرسول مشکین‌فام، ناصر صادق، علی میهن‌دوست، حسین احمدی روحانی و شمار دیگری نیز به این جمع پیوستند (جعفریان ۱۳۹۲: ۵۴۷). حنیف نژاد متولد ۱۳۱۷ در تبریز و از یک خانواده



متوسط بازاری بود. او در آغاز به جبهه ملی و انجمن اسلامی دانشجویان و سپس به نهضت آزادی پیوست (نجاتی ۱۳۷۷: ۳۹۳).

تدوین هویت مبارز مجاهدین بر مطالعه مذهب، تاریخ و تئوری انقلاب متمرکز بود. مطالعه قرآن، نهج البلاغه، مجموعه بزرگی از سخنان امام علی (ع) و تألیفات اساسی طالقانی و بازرگان از جمله کارهایی بود که اعضا مکلف به انجام دادن آن بودند. کار دیگر، مطالعه مکتوبات انقلاب‌های معاصر جهان، به خصوص انقلاب شوروی، چین، کوبا و الجزایر و نیز رویدادهای بزرگ و حساس تاریخ ایران، به ویژه انقلاب مشروطه (۱۲۸۴-۱۲۸۸)، قیام جنگل در گیلان (۱۲۹۶-۱۳۰۰)، مبارزات ملی کردن صنعت نفت (۱۳۳۰-۱۳۳۲) و همچنین انقلاب سفید در ۱۳۴۲ بود (آبراهامیان ۱۳۸۶: ۱۱۰).

حسین احمدی روحانی، از اعضای اولیه سازمان، درباره منابع تدوین هویت برنامه‌دار و مبارز سازمان می‌گوید: به‌طور عمومی، کتابهای مورد مطالعه راه طی شده، خدا در اجتماع، عشق و پرستش، مسئله وحی، اسلام، مکتب مبارز و مولد (مهدی بازرگان)، جهاد و شهادت، تفسیر پرتوی از قرآن (آیت‌الله طالقانی)، خلقت انسان و قرآن، تکامل (سحابی)، آیا انسان زاده میمون است؟ (محمود بهزاد)، انسان و کهکشان (جان ففر)، پیدایش حیات (آپارین)، علم به کجا می‌رود؟ (ماکس پلانک)، چهار مقاله فلسفی (مائو)، اصول فلسفه (ژرژ پولیستر)، ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی (استالین) بوده است. (احمدی روحانی ۱۳۹۰: ۴۳).

سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ را می‌توان سال‌های اوج مجاهدین در طرح و برنامه‌ریزی سازمانی دانست. این فعالیت‌ها عمدتاً بر فلسفه وجودی سازمان و هویت آن اتکا داشت. طی این دوره، شاهد شکل‌گیری کمیته‌ها و نهادهای جدیدی هستیم که هرکدام با اعضای خاص به فعالیت‌هایی ویژه مشغول بودند و اهدافی ویژه را هم دنبال می‌کردند. بنابر یکی از همین تغییرات و تصمیمات بود که اعضای سازمان در بهار سال ۱۳۴۷ دامنه فعالیت خود را گسترش بخشیدند. در این راستا، آن‌ها کمیته مرکزی را با کادر مرکزی جدیدی تعویض کردند که از ۱۶ نفر تشکیل می‌شد (آبراهامیان ۱۳۸۶: ۱۵۷).

مجاهدین برنامه داشتند که عملیات چریکی را پس از آن شروع کنند که افرادشان آموزش نظامی دیدند، اما واقعه سیاهکل در بهمن ۱۳۴۹ موجب آن شد که زودتر وارد فاز نظامی شوند. آن‌ها اولین عملیات خود را برهم‌زدن جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی تعریف کردند، اما، از آنجاکه مهمات خود را از فردی که به خدمت ساواک درآمده بود تهیه کردند، نقشه‌شان نقش بر آب شد و در نتیجه بسیاری‌شان در اول

شهریور ۱۳۵۱ دستگیر شدند. بررسی موقعیت اجتماعی ۶۹ نفر از افرادی که طی آن ماجرا دستگیر شدند نشان می‌دهد که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه در سازمان مجاهدین خلق سهم عمده‌ای داشته‌اند: از آن ۶۹ نفر، ۲۷ نفر مهندس و ۲۴ نفر دانشجو بودند؛ ۴ نفر کارمند دولت لیسانسه، ۲ استاد دانشگاه و ۲ پزشک نیز در بین دستگیرشدگان به چشم می‌خوردند (آبراهامیان ۱۳۸۶: ۱۶۱). سازمان بعد از دستگیری رهبران اولیه تلاش کرد تا خودش را بازسازی کند. به همین خاطر، رضای و کاظم ذوالانوار و بهرام آرام را وارد کادر مرکزی کرد. با این حال، بعد از کشته شدن رضایی و دستگیری ذوالانوار، تقی شهرام و مجید شریف به کمیته مرکزی سازمان راه یافتند (نجاتی ۱۳۷۷: ۴۰۸). البته، سازمان بعد از ضربه اولیه در ماه‌های آینده با انجام چند عملیات تلاش کرد تا خود را احیا کند. به همین جهت، در بهار ۱۳۵۱، بمب‌هایی را در نقاط مختلف تهران منفجر کرد. به مناسبت ورود نیکسون به تهران در انجمن ایران و آمریکا، دفتر اداره اطلاعات آمریکا، هتل اینترنشنال، دفاتر پپسی، جنرال موتور و نیز در شرکت نفت دریایی بمب‌هایی را منفجر کردند. همچنین، اتومبیل رئیس مستشاری آمریکا در ایران را به گلوله بسته و بمبی را در محل دفن رضاشاه منفجر کردند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۴۱۱). همچنین، در شهریور ۱۳۵۱، کلوپ شاهنشاهی، مرکز سازمان دفاع غیرنظامی، فروشگاه‌های کوروش، فردوسی، اسلحه‌خانه پلیس قم و نمایشگاه صنایع نظامی نیز بمب‌گذاری شد. بعد از این انفجارها، در سازمان برنامه، هواپیمایی پان آمریکا و کمپانی نفت شل نیز بمب‌گذاری کرده و معاون هیئت مستشاری نظامی آمریکا را نیز کشتند (نجاتی، ۱۳۷۷: ۴۱۲-۴۱۳). مروری بر مراکز و اهدافی که سازمان مجاهدین مورد حمله قرار دادند، نشان می‌دهد آن‌ها به دنبال آسیب به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و نمادین دولت بوده‌اند. مجاهدین با حمله به نمایندگی‌های شرکت‌های بزرگ خارجی و همچنین، شرکت‌های ایرانی درصدد مقابله با به اصطلاح خودشان مراکز استثمار از طبقات زحمت‌کش بوده‌اند. همچنین، آن‌ها با حمله به مستشاران خارجی نیز می‌خواستند نشان دهند که برخلاف آنچه غربی‌ها تصور می‌کنند، ایران برایشان امن نبوده و آن‌ها از دید ایرانی‌ها دیگری هستند. همچنین، با این کار ناامن نشان دادن وضعیت ایران سبب خارج شدن غربی‌ها از ایران می‌شدند. اندکی قبل از پیوستن تقی شهرام به کمیته مرکزی سازمان بحثی درباره فعالیت‌های سازمان از ضربه شهریور ۱۳۵۰ به بعد، آغاز شده بود. بعد از کشته شدن رضا رضایی این مباحث توسط بهرام آرام و تقی شهرام به منظور آسیب‌شناسی سازمان ادامه یافت. در ابتدا، بیشتر مباحث با محوریت

از بین بردن نقاط ضعف سازمان و لزوم آموزش سیاسی و ایدئولوژیک به اعضا بود، اما به مرور، مباحث به سمت بررسی ریشه‌های انحرافات سیاسی و تشکیلاتی سازمان رفته و مشکلات سازمان در چارچوب ایدئولوژی مورد بررسی قرار گرفت. از نتایج این جلسه‌ها انتشار جزوه سبز توسط سازمان بود و تغییر مش به مارکیست بود. (احمدی روحانی ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۱).

سعید شاهسوندی می‌گوید بعد از انتشار جزوه پرچم مبارزات ایدئولوژیک را برافراشته سازیم، او همراه با مجید شریف واقفی و صمدیه لباف تصمیم گرفتند تا در برابر تغییر گرایش سازمان از اسلام به مارکسیسم مقاومت کنند، اما در عین حال هر سه نفر متفق القول می‌شوند که هنوز دیگری شاه و ساواک بوده و هدف از مقابله با تقی شهرام و افراد مارکسیست‌شده سازمان، جلوگیری از انحراف مبارزه علیه حکومت است (همان‌جا). شاهسوندی می‌گوید مقاومت ما سه نفر در مقابل سایر اعضای مرکزیت که بهرام آرام و تقی شهرام بوده‌اند، سبب می‌شود تا تقی شهرام حکم به اعدام این سه نفر بدهد. به همین خاطر، با گذاشتن قرار در روز ۱۶ اردیبهشت‌ماه مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه ترور می‌شوند. در روز ۱۶ اردیبهشت مجاهدین مارکسیست موفق می‌شوند که فقط شریف واقفی را بکشند و صمدیه لباف بعد از درگیری زخمی و توسط ساواک دستگیر می‌شود. شاهسوندی هم توسط ساواک چند روز بعد دستگیر می‌شود (احمدی روحانی ۱۳۹۰: ۸۳-۸۴).

سازمان مجاهدین خلق بعد از ۱۳۵۴ تا پیروزی انقلاب اسلامی در عمل نتوانست فعالیت موثری داشته باشد با این حال این گروه در ماه‌های نزدیک به پیروزی انقلاب با توجه به جو حاکم بر کشور تلاش کرد تا دوباره خود را سازماندهی و فعالیت هایش را افزایش دهد به طوری این سازمان بعد از ۲۲ بهمن ماه بر فعالیت های خود افزود و اقدام به ایجاد دفاتر مختلف در شهرهای مختلف کرد.

مجاهدین خلق در سال ۵۸ در حالی که اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود، تحریکات خود بر ضد نظام نوپای اسلامی را شروع کرد. در فروردین ماه ۵۸ به بهانه مسائلی که پیرامون دستگیری پسر آیت‌الله طالقانی در کشور ایجاد شده بود نیروهایش را به سطح خیابان‌ها آورده و هم‌زمان اعلام می‌کند افراد نظامی خود را در سراسر کشور بدون هیچ انتظاری تحت اختیار آیت‌الله طالقانی قرار می‌دهد. (مجاهدین خلق، بی تا، ۱۱۳)

سازمان تصور می‌کرد، مسائل ایجاد شده می‌تواند بستر ساز دستیابی این سازمان به قدرت و کنار زدن سایر گروه‌ها در همان اول انقلاب بشود؛ با این حال زمانی که آیت‌الله

طالبانی به قم رفته و در دیدار با امام(ره) بر پیروی از ایشان تأکید کرد، نقشه مجاهدین خلق(منافقین) نقش بر آب می‌شود.

یکی دیگر از رویکردهای منافقین در همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب درخواست برای انحلال ارتش و تشکیل ارتشی میلشیایی بود. این سازمان از این طریق سعی داشت تا نیروهای خود را به بهانه تشکیل ارتش مردمی به درون ساختارهای نظامی رسمی فرستاده تا بتواند از آن‌ها در زمان مقتضی استفاده کند. مهدی تقوی، یکی از اعضای سازمان منافقین در اسفند ۱۳۵۷، ارتش را به‌عنوان یک اهرم امپریالیسم دانسته و گفته بود: «تا انهدام واقعی و قطعی این سیستم، ما نمی‌توانیم بگوییم انقلاب تمام شده است. اگر پذیرفتیم که امپریالیسم دقیقاً به‌وسیله‌ی عوامل داخلی است که می‌تواند به تاراج و غارت خودش ادامه دهد، بنابراین ارتش یکی از اهرم‌های قدرتی است که می‌تواند منافعش را حفظ کند. وی در ادامه‌ی صحبت‌هایش، این‌چنین ادامه می‌دهد که انتقال سلاح از بازماندگان ارتش شاهنشاهی به ارگان‌های مردمی، یک ضرورت انقلابی است.» با این حال مخالفت امام(ره) با انحلال ارتش سبب شد تا این نقش آن‌ها اجرایی نشود.

در تیرماه ۱۳۵۸ دستگیری سعادت‌ی از اعضای سازمان به جرم جاسوسی برای شوروی یکی دیگر از زمینه‌هایی شد تا منافقین مقابل انقلاب بایستند. در شرایطی که این عضو سازمان در حال تحویل اسناد و مدارک به یکی از عوامل سفارت شوروی دستگیر شد، سازمان این مسئله را انکار و سعی کرد این مسئله را توطئه‌ای علیه خود جلوه دهد. سازمان بعد از دستگیری سعادت‌ی به مدت یک هفته با ایجاد جنگ روانی و تحصن سعی کرد تا او را آزاد کند. منافقین در تابستان ۱۳۵۸ هم‌زمان با شکل‌گیری مجلس خبرگان قانون اساسی ۲۶ کاندید از جمله مسعود رجوی معرفی می‌کند. جالب اینجاست با وجود ادعای حمایت مردمی، هیچ‌یک از افراد این سازمان نمی‌توانند آرای لازم برای ورود به مجلس خبرگان را به دست آورند. در سال ۱۳۵۸ مسعود رجوی هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری خود را کاندیدای این پست می‌کند. سازمان در این زمان سعی کرد تا جبهه‌ای از نیروهای سکولار مانند جبهه دموکراتیک ملی، فدائیان و حتی گروه‌های تجزیه‌طلب مانند کومله و حزب دموکرات کردستان را به سود خود بسیج کند. با این حال موضع‌گیری امام(ره) مبنی باینکه افرادی که به قانون اساسی رأی نداده‌اند، قابل اعتماد نیستند سبب شد تا این بار نیز نقشه منافقین نقش بر آب شود و کاندیدای در انتخابات نداشته باشند. سازمان در سال ۵۸ در

انتخابات مجلس نیز ۱۲۷ کاندید در سراسر کشور معرفی می‌کند که بازهم هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانستند آرای لازم را برای ورود به مجلس کسب کنند. (یاری، ۱۳۸۷: ۴۴۲)

منافقین در سال ۵۹ بعد از اینکه امام (ره) به تمامی گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامی اعلام کرد که باید دانشگاه‌ها را ترک کنند سعی کرد تا با ایجاد دکه‌هایی در پیرامون دانشگاه‌ها و سطح شهرها تبلیغات خود را ادامه دهد. در این زمان سازمان با توجه به پیام امام و مقایسه آن‌ها با خوارج به این نتیجه رسید که خط کلی سیستم ما جنگ است و از اکنون باید آماده این جنگ باشیم. با این حال در شرایط فعلی باید این جنگ را به عقب بیاوریم. (یاری، ۱۳۸۷، ۴۴۳)

منافقین بعد از حمله عراق به ایران در شهریور ۵۹ در تحلیل‌های درون‌سازمانی اعلام کرد که این جنگ ارتجاعی بوده و انگیزه ایران از آن صدور انقلاب است. سازمان علت اصلی جنگ را تحریکات ایران برای صدور انقلاب عنوان کرد. در تحلیل ابتدایی مجاهدین عراق به‌عنوان رژیم‌مترقی و ایران به‌عنوان رژیم‌ارتجاعی یاد شده بود. با این حال منافقین از اواسط سال ۵۹ مشی نزدیکی به بنی‌صدر و ایجاد آشوب‌ها خیابانی را در پیش می‌گیرند که نقطه عطف این مسئله در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ است. سازمان بعد از فروردین ۱۳۶۰ نیز مدام در سطح شهرها مختلف به بهانه‌های واهی اقدام به برپایی رژه با اعضای میلشای خود کرده تا از این طریق در بین مخالفان خود رعب و وحشت ایجاد کند. در نهایت این سازمان با وجود هشدارهای امام در این سال مبنی بر تحویل سلاح‌هایشان از این مسئله خودداری کرده و اعلام می‌کنند، چون تضمینی ندارند سلاح‌های خود را تحویل نمی‌دهند. منافقین در آستانه بررسی جلسه برکناری بنی‌صدر در مجلس اعلامیه‌ای صادر و در آن نمایندگان مجلس را تهدید می‌کند. در بیانیه سازمان خطاب به مجلس آمده است کلیه عواقب گسترده عزل رئیس‌جمهور بر عهده مجلس است. سازمان در روز ۳۰ خرداد طی اطلاعیه‌ای اعلام می‌کند که «کارهای پراکنده کفایت و آمادگی لازم در مردم به وجود آمده است. راهپیمایی‌های مقطعی اثر خود را کرده و مرحله گذار کمی به کیفی رسیده است. زمینه عینی انقلاب آماده است و ما اگر زمینه ذهنی را آماده کنیم انقلاب انجام می‌شود. این قابل پیش‌بینی است که پس از قیام ۳۰ خرداد تمامی امکانات سرخ ما سفید بشود. (همان، ۴۴۵) منافقین در روز ۳۰ خرداد این تهدید خود را عملی کرده نیروهای خود را با سلاح‌های گرم و سرد به خیابان‌ها فرستاده و با نیروهای حزب‌اللهی درگیر می‌شود. از این تاریخ به بعد است که سازمان فاز ترور و بمب‌گذاری را آغاز می‌کند.

### خط مشی مسلحانه:

تحلیل و آنالیز مجاهدین خلق از جمهوری اسلامی ایران این بود که حکومت فاقد پایگاه طبقاتی مشخص بوده و به صورت طیفی است. سازمان معتقد بود که این‌ها طیف هستند و طبقه منسجم نیستند و حکومت فاقد ساز و کار زنجیره‌ای به هم پیوسته با طبقه‌ای مشخص از اجتماع است. در نظام‌های سرمایه‌داری حکومت نماینده طبقه سرمایه‌دار است و در رژیم کمونیستی نماینده طبقه کارگر است. در تحلیل جمهوری اسلامی آیا می‌توان گفت که حکومت به سرمایه‌دارها و یا کارگرها اتکا دارد؟ خیر. کارگر، سرمایه‌دار، فئودال و همه این‌ها طیف‌های مختلفی هستند که جمهوری اسلامی بین آن‌ها حرکت می‌کند اما به هیچ کدام وابسته نیست. همین طیفی بودن نظام سبب آسیب‌پذیری اش شده و می‌توان با یک استراتژی مناسب جمهوری اسلامی را نابود کرد. برای این کار باید از استراتژی تنه زدن لنین استفاده کرد. این استراتژی یعنی از طریق مبارزه مسلحانه و تظاهرات خشونت‌آمیز و ترور سران نظام به جمهوری اسلامی تنه زد تا از این طریق طیف‌های مختلفی که از عملکرد نظام ناراضی هستند، خودشان را از آن جدا کنند. در این موقع زمینه برای نابودی جمهوری اسلامی فراهم می‌شود. (رضوی، ۱۳۹۸: ۲۲)

### اتحادیه کمونیست‌های ایران

اتحادیه کمونیست‌های ایران در اواخر سال ۱۳۵۵، به دنبال اتحاد میان «سازمان انقلابیون کمونیست» و باقی مانده گروه فلسطینی معروف به «پویا» به وجود آمد. «سازمان انقلابیون کمونیست» که سازمان‌دهنده اصلی اتحادیه کمونیست‌ها بود، در سال ۱۳۴۸ از میان دانشجویان کمونیست که در شهر برکلی آمریکا مشغول به تحصیل بودند، شکل گرفت و همچنین گروه فلسطینی پویا، یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده اتحادیه، تعداد معدودی بودند که بعد از فرار از ایران و اقامت در عراق و لبنان، با خط‌مشی «سازمان انقلابیون کمونیست»، «اتحادیه کمونیست‌های ایران» را بنا نهادند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۵۰)

ایدئولوژی اتحادیه در بدو تشکیل مارکسیسم-لنینیسم همراه با نظریات مائو بود و از چین به عنوان پایگاه انقلاب جهانی و از مائو به عنوان رهبر زحمتکشان و کارگران دفاع می‌کرد، اما با گذشت زمان و پیدایش انحرافات در رهبری حزب کمونیست چین، این سازمان از ذکر اندیشه‌های مائو به عنوان بخشی از ایدئولوژی خود امتناع کرد، ولی همچنان از نظریات انقلابی مائو دفاع می‌کرد. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۵۱)

در تحلیل اوضاع جهانی معتقد بود که هر دو ابرقدرت آمریکا و شوروی از دشمنان اصلی مردم جهان‌اند و تفاوت ماهوی میان آنها نیست و بر این نظر بود که جنبش کمونیستی جهانی در یک بحران جهانی است و دارای مرجع و مرکزی در دنیا نیست و فعلاً به صورت پراکنده پیش می‌رود. بنابراین برخلاف جریان‌های فدایی خلق که فقط از نهضت‌های ضدآمریکایی دفاع می‌کردند، اتحادیه از نهضت‌های ضدشوروی در کشورهای مختلف نیز حمایت می‌کرد، مثل نهضت مسلحانه مردم افغانستان، جریان اریتره و جنبش کارگری لهستان. اتحادیه کمونیست‌ها، نشریه تبلیغی «حقیقت» و نشریه تئوریک «کمونیست» را منتشر می‌کرد. چاپ نشریه «حقیقت» تا شماره ۱۶۱ (۲۵ شماره در خارج از کشور و بقیه در داخل) ادامه داشت، اما نشریه «کمونیست» بیش از دو شماره منتشر نشد. فعالیت اتحادیه در نقاط مختلف دنیا از جمله آمریکا، آلمان و فرانسه بود، فعالیت‌های اندکی نیز در داخل کشور داشت و سعی داشت که در ایتالیا و ترکیه هم فعالیت کند، ولی بیشترین افراد آن در آمریکا بودند و نفوذ آن بیشتر در «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا» بود و بعدها قسمت اصل «کنفدراسیون احیا» را که در جریان انشعاب‌های درون کنفدراسیون به وجود آمد، تشکیل می‌دادند. خط‌مشی اتحادیه تا پیش از انقلاب، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و به اصطلاح خودشان آگاهی دادن به توده‌ها بود، بنابراین در ابتدا معتقد به خط‌مشی مسلحانه و چریکی نبوده و از همین روی بود که گروه «پویا» به «سازمان انقلابیون کمونیست» پیوست و اتحادیه را بنا نهاد. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۵۳)

اتحادیه کمونیست‌ها در محفل‌های به اصطلاح روشنفکری آمریکا به وجود آمد. بنابراین اغلب بنیانگذاران آن افراد تحصیل‌کرده‌ای بودند که سابقه اقامت آنها در آمریکا بیش از ۱۰ سال بود. بررسی‌های به‌عمل‌آمده پیرامون منشأ اجتماعی آنها نشان می‌دهد که بسیاری از اعضای اولیه اتحادیه از خانواده‌های کارمندان شرکت نفت در خوزستان بودند. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، به دنبال شوک نفتی و بالا رفتن قیمت نفت، شاه با استفاده از دلارهای نفتی سرازیر شده به کشور، به منظور جلب توجه کارمندان شرکت نفت، با اعطای بورس‌های تحصیلی به فرزندان آنها زمینه ادامه تحصیل آنها در خارج از کشور و بالاخص آمریکا را فراهم ساخت. بسیاری از این دانشجویان در خارج از کشور، تحت تاثیر افکار مارکسیستی قرار گرفته و به تدریج جذب جریان‌های کمونیستی شدند و در قالب کنفدراسیون فعالیت می‌کردند. بنابراین برخلاف سایر گروهک‌ها از جمله سازمان مجاهدین که گفته می‌شد از طبقات محروم جامعه هستند، اعضای اتحادیه اغلب از طبقات متوسط تحصیل‌کرده و حتی مرفه جامعه

بودند. سیامک زعیم رهبری این گروه را بر عهده داشت و از جمله دیگر فعالان گروه می‌توان عبدالرحمن آزمایش و حسین تاج میرریاحی را نام برد. (کامران: ۱۳۷۴: ۸۹)

### مواضع اتحادیه پس از انقلاب

گروهک اتحادیه کمونیست‌ها در زمان شکل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ و مدتی پس از پیروزی، مواضع نسبتاً ملایمی در رابطه با انقلاب اسلامی، مسائل سیاسی و ارگان‌های پدید آمده از آن داشت و معتقد بود که انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین ضربه را به امپریالیسم جهانی و به‌خصوص امپریالیسم آمریکا وارد آورده و سرآغاز جدیدی را در تاریخ ملت ایران گشوده و بر این گمان بود که انقلاب ایران تنها در پرتو رهبری طبقه کارگر و یک حزب کمونیست می‌تواند به پیروزی نهایی برسد، اما اینکه مکتب اسلام و رهبری امام بتواند این انقلاب را به پیروزی کامل برساند، امری خارج از تصورات اتحادیه بود. حمایت از اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، شرکت در جبهه‌های جنگ و حمایت از نهادهای انقلابی و سپاه، از جمله حمایت‌های این گروه از انقلاب اسلامی بود، اما در خردادماه ۱۳۶۰، و همزمان با عزل بنی‌صدر و درگیری شدید اپوزیسیون و نیروهای مکتبی، اتحادیه به رهبری سیامک زعیم به این تصور واهی رسید که نظام جمهوری اسلامی و کلیه نهادها و ارگان‌های وابسته به آن، ارتجاعی و ضد خلقی است و می‌بایست که به اقدام مسلحانه علیه آن دست یازید، زیرا جمهوری اسلامی با به اجرا گذاشتن یک کودتا، خواستار یکدست کردن و تصفیه درونی حکومت و سرکوب چپ‌هاست و باید علیه آن به فعالیت زمینی و عملیات مسلحانه روی آورد. اتحادیه پس از این واقعه، اهداف خود را چنان‌که در شماره ۱۴۷ نشریه حقیقت در آذرماه ۱۳۶۰ منتشر کرد، چنین عنوان می‌کند: سرنگونی حکومت، دعوت مجلس موسسان ملی بر اساس انتخابات عمومی (که در این انتخابات طرفداران سلطنت پهلوی و ولایت خمینی و دسته‌جات جیره‌خوار و وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی حق رای نداشتند)؛ افشا و لغو کلیه قراردادهای سران جمهوری اسلامی با قدرت‌های امپریالیستی؛ لغو فوری کلیه حقوق بزرگ‌مالکی و فئودالی در سراسر ایران؛ تدوین فوری یک قانون کار مترقی و عادلانه؛ تشکیل فوری دادگاه‌های فوق‌العاده توده‌ای برای محاکمه کلیه کارگزاران حکومت کنونی؛ به رسمیت شناختن کلیه آزادی‌ها و حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های مردم؛ بسیج مردم و کلیه امکانات برای نجات خوزستان و بیرون ریختن تجاوزکاران بعثی عراق؛ اجرای یک طرح ضربتی اقتصادی برای خروج کشور از بحران اقتصادی؛ اعلام یک سیاست



خارجی کاملاً مستقل و انقلابی در عرصه روابط خارجی ایران؛ مبارزه با ولایت فقیه و ایجاد جامعه‌ای کمونیستی بر اساس سکولاریسم. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۸۹)

اتحادیه با همین دید و همچنین بر اساس ارزیابی‌های غلطی که داشت، به جنگل پناه برده و پس از سازماندهی گروهی به نام «سربداران» به برخی از عملیات‌های ضدانقلابی دست زد که مهم‌ترین آن، حمله به آمل در پنجم بهمن‌ماه ۱۳۶۰ بود. از دیگر اقدامات اتحادیه در این دوران برگزاری جلسات برای معرفی خود و اندیشه‌هایشان، جمع‌آوری اعضای گروه که از خارج آمده بودند، فرستادن هسته‌های تبلیغی به شهرهای مختلف، چاپ نشریات همچون ستاد، تشکیل اکیپ‌هایی با نام «داس» به منظور آموزش نظامی اعضا و هواداران به منظور مقابله با کودتا، تشکیل جمعیت زنان مبارز و تشکیلات پیشمرگان زحمت‌کشان در کردستان بود.

گروهک ضد انقلاب اتحادیه کمونیست‌های ایران به دنبال مدت‌ها سردرگمی و گیجی در جنگل‌های آمل سرانجام بنا به دلایلی که از جمله آنها: کمبود وسایل غذایی و تدارکاتی (به علت مسدود نمودن جاده‌های تدارکاتی شان توسط سپاه و ژاندارمری) ریزش برف سنگین در جنگل و نارضایتی‌های افراد درون گروهی و... سرانجام تصمیم گرفت وارد شهر آمل شده و آن را به تسخیر خویش در آورد و آنگاه با پشتیبانی خلق (بخيال خام خود) به آزادسازی دیگر شهرهای مازندران بپردازد. بر این اساس دشمن قبل از ورود به شهر مواضع خود را مشخص نموده و هدف‌های مورد نظر را از پیش تعیین کرده بود. گروهک مذکور ابتدا مناطقی را که آمادگی داشتند به عنوان مواضع انتخاب کرده و در یک خانه ای که از قبل تعیین شده بود به تیم بندی می‌پردازد. ساعت حدود ۱۲:۳۰ شب ۶۰/۱۱/۶ یک تیم از افراد مسلح در جاده کمربندی که اتوبان هراز راه را به پل قدیم متصل می‌کند اقدام به سنگر بندی می‌کند و به یک گروه از برادران گشتی سپاه کمین زده که در آن لحظه ۳ تن از برادران شهید می‌شوند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۹۰)

متعاقباً و بعد از این عمل وحشیانه دشمن در سطح وسیع تری به موضع گیری جدید می‌پردازد. در همان لحظات اولیه داخل سینما قدس شده و در پشت بام سینما مبادرت به تیراندازی می‌نمایند. این گروه شب را به تیراندازی در پشت بام می‌گذرانند. گروهی دیگر در اطراف بسیج موضع گرفته و بسیج را به محاصره در می‌آورند و از چند جانب مقر بسیج را با آر پی جی ۷ و رگبار سلاح‌های سبک مورد حمله قرار می‌دهند. گروهی دیگر در منطقه اسپه کلا در خانه‌ها و خیابانها مستقر می‌گردند. افراد مهاجم در تمام طول شب با شلیک گلوله‌های آر پی جی ۷ و رگبارهای پی در

پی آرامش شهر را برهم زده، در حین استقرار در حوالی بسیج و خیابانهای مشرف به اسپه کلاه و چند موضع حساس دیگر در ساختمان‌های جنب فرمانداری مستقر شده و فرمانداری را به محاصره خود در می‌آورند و با رگبارهای پی در پی فرمانداری را مورد حمله قرار می‌دهند. صبح روز سه شنبه ۶۰/۱۱/۶ برادران سپاه و بسیج و کمیته انقلاب اسلامی آماده حمله به مواضع مهاجمین و سرکوبی آنان شدند. درگیری در مناطق آلوده از بیمارستان امام رضا گرفته تا منطقه اسپه کلاه رضوانیه میدان ۱۲ شهرپور و بیمارستان ۱۷ شهرپور ادامه پیدا می‌کند. برادران سپاه و بسیج و کمیته از ابتدای درگیری شروع به پاکسازی مناطق آلوده نمودند. بطوری که در همین روز( سه شنبه ۶۰/۱۱/۶) اکثر مناطق تحت اشغال کفار از محاصره و اشغال بیرون آمده و در روز چهارشنبه درگیری صورت متمرکز بخود گرفت. نقش مردم در این درگیری غیر قابل تصور بود. بطوریکه در ساعات اولیه درگیری مردم تمام سطح شهر را پوشانیده و اقدام به سنگر بندی شهر نمودند. در همه جا پیش از نیروهای انتظامی مبادرت به سنگر بندی می‌کردند. حضور فعال مردم در صحنه یادآور ۲۲ بهمن ۵۷ بود شاید به مراتب فعال تر از آن روز و مهاجمین که حضور بی شائبه مردم را در صحنه مبارزه دیدند از خیابانی به خیابان دیگر و از خانه‌ای به خانه ی دیگر می‌گریختند. در همین حال جنگ و گریز، مردم و نیروهای انتظامی موفق به کشتن و دستگیر کردن عده ای از مهاجمین شدند. در روز ۶۰/۱۱/۶ دشمن تمام مواضع مهم خود را از دست داد و مسئولین تیمهای نظامی یکی پس از دیگری یا کشته می‌شدند یا دستگیر می‌گردیدند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۰)

### خط مشی مسلحانه

سربداران برای مبارزه با جمهوری اسلامی روش مبارزه پارتیزانی را انتخاب کرده بودند. این روش شامل چهار مرحله بود. در مرحله اول، بزن و دررو است. در این مرحله می‌گویند که یک ضربه به حکومت می‌زنیم و فرار می‌کنیم، چرا که نمی‌توانیم بایستیم. مرحله بعد بزن و بایست است. ضربه می‌زنیم و می‌ایستیم و توقف می‌کنیم و حرف مان را می‌زنیم. این بدین معناست که آن قدر قدرت گرفته ایم که از مرحله نخست گذشته‌ایم و می‌توانیم بایستیم و تبلیغات مان را انجام دهیم و بعد برویم. مرحله سوم آزادسازی منطقه است. یعنی می‌رویم و منطقه‌ای را می‌گیریم و به اصطلاح آزاد می‌کنیم و حکومت می‌داند که ما در انجا استقرار داریم و او هم سر جای خودش قرار دارد. در مرحله چهارم هم به سمت پایتخت پیشروی می‌کنیم. پس از

آنکه تعادل و توازن قوا - یعنی مرحله‌ای که هر دو طرف متخاصم نیروی خود را کامل می‌بینند - فرا رسید، جنگ پارتیزانی در جریان رشد و نمو بعدی خود، خصلت نوینی بخود می‌گیرد. مفهوم مانور وارد کار می‌شود، ستون‌های بزرگ ارتش پارتیزانی به استحکامات حمله ور می‌شوند. جنگ تحرکی با نقل و انتقال واحدها و وسایل ته‌اجمی نیرومندتری به جریان می‌افتد. (رضوی، ۱۳۹۸: ۹۸) اما در نتیجه ظرفیت و توان مقاومت و حملات متقابلی که دشمن با وجود این دارد، جنگ پارتیزانی جای جنگ مانوری را پر نمی‌کند. جنگ مانوری، شکلی از فعالیت موثر نیروهای پارتیزانی است که کمیت افزایشی نیروهای مسلح پارتیزانی را تا مرحله تشکیل ارتش (منظم) خلقی با لشکرهای متعدد بیان می‌کند. در این مرحله نیز پارتیزان‌ها به شکل "خالص" خود در کنار نیروهای مسلح اصلی که (بطور منظم) در پیشاپیش حمله ور می‌شوند وارد عرصه نبرد می‌شوند و وسایل ارتباطی دشمن را منهدم کرده تمام دستگاه دفاعی او را مختل می‌سازند. (رضوی، ۱۳۹۸: ۹۹)

سربداران با اتخاذ این روش سعی کرد تا از طریق تصرف شهر آمل برای خودش پایگاهی ایجاد کرده و از آنجا بتواند به سمت پایتخت حرکت کند. با این حال مقابله مردم با آن‌ها نشان داد که محاسباتشان از ابتدا اشتباه بوده و این گروهک هیچ پایگاهی در شهر آمل نداشته است و حتی مردم شهر از این گروه بیزار هم بوده اند.

### نتیجه‌گیری

مقایسه شیوه‌های برخورد مسلحانه سازمان منافقین و گروهک سربداران با جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که سازمان مجاهدین خلق به دلیل اینکه تصور می‌کرد که نظام اسلامی فاقد خاستگاه طبقاتی منسجم بوده و هوادارانش به صورت طیفی از اقشار مختلف هستند، با استراژی تنه زدن لنین، می‌توان حکومت را سرنگون کرد. از این رو سازمان مجاهدین خلق راهپیمایی ۳۰ خرداد و انفجار ۷ تیر ۱۳۶۰ را انجام داد. اما اتحادیه کمونیست‌های ایران با الگو قرار دادن جنگ پارتیزانی، معتقد بود که باید وارد فاز آزادسازی یک منطقه و ایجاد پایگاه و سپس پیشروی به سوی پایتخت شد تا از این طریق بتوان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. از این رو این گروه در ۴ بهمن ۱۳۶۰ سعی کرد تا با تصرف آمل و توسعه عملیات‌های بعدی بسترهای سقوط جمهوری اسلامی را فراهم کند. با این حال واکنش اقشار مردم در مقابل مجاهدین و سربداران و حمایت آن‌ها از انقلاب اسلامی نشان داد که هر دو گروه در مسئله ورود به فاز مسلحانه دچار اشتباه شده بودند.

### فهرست منابع:

- آبراهامیان، یرواند. ۱۳۸۳. ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. نهم. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند. ۱۳۸۶. اسلام رادیکال: مجاهدین ایرانی. ترجمه فرهاد مهدوی. آلمان: نشر نیما.
- احمدی روحانی، حسین. ۱۳۹۰. سازمان مجاهدین خلق ایران. دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سازمان مجاهدین خلق ایران. بی تا. سه بیانیه از سازمان مجاهدین خلق ایران. بی جا: سازمان مجاهدین خلق ایران.
- کامران افسانه ۱۳۷۴، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار علمی حماسه اسلامی مردم آمل، تهران، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام،
- رهگذر، سیمین، شهر هزار سنگر، ۱۳۸۵ (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رضوی ناصر، استراتژی و دیگر هیچ، ۱۳۸۸، تهران، نشر یاز زهرا(س)
- نجاتی، غلامرضا. ۱۳۷۷. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب). جلد ۱. ۲ جلد. پنجم. تهران: رسا.
- یاری محمدجواد، پرسمان انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ انتشارات وثوق.

## نقش مردم مازندران در پیروزی انقلاب اسلامی (با تاکید بر شهر آمل)

محمد نادری چلاو<sup>۱</sup>

### چکیده:

مازندران از دیرباز و از پیدایش اسلام تاکنون، مرکز شیعیان و مسلمانان بوده است. ریشه‌های مذهبی و دینی قدرتمند مردم شهرستان آمل - که در زمان سلسله سادات مرعشی پایتخت علویان محسوب می‌شد - در حرکت این شهر در جریان انقلاب اسلامی نقشی موثر داشت. در این راستا سوال این پژوهش بدین صورت طرح می‌شود: نقش مردم مازندران (با تاکید بر شهر آمل) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد: ریشه‌های مذهبی مردم مازندران، مبارزه شخصیت‌های برجسته مذهبی (مانند آیت‌الله میرزا هاشم آملی، آیت‌الله جوادی، آیت‌الله حائری، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله حسن‌زاده) در وقایع انجمن‌های ایالتی و ولایتی، قیام ۱۵ خرداد و دستگیری امام و مشارکت برجسته مردم در ماه‌های منتهی به انقلاب و شکل‌دهی به ساختارهای سیاسی مردمی در اداره شهر که با تایید رهبری حضرت امام خمینی (ره) به انجام رسیده است، سبب شد تا مردم این شهر نقش و مشارکتی مهم و گسترده در انقلاب اسلامی ایفا نمودند. رابطه‌ی منحصر به فرد و نزدیک علما، روحانیون و مردم، اتحاد بزرگی در مازندران و شهر آمل در شکستن هیمنه‌ی حکومت پهلوی بوجود آورده بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش خواهد یافت.

**واژگان کلیدی:** آمل، انقلاب اسلامی ایران، دیار علویان، استبداد پهلوی، رهبری امام خمینی (ره).

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در یک دهه گذشته در جهان بوده است. انقلابی که تمامی خصوصیات شکل‌گیری یک انقلاب نیرومند مذهبی را فراهم آورد و به نوعی در جهانی که در احاطه‌ی ایدئولوژی‌های غربی و شرقی (لیبرال دموکراسی-کمونیسم) بود، یک ایدئولوژی اسلامی مبتنی بر استقلال، مبارزه با استبداد و امپریالیسم جهانی سربر آورد و نظم‌های پیشین را به چالش کشید. مردم ایران به همراهی رهبری با ویژگی‌های کارزماتیک و همراهی تک تک اقوام توانستند پس از سه دهه مبارزه مستمر، انقلاب را به پیروزی رسانند. در این بین، نقش مردم مازندران و شهرستان امل در شکل‌گیری انقلاب برجسته است. مازندران و شهرستان امل، دارای پیشینه تاریخی و مردم شناسی دقیقی از رویکرد به شیعی‌گری و عمل به شعاعر دینی هستند. شهرستان امل مرکز تشکیل سلسله علویان طبرستان-اولین سلسله شیعی در ایران- و همچنین سلسله سادات مرعشی و وجود حوزه علمیه قوی و پویا در دوران اسلامی از مرکزی دینی و سیاسی در بین دیگر شهرهای مازندران برخوردار بوده است و حتی در مبارزات ضد استعماری و استبدادی دوران معاصر که منجر به انقلاب مشروطه شده بود، نیز فعال بوده است. با توجه به این سابقه، در آغاز نهضت امام خمینی مردم، بازاریان و علمای این شهر با همراهی نهضت و در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ فصل جدیدی از فعالیت‌های انقلابی را گشودند. در امل مردم با رهبری روحانیون و بازاریان به پشتیبانی از فرامین امام خمینی ره و حمایت از سخنرانی‌های ایشان به پا خواستند و با تشکیل هسته مرکزی روحانیت مبارز با توزیع اعلامیه‌ها، تشکیل جلسات متعدد، هماهنگی با مبارزان و مهاجرت به قم و تهران اعتراض خود را به دستگیری امام و کشتار خونین مردم نشان دادند. در دوران پس از قیام، مردم امل گام به گام با نهضت انقلاب پیش آمدند و با یارگیری های متعدد و پیروی از امام ره و مخالفت با رژیم شاهنشاهی در شکل‌گیری انقلاب نقش آفرینی کردند. شهر امل از اولین مراکزی بود که انقلابیون با اداره مردمی شهر ساختارهای رژیم گذشته را درهم شکستند و مقدمه دوران گذار، شکل‌گیری نهادهای انقلابی و دولت موقت را پی ریزی کردند.

## چارچوب نظری

مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی ره.

مبانی نظری انقلاب اسلامی امام خمینی ره، ریشه در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان دارد که هر دوی این‌ها نیز از جهان‌بینی اسلامی نشأت می‌گیرد. در این قسمت به توضیح هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی ایشان می‌پردازیم: در اندیشه‌های امام خمینی ره، در قلمرو معرفت‌شناختی دوروش عقلی و نقلی مطرح است. امام با روش عقلی در پی شناخت پدیده‌های اجتماعی است. ایشان در روش عقلی از قضایا و استدلال‌های عقلانی برای تبیین مسائل مختلف و به خصوص مسئله ولایت فقیه استفاده کرده است. ایشان در این روش به دلایل براهین نبوت، امامت و ضرورت حکومت و رهبری در جامعه استناد داشتند. اما در بحث روش نقلی امام ره، با استفاده از آیات قرآنی و روایات دلایل لزوم انقلاب سیاسی را بیان می‌نماید. امام ره، به ویژگی‌های چون انسان‌سازی، ابزار تحرک، تزکیه نفوس و غیره اشاره کرده و با استناد به آیات قرآن به ضرورت استمرار احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی و لزوم انقلاب سیاسی و قیام به قسط برپا برپایی نظام و حکومت اسلامی ادغان کرده‌اند. اما در بررسی روایات، از روایات مختلفی چون خطبه حضرت زهرا س و روایت حضرت علی ع و روایتی از امام رضاع، به لزوم برقراری وحدت اسلامی و سرنگونی حکومت‌های ظالم و لزوم نجات مردم مظلوم و محروم و تشکیل حکومت اسلامی اشاره داشته، و همچنین با بیان روایات مختلفی از ائمه و غیره دلایلی نقلی را برای ولایت فقیه بیان نمودند (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۲). امام خمینی ره، در مبانی هستی‌شناختی، ویژگی‌های ذاتی انسان و ویژگی‌های اکتسابی را مطرح می‌کنند. همچنین انسان را موجودی دو بعدی می‌داند و او را خلیفه خدا بر زمین معرفی می‌کند. ایشان در مورد آزادی انسان، دو آزادی فلسفی و حقوقی را مطرح می‌کند.

از دیگر مباحث هستی‌شناختی امام خمینی ره، بحث جامعه و ویژگی‌های آن است. در این بحث ویژگی‌های جامعه سالم، نقش فرد در جامعه و راه‌های اصلاح جامعه مد نظر ایشان بوده است. ایشان براندازی رژیم شاه را برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه می‌دانستند. همچنین به تحولات اجتماعی پرداخته و در نهایت اهداف تغییرات را به دست آوردن استقلال، آزادی و رهایی از اختناق و غیره می‌دانند. در پژوهش حاضر متد و روش حضرت امام ره، در مبارزه با رژیم شاه با استفاده از حوزه علمیه و برگزاری جلسات تبیینی به دیگر علما انتقال داده می‌شد و مردم نیز با ایشان همراهی می‌کردند. داده‌های پژوهش حاضر به ما نشان می‌دهد علمای مازندران و شهر آمل، با

تایید امام ره و همراهی ایشان در واقع متد و روش نظریه انقلاب ایشان را اجرا می- کردند. در ادامه پژوهش به شیوه و روش مبارزاتی مردم مازندران و شهر آمل در برابر رژیم پهلوی اشاره خواهد شد.

## ۲- ریشه‌های مذهبی استان مازندران و شهر آمل.

ویژگی‌های سرزمینی مازندران و کوه‌های سربه فلک کشیده که این استان و منطقه را از مناطق دیگر جدا می‌سازد، سبب شد تا در زمان فتح ایران توسط مسلمانان، دیر تر فتح شود. ۳ عامل کُلی که گرایش ایرانیان به شیعی‌گری را افزایش داد این چنین قابل طرح می‌باشد: ۱. سفر تبلیغی امام حسن مجتبی ع، و مالک اشتر به طبرستان. ۲. ظلم و ستم حاکمان بنی امیه و بنی عباس که چهره‌ی خشن، ستمگرایانه، و تبعیض علیه مردم را اعمال می‌کردند و مردم مازندران با توجه به سنت و سیره امام علی ع و نوادگان ایشان، روح عدالت و برابری و رفع ظلم را در سنت علوی می‌دیدند. ۳. مهاجرت دسته جمعی علویان به منطقه طبرستان که از ظلم و ستم دیگر حکومت‌ها در مناطق مختلف ایران امان بمانند ۴. قیام‌های علویان علیه ظلم و جور بنی عباس. ۵. حضور عالمان شیعه در طبرستان و مازندران. ( بداشتی، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۴). مازندرانی‌ها به گواه تاریخ، دارای حکومت محلی خاص بودند تا زیر سیطره حکومت ملی نباشند. با توجه به رخنه اسلام در ایران و فتح دیر هنگام مازندران، شیعیان در جریان ورود به مازندران در سال ۲۵۰ هجری قمری، پس از استقرار، اولین حکومت شیعی را رقم زدند. علویان با حسن خلقی که داشتند توانستند نظر مردم مازندران را به خود جلب کنند و امویان که در تعقیب شیعیان بودند، نتوانستند پایگاه فکری و معنوی شیعیان را تصرف کنند. مازندرانی‌ها ور نخست شیعه زیدی بودند و بعدها شیعه ۱۲ امامی شدند. حکومت حسن بن زید، اولین حکومت شیعی در ایران بود که در مازندران پایه گذاری شد و بیش از نیم قرن دوام آورد. اما تحت تاثیر اختلافات داخلی و مسائل خارجی فروپاشید. مردم مازندران همواره حکومت‌های مختلفی را تجربه کردند که حکومت شیعی به استقلال رسیدند. پس از حسن بن زید، مازندران شاهد حکومت ناصر الحق، و داعی صغیر بود که در ترویج افکار و فرهنگ شیعه کوشیدند. فعالیت مذهبی خاندان سادات مرعشی به ویژه قوام الدین مرعشی در آمل و اطراف آن تا روایان، که مرجعیت شیعی مردم را بر عهده داشت، موجب تبلیغ گسترده شیعه اثنی عشری شود. وی از دو جهت مردم را آموزش می‌داد: ۱. بعد معنوی. ۲. بعد دنیوی. وی استدلال می‌کرد که دین و دنیا به هم پیوسته است و



جدایی در آن وجود ندارد، بدین ترتیب، توصیه می‌کرد حاکمان ظلم و جور را میبایست قلع و قمع کرد. برخی از نهضت‌های شیعی قابل ذکر در مازندران بدین شرح می‌باشند: ۱. مکتب حروفیان به سرکردگی فضل الله معین استرآبادی که مروج افکار شیعه و از مبلغین شیعه بود که به دیار های مختلف ایران سفر می‌کرد. ۲. سرداران تحت رهبری شیخ خلیفه که از علمای مازندران بود و با حکمای ظلم و جور مقابله می‌کرد. ۳. زیدیه و داعی کبیر و فرزندان و نوادگان و پیروان زید بن علی که در مازندران بنیان گذار مروجین احکام شیعی بودند. ۴. اسماعیلیان و پیروان حسن صباح در مناطق دیلمان و مازندران حضور پیدا کردند که شامل قلاع البرز، در نواحی کوهستانی رویان و کلاردشت و تنکابن بود (بداشتی، ۱۳۸۴: ۱۲۳-۱۲۰). بدین ترتیب، شیعه دوازده امامی در ایران رواج پیدا کرد و عشق به اهل بیت ع، در روح مردم ماندگار شد که تا قرن‌های بعد بازوان اصلی نهضت انقلاب اسلامی شد و تا به امروزه نیز ادامه دارد.

با توجه به مقدمه طرح شده در بنیان‌های فکری و عقیدتی مردم مازندران، پیروی از علمای شیعی در دوره های مختلف همواره مورد تاکید مردم بوده است. در دو مقطع تاریخی حساس تاریخ معاصر ایران، مردم و علمای مازندران نقش محوری داشتند. ۱- انقلاب مشروطه. ۲- انقلاب اسلامی ایران. در انقلاب مشروطه، شیخ فضل الله نوری از علمای بنام مازندران یکی از رهبران جریان بود و مردم مازندران نیز نقش آفرینی کردند. در دوره بعد و مبارزات امام خمینی ره، که آغاز رسمی آن از سال ۱۳۴۱ رقم خورد نقش بی‌بدیلی ایفا کردند که با محوریت فعالیت‌های مردم و علمای شهر آمل بدان پرداخته خواهد شد.

### ۳- واقعه انجمن های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱

دولت علم در مهر ماه ۱۳۴۱ لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را مطرح کرد. در این لایحه واژه اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود و منتخبان نیز به جای آن که مراسم تحلیف را به سوگند با قرآن به جای آورد، از این پس با سوگند به کتاب آسمانی این کار را انجام می‌دادند. تصویب این لایحه در آن اوضاع حاکی از آن بود که رژیم شاه تحلیل درستی از برخورد های احتمالی مراجع دینی با این گونه اقدامات نداشت و تصور می‌کردند با فوت آیت الله بروجردی، انسجام حوزه برای یکپارچگی در عمل مخالف از بین رفته است و با انتقال مرجعیت به نجف از حوزه قم، حوزه را تضعیف نموده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۹۴). در این

واقعۀ علما با رهبری امام خمینی ره گردهم آمدند و خواستار لغو آن شدند، اما شاه با بی‌اعتنایی، تغییر در لایحه را بی‌اهمیت قلمداد کرد. استقامت روحانیون و اقشار مردم در توجه به فرامین امام خمینی ره که لایحه مذکور را مخالف با مبانی شرع مقدس و مبانی قانون اساسی دانست شاه و دربار را مجبور به عقب‌نشینی کرد. در همین باب امام می‌فرمود: ما با رای زنان مخالف نیستیم، با سو استفاده از آن‌ها مخالفیم. سرانجام دولت، به لغو لایحه پرداخت. در این مبارزه، عقیده روحانیون در باب لایحه، وجود یک دولت غرب‌گرای ضد‌مذهبی بود که زمینه استیلا و حضور غیر مسلمانان و بهاییان را در ساختار قدرت فراهم می‌آورد (مخبر دزفولی، ۱۳۷۱: ۵-۳). در جریان تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در آمل نیز مانند سایر شهرهای مازندران علما و بازاریان به صحنه آمدند و فعالیت‌های فراوانی برای تنویر افکار عمومی نسبت به اصول ضد قانونی و شرعی آن مصوبه به عمل آوردند. در همین زمان اعلامیه‌ای از آیت‌الله میرزا هاشم آملی خطاب به آیات و مراجع قم و در حمایت از آنان صادر شد. روحانیون و در صدر آنها مراجع تقلید، خصوصاً امام خمینی اقدامات فوری و لازم خود را به طور قاطع علیه تصویب نامه شاه آغاز کردند. اولین جلسه را در منزل آیت‌الله حاج آقا مرتضی حائری ره تشکیل دادند. امام خمینی با تشریح طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی و خطرات استعمار و امپریالیسم، و برگزاری جلسات متعدد با علما نظیر آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله سید محمد موسوی، آیت‌الله احمد زنجانی، آیت‌الله میرزا هاشم آملی<sup>۱</sup> و حاج آقا حائری یزدی طی تلگرافی لغو فوری طرح را خواستار شدند (عزیزی، ۱۳۹۶: ۳۰۲-۳۰۱). بدین ترتیب، شروع مخالفت‌ها با انجام اعتراضات، صدور اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، و تلگرافات به سوی تهران و دربار از قم و شهرستان‌های ایران و نجف سرارزیر شد. در اثنای مبارزات، آیت‌الله محمد تقی آملی به همراه سه نفر از علمای طراز اول تهران (آیت‌الله خوانساری، آیت‌الله سید محمد بهبهانی و آیت‌الله شیخ محمد رضا تنکابنی) با اطلاعیه جداگانه‌ای از مردم تهران خواستند در مسجد سید عزی الله برای تحت فشار قرار دادن حکومت، دعا خوانی

<sup>۱</sup> آیت‌الله میرزا هاشم آملی لاریجانی، (متولد سال ۱۲۷۸ و درگذشته در سال ۱۳۷۱) می‌باشد. استاد فقه و اصول در حوزه‌های علمیه قم، نجف و از مراجع تقلید شیعه بود. او از شاگردان و ادامه‌دهنده مکتب اصولیان بغداد و شاگرد آقا ضیا عراقی (اراک) بود. ایشان دارای آثاری متعددی هستند مانند، بدایع الافکار، الطهاره، البیع و ... ایشان در کنار فعالیت‌های علمی، در مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی فعالیت چشمگیر داشتند و از چهره‌های ذی نفوذ در میان مردم بودند.

کنند. بدین ترتیب با گفتگوهای طولانی و تشکیل جلسات هیئت دولت، نامه‌هایی به علمای تهران مخابره شد که طرح مذکور لغو شده است.

امام خمینی ره، اعلام داشت تا زمان درج اعلامیه لغو در روزنامه‌های رسمی کشور، دست از مبارزه برنخواهیم داشت و در تاریخ نهم آذر ماه سال ۱۳۴۱، به جمعیتی که در منزل ایشان بودند، اعلام داشتند که درج خبر برای پایان مبارزه الزامی است. بدین ترتیب در تاریخ دهم آذر در روزنامه رسمی درج شد که مصوبه چهاردهم مهر ماه سال ۱۳۴۱، قابلیت اجرایی ندارد. دو نکته در باب حمایت علما و مردم آمل از مبارزه در جهت مخالفت با طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی قابل ذکر است: ۱- علمای بنام شهرستان آمل نظیر آیت‌الله محمد تقی آملی به همراه شخصیت‌های همچون آیت‌الله تنکابنی و ۱۱۴ نفر از روحانیون معروف، نامه‌ای سرگشاده با عنوان (برادران ایمانی) امضا کردند و این نامه جز مستدل‌ترین نامه‌ها در آن زمان بود (حسینیان، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۶۳). ۲- سفر مردم آمل و مازندران با مشقت‌های فراوان به بیت حضرت امام ره و تقدیم وجوهات شرعی به ایشان جهت مصرف حوزه‌های علمیه و مبارزه با رژیم پهلوی که از دید ساواک و شهربانی در امان نماند و گزارش سفرها ثبت شده است. پس از آن که طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی لغو گردید، شاه گمان کرد که اگر مجری طرح‌ها خودش باشد، اینچنین رفرم‌هایی تأیید و تصویب خواهد شد و بدین ترتیب، شاه در ۱۹ دی ۱۳۴۱، به طور رسمی اعلام کرد طرح ۶ ماده‌ای انقلاب سفید را به فراندوم می‌گذارد. این طرح توسط آمریکا برای کشورهای توسعه نیافته طرح شده بود. یکی از اعلامیه‌های معروف که توسط نه نفر از علما امضا شده بود که غیر از امام خمینی ره، امضای حضرات آیت‌الله هاشم آملی، آیت‌الله گلپایگانی، شریعتمداری و پنج امضای دیگر را در پای خود داشت (صحیفه امام، ج ۱، ۱۳۴۴: ۱۵۰-۱۴۵). با شروع سال ۱۳۴۲ مبارزات وسیع‌تر شد و در عید سال ۱۳۴۲، روحانیت به اعتراض فراندوم برگزارش شده در ۶ بهمن ۱۳۴۱، اعلام کردند روحانیت امسال عید ندارد و اعلامیه تحریم عیدو عزاداری توسط امام خمینی، آیت‌الله تنکابنی، آیت‌الله محمد تقی آملی و آیت‌الله آشتیانی منتشر شد. بدین ترتیب با صدور این اعلامیه رژیم شاه واکنش سختی نشان داد و در مراسم عزاداری امام جعفر صادق ع به مدرسه فیضیه حمله کرد و پس از تخریب مدرسه، بسیاری از روحانیون و طلاب را مورد ضرب و شتم قرارداد. پس از کشتار فیضیه امام خمینی ره با صدور اعلامیه اعلام کرد که مردم مخالفت خود را با رژیم علنی کنند. مازندرانی‌ها با این مسائل نزد امام خمینی ره در

قم رسیدند و با ایشان گفتگو کردند. این دیدار توسط ساواک رصد شد و دیدار های امام با اقشار مردم محدود و قطع شد.

#### ۴- قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲

مبارزات علنی که روحانیون و اقشار مردم علیه حکومت پهلوی به انجام رسانیده بودند در سال ۱۳۴۲ وارد فاز جدیدی شد و ابعاد بسیار گسترده تری یافت که زمینه ساز بروز انقلاب در سالیان بعد گردید. مبارزات امام خمینی ره، تا آغاز ماه محرم ۱۳۴۲، در قالب بیانیه بود و پس از آن به قیام تبدیل گردید. آغاز ماه محرم در سال ۱۳۴۲ و برگزاری مراسم عزاداری و مجالس وعاظ و سخنرانی مذهبی، فرصتی برای تبلیغ علیه حکومت و افشای اقدامات ضد دینی آن بود. مراسم عاشورا در قم به گونه‌ی دیگری برگزار شد. امام خمینی ره در عصر عاشورا در مدرسه فیضیه به سخنرانی پرداخت و حکومت شاه را به دلیل کشتار مدرسه فیضیه محکوم کرد و وابستگی رژیم پهلوی را به اسرائیل افشا کرد و بدین ترتیب، شاه را نزد مردم تحقیر و رسوا کرد. نیمه شب ۱۵ خرداد، به بیت امام ره حمله کردند و پس از دستگیری امام، ایشان را به تهران منتقل و در پادگان عشرت آباد بازداشت کردند. سپس به زندان قصر در تهران انتقال دادند. پخش خبر دستگیری امام، موج اعتراضات را در اقشار گوناگون برانگیخت و در شهرهای قم، تهران، ورامین، آمل، شیراز، و مشهد مردم شعار یا مرگ یا خمینی سر دادند (عزیزی، ۱۳۹۶: ۳۰۶-۳۰۵). در جریان قیام در آمل، با حمایت و پشتیبانی آیت الله میرزا هاشم آملی که از علمای آملی مقیم قم بود، اقداماتی برای اعتصاب بازار به عمل آمد، ولی با دستگیری پرویز ناصری عامل اصلی اعتصاب در آمل، این تصمیم به ثمر نرسید. عوامل سازمان جاسوسی رژیم پهلوی، با رصد ناصری، وی را در تاریخ بیستم خرداد ۱۳۴۲ در آمل دستگیر نمودند. جایگاه میرزا هاشم آملی در مبارزه با رژیم پهلوی و حمایت از نهضت امام خمینی به گونه‌ای بود که دیگر شهرهای استان مازندران نیز با مخابره تلگرافی به ایشان که در این برهه زمانی در تهران به سر می برد، انزجار خود را از دستگیری امام و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد اعلام نمودند. آیت الله محمد تقی نیز با حرکت به سوی حرم حضرت معصومه (س) به همراه سایر علما من جمله آیت الله مرتضی حائری، علامه طباطبائی که با همراهی مردم حمایت می شد، با صدور اطلاعیه‌ای مشترک به همراه آیت الله شیخ احمد آشتیانی ضمن محکوم کردن دستگیری حضرت امام ره به ادعای پاکروان مبنی بر موافقت علما با اصلاحات شاهانه، پاسخ دادند. آنان همچنین وحدت علمای «بلده طيبة قم، نجف

اشرف و مشهد مقدس و مرکز و شهرستان‌ها» را در مخالفت با اعمال خلاف شرع دولت اعلام کردند. آیت الله محمد تقی آملی نیز در زمره علمایی بود که بر مرجعیت امام خمینی ره تأکید داشت و تأیید ایشان به عنوان رهبر مبارز، راه هر گونه اقدام را علیه وی منتفی می‌کرد. به طوری که مجموعه نامه‌ها در جهت تأیید حضرت امام ره، از آیات میلانی، نجفی، شریعتمداری و محمدتقی آملی در یک اطلاعیه چاپ و منتشر شد (عزیزی، ۱۳۹۶: ۳۰۸-۳۰۷).

لذا در با وجود این مقاومت‌ها و ایستادگی‌ها در ۱۱ مرداد ۱۳۴۲، و در آستانه برگزاری انتخابات، امام ره آزاد شد. بدین ترتیب، اولین مبارزه رسمی و بزرگ انقلابیون و مبارزین علیه رژیم پهلوی با سردمداری علما و اقشار مردم بر رژیم پهلوی پیروز شدند. نقش برجسته مردم آمل و علمای آن شهر، که نمادی از وفاداری و اعتقاد راستین به شعاعر دینی و شیعی داشتند، در پیروزی این مبارزه چشم‌گیر و حائز اهمیت است. در جریان قیام، دو قشر تأثیر گذار مردم یعنی علما و بازاریان با هماهنگی‌های مثال زدنی، و تبلیغ گسترده، نهضت انقلابی را به نمایش علمی گذاشتند و پیروزی حاصل شد.

##### ۵- کاپیتولاسیون و مبارزات انقلابی

دستاورد های قیام ۱۵ خرداد، عظیم تلقی می‌شود زیرا: ۱. موجب بیداری مردم مسلمان ایران شد. ۲. همدلی و آگاهی مردم با علما، جامعه روحانیت، حوزه‌های علمیه و اقشار مردم، سدی در برابر رژیم پهلوی ایجاد کرده بود که نوید از شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی می‌داد که دارای ساختار صحیح، آموزش پیوسته و فعالیت‌های مستمر تبلیغاتی علیه دستگاه استکباری و استعماری رژیم وابسته می‌داد.

آزادی حضرت امام خمینی (ره) از زندان و ورود ایشان به قم، شور و شعف خاصی به مردم القا کرد. به نحوی که استقبال بسیار باشکوهی برای ایشان تدارک دیده شد که علما و مردم مازندران در فیضیه، به رهبری آیت الله جوادی آملی، بخش مهمی از این مراسم را بر عهده داشتند. مقامات ساواک، با در نظر گرفتن شرایط و رصد دقیق مردم و علمای مبارز، در مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۱ با نامه، تماس و تهدید مستمر علمای آمل، به ایشان تذکر می‌دادند که در کار سیاست دخالت نکنند و کار علما، صرفا ارشاد مذهبی مردم بدون شرح و تبیین مسائل سیاسی است. و همچنین، ساواک با تطمیع علما، در همراهی نکردن با آیت الله خمینی، وعده ارسال پول به ایشان برای پیشبرد امور مذهبی مساجد و تکاپا را پیشنهاد داده بودند. این در حالی بود که مردم و علمای

مازندران و آمل، حضرت امام ره را به عنوان رهبر مبارز خویش برگزیده بودند و در جهت حمایت ایشان، با جمع آوری وجوهات شرعی به تاریخ ۱۳۴۲/۱۲/۳۰ توسط هادی آقا، پیش‌نماز مسجد جامع آمل، به ایشان تقدیم شد.

در سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳، حضرت امام ره و علمای تراز اول سکوت را استقبال از مرگ سیاه دانستند و با اقدامات سرکوبگرانه ساواک در شناسایی عناصر انقلابی نزدیک به امام ره، مبارزات مردمی ادامه پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که مبارزات را تسریع بخشید، تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود. امام خمینی ره در روز چهارم آبان سال ۱۳۴۳، سخنرانی ایراد کردند، سکوت در باب عدم مخالفت با لایحه فوق را گناه کبیره اعلام کردند و این سند را موجب بردگی ملت ایران و اقرار رژیم به مستعمره بودن ایران و ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت نامید و نسبت به سو استفاده از آن هشدار داد ( عزیز، ۱۳۹۶: ۳۱۳-۳۱۲). پس از انجام سخنرانی حضرت امام ره، صدها نیروی ویژه رژیم پهلوی تحت عنوان کماندو، به منزل ایشان در قم یورش بردند و ایشان را تحت الحفظ به ترکیه تبعید نمودند. نقش علمای آمل در اعتراض به تبعید امام بسیار چشم‌گیر بود. جلسات مستمر توسط آیت الله میرزا هاشم آملی، سید احمد زنجانی با آیت الله سبحانی برگزار کردند.

#### ۶- کنترل شهر آمل و اداره‌ی شهر به وسیله حکومت مردمی.

مردم آمل، به همراهی علمای مذهبی، در دوران خفقان پس از تبعید حضرت امام ره، توانستند ارتباط خود را مراکز نهضت حفظ کنند و کانال‌های ارتباطی خود را حفظ کنند. مردم آمل در سال ۱۳۵۳ و در تبیین و تشریح اقدامات دهه ۴۰ پهلوی، اطلاعیه‌ای توسط (گروه خرداد خونین) در حوالی بازار آمل پخش کردند و مسائل را یادآوری کردند. به طور کلی، با فرارسیدن ایام انقلاب در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، به تناسب شهرهای بزرگ کشور، مردم آمل و کارمندان دولتی نظیر ادارات پست و دادگستری و در ادامه تمامی ادارات شهر آمل در سال ۱۳۵۷، به خیل مردم مبارز، تحصن و اعتصاب کردند و ادارات را به تعطیلی کشانیدند. در ماه‌های منتهی به انقلاب در سال ۱۳۵۷ و در مهر ماه، اعتراضات مردم آمل ادامه پیدا کرد به نحوی که در روز ۷ مهر همان سال، سینما آرش آمل در آتش سوخت و انقلابیون به بسیاری از بانک‌ها را تصرف کردند. در روز ۱۸ مهر، به مناسبت چهلم شهدای میدان ژاله، مردم آمل

تظاهرات کردند و بیش از ۵۰ کشته و مجروح به انقلاب تقدیم کردند. این روند تا روزهای منتهی به انقلاب ادامه پیدا کرد .

مهم‌ترین مسئله‌ای که شهر آمل را به شهرت رساند، نام شهری تحت نام (حکومت مردمی) بود. چرا که آمل نخستین شهر در انقلاب اسلامی ایران بود که از ارگان‌های مردمی برای اداره شهر استفاده کرد. بنابر گزارش روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۹، مردم شهرداری را تصرف و ادارات رژیم را کاملاً از کار انداختند و زمام امور را به دست گرفتند.

ساختار حکومت مردمی بدین شکل بود که جوانان انقلابی در معابر، خیابان‌ها، چهارراه‌ها به عنوان پلیس کلیه فعالیت‌ها را تحت نظر داشتند و امورات شهر را پی گیری می‌کردند. گروه حفاظت ملی آمل، در یک اقدام ابتکاری با کارت‌های خصوصی را تولید و مهر کردند تا برای عبور و مرور از آن استفاده بشود و به وسیله آن، امورات شهری بیشتر تحت کنترل قرار گیرد. در روزهای پایانی منتهی به انقلاب، در محله‌ی چاکسر آمل، به رهبری آیت الله جوادی آملی و حضور مردم، راهپیمایی عظیمی شکل گرفت و به سمت مرکز شهر و میدان ۱۷ شهریور حرکت کردند. این حرکت‌ها منجر شد مردم مجسمه شاه را پایین کشیدند و بر پل معلق آویزان کردند.

با فرار شاه از کشور، تصمیم‌ها بر آن شد تا امام خمینی ره به کشور بازگردند و نمایندگانی از شهر آمل در ستاد استقبال ایشان در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ حضور پیدا کردند. در تاریخ ۱۶ بهمن، مردم آمل و کسبه‌ها کلیه مکان‌ها را تعطیل کردند و درگیری شدیدی با نیروهای امنیتی پیدا کردند. با پیروزی انقلاب در روز ۲۲ بهمن، ثمره مجاهدت‌ها، تلاش‌ها و خون‌های شهدا به تشکیل جمهوری اسلامی ایران منجر شد که آن نهال روزهای نخست به درخت تنومند و بارور تبدیل شده است. مردم آمل و روحانیون، با برنامه ریزی‌های دقیق و همه جانبه به پیروزی انقلاب کمک شایانی کردند و از ارکان مهم انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب تبدیل شدند. ماجرای ۶ بهمن شهرستان آمل و مقابله با کمونیست‌مائوئیست‌های منافق که به شهر از راه جنگل یورش بردند، با توانایی و سبقه همان انقلابیونی که ۳ دهه خونین با نهضت انقلاب همراه بودند میسر شد و در وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام ره، شهر آمل به عنوان عنصری برجسته در تاریخ انقلاب برشمرده شد.

نتیجه‌گیری.

مازندران و شهر آمل، با توجه به سبقه دینی و توجه به شاعر اسلامی از مستعدترین مناطق در همراهی با علما و روحانیونی بودند که در مبارزه با رژیم پهلوی را برگزیده

بودند. حکومت‌های اولیه شیعه که تحت عنوان مستقل در ایران پس از حمله اعراب شکل می‌گرفتند، از حکومت زیدی حسن بن زید تا حکومت ناصر الحق و داعی صغیر و وجود خاندان مرعشی همگی تلاش کردند در فرهنگ عمومی مردم، دیانت شیعی و معارف آن را بگنجانند. بدین ترتیب، و با شروع مبارزات علنی حضرت امام (ره) در وقایع انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید در اوائل دهه ۴۰ پتانسیل مردم و روحانیون سرشناس مشخص گردید که می‌توانند در راه شکل‌گیری نهضت اسلامی بسیار موثر باشند. در قیام ۱۵ خرداد که اولین قیام رسمی مردمی بود، مردم آمل و علما به صورت علنی و قطعی در کنار امام ره ایستادند و در آزادی ایشان از زندان موثر بودند. در ماجرای کاپیتولاسیون، مردم آمل پس از دستگیری حضرت امام ره، رابطه خود را با نهضت حفظ کردند و توانستند با تشکیل گروه خرداد خونین، وقایع را در سالیان بعد برای مردم بازگو کنند تا ریشه‌های انقلاب اسلامی در فرهنگ عمومی مردم نهادینه شود. دو عامل مهم و تاثیر گذار حضور مردم آمل در کنار امام این چنین قابل شرح است: ۱. جنبه‌ی مادی و حضور فیزیکی که وجوهات شرعی را به ایشان پرداخت می‌کردند. ۲. علمای سرشناس، با نفوذ در جهان اسلام در متولد خطه آمل بودند با تمام توان مردم را آگاه و با اتحاد بازاریبان و کسبه توانستند جنبه‌های مهم شکل‌گیری یک انقلاب را در خطه شمال کشور سامان دهند. چهره شاخصی مانند ایت الله میرزا هاشم لاریجانی در همراه سازی مردم نقش بسزایی داشتند. بسیاری از اقدامات انقلابیون در سطح شهرستان متأثر از رهنمودهای ایشان جلوه‌گر شد. کنترل و اداره‌ی شهر آمل توسط جوانان و شورای انقلابی متشکل از روحانیون و مردم انقلابی، نوآوری کم سابقه‌ای بود که نام آمل را ماندگار خواهد کرد. در سالیان پس از انقلاب و در دهه ۶۰، با وقوع مسئله ۶ بهمن، مردم آمل وفاداری خود را به امام و انقلاب اثبات کردند.



### فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند(۱۳۹۶). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. نشر نی.
- اله بداشتی، علی. (۱۳۸۶). ریشه های پیدایش و گسترش تشیع در مازندران. *شیعه شناس*، دوره ۵، شماره ۱۹، ۱۰۱-۱۲۶. SID. <https://sid.ir/paper/119544/fa>
- انقلاب اسلامی و روستائیان مازندران، خبرگزاری ایرنا. <https://www.irna.ir/news/83188500/>
- تاریخ انقلاب اسلامی در مازندران به روایت ایمننا، خبرگزاری ایمننا <https://www.imna.ir/news/725856/>
- جمعی از نویسندگان(۱۳۸۴). *انقلاب اسلامی ایران*. تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی. قم، دفتر نشر معارف.
- حسینیان، روح الله(۱۳۸۴). *سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران(۱۳۴۳-۱۳۴۱)*. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله(۱۳۴۴). *صحیفه امام، مجموعه آثار(پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)*. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- عزیزی، امین (۱۳۹۶). *آمل در نهضت و انقلاب اسلامی. مجله پانزده خرداد*، دوره سوم، سال پانزدهم، شماره ۵۴، ص ۳۱۹-۲۹۸.
- کشاوری شکر، عباس؛ غفاری هاشجین، زاهد و شیخی، معصومه (۱۳۹۳). *مدل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)*. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۶۹-۵۱.
- مخبر دزفولی، عباس (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*. انتشارات طرح نو.



## تبیین نقش نهاد جهادسازندگی در حماسه‌ی آمل

روزبه نصیری آملی<sup>۱</sup>

هادی باقری<sup>۲</sup>

### چکیده:

انقلاب اسلامی ایران با ویژگی‌های ضد موناشرسی، ضد دیکتاتوری و ضد استکباری، تکیه بر مردم‌سالاری دینی (جمهوری اسلامی) دارد. از این‌رو، اهداف آن تغییر بنیادی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، تحقق استقلال و آزادی، بر اساس مشارکت و تامین حقوق اساسی عامه مردم می‌باشد. در این راستا نهادسازی‌های مختلف از جمله تشکیل جهادسازندگی (و بسیج سازندگی) گام مهمی در تغییر ساختار مدیریت اجرایی کشور و رفع محرومیت‌های گذشته بود. این مهم، علاوه بر کمک به توسعه روستاها، اهداف دیگری از جمله اشاعه پیام انقلاب میان مناطق دوردست، کسب حمایت توده‌های محروم روستایی (و همچنین قطع نفوذ گروه‌های مارکسیستی در مناطق محروم) به نظر اقدامی مدبرانه بود. سوال اساسی تحقیق این است که نقش نهاد (مردمی) جهادسازندگی و بسیج مردم روستاها و در خلق حماسه‌ی عظیم ششم بهمن سال ۱۳۶۰، و قبل و بعد آن چگونه بود؟ فرض مساله بر تاثیر عوامل، برنامه‌های سازندگی توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روستاها (پیشگیرانه یا ایجابی) و اقدامات دیگر پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی (امنیتی یا سلبی) کمک‌های نهاد جهادسازندگی و جهادگران شهرستان آمل به مردم و رزمندگان بر شکست اتحادیه کمونیست‌های مدعی طرفداری از خلق (توده مردم) دلالت دارد. به نظر، در سایه این نهادسازی هوشمندانه‌ی حضرت امام خمینی (ره) در ارکان سیاسی اداری کشور، نقش اقدامات پیشگیرانه و پشتیبانی از رزمندگان (برقراری امنیت پایدار) شهرستان آمل قابل تامل و ویژه است. بررسی این موضوع با استفاده از روش توصیفی تحلیلی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی، حماسه آمل، ولایت فقیه، جهادسازندگی، اتحادیه کمونیست‌های ایران

<sup>۱</sup> دکترای جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی و عضو ستاد مردمی گرامیداشت حماسه آمل: nasiriamoli@gmail.com

<sup>۲</sup> کارمند جهاد کشاورزی شهرستان آمل و عضو ستاد مردمی گرامیداشت حماسه آمل

**مقدمه:**

انقلاب اسلامی ایران در زمره آن دسته از رویدادهای بزرگ قرن بیستم میلادی قرار می‌گیرد که به صورت همزمان دارای مؤلفه‌های محوری و اثرگذار سیاسی و فرهنگی است، این انقلاب منجر به تحولات فراگیر در زمینه فرهنگی جامعه و نظام حکمرانی ایران شد و مؤلفه‌های هویتبخش کم نظیر را که برخاسته از مذهب تشیع بود در ساحت سیاست کشور مطرح ساخت. یکی از پیامدهای این تغییرات فرهنگی و نهادسازی نوعی مداخله فعال و پایدار در حوزه سیاستگذاری محسوب میشود.

نهادهای مردمی با کاهش تضادها و مشخص کردن معیارهایی برای رفتارهای فردی و اجتماعی امکان ایجاد وفاق و وحدت در جامعه را پیرامون اهداف مترتب بر آن فراهم می‌نمایند. همچنین معیار موفقیت یک انقلاب، با استقرار نهادهایی که بنا نموده مشخص میشود. از آنجا که استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز نیازمند نهادسازی در زمینه‌های مختلف بود؛ امام خمینی با نهادسازی در جهت تأسیس و تثبیت نظام نقش مهمی ایفا نموده‌اند.

در آغاز راه انقلاب اسلامی و به دلیل روحیه انقلابی، شور و اشتیاق وصف ناپذیر اقشار مختلف مردم به مشارکت‌های مردمی در آبادانی جای جای کشور، کمیته‌ها و گروههایی مردمی به نامهای مختلف، برای خدمت‌رسانی، آبادانی و امنیت شروع به کار کردند. در این میان انجمن‌های اسلامی دانشجویان به صورت متشکل تر و منسجم تر به این فکر افتادند که ویرانی و عقب‌ماندگی‌های گذشته را کاهش دهند. در نهایت حضرت امام فرمان تشکیل جهادسازندگی را دادند. پس از آن با تهیه‌ی مهر و شعار "همه با هم" و آیه‌ی شریفه "قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا..." مقدمات آن فراهم شد. در واقع هسته‌ی اولیه‌ی جهادسازندگی در انجمن اسلامی دانشگاه‌های تهران تشکیل شد. ( پایگاه اطلاع رسانی سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، ۲۰۱۵)

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی در فرآزی از متن فرمان خود برای تاسیس جهادسازندگی آورده‌اند: " من به همه ملت، به همه اشخاص که در این روستاها و دهات به سر می‌برند، پس از اینکه به همه‌شان دعا می‌کنم و عرض ارادت، یک سفارش دارم و آن اینکه توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می‌آیند، در روستاها می‌آیند، توجه کنند که مبادا خدای نخواستہ در بین آنها یک اشخاصی نباشد که بر خلاف رویه ملت، بر خلاف اسلام، مسائلی داشته باشند. اگر یک همچو اشخاص دیدند، فوراً آنها را از ده کنار بگذارند، و

نگذارند در بین جوانان ما، در بین روستاییان ما، تبلیغات سوئی بکنند" (امام خمینی، ۱۳۸۹:۱۳۵)

با این‌وصف، کمونیست‌ها و گروه‌های دانشجویی الحادی و التقاطی نیز اعلام خطر کردند؛ براساس مشی فکری خاص خود، ابتدا مبارزه سیاسی با نظام اسلامی را همراه با سایر عوامل داخلی نظام استکباری سمت و سو دادند. با هوشیاری و تمهیدات سیاسی مقامات عالی نظام و برخی شرایط پیش روی برای آنان، چهره نفاق آشکار و آشکارتر شد. عده‌ای برای مبارزه گسترده و علنی، استقرار در جنگل را به عنوان استراتژی مسلحانه خود قرار دادند؛ سعی کردند، به زعم خود مبارزه را به تدریج با جرقه، علنی کنند.

بنابر نقش و وظایف تعیین شده، اتحادیه کمونیست‌ها براساس مشی مائوئیستی خود استقرار در جنگل را برگزید تا به زعم خود روستاییان را جذب نموده و با آزاد سازی روستاها، یک قیام مسلحانه توده‌ای را به راه اندازد و با تشکیل ارتش خلقی، شهرها را یکی پس از دیگری آزاد (و حکومت مرکزی را) ساقط نمایند؛ بنابر این، نقش نهاد نوپای جهادسازندگی با چارچوب فکری اتحادیه کمونیست‌ها به عنوان نیروهای شورشی از حیث اندیشه و عملکردی کاملاً در تقابل قرار داشت (خانی، ۱۳۹۵:۶۳).

بنابر نقش تعیین شده و وظایف نهاد جهاد سازندگی و فرمان امام خمینی در تشکیل این نهاد از سویی و چهار چوب نظری اتحادیه کمونیست‌ها به عنوان مهاجمان به شهر آمل تقابل نهاد جهادسازندگی از جهت فرهنگی و اندیشه ای با این جریان ضد انقلاب اجتناب ناپذیر است.

براین اساس پژوهش حاضر در نظر دارد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که نهاد مهم جهادسازندگی (شهرستان آمل) نیز که در راستای اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی در ابتدای انقلاب اسلامی تاسیس شده است، چه نقشی در مقابله با اقدام اتحادیه کمونیست‌های ایران در حمله به شهر آمل داشته است؟ در پاسخ به این پرسش چگونگی اقدامات ایجابی و سلبی جهادسازندگی در این زمینه موضوع این پژوهش خواهد بود. این بررسی از روش تحلیل اسنادی که از انواع روشهای کیفی است با استفاده از اسناد و مدارک موجود نظیر کتب، مقالات و هشتاد مورد مصاحبه با جهادگران و فرهنگیان همکار از زندگینامه در حال تدوین حاج علی‌اوسط محمدی و نقش مستقیم و غیر مستقیم جهادگران تحت مدیریت فعال و پرثمر او در وقایع سال ۱۳۶۰ آمل، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

این مقاله در پنج بخش، شامل ۱- چارچوب نظری و پیشینه تحقیق؛ جهادسازندگی آمل (۶۱-۱۳۵۹)؛ ۳- پشتیبانی اطلاعاتی و عملیاتی رزمندگان؛ ۴- سایر اقدامات جهاد در حماسه آمل؛ و ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آمده است.

### ۱- چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق:

نظریه ولایت فقیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط امام خمینی (ره) احیا شد. امام خمینی به عنوان رهبر و معمار کبیر نظام اسلامی افزون بر احیای نظریه ولایت فقیه، محدوده اختیارات آن را نیز با طرح نظریه «ولایت مطلقه فقیه» مشخص نمودند. بر این اساس محدوده اختیارات حکومتی ولی فقیه، در محدوده اختیارات پیامبر(ص) و ائمه(ع) است و تنها تفاوت ولی فقیه با ایشان در زمینه شأن نبوت و امامت ایشان است. (پایگاه رسمی نشر اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران)، تشکیل ارکان جمهوری اسلامی ایران و نهادسازی آن بر اساس نگاه فقهی امام خمینی و مقبولیت او در بین مردم سمت و سو یافته و پیاده‌سازی شد. نهاد را نیز باید یک عامل اجتماعی جهت مشارکت بیشتر مردم در سرنوشت خود تلقی کرد، بر این اساس به چند نظر جامعه‌شناسی می‌پردازیم:

از وقتی اگوست کنت، نهاد را به عنوان یک عامل اجتماعی محسوب کرد، اهمیت آن به عنوان تشکیل‌دهنده‌ی نظام اجتماعی برای جامعه‌شناسان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. امیل دورکیم هم در تعریفی که از جامعه‌شناسی ارائه داده است آن را علم نهاد اجتماعی می‌نامد. (مدقق، ۱۳۹۲: ۴۵) به نظر الکس اینکلس چهار فرد تاثیرگذار جامعه‌شناسی (کنت، اسپنسر، دورکیم، ماکس وبر) درباره موضوع جامعه‌شناسی هم عقیده هستند که:

اولاً- جامعه‌شناسی باید بر مطالعه‌ی نهادهای گوناگون از خانواده تا دولت و حکومت بپردازد.

ثانیاً- معتقدند که موضوع منحصر به فرد جامعه‌شناسی را در میان نهادهای گوناگون می‌توان پیدا کرد.

تکامل‌گرایان با در نظر گرفتن یک نهاد می‌کوشند چگونگی مراحل تکامل جامعه را به طور کلی و شکل آن نهاد را قالب‌گیری کنند. پیروان مکتب «ساختی - کارکردی» در عوض سعی می‌کنند تا تأثیر نهاد را در طرز کار جامعه تجزیه و تحلیل کنند؛ در این

رابطه نقش جهادسازندگی در وقایع مهم کشور، از جمله سال ۱۳۶۰ آمل قابل تامل و ارزیابی صاحب‌نظران است.

یکی از راهبردها و اقدامات بسیار مهم و اساسی که امام خمینی در جایگاه ولی‌امر مسلمین به درستی اتخاذ کردند و در سرنوشت انقلاب و عبور آن از فراز و نشیبهای پس از انقلاب بسیار تاثیرگذار بوده، تاسیس و ایجاد نهادهای انقلابی بود. معمولاً تاسیس نظام به عنوان مرحله دوم انقلاب بسیار حساس و دشوار می‌باشد و با توجه به تغییر جهت‌گیری‌ها و خلق موقعیت‌های تازه، مهمترین مسئله‌ی دوران پس از پیروزی انقلاب است. لازم به یادآوری است که یکی از مهمترین مراحل "نظام‌سازی" در هر انقلابی، مقوله‌ی "نهادسازی" در آن انقلاب است که میتواند در تربیت و استقرار نظام جدید نقش اساسی ایفا نماید. «از همین روی پس از انقلاب به سرعت شاهد تاسیس نهادهای انقلابی به فرمان رهبر انقلاب اسلامی، امام راحل(ره) هستیم. (فروزنده، ۱۳۹۹: ۱۵۴)

سازمان‌ها و نهادهای مردمی (انقلابی) کم و بیش ویژگی‌های عام انقلاب‌های اجتماعی را به‌ویژه در قرن بیستم تشکیل می‌دهند که معمولاً نوعی سازمان‌های دولتی موازی را به‌منظور تحکیم قدرت نظام نوپا ایجاد می‌کند. جهادسازندگی نیز تجسم عینی تغییر و نهادسازی انقلابی است که ویژگی‌های انقلاب را به لحاظ زمینه و آرمان‌ها منعکس می‌سازد. در این بین نهاد جهادسازندگی با انگیزه تغییر سبک مدیریت اجرایی و سازندگی (به‌ویژه) مناطق دوردست و محروم کشور تاسیس و توجه به چهار هدف راهبردی زیر شامل:

- متحد ساختن داوطلبان نیروهای مردمی خصوصاً دانش‌آموزان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان؛

- ایجاد خط ارتباطی بین روشنفکران و محرومان؛

- کمک به توسعه اقتصادی روستا؛

- تبلیغ فرهنگ انقلاب اسلامی در مناطق روستایی؛

همراه با اهداف ضمنی دیگر از جمله قطع نفوذ گروه‌های چپ مارکسیستی در مناطق روستایی و اشاعه پیام انقلاب میان روستاییان و کسب حمایت توده‌های روستایی را دنبال کرد. (پایگاه رسمی سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، ۲۰۱۵)

از این رو، نهادسازی «همه باهم جهادسازندگی» در فرمان خرداد ماه سال ۱۳۵۸ امام خمینی(ره) در آن برهه زمانی امری اساسی، هوشمندانه و تاریخ‌ساز بود. در این رابطه حضرت امام چنین فرمودند:

«ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که به‌حمدالله مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند... خائنین رفتند، و اگر تتمه‌ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابی‌ها زیاد است؛ ما باید به همت ملت آن خرابی‌ها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی، برای این که ترمیم کنیم این خرابی‌ها را که در طول مدت حکومت جائز پهلوی در مملکت ما حاصل شده است و به حمدا... ملت ما راجع به سازندگی... مهیا بودن خودشان را اعلام کرده‌اند. دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسی‌ن و بازاریان، کشاورزان، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به‌طور مخروبه به‌دست ما آمده است، بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهادسازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به "جهادسازندگی" که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسی‌ن، شهری و دهاتی، همه باهم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند. البته آنجایی که... می‌گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، آسفالت نداریم، بهداشتی نداریم؛ و همه هم صحیح می‌گویند. بنابر این بوده است که این‌طور ایران را خراب کنند... {جهادسازندگی} تحت نظر کارشناس، مامورین دولت کارها را انجام بدهند، و روحانیونی که در همه جای بلاد به حمدا... هستند، در این امر آنها هم تشریک مساعی کنند، نظارت کنند... خداوند به همه شما اجر عنایت می‌کند، و همان ثوابی را که شما از زیارت‌ها می‌خواهید، خداوند به شما در این جهاد خواهد داد». (امام خمینی: ۱۳۵۸)

## ۲- جهادسازندگی آمل (سال‌های ۶۱-۱۳۵۹)

از روحانیون شاخص منطقه که در شکل‌گیری و ارائه طریق نهاد جهاد سازندگی اثرگذار بودند می‌توان از حضرت علامه جوادی آملی یاد کرد که با رهنمودهای خود، نقش ویژه‌ای در تشکیل جهادسازندگی شهرستان آمل (و محمودآباد) داشتند. برخی چهره‌های انقلابی از روحانیون جوان و انجمن اسلامی معلمان در رابطه با تشکیل جهاد، پرتلاش ظاهر شدند. حضور دانشجویان تازه کار ولی پرشور و خط‌امامی برای پیشبرد امور جهادسازندگی در همه ابعاد و فعالیت‌های گسترده این نهاد موثر بود. همکاری و جذب نیروهای کارآمد و مامور از ادارات به‌ویژه آموزش و پرورش کانون توجه قرار گرفت. پس از یک‌سال و اندی از آغاز فعالیت جهادسازندگی در شهرستان



آمل، حاج علی اوسط محمدی<sup>۱</sup> چهره فرهنگی و درد آشنای نظام و انقلاب اسلامی بنا به ضرورت سازماندهی جدید و فعال سازی جهاد آمل به این جمع پیوستند. نیروهای دیگر و دانشجویانی هم که از همان سال‌های اول اضافه شده بودند، همیشه پای کار بودند.

آموزه‌های دینی همراه با سلامت فکری و مالی، پختگی و کارآمدی حاج علی اوسط در جهاد و خدمت، برای دیگران الگویی مردمی و مدیریتی در خدمت جهادی بود. او اهل مطالعه و تدبیر بود؛ نکته سنج، حسابگر و خلاق و مدیر، باعشق و شور انقلابی، عنصری فعال و پایبند به ارزش‌ها بود، او فهم و درکی عالی برای تجزیه و تحلیل مسایل و آرایه راهکارهای بهینه داشت. الگوی «همه با هم جهادسازندگی» را در آمل بنیان گذاشت. این تلاش‌ها با هم فکری و کمک سایر جهادگران مخلص، به بار نشست. می‌توان گفت تلاش‌های صادقانه و غیر قابل وصف جهادگرانی نظیر حاج علی اوسط‌ها، توانست به چهره‌ی کریه فقر مطلق و محرومیت به‌جا مانده از گذشته در سطح روستاهای کشور (و اطراف جنگل شمال) تغییر داده و با شرایط مطلوب نزدیک و مردم را امیدوار کند. جهادسازندگی توانست بر محور جلب مشارکت عامه مردم در سازندگی و نظام اجتماعی روستاها، تامین امنیت پایدار را با اقدامات ایجابی و سلبی فراهم کند.

فعالیت جهادسازندگی آمل با تلاش خستگی‌ناپذیر و نظم مثال‌زدنی در اغلب امور، فرهنگی و اجتماعی، و تولیدی (اقدامی ایجابی) تا پشتیبانی جنگ و کمک به امنیت مناطق (اقدامی سلبی) نقش فعال و پررنگی داشت. فعالیت گسترده هشتاد نیروی مجرب و تحصیل کرده در امور کشاورزی، دامپروری، امور جنگل و مراتع، کمک به واگذاری زمین، داشتن فعالیت معدنی و صنایع دستی، خانه‌سازی و فقرزدایی، تقریباً کلیه‌ی خدمات روستایی نظیر بهداشت و درمان، سوادآموزی، امور فرهنگی و اجتماعی، همچنین خدمات زیربنایی نظیر پل‌سازی، راه‌سازی، احداث حمام عمومی و

---

<sup>۱</sup> حاج علی اوسط محمدی، شهید شاخص فرهنگی و جهادگری نستوه؛ از اواخر سال ۱۳۵۹ لغایت ۱۳۶۳ مدیر داخلی و عضو موثر شورای مرکزی و مسئول پشتیبانی جنگ جهادسازندگی شهرستان آمل (و محمودآباد) بود. او با سابقه مبارزاتی گسترده با دوران ستم‌شاهی پهلوی و همچنین مقابله با گروهک‌های سیاسی و جریان‌های الحادی کمونیست در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همچنین در جریان جنگ آمل حضوری پر رنگ داشت. به واسطه همکاری نزدیک ایشان با فرماندهان سپاه و کمیته زمینه کمک‌های مردمی و لجستیکی فراهم شد. حاج‌علی اوسط پس از چند بار اعزام به جبهه در نهایت در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ در سه راه مرگ کارخانه‌ی نمک منطقه عملیاتی فاو (والفجر) به فیض شهادت نایل شد.

حمام ضدکنه دام، آبرسانی و حتی نهضت سوادآموزی و مدرسه‌سازی و غیره‌ی در مناطق روستایی از جمله اطراف جنگل شهرستان را با مشارکت عامه‌ی مردم برعهده داشت.

جهادسازندگی آمل به جهت تامین بودجه عمرانی و خدماتی نیز خودکفا بود؛ با داشتن چند واحد کارگاه تولیدی شن و ماسه، بلوک‌زنی، سه باب استخراج معادن یا فرآوری مواد معدنی و هم‌چنین بهره‌برداری از طرح جنگل (محل اختفای اتحادیه کمونیست‌ها) از شرایط ممتازی در بین شهرستان‌های مازندران (و گلستان فعلی) از فعالیت‌های متنوع ایجابی برخوردار بود. در امور سلبی نظیر مهندسی رزمی و پشتیبانی مناطق جنگی، کمک به امور امنیتی و مبارزه با گروهک‌های منافقین و کمونیست‌ها نیز با جلب مشارکت مردمی نقش اطلاعاتی و پشتیبانی فعالی داشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نهادهای مردمی زیادی شکل گرفته‌اند. در این میان، دو نهاد سپاه و جهادسازندگی آمل نقش مهم و تاثیرگذار داشته، مکمل هم بودند؛ اغلب وظایف کلیدی و مدیریت امور فرهنگی، اجتماعی و امنیتی جامعه را به‌گونه‌ای هماهنگ برعهده داشتند. در آمل تشکیل و هدایت عناصر زیر مجموعه‌ی اتحادیه انجمن‌های اسلامی محلات شهر و روستای شهرستان و پیگیری کار مردم از طریق شبکه‌ی اجتماعی مذکور بر عهده این دو نهاد تازه تاسیس انقلاب اسلامی بود. در حماسه مقاومت اسلامی سال ۱۳۶۰ مردم آمل، جهادسازندگی نیز همپای سپاه و سایر نیروهای نظامی و انتظامی نقش فعال داشت. پشتیبانی همه‌جانبه از رزمندگان (و مهندسی رزمی مناطق جنگی) با ارتباطات گسترده مردمی و بسیج مایحتاج و منابع مالی و انسانی به مناطق جنگی و در مورد، مسائل پیشامده، امور اطلاعاتی و امنیتی و لجستیکی مناطق شهری، روستایی و جنگل آمل همکاری نزدیک داشت.

در مصاحبه جهادگران حاج‌علی شعبانزاده و دیگران از آن دوران چنین آمده که:

نهادهای در رفع مشکلات مردم پیش‌قدم بودند؛ دهه اول انقلاب، جبران عمده خلاءهای نظام اداری و محلی بر عهده جهاد و سپاه بود. مردم حتی برای رفع اختلافات خانواده‌گی و محلی به نهادها مراجعه می‌کردند. ماشین جهادسازندگی به هر جایی می‌رفت، مردم می‌گفتند ماشین امام خمینی آمد. مردم اعتماد عجیبی به سپاه و جهاد، این دو بال انقلاب داشتند. برای حل مشکلات مناطق روستایی، از جمله ارائه خدمات دامداری و آموزش استفاده صحیح از مراتع و چرای اصولی دام، به روستاها رفته، همواره با حجم عظیم شکایات و اعتراضات مردم مواجه بودیم. اما با نشان دادن ابلاغ جهاد سازندگی و صحبت کردن ما، غائله‌ی درگیری بین اهالی پایان

می‌یافت؛ مردم از ما تشکر می‌کردند که مسئله به موقع و کارشناسانه حل و فصل می‌شد. بارها تشکر فرماندهان کمیته انقلاب اسلامی و عوامل پاسگاه ژاندارمری از همکاران جهادی را داشتیم. (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

مردم به جهادسازندگی اعتماد کافی داشته، همه گونه همکاری و همراهی در امور فرهنگی، اجتماعی، آبادانی و امنیتی با جهاد داشتند. این مردم‌داری، صداقت و احساسات پاک، مسئولیت و خدمتگزاری و گوش به فرمان بودن نیروها در تشکیلات جهادسازندگی، خدمات گسترده و بدون منتی را به مردم محروم کشور به ویژه روستاها فراهم کرد. پشتیبانی گوناگون در مناطق درگیری یا (مناطق) آلوده به حضور دشمن در کنار عوامل نظامی و انتظامی و سپاه کارسازی برای آن دوران سخت بود. در واقع، همه با هم الگویی جهادی برای نظام اداری کشور و پرورش نیروهای انسانی کارآمد متخصص، متعهد و مردمی نیاز روز جامعه در حال گذر آن زمان زبانزد خاص و عام بود. (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲)

برادران پاسدار نیز از آن دوران می‌گویند: مراودات بین بچه های سپاه، کمیته و جهاد خیلی صمیمی و همکاری نزدیک بین آنها بود، (شعبانی، ۱۳۹۴:۱۶۶) گزارش سردار ناصر شعبانی (محمد شعبانی) فرمانده سابق سپاه آمل و حاج محمد رنجبر فرمانده طرح جنگل آمل و دیگران، هم می‌تواند مهر تاییدی بر مدیریت موفق جهادی، و همکاری نزدیک بین جهاد و سپاه در جریان جنگل و حماسه مقاومت اسلامی مردم آمل در سال ۱۳۶۰ باشد.

مدرسه سازی، احداث راه و پل و سیل‌بند، تامین آب شرب و تاسیسات عمومی (بهداشتی)، خانه‌سازی اوائل انقلاب و دهها طرح و فعالیت دیگر با زمینه فرهنگی، زیربنایی و اقتصادی از سوی جهادسازندگی در روستاها به‌ویژه اطراف جنگل آمل نشانه‌ی فعالیت‌های ارزشمند ایجابی و عمق نفوذ جهادگران در دل مردم منطقه و جلب رضایت آنان در شرایط فقر و محرومیت بجا مانده از دوران ستم‌شاهی بود.

### ۳- پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی رگه‌هایی از نفوذ عوامل ضدانقلاب در درون جنگل دیده می‌شد. با نهادسازی و انسجام بیشتر ارکان نظام جمهوری اسلامی، گزارش‌های مردمی حاکی از حضور بیشتر عوامل گروهک‌های سیاسی (طیف منافق، معاند و محارب) بصورت موردی در دل جنگل داشت؛ تا اینکه اواخر تابستان ۱۳۶۰ گزارش

شبکه اطلاعات مردمی جهاد از روستاها و عوامل مرتبط داخل جنگل، از استقرار مشکوک آنان بیشتر و بیشتر شد.

خدمات دو عنصر خدوم و جان‌برکف: علی‌اوسط محمدی (شهید) از جهادسازندگی<sup>۱</sup> و حاج محمد رنجبر (جانباز شهید) فرمانده طرح جنگل سپاه آمل - با هماهنگی اولیه و تاکید آنان مبنی بر ضرورت همکاری همه جانبه‌ی لجستیکی و اطلاعاتی دو نهاد، قدم‌های استواری برداشته شد. برای شناسایی افراد مسلح در داخل جنگل؛ فعالیت‌های آغازین با ایجاد شبکه‌ی اجتماعی رابطین جنگل پایه‌گذاری، و سمت و سو یافت. آن زمان جهاد علاوه بر مجری سازندگی و آبادانی روستاها و مناطق محروم، وظایفی نظیر مدیریت بهره‌برداری از واحدهای تولیدی مختلف: معدن و کارخانه‌ی گچ رزن در کیلومتر ۴۸ آمل بلده، نظارت بر تولید و همین‌طور توزیع آهک هردورود در کیلومتر ۴۴ آمل بلده، معدن ذغال‌سنگ کرسنگ در جاده هراز - کیلومتر ۲۰ آمل (ارتفاعات پشت مجتمع خدماتی و رفاهی نازنجستان فعلی) و به ویژه طرح بهره‌برداری از جنگل غرب هراز با مرکزیت ایستگاه محمدآباد جاده هراز کیلومتر ۱۳ آمل را همانند دژی اطلاعاتی دور جنگل در اختیار داشت. این دسته از رابطین به عنوان افراد مطلع و خبره محلی در اغلب اطلاعات عملیات جنگل آمل تا حضور برخی در آخرین عملیات جنگل شمیم‌کوه (۱۲ اسفند ۱۳۶۱) نقش مطلع، راهنما یا رزمنده داشتند. (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲)

از این‌رو، کارگران و مالداران شریف، و قرق‌بانان سخت‌کوش طرح‌های بهره‌برداری جنگل و کارگران شریف معادن، با کمک گسترده شبکه‌ای از عوامل مردمی و روستایی چند آبادی محروم اطراف (جنگل)، جهادسازندگی آمل را در جهت همکاری اطلاعاتی - لجستیکی یاری می‌دادند. از طرف دیگر، قبل از تشکیل و فعال شدن پایگاه‌های مقاومت بسیج، سازماندهی و هدایت اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی شهر و روستا نیز با جهاد و سپاه بود. با وجود آن‌که تعداد نیروهای عضو جهادسازندگی

<sup>۱</sup> حساسیت، مجاهدت و فداکاری حاج‌علی‌اوسط در قبل و بعد پیروزی انقلاب اسلامی (قبل از سال ۱۳۶۰) هم زبان‌زد انقلابیون شهرستان آمل بود. او از زمان عضویت حزب جمهوری اسلامی و هدایت انجمن اسلامی نوپای معلمان آمل و همچنین همکاری با نهادها و ارگان‌های مختلف با توطئه‌ها و اغتشاشات بی‌شمار گروهک‌های سیاسی ضدانقلاب در سطح شهر، روستاها، کارخانجات و معادن بزرگ آمل به جهات تحریک، نفوذ و خرابکاری (از جمله تعطیلی کشاندن واحدهای تولیدی و دسترسی به مواد منفجره معادن) مطلع و مبارزی هوشمند و فعال بود. حضور ایشان در جهادسازندگی و آن برهه از انقلاب اسلامی در ارایه‌ی الگوی مدیریت جهادی در شرایط جولان گروه‌های محارب نیز موثر افتاد.

شهرستان آمل (و محمودآباد) زیاد نبود؛ در شرایط خاص زمانی با حجم محرومیت بالا و بجا مانده از چهارصد روستای منطقه (از دوران رژیم ستم‌شاهی)، کار گسترده خدمات جهادی و رفع محرومیت مناطق، همراه با تلاش شبانه‌روزی امنیتی اعضای آن قابل تامل و بررسی بیشتر است.

در این شرایط حساس، هوشمندان عمل‌شد، جهادگران آمل با مدیریت حاج علی اوسط، ضریب هوشیاری‌شان را در کلیه‌ی سطوح مدیریتی بیشتر نمودند. آنان در تامین امنیت مردم چه به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش بازی می‌کردند و حتی مسلح شدند. بدین ترتیب با اعمال کشیک (مسلح) شبانه، علاوه بر کار و تلاش روزانه همکاران (و جدا از نگرانی معمول حفاظت فیزیکی)، در حفظ و حراست از مردم محلات شهر و روستا، نیروها و اموال منقول و غیرمنقول نهاد جهادسازندگی آمل تشکیلاتی و فعال‌تر عمل کردند. در این بین به طور متناوب علاوه بر کار طاقت‌فرسا (و دیروقت) روزانه، هر شب ۸ تا ۱۰ نفر در نقش نیروهای مسلح فعال بودند؛ سپس با انگیزه بالا، بدون استراحت کافی، روز بعد به کار و خدمت جهادی خود مشغول می‌شدند. (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲)

علاوه بر این، گزارش نیروی اطلاعاتی مردمی از روستاهای اطراف جنگل، با کار منظم و هدفمند شناسایی در وسعت ده‌ها هزار هکتار از اراضی جنگلی غرب رودخانه هراز هرشب گردآوری، دسته‌بندی و در اختیار واحد اطلاعات عملیات طرح جنگل سپاه آمل قرار می‌گرفت. ماشین آلات و امکانات جهاد، وقت و بی‌وقت، به صورت شبانه‌روزی (با اشاره‌ی برادران سپاه) به گشت‌زنی و ماموریت‌های مرتبط با کسب اطلاعات مردمی می‌پرداختند. قبل از هجده آبان ۱۳۶۰، دیده‌بانی و کسب اطلاعات مربوط، به جهت پنهانکاری و نفاق کمونیست‌ها - در مواردی حتی داخل چادر دشمن با ارزش تلقی می‌شد. در دیده‌بانی از مقرهای دشمن در نواحی جنگلی بالای روستای عالی‌کیاسلطان (بخش امام‌زاده عبدالله)، محدوده بیضی شکل قلّه منگلم تا حاشیه‌ی رودخانه آلیشی‌رود، در کمال موفقیت و از فاصله‌ی نزدیک انجام شد. (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲)

راهنمایان محلی جهادی به اتفاق فرماندهان سپاهی، با خودرویی از نوع استفاده محلی - نیسان جهاد - عازم جاده‌ی فرعی روستای جنگلی شدند. پس از رسیدن به روبروی قلّه منگلم توقف کرده و مشغول دیدبانی با دوربین بودند. یک نیروی جهادی نیز با بالا زدن کابوت ماشین، خود را به ظاهر مشغول تعمیر خرابی ماشین نشان می‌داد. در برخی موارد موتورسواران وابسته به دشمن به صورت مشکوک از کنار

خودرو رد شده، برجستگی سلاح کلاشینکف از پشت اورکت قابل تشخیص بود. با این وصف، نیروی جهادی به کار نمایشی (تعمیر ماشین) ادامه داده تا مورد ظن نیروهای مسلح جنگلی واقع نشوند. این صحنه‌سازی‌های نمایشی و حرفه‌ای، کارساز بود.

با این وصف، پنهان‌کاری شدید دشمن موجب شد، آمادگی‌ها، سلاح و تجهیزات اقدام مسلحانه آنان تا ۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰، از چشم دیگران مخفی بماند. این خود مزید بر علت بود تا اوضاع با ظاهری عادی برای اتحادیه کمونیست‌ها و هم‌رزمندگان اسلام، بدون تنش و درگیری نظامی به آرامی پیش رود. این نوع همکاری‌های عوامل جهادسازندگی، در شناسایی استقرار اولیه‌ی اتحادیه کمونیست‌ها در شناسایی سه کمپ اقامتی بالای قلّه مَنگلم (چادرهای فرماندهی)، چادرهای میانی (رزمی پشتیبانی) و چادرهای حاشیه‌ی رودخانه آلیشروود (رزمی نگهبانی) موثر بود. (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲)

کل نیروهای دشمن در جنگل غرب رودخانه هراز، در ابتدا و به تدریج تا ۲۰۰ نفر هم رسید (محمدی‌فر، ۱۳۹۵: ۶۰). که، برای طرح اول شبیخون به شهر آمل در ۱۸ آبان آماده می‌شدند. عوامل مردمی شبکه‌ی اطلاعاتی جنگل و روستاهای اطراف، اطلاعات را روزانه از طریق سرگروه‌های دامدار و روستاییان، قرق‌بانان و کارگران معادن، به سمع و حضور نمایندگان جهاد و اطلاعات عملیات سپاه می‌رساندند. اطلاعات مردمی افرادی بنام مرحوم دایی قربان، غفاری، رضانی و دیگران در پیشگیری بموقع وقوع حوادث ناگوار شبیخونی مسلحانه با دامنه و تلفات زیاد انسانی ضمن ناکامی طرح اول حمله به شهر آمل موثر بود (مرکز اسناد ستاد حماسه مردمی آمل، ۱۴۰۲).

در زمان اقدامات ایذایی هفده آذرماه ۱۳۶۰ کمونیست‌های مسلح علیه رزمندگان پایگاه جنگلی مستقر بر ارتفاعات روستای رزکه، «نیروهای دشمن که حدود ۵۰ نفر می‌شوند از شب قبل در مسجد {حسینیه} روستای رزکه مستقر شده بودند. آخرین شناسایی‌ها صبح زود روز هفده آذر صورت گرفت. خود کاک اسماعیل فرماندهی عملیات را به عهده گرفت: هنگام محاصره پایگاه رزکه با دو قاطر سوار مواجه شدیم. ابتدا فکر کردیم که از اهالی روستا هستند اما از عوامل دشمن بودند و سریعاً از دست ما فرار کردند. رفیق فریدون سراج که آرپی‌جی‌زن ماهری بود با گلوله آرپی‌جی، چادر اسلحه‌خانه‌ی پایگاه را مورد هدف قرار داد و آن را به آتش کشید. اولش پاسداران وحشت زده به این طرف آن طرف می‌دویدند پس از اینکه به خود آمدند، دست به مقاومت زدند. به غیر از تک تیرهای پراکنده هر از چند گاهی صدایی از آنها در نمی‌آمد. پس از یک ساعت و نیم نبرد، کاک اسماعیل به گروه امین اسدی فرمان پیشروی داد

برای تصرف پایگاه؛ اما زمان زیادی نگذشته بود که فرمان را لغو کرد.» (پرنده نو پرواز، ۱۳۸۳: ۷۴) در این ایام کمونیست‌های مدعی طرفداری از خلق با تهدید و ارباب شبانه‌ی کارگران و مالداران مستضعف و پیمانکاری طرح بهره‌برداری از جنگل محمدآباد (با مدیریت جهادسازندگی) آمل، ذخیره آذوقه‌ی آنان را به سرقت بردند. سرقت اموال مردم در راهبندان بیست آذر ماه جاده هراز و دستبرد به خانه‌های روستاهای ییلاقی و خالی از سکنه هم به آن اضافه می‌شود.

آن زمان، همکاران جهاد در سطح روستاها سخنرانی می‌کردند. آنها شاهد فعالیت خالصانه‌ی حاج علی اوسط در ابعاد فرهنگی تبلیغی بودند. در روستای کاسمده هنگام سخنرانی، خیلی تاکید داشت «بلندگوها را به سمت جنگل بگیرید تا افراد مسلح ضد انقلاب بفهمند، کاری که ما می‌کنیم، براساس مکتب‌مان بصورت آگاهانه و خدایی می‌باشد». شجاعت و نترسی او را در آنجا مشاهده کردم. قصد داشت همگان بفهمند و بشنوند ما مرد مقاومت و شجاعت هستیم و هیچ‌گاه از دفاع از کیان اسلامی و ایران عزیزمان یک لحظه غفلت نمی‌کنیم ( مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

بکارگیری راهبردهای متضاد و اقدامات مخالف با شعارها و بیانیه‌های خلقی دشمن از یک‌طرف؛ و همچنین اقدامات ایجابی جهادسازندگی همراه با اقدامات سلبی ایجاد شبکه اطلاعاتی امنیتی مردمی (جهاد و سپاه)؛ چند درگیری قبل و بعد محاصره جنگل و برقراری گشت‌های جاده‌ای، تعقیب و گریز و ناامن کردن جنگل از سوی رزمندگان اسلام از طرف دیگر، موجب ریزش نیمی از نیروهای کمونیست در جنگل آمل تا شبیخون ششم بهمن ۱۳۶۰ و بالاخره شکست سنگین کمونیست‌ها در آمل شد.

#### ۴- سایر اقدامات جهاد در حماسه آمل

طرح دوم کمونیست‌ها با توان کمتر- یک‌صد نیرو (محمدی‌فر، مهدی: ۵۴، ۱۳۹۵) با حماسه‌ی مردمی ششم بهمن ۱۳۶۰ گره خورد. در همان دقایق اولیه‌ی حمله‌ی شبانه به شهر، پنج نفر از نیروهای جهادسازندگی (نام‌شان محفوظ است) حسب در خواست تلفنی فرمانده وقت سپاه از مدیران (جهاد سازندگی) با دو خودرو و از دو مسیر شرقی و غربی موقعیت ساختمان جهاد آمل در بلوار هراز (آفتاب ۲۶) به مقر سپاه مراجعه داشتند. دو تن از این جهادگران پس از مسلح شدن با یک خودروی جهاد برای تقویت

حفاظت از مخاربات مرکز شهر - نزدیک به کانون تجمع و درگیری اطراف بسیج و فرمانداری عازم سبزه میدان شدند.

سه نفر از جهادگران با نظر حاج محمد رنجبر فرمانده طرح جنگل آمل طی دو مرحله مامور شناسایی موقعیت و تعداد کمونیست‌های مسلح در نیش ده متری اول (فجر ۱/۷ - محل شهادت حسین ملک شاهدخت) یک ضلع از محاصره مقرر سپاه شدند. بار اول یک نیروی جهادی پیاده رفت که ضمن بازجویی از او، به اسارت دشمن در آمد. بار دوم دو نیروی دیگر جهادی با خودرو به دل دشمن زدند. این دو نفر پس از دستگیری، بازجویی و بازرسی بدنی و محموله داخل خودرو به اسارت درآمده و به کوچه آفتاب دو منتقل شدند. در این بین پاس‌بخش آن شب جهاد در فرصت مناسب از مسیر فجر ۷ (قبل از شهادت صادق مهدوی) از دست یک مسلح همراه و نزد افراد مسلح دیگر - از حلقه‌ی محاصره‌ی ضلع جنوبی سپاه فرار و به صورت زیگزال از آتش رگبار کمونیست‌ها نجات یافت.

او بعد از ده دقیقه خود را به بلوار شیخ فضل‌الله نوری (جاده نور) به مقرر سپاه رساند. از شلیک سرهنگ رودی نگهبان سپاه هم جان سالم برد. نامبرده تا صبح در کنار مرحوم شعبانی فرمانده وقت سپاه به وظیفه‌ی پاسخگویی (رفع و رجوع) تلفن‌ها مشغول شد. اطلاعات او در آن شرایط محاصره حلقه‌ی بلوک جنوبی مفید واقع گردید. یک عملیات امدادی پاسداران در حلقه‌ی بلوک شمالی مقرر سپاه برای نجات جان یک زخمی (شهیدمجید قلیچ در فجر ۴) صورت گرفت.

بنابراین، از دو حلقه بلوک شمال و جنوبی محاصره مقرر سپاه، اطلاعات مربوط کامل شد. مجموع این اطلاعات، سبب یک عملیات نظامی محدود دیگر سپاه با حضور حاج محمد رنجبر شد که از پشت ساختمان روبرو (نیش فجر ۷) حلقه‌ی محاصره شکسته شد. حضور قبلی گروهی از پاسداران بالای ساختمان ضلع غربی سپاه هم در شکستن حصر یکی از نقاط حساس بلوار شیخ فضل‌الله نوری (فعلی) موثر بود. با توجه به عدم موفقیت دشمن در تسخیر اماکن نظامی و انتظامی آن شب (به ویژه سپاه) سبب شد، عوامل مسلح از ساعت دو نیمه شب ششم بهمن، از اطراف سپاه متفرق شوند.

در این روز، شهادت یکی از نیروهای جهادی به‌نام احسان طاهری (دانشجو)، مهر تاییدی دیگر بر افتخارات گوناگون نهاد مردمی جهادسازندگی آمل بود. شهید طاهری همانند سایر جهادگران علاوه بر کار سازندگی و کشیک شبانه مقرر جهاد، در فعالیت مردمی پایگاه انجمن اسلامی سجادیه (شهر) و گشت شبانه محله‌ی خود حضور فعالی داشت. او در اواخر شب ششم بهمن هنگام انجام وظیفه و کمک به ارگان‌های نظامی و



انتظامی شهر مورد اصابت تیر مستقیم گروهک طیف محارب جنگلی قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستانی در تهران، در تاریخ ۱۲ بهمن به فیض شهادت نائل گشت... دشمن در حمله به شهر آمل، دو- سوم نیروهایش را از دست داد ( مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

حاج علی اوسط محمدی (شهید) نیز شبانگاه ششم بهمن با تماس‌های تلفنی با فرماندهان و مقامات شهرستان ایفای نقش کرد. حسب تصمیمات فرماندهان نظامی، نیروهای بخش شرقی و آرام شهر مانع ورود جمعیت به مرکز شهر می‌شدند گزارش‌های موجود هم حاکی است که ایشان از منزلش از منطقه مذکور در ابتدای بلوار امام رضا(ع) به کمیته انقلاب اسلامی آمد، زمان حمله مسلحانه جنگلی‌ها و اشغال بخش مرکزی شهر در طول شب که پل ارتباط شرق و غرب شهر آمل مسدود بود؛ حاج علی اوسط اول صبح ششم بهمن سال ۱۳۶۰ با حضور خود در جوار پل بزرگ شهر- داخل کیسه شن می‌ریخت. او کیسه سنگین شن را به دوش خود می‌کشید تا در سنگرسازی کمک کند. همه کمک می‌کردند. مبارزه مردم بیشتر به صورت پشتیبانی و کمک‌های امدادی بود، ولی او خیلی متفاوت عمل می‌نمود، خودجوش بود و همواره آرزویش شهادت بود ( مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

یکی از فرهنگیان شهر گفت: منزلم جوار کمیته انقلاب اسلامی، ابتدای خیابان امام رضا (ع) در منطقه شرقی و تقریباً بدور از صحنه درگیری بود. با این حال، زمان شبیخون مهاجمان مسلح به شهر آمل حدود ساعت ۲۳ تا ۲۴ شب برای گرفتن اسلحه، حفظ و حراست شهر به کمیته مراجعه کردم. حاج علی اوسط به کمیته ا.ا. آمل آمد و بنا به نظر او مرا به عنوان مسئول جوابگویی تلفن‌های کمیته نمودند. من تا ظهر روز آن روز مشغول جوابگویی و رفع و رجوع تلفن‌ها بودم. اطلاعات مربوط را به مسئول وقت کمیته انتقال می‌دادم. حتی دو تا از جنازه‌های دشمن را به کمیته آوردند، خودم مشاهده کردم. بعد از چند ساعت سرکوبی مهاجمان و فرار عده معدودی از دشمن به باغات جنوبی شهر، بعد از ظهر علی اوسط را دوباره دیدم؛ به او گفتم، شما که دید کافی ندارید، در درگیری شرکت نکنید. گفت: ولش! من باید دمار از منافقین جنگلی در بیاورم.

یکی از نیروهای جهادی روایت دارد که، قبل از ظهر روز ششم بهمن او را در جهاد دیدم، متن اعلامیه دادگاه انقلاب اسلامی آمل را با کمک او گرفتم تا با خوروی بلندگودار، خطاب به اهالی سطح شهر اطلاع‌رسانی کنیم که کمونیست‌ها مسلح در

حال فرار هستند، هر جا آنها را دیدند به نیروهای نظامی گزارش دهند. ( مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

یکی از همکاران فرهنگی حاج علی اوسط گفت: حاج علی اوسط در واقع رئیس جهادسازندگی و مسئول پشتیبانی جنگ بود. بنده هم در منصب فرد مسئول خدمات اداره آموزش و پرورش با هماهنگی با جهاد، کمک‌های مردمی برای جبهه و جنگ جمع‌آوری و ارسال می‌کردیم. اختصاص خودرو جهت انتقال مجروحین واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ بنا به تاکید او انجام گرفت". ( مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

نقش جهاد در جریان جنگل و حماسه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل بی بدیل است. به جهت حساسیت جریانات سال ۱۳۶۰ کشور و جنگل آمل، در محل کار ستادی‌مان در بلوار امام خمینی ره، آفتاب ۲۶، همه جهادگران، شب‌ها دوره‌ای نگهبانی می‌دادید. یکی دیگر از جهادگران گفت: حدود هفت صبح از منزل خارج شدم. در حال آمدن به جهادسازندگی واقع در خیابان هراز (بلوار امام)، یکی دو نیروی مسلح را در مرکز شهر، ضلع غربی ساختمان فرمانداری و بسیج، (محل ورودی بازار چهار سو روبروی پل) دیدم؛ آنان جنگلی بودند. سریع به محله خودمان (چاکسر) برگشتم. آن وقت صبح به انجمن اسلامی مسجد مسلم بن عقیل رفتم. مجدداً به اتفاق بابایی با موتورسیکلت از مسیر بازار و مسجد جامع به خیابان مهدیه مراجعه داشتیم. ساعت هشت صبح روز ششم بهمن بود. از جنگلی‌ها خبری در محل قبلی نبود... بابایی تنها با موتورسیکلت از خیابان شرقی شهرداری به سمت ساختمان بسیج رفت. با فاصله صد متر از ما تیر مستقیم به او خورد. ما همانجا، ورودی چهارسو با کمک اصغر بابایی و مردم مشغول ساختن سنگر شدیم. ( مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

دیگری چنین روایت کرد: "قبل از آمدنم به جهاد آمل، به‌عنوان نیروی بسیجی در دفتر نمایندگی امام خمینی «ره» در مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور، روحانیت اهل سنت کرد را تحت پوشش داشتیم... در سال ۱۳۵۹ و در اوج بحران‌ها و اغتشاشات داخلی، روحانیت اهل سنت کردستان، اکثریت آنها تابع محض حکومت و در خدمت دولت و نظام بودند ... به‌یاد دارم گروهک اتحادیه کمونیستهای ایران نیز در کنار کومله و دمکرات‌ها در کردستان فعال بود، ولی کاری از پیش نبرد، به تهران آمدند. در غایله چهارده اسفند ۱۳۵۹ دانشگاه تهران با جریان منحرف بنی‌صدر و سایر گروهک‌های ضدانقلاب همراهی داشتند... و چون با عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری

در سی و یک خرداد ۱۳۶۰، تهران برای شان نا امن شد به جنگل های آمل پناه آوردند. مردم جان برکف آمل با غیرت دینی بالا در مقابل شبیخون افراد مسلح کمونیست، آتش به اختیار عمل نموده و شکست تاریخی بر آنان تحمیل کردند. راوی تاکید داشت: نقش نهاد مردمی جهادسازندگی زمان مدیریت حاج علی اوسط در حماسه اسلامی ششم بهمن، نیاز به بررسی گسترده و عمیق دارد. " (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، ۱۴۰۲)

#### ۵- جمع بندی و نتیجه گیری:

نهاد جهادسازندگی آمل در زمینه ارایه‌ی «خدمات سازندگی و محرومیت‌زدایی» با راهبردهای «اقتصاد مقاومتی» و «مشارکت مردم»، کمک به رزمندگان و امنیت مناطق و (به‌ویژه) مقابله با جریان جنگل شمال کشور (آمل) به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بالنده و تاثیرگذار عمل کرد. جهادگران آملی، براساس این منش اجتماعی سیاسی، در پیشرفت و تعالی جامعه انسانی، ضمن برقراری قسط و عدل، خود امنیت‌ساز بودند. آنان اقدامات ایجابی و سلبی را با شعار خلقی (همه با هم) و با مشارکت مردم، هدفمند به جلو بردند. اما در جهت مقابل آن، عده‌ای که با نگاه الحادی و اعتقاد به افیون بودن دین در جامعه، به استقلال کشور، حقوق اساسی و آرای مردم خدشه وارد می‌کردند، با مشی تبلیغاتی مخرب، هجمه روانی و جنگ ترکیبی همراه و همسو با استکبار جهانی وارد کارزار با اسلام و مردم شدند. از این‌رو، جهادگران نیز همپای مردم و در جهت حفظ منافع ملی و تحکیم ارزش‌های حاکم بر جامعه، در مقابله با جریان‌ات انحرافی، ناگزیر به دفاع بودند. در حالی که جهاد به عنوان یک نهاد خودجوش از بین مردم ایشارگر بوجود آمد و با عمیق‌تر شدن ریشه‌های انقلاب، این نهاد مانند نهادهای دیگر (کمیته و سپاه) دارای ارزش اجتماعی بالایی شد. چرا که خدمات جهادی به مردم همانند پاسداری از انقلاب اسلامی با ارزش تلقی می‌شد و جهادگران در جهت وحدت و سربلندی ایران تلاشی کارا و موثر داشتند.

این نوشتار زمینه‌ی بخشی از تاثیر کیفی نقش جهادسازندگی به عنوان نهادی با ارزش که با اندیشه‌ها و هدایت ولی‌امر مسلمین تاسیس شده را تبیین نمود. جهادگران در حماسه‌سازی مقاومت اسلامی سال ۱۳۶۰ مردم آمل در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی نیز پشتوانه‌ای مهمی برای رزمندگان (همانند و همسوی پیشبرد امور غائله کردستان) بودند که برای بار اول پرده‌برداری و یاد می‌کنند؛ تا حق

مطلب در رابطه با این نهاد مردمی و الگوی مدیریت جهادی، به‌ویژه نقش جهادگران این خطه و تبیین حماسه عظیم مردمی در وقایع آمل تا حدودی ادا شود.

جهادسازندگی از منظر اقدامات مستقیم یا پیشگیرانه‌ی (ایجابی) سازندگی در مناطق محروم و روستایی از یک سوء و اقدامات غیرمستقیم و کمکی (سلبی) به تامین امنیت جان و مال مردم در کنار نیروهای نظامی و انتظامی آن سال‌ها از طرق امور سازمانی و غیرسازمانی (مردمی) بی‌بدیل عمل کرد. دلدادگی و تعهد انقلابی نیروهای جهادی (و مردمی) سبب سرعت بخشیدن به آبادانی و رونق اقتصاد روستایی و محرومیت زدایی از استضعاف تاریخی مردم منطقه از شعار تا عمل شد. در جهت تثبیت انقلاب اسلامی و همچنین حفظ نظام (جمهوری اسلامی) متکی بر آرای ۹۸/۲ درصدی مردم (از هرگونه گزند و آسیب نا اهلان و نامحرمان) همواره در دستور کار جهاد و جهادگران قرار داشت. در واقع وظایف سنگین و مضاعفی برعهده جهاد آمل در جبهه شمالی (آمل) بود. آنان در وقایع شهری و روستایی و وقایع (۶۱-۱۳۶۰) جریان جنگل آمل در مقابله با پدیده ضد انقلاب (محاربین) عملکردی فراتر از تشکیلات سازمانی خود داشته و سربلند بیرون آمدند. این افتخارات مضاعف بود؛ چرا که در راستای اجرای موفق فرمان تاریخی همه با هم جهادسازندگی (بسیج همه منابع سازمانی و غیر سازمانی این نهاد مردمی در جبهه سازندگی و رفع محرومیت‌ها)، همراه حضور موفق جهادگران در اغلب صحنه‌های مقابله با جریان ضد انقلابی (منطقه جنگی آمل) مصداقی از تشکر حضرت امام از آمل و مردم فداکار آن بوده و در تاریخ ماندگار خواهد ماند.

به عنوان یک تذکر و هشدار! از یک طرف مقامات ملی و محلی باید کمک کنند تا با مردم‌داری و مشارکت هرچه بیشتر مردم، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق بیش از پیش تسریع شود. انقلاب اسلامی از این طریق است که برای همیشه محفوظ و در تمدن جهانی بالنده و سربلند خواهد ماند. از طرف دیگر همه در معرض ابتلائات بوده و آزمون‌هایی در پیش داریم. در شرایط رفاه‌زدگی و اشرافی‌گری، اسراف و تبذیر همراه با زرق و برق‌های خیره‌کننده‌ی (شرک‌آلود) دنیوی: چه از طریق خودباختگی فرهنگی و علمی؛ سوء استفاده از احزاب و سیاست‌زدگی، جایگاه حکمرانی و مقام‌پرستی‌های جوراجور؛ و چه مال‌اندوزی‌ها و (درست‌تر) مال‌پرستی‌های رنگارنگ، خود ضد روحیه جهادی و جبهه‌ی سازندگی و مقاومت اسلامی (راه شهیدان) بوده، در رابطه با امنیت پایدار، نتیجه معکوس خواهد داشت. براین اساس به نظر می‌رسد در دهه اول انقلاب نهاد جهاد سازندگی در کنار سایر نهاد های انقلابی

کارکرد مثبتی در دفاع از انقلاب اسلامی ایفا کرده است، مردمی بودن این نهاد و ارتباط معنادار آن با عالی ترین جایگاه ساختاری نظام سیاسی یعنی ولی فقیه، رمز موفقیت کارکرد این نهاد و سایر نهادهادر دفاع از انقلاب اسلامی است تا زمانیکه این رابطه بین مردم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب اسلامی در نهاد های انقلابی و ساختار نظام سیاسی برقرار باشد دشمن قادر به آسیب رسانی به انقلاب اسلامی نیست.

### فهرست منابع :

-امام خمینی (۱۳۸۹) صحیفه امام ، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

-پایگاه رسمی سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس <https://defadocs.ir> (۲۰۱۵)

-پایگاه رسمی نشر اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n>  
-پرنده نو پرواز (۱۳۸۳) اسامی و مشخصات اعدام و کشته شدگان اتحادیه کمونیستها

-خانی، مهدی (۱۳۹۵)، تجربیاتی از حماسه آمل؛ ششم بهمن ۱۳۶۰، آمل: پایگاه اطلاع رسانی حماسه آمل، مجتمع فرهنگی عاشورا  
-شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

-فروزنده لطف‌الله (۱۳۹۹) ارائه الگوی نهادسازی در انقلاب اسلامی بر اساس گفتمان امام و رهبری، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک سال هجدهم، شماره ۹۷، بهار ۹۹  
- محمدی‌فر، مهدی (۱۳۹۵)، جبهه شمالی، مروری بر عملکرد قرارگاه حضرت ابوالفضل (ع) در مدیریت بحران جنگل، سرو سرخ، ساری  
-مرکز اسناد ستاد مردمی حماسه اسلامی آمل، (۱۴۰۲)

-مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن آمل، تدوین اولیه زندگینامه شهید علی اوسط محمدی (۱۴۰۲)

## «راه گم کردگان جنگل و گسست از نهضت معنا گرایی انقلاب ۱۳۵۷»

به بهانه رویداد ۶ بهمن ۱۳۶۰ شهر آمل

روزبه نوری اسفندیاری<sup>۱</sup>

محمدتقی قزلسفلی<sup>۲</sup>

### چکیده:

بر کسی پوشیده نیست انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ماحصل سال‌ها مبارزات بخش بزرگی از اقشار جامعه ایران بوده، که همواره به دنبال تحقق اهداف آرمانی خود از فردای انقلاب مشروطه می‌گشته است. هدفی که خیر عمومی و سیاسی آن نه صرف مظاهر مادی، بلکه جستجوی معنا بوده است. بی دلیل نیست که فیلسوف معاصر فرانسوی، میشل فوکو گفته بود «انقلاب اسلامی ایران به مثابه دمیده شدن روح قدسی در کالبد جهان بی روح» زمانه ما بوده است. او معتقد است؛ انقلابی که حتی اقشار مرفه جامعه در آن حضور دارند، نمی‌تواند تنها زمینه مادی داشته باشد، این همان چیزی بود که آن را از انقلابات مدرن پس از فرانسه مثل انقلاب روسیه ۱۹۱۷ و انقلاب دهقانی چین ۱۹۴۹ متمایز و متفاوت می‌کرد و بدون شک «معنا گرایی» شاخصه اصلی این تمایز بوده است. جامعیت این نهضت معنا گرا، طبعاً گروه و جریان‌های سیاسی مختلف با گرایش‌های گوناگون را در خود جا داده بود که هر کدام به نحوی آرمان‌های خود را در آن می‌یافتند و برای تحقق آن تلاش می‌کردند. شرایط طبیعی انقلاب و اتفاقات پس از آن سبب پاره‌ای از جدایی‌ها میان جریان‌های انقلابی گشت که زمینه را برای برخی از رخداد‌های مهم تاریخی ما ایجاد کرده بود. واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ را می‌توان به مثابه گسست یکی از جریان‌های سیاسی انقلابی، از این رودخانه خروشان معنا گرایی به شمار آورد. در این مقاله بصورت تحلیلی خواهیم پرداخت که چه ویژگی‌هایی انقلاب اسلامی ایران را «معنا گرا» ساخته که زمینه‌های جدایی و گسست یکی از جریان‌های انقلابی را به واسطه رویداد ششم بهمن ۱۳۶۰ شهر آمل فراهم نموده است.

**واژگان کلیدی:** معناگرایی، اثبات گرایی، انقلاب اسلامی، ۶ بهمن ۱۳۶۰، آمل،

مدرنیت

---

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.

[Roobehnooriesf@gmail.com](mailto:Roobehnooriesf@gmail.com)

<sup>۲</sup>دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. [m.t.ghezel@gmail.com](mailto:m.t.ghezel@gmail.com)

## ۱. مقدمه:

بر کسی پوشیده نیست انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ماحصل سال‌ها مبارزات بخش بزرگی از اقشار جامعه ایران بوده، که همواره به دنبال تحقق اهداف آرمانی خود از فرادای انقلاب مشروطه می‌گشته است. هدفی که خیر عمومی و سیاسی آن نه صرف مظاهر مادی، بلکه جستجوی معنا بوده است. انقلاب‌ها همواره فرصت مناسبی را جهت تحقیق، مطالعه و بررسی درستی نظریات گذشته، برای اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی ایجاد می‌کنند. انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود و حتی از پیش از وقوع انقلاب، مرکز توجه پژوهشگران و اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است. یکی از علل اصلی این توجه ویژه، زیر سوال رفتن بسیاری از نظریات سنتی پیرامون زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب‌ها و لزوم بازنگری در مطالعات و پژوهش‌های گذشته بوده است. چنان‌که «تدا اسکاچ پل» جامعه‌شناس و نظریه پرداز آمریکایی در این باره می‌گوید: «انقلاب‌ها می‌آیند و نه اینکه ساخته شوند ولی انقلاب اسلامی ایران این قاعده را به هم زد چون صرفاً نیامد، بلکه به صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد» (Skocpol, 1982, 266-267) او ادامه می‌دهند که «اراده دینی» علت این استثنایی بودن انقلاب ایران و نقض‌کنندگی آن در ارتباط با قواعد سنتی انقلابات اجتماعی گذشته بوده است. فیلسوف معاصر فرانسوی؛ میشل فوکو، در بحبوحه انقلاب ۱۳۵۷ چندین بار به ایران سفر کرد تا تحولات پیرامون این رویداد را از نزدیک مورد بررسی قرار دهد و طی گزارشات متعدد به عنصری خاص و نو در این نهضت بزرگ رسید که بشدت او را تحت تاثیر قرار داد، تا جایی که عنوان داشت: «انقلاب اسلامی ایران به مثابه دمیده شدن روح قدسی در کالبد جهان بی روح» زمانه ما بوده است. (فوکو، ۱۳۷۹) او معتقد است انقلابی که حتی اقشار مرفه جامعه در آن حضور دارند، نمی‌تواند تنها زمینه مادی داشته باشد. این همان چیزی بود که آن را از انقلابات مدرن پس از فرانسه مثل انقلاب روسیه ۱۹۱۷ و انقلاب دهقانی چین ۱۹۴۹ متمایز و متفاوت می‌کرد که جدا از تغییرات سیاسی، منازعات طبقاتی و دهقانی در آن‌ها نقشی کلیدی داشتند و بدون شک «معناگرایی» شاخصه اصلی این تمایز انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران بوده است. جامعیت این نهضت معناگرا، طبعاً گروه و جریانات سیاسی مختلف با گرایشات گوناگون را در خود جا داده بود که هر کدام به نحوی آرمان‌های خود را در آن می‌یافتند و برای تحقق آن تلاش می‌کردند. شرایط طبیعی انقلاب و اتفاقات پس از آن سبب پاره‌ای از جدایی‌ها میان جریانات انقلابی گشت که زمینه را برای برخی از رخداد‌های مهم تاریخی ما ایجاد کرده بود. واقعه



ششم بهمن سال ۱۳۶۰ را می توان به مثابه گسست یکی از جریانات سیاسی انقلابی، از این رودخانه خروشان معنا گرایی به شمار آورد.

قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست را می توان دوران سلطه اندیشه و فلسفه اثباتی نامید. اثبات گرایی که اساسا داعیه ی مطالعه ی علمی امور را داشت، بر آن شد با بهره گیری از نظریه های متفکران سده نوزدهمی چون آگوست کنت، اسپنسر و دیگران، ضمن استقرار فلسفه اجتماعی مدرن، در پی تدوین مبنای شناختی باشد که بر اساس آن معقولات اجتماعی-اخلاقی نادیده گرفته شود و خود را به ساختن وضعیتی که در آن انسان ها مانند اشیا طبیعت، ضرورتا به حالتی قابل محاسبه رفتار می کنند، محدود کند. این جدایی عرصه نظریه پردازی علمی از اخلاق و مولفه ها و برساخته های غیر مادی، امکان هدایت یک زندگی خوب و عادلانه را با امکان یک زندگی راحت در نظم درست، جابجا کرد. در نتیجه دسته بزرگی از گزاره هایی که پوزیتیویسم آن ها را بی معنا می دانست، که در حقیقت شامل ایده هایی بودند که می توانستند به فهم ما از رفتار اجتماعی و وضعیت غیر مادی زندگی انسانی کمک نمایند، از چارچوب تنگ اثباتی حذف شدند. (قرلسفلی، ۱۳۸۹) از سویی وقوع جنبش های اجتماعی جدید در نیمه دوم قرن بیستم و ارائه مطالبات تازه که پیشتر در جهت گیری سیاسی و فرهنگی گفتمان ماده گرای نیمه نخست قرن بیستم قابل تصور نبود، زمینه را برای شکل گیری اندیشه معنا گرا فراهم نمود. حال سوال این است که چه ویژگی هایی انقلاب اسلامی ایران را «معنا گرا» ساخته که زمینه های جدایی و گسست یکی از جریان های انقلابی را به واسطه رویداد ششم بهمن ۱۳۶۰ شهر آمل فراهم نموده است؟ برای پاسخ ابتدا شاخصه های اندیشه معناگرا را ذکر می نماییم و در ادامه به ویژگی های معناگرایانه انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

## ۲. ویژگی های اندیشه معناگرا:

### ۲-۱. خصلت فرهنگی اندیشه سیاسی معناگرا

به نظر می رسد موفقیت هر فلسفه سیاسی در حال و آینده مستلزم سه ویژگی باشد: این که بتواند اصول و آرمان های مطلوب در یک سازمان یا سامان سیاسی را تعریف کند. دوم آنکه به معنای سقراطی کانتی در خدمت نقد اجتماعی و پیشبرد آرمانهای اخلاقی و سیاسی باشد و سرانجام ایده ای از آینده ی مطلوب را هم پیش چشم داشته باشد. این بدان معناست که اندیشه ی سیاسی باید دارای خصلت نمونه وار بوده و به موضوع مورد تحقیق از جوانب مختلف نظر کند. چنان که به قول بیخو پارخ هر

چه دامنه‌ی آن وسیع‌تر و متضمن مسائل ضروری باشد، اعتقاد، آثار و داوری آن معتبرتر است. (پارخ، ۱۳۸۶، ۲۰۴) اگر بپذیریم که هدف از ایضاح و تدوین اندیشه سیاسی معناگرا، همانا جهت‌گیری هنجاری-اخلاقی در راستای زندگی نیک و عادلانه است و بر این اساس می‌تواند نگرانی از چالش‌های موجود را مرتفع نماید طبق ملاحظه‌ی پیش‌گفته، اولین ویژگی اندیشه سیاسی معناگرا یعنی بایسته‌های فرهنگی این مهم را برآورده می‌کند. از زاویه دید فرهنگی و غلبه تعابیر فرهنگی در نظریه‌ی سیاسی جدید می‌توان بر مبانی ماده‌گرایانه اندیشه پیشین این نقد را وارد کرده که یکی از دلایل زوال آن باد سری و عدم توجه به ضرورت‌های نوین بوده است. به نظر میرسد از جنبه‌ی اولویت فرهنگ در اندیشه‌ی معناگرا مهم‌ترین مسئله تعامل میان باورهای فرهنگی است. هنجارهای اخلاقی معمولاً از هنجارهای فرهنگی تفکیک‌ناپذیر اند. اندیشه‌ی معناگرا به گفت و گوی فرهنگی که بتواند در برگرفته و پذیرای شباهت‌ها و تفاوت‌های تمام سنت‌ها باشد، نگاه مثبت دارد. بافت معنا محور اندیشه‌ی جدید آن را مسئولیتی برای رهبران دینی، معلمان، دانشگاهیان، روشنفکران، رهبران اجتماعی، نویسندگان، هنرمندان و طیف وسیع شهروندان عادی می‌داند. به اعتقاد نگارنده استلزامات اندیشه‌ی معناگرا با توجه به علایق، فرهنگی می‌تواند عبارت باشد از تحقق هر چه بیشتر گفت و گوی پایدار، فهم تاریخی از تاریخ هم چون محل تلاقی تجربیات. مشارکت بین تمدن برای پیشگیری از سولپسیسم یا من‌محوری فرهنگی، فکری و کشوری که معضله‌ی اندیشه‌ی ماده‌گرا بود و در مقابل دعوت به برخی خیرهای بنیادین و پایدار. (قزلسفلی، ۱۳۸۹)

## ۲-۲. رویکرد فرا اثباتی

در بخش نخست ملاحظه کردیم که چگونه اثبات‌گرایی به دلیل رویکرد صرف تجربه‌گرا و علم‌بارگی نتوانست فهم مناسبی از اندیشه و عمل انسانی و بافت چندلایه‌ی ذهن و عمل آدمیان به دست دهد. بر این اساس میتوان فرا اثبات‌گرایی را فرصتی برای نقد تجربه‌گرایی و اتکا بیش از حد به علم تلقی کرد نقد علم زدگی و فلسفه‌گرایی به معنی فاصله گرفتن از مطلق‌انگاری‌های فلسفی یا علمی است. در همین حال با شالوده‌شکنی از دوانگاری علم و فلسفه، سبب تقویت و گسترش فضای بیناذهنی می‌شود. امری که خود زمینه‌ی مناسب برای فهم و معنای بیشتر خواهد شد. (معینی، ۱۳۸۵، ۱۰) فرا اثبات‌گرایی با گذار از رهیافت طبیعت‌گرا-ماده‌گرا، بر آن است به منظور فهم پدیده‌های معنادار، نیازمند استفاده از تفسیر‌گرایی برای روشن کردن معانی و ارزش‌ها باشد. (قزلسفلی، ۱۳۸۹)

### ۳-۲. توجه به اخلاق

میلیون ها بی خانمان و مهاجر، افزایش رفتارهای شرارت بار همچون بزهکاری و قاچاق مواد مخدر، وحشت از خشونت های قومی تا انواع حرکت های تروریستی همگی نشانه هایی از ضعف و نارسایی اخلاق و جست و جوی امر معنا و متعالی در دل حیات مادی شده است. در طول یکی دو دهه ی گذشته برخی از متفکران با اذعان به چنین کاستی هایی از منظری معناگرایانه دغدغه های خود را به خوبی مطرح کرده اند. برای مثال سون اریک لیدمن در کتاب در سایه آینده (۱۹۹۷) نشان داده است از سال های پایانی قرن گذشته چهره های بزرگ فلسفه و سیاست به شرایط ناعادلانه و کاستی های ناشی از توجه صرف به امور مادی نقدهایی وارد کردند. ولی در عین حال نظریه انتقادی هنجاری را فرصت مناسبی می داند تا با رویکردی اخلاقی، وضعیت ناعادلانه را گوشزد کند. الریش بک در کتاب «جامعه پر خطر» (۱۹۸۶) از وضعیت پر مخاطره ای سخن گوید که در آن هر تلاشی حتی اگر مبتنی بر امر خیر باشد خطری در پی دارد. فعالیت های خرد فردی نیز در چنین جامعه ی غیر قابل انعطافی با اختلال دائمی رو به رو می شود که به قول او، فقر بیکاری و فلاکت را در پی داشته است. (لیدمن، ۱۳۷۸، ۵۵۱) حال از آنجا که اندیشه سیاسی معناگرا با کشف و به کار گیری اندیشه هنجاری اخلاقی در عرصه معرفت و عمل سیاسی سروکار دارد، بهتر است به امکان و ظرفیت آنچه می تواند انجام شود پردازد. (مارش و استوکر، ۱۳۷۸، ۲۲) بر این اساس آگاهی از کاستی اخلاقی و هنجارهای پسا ماده گرایانه در دوران جدید ضروری شده به قول راولز اهمیت فلسفه ی سیاسی اخلاقی هم برجسته می شود. مقوله ای که از منظر وضعیت استثنائی کنونی بهتر است بر مسائل به شدت مناقشه برانگیز توجه کند و این درک را پی بگیرد که آیا می توان نوعی مبنای بنیادین توافق فلسفی و اخلاقی را کشف کرد یا نه (راولز، ۱۳۸۳، ۲۲).

### ۳-۳. همبستگی با اندیشه الهیاتی

وقایعی مانند جنگ های جهانی، جنگ سرد و خطر زمستان اتمی از یک سو، نابودی ارزش های انسانی و در نتیجه آن گسترش فقر، بی عدالتی و معضلاتی از این دست را می توان از چالش های اندیشه اثبات گرا، ماده باور و فایده گرا دانست که با اصالت قائل شدن برای عقل ابزاری بشر، رویداد های غم باری را برای انسان معاصر پدید آورده است. در چنین شرایطی نیاز به اندیشه و فلسفه الهیاتی همچنان برای انسان معاصر جذاب و تسلی بخش است. از این رو یکی از ویژگی های نیمه دوم سده بیستم را می توان بازگشت به الهیات و اندیشه های خدا باورانه به مثابه معناگرایی نام برد،

چنان که محرک و انگیزه انقلاباتی از جمله انقلاب اسلامی ایران نیز بوده است. پیر بلانشه و کلر بریر، دو نفر از خبرنگاران روزنامه لیبراسیون (Liberation) در کتابی به نام «انقلاب به نام خدا» (۱۳۵۸) معتقدند که انقلاب ایران، در تاریخ انقلاب‌های جهان بی نظیر بوده و با هیچ معیار و ملاکی جز با اراده ملی و قدرت مذهبی قابل سنجش نیست. پیرو همین عنوان، حامد الگار (۱۳۶۰) نیز در کتاب «انقلاب اسلامی در ایران»، انقلاب اسلامی ایران را انقلابی در راه تعالی‌جویی مردمان مسلمان می‌داند، انقلابی به نام و برای خدا، انقلابی که ریشه در تاریخ تحولات چند قرن ایران داشت.

پیش از پرداختن به مضمون‌های اصلی این بخش باید به مرور مختصر شرایط اجتماعی - سیاسی ایران در دوره بین انقلاب مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی بپردازیم.

### ۳. تحلیل تاریخی زمینه‌های انقلاب معناگرایی اسلامی در ایران

#### ۳-۱. دوران تسلط اندیشه اثبات‌گرا (از مشروطه تا قیام سال ۱۳۴۲):

نخستین رویارویی فکری ایران با مدرنیت مانند بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم در اواسط قرن نوزدهم به صورت واکنشی نسبت به تهاجم امپریالیستی ای آغاز شد که در ابتدا روسیه تزاری و بریتانیا به آن دست زدند. روشنفکران و اصلاحگران در تلاش‌های خود برای رویارویی با این تهاجم، دو وجه از مدرنیت را که در دسترس‌شان بود اخذ کردند. وجه «اثبات‌گرا» که بر مقولاتی چون فن‌آوری و دیوان‌سالاری کارآمد که در مدرنیت غرب یافت می‌شد، تأکید داشت؛ و وجه فرهنگی مدرنیت، که بر جنبه‌های دموکراتیک تر تمدن مدرن تکیه می‌کرد. این رویکرد دوگانه به مدرنیت، مشخصه بخش عمده تجربه ایران از مدرنیت بوده است، گرچه وجه اثبات‌گرا در بیشتر این تاریخ نسبتاً کوتاه وجه دموکراتیک را در سایه قرار داده بود. (وحدت، ۱۳۸۲)

انقلاب مشروطه نتیجه ائتلاف نیروهای اجتماعی گوناگون، از جمله روشنفکران کم و بیش غیرمذهبی، مقام‌های دولتی اصلاح‌طلب، تجار بازار و برخی از روحانیون بود که برای براندازی رژیم کهنه و ایجاد نظامی جدید با تکیه بر میراث فکری ای متأثر از مدرنیت، گرد هم آمدند. پس از پیروزی نهضت مشروطه، جنگ داخلی، مداخله و اشغال نظامی خارجی، فرقه‌گرایی و کشمکش‌های افراطی سیاسی، دشمنی و نزاع میان طوایف و تسلط آنها بر سیاست، و پیدایش جنبش‌های جدایی‌خواهانه که بر

حقوق قومی تازه کشف کرده خود پافشاری میکردند، کشور را وارد دوره هرج و مرج و از هم گسیختگی کرده بود. این عوامل از هم گسیختگی و هرج و مرج صحنه را برای پیروزی گسترده وجوه اثبات گرای مدرنیته فراهم نمود. از سویی آگاهی فزاینده از عقب ماندگی فنی و اقتصادی ایران در برابر اروپا و ایالات متحده، روشنفکران ایرانی را در ورطه بینشی تک ساحتی نسبت به مدرنیته و حرکت به سوی پذیرش کامل جنبه های اثبات گرایانه تر آن کشاند و زمینه تسلط ذهنیت اثبات گرا در فرهنگ، جامعه و دولت را ایجاد نمود و این پدیده چنانچه خواهیم دید جلوی توسعه جامعه مدنی را گرفت. در چنین فضایی بود که رضا خان میر پنج با حمایت انگلستان برای استقرار یک دولت مرکزی مقتدر که بتواند منافع آنان را تامین کند، در سال ۱۲۹۹ دست به کودتایی علیه سلطنت قاجار زد که زمینه را برای به قدرت رسیدن او در سال ۱۳۰۴ ایجاد نمود. یکی از چند صدای مخالف افول اندیشه و نهادهای دموکراتیک از آن محمد مصدق نخست وزیر لیبرال آینده ایران بود، که در اوایل دهه ۱۳۳۰ بار دیگر کوشید دموکراسی را در ایران احیا کند اما قربانی کودتایی شد که سیا صحنه گردان آن بود و به سقوطش منجر شد. در سال ۱۳۰۴، مصدق مخالف انتقال سلطنت به رضاخان بود و هشدار می داد که یک پادشاه مقتدر و غیر مسئول در برابر هر شکلی از حاکمیت مردم، اصول قانون اساسی را که در جریان انقلاب مشروطه خون زیادی به خاطر آن ریخته شده بود، نقض خواهد کرد. (مصدق، ۱۳۰۴، ۳۳ - ۲۲۸) اصلاحات رضاخانی، پیاده سازی مظاهر مدرنیته به دست دولت مرکزی مقتدر و یکپارچگی کشور ابتدا با استقبال بسیاری از گروه های تحول خواه مواجه شد اما دیری نپایید که اصرار بر مدرن سازی ظاهری و عامرانه با تاثیرات مخرب آن بر ریشه های اجتماعی و فرهنگی بخش بزرگی از مردم ایران، بستن فضای سیاسی کشور، بازداشت، شکنجه و قتل آزادیخواهان، آرمان های اولیه انقلاب مشروطه؛ یعنی حق سهم بودن مردم در سرنوشتشان را به ورطه نابودی کشاند. پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و به روی کار آوردن محمدرضا پهلوی به وسیله متفقین، به علت ضعف اقتدار شاه جوان فضای سیاسی کشور کمی باز شد و شرایط برای فعالیت بسیاری از احزاب فراهم گشت. این شرایط کم و بیش تا زمان نهضت ملی شدن ادامه پیدا کرد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی گرای مصدق، آرزو های بسیاری از آزادیخواهان و روشنفکران را که به زنده نگهداشتن میراث انقلاب مشروطه امید داشتند، به یاس تبدیل کرد.

**۳-۲. خیزش معناگرایی (از قیام ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی):**

از ۱۳۳۲ که کودتای سازمان داده شده از سوی سیا دولت به صورت دموکراتیک برگزیده شده محمد مصدق را سرنگون کرد و محمدرضا پهلوی را بر مسند قدرت بازگرداند تا ۱۳۴۲ دوره تحکیم فزاینده رژیم پهلوی و تسلط ایالات متحده بر ایران محسوب می‌شود که با فعالیت‌های پراکنده مخالفان همزمان بود اما پس از ۱۳۴۲، به ویژه پس از قیام هواداران آیت‌الله خمینی در تابستان همان سال و سرکوب خونین آن، رژیم شاه شاخک‌های قدرت دولتی را به هر گوشه جامعه مدنی گسترش داد. رژیم بهره‌خوار محمدرضا پهلوی که به درآمدهای فزاینده نفتی و دریافت کمک ژئوپلیتیکی از ایالات متحده متکی بود هرگونه اظهار نظر سیاسی را ممنوع ساخت و مشارکت سیاسی همه طبقات و گروه‌های اجتماعی را به شدت محدود کرد. در خرداد ۱۳۴۲ دو سال پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی و در سالگرد شهادت امام حسین که در جامعه شیعی پراحساس‌ترین روز سال است، آیت‌الله خمینی به خاطر تهاجم عوامل رژیم شاه به مدرسه فیضیه قم چند هفته پیش از آن و کشتن عده‌ای از طلاب، حملات لفظی خود را متوجه رژیم کرد. دو روز پس از آن بازداشت شد و از پی آن شورش‌های گسترده‌ای در شهرهای مختلف رخ داد که با سرکوب خونین نیروهای مسلح شاه مواجه گردید. آیت‌الله خمینی پس از چند ماه از زندان آزاد شد. در پاییز ۱۳۴۳ دولت آمریکا به طور ضمنی واگذاری یک وام کلان را مشروط به کسب مصونیت دیپلماتیک برای پرسنل و وابستگان نظامی خود در ایران کرد، اقدامی یکجانبه، که دست کم به طور نمادین حاکمیت ایران را خدشه دار می‌کرد. وقتی مجلس با این خواسته همراه شد، امام خمینی (ره) وضعیت را انفجار آمیز یافت و آحاد جامعه و علمای دینی را به واکنش قاطع فراخواند. او را بلافاصله تبعید کردند نخست به ترکیه و یک سال بعد به شهر مقدس نجف در عراق، او در آنجا دور از گزند حکومت ایران به منابع گسترده دینی، اقتصادی و سیاسی جامعه شیعی در داخل و خارج ایران دسترسی یافت. آیت‌الله خمینی در تبعید گفتمان انقلابی خود را علیه پادشاهی ایران، غرب، استعمار، صهیونیسم و اسرائیل به تدریج و تا بازگشت پیروزمندانه اش به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ ترویج کرد، که به انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی منجر شد.

#### ۴. سرچشمه های معنا در انقلاب اسلامی ایران:

همانطور که در ابتدا عنوان شد و در سیر تاریخی سال های منتهی به انقلاب مشهود است، شاخصه اصلی تمایز انقلاب ایران از سایر انقلاب های مدرن، وجود بن مایه های معناگرایانه بویژه تکیه بر آموزه های دینی در گفتمان رهبران، چهره های شاخص انقلاب اسلامی، اندیشمندان و طرفداران جریان اسلامی پیش از انقلاب (که زمینه های فکری شکل گیری انقلاب اسلامی را پایه گذاری کرد) و حتی بعد از آن می باشد.

**امام خمینی (ره)**، به عنوان یک مرجع تقلید شناخته شده و یک انقلابی پارسا مهم ترین و اصلی ترین نماد معنا گرایی به شمار می رود. او از سال های پیش از انقلاب به بررسی و نقد چالش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با تکیه بر آموزه های شیعه می پرداخت و با توجه به جایگاه ویژه فرهنگ تشیع در نزد آحاد ملت ایران، بیش از هر جریان فکری دیگری در دل و جان مردم نفوذ می کرد. مهم ترین تفاوت اندیشه امام خمینی و جریانات مسلمان هوادار آن توجه ویژه به معنویات، کمالات و اخلاقیات انسان در کنار نیاز های مادی او بود. «آنان که در طلب قدرت و کمال دنیوی اند نمیفهمند که در تمام فطرت ها بلا استثنا عشق به کمال مطلق، عشق به خداست. عذاب برای این است که ما نمی فهمیم ما جاهلیم عوضی میگیریم.» (خمینی، ۱۳۶۰، آ، ۷۶-۷۸). آیت الله خمینی حرکت از طبیعت به سوی قلمروی عالی تر را مد نظر داشت. او در تفسیری عرفانی از نخستین سوره قرآن نوشت: تمام عبادت وسیله است، تمام ادعیه وسیله است، همه وسیله ای برای این است که انسان این لبابش ظاهر بشود، آن که بالقوه است و لبّ انسان است به فعلیت برسد و انسان بشود آدم، انسان بالقوه بشود یک انسان بالفعل، انسان طبیعی بشود یک انسان الهی که همه چیزش الهی باشد. هرچه میبندد، حق ببیند، انبیا هم برای همین آمده اند» (خمینی، ۱۳۶۰، ب، ۵۱۴). به عقیده ایشان، «اسلام به قانون نظر عالی دارد، یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه میداند وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می داند قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است.» دل بستگی آیت الله خمینی به رشد اخلاقی توده ها حتی در سال ۱۳۲۳ نمایان بود، یعنی در زمانی که در پاسخ به برداشت کسروی از مدرنیت در کشف الاسرار اظهار داشت که تنها دین میتواند نظرهای محدود مردم را از این چهار دیوار کوچک جهان مادی به یک فضای غیر متناهی جهان نورانی غیبی ارتقا دهد (خمینی، ۱۳۲۳، ۲۷۶). همانطور که قابل ملاحظه است آیت الله خمینی،

عالم مادی به سوی قلمرو روحانی را اصل قرار میداد، حرکتی که هم فرد و هم جامعه باید انجام میدادند. از نظر آیت‌الله خمینی مسبب این خود باختگی و بی‌اصالتی انسان مدرن جدایی دیانت از سیاست بود که در مراحل اولیه اسلام آغاز شد و با دسایس استعمارگران تا زمان ما ادامه یافته است. از این رو معقول‌ترین وسیله عملی ساختن هدف‌های برآورده نشده اسلام، تأسیس حکومت اسلامی به منظور اجرای احکام اسلامی بود.

**دکتر علی شریعتی** از دیگر نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بود. شریعتی نگرشی نوین به تاریخ و جامعه‌شناسی اسلام عرضه کرد. او بازگشت به تشیع حقیقی و انقلابی را نیرویی برای تحقق عدالت اجتماعی قلمداد می‌کرد. علی شریعتی به نوعی «سفر خداگونه» از سطح «پست» طبیعت و ماده به عالی‌ترین سطح کمال نزدیک به سطح خداوندی معتقد بود. از نظر او، کمال جامعه (امت) تجسم این حرکت بود. تعریف او از امت عبارت است از جامعه‌ای که افرادش تحت یک رهبری بزرگ و متعالی، مسئولیت پیشرفت و کمال فرد و جامعه را با خون و اعتقاد و حیات خود حس می‌کنند و متعهدند که زندگی را نه «بودن» به شکل راحت بلکه «رفتن به سوی بی‌نهایت تلقی کنند و به سوی «کمال مطلق»، دنیایی مطلق، خودآگاهی مطلق، کشف و خلق مداوم ارزشهای متعالی... و این است معنی عمیق و انقلابی «إنا لله و إنا الیه راجعون»، ما به خاطر خداییم و به سوی او باز می‌رویم (شریعتی ۱۳۵۸ ب، ۵۱-۵۰). شریعتی عقیده داشت برای آن که جامعه ایده‌آل به هدف تعالی خود دست یابد، «امامت» (رهبری) ضروری است. او با طرح رابطه‌ای معنایی بین «امت» و «امامت»، امامت را رهبری جامعه در تعقیب هدف هستی‌شناختی‌اش تعریف می‌کرد. امت یک جامعه در حال «شدن» و «رفتن» به سوی تعالی مطلق است. امامت رژیم‌ساز است که امت را در این راه هدایت می‌کند و راه می‌برد (شریعتی ۱۳۵۸ ب ۵۲). شریعتی بر پایه این مقدمات، دو نوع اساسی سیاست را از هم متمایز می‌داند نوع اول در غرب مدرن یافت می‌شود که آن را «پلیتیک» می‌نامند؛ که نوع دوم در شرق یافت می‌شود «سیاست» نامیده می‌شود که معنای ضمنی‌اش تربیت و هدایت است. در پلیتیک، حکومت وظیفه‌اش زمامداری و اداره امور کشور است و در زمینه هرگونه اصلاح اجتماعی، ارتقای آگاهی عمومی، اصلاح طرز فکر جوانان و بهبود وضع اخلاقی مردم هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد، برعکس در «سیاست» که با مفهوم سازی شریعتی در مورد «امت» سازگار است، حکومت وظیفه دارد که مردم را از وضع روحی، اخلاقی



فکری و اجتماعی ای که اکنون دارند به وضع روحی، اخلاقی، فکری و اجتماعی که ندارد و باید داشته باشد منتقل کند.» (شریعتی ب، ۱۳۵۸، ۴۲-۴۳)

**مرتضی مطهری**، روحانی شیعه، استاد فلسفه و کلام اسلامی و تفسیر قرآن و از نظریه پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود. مطهری تاریخ را فرایند «خودیابی» انسان میدید که در آن او بر «مسخ» و «از خودبیگانگی» خویش فایق می آمد تا به واسطه خرد و آگاهی به خود اصیل خویش دست یابد. (مطهری، ۱۳۵۹، ۳۵-۳۶) او استدلال می کرد که مفهوم کانتی خودمختاری اخلاقی هم درست است و هم نادرست، درست به این معنا که در واقع قلب انسان این وظایف اخلاقی را به او الهام میبخشد اما نادرست به این معنا که وجدان انسان را مستقل از اعتقاد به خدا فرض می کند. مشکل کانت این بود که وجدان را تنها منشأ تکلیف توصیف می کرد، بدون آن که به منشأ غایی و الهی آن اشاره کند. (مطهری، ۱۳۶۶، ۱۲۹-۱۲۸) در گفتمان مطهری درست مثل گفتمان های امام خمینی و شریعتی مرحله غایی حرکت از طبیعت به فرا طبیعت سرانجام به فنای فاعل بالقوه در کل ختم می شود؛ در واقع از نظر مطهری وحدت مجدد قطره جدا شده از دریا، با دریا نمایانگر عالی تر هستی از آن فاصله میگرفت با فردیت پیوند می داد (وحدت، ۱۳۸۲): گرایشهای معنوی و والای بشر، زاده ایمان و اعتقاد و دلبستگی های او به برخی حقایق در این جهان است که آن حقایق هم ماورای فردی است، عام و شامل است و هم ماورای مادی است یعنی از نوع نفع و سود نیست. (مطهری، ۱۳۵۷، ۱۲) از منظر او عالی ترین مرحله انسان همان «خودآگاهی» است. مطهری پس از توصیف انسان به مثابه معمار و تصویرگر وجود خویش، بلافاصله می افزود که نهادهای دینی برای راهنمایی انسان... [در این] که آینده خودش را چگونه بسازد و چگونه شکل بدهد لازمند. (مطهری، ۱۳۵۸، ۲۶۹) مطهری به موضوع خلأ در عقل انسان نیز پرداخت با آن که انسان ممکن بود با کاربرد عقلانیت ابزاری خود به هدفهای معینی دست یابد اما این هدف ها را یا طبع حیوانی اش تعیین می کرد که قابل قبول نبود یا نیرویی بیرون از او که عقل او را در جهت تعالی سیر دهد. (مطهری، ۱۳۵۷) او نتیجه می گرفت که وحی خطوط اصلی هدف های عمل انسان را مشخص کرده است و عقل ما که دچار خلا و پوچی است تنها می تواند در این خطوط حرکت کند. (مطهری، ۱۳۵۷، ۴۳۴۶)

این ۳ شخصیت جریان ساز را می توان به درستی سرچشمه های معناگرایی و معماران نظری نهضت معناگرای انقلاب اسلامی ایران دانست. همانطور که اشاره شد، مشخصه اصلی اندیشه آنان جستجوی معنا بوده که بر آموزه های دینی استوار است.

همین مفاهیم و توجه ویژه به معنویات زندگی بشر برای تعالیست که انقلاب اسلامی ایران را متمایز نموده است.

رضا داوری اردکانی اندیشمند ایرانی که گاه به عنوان «فیلسوف جمهوری اسلامی» از او یاد می‌شود نیز اینگونه از رسالت تاریخی انقلاب اسلامی ایران پرده بر میدارد. داوری اردکانی در مقدمه فلسفه چیست؟ انقلاب اسلامی را واکنشی در مقابل غرب زدگی و نشانه ای از پایان عهد امپریالیسم و استیلای غرب و آغاز عهد تازه ای توصیف می‌کند که در آن دین باید آتش فاجعه غریزدگی را خاموش کند (داوری اردکانی، ۱۳۵۹، ۲۲-۲۳) او انقلاب اسلامی را تجدید عهد با خدا توصیف میکند، عهدی که مدرنیت آن را شکسته است انقلاب اسلامی... باید ندای بازگشت به صدر و تجدید عهد را در دهد این تجدید عهد مستلزم شکستن عهدی است که در غرب زدگی بسته ایم... [ما] به خدا پناه می‌بریم و در بستن عهد آینده از او یاری می‌خواهیم و این عهد، عهد بشر آینده و آینده بشر خواهد بود. (داوری اردکانی، ۱۳۵۹، ۲۳) داوری اردکانی، همانند کی‌یرکگور، طالب رضایت ابراهیمی به قربانی کردن پسر خود به عنوان بهای تجدید عهد با خداست و برای دستیابی به آن توصیه میکند ایرانیان تمام تعلقات دنیایی را قربانی کنند و به خدا تسلیم شوند. (داوری اردکانی، ۱۳۶۱، ۱۲۲) داوری اردکانی در سلک هواداران انقلابهای بزرگ جهان عنان تخیل خویش را رها می‌سازد و انقلاب ایران را انقلابی میدانند که به تمام انقلابهای عصر مدرن که از انقلاب ذهنیت الهام گرفته اند پایان خواهد داد: اگر قومی زنجیر این سیاست و سیاست زدگی را سست کند، در آستانه انقلابی قرار می‌گیرد که بالذات با انقلابهای دوره جدید متفاوت است. انقلاب فرانسه و تمام انقلابهای بعد از آن و حتی انقلابهای ملی و ضداستعماری ممالک تحت استیلا برای استقرار، تحکیم و تحقق حقیقت غرب بوده است. با این انقلاب ممکن است بشر عهد گذشته و فراموش شده را تجدید کند و به اعتباری بنای عهد جدیدی گذاشته شود. (داوری اردکانی، ۱۳۶۱، ۱۳۱)

## ۵. معنا پس از انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، وقوع آشوب و شورش های مقتضی شرایط پس از انقلاب و به ویژه وقوع جنگ تحمیلی و به دنبال آن نوع واکنش آحاد ملت ایران نسبت به این چالش ها در چنین بزنگاه های تاریخی گواه دیگری بر این مدعاست که انقلاب اسلامی ایران، نهضتی معناگرا بوده است.

### ۵-۱. جنگ تحمیلی به مثابه تثبیت معناگرایی:

با وقوع جنگ و تلاش رژیم بعث عراق برای اشغال اراضی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، مردم ایران که در شرایط متلاطم پس از انقلاب قرار داشتند با چالش جدیدی مواجه شدند. اینبار بر خلاف شهریور ۱۳۲۰ بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم برای مقابله با دشمن خارجی سلاح در دست گرفتند. بدون شک یکی از دلایل رویکرد متفاوت مردم ایران، تجربه تاریخی و تقویت ذهن و روح آنان در خلال پیروزی انقلاب معناگرایی اسلامی ایران بوده است. روحیه شهادت طلبی و دفاع از میهن بر باورهای مذهبی و ملی نشان داد که جنبش معناگرای ملت ایران که به بهمن ۱۳۵۷ منتج شد نه تنها تثبیت شده بلکه قوام نیز یافته است.

#### ۵-۲. ششم بهمن ۱۳۶۰؛ به مثابه چیرگی اندیشه معناگرا بر اندیشه ماده باور

در بهمن سال ۱۳۶۰ گروهی به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران»، تلاش داشتند با استفاده از شرایط ویژه شهر آمل که به واسطه وجود موانع طبیعی (جنگل، رودخانه و...) و نزدیکی با پایتخت اهمیت قابل توجهی پیدا کرده بود، با الهام از انقلاب مائو در چین دست به شورش بزنند. آنان اعتقاد داشتند مردم با توجه به شرایط ملتهب بعد از انقلاب در کنار آن‌ها خواهند ایستاد تا با تسخیر شهر آمل، راه را برای رسیدن به پایتخت و سرنگونی نظام نوپای جمهوری اسلامی باز کنند. اما برخلاف انتظارشان شورش آنان با حضور مردم شهر در صحنه و کمک به نیروهای نظامی سرکوب شد. این واکنش مردم شهر آمل زمینه‌های مختلفی داشت، از جمله: ۱- مردم ایران همچنان تحت تاثیر انقلاب معناگرای اسلامی و در سال‌های نخست جنگ با دشمن خارجی قرار داشتند که این اقدام کور احساسات مردم انقلابی را جریحه دار کرد. ۲- تفاوت‌های بنیادی میان دیدگاه معناگرای مردم و اندیشه ماتریالیستی احزاب چپ از جمله اتحادیه کمونیست‌های ایران وجود داشت. ۳- آمل؛ پایتخت علویان و یکی از نخستین مراکز شیعه تاریخ بوده است. به طور کلی باور تشیع، پیوند دیرینه و ریشه داری با ملت ایران داشته و از قضا این انگیزه مذهبی محرک بسیاری از وقایع تاریخی ایران از جمله ششم بهمن ۱۳۶۰ داشته است. طبعاً اندیشه‌های کمونیستی و ماده باور، با ریشه‌های تاریخی مردم (آمل) همخوانی نداشته است. به این ترتیب عدم درک و شناخت مناسب از زمینه‌ها و ماهیت انقلاب اسلامی ایران، یکی از گروه‌های انقلابی پیش از انقلاب را در مقابل نظام نوپای جمهوری اسلامی قرار داد. از این رو ششم بهمن سال ۱۳۶۰ واقعه «هزار سنگر» آمل را می‌توان به عنوان گسست یکی از جریان‌های انقلابی از نضت معناگرایی ۱۳۵۷ و به مثابه چیرگی اندیشه معناگرا بر اندیشه ماده باور، در نتیجه‌ی انقلاب اسلامی ایران قلمداد کرد.

در باب اهمیت این واقعه تاریخی، امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر این عده‌ای که در جنگل بودند اسلام را فهمیده بودند، حمله به آمل نمی‌کردند. این حمله در عین حالی که برای ما تأسف‌انگیز بود و عده‌ای از برادر های ما را از دست ما گرفت، لکن فهماند به این دسته‌های غیرانسانی که این‌طور نیست که شما خیال می‌کنید که اگر یک صدایی بلند کنید مردم با شما هستند. چطور یک مردم مسلمانی که دل بسته‌اند به اسلام و دل بسته‌اند به قرآن، و شهادت را برای خودش افتخار می‌دانند و هرکس شهیدی دارد برای خانمان خودش یک افتخاری می‌داند و هست، چطور امکان دارد که چند تا دزد سرگردنه و چند تا اشخاصی که هیچ از قرآن و اسلام اطلاع ندارند و هیچ ایمان ندارند، بیایند و یک شهر مؤمن را بخواهند به هم بزنند؟ این معنا واضح شد که مسأله آن‌طور نیست که این‌ها فکر کردند.» (خمینی، ۱۳۷۸)

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ششم بهمن سال ۱۳۸۸ پیرامون اهمیت این رخداد تاریخی فرمودند: «قضیه‌ی ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیت‌نامه‌ی تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند.» ایشان در ادامه فرمودند: «این سنگرها سنگرهای درون خیابانها نیست، این سنگر دلهاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان بانگیزه‌ی باشرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. آنچه که برای ما لازم است، این است که آحاد مردم، مسئولین، غیر مسئولین، بخصوص جوانها، بخصوص کسانی که سخن و حرفشان تأثیر دارد، احساس مسئولیت حضور در صحنه را از دست ندهند. هیچ کس نگوید من تکلیفی ندارم، من مسئولیتی ندارم؛ همه مسئولند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸)

همانطور که عنوان شد نکته جالب توجه و مشترک در این بیانات، عنصر کلیدی معنویت و اندیشه‌ی معناگرایانه نهضت سال ۱۳۵۷، انگیزه و محرک حماسه هزارسنگر آمل بوده است که در چارچوب تاریخ انقلاب اسلامی ایران قابل تحلیل و بررسیست.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران پاسخی در نتیجه تجربه تاریخی مردم ایران در مواجهه با مدرنیته که تحت تأثیر فلسفه اثباتی قرار داشت، بوده است. نهضت معناگرایی انقلاب اسلامی با شاخص خاص اراده دینی، از سایر انقلابات مدرن متمایز گشت. در این مقاله ویژگی‌های یک اندیشه‌ی معناگرا را بر شمردیم و نشان دادیم که چگونه

انقلاب اسلامی ایران تحت تاثیر اندیشه معناگرای شخصیت‌هایی همچون امام خمینی(ره) به کمک مردم پی‌ریزی شد و در نتیجه ماهیت معنوی نهضت مردم ایران در سال ۱۳۵۷ به واکنش معناگرایانه آنان در رویداد‌هایی همچون ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل منجر گشت.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- الگار، حامد (۱۳۶۰). *انقلاب اسلامی در ایران*، مترجمان مرتضی اسعدی و حسن چیدری، نشر قلم.
- بلانشه، پیر و بریر، کلر (۱۳۵۸). *ایران: انقلاب به نام خدا*، ترجمه قاسم صنعوی، نشر موسسه جغرافیایی سحاب.
- پارخ، بیخو (۱۳۸۶) *هانا آرنه در فلسفه و جامعه و سیاست*، ترجمه، گزیده: عزت الله فولادوند، تهران: نشر ماهی.
- خامنه ایی، سید علی (۱۳۸۸). *دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن*.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8678>
- خمینی، روح الله (۱۳۲۳). *کشف الاسرار*
- همان (۱۳۵۸). *ولایت فقیه*، تهران: انتشارات سپهر
- همان (۱۳۶۰). *مسائل سیاسی و حقوقی*. به کوشش عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران: انجام کتاب.
- همان (۱۳۷۸). *صحیفه امام خمینی*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ج ۱۶، ص ۱۰۶.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۹). *فلسفه چیست؟*، تهران: فرهنگستان فلسفه ایران.
- همان (۱۳۶۱). *انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم*. تهران: مرکز فرهنگی علامه طباطبایی.
- راولز، جان (۱۳۸۳) *عدالت به مثابه انصاف*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- شریعتی، علی (۱۳۵۸) *آ. تمدن و تجدد، سولون، اوهایو: انجمن دانشجویان مسلمان*.
- همان (۱۳۵۸) *ب. امت و امامت*، تهران: انتشارات قلم
- فوکو، میشل (۱۳۷۹) *ایران: روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر*، مترجمان: افشین جهاندیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- قزلسفلی، محمد تقی (۱۳۸۹). *زمینه ها و ویژگی های اندیشه ی سیاسی معناگرا، همایش معناگرایی، دانشگاه علامه طباطبایی سال ۱۲، شماره ۲۹*.
- مارش، دیوید و جری، استوکر (۱۳۷۸) *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.

- معینی، جهانگیر (۱۳۸۵). روش شناسی و نظریه های جدید در سیاست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- منوچهری، عباس (۱۳۸۶) *رهیافت و روش در سیاست*، تهران: انتشارات سمت.

- لیدمن، سون اریک (۱۳۸۷). *در سایه آینده*، ترجمه سعید مقدم، تهران: اختران.

- مصدق، محمد (۱۳۰۴). *نطق آقای دکتر مصدق*. آینده، سال ۱، شماره ۴ (آبان)

- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). *انسان و ایمان*، در مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: صدرا.

- همان (۱۳۵۸). *انسان در قرآن*، قم: همان.

- همان (۱۳۵۹). *قیامت و انقلاب مهدی از دیدگاه تاریخ*، همان.

- همان (۱۳۶۶). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا

- وحدت، فرزین (۱۳۸۲). *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: نشر ققنوس.

-Parekh,Biku(1994)" Cultural Diversity and Liberal Democracy",  
Beetham (ed)Defining and Measuring Democracy ,London: Sage.  
- Skocpol,Theda(1982) States and Social Revolutions: Cambridge  
University press







شماره‌ی نشر اسلامی ششم، بهمن و  
جمله‌ی بی‌مثال کشور



اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران



دفترکل شبکه‌های آموزشی مذهبی  
تلف: ۰۲۱-۳۸۴۳۳۳۳۳



اداره‌کل آموزش پرورش مازندران



مداوری‌های مرکز مازندران



سپاه کربلا مازندران



دانشگاه مازندران



وزارت کشور  
استانداری مازندران